



دائرة و مجله

دور غومي او سلواغه مياشتي

د ۱۳۵۱ کال

لسمه او يوو لسمه څپه

اعليحضرت معظم همایونی سر قوماندان اعلی اردوی شاهي افغانستان چينیکه بعد از اداي نماز عيد سعيد اضحي
از مسجد جامع ارگت تشریف فرما ميشوند :





فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده یا مترجم	عنوان
آ	اداره	مسافرت ذات شاهانه
اول	جگرن فیض محمد عاطفی	سال ۱۹۷۳ و صلح جهان
۳	راپور ترمجله	بازدید از شفاخانه مرکزی اردو
۱۰	»	مراجعت والا حضرت شهبزاده
۱۱	»	مراسم توزیع شهادتنامه ها
۱۹	تورن جنرال عبدالرؤف رسول	بنیان گذاران قوای مدافعه ملی
۲۵	جگتورن علی احمد جلالی	نظریات کلاوزوویچ در عصر حاضر
۳۱	دیپلوم انجنیر غلام رسول	توپچی در قرن راکت
۳۴	جگرن محمد یونس غمکنی	تخنیکی بودند اوروزنه
۳۶	دکتر محمد داود بار کزایی	تداوی و وقایع سوختگی ها در سفر و حضر
۴۲	لمری بریدمن صابر احمد صبوری	قتال و خطا لسیران در طول تاریخ
۴۷	جگرن حاجی فتح محمد نورزائی	دیو گندا دجهوریت پیژنده
۴۹	لمری بریدمن دیپلوم انجنیر سروری	عملیات قوای هوائی
۵۲	عاطفی	چکیده های هنر
۵۴	آقا محمد بیغرض	په بخان دا دینه اود عمل ثبات
۵۵	لمری بریدمن محمد اکبر	اساسات فزیکی ساختمان سلاح ذروی
۶۲	جلالی	جهان غرب و شرق مهانه
۶۷	تورن سید جلال	جیو بولتیکز
۷۰	جگتورن حبیب الرحمن مزاروال	د فلسطین بی کوره ولس
۷۵	جگتورن دیپلوم انجنیر عبداللطیف	تاریخچه طیارات میگ
۷۹	بشیر کبیر	بلوکاد (محاصره)
۸۳	لمری بریدمن دکتر رشیر احمد زاهدی	کلام و تشوشات آن
	دیپلوم انجنیر لمری بریدمن عسکر	لارینودل شوی گولی و پیژنی
۸۶	مورگن شنواری	دسیمه نیز امتیت په تامین کی
۹۶	تورن گل زرگ زدران	سن انتقالی از جوانی به پیری
۹۹	محمد اسمعیل اختیاری	تراژومی چاودنی و روسته
۱۰۲	جگتورن زر محمد	استفاده از شعاع لازر
۱۰۸	دگرمن غلام محمد	اردو در خدمت اجتماع
۱۱۲	تورن ظریف صدیقی	انفلونزا
۱۲۶	جگتورن دکتر حفیظ الله نادری	تامین صلح جهانی و تقلیل قوا
۱۲۸	تورن شمس الدین ظریف صدیقی	درمهای از جنگ ویتنام
۱۳۵	محمد صدیق زهپو	انکشاف نقب و نقب گذاری
۱۴۱	جگرن غلام رضا	اطلاعات دفاعی
۱۴۴	جلالی	ما و خوانندگان
۱۴۷	عاطفی	جهان در یک ماه اخیر
۱۵۱	تورن عبدالغیاث بیدار	اخبار اردو
۱۵۵	اداره	

قابل توجه علاقه‌مندان:

علاوه بر مضامین ساینس و تاریخ افغانستان مضامین
مسئله‌ی ذیل نیز از طبع برآمده است:

۱- توپچی زمینی

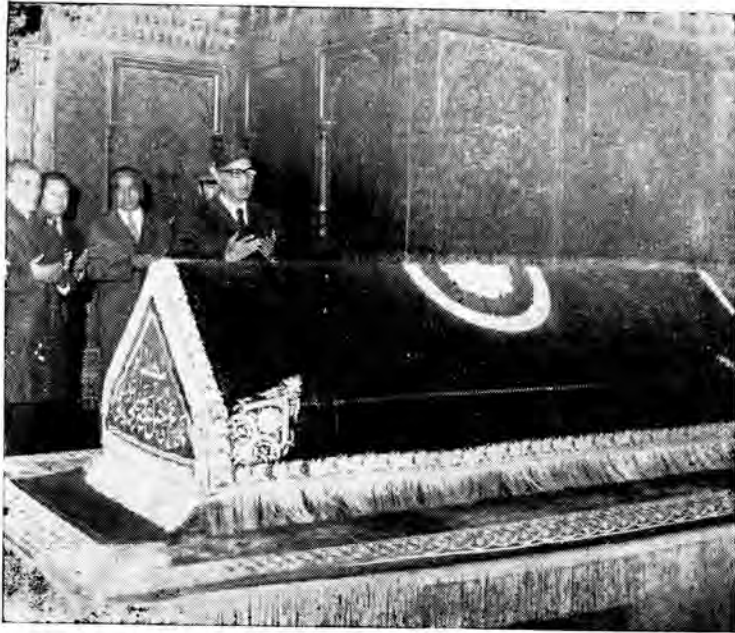
۲- توپچی دافع هوا

۳- لوژستیک

شایقین نوت‌های کانکور می‌توانند اثرات مذکور
را در بدل قیمت معینه، از آدرس ذیل بدست آورند:

مدیریت عمومی نشریات
مطبعه دفاع ملی
ولی مینه

تصحیح: در صفحه (۶۲) شماره نهم در شرح عکس
چنین خوانده شود:
مارک اسپیتز که به تمهائی ۷ مدال طلا بدست آورده
است.



اعلیحضرت معظم هما یونی هنگامیکه بر مزار اعلیحضرت
احمد شاه بابا اتحاف دعا میفرمایند

سفر اعلیحضرت معظم هما یونی به

ولایات کندهار و هیرمند

اعلیحضرت معظم هما یونی در
حوالی ساعت ۱۲۰۰ روز ۲۵ جدی ذریعه
طیاره سلطنتی تشریف فرمای کندهار
شدند و الاحضرت شهزاده شاه محمود
و الاحضرت شهزاده داود پشتونیار
درین سفر با ذات شهریاری همراه
بودند برای وداع با اعلیحضرت
معظم هایونی در میدان هوایی
بین المللی کابل و الاحضرت جنرال
سردار عبدالولی بناغلی محمد موسی شفیق
صدر اعظم، اعضای، حکومت، جنرال
های اردوی شاهانه شاروال
سرپرست و بعضی از ماورین عالیرتبه
حاضر بودند.

ذات شاهانه طی این مسافرت از بعضی
پروژه های ولایات کندهار و هیرمند
بازدید فرموده درین سفر بناغلی
خوآزک غلمی وزیر فواید عامه،

داکتر عبدالوکیل وزیر زراعت
و آبیاری و داکتر عبدالواحد سرابی
شرف معیت ذات شاهانه را داشتند.
اعلیحضرت معظم هما یونی ساعت
۱۴-۰۰-۲۵ جدی توسط طیاره سلطنتی
بمیدان بین المللی کندهار مواصلت
فرمودند.

از اعلیحضرت معظم هما یونی در
نزدیک طیاره بناغلی سلطان عزیز
ذکریا والی کندهار، دیگر جنرال
ارکان حرب محمد سعید قوماندان قول
اردوی کندهار، انجنیر میر محمد
اکبر والی و رئیس عمومی انکشاف
هیرمند و ارغنداب، بناغلی محمد عالم
نوابی والی فراه، بناغلی محمد طاهر
صافی والی زابل، بناغلی عبدالاحد
کرزی نایب اول ولسی جرگه و
بیاروال سرپرست کندهار استقبال

نمودند.
ذات شهریاری بعد از قبول سلام
گارد تشریفات آنرا معاینه
فرمودند.

یکدسته از اطفال به نمایندگی
شهریان کندهار دسته های گل
بحضور ذات شاهانه تقدیم کرده و
خیر مقدم بعرض رسانیدند.

ذات شاهانه اطفال را مورد تفقد
قراردادند سپس ذات شهریاری جانب
صفوف مستقبلین تشریف فرماگر دیده
و با هر یک از ایشان مصافحه
فرمودند.

در میدان هوایی بین المللی کندهار
جنرال های اردوی شاهانه، عده ای از
و کلا و سنا توران ولایات کندهار
و زابل، روسای دوایر مرکزی ولایات
متذکره و جم غفیری از اهالی ولایات



اعلیحضرت معظم همایونی
مامورین ولایت کندهار را در
سالون قوماندانی قول اردوی
کندهار شرف یاریابی بخشیده اند

استیصال گردیدند .
سپس روسای دواير مرکزی و
معاريف ولایت کندهار در حالیکه
بناغلی سلطان عزیز ذکر یا والی آنولایت
نیز حاضر بود بحضور شاهانه شرف
یاب شدند .
درین موقع اعلیحضرت معظم
همایونی از مشکلات ناشی از دو سال
خشکسالی آخریکه مملکت بآن مواجهه
گردید یادآوری فرموده و درحالیکه
این واقعه را آسیب بزرگی برای
مملکت تلقی نموده فرمودند که
این واقعه حکومت و مردم افغانستان
را متوجه ساخته است که برای رفع
تأثیرات آن و تا اندازه ممکن در
جلوگیری از خسارات آینده آن به
اقدامات مؤثر بپردازند .
ذات شاهانه از روحیه همکاری
و تسانندی که وکلای مملکت باقوه
اجرائیه از خود نشان دادند اظهار

اعلیحضرت معظم همایونی بروز
۲۶ جدی معاریف ولایت کندهار
را به حضور شاهانه پذیرفتند و از
سیلو و قشله جدید عسکری آنجا دیدن
فرمودند .
درین باز دیدها و الاحضرت
شهزاده شاه محمود و الاحضرت شهزاده
داود پشتون یار نیز شرف معیت
اعلیحضرت معظم همایونی را داشتند .
اعلیحضرت معظم همایونی ساعت
۱۰-۰۰ روز مذکور روسای دواير
مرکزی و معاریف ولایت کندهار
را در سالون قوماندانی قول اردوی
آنولایت بحضور شاهانه پذیرفته و
آنها را مورد الطاف شاهانه قرار
دادند .
ذات شاهانه در مدخل قرارگاه
از طرف دیگر جنرال ارکان حرب
محمد سعید قوماندان قول اردوی
قندهار و جنرال های اردوی شاهانه

کندهار برای پذیرائی از اعلیحضرت
معظم همایونی حاضر بودند .
اعلیحضرت معظم همایونی سپس توسط
موتر عازم اقامتگاه شاهانه در شهر
کندهار گردیدند . هزاران نفر
از شهریان کندهار و سایر
ولایات کشور که برای سپری نمودن
ایام عید به کندهار آمده بودند
در دو طرف جاده خط السیر موکب
شاهانه صف بسته و با نعره های
زنده باد پاچا هر کله راشی زمونیر
تولواک از اعلیحضرت معظم همایونی
استقبال بعمل آورده گلها را به مقدم
اعلیحضرت معظم همایونی نثار
مینمودند .
موکب ذات شهریاری در میان
هلهله شادمانی و احساسات گرم مردم
شاه دوست افغان ساعت ۴۵ - ۱۴
به اقامتگاه شاهانه در شهر کندهار
مواصلت کرد .



اعلیحضرت معظم هما یونی
اطفال لشکرگاه را مورد نوازش
قرار میدهند

اعلیحضرت معظم هما یونی از قسمت های مختلف گدام و آسیاب سیلوی کندهار در حالیکه در هر قسمت توسط مامورین موظف تفصیلات بعرض میرسید بازدید فرمودند . سیلوی کندهار که کار ساختمان آن در سال ۱۳۴۹ آغاز شده است امسال تکمیل گردیده و ظرفیت بیست هزار تن غله را دارد آسیاب سیلوی کندهار در ۲۴ ساعت ۱۲۰ تن گندم را آرد میکند . همچنان اعلیحضرت معظم هما یونی بعد از ظهر روز ۲۵ جدی بمحل قشله

کندهار از نزدیک باو کلا و مردم تماس میگیرند و تا جائیکه در توان حکومت باشد برای رفع آن مشکلات توجه خواهند کرد . حاضرین طعام چاشت را با اعلیحضرت معظم هما یونی صرف کردند . ملاقات ذات شاهانه با مامورین و اهالی ولایت کندهار سه ساعت را دربر گرفت . نامه نگار باختر اژانس علاوه میکند که اعلیحضرت معظم هما یونی ساعت ۱۵-۱۵ سیلوی کندهار را در کو کران معاینه فرمودند .

خوش فرموده دوام این همکاری را مفید خواندند . مقابلتاً چند تن از اهالی ولایت کندهار به وکالت سایرین آمادگی کامل خود را در تطبیق پیشبرد پروگرام های عام المنفعه دولت که برای بهبود وضع حیاتی مردم طرح و تطبیق میگردد به پیشگاه هما یونی بعرض رسانیدند . اعلیحضرت معظم هما یونی فرمودند که وزرای فواید عامه زراعت و پلان که شرف معیتی شان را دارند راجع به مشکلات ولایت

جدید عسکری قندهار تشریف برده
و در آنجا نقشه و ساحه نشله عسکری
را ملاحظه فرمودند و از فعالیتی که
در سرسبزی ساحه های قشله بعمل
آمده مرانب رضائیت شاهانه را
اظہار فرمودند .

همچنان ساعت ۳۰-۱۷-۲۶ جدی
خرقہ مبارکہ را در شہر کندہار
زیارت نموده و بروح پاک حضرت
محمد مصطفی پیغمبر بزرگ اسلام (ص)
درود و دعا اتحاف نمودند .

بعداً ذات شاهانه از قسمت های
مختلف تزییناتی داخل گنبد خرقہ
مبارکہ در حالیکہ توسط حاجی
نصر اللہ مہندس توضیحات بعرض
رسید دیدن نمودند .

ذات شاهانه برای تکمیل امور
داخل گنبد خرقہ مبارکہ و دروازه
درآمد گنبد کہ تحت ساختمان

میباشد بہ والی کندہار ہدایت
ارشاد فرمودند . این دروازه از
نقرہ بسم سوادکاری ساخته میشود
و در روی آن سکہ های طلا و نیکمہ
ہای لاجورد و شاه مقصود نصب
میشود .

ذات شاهانہ سپس بمزار
اعلیحضرت احمد شاہ بابا و میروسی
نیکہ تشریف برده بروح آن مردان
بزرگ تاریخ دعا نمودند .

اعلیحضرت معظم ہمایوسی و
ذوات معبئی شان ساعت یازدہ و
پنجاہ و ہشت دقیقہ قبل از ظہر روز
۲۷ جدی از کندہار بہ لشکرگاہ
مواصلت فرمودند .

اعلیحضرت معظم ہمایوسی در
دورای کندہار و ہمدند از طرف
انجنیر میر محمد اکبر رضا والی و
رئیس عمومی انکشاف وادی ہیرمند

و ارغنداب، مولوی محمد اصرار رئیس
محکمہ و کلای ہیر منددر و اسی چراگہ
استقبال گردیدند .

ذات ہمایونی حین مواصلت بہ
شہر لشکرگاہ سلام قطعہ تشریفاتی
را قبول و آنرا معاینہ فرمودند
مقابلتاً یکدستہ از اطفال دستہ های
گل را بہ و کالت از شہریان
لشکرگاہ بحضور اعلیحضرت معظمہ
ہمایونی تقدیم داشتہ و ذات شاهانہ
را خیر مقدم گفتند .

درین موقع بناغلی محمد کریم
بارک بنا و وال سرپرست لشکرگاہ
نیانہ خیر مقدم بحضور شاهانہ بعرض
رسانید .

سپس ذات شہریاری جانب صفوف
مستقبلین تشریف فرما گردیدہ و با
ہریک مصافحہ فرمودند .

برای استقبال از اعلیحضرت معظمہ



اعلیحضرت معظمہ ہمایونی با احساسات اطفال شازدہ ہونی در لشکرگاہ یاد بخ میدهند



اعلیحضرت معظم هما یونی راجع
به نقشه عمومی انکشاف کانال
شمالان غربی در هیر مند به اشخاص
مسئول هدایت اعطای فرمایند .

از شروع کانال تا ختم آن که
چهل و دو کیلو متر ساحه را احتوا
کرده است بسواری موتر بازدید
فرمودند .

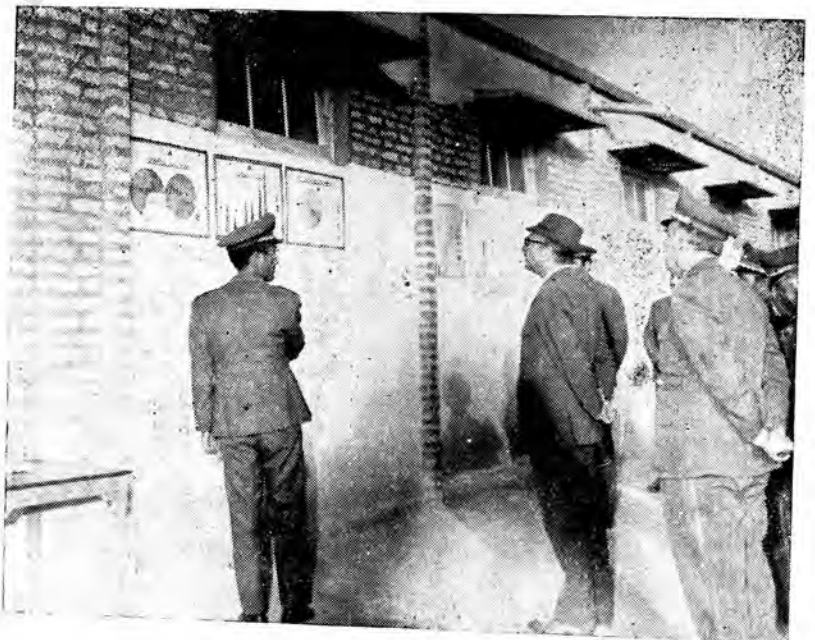
انجنیر میر محمد اکبر رضا والی
ورئیس عمومی انکشاف وادی هیر مند
وارغنداب به خبر نگار باخترا گفت
باتکمیل این کانال شصت و سه هزار
حریب زمین تحت آبیاری می آید تا

احساسات شاه دوستی و هلمبه شادمانی
مردم آنجا نشریف فرمای اقامتگاه
شاهانه شدند .

اعلیحضرت معظم هم یونی بعد از
ظہر آنروز از کانال جدید شمالان
غربی و فارم حیوانی وزراعتی اردو
در ساحه مارجہ وادی هیر مند دیدن
فرمودند .

بعداً اعلیحضرت معظم هما یونی

هما یونی روسای دوایر معارف
شہریان لشکرگاہ و شاگردان معارف
در دو طرف جاده صف بسته بودند .
نمایندہ باخترا اطلاع میدهد در
جاده های خط سیر شاهانه در سالیکه
هزاران نفر از مردم آنجا صف بسته
بودند بیرق های شاہی و ملی در
حالت اهتزاز دیده میشد .
اعلیحضرت معظم هما یونی در بین



ذات اشرف ملوکانه زمانیکه
گراف حاصلات فارم زراعتی
مارجہ را ملاحظہ میفرمایند



اعلیحضرت معظم هما یونی
حینیکه فارم حیوانی اردو را
در ساحت مارجہ در ولایت ہیر مند
مشاہدہ میفرمایند .

نسلگیری گرفته شده است .
اعلیحضرت معظم هما یونی پس از
مسافرت پنج روزه بولایت کندھار
و ہیر مند ما عت ۳۰-۱۵ روز جمعہ ۲۹
جدی توسط طیارہ سلطنتی کندھار
بمیدان ہوائی بین المللی کابل
مع الخیر موصلت فرمودند .

حالیکہ در ہر قسمت از طرف آسیرین
موظف توضیحات بعرض میرسید
مشاہدہ و راجع بہ انکشاف و توسعه
این پروژہ بہ قوماندان مر و طہدایت
ارشاد فرمودند .
درین فارم ہفتصد و شصت و ہشت
راس حیوان مختلف تحت تربیہ و

کٹون ہفدہ کیلو متر کانال مذکور
حفر گردیدہ است .
وی گفت این پروژہ شامل شبکہ
آبیاری زاکش و احداث سرکھا و
ہموار کاری میباشد .
اعلیحضرت معظم هما یونی بعداً
فارم حیوانی اردو در مارجہ رادر

پندار نیک

در سرنداری ، دیگر از خیال سفرهای دور و دراز شادمان
نمی شوی و بفکر دوران جوانی ، هوای خود آرائی و جلوه
گری نمی کنی حتی از آن نشاط کہ جوانان از انجام
کاری احساس میکنند ؛ محرومی زیرا دیگر جرئت ما چرا
جوئی نداری .

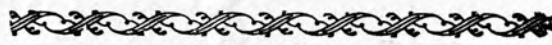
گمان داری کہ دیگر غار تگرز مانہ چیزی در خانہ
دلت باقی ننہادہ ، اما نگران مباش ، تا وقتی کہ یارای
اندیشیدن و امکان دوست داشتن داری ، چیزی برامتی
از دست ندادہ ای .

- اگر روز کار از پی آزمون تو بر تو سخت گیرد تو
کار بر خود آسان گیر و رضا پیشہ کن .

- شیرینی نیشکر درنی آن نیست ، در شکری است کہ
دردن فی نہغفہ است (گویتہ)

- گوش کن تا از من پندی نیکوشنوی : دلی کہ خانہ
غرور است . کانون محبت نشود . یا ران دوران سفلگی
نیکو خوئی ندانند و تنگ نظران رہ بہ بزرگی نبرند ؛
حسودان بر جمال و کمال جز بہ چشم کین ننگرند و در و
غگویان از کسی وفا و اعتماد نمیکنند . تا قوانی ببخش و
بہبودہ برای آیندگان ؛ دینار و درہم میندوز زیرا اگر
امروز شادمان باشی ، بہ از آنست کہ فردا بگویند ،
« فلان ، مردی توانگر بود » .

- از آن شکوہ داری کہ دست یغما گر ایام آنچه را
کہ عزیز داشتہ ای بتاراج بردہ ؛ دیگر از لذات جسمانی
بہرہ ای نمی بری و بامدادان خاطرہ ای از ہوسہای نیمشب



سال

۱۹۷۳

و

صلح

جان

با جلوه سال ۱۹۷۳ سال نو عیسوی و برگزاری محافل گوناگون سرور خوشی بمناسبت کریسمس، علی الظاهر روزنه‌های امیدبخشی در پیرامون روابط بین‌المللی و توسعه صلح جهانی بنظر میخورد ولی واقعیات امور و جریان‌های مهم سیاسی گیتی این امید واریها را کم و بیش ضعیف میسازد.

جنگهای بی‌امان ویتنام، اوضاع متشنج و ناآرام مناطق عربی و خاور میانه و تشکیل بازارهای مشترک و کشیدگی‌های مختلف بین ملل جهان چه از لحاظ موضوعات ایدئولوژیکی و چه از نگاه مسایل اقتصادی و اجتماعی و سهمگیری ملل بزرگ جهان در رقابت‌های ساختمان سلاح‌های مخرب ذروی و هیدروژنی فضای صلح دنیای ما را روز بروز تیره و تار میسازد.

جای تعجب است که با موجودیت این قبیل اعمال و کسار نامه‌های غم‌انگیز، باز هم تمام کشور های جهان دم از صلح و صفا می‌زنند، گوئی کلمه صلح دستاویز هر نوع حرکتی است که با نفس صلح مغایر باشد.

مقوله آن با نوری آزادیخواه بیاد می‌آید که می‌گفت:

«ای آزادی چه فجایعی که بنام تو صورت نمی‌گیرد!!؟» حالا در پناه لفظ صلح است که هر نوع فجایع و وحشت را مجاز می‌شمرند گویا در زبان صلح می‌گویند و در عمل از صلح اثری نیست.

با تمام این مقدمه‌ها که از فحوای آن بوی ناامیدی بمشام جان ما میرسد ازین حقیقت عدول نباید کرد که منأ و در تحت الشعور افکار و اندیشه زمانه ایران جهان طرفداری از صلح و سلم، يك مفكوره حقیقی وانكار نا پذیر است زیرا با وقوع یک‌حرب بزرگ، موضوع غالب و مغلوب و فاتح و شکست خورده مفهومی ندارد

گفتار بزرگان

خدائی که بما زندگی بخشیده در همان لحظه آرزو را نیز بما تفویض نموده است . (جفرسون)

* خود را بزرگ شمردن نشانه بدبختی است . (امرسون)

* خوب بودن بسیار عالیست اما نشان دادن چگونگی خوبی دیگران عالیتر است . (مارک تواین)

* تمام طلاهای روی زمین و زیر زمین بقدر یک فضیلت اخلاقی ارزش ندارد .

* آرزو ریشه حیات ماست اگر چه این رشته حیات ، ما را بتدریج می سوزاند . (افلاطون)

و حتی بشریت را بورطه نابودی و تباهی می کشاند ترس از چین انگیزه ایست که دولتهای معظم را از نزدیکی به آتش جنگ ذروی دور میسازد اما محاربات محلی و بومی و پارتیزانی با هم بصورت ضمنی آسایش و آرامش جهانیان را مختل میسازد و صلح منطقوی را از میان بر می دارد .

اصطکاک منافع و بالخاصه منافع اقتصادی است که تولید اینگونه هنگامه ها می کند و کشورها را بخاک و خون می کشاند امروز ممانک عقب مانده جهان با بدبختی ها و فقر و فلاکت و جهل و نادانی گرفتارند و کوچکترین رقم مصارفی که ملل بزرگ در راه انهدام بشریت و تولید سلاح های خطرناک بکار می برند میتواند اینگونه کشورها و مردمش را از خطرات فقر و مرض و بدبختی و جهل نجات دهد اما اکنون عوطف بشری زما مداران ممانک راقیه نتوانسته است بر احساسات تاریک شان پیروز گردد تا پیش از آنکه متوجه تراکم قدرت و رقابت در ایجاد

داریم که در وراء تمام قدرت های بشری و در بالای سر تمام خود سری های و انحرافات ما یکقدرت مطلق و یک دستگاہ نظارت دقیق و کامل وجود دارد و آنهم دست قدرت و عظمت پروردگار یکتا و توانا است که ناظر بر اعمال و افعال و اندیشه های فرزندان آدم است مادست دعا بدربار خداوند قادر و قیوم و مهربان خویش بلند می کنیم تا در سال نو عیسوی اندیشه و عمل زمامداران جهان را بسوی صلح و صفا معطوف سازد و با تصریفی که آن ذات یگانه بر قلوب همگان دارد ضمیر انسانی و خفته آن ها را براه خیر و سعادت بشریت بیدار سازد تا سال آینده ما همانطور که زمامداران جهان در لفظ و سخن وعده میدهند و آن را سال صلح می نامند در عمل نیز نمایان گردد چنین سالی سال مبارک و مایمون خواهد بود و ما با انتظار آن دقیقه شساری خواهیم کرد .

سلاحهای و حشتناک شوند به بهبود حال انسان ها و بجات آن ها از مصائب گوناگون ملتفت شوند . بهمه حال اگر با محاسبه و احصائیه دقیق ، اوضاع گیتی را از نظر بگذریم ، خوشبینی های ما گراف نزولی را در قسمت صلح خواهد پیمود و فیصلدی یاس و ناامیدی ما بلند خواهد رفت .

اما تمام مجاری امور و جریانات جهان را تنها نباید با محاسبات ریاضی و فورمولی اندازه گیری نمود ماعتقیده

بخت و طالع

این دیوانگی است که بخت و طالع را فرمانروای همه حوادث بدانیم چه در واقع هیچ چیز نیست که در فرمان حزم و دوراندیشی نباشد . (سنکا)

بسیار کسان با بخت و دولت به خاک سیاه نشسته اند ، و بسیار کسان با بیظالعی از بدبختی رسته اند برای به دست آوردن آن ، بزرگ کوچک میشود و کوچک بزرگ . (تسیمران)

به قدرت بخت تنها بدبخت اعتراف دارد ، چه هر که خوشبخت است ، خوشبختی خود را همه از دور اندیشی و شایستگی خویش داند . (سویفت)

بازدید از شفاخانه مرکزی اردو



علیحضرت معظم ہمایونی چینیکیہ ماکت شفا خانہ را مشاہدہ می فرمایند

اعلیحضرت معظم ہمایونی
سر قوما ندان اعلی اردوی شاہی افغان
ساعت ۲۰ - ۱۵ روزہ شنبہ ۱۲ جلدی
۱۳۵۱ در حالیکہ والا حضرت جنرال
سردار عبدالولی قوما ندان قول
اردوی مرکزی شرف معیت ذات
شاہانہ راداشتند از جریان ساختن
شفاخانہ مرکزی اردو در بی بی سہرو
دیدن فرمودند .

ذات ملوکانہ در مدخل شفاخانہ
از طرف ستر جنرال خان محمد وزیر
دفاع ملی، دگر جنرال غلام فاروق
لوی درستیز، برید جنرال عبدالقاہر
رئیس تعمیرات وزارت دفاع ملی،
برید جنرال محمد آصف قوما ندان



اعلیحضرت معظم ہمایونی هنگامیکہ از عمارت اصلی شفاخانہ
بازدید میفرمایند



مشاهدات ذات ملوکانه از

دفاع هوا، دگروال فقیر محمد آمر
ساختمانی و انجینران شفاخانه پذیرائی
گردیدند .

اعلیحضرت معظمہمہ یونی جریان
کار ساختمان شفاخانه و تعمیر آشپزخانه
مدرن و همچنین تعمیر کلینیک امراض
ساری را به تفصیل مشاهده فرموده
و برای تکمیل کار باقیمانده شفاخانه
هدایت اعطا کردند . درین موقع
از طرف انجینران مربوط معلومات
لازمه تقدیم میگردد .

اعلیحضرت معظمہمہ یونی در اخیر
مشاهدات شاهانه از پیشرفت کار
اظہار خوشی کردند و مراتب رضایت
ملوکانه را به ستر جنرال خان محمد
وزیر دفاع ملی . رئیس تعمیرات ،
انجینران و کارکنان پروژه ابلاغ
فرمودند .

ستر جنرال وزیر دفاع ملی بحضور

دات اشرف ملوکانه جریان
کار ساختمان و تعمیرات
شفاخانه را ملاحظہ میفرمایند



ذات شاهانه احتراماً بعرض رسانیدند
 که تشریف اوری حضور ملوکانه
 افتخار بزرگی برای منسوبین اردوی
 شاهانه و وزارت دفاع ملی میباشد.
 رهنمائی های خرد متدانه ذات اشرف
 همایونی برای ما و همه منسوبین و انجینران
 ساخته مایی و کارکنان شفاخانه موجب
 خوشی و مباهات گردیده است، یقین
 داریم با بکار بستن و تطبیق این هدایات
 حکیمانه میتوانیم بهتر و بیشتر در
 پیشرفت وظیفه و امور محوله موفق
 گردیم.

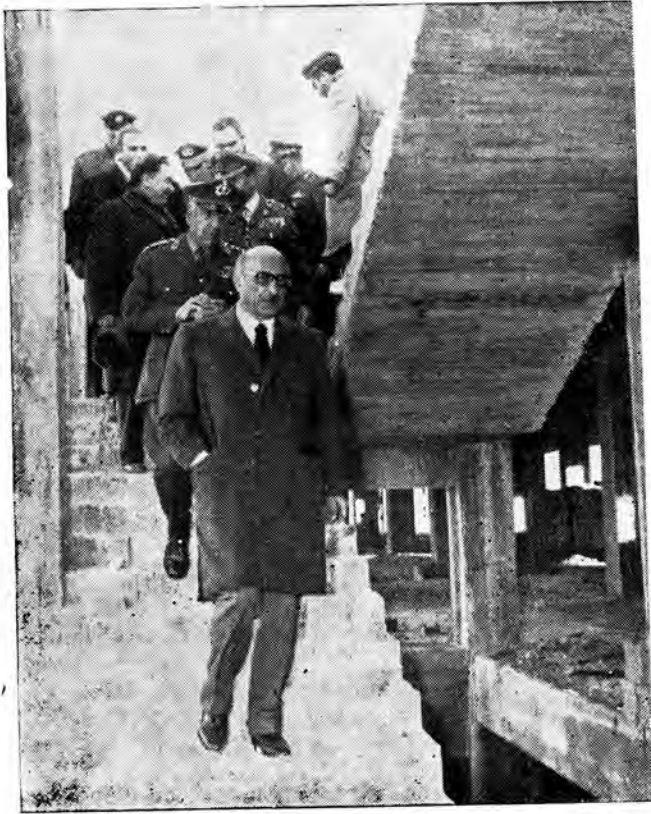
وزیر دفاع ملی مراتب سپاسگزاری
 و امتنان عمیق خود و منسوبین شفاخانه
 را بحضور اعلیحضرت سرقوماندان
 اعلی اردو بعرض رسانیده و ترقیات
 روز افزون اردوی شاهی افغان را
 تحت قیادت ذات شاهانه تمنا نمودند.



پارک و ساحه عمومی احاطه شفاخانه



اعلیحضرت معظم همایونی
 تشریحات انجینران را راجع
 بشفاخانه استماع میفرمایند



ذات «اوکانه از طبقات مختلف عمارت شفاخانه باز دید میفرمایند

قراریک خبر دیگر جلالتمآب محمد موسی شفیق صدر اعظم ساعت ۱۰ - ۱۰ روز سه شنبه ۱۹ جدی از جریان کار ساختمانی شفاخانه مذکور دیدن نموده و یکنمبال را بطور یادگار در پارک شفاخانه غرس کردند .

دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز، برید جنرال عبدالقاهر رئیس تعمیرات وزارت دفاع ملی، برید جنرال محمد آصف قوماندان دافع هوا آمر و انجینران ساختمانی شفاخانه از بناغلی صدر اعظم استقبال نمودند . بناغلی صدر اعظم جریان کار ساختمانی تعمیر شفاخانه، کلینیک امراض ساری و سایر تأسیسات شفاخانه را طی دو ساعت دیدن کردند .

بناغلی صدر اعظم از حسن تنظیم و پیشرفت کار شفاخانه از دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز، برید جنرال



جلالتمآب صدر اعظم حین بازدید ماکت شفاخانه



عبدالقاهر رئیس تعمیرات و وزارت
دفاع ملی، انجیران و کارکنان
موظفانها رضایت نموده و پیشرفتهای
مزید اردوی شاهی افغانستان را
تحت قیادت اعلیحضرت معظمهما یونی
سرفرماندان اعلی اردو تمنا کردند،
بنای علی صدر اعظم و همکاری انجیران
افغانی و اتحاد شوروی را در اعمار
شفاخانه قابل قدر دانستند .

شفاخانه مرکزی اردو در جوار
جنوب تپه بی بی مہر و موقعیت دارد
و تا کنون کار ساختن آن هفتاد فیصد
پیشرفته است .

کار اعمار این شفاخانه در
ماه ثور سال ۱۳۴۹ آغاز گردیده
و قرار است در اوایل ماه سرطان
۱۳۵۲ تکمیل گردد. در این شفاخانه
کدام استفاده از یک قرضه اتحاد
شوروی اعمار میگردد فعلا یک هزار

جلالتآب صدر اعظم یک نهار را بطور یادگار در محوطه شفاخانه غرس میکنند



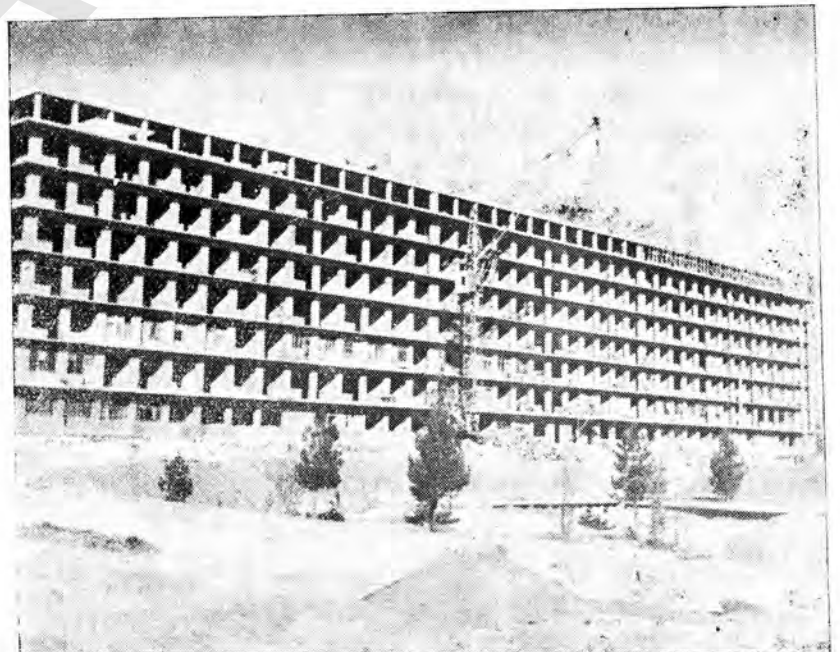
تعمیر کلینیک امراض ساری

و پنجصد نفر بشمول انجمنران
و کارگران افغانی و یک تعداد
متخصصین اتحاد شوروی مشغول
فعالیت میباشند.

شفابخانه مرکزی اردو که یکی
از عصری ترین شفابخانه ها در کشور
می باشد دارای چهارصد بستر خواهد
بود. در موقع بازدیدهای ذات شاها نه
و بناغلی صدر اعظم بناغلی الکزاندر
میخا ئیلو ویچ یوزانوف سفیر کبیر
اتحاد شوروی متعین کابل و بناغلی
سوها موف سر انجمنر شفابخانه نیز
حاضر بودند.

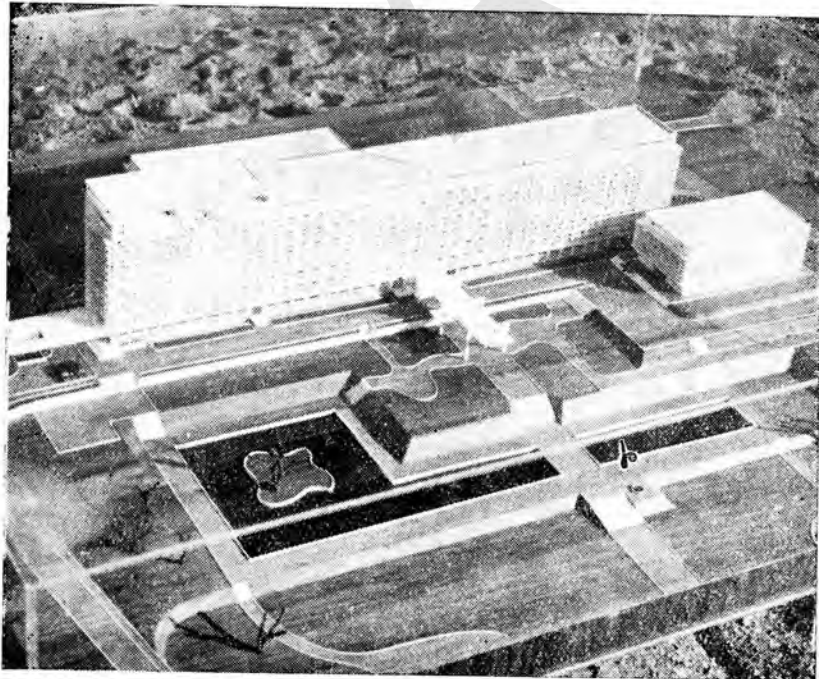


منظره دیگری از بازدید بناغلی صدر اعظم از شفابخانه



تعمیر اصلی شفابخانه
در حال ساختمان

جلالت‌ماب صدراعظم راجع به
اکمال ساختمان شفاخانه
با انجمنران مربوطه مذاکره
میتنمایند



ساکنت شفاخانه مرکزی اردو



والاحضرت شهزاده احمد شاه هنگام مراجعت در میدان هوایی
بین المللی کابل با پادشاهی محمد موسی شفیق صدراعظم مصافحه مینمایند

مراجعت والاحضرت شهزاده

احمد شاه

و

والاحضرت

خاتول

بوطن

والاحضرت شهزاده احمد شاه و الاحضرتین استقبال کردند .
والاحضرت شهزاده احمد شاه و الاحضرت خاتول همسر محترمه
شان ساعت ۱۷-۰۰ روز دوشنبه ۱۳۵۱ از دهلی پایتخت هند بکابل
۱۳ قوس بآنگشور مسافرت نموده
مراجعت کردند . در میدان هوایی
بین المللی کابل طی مراسم رسمی
عده از خاندان جلیل سلطنتی و
شخصیت های مهم ممکنستی از
همسر شان بد عوت دولت هند بتاریخ
بودند و طی اقامت شان از نمایشگاه
بین المللی آسیایی منعقدده دهلی و مواضع
تاریخی و تحولات اقتصادی هند دیدن
نمودند .



مراسم

توزیع

مدالها

والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل هنگام قبول سلام گارد احتیاطی در مدخل حرمی پوهنتون

و

شهادتنامه ها در ادیتوریم حربی پوهنتون

شفیق صدراعظم، پوهنوال دکتور محمد عمر وردک رئیس ولسی جرگه بناغلی علی محمد وزیر دربار سلطنتی، ستر جنرال خان محمد خان وزیر دفاع ملی، سایر اعضای کابینه دیگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز، جنرالهای اردوی شاهانه و هیات های تدریسی و اداری حربی پوهنتون اکادمی تخنیک، پوهنهی مهندسی، حربی پیرونی و دوروضا نوبیونکی اشتراك کرده بودند .

در محفل مسدکور بناغلی محمد موسی شفیق صدراعظم طی بیانیة گفتند «سرورم که در چنین

پوهنهی های حربی پوهنتون و دیگر موسسات علمی اردو را توزیع کردند والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل درین موقع موفقیت فارغان را تبریک گفته اظهار کردند که شما فرزندان همان پدران هستید که با غیرت و شہامت و با ایمان کامل شرف، استقلال و نوامیس ملی خود را حفظ کرده و امروز این همه را بطور امانت بشما سپرده اند و بر شماست تا این امانات را به نیکوئی حفظ نمائید .

درین محفل والاحضرت جنرال سردار عبدالولی، بناغلی محمد موسی

مدال های که از حضور اعلیحضرت معظم هما یونی برای یکده از استادان ممتاز پوهنهی های حربی پوهنتون، اکادمی تخنیک پوهنهی مهندسی، حربی پیرونی و دوروضا نوبیونکی منظور شده بود توسط والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل عصر روز سه شنبه ۵ جلدی ۱۳۵۱ در محفل توزیع شهادتنامه های فارغان حربی پوهنتون و پوهنهی های متذکره بآنها تفویض گردید .

همچنان والاحضرت فاتح کابل شهادتنامه ها و جوایز فارغان ممتاز

جلالتماب محمد موسی شنبی
 صدراعظم بین غبور از
 مقابل گارد احترام در
 حربی پوهنتون



متداوم به مجهز نگه داشتن آن برای
 ایفای این وظیفه بزرگ و جیبه حکومت
 است.
 بناغلی صدراعظم افزودند:
 دین مقدس ما و روایات ملی این
 کشور بزرگ و باستانی ما برای ایفای

و برجسته ای کمائی کرده است و
 طوریکه ما در خط مشی خود گفته ایم
 اردوی شاه افغانستان حامل امانت
 مقدس آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت
 ارضی کشور میباشد و لهذا احترام
 همیشگی به مقام و حیثیت آن و توجه

حفل بزرگ و مجلل اردوی پادشاهی
 افغانستان حصه میگیریم.
 اردوی با شهامت ما بنا بر وظیفه
 سنگین و نقش سترگی که در نگهداشت
 بزرگی کشور باستانی ما بعهده دارد
 در دل هر وطن پرست مقام با عزت



والاحضرت مارشال شاه
 ولیخان غازی فاتح کابل
 مدال را به سینه یکی
 استادان تعلیق مینمایند.



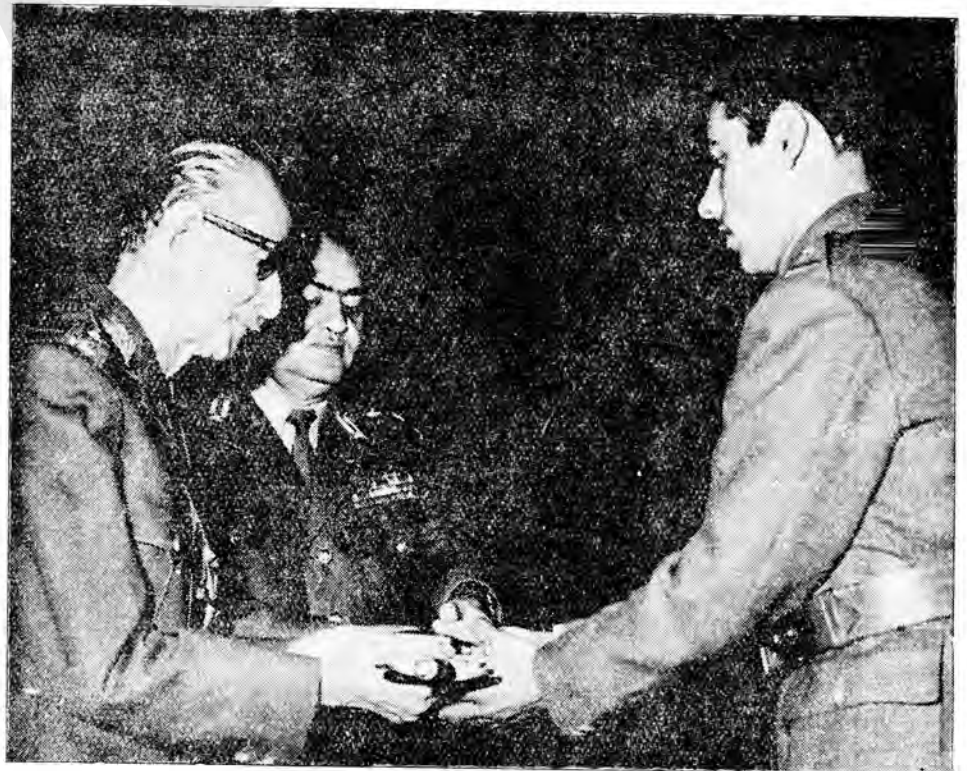
والاحضرت مارشال غازی شهادتنامه و کرج یکی از فارغ-
التحصیلان ممتاز حربی پوهنتون را تفویض میکنند

رطبقه حفظ و نگهداشت وطن و نوامیس
ملی تقدس خاصه و سزورگی بخشیده
است و این تقدس از طرف ملت
افغانستان در ماده سی و نهم وثیقه
بزرگ ملی مابین قانون اساسی ثبت
گردد یده است.

به همین اساس وظیفه آن عده از
جوانانیکه چند لحظه بعد از حضور
والاحضرت مارشال فاتح کابل سرد
شجاع اردوی شاه افغانستان که در
تقویه و تنظیم اردوی شاهی افغانستان
و در راه حفظ نوامیس ملی و وطن
افتخار جانیازی دارند به دریافت
دیپلوم نایل میشوند از طرفی بسمار
مقدس و افتخار آمیز و از جانبی خیلی
سنگین و پر از مسئولیت میباشد.

من باین جوانان در چنین روز بزرگ
بمنا سبت این موافقت بزرگ نهریک
میگویم.

جوانسان و سردان شجاع ر
باشها مت این سر زمین برای دفاع
از وطن خود چنان راهی را دنبال



والاحضرت فاتح کابل
حین تفویض شهادتنامه و
کرج یکی از فارغان
ممتازا کادسی تخنیک



والاحضرت افانج کابل
جایزه یکی از فارغان حربی
بنوونخی را بوی می سپارند .

کرده اند که با دست خالی با قوت های
بزرگ جهان پنجه داده و دست
دشمن را از سرزمین خود کوتاه
ساخته اند .

جلال متآب شفیق علاوه کردند:
هموطنان ازین شهامت و دلاوری
جوانان خود واقف اند و فریضه
جوانان اردوی شاهی افغانستان
است که این احساس و اطمینان
هموطنان را هنوز هم تقویت و
استحکام بخشند .

من یقین دارم که برای دفاع
و ترقی کشور هیئات اداری و تربیوی
این پوهنتون بزرگ تعلیم و تربیه با
دقت و مواظبت کامل به اصل ضروری
سویه علمی و همراه با آن به تربیه روحی
و سجایای آنها طوریکه لازم است
توجه نموده و من ضمن اظهار قدردانی
و خوشی از ایشان توقع مینمایم که

با این قسمت توجه بیشتری بمبذول
دارند تا جوانان آماده به اجرای
وظیفه بزرگ دفاع از کشور توأم
باطی مراتب بزرگ علم و دانش
بفضایل عالی اخلاق سر بسازی
و وظیفه شناسی مفتخر باشند .

**بناغلی صدر اعظم در اخیر
گفتند:**

امیدوارم اردوی شاهی افغانستان
تحت قیادت و مهربانی اعلیحضرت
المتوکل علی الله محمدظا هر شاه
سر قوماندان اعلی، پادشاه افغانستان
ورهنمای زندگانی ملی ما مراحل
تکامل را هم هنوز طی کند و در
انجام آن وظایف و واجیب خود چنان
موفق باشند که رضای خدای بزرگ
را حاصل کرده موجب سرور پادشاه
خود را که قائد بزرگ ما هستند
فراهم سازند و ملت با شهامت

افغانستان بان افتخار کند .
قبل از آن به ساعت . . - ۱۰
مراسم تحلیف فارغان بعمل آمد و
شهادتنامه های فارغ التحصیلان توسط
پگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز
در حالیکه قوماندانان مربوطه و عده
از جنرال های اردوی شاهانه و
هیاتهای اداری و تدریسی نیز حاضر
بودند بایشان توزیع گردید . در
اثنای توزیع شهادتنامه ها پگر جنرال
لوی درستیز راجع به چگونگی تدریس
از فارغان سوالاتی مینمودند که
جوابهای لازم تقدیم میگردد .

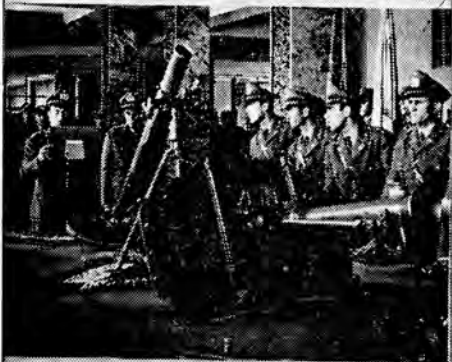
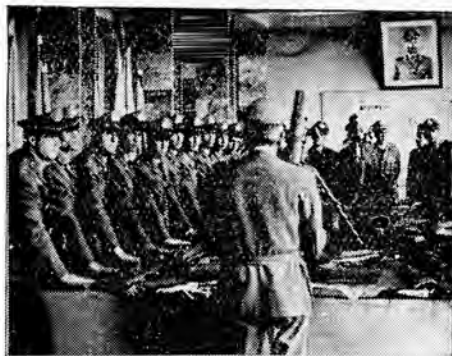
سپس پگر جنرال لوی درستیز
در اجتماع فارغان در ادیتوریم
حربی پوهنتون خطاب بانان گفتند:
موفقیت همه شمارا در پایان دوره
تحصیل تان درین موسسه علمی اردو
تبریک میگویم و امیدوارم که شما

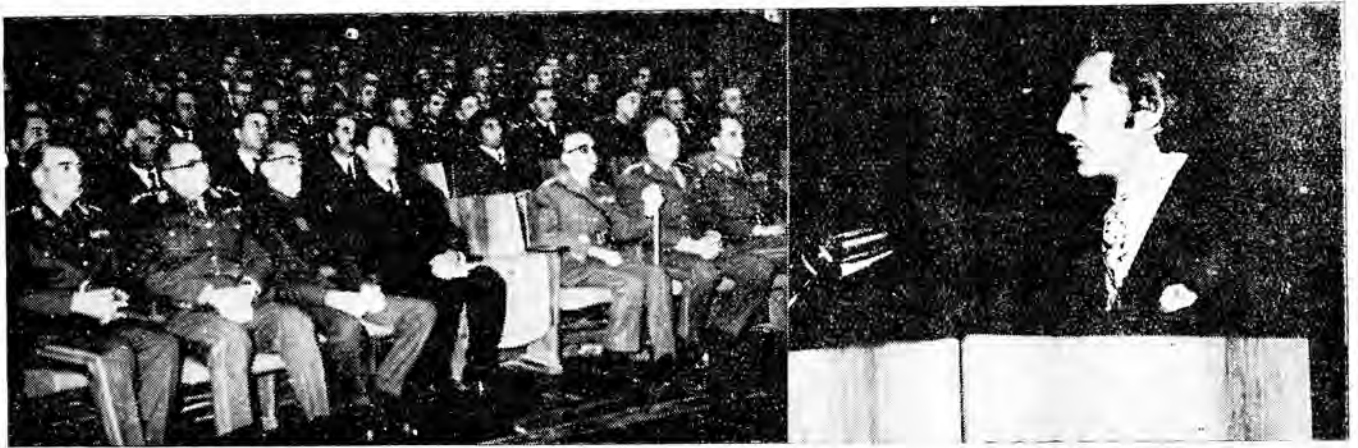
مانند دوره های سابقه خدمات
ارزنده ای به اردوی شاهي افغانستان
بعمل آورده سر بازان فداکاری
برای وطن خود باشید .

از همین لحظه شما در قطار همان
پا سداران قهرمان این کشور قرار
میگیرید که با فداکاری های فراموش
ناشدنی استقلال وطن را در طول قرنها
محافظه کردند و با کار نامه های
درخشان خود به صفحات تاریخ
وطن زینت بخشیدند . شما اکنون
میراث همان اجدادی را بدست گرفته
اید که تا آخرین لحظه زندگی از
نوامیس ملی این کشور آزاد دفاع
کردند، با افتخار زیستند و با سر بلندی
از جهان رفتند .

پایان تحصیل درین موسسه برای
شما تازه يك آغاز است ، آغاز برای
توسعه معلومات و رشد شخصیت منحصی
يك صاحب منصب اردوی شاهي
افغانستان و آغاز برای کسب
تجارب ملکه و مهارت جهت بدست
آوردن اوصاف واقعی يك قوماندان
ويك سوق و اداره کننده خوب ،
سوغندی را که شما چند لحظه قبل
یاد کردید و پیمانی را که با صفای
قلب با خدا، وطن و پادشاه خود بستید
در حقیقت عهدنامه مقدسی است که
تا پایان زندگی با شما همراه خواهد
بود و در پرتو آن شما میتوانید اهمیت
و بزرگی مسئولیت های را که بدوش
دارید درك نمائید .

منظره های مختلفی از مراسم
توزیع شهابه دتنامه ها و تحلیف
پوهنچی های مختلف حربی پوهنتون،
پوهنچی مهندسی و اکادمی نخبیک





جلال‌نماب محمد موسی شفیق صدراعظم بیانیه خود ر ادیتوریم حربی پوهنتون ایراد میکنند

دگر جنرال لوی درستیز علاوه کردند:

شما هر کدام در آینده موفق و اداره یک کتله از مدافعین این وطن را بدست میگیرید و باید متوجه باشید که شما وقتی خواهید توانست آنها را بطور مطلوب بسوی اهداف مقدس دفاع ملی رهبری کنید که اولتر از همه قدرت سوق و اداره شخص خود را داشته باشید. یعنی بر موجودیت فیزیکی خود طوری حاکمیت روحی ذهنی و اخلاقی را بوجود آورید که همیشه اجرای وظیفه به کمال خوبی و پاکی آن نصب العین شما باشد و درین راه هیچ غرض شخص را داخل ندهید و یا بطور جا معتر بگویم که یک شخص با کورکتر و با شخصیت باشید. راست بگوئید، راست بشنوید و جز راستی. صداقت و پاکی در راه دیگری قدم نگذارید.

علاوه بر آن قدرت سوق و اداره از علم و دانش بدست میآید، آنچه شما در سه سال گذشته درین موسسه آموخته اید در حقیقت ما هیت یک مقدمه

و ادارد و شما وقتی میتوانید اهلیت مسلکی خود را انکشاف دهید که بصورت دوامدار در راه توسعه معلومات نظری و عملی خود بدون آنکه کسی یا چیزی شما را مجبور سازد سعی و تلاش بعمل آورید.

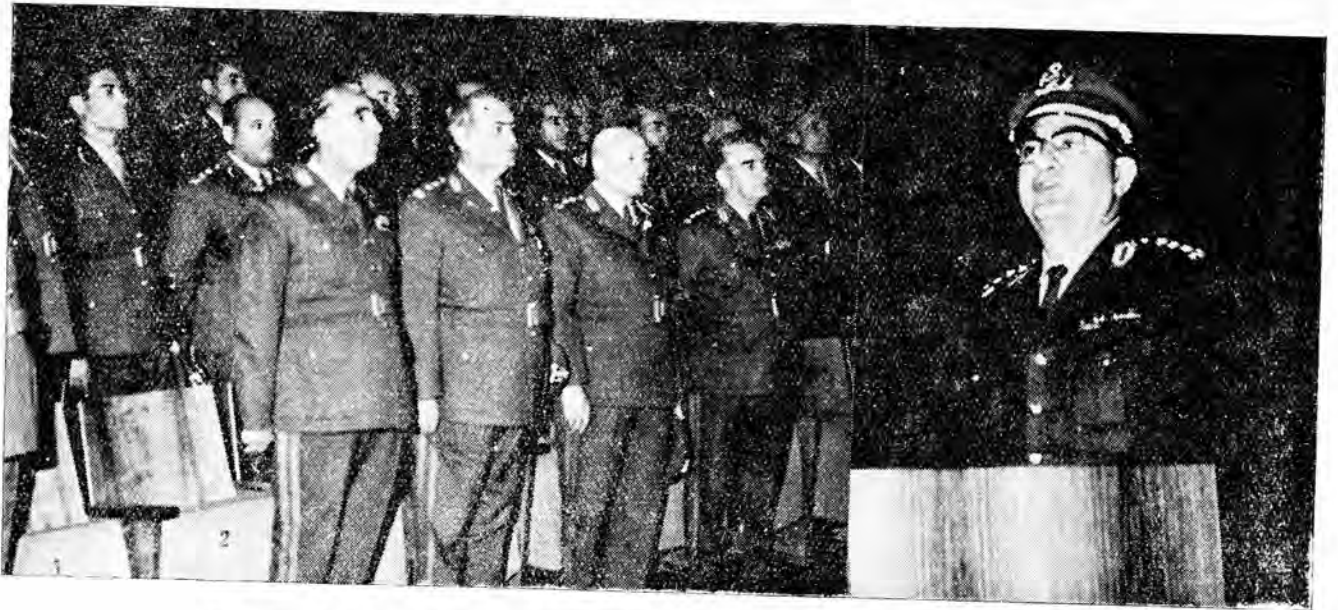
شما درسینتی قرار دارید که برای آموختن مساعدترین اوقات است و غفلت از هر لحظه آن در آینده فراموشی بزرگی بدنبال خواهد داشت.

وزارت دفاع ملی و ستر درستیز به مقصد فراهم آوردن امکانات و شرایط بهتر جهت انکشاف سوئیة علمی شما آثار مسلکی، کورس-های قصیر المدت در داخل قطعه و کورس های طویل المدت تکامل را در موضوعات تکنیکی و تخنیکی همه ساله ندویر میکنند و علاوه بر آن خدمت عملی در قطعات و موسسات بذات خود یک منبع مهم آموزش است بنابراین اگر شما از این امکانات تعلیمی استفاده اعظمی بعمل آورید بزودی خواهید توانست که اهلیت مسلکی خود را انکشاف بدهید.

بما علمی لوی درستیز گفتند باید خاطر نشان سازم که آموختن یک ضرورت دائمی هر انسان است زیرا این راه هرگز به پایان نمیرسد.

من توصیه میکنم که همواره در زندگی در هر نوع فعالیتی که اجراء میکنید سعی نمائید که بر معلومات خود چیزی بیفزائید و از هر عملی تجربه سودمندی کسب کنید.

برای من مایه مسرت است که می بینم درین روزها مثل هر سال یک تعداد کثیر سند فراغت خود را از مراکز مختلف تعلیمی اردو اخذ و به اردوی شاهمی افغان الحاق مینمایند و خصوصاً در اینجا یادآوری میکنم که اکنون قدم های نخستین را در راه تربیه مهندسی در پوهنهی مهندسی به نتیجه رسیده و از سوئیة عالی فارغان آن حلقه های علمی کشور مانند استادان پولی تخنیک تقدیر نموده اند و همچنان در کورس (آ) که مرکز تحصیلات عالی اردو میباشد و صاحب منصبان برجسته اردو بشمول استادان شما در آن تحصیل میکنند یک



دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز چین ایراد بیانیہ درادیتوریم حربی پوهنتون

انکشاف قابل ملاحظه علمی محسوس
میباشد .

من با استفاده ازین فرصت از تمام
قوماندانان و هیئت های تدریسی و
اداری همه مراکز تعلیمی اردو که
با جدیت و زحمت کوشی و ظایف خود
را بطور مطلوب انجام میدهند تشکر
میکنم .

دگر جنرال غلام فاروق
لوی درستیز در اخیر
افزودند:

باید فراموش نکنید که شاخص
خوبی اهمیت یک صاحب منصب منور
همیشه ارزش های علمی و اخلاقی

است و اگر شما به این دواصل عمده
پابند باشید همیشه افتخارات معنوی
سربازی همراه شما خواهد بود .

در حالیکه شما را برای اردوی
شاهانه افغانستان نونهالان مشر و
مفیدی آرزو میکنم ترقی روز افزون
و سر بلندی دائمی اردوی شاهای افغانستان
را تحت قیادت اعلیحضرت معظم
همایونی سر قوماندان اعلی اردو
تمنا مینمایم .

خبر نگار ما می افزاید که قبل از
توزیع مدالها جوایز و شهادتنامه ها
دگر جنرال عبدالرزاق میوند
قوماندان حربی پوهنتون طی بیانیہ

دعا کرد که این فارغ التحصیلان
جوان که شعار عمه شان از ته دل
صمیم قلب و صفای روح خدای وطن ،
شاه است و قوماندانان آینده اردوی
شاهی ملت باشه است و بزرگ افغان
میباشند و مانند اسلاف خود وظایف
بسیار مقدسی را که در راه حفظ
استقلال ، تمامیت خاک و منافع ملی
افغانستان عزیز در پیشگاه وطن و
پادشاه روف و مسهران خود دارند
با کمال موفقیت ایفاء نمایند .
مراسم بعد از اجرای لوی سلامی
خاتمه یافت .



توزیع جوایز و شهادتنامه های فارغان بنو و نیخی خورد ضابطان

والاحضرت جنرال سردار عبدالولی قوماندان قول اردوی مرکزی حین
توزیع شهادت نامه ها موفقیت را بفارغان تبریک گفتند

والاحضرت جنرال سردار عبدالولی
قوماندان قول اردوی مرکزی
شهادتنامه ها و جوایز فارغان بنو و نیخی
خورد ضابطان را ساعت ۳۰-۱۴ یکشنبه
۳/۱۰/۵۱ در حالیکه عده از
جنرالهای اردوی شاهانه و هیات
اداری و تدریسی بنو و نیخی حاضر
بودند توزیع کردند.

برید جنرال ارکان حرب محمد آصف
مهر قوماندان بنو و نیخی ضمن بیانیه
راجع بچگونگی تدریس در بنو و نیخی
معلومات مفصلی ارائه نمود.
وی در اخیر ترقیات مزید
اردوی شاهی افغان را تحت قیادت
سر قوماندان اعلی اردوی شاهانه
تمنا نمود.

والاحضرت قوماندان قول اردوی
مرکزی بعد از اینکه میخ ختم دوره تعلیمی
اسسال را درکنده مخصوص کوبیدند
فارغان را مخاطب قرار داده ضمن
توصیه های بانان این موفقیت را تبریک
گفتند، والاحضرت کامیابی فارغان
را در راه خدمت بخدا و وطن، و شاه
خواستار شدند.

قبل از آن مراسم تحلیف نیز صورت
گرفت و در پایان لوی سلامی نیز
اجرا شد.



والاحضرت قوماندان قول اردوی مرکزی میخ ختم دوره
فارغ التحصیلی سال ۱۳۵۱ را درکنده مخصوص میکوبند.

- بعد از آمدن وزیر اکبر خان و سلطان جان و تشکیل کمیته قیام کبیر ملی دشمن یکبار دیگر اوضاع را تجدید نظر نمود و به واقعیت های ذیل پی برد .
- ۱- تصمیم واراده مردم برای راندن دشمن از خاک و وطن .
 - ۲- موجودیت سران فداکار و از خود گذر و اعتماد مردم به آنها .
 - ۳- قرار ادامه مجادله در راه تأمین امان و اندیشه های خلل ناپذیر و اراده غیر قابل تغییر و انحناء .
 - ۴- مشکلات لوژستیکی و نزدیک شدن زمستان .
 - ۵- خود داری مردم از فروش مواد ارتزاقی به دشمن .
 - ۶- افلاس روش های سیاسی و پسیکو لوژی (دواندازی و کشتار سران ملی) .
 - ۷- تشتت و پراگندگی پندار ها و نظریات در بین ارگان های عسکری و سیاسی دشمن .

خواهگاه سیاسی عبارت از آوردن و به تخت نشاندن شاه شجاع و بازگشت قوای آنها و وعد و وعید قصیر و عمل طویل المدت و امثال آن و دیگر دروغهای بی یال و دمی که حتی هنوز هم شیفتگان ساده لوحی دارند و در عین زمان استفاده از خائنین برای اغفال مردم استفاده نمودن بود حال آنکه برای دشمن يك هدف ارزنده از نگاه سیاست و استراتژی اسنعماری بود : اشغال عام و تمام افغانستان و شکستادن روحیه ملی و عوض آن تفرقه اندازی و خاموش نمودن شعله تاریخی و جاوید آزادی طلبی .

تنها با همین نوع طرز عمل بود که دشمن میتواندست برای صدها سال از زمین پهناور هند استفاده برده به استعمار و استثمار جهانی خود ادامه بدهد .

دشمن در مجالس خصوصی خاصه کاران و دلدادگان اغفال شده و بعضاً با بزرگان قوم چنین وانمود میکرد که آوردن شاه شجاع و نشاندن آن به سر پیر سلطنت کمکی از ما و هدیه بشما بود مگر مانند ما به افغانستان برای

دشمن یک بار دیگر شانس ظفر را با اغفال سران ملی و مردم افغانستان به بهانه حل مسئله از راه مذاکره با امتحان کردن میخواهد مردم پاک طینت آزاد منش افغانستان که به نیرنگ های

پیوسته بگذشته :

تورن جنرال عبدالرؤف رسول

بنیان گذاران قوای مدافعه ملی

مدت کوتاهی برای دفع دشمنان خارجی است که در حال تصرف افغانستان و الا ما باشما کاری نداریم . من به نام ملت شجاع و پاک سرشت اقوام مسلمان افغان این امید های خواب آور و مخدر را آتیارا به تشریح میپردازیم

شاه شجاع منحیت اولاده احمد شاه بزرگ هدیه شده نمی توانست و این در صورت که مردم ما میخواهند و صاحبان میگذاشتند خودش آسان تر و بدون ضرب و شدت به سریر سلطنت مینشست چنانچه تاریخ نشان داده که مردم غیور و باوفای افغانستان از رهبران و شخصیت های ترقیخواه و ملت پرور همیشه بخوبی استقبال و یاریختاندن خون خود آنها را به قیادت خود برگزیده اند ، این هدیه بخودشان و امپراطوری بزرگشان بیشتر زیبا و مفید بود متأسفانه که از هدیه خود نه تنها مدافعه نتوانستند بلکه آنرا بمرگش راضی ساختند .

مدت کوتاه مسلمان ناخوانده حقیقتاً کوتاه شد و گرنه بعد از رفتن آنها از هند هم ادامه پیدا میکرد .

دشمن خوب پی برده بودند از خواهگاه سیاسی که دشمن برایش تهیه دیده بود یکی بعد دیگری بیدار گردیده و تحت قیادت رهبران فداکار و شجاع خود و با پیروی از سنن تاریخی قیام کبیر و جهاد اکبر را وظیفه ملی دانسته به امید خدای توانا برای نبرد هر روز بیشتر آماده میگرددند .

همه یکدل و یکجان با بر طرف گذاشتن اختلافات ذات الیبینی و قبول بلائید و شرط مجادله زیست و مرگ بدور سران مجرب تلخی روزگار چشمه جمع و با زبان سران فداکار به دشمن ارزوی خود را که خروج قوای خارجی از خاک پاک با واجدادشان بود فهماندن و در صورت ادامه دادن دشمن به بازی اهریمنی با جنگ امان ناپذیر آنها را به سزای اعمال شان رسانیدن .

در اینجا میخواهم راجع به خواهگاه سیاسی که دشمن برای مردم مسلمان راست باز و راست کردار ما دیده بود شرح مختصر به استحضار خوانندگان گرامی برسانم .

زیرا ما دشمن دیگری نداشتیم و تاریخ هم به اثبات رسانیده که بعد از انهدام حکومت ضعیف و ناتوان سزای تا حال افغانستان جز دوستی معامله دیگری با همسایه شمالی ندارد ، ملت افغان تحت قیادت رهبران خود همیشه

صلح را بر جنگ ترجیح داده است مگر که دشمن جنگ را
بر او تحمیل کند، در حکومت تزاری هم تا اخیر جزیک
مجادله پنجاه زودگذر اتفاقی که مردم ما را از آن هشدار
میداد بوقوع نیبوست، زیرا روسیه وقت با مسائل اروپا،
با لکان و دشمن بزرگ همان وقت آن دولت عثمانی آنقدر
مصروف بود که افغانستان در حاشیه پلان‌های امپریالیستی
آن هم نبود. زیرا از این گونه کشور کثانی‌های دور
منزل در حالیکه اروپای مقتدر و دولت عثمانی به عقب
آنها بود جز به ماجرای اسکندروامثال آن روبرو نمی‌شد.
بالفرض که همچو خطری هم موجود میبود با دادن سلاح
لازمه مردم ما خوب تر میتوانست از خاک خود مدافعه
کنند چطوری که به مقابل خودش با مشت و ناخن توانست
نه تنها جنگ کند بلکه درس امجا را به آنها بدهد.

ما مردمی داشتیم آتش نفس، با ایمان کامل، عقیده
راسخ، خداجوی، وطن پرست، شجاع شجاعان و مردان میدان
به قشون نابلد آنها چه احتیاج و نیاز مندئی داشتیم و نجا
از آن‌ها اعتمادی کرده بودیم و چرا میکردیم؟

دشمن که میگفت دیگر کاری با شما نداریم چراتا
روز خروج از هند ما را بحال ما نگذاشت چنانچه خواننده
گرامی در دوام این مقاله خوب تر بمقصد اصلی دشمن و
یا مسمان ناخوانده ما آگاهی بیشتر پیدا خواهد کرد.
امروز افغانستانی که برای تعالی و ترقی گام بر میدارد
از هر وقت بیشتر به مقصد اصلی امپریالیستی دشمن آگاهند.

بهر صورت دشمن یک چیز میخواست کشتن روح بیدار
و آزادی طلب اقوام دلبیر ملت ما را الی الابد خفه کردن
و مشعل قیام ضد استعمار را برای همیشه در جوار سر زمین
و وسیع حاصل خیز و وسیع هندگل کردن اما غافل از آنکه
که نه تنها این مشعل را نتوانست طور دلخواه با سه حرب
مستقیم و یک حرب غیر مستقیم گل کند بلکه آتشی که بدامنش
زده شد مشعل‌های آزاد یخواهی تمام مردمان ستم دیده
ورنج برده را روشن ساخت. قدر امروز را ما خوب میدانیم
دوست و دشمن خود را ملت افغان با عدالت و ذره سنجی کافی
تشخیص میدهد اگر دشمن بعد از آمدن اکبرخان با مردم
ما سر راستی و هشیاری را می گرفت چرایی سبب خود را بدر دسر
نوع مینا نژیت مینا نداشت.

بهر صورت کار از کار گذشته بود اما میکنند از سر سختی
و حفظ پرستی خود نمی گذشت و الفتن هم گوسفند و اراز
عقب میکنند میدوید.

سران ملی بعد از فهمیدن یک پارچه گئی مردم در راه
نجات نوامیس ملی و خاک پاکی که با خون متبرک آب و اجداد
و شهدای راه مدافعه از آمال شان رنگ آمیزی شده خوب
مطمئن گردیدند به کار خود ادامه دادند.

به پیروی از اندیشه‌ها و افکار خلاقه ملت نجیب و اصیل
مسلمان افغانستان مجادله را با اقدامات مؤثر در همه ساحه
های سیاسی، اقتصادی، پسیکولوژی و بلا آخره در صورت

مجبوریت در فن شریف عسکری شروع نمودند.

مگر پلان طرح شده دوخط اساسی داشت.

۱- با مذاکرات مستقیم بشرطیکه حسن نیت موجود
باشد دشمن را به خانه اش با انعقاد معاهده سریع و
شرافتمندانه برگرداندن.

۲- در صورت عدم امکان مفاهمه مجادله با مثل را
تا خروج و یا امجا آخرین نفر از قوای مستولی ادامه دادن.
رهبران ممتاز و شجاع و مدبر مطابق امر وافی هدایه
و قاطع رب العالمین مشاوره دسته جمعی در داخل منشور
صداقت و صراحت بیان هدف مقدس قیام ملی توده های
عظیم اقوام افغانستان را تعیین و برای رسیدن به این هدف
بشری پلان مجادله با خطوط اساسی آن را تعیین نمودند و
به فحوای ایه وافی هدایه قرآن پاک و شاور هم فی الامر
فاذا عزمت فتو بل علی الله ان الله یحب المتوکلین» به
مشوره ها شروع و هر کدام اندیشه های صادقانه خود را
بدون حاشیه رفتن و یا لحاظ این و آن، اکسردن بمیدان
گذاشتند بعد از قیل و قال زیاد طرز حل آتی بمیدان آمده و
مورد پسند و قبول همه گشت.

۱- بلاوقفه دست به کار زده و مجادله را نخست از
راه های سلامت آمیز در صورت لزوم با عمل مقابل
با مثل کار اشغالگران را یک سره کردن.

۲- با تضییق بر مراکز تجمع گار نیزونها و استنادگاه
های دشمن در مذاکرات احتمالی مستقیم پله ترازو را به
نفع مردم ما مایل گردانیدن.

۳- مدنظر داشتن امکانات اخذ تدابیر لازم و احضار
مردم برای مجادله مرگ و زیست.

۴- پروسیجر مذاکرات را آماده کردن، طرز ملاقات،
محل آن و مشترکین کنفرانس را احضار و فعالیت دشمن
را برای ادراک مقصد اصلی آن تحت مراقبت نزدیک و
متممادی قرار دادن.

۵- گرچه مردم ما رگزیده از مذاکرات امیدوار
نبودند و به پیروی بنویات سران خالص الدم و راست باز
خود اطمینان کامل داشتند که فریب آنها را نخواهند خورد
زیر اهداف مشخص و آنهم خروج، تلاقید و شرط قوای اشغالی.

بهمان اندازه که دشمن عجله داشت مابه زمان محتاج
بودیم. زیرا اکبر غازی و سلطان جان مغز متفکر قیام ملی
نوا از خارج آمده بودند برای فهمیدن و براه انداختن چرخ
عظیم قیام ملی بمقابل مستولی وقت بکار داشتند و در عین
حال برای فهمیدن مقصد دشمن زمان لازم نبود تا در
مذاکرات با وثایق ناقابل انکار بمجلس نشینند.

در مقابل اصرار دشمن در شروع مذاکرات که مقصد
خاصی داشتند طرف ما مریضی اکبر تا مدارا رابها نه می گرفتند
دشمن هم بیکار نمی نشست و آنهم اغوای مردم بر علیه
سران ملی و ترور آنها بود. مقصد دشمن چنانچه بعدها خواهیم
دید سران ملی را به ماندن در افغانستان قانع و در صورت

عدم امکان به این هدف گروگان گرفتن سران ملی و یا کشتن دشمن که ماندن در افغانستان را منجیت هدف اصلی خود قرارداد بود آمدن زمستان رابه نفع مجاهدین میدانست میخواست هر چه زودتر با سران ملی تماس گرفته و آنها را متقاعد به قبول ماندن قوای اشغالی حداقل تا آخر زمستان بسازد - اما این وقت مکتان و هم کاران او بمقابل خود يك ملت قیام کرده و به جهاد دل بسته و در عین حال بارهبری دسته جمعی اداره میشوند دارند .

پس مجادله اوشکل سیاسی خود به شکل حربی وجه میگرفت - و برای اینکار طرفین احضارات لازمه مینمودند .

پیشوای آخرین بشریت حضرت محمد بن عبد الله (ص) و متکامل ترین بنده خدا که در عین حال تمام ساحه های بشری با علم لایزال الهی پرورده نعمت خالق متعال بودند در ساحه حرب میفرمایند .
الحرب خدعه :-

البته در همه حرب ها از ابتدائی گرفته تا امروز خدعه یکی از پرنسپ های عمده ستراتیژی بوده که نه تنها در ساحه حرب قابل اعتنا است بلکه در تمام ساحه ها با معنی تام هر نوع مجادله خواه حربی باشد یا سیاسی - بسکوه - لوژی باشد یا اقتصاددی - سرد باشد و یا شیرگرم - محدود باشد یا نامحدود - خدعه یعنی فریب دادن دشمن نه تنها مباح است بلکه در مجادله جدی که مسائل ناموس و مدافعه از خاک پاک ابا و اجداد باشد اشد مجرم و کار فوری و ضروری است - مگر از مکر دشمن ایمن نبودن و مکر خود را با تمام امکانات دست داشته درست سنجیدن یکی از قواعد و احکام فن حرب و ستراتیژی است .

این پرنسپ عمده و رهبر قوا نه هدف بالخاصه برای طرف ضعیف بمقابل دشمن خونخوار و اسان نا پذیر آقدر مهم و قابل تدقیق و تحقیق مزید است که حد و حصر ندارد بنا علاوه برای یادآوری و خاطر نشان ساختن قارئین گرامی چند سطر تکتیکی این هدایت نامه را در زمره اساسات تغییرنا پذیر دیگر ستراتیژی بقید قلم میاورد .

همه میدانیم منشأ اساسات و تزئید احتمالات موفقیت اولین پرنسپ و تثبیت هدف مجادله است و بعد از آن اساسات دیگر از قبیل توجیه قوا - انقسام قوا و تصرف آنها با انتخاب محل ضربه اصلی و غیره - مگر پرنسپ سورپریز بنیادکن دشمن و یلان ها نیست که عمرها و یا اتلا ماه ها و سال ها قوا رابه استقامت لازم دید، جمع بعدار و یلان سازی همه زحمت هائی که دستگاه رهبری یا سر قوماندان و یا رئیس دولت با همکاران خود کشیده اند جز مشتی به هوا و بالمقابل خنجر زهر آلودیست که به قلب دشمن زده میشود .
ما میدانیم که حرب عبارت از يك مجادله جدی در راه استحصال هدف جدی بوده و با خون معامله میشود - متاسفانه این مجادله را از بین کتله های بشر بردن جز

خیال باقی ها نیست که برای نرم ساختن اعصاب مفیدتر است تا به عملی شدن آن از طرف دیگر مردم صلحجو و آشتی خواه پایمال و به عنوان دوست احمق منسوب میگرددند .
و متاسفانه این مجادله هیچگاه تا امحای بلاقید و شرط ارزوهای یکی از مخاصمین از صعود به شکل افراطی خودزصلا باز نمی ایستد .

امروز اتوم در شکل حرب ها تغییری آورده است - از قبیل جنگهای محدود از نگاه ساحه و نوع سلاح و امثال آن - مگر فراموش نباید کرد که بشریم و به فامیل نجیب مخلوقات منسوبیم - کرامت ما بما اجازه نباید بدهد که ما به موجودیت انحصار اسلحه اتومی خوشحال و باور کنیم که دنیا با تقسیم شدن به ساحه های نفوذ ما هم در تحت زاویه میته به امید امکان مرور خود و در صورت امکان جمعیتی را که از پهلوی آن فیض میبریم روز بشماریم بعد از مرگ ما وظیفه نسل های آینده است تا چاره سازی نماید اما نباید فراموش کرد که يك بشر زنجیر پیچ جوهر ذاتی و بندیبی کرامت بشری خود است و باید باشد - آنچه را در بالا عرض کردیم کار حشرات الارض است نه از انسانها باید برای صلح عام و تام بر مفا بل حرب جویان و آدم - خواران با سلاح بالمثل مجادله کرد و مسئله اتوم را خیلی زود گذر شمردن علامه خرد است این انحصار تا قیامت دوام نمیکند . شکل سلاحها و طرز فکر انسانها که سازنده مصنوعات روی زمین است مساعی بی گیر توده های عظیم بشمار ملل عالم است از طرف روزیکه شمار جمعیت بشری به ۱۲ میلیارد رسید با دوالت رناتیف ژنراسیون آینده مواجه خواهد بود .

۱- امحای توده های زیاده دشته و دلخراش گرسنه بوسیله از وسیله ها - ولو حرب اتومیک باشد .
۲- پرورش صلح و آرامش و یاد دادن اسرار اتوم و انرژی های ما فوق اتوم به همه مردم در راه کمک به توده های عظیم متزاید التعداد بشر در راه صلح و زیست با همی .

اگر جنگ میدان آمده بالخاصه در حرب اتومیک پرنسپ الحرب خدعه در بالاترین مقام پرنسپ های حرب و ستراتیژی قرار میگیرد - پیامبر بزرگ در تمام مجادلات خود برای راهائی مردم غریب و فلاکت زده اعراب نجیب و اصیل با جان تنها و سپس با زوج مطهر خدیجه کبری بالاخره پسر عموی مبارک شان و اصحاب پاک طینت و عالی فطرت که زن و مرد آن به پانزده نمیرسد بمقابل دشمن آشتی نا پذیر ابوجهل و گمراه شدگان او بیست سال بکمال متانت و برده باری از تطبیق صحیح و پونکتول این پرنسپ پر ثعرا ستراتیژی استفاده و برای امتان خود توصیه فرموده اند .

درین اواخر کتابی به نام ستراتیژی نوشته لیدل هارد صاحب منصب و مورخ ستراتیژیکی تاریخ حرب که خیلی

ضرب المثلها

همسایه ات را دوست بدار اما دیوار بین خودتان را از
بین مبر . (المانی)

پرخوری بیشتر از جنگ انسان را تلف می کند .

«فرانسوی»

هر کس سوار پلنگ شد مشکل است بتواند از پشتش
پایان شود . (چینی)

کسیکه با عطش بخوابد سالم از خواب بر میخیزد .

(انگلیسی)

با تخم مرغ روی سنگلاخ بازی مکن . (انگلیسی)

حرکات غیر مستقیم نه تنها ساحه لازمه را بلکه اردوی
قابل اعتبار را به پسرش اسکندر بزرگ میراث گذاشت
اسکندر کبیر به پیروی از دروس عالی پدرنا مدار خود
تقرب غیر مستقیم را نه تنها در ساحه تاکتیک عالی بلکه
در استراتژی عسکری و سطوح عالی استراتژی تطبیق نمود
چنانچه اگر رفتار های اردو های اسکندر کبیر را
بحال شمار در آورید يك نوع خطوط زیگ زاگ عجیب و
غریب در جلو نظر شما بر خواهد خورد .

۲- در جنگ های روم ها :- شخصیت های بزرگ و مظفر
همان کسانی اند که با تقرب غیر مستقیم دشمن خود را
فریب داده اند مثلاً انیبال، اسپسیو و ژول سیزار .

۳- در جنگ های کونستانین، شخصیت های بس بزرگی
همچون بیل یاروس و نرسه و امثال آنها .

۴- در جنگ های سی ساله :- کوستاوس کرو نول،
تورین و امثال آنها .

۵- در جنگ های قرن هجده :- مالبوروگ و فریدریک
بزرگ و غیره .

در جنگ های داخلی و انقلاب امریکا ضد امپریالیست
شخصیت های بزرگ واشنگتن، میک، دوول، مک کلیان، لی،
لافایت (مارشال فرانسوی که در مکتب ناپولئون
رسیده بود) لنگولن، شرمان، گرانت، و امثال آنها همیشه
دشمن را اغفال و بعد از آن مژه موفقیت را چشیده اند .

از ۱۸۵۴ تا ۱۹۱۴ تقریباً شصت سال یعنی از جنگ کریمه
در بحیره اسود تا حال برخورد های جبهه قوای انگلستان
باروسها نتایج معکوس داده و این با کوالیسیون دول
انگلستان - فرانسه امپراطوری عثمانی بالاخره به نتیجه
کم و بیش رسانیده شد. در حرب های داخلی امریکا
قوماندان های بزرگی با تقرب های غیر مستقیم موفقیت
هایی را کمائی کرده توانسته اند.

خوب می نویسند و از مشهور ترین تئوریسین های دنیا است
و نظریات او تا حال طرف پسند متخصمین استراتژی و علمای
علم مجادله امروز بوده و نظریات او تازه و اکتوا الیه
خود را هنوز نیاخته و حفظ نموده و در سطح مرتفع نویسندگان
عسکری معاصر جا دارد و خوش بختانه بو سیله یکی
از شاگردان لایتی من که از امریکا آمده بود
طور امانت داده شد و آنرا ملاحظه نموده با موشگافنی
ممکنه خواندم تا اندازه زیاد مرا بخود متمایل ساخت
درین کتاب از نزدیک شدن بصورت غیر مستقیم مدافعه
نموده و برای این ادعای خود از ۹۰ قبل از میلاد تا
۱۹۴۹ بعد از میلاد تمام حرب های عمده دنیا را و در آن
موفقیت هایی که از تقرب غیر مستقیم نصیب قوماندان های
بزرگ شده و حتی بزرگی آنها را مرهون همین طرز عمل
آنها میدانند تذکار و همیشه با مثال های برجسته از موفقیت
که حرکات غیر مستقیم دارد و از مضار حرکات مستقیم
(البته عندالضرورت مستثنی است) یاد آوری مینماید
چنانچه: در تحت عنوان تاریخ منجیث تجربه پرانیک در
حرب های آتی مثال های زیاد می آورد که قسماً به عرض
می رسد .

۱- در حرب های یونان مثال هائی او ایپامینیداس
قلیب (پدر اسکندر) و اسکندر میاورد در
حرب های بین امپراطوری ایران و یونان که از ۹۰
قبل از میلاد شروع میشود همیشه تقرب غیر مستقیم کامیاب
بوده الا در احوالی که خوب اجراء نشده و یا طرف مقابل
بیدار تر و در حرکات تیز و زود رس تر بوده است چنانچه
داریوش با يك قسمت از قوای کم خود در مارتون و با
قوی اصلی بعد از جلب آتنی ها به مارتون را سآ به آتن
حمله بردند مگر بمقابل بیداری آتنی ها پرده ساختگی
ایرانیان را به سرعت دریده و به اصل مقصد پی برده برق
اسا خود را برای مدافعه آتن رسانند که موجب حیرت
و بازگشت ایرانیان به استقامت شرق گردید و این هنر
میثیادس بود و رنه ایرانیان ما هرا نه تقرب غیر مستقیم را
سنجیده بودند مگر از استعداد ماتیادس چه میدانستند؟
در زمانیکه یونان در تحت قیادت اسپارتائی ها آمد
سوالی آمد که چطور حاکمیت اسپارتائی ها سقوط کرد؟
جواب آن اینست: يك آدمی که دراک عمیق او به صنعت
و علم حرب عمیق بود و آنها هم ایپامونانداس که با تقرب
غیر مستقیم نه تنها به حاکمیت اسپارتائی ها خاتمه داد بلکه
راه یونانی ها را برای رسیدن بیک ابراز قدرت باز نمود
یکی از شاهکار های این شخص در ساحه تاکتیک عالی
نظام مایل است که بالاخره از اسکندر تا وقت فریدریک
بزرگ ازین نظام پیروی میشد .

قلیب کبیر پدر اسکندر در محاربات ذاتالبینی مردم
یونان از قبیل تبس ها مانتینی ها و اسپارتائی ها با اجرای

چنانچه میگه میلان لسوی درستیز شمالی ها همیشه میخواست قوای خود را بوسیله کشتی ها به عقب قوای دشمن پیاده بیا دهنده کنند و بدین صورت دشمن را اغفال نمایند . گر چه خط آهن استقامت عمده حرکات را در ساحه ستراتیژی مشخص میساختند اما باز هم در ساحه تاکتیک امکان تقرب غیر مستقیم موجود بود -

در جنگ ۱۸۶۶ آلمان و اطریش فیلد مارشال هلموت فون مولتکه با تقرب های غیر مستقیم فاتح گردید - در ۱۸۷۰ در حرب آلمان و فرانسه عین شخصیت دشمن را با همان پرنسپ اغفال از راه های غیر مستقیم مغلوب ساخت - و درین حرب همکاری بیسمارک با سیاست غیر مستقیم با سر قوماندان و رفتار تمام قوماندان های او پراتیف مطابق نظریه مولتکه هر کدام در ساحه خود موفقیت های کبیری کمائی کردند -

گر چه در بعضی از آثار نویسندگان عسکرئی فرانسه آلمان ها را به تقرب جبهه وی مشتاق نشان میدهند اما در حقیقت جنرال لیسوس آلمان با توصیه فون کلاوز و ویتزاز تقرب غیر مستقیم کار گرفته اند - کلاوز ویتزاز از حرب های مودرن نا پولئون بمثل قوماندان بزرگ و رهبر مقتدر آلمان فریدریک کبیر استفاده های شایان نموده و معتقد به متمرکز بودن تقرب غیر مستقیم بوده است - گراف فون شلیفن که آنها یکی از شاگردان وفادار کلاوز ویتزاز بود پلان مشهور حرب اول جهانی را با درایت کامل و دوراندیشی ممتاز چه در ساحه حرب و چه در ساحه های حرکات پلان تقرب غیر مستقیم را انشا و چون نسبت کبر سن و مرگ قبل از وقوع جنگ نتوانست خودش به مرحله اجراء بگذارد - مگر میگویند که تادم و ایسین به این نوع طرز حرکت توصیه مینمود - (خوانندگان گرامی میتوانند از کتاب تحت عنوان وصیت نامه شلیفن خوب تر مستحضر گردند) با دست اندازئی مولتکه جوان و تغییرات بیمورد طور شاید و باید عملی نشد و با درایت و بیدارئی قوماندان های بزرگ فرانسه از قبیل ژوفر - فوش از نکات ضعیفی که مولتکه جوان در تغییر پلان شلیفن آورده بود با مهارت تام استفاده و نتیجه تلخ بی پروائی نسل جوان آلمان را به آنها چشانند -

همه میدانیم که شلیفن میخواست با احاطه وسیع حتی گذشتن از یک قسمت از اراضی هالند اردو های فرانسه را که در شرق پاریس تحشد کرده بودند به استقامت اراضی کمسار ژورایا ندادند - اما مولتکه جوان این احاطه را کم وسعت و در عین زمان قوای احاطه کننده را ضعیف ساخت - قوماندانان گارنیزون پاریس جنرال لویته برای تقرب غیر مستقیم در جناح راست آلمان که از شرق پاریس میگذشت پلانی طرح و به قبول مارشال ژوفر رسانید - و زمانی که آلمان ها به مارن رسیدند با عملی شدن این پلان

های دیگر و مهارت مارشال فوش منجیح قوماندان اردوی جدیدالتاسیس نهم اردو های اول و دوم آلمان به احاطه اردوی ششم لیونی و اردو های سوم و چهارم به شق و احاطه معروض و بدینوسیله فتح سریعی که شلیفن آرزو داشت به حرب موضع چهار ساله مبدل گشت -

در حرب دوم پلان مشهور فون ماینشتاین با موافقت پدر زره دار آلمان گدیریان که بمقصد اغفال اردو های فرانسه و انگلستان در اراضی عارضه دار اردین که فرانسوی ها هیچگاه ضربه اصلی را از آنجا انتظار نداشته و با اردوی ضعیف نهم متر مینمودند امکان مغلوبیت اردو های متفقین را در ظرف پانزده روز فراهم آوردند - این بود مثال هائیکه لیدل هارد برای اثبات متمرکز بودن تقرب غیر مستقیم در کتاب فوق الذکر با تفرعات ممکنه اشاره نموده است -

اما ما میدانیم که تقرب غیر مستقیم یکی از روش های ستراتیژی و تاکتیک است که برای عملی کردن سورپریز پرنسپ مهم ستراتیژی قابل استفاده است - البته لیدل هارد مورخ تیزبین - تحلیل کننده قابل تحسین میباشد و در عین حال متخصص ستراتیژی است - ولی هدایت دو کلمه ئی پیشوای بشریت محمد (ص) آقدر جامع و وسیع است که در تمام ساحه ها در مجادله متمرکز میباشد - من میخواهم با این هدایت بیغمبر بر حق خدای خود بیش تر مصروف گردیده و تا جائیکه عقل ناقص این امت نا توان ایشان است به تشریح مختصر آن بپردازیم -

الحرب خدعه

ما امروز میبینیم که حرب مقابل دشمن آشتی نا پذیر و خواهان تسلیم بلا تید و شرط ، تغییر شکل داده و حرب از چو کات قوای عسکرئی با فراتر نهاده و بصورت اشکار از قوای مجموعی مادی و معنوی استفاده با مجاز میشود - قبل تسلیم اما امروز و بعد ازین امحای طریقین موضوع بحث برای رسانیدن حرب غایب آنست - بعد از حرب دوم جهان مارشال لودندورف که در جبهه های شرق و غرب بالاخره منجیح لوی درستیز مارشال هندنبورگ قوماندان قوای آلمان فجایع - خونریزی های وحشیانه طرفین را در راه نیل بمقصد سیاسی دیده و محرومیت های زیر دستان خود را احساس کرده و با تجارب چهار ساله حرب اول جانکاه جهانی و تحلیل حوادث و سوانح کتابی به نام توتالسن گریگ ! نوشته است همه خواننده اند - درین کتاب حرب را توصیه نموده مگر در صورت ناگزیر بودن از حرب آنرا شامل تمام قوای مادی و معنوی ذهنی فکری دانسته و احضار برای همچو مجادله اجباری از جماد نبات - حیوان و انسان ها از اطفال تا پیر فانی لزوم و اشتراک را خواستار و برای سازنده این دستگاه امحا کار توصیه

- های فرموده و موافقت رابه اغفال دشمن و بازی آن در هر اسم و رسم که باشد لازم و ملزوم یکدیگر اثبات نموده است. زیرا هر قدری که ما برای قوی بودن خود در هر ساحه بکوشیم دشمن نیز آرام نخواهد نشست پس خدعه در مقابل دشمن ضعیف مساوی و یا قوی در صورتیکه خوب و ماهرانه عملی گردد مشعراست و اینرا هم نباید فراموش کرد که دشمن هم خدعه را من حیث سلاح مؤثر استعمال خواهد نمود.

خدعه بمقابل دشمن خون اشام مجادله دو جانبه با و مایل سیاسی - اقتصادی - پسیکولوژی و عسکری است.

و به همین جهت است که حضرت محمد (ص) حرب را خدعه فرموده اند - زیرا همیشه منافقان اسباب بزرگ بدبختی ها را با حيله بر اسلام از روزی که محمد ص با چندیار محدود خود بر مقابل گروه کثیر مشرکان مجادله میفرموده تا امروز که حيله مود روز شده ادامه دارد.

بنایم به موضوع خود، حرب حقیقتاً يك اکت اجباری بوده که با اعمال حیوانی و حتی خشن تر از آن جریان میکند - مگر با هدف خود فرقی بینماید یعنی طرفی که از نوامیس ملی و حق بشری و شرافت اجتماعی و دعوای برادری و برابری مدافعه میکند - خواه تعرضی باشد و خواه تداقی به هر دو صورت يك عمل اجباری و مقدس است با لخاصه که این حرب بمقابل استعمار باشد.

حرب بزرگترین عبادت با شجاعت و فرمانبرداری از آیات مبین و اوامر خالق مهربان است.

درین نوع حرب سران ملی به پیروی از منویات جامعه شریف و نجیب افغانی با تنگدستی و يك مشت گندم قوه لوژستیکی و سلاح های قرون احمد شاهی برای ممانعت از آرزو های ناپاک و اعمال ذعاقبت اندیشانه غیر بشری امپریالیزم بشکل کواردینه ریشه های عمیق استعمار رابه شجاعت و اراده مستحکم در آسیا به کندن شروع نمودند و درین حرب ضدامپریالیستی و یا جهاد کبیر اول از بزرگترین پرنسیپ استراتیژی خدعه استفاده بالمثل نموده و با استعداد خداداد و مغزهای متفکر خود دشمن را با قوه فکری و بازوی قوی گوشمالی فراموش ناشدنی دادند.

لیدران ملی یا رهبری ملی انقلابی و وسیع پلان حرکات دسته جمعی را متناسب به احوال و شرایط زمان بیدان آورده و برای دفع سر دشمن و خنثی ساختن بازی های اهریمنانه شان با تعرضات پسیکولوژیک نخست، دشمن را درک حرکت ناشایسته آن که در عقب پرده شاه شجاع میخواست افغانستان را اشغال و بر مردم آن با داری کند از راه مذاکرات غیر مستقیم دعوت نمود - چون فهمیده شد که دشمن بهیچ وجه و بهیچ نحوی از انجا مردم ستمدیده و زحمت کش ما را گذاشتنی نیستند چاره جز ادامه حرب و کار

گرفتن از همه امکانات و عملی نمودن ملاحظات حرب پرنسیپ های استراتیژی طریق دیگری نداشتند.

برچه را با برچه - حيله را با حيله جواب دادن یکی از لازمترین و مهمترین وصایای استادان حرب، صنعت کاران استراتیژی و قواعد شناسان تاکتیک است.

ملت افغان با حيله های ماهرانه رهبران قوی اشغالی آشنا گردیدند با سلاحیکه مجادله مینمودند مجادله را آغاز نمودند - گرچه اسجای دشمن اسباب و علل احساسات انتقامی آنها را فراهم آورد مدت های طولانی از حمله های مستقیم و غیر مستقیم آنها افغانستان عقب افتاد اما افتخار به جنبش در آوردن کتله ها و نوده های عظیم دنیا را کمائی و منحیث پيشدار ضد امپریالیستی به زوال امپراطوری های افتخار بدار کمک نخستین و ضربه جانکاه بی مثل تاریخ را وارد نمود - گرچه آینده بخدا معلوم است اما یقین داریم که اصالت و نجابت اقوام شریف افغانستان هر وقت و هر زمان در برابر دشمن تجلی کردنی و به نتیجه مثبت رسیدنی است بشرط ایمان و اتفاق ما به کسانی که در چندین جهاد بمقابل تجا و دشمن قیام کرده اند افتخار کرده و امیدواریم در سایه صلح و در داخل و خارج با همت عالی تاریخی و میراثی خود در راه رسیدن به سویه عالی اقتصادی مجاهدات ملت نامور ما به رتایح عظیم برسانند.

دشمن عجله مینمود و حق هم داشت زیرا نمی خواست نفوذ رهبران جدید پاک سرشت فدائی وطن در اعماق روح قشرها و اقوام افغانستان ریشه های متین دوانیده برود اما غافل از آنکه جریان اصیل خون پاک در عروق و احساس وطن پروری و ناموس داری در دماغ های فرد فرد مردمان با حوادث مردان و دشمن کش تاریخ مهلک پرورش آنها انقدر مشترک و عمیق ریشه دوانیده که قلم نا توان من از وصف آن عاجز است و درین نبرد هستی و نیستی به مقابل تجا و زیبایی کانه دشمن - همه مردم قیام طوفان زائی را برپا و بیصبرانه به امر رهبران عالیقدر و دستگاره رهبری انتظار و در صور عدم قبول صلح شرافتمندانه دل استعمار را از خانه اش برارند

میکنند چندین بار برای شروع کنفرانس سران پیش نهاداتی مینمود و این تشبثات شتابان بزرده به شک و تردید در باره استفاده از بین کنفرانس میافزود -

طرف ما برای بدست داشت زمان کافی غرض انجام مشوره ها و شناختن ماهیت اصلی نیت و مقصد دشمن سریشی کبیرخان را ارائه مینمودند دشمنی عجنه داشت زیرا هر چه روز گذشته میرفت پرده از چهره حقیقی او برافراشته میگردید دشمن می خواست با اظهار شروع هر چه زودتر کنفرانس در بین سران ملی و مردم تفرقه بیاندازد و چنین وانمود کند که آنها حل فصل مسائل سیاسی را میخواهد اما سران ملی نمی خواهند. حال آنکه از تشبثات مخفیاتی که بوسیله (بقیه در صفحه ۱۲۳)

نظریات کلاوزویچ در عصر حاضر



آیا در شرایط حرب‌های فعلی تیوری‌های کلاوزویچ قابل تطبیق است؟

بطور دوامدار تصحیح کرده می‌روند. اداره کردن این وضعیت شدید معایر عقل به مهارت کافی جهت تأمین بقای بشر مکلفیت مهم‌ترین انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. به مقصد تأمین این مقصد باید اول از فهم و دانش خود در باره اینکه حرب چیست و طبیعت و مقاصد آن چه چیز است مطمئن شویم یعنی این اطمینان را پیدا کنیم که ماهیت، طبیعت و مقاصد حرب را بخوبی درک کرده ایم. درین مورد یکی از راه‌ها عبارت است از احیای مجدد و بررسی تیوری‌ها و مفکوره‌های منتخبه کلاوزویچ از کتاب معروف آن که موسوم به (در باره حرب) می‌باشد و به عنوان آتی شناخته شده است:

« اولین مطالعه حرب که بطور صحیح اساسات موضوع را احتوا میکند و اولین اثریکه شامل نمونه افکار قابل تطبیق در هر مرحله تاریخ نظامی و عملیات می‌باشد. »
تحلیلی که کلاوزویچ در باره حرب بعمل آورده است دارای کیفیت و ارزش دایمی می‌باشد و یک اساس را برای ابتکار و نوآوری بوجود می‌آورد. متأسفانه کلاوزویچ اکثر آ‌بشکل‌گوینده یک تعداد مقوله‌های معروف ذکر می‌شود و کمتر به مفهوم واقعی که او می‌خواسته است توسط گفته‌های خود بدیگران برساند توجه بعمل می‌آید. او تلاش زیادی بخرج داد تا خاطر نشان سازد که پرنسپ‌های او قواعد حتمی و تغیرناپذیر نمی‌باشند بلکه صرف رهنمای حرکات می‌باشند و باید فکر قوماندان آینده را در حرب تعلم و تربیه نماید و در تعلیم و تربیه خودی او را رهنمائی کنند مگر او را در میدان جنگ همراهی نمایند تیوری معقول هیچگاه جای عمل ابتکاری و نوآوری را گرفته نمی‌تواند (

کتاب (در باره حرب) کلاوزویچ متشکل از هشت کتاب است که در آن جمله او فکر میکرد که صرف فصل اول کتاب اول آن مکمل می‌باشد در کتاب اول او فشار را بالای طبیعت حرب، اهمیت هدف سیاسی و فرق بین حرب از نظر تیوری

معضله عصر ما اینست که یک کشور باید جهت حراست چیزهاییکه نزد آن ارزش دارد برای مقابله با تهدیدات نظامی بحال آمادگی باشد و بحیث یک ملت در مجادله مسلحانه با یک حجم و وسعت آن نامشخص است قدرت فعالیت و سهم‌گیری را دارا باشد و گذشته از آن در حالیکه مساعی و تلاش‌هاییکه بدین مقصد بعمل می‌آید بطور ماهرانه سوق و اداره نگردند شاید ارزش‌هاییکه به دفاع از آن قیام به عمل می‌آید به تباهی مواجه شوند. حرب مثل گذشته حالت یک پدیده اجتماعی بشری را داراست در حالیکه وسایل چنین پدیده چنان قدرت و امکانات تباه‌کننده دارد که موجودیت جوامع را تهدید کرده می‌تواند. این تهدید مدعش برای نخستین بار بساعت ۰۸۱۵ روز ۶ آگست سال ۱۹۴۵ هنگامیکه نخستین بمب ذروی بر فراز جاپان در هیروشیما انفلاق کرد، در برابر تمام مردم قرار گرفت. در آنساعت حرب باهیت یک معمای جهانی را پیدا کرد. برای اولین بار کلیه مغلق جنگ نه تنها عناصر نظامی یک اجتماع را مورد تهدید قرار داد بلکه پای تمام اجتماع را به حرب کشود و آنرا زیر تهدید گرفت. حرب به اوج نهائی شدت نامحدودی که در مفکوره مجرد حرب کل فون کلاوزویچ انعکاس کرده بود نزد یک شد و شاید هم به آن نقطه رسید.

پس از آن طی بیست و پنج سال گذشته این معما نه تنها یک متبه و محرک آنها ناپذیر برای تفکرات منطقی بوده است که باعث بوجود آمدن شک و تردید در صحت آنها شده است بلکه در عین زمان شکل یک مغایرت جدی را از عقل و ذکای انکشاف یافته انسان دارا بوده است انتحار و یا تخریب خود یک عمل غیر منطقی می‌باشد مگر انسانها اصرار ورزیده اند تا حرب را بحیث یک وسیله تبارز اجتماعی استعمال کنند در حالیکه در عین زمان وسایل حرب را برای تباهی خود انکشاف می‌دهند و آنرا

و حرب از نظر عمل که عناصر اساسی را برای بشر جهت فهمیدن و شناختن حرب تشکیل میدهد انداخته است .

طبیعت حرب :

کلاوز وویچ برای دریافت طبیعت اشیاء در روحیه جستجوی اشیای مطلق و یا مطلقیت غرق شده بود و برای معلوم کردن طبیعت هر چیز بدنبال حقایق مطلق بود . او در عصری زندگی میکرد که فلسفه بر افکار آنها تکیه خود را وقف تعقیب و انکشاف علم ساخته بودند حکومت می نمود تماایل او به قاطعیت تا اندازه زیادی ناشی از توجه او به نوشته های امانوئل کانت بود .

کانت يك پروفیسر منطق و متافزیک در یونیورسیتی کونیگسبرگ به صحنه مجادلات بی پایان بین دلایل بشری متکی بر تجارب و آن سوالاتیکه از طرف طبیعت دلایل بشری مطرح شده و به علت اینکه ساحه آن وسیعتر از قلمرو تجارب بشری می باشد بی جواب می ماند و یا جواب درستی به آن پیدا نمی شود، جذب شد و به آن علاقه گرفت به این معنی که دلایل متکی به تجارب بشری نمی تواند که به تمام سوالات وارده جواب بگوید زیرا ساحه این سوالات آنقدر وسیع است که از حدود تجارب بشر فراتر میگذرد .

از نظر کانت يك دلیل (خالص) وجود دارد که برای اندازه گیری و ارزیابی تمام استدلالات حیثیت يك قاطعیت را دارا است . کلاوز وویچ در جستجوییش برای طبیعت اساسی حرب بروش کانت یکنوع شکل اساسی و یا مدل اصلی حرب را اختیار کرد که يك قاعده و یا ایده آلی می باشد که توسط آن تمام فعالیت های نظامی اندازه گیری و ارزیابی شده می تواند .

کلاوز وویچ حرب را بحیث (يك عمل تشدد آمیز به مقصد مجبور ساختن دشمن برای قبول کردن و گردن نهادن به آرزوی ما) تعریف کرد . در حرب تشدد با لقوه و وسیله است و غایه آن تسلیم شدن اجباری دشمن به آرزو و اراده ما می باشد .

با قراردادن تشدد با لقوه (نیروی فیزیکی) بحیث وسیله خاص حرب، کلاوز وویچ ادعا میکند که داخل ساختن روحیه مهربانی و مدارا در فلسفه حرب يك کار غیر منطقی می باشد زیرا حرب بذات خود يك عمل خشونت آمیز است . بطور نظری دشمن صرف وقتی تسلیم اراده ما خواهد شد که یا مطلقاً خلع سلاح شود و یا در چنان وضعیتی قرار داده شود که زیر تهدید خلع سلاح شدن قرار گیرد از این ملاحظات چنین نتیجه گرفته می شود که خلع سلاح و یا مغلوب ساختن دشمن باید همیشه هدف حرب باشد چون هر دو طرف متخاصم دارای عین هدف خواهند بود از نظر منطق حرکات متقابل



کلاوز وویچ

بطرف افراط پیش خواهد رفت و بنا برین (حرب يك حرکت تشدد آمیز است که بطرف حدود بلند ترین آن پیش برده می شود) .

حرکات متقابل :

در تحلیل مجرد حرب کلاوز وویچ فیصله کرد که استعمال نیروی فیزیکی در حرب نامحدود است .

به عقیده او استعمال نیرو از نگاه تیوری به علت سه نوع حرکت متقابل غیر محدود است : اول اینکه هر کدام از متخاصمین بالای طرف مقابل فشار وارد می نماید و بنا بر آن هر کدام باید در حصه خود فشار اعظمی را وارد نماید تا به این هدف برسد . دوم اینکه حرب یک تصادم شدید دو قوه زنده با همدیگر می باشد بنا بر آن طوریکه کلاوز وویچ میگوید « تا زمانیکه من دشمن خود را مغلوب نکرده ام شاید او مرا مغلوب نماید » . و سوم اینکه هر طرف متخاصم باید مساعی خود را به قدرت مقاومت طرف مقابل متناسبت بسازد مگر طرف مقابل نیز به نوبه خود عین کار را میکند .

معهدا معلوم می شود که کلاوز وویچ در توضیح موضوع آتی درنگ نکرده است هر چند بعضی ها آنرا اخذ کرده نتوانسته اند .

در قلمرو مجرد مفکوره های خالص مغز متفکر هیچ جائی آرام نمی گیرد مگر تا وقتیکه به حدود نهائی برسد زیرا این مغز با همین حدود نهائی سرو کار دارد یعنی در حالیکه یک مجادله قدرت ها به خود شان گذاشته شود که پیرو هیچ قانونی مگر قواعد خود نباشند . این حرکات دایمی متقابل ما را به حدود افراط خواهد رسانید که در حقیقت جز یک بازی خیالات که از یک سلسله بحث

های بی حاصل در مورد مطالب کم اهمیت و جزئیات نشئت میکند. چیز دیگری نخواهد بود. و این در صورتی است که مفکوره‌ها را بطور مجرد مدنظر بگیریم. و هر گاه با گرایش نزدیک به قاطعیت اگر تمام مشکلات را بیک جولان قلم حل کنیم و با جدیت منطقی اصرار ورزیم که در هر مورد ما باید به مقاومت نهائی حاضر بوده و آنرا با مساعی نهائی بعمل آوریم میتوان گفت که چنین جولان قلم محض یک قانون روی کاغذ بوده و در شرایط واقعی قابل تطبیق نخواهد بود.»

مفکوره ضریب‌ها

به این ترتیب کلاوزوویچ این اخطار را بوجود آورد و آنرا مدلل ساخت که هر چیز زمانی که از حالت مجرد به حالت واقعی می‌گذرد شکل دیگری را بخود میگیرد و یا فرق در آن بوجود می‌آید.

کلاوزوویچ به مقصد تفریق و تمیز حرب واقعی از حرب مطلق نظری مفکوره ضریب‌ها را بیدان کشید. حرب در یک اتموسفیری که حاوی خطرات، مساعی فزیک، ابهام و چانس می‌باشد سیر میکند. هر چیز در حرب بسیار ساده است مگر حتی ساده‌ترین چیز بسیار مشکل است و این مشکلات که تا اندازه زیادی پیش‌بینی نشده و یا غیر قابل پیشگویی می‌باشند با هم یکجا شده و یک ضریب را تشکیل می‌دهند که عبارت از یک برک بطنی کننده بالای توسعه مطلق و تبارز تشدد یا لقوه می‌باشد. این مشکلات متشکل از خطر، خستگی جسمی، اطلاعات یا کمبود معلومات و تعداد بیشمار شرایط و مجهولات کوچک و غیر قابل محاسبه می‌باشد که از چانس نشئت می‌کنند. اینها از جمله بعضی چیزهای حتمی و علاج ناپذیری اند که همیشه مانع نزدیک شدن حرب واقعی با حرب روی کاغذ و داخل پلان واقع می‌گردد یعنی همین مشکلات حقیقی سبب می‌شود که حرب واقعی هیچگاه کاملاً مشابه حرب روی کاغذ و پلان گذاری شده واقع نگردد. همین ضریب است که در حرب آنچه را که آسان بنظر می‌آید در واقعیت مشکل می‌سازد و این یگانه مفکوره‌ایست که حرب حقیقی را از حرب روی کاغذ متمایز می‌سازد.

حرب یک چیز مجرد نیست بلکه یک چیز واقعی و عملی است. در قلمرو حقیقت کلاوزوویچ احساس میکرد که سه شرط باعث می‌گردد که مانع تبارز نیروی نامحدود حرب که در تیوری گفته شده است واقع شود: اول حرب هیچگاه یک عمل متفرد نیست که دفعتاً بظهور رسد و بی رابطه با حوادث گذشته باشد. دوم حرب متشکل یک از ضربه واحد بدون مدت نیست بلکه دارای ضربات متعدد طی یک مدت زمان می‌باشد. سوم نتیجه حرب هیچگاه قاطع نیست. این شرایط در قلمرو واقعیت قابل امتحان و بررسی‌اند.

آیا این شرایط حیثت شرایط نافذ تحدید کننده را بر کلی بودن پوتانسیل حرب در عصر ذروی دارا می‌باشد؟ یعنی آیا شرایطی که فوقاً از طرف کلاوزوویچ بحیث عوامل تحدید کننده بر استعمال نامحدود نیرو در حرب قلمداد شده است در عصر ذروی می‌تواند باعث محدود ساختن پوتانسیل حرب قرار گیرد؟ جواب آن البته منفی می‌باشد. افکار کلاوزوویچ تحت تاثیر شرایط نظامی قرن ۱۹ واقع بود. قدرت و کیفیت تخریبی اسلحه ترمونوکلیر و تحولات عمده ای که در تجهیزات و وسایل امروزه حرب بعمل آمده است برای کلاوزوویچ نامفهوم بوده است. نظربه تجارب کلاوزوویچ برای تجمع و نقل دادن وسایل حرب یک ملت به مقابل ملت دیگر چند هفته و چند ماه وقت لازم دیده می‌شد. همین مفکوره اوباعث شد که او این شرط را وضع نماید که حرب هیچگاه دفعتاً و بطور آنی بوقوع نمی‌پیوندد و توسعه آن یک عمل آنی نیست بلکه یک وقت و زمان را دربرمیگیرد. معیناً امروزیک حرب ذروی کاملاً بطور آنی و دفعتاً بوقوع پیوسته می‌تواند. و در حقیقت درین شرایط یک آغاز سریع و شدید حرب یک امر ضروری می‌باشد زیرا در حرب ذروی کسی که حرب را آغاز می‌کند تنها در صورتی میتواند تا ثیرات حملات مشابه و متقابل ذروی را محدود تر و خسارات آنرا کمتر سازد که حرب را بطور ناگهانی و شدید آغاز کند و در همان ضربات نخستین بر پوتانسیل ذروی طرف مقابل چنان صدماتی وارد نماید که قدرت عکس‌العمل و مقابله آنرا تا اندازه زیادی تقلیل دهد.

به همین ترتیب اسلحه ذروی این شرط کلاوزوویچ را نیز نفی میکند که میگوید «حرب متشکل از یک ضربه واحد بدون مدت نیست». کلاوزوویچ عقیده داشت که در یک حرب باید بیشتر از یک ضربه و عمل فیصله کن بعمل آید و یا به عبارته دیگر حرب عبارت از یک سلسله ضربات و فعالیت‌های متعدد می‌باشد. در شرایط امروزه با آنکه پس از حمله نخستین ترمونوکلیر بعضی اشکال فعالیت نظامی ادامه خواهد یافت مگر احتمال دارد که همین حمله و یا ضربه نخستین ذروی بحیث یک عامل واحد فیصله کن تا اندازه زیادی نتیجه نهائی و سر نوشت حرب را تعیین کند. کلاوزوویچ در شرط سوم خود پیشنهاد میکند که نتیجه یک حرب هیچگاه قاطع نیست و فیصله ای که یک حرب بوجود می‌آورد نباید همیشه بحیث یک فیصله مطلق تلقی گردد و درین مورد او وانمود سازد که:

«دولت مغلوب اکثرأ مغلوبیت را بحیث یک مصیبت موقتی و یک دوره انتقالی تلقی میکند و تصور میکند که علاج آن در شرایط سیاسی سالهای آینده پیدا شده می‌تواند».

مگر نتایج تباها کننده ای که از یک حرب ترمونوکلیر

بوجود می آید آنقدر بزرگ و عمیق می باشد که امکان تلافی آن از طرف یک دولت صد مه دیده تصور شده نمی تواند. در نظریات کلاوز و ویچ مغلوبیت حالت قاطع نیست مگر در شرایط حرب ذروی مغلوبیت بدون تردید مساوی به ازین رفتن موجودیت ملی خواهد بود و برای چنین مغلوبیت شدید که هیچگاه از نظر ماهیت يك حالت موقتی یا دوره انتقالی شده نمی تواند بدون تردید نمیتوان يك علاج درست از طریق سیاسی در آینده پیدا کرد.

در نتیجه بررسی و امتحان شرایط اساسی کلاوز و ویچ که در نظر او عوامل تحدید کننده استعمال هوهنا محدود در حرب می باشند، میتوان گفت که این شرایط در عصر ذروی قابل تطبیق نمی باشد. فعالیت های دو قدرت بزرگ جهان (امریکا و شوروی) و تصویری که آنها از حرب کل دارند این عقیده را تقویه و تاکید می دارد.

ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی با قطع نظر از موضوعات زیادی که آنها را از هم جدا می سازد برای جلوگیری از حرب ذروی دارای يك آرزوی مشترك میباشند و این آرزو متکی بر ترس می باشد یعنی ترس از امحاء شدن و ترسی که متکی بر اطلاع و باخبری از تخریبات شدید و ممکنه در شرایط حرب کل می باشد و این تخریبات از روی دلایل و منطقی در يك حرب کل بوجود آمدنی است روی همین عقیده فعالیت های دو قدرت بزرگ جهان مواقعه آنها رایه امکان استعمال نامحدود قوه در حرب که از طرف کلاوز و ویچ در مفکوره مجرد حرب کل ابراز شده است انعکاس میدهد.

ترس از حرب ذروی قدرت های بزرگ رایه این واداشته است تا برای جلوگیری از وضعیت های شدید بحرانات سیاسی سعی و تلاش بعمل آورند. هر دو طرف از وارد کردن فتنه برای احراز چنان برتری های سیاسی که توازن نظامی را مختل سازد امتناع ورزیده اند. ترس از به جریان افتادن يك سلسله حوادثی که امکان منتهی شدن رایه حرب ذروی داشته باشد يك فکتور بارز و برجسته در روابط ایالات متحده امریکا - اتحاد شوروی بوده است.

عین همین ترس قدرت های بزرگ را مجبور ساخته است تا در تصادمات منطقی در تمام نقاط جهان بطور مستقیم ترسهم بگیرند و یا در آن مداخله کنند این سهم گیری و مداخله قدرت های بزرگ در حوادث مذکور ناشی ازین عقیده است که هر تصادم خطر برانگیختن حرب ذروی را دارا می باشد مداخله سریع و محدود ساختن بحرانات داخلی به مقصد تجرید ساختن بحرانات بعمل می آید. حتی در بحراناتی که تقابل مستقیم قدرت های بزرگ را در برابر همدیگر بار آورده است (مانند بحران راکت های کیو با

بسال ۱۹۶۲) هر دو قدرت یعنی ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی طوری با احتیاط رفتار کرده اند تا کشیدگی را نرم ساخته و بسرعت چانس حرب ذروی را تقلیل بخشند.

حرب های غیر ذروی منطقی:

با اتخاذ رویه فوق الذکر از طرف قدرت های بزرگ جهان افزایش در حرب های غیر ذروی منطقی بوجود آمده است مانند حرب های ویتنام، لاوس، کوریا و شرق میانه این حرب های محدود منطقی بشمول حرب های گریلائی بحیث واسطه ها و وسایل تصادمات سیاسی بنظر می آید و در اجرای این حرب ها قوای غیر ذروی فکتور عمده و حاکم را تشکیل داده است.

امریکا متحد امریکا و اتحاد شوروی به این وسایل غیر ذروی موفع داده اند تا نایب تصادمات و بحرانات دوره پس از حرب دوم جهان را تعین نمایند و دلیل آنها اینست که چنین تصادمات دلچسپی های حیاتی دو قدرت بزرگ جهان را تهدید نکرده اند. هر دو قدرت بزرگ فهمیده اند که اگر دلچسپی های حیاتی آنها مورد تهدید قرار گیرد اسلحه ذروی بحیث راه حل نهائی استعمال شده می تواند.

اقدامات ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی درین عصر نشان میدهد که هر دو طرف در خصوص ممکن بودن حرب کل و استعمال نامحدود قوه عقیده مشترك دارند و این حقیقت را پذیرفته اند. گذشته از آن این اقدامات نشان میدهد که آنها مکلفیت های بشر را در خصوص جلوگیری از تباهی کامل که در آغاز این مقاله به آن اشاره شده است درك کرده و به آن قیمت داده اند.

حرب بحیث يك عمل سیاسی:

تیزی که مربوطیت آن به کلاوز و ویچ بسیار شهرت دارد عبارت ازینست که «حرب دوام سیاست دولت به واسطه دیگر است». در طرح این مفکوره او چنین توضیح داده است:

«حرب هیچگاه از معاملات سیاسی جدا شده نمی تواند و هر گاه این کار در اثنای شناخت ماهیت موضوع واقع شود تمام رشته های مختلف همستگی و روابط از هم می گسلد و ما در برابر خود يك چیز بی مفهوم و بی هدف را خواهیم داشت».

کلاوز و ویچ عقیده داشت که اگر در حرب يك شناخت کامل در خصوص اهمیت و اولیت هدف سیاسی در تمام موارد و همه ملاحظات موجود نباشد حرب محض يك عمل تشدد آمیز کنترل نشده خواهد بود. درین عصر با افزایش فوق العاده و بزرگساحه و حجم تشدد و تخریبات ممکنه و نتایج متناسب و در عین زمان تصور ناشدنی آن گفته های کلاوز و ویچ مورد تأمل قرار می گیرد:

اکنون اگر ما تصور کنیم که حرب از يك هدف سیاسی

منشأ می‌گیرد ماسی‌بینیم که این علت نخستین که باعث بوجود آمدن حرب می‌گردد بحیث یک ملاحظه اولین و عالیت‌رینی که باید در جریان حرب مدنظر گرفته شود قرار می‌گیرد. مگر هدف سیاسی به اندازه‌ای کامل نیست که یک قانون‌گذار با کفایت باشد بلکه باید خود را به ماهیت وسایلی که در اختیار دارد مطابق بسازد و به این ترتیب امکان دارد که در نتیجه چنین انطباق به امکانات و وسایل دست داشته کاملاً تغییر یابد مگر باید همیشه بحیث ملاحظه اولین در حرب تلقی گردد. بنا برین سیاست در تمام فعالیت‌های حرب دخول نموده و تأثیر دایمی را بالای آن تا جائیکه ماهیت قدرت نفوذی آن اجازه می‌دهد تولید خواهد کرد... اکنون آنچه هنوز هم مخصوص حرب است و در ملکیت خاص آن می‌باشد مربوط اوصاف مخصوص وسایلی است که آنرا استعمال میکنند. صنعت حرب بصورت عمومی و قوماندانان در هر وضعیت خاص میتوانند نقاضاً نماید که تمایلات، خواسته‌ها و دیزاین‌های سیاست نباید مغایر وسایل دست داشته باشد و این ادعا به هیچ وجه شگفت‌انگیز نیست. معهداً صنعت حرب و قوماندانان با هر اندازه قدرتی که در برابر طرح‌های سیاسی در وضعیت‌های خاص عکس‌العمل نشان بدهند باز هم باید این عکس‌العمل‌ها یک تعدیل طرح‌های سیاسی تلقی شود زیرا طرح‌های سیاسی هدف می‌باشد. در حالیکه حرب وسیله و واسطه است و وسیله هیچگاه جدا از هدف فکر شده نمی‌تواند.

اگر حرب دوام معاملات سیاسی و یا دوام سیاست قبول شود آنوقت موفقیت در حرب بصورت صحیح صرف توسط معیار‌های سیاسی اندازه شده می‌تواند نه توسط مفاهیم خالص شکستاندن و مغلوب ساختن دشمن. یک اندازه موفقیت نظامی شرط ضروری برای تـوصل به اهداف سیاسی حرب می‌باشد، مگر موثرترین اندازه‌ها و معیار‌های غلبه بر مقاومت دشمن ضروراً موثرترین اندازه‌ها و تدابیر برای تأمین غایه‌های دوامدار سیاست ملی در دوران بعد از جنگ نمی‌باشد.

رابرت او سگود در اثنای مطالعه بکار بردن عملی و رنسیپ‌های رجحانیت و قدامت سیاسی که دارای اهمیت منحصراً به فرد می‌باشد چنین ادعا میکند:

«تمام فعالیت‌ها و جریان‌های حرب بشمول ستراتیژی، تکنیک‌ها و مقاصد آن باید تحت حاکمیت ماهیت اهداف سیاسی ملت باشد نه اینکه صرف تابع معیار‌های مستقل موفقیت و یا اقتضای نظامی قرار داده شوند. سیاستمداران بدون آنکه دیپلوماسی را در دوران حرب به تعویق اندازند باید تمام تلاش خود را برای زنده نگهداشتن دیپلوماسی در دوران محاصمت با مدنظر گرفتن این غایه بکار برند که حرب تا جائیکه امکان دارد یک مرحله

دوام معاملات سیاسی باشد نه یک چیز بی مفهوم و بدون هدف».

درین نقطه باید یک سوال واضح مطرح گردد: آیا کدام سیاست و یا هدف سیاسی متناسب به شرایط استعمال اسلحه ذروی بوده می‌تواند؟ تخریبات کلی که با یک حرب ذروی توأم بوده می‌تواند درک این نکته را بسیار مشکل می‌سازد که چنین حربی به کدام مقصد سیاسی خدمت کرده می‌تواند بجز آنکه هدف سیاسی در چنین حرب بقای دایمی یک ملت بحیث یک کلیه سیاسی باشد.

میتوان تصور کرد که چنین مفکوره بقای دایمی یک ملت شاید بطور دقیقتر عبارت از بقای قسمت‌های باقی مانده یک مدنیت و یا یک واحد سیاسی در میان تخریبات و مصایب تصور ناشدنی باشد. و میتوان این سوال را هم مطرح کرد که آیا چنین یک واحد سیاسی باقیمانده در چنین شرایط مرگبار باقی مانده می‌تواند؟ شاید اساسی‌ترین تمایلات حیوانی انسان فراتر از همکاری و معاونت حتی در خصوص اساسی‌ترین موارد تلاشهای مجموعی قرار گیرد.

پس آیا درینصورت در مفکوره کلاوز وویچ درباره هدف، پالیسی سیاسی و روابط آن با حرب چه چیزی را میتوان درک کرد؟ آیا این مفکوره بحیث یک قدم پر معنی در راه شناخت و فهم بهتر حرب خدمت می‌کند و یا حیثیت یک قدم بارز را در راه اداره و کنترل اختلافات بشر دارا می‌باشد.

گفته‌های کلاوز وویچ در عصر امروز نسبت به گذشته دارای تأثیرات و انتباه بیشتر است. درین عصر ذروی غایه‌های غیر محدود سیاسی خواهان قوای غیر محدود می‌باشد و سویی حرب از نظر فرضیات نظماً می‌بالاتر از امکانات رهبری موثر سیاسی قرار می‌گیرد یعنی سویی حرب با استعمال قوای نامحدود برای بدست آوردن غایه‌های نامحدود سیاسی به مرحله‌ای میرسد که از طرف سیاست بطور موثر رهبری شده نمی‌تواند صرف با محدود ساختن محتاطانه هدف سیاسی و متوازن ساختن اهتمام آمیز حجم و اندازه قوای که برای حمایت و یا تعقیب هدف مذکور استعمال میگردد، یک ملت می‌تواند که خطر تحول حرب را بیک مصیبت غیر قابل تحمل به حد اصغری پائین بیاورد.

کلاوز وویچ همین قاعده را پیش میکند که بر اساس آن تضمین بقا استوار بوده می‌تواند. او عقیده داشت که با چنین فهم و طرز تفکر میتوان نقطه نظر اصلی را که حرب و تیوری حرب باید ناشی از آن شناخته شود تعیین و تثبیت کرد.

در همین مورد خاص کلاوز وویچ به ما درباره برداشتن یک قدم بسوی شناخت و درک بهتر سوق و اداره و شاید هم حل نهائی معضله بشری خدمت میکند.

قبل از آنکه نتایج مشخص را بمیدان بکشیم بهتر است بار دیگر اختطار کلاوزویچ را درین باره در نظر بگیریم که میگوید مطالعات و نظریات او نباید قواعد حتمی و تغیر ناپذیر تلقی شوند بلکه این نظریات صرف ماهیت رهنما و منبع را برای عملیات ابتکار آمیز دارا می باشد. این نظریات یک مخزن مفکوره ها، تیوری ها و استدلالات می باشد که هر کدام آن قبول، تردید و تعدیل شده میتواند. بنا بر این قواعد مذکور دارای کیفیت دایمی می باشد و برای آنها نیکه طالب فهمیدن می باشند دارای ارزش است.

نتایج دیگری که ازین مطالعات می توان به میدان کشید قرار آتی می باشد:

حرب کل که بصورت مجرد و نظری از طرف کلاوزویچ تصور شده بود اکنون در ساحت عمل و واقعی ممکن می باشد سه شرط وضع کرده کلاوزویچ که به عقیده او مانع استعمال نامحدود قوه واقع می شد در نتیجه بوجود آمدن امکانات بزرگ تخریبی حرب نرمونیو کلیر بی اعتبار شده است. قدرت و امکانات تخریبی و سرعت استعمال این پوتانسیل (قدرت ذروی) اکنون این امکان را بوجود آورده است که حرب یک ضربه واحد بدون مدت (بدون انقضای مدت زمان) شود. و احضارات این امکان را بوجود می آورد که در عین زمان ضربه بر قوای نظامی دشمن، نفوس آن و متحدین آن وارد آورده شود. و بالاخره نتیجه حرب در عصر کنونی قاطع و مطلق بوده می تواند و البته تباهی یک اجتماع بشری بحدت یک نتیجه مطلق و قاطع تلقی شده می تواند. در حالیکه کلاوزویچ اظهار میداشت که حرب یک ضربه واحد بدون مدت انقضا نیست و نتیجه حرب به هیچ وجه یک نتیجه قاطع و مطلق نمی باشد.

— قدرت و امکانات حرب کل موجودیت اهداف مطلق را در حرب فریب دهنده ساخته و حالت خود شکستن و یا خود مغلوبیت را بوجود آورده است. تعقیب چنین اهداف زمان جنگ در عصر فعلی صرف وقتی قابل درک است که در مقابل دشمنی که موجودیت دوامدار آن مستقیماً موجودیت دولت و یا اجتماع یک طرف را تهدید نماید، مد نظر گرفته شود.

— یک سیاست دوامدار خود داری ملی مطلوب است. برای تا مین این کار احیای مجدد و گرایش به معادله حرب و سیاست طرح شده از طرف کلاوزویچ لازم دیده می شود. اگر سیاست نتیجه استدلال با هدف بشر است پس این سیاست باید تضمین معقول را برای بقا تهیه کند. سیاست بزرگ یا غیر محدود و هدف های سیاسی ناشی از آن چنان سویه، ساحه و شدت را برای حرب وضع میکنند که در عصر ذروی قابل قبول دیده نمی شود.

بالاخره با پذیرفتن این نتیجه که حرب در شرایط فعلی بشکل کلی آن که از طرف کلاوزویچ تصور شده بود به وقوع پیوسته می تواند، ما بآن این نظر کلاوزویچ را قبول می کنیم که تا زمانیکه دشمن مقصد تخریب و نا بودی ما را داشته باشد ما باید نا بودی او را هدف قرار دهیم. این نتیجه گیری یک نتیجه نهائی را به میدان میکشد که عبارتست از:

انسان باید بطور دایمی وسایل را که او را به تباهی تهدید میکند انکشاف بدهد و در عین زمان راه ها و وسایل معقولی را برای از بین بردن این تهدید جستجو کند. ملکیت و داشتن وسایل موثر برای اجرای حرب کل تضمین (زمان) را برای ادامه جستجو جهت حل پرابلم ها فراهم می آورد.

کتابخانه ... !

پس از تحصیل بهترین دوستان نیکوترین غنیمت به دست آوردن کتابهای خوب است. (کولتون)

کتابخانه ها ستون های هستند که باز مانده های قدسیان آنگده از فضایل حقیقی و بدون فریبکاری و شیادی در آنها گرد شده است. (بیکن)

کتابخانه ها گنجینه های علم و ادبند که مردمان بصیر میتوانند از آنها چیز هائی برای آرایش و چیز های بیشتری برای کنجکاوی و چیز های بسیار بیشتر برای استفاده و استعمال استخراج کنند. (دامیر)

باید به حال آن بیچارگانی تأسف خورد که در خانه های بزرگ بی کتاب زندگی میکنند! و باید بآن مرد فقیری تبریک بگوئیم که از برکت ارزانی کتاب می تواند به بهای پولی که از بابت سیگار و نوشیدنی خودم پردازد، هر سال صد جلد کتاب بر شماره کتابهای کتابخانه خود بیفزاید. از میان بلند پردازیهای قدیمی که پیوسته باید در میان منشیان و کارگران و روزمزدان و همه کسانی که میخواهند از هیچ به چیزی برسند، پیوسته تشویق شود، بهتر از همه کتاب خوب داشتن و بر شماره آن افزودن است. کتابخانه کوچکی که سالانه رشد کند. سرمایه افتخاری از زندگی یک جوان است. کتابخانه چیز تجملی نیست بلکه از ضرورت زندگی است. (ه، و، و، وستر)

توپچی در قرن راکت



میباشند آن‌ها دارای خواص مشخصه میباشند که هسته بداخل غلاف واقع شده است (فولادی و یا ازالیاژ نرم) که به آن اجازه کسب نمودن خواص بالستیک خارجی خوب میدهد. تمام این مجموعه در بین قاعده جای داده میشود که دارای چاپ سلاح میباشد بعد از برآمدن مرمی از کانال میل قاعده و قسمت فعال از همدیگر جدا میشود قسمت فعال مرمی با یک سرعت (زیاده تر از هزار متر فی ثانیه) به پرواز ادامه میدهد و زره پوش‌های محافظه شده قوی را تخریب می‌کند متخصصین خارجی ساختمان و درجه خوب را در آینده مربوط به مرمی‌های میداند که از اوران ترکیب شده و خالی از ایزوتوپ‌های رادیواکتیوی باشد از چه نقطه نظر این نوع مهمات حربی مورد دلچسپی واقع شدند؟ از همه اول تر راجع به نقشه فزیک و فعالیت متقابل مرمی‌های ورانی دوزره بحث می‌کنیم :



منظر از فعالیت تانک‌ها در اراضی
عارضه دار

اخیر در خارج یکتوع مرمی‌های آماده شده که دارای عناصر تخریبی میباشند عرض وجود کرده اند که جهت از بین بردن قوای زنده دشمن در مسافتات مختلف وظیفه دارند در حقیقت این عبارت از مراجعت به مفکوره سابقه (شراینل) تنها با ترتیب و ساختان جدید میباشد بطور مثال قوای امریکائی در ویتنام جنوبی یکتوع مرمی‌های که دارای عناصر تیرمانند میباشند استعمال می‌کردند در اینجا به عوض گلوله بداخل بدنه آن به تعداد ۸۰۰۰ میله‌های فولادی کوچک بالدار جا بجا شده اند. در اثنای فعالیت انفلاق کننده قسمت اساسی و اصلی مرمی می‌شکند و چارج ضرر به دهنده سوزن‌های بالدار را خارج می‌اندازد که آن‌ها به شکل مخروط انتشار می‌کنند. باید ب خاطر داشت که سعی میکنند تا ساختمان و طرح پارامترها و قابلیت نفوذ این مرمی‌ها در زره بهتر ساخته شود. در این صورت مستنداً مرمی‌ها به مرمی‌های با چاپ (بصورت یک پارچه و یا به همراه مواد منفلقه) بلکه به مرمی‌های تحت چاپ خوردتر از چاپ سلاح ساخته می‌شود. تفوق مرمی‌های اخیر در آنست که در آن هسته قابل نفوذ در زره جای داده شده است که این فوق العاده قابلیت سوراخ کردن زره را تأمین میکند در اردوهای خارجی توجه خویش را معطوف به مرمی‌های تحت چاپ می‌کنند که دارای قسمت جداشونده

احیاء و پیدایش شکل با لخاصه توپچی میل دار در سال‌های اخیر، پیشرفت و ترقی آن به اساس تخنیک جدید باعث تغییرات مهم تمام عناصر سیسم توپچی شده و خواهد شد و به یک پیمان‌ه وسیع آن‌ها مهمات حربی ساختمان و خواص محاروبی را در بر گرفته اند ازین رو توسط این موضوع راجع به توپچی عصری به خوانندگان گرامی معلوماتی چند تقدیم می‌کنم

مهمات حربی پرابلم نمره ۱

چطور میتوان که تاثير فعاليت تخریبکارانه کتلوی پارچه‌های مرمی پارچه‌های محترقه و پارچه‌های گلوله محترقه را زیاد ساخت؟

جواب این سوال در کتاب‌های تخنیک حربی بصورت مفصل موجود است : بطور شاید و باید در آینده طور تکمیل ساختن و عملی ساختن و همچنان استفاده از موادهای انفلاقیه پر قدرت تر این پرابلم با سنجش خواص میخانیک فلز بدنه و وزن و خواص مواد انفلاقیه خاصیت ترکش هسته انفجار و غیره حل میشود در مطبوعات خارجی ساختمان مرمی‌های که پارچه می‌شوند و بدنه شان از دو سه قشر ساخته شده و بداخل بدنه شان یکتوع قاطع علاوه گمی برای قطع کردن فلز بطور متحرک جای داده شده که در بین یک تسم لوحه‌های حرارتی حرکت می‌کنند و دارای انفلاق دهنده‌های مسافوی بوده که انفلاق را در ارتفاع معین بالای هدف تأمین میکنند به نشر رسیده است در سال‌های

در اثنای وارد ساختن ضربه از طرف مرمی به زره فوراً یک حرارت بلند مانند تاثیر ضربه و همچنان حرارتی که در نتیجه عکس العمل تصادم اوران وزره فولادی بوجود می آید تولید می شود قطر سوراخ در زره نسبت به قطر مرمی زیاد تر می باشد .

نقشه مشاهده وی اصابت مرمی با زره مشابه بخارج شدن فلز ذوب شده از کوره مارٹینوف می باشد . اوران در یک فضای مخصوص که تا درجه حرارت بسیار بلند گرم شده باشد ، با اثر تماس با هوا یک عکس العمل او کشیده شدن انفجار مانند را تولید می کند . مرمی کمولاتیفی نظر به ساختمان و تاثیر بالای هدف بطور پرنسبی از مرمی های عادی زره شکن و تحت چاپ فرق میشود آن ها زره رانه با یک ضربه پر قدرت بلکه در نتیجه تخریب جریان گازهای کمولاتیفی آن در اثنای انفجار و غلیظ بودن به امتداد محور مرمی سوراخ می کنند . سرعت جریان کمولاتیفی تا ۱۵۰۰ متر فی ثانیه و فشار تا ۱۰۰،۰۰۰ کیلوگرام بر سانتی متر مربع می رسد . قابلیت نفوذ کننده مرمی های کمولاتیفی در زره مربوط به قدرت و مقدار مواد منفجره ، فورم و اندازه های هندسی قیف کمولاتیفی ، زاویه ملاقات با زره و نوعیت فلز روکش فرورفتگی میباشد شرایط بهترین برای فعالیت آن ها عبارت از سرعت ابتدائی آنها است . قوه نزار مرمی دورخورنده از مرکز بصورت منفی بالای جریانات گازی مرمی تاثیر می کند . در اینجا نسبت ذیل بین سرعت دور خوردن مرمی و تاثیر کمولاتیفی موجود است :

هر قدر که سرعت مرمی در پرواز زیاد باشد ، بهمان اندازه تاثیر کمولاتیفی کمتر است که ازین رهگذر این مسئله مشکل میشود چطور میتوان آنرا حل کرد ؟

برای بلند بردن تاثیر فعالیت

این نوع مرمی روکش فلزی قیف (کمولاتوری) استعمال می کنند (و لفرام ، مس ، آهن بدون کاربن دار ، و یا خود اینککه جریانات کمولاتیفی فلزی نسبت به گازی بسیار زیادتر است . کوشش می شود تا حادثه سرعت دورانی مرمی در بالای تاثیر کمولاتیفی از بین برداشته و یا خود کم ساخته شود . ازین لحاظ یکنوع مرمی های کمولاتیفی تهیه می شود که مجهز بوده و زود آماده میگردند و قسمت کمولاتیفی بالای یک قسم گراری های ساچمه دار نصب میشود . تنها طریقه تاثیر بهتر کمولاتیفی را مربوط به مرمی های میدانند که دور نمی خورند . بطور مثال مرمی بالدار کمولاتیفی فرانسوی برای تانک های که چاپ میل آن ۹۰ ملی متر است ، طوری که در مطبوعات به نشر می رسد قادر اند تا زره را که دارای ضخامت ۲۰ ملی متر است بشکافند هرگاه تانک ها دارای زره اکرانی شده باشند ؟ درینحال پیشنهاد میشود که تا مرمی های کمولاتیفی که از دو چارچ منفجره کمولاتیفی مسلسل بصورت تسلسلی قرار گرفته باشند استعمال شوند . در اینجا غایه اینست که چارچ اول زره اکرانی شده را شکافته و چارچ عقبی تخریب زره اساسی را تا مین میکند .

و حالا معلوماتی چند راجع بمرمی های در دهنده تقدیم خواننده گان محترم مینمایم . طوری که معلوم است این نوع مرمی ها دارای قدرت تخریبی

فوق العاده زیاد و همچنان تاثیر روحی زیاد می باشد و بدین ترتیب خود واضح می شود که درین وقت های اخیر اردوهای خارجی توجه خویش را به آن مبدول میدانند در آینده برای ازدیاد فعالیت در دهنده این نوع مرمی ها پیشنهاد میشود که بدنه شان از تیتان و یاسیر کونیم «۷۳» ساخته شود . با انفجار این نوع مرمی تقریباً در حدود ۳۳۰۰ درجه سانتی گراد یک درجه حرارت تولید میشود . پارچه های مشتعل شده که به اطراف و جوانب انداخته میشوند باعث تولید چندین منبع حریق میگردند در دیوهای مهمات حربی همچنان مرمی های دود دار نیز وجود دارند که بمقصد نشان دادن هدف ، تیر آزمایشی ، اشارات ، تا مین حملات تانک ها ، تعیین استقامت و سرعت باد در منطقه هدف استعمال میشود . دود وقتی بیشتر تولید میشود که مرمی با اثر تماس با زمین انفلاق کند و یا اینکه در انفلاق های هوائی . برای پهن ساختن و گستران اجباری دود در روی زمین در خارج ساختمان چنان مرمی های پیشنهاد میشود که در آن ها ترتیبات آهسته تولید کردن دود پیشبینی شده است ، و مواد تولید کننده دود در بار جامه های مخصوص جا بجا و بداخل مرمی انفجار کننده گذاشته میشود) .

بداخل گروپ های مستقلانه و جدا گانه میتوان مرمی های روشنی دهنده را قرار داد که جهت روشن



صحنه دیگری از فعالیت تانکها در محاربات امروزی

ظاهر آرام

از آن رباکاران دروغگو

بدور باش که ظاهری آرام
و آهسته دارند ولی در نهاد

همچون عفربیتی خونخوار
بفرصت نشسته‌اند تا کی ساده

دلی بدام آنها در افتد و شیفته
فریب و نیرنگ آنان گردد .

« حضرت علی رض »

بوده تا تمام سلاح‌ها را تجدید و
از نومی ساختند .

درینجا غنوز یک پرابلم دیگر
بظهور رسید که آن عبارت از تولید
مرمی‌های سوزنده بصورت نامکمل
بود که استعمال آن‌ها بدون وارد
کردن کدام تغییر در سلاح‌های
موجوده امکان داشت . مرمی‌سوزنده
نامکمل دارای قاعده فلزی کوتاه
بوده که ارتفاع آن ۵۰ الی ۶۰ میلی‌متر
میشد .

این قسم گلزها دارای وزن کم
بوده و از نفوذ و دود داخل قسمت‌های
محاروبی جلوگیری کرده و مقابله
نسبت به گلزهای عادی فلزی خورد
تر میباشند .

و هم باید ذکر کرد که مهمات
حربی طوپچی از نقطه نظر فزیک و اتمی
بدور نمانده است . ازین رهگذر
بصورت اساسی یک استقامت جدید
در پیشرفت طوپچی عصری تعیین شده
است ، توام ساختن پر قدرت ترین
چارچ اتمی تخریب کننده با وسایط
رساننده اقتصادی آن به هدف - توسط
مرمی‌های طوپچی ممکن است که
طوپچی کلاسیکی را به یک سلاح جدید
با ماهیت تبدیل کرد .

بنابراین مهمات حربی پرابلم
درجه اول است .

مسئله افزایش قدرت محاروبی
سلاح و ازدیاد تاثیر فعالیت مرمی
بالای هدف ، طوریکه ملاحظه
می‌فرمائید با اساس موفقیت‌های آخری
علم و تکنیک فیصله میشود .

تنگ را معلومی کنند . بر علاوه
گلزهای کشیده شده از داخل میل
از گاز ناروت پر میباشند که باعث
کشیف ساختن زیاد قسمت‌های محاروبی
میگردند و با وصف موجودیت سیستم
باد دهنده قابلیت کار مرتب را
کم می‌سازد .

از نقطه نظر اقتصادی استعمال
گلزهای فلزی کار عاقلانه نیست
برای تولید کردن تعداد زیاد آن
ها یکمقدار موادی قیمت و کمیاب
زیاد بکار می‌رود تختا لوژی گلز
های بسیار در از مشکل و تجهیزات
تضیق کننده مغلقی را بکار دارد تکرار
بر قرار کردن استعمال گلز از
نومثا به به کمیاب بودن (لاتونی)
میباشد و در منطقه فعالیت محاروبی
یک وظیفه سنگین و مزاحم را جهت
جمع آوری و انتقال گلزهای استعمال
شده در عقب جبهه بالای قوا بار آورده
و باعث تهدید ارتباط میگردد
این‌ها عبارت از اسباب
اساسی بودند که مفکوره تولید
گلزهای سوزنده ، غیر فلزی را
در اثنای فیر از مواد ارزان بها
بوجود آورده . لاکن با وصف جذابیت
و ساده بودن این مفکوره باز هم
برابلم تولید کردن مرمی‌های
سوزنده بسیار مشکل به نظر رسید .

در امریکا در بالای مرمی‌های
سوزنده زیاده تر از ده سال کار
کردند و نمونه‌های این نوع مرمی
ها را که کاملاً عوض مرمی فلزی
میشد ساختند . باز موفقیت حاصل
نشد چرا که جهت انداختن حربی و
در انجمله مرمی‌های سوزنده لازم

ساختن اهداف نساگهانی و محلات
جداگانه که از طرف دشمن در
اثنای شب اشغال میگردد و همچنان
در زمان پائین آمدن درجه دید
خدمت میکنند و هکذا این مرمی‌ها
جهت روشن ساختن موضع‌های که
تحت حملات تانک‌ها و موتوریزه قرا
میگیرند ، علامه گذاری استقامت
فعالیت قوای خود ، بر قرار کردن
توجه ضیائی ، بمقصد جلوگیری از
آله‌های دید شب و همچنان بحیث
وسایط اشاره استعمال میگردند .

مشعل فروزان در اثنای پائین
آمدن بصورت پاراشوت قاعدتاً
سرعت آن از ۲ تا ۷ کیلومتر پایان
می‌آید .

ادامه روشنی محل درینصورت
در بین ۴۰ الی ۱۲۰ ثانیه اهتزاز
می‌کند . قدرت روشنی مرمی‌های
مختلف از چهار صد هزار الی یک
میلون شمع است . جهت بلند بردن
این وصف در مرمی‌های جدید روشنی
دهنده و مین‌ها ، متخصصین خارجی
کوشش می‌کنند تا سرعت پائین آمدن
مشعل را تا سه الی ۴ متر در ثانیه
کم بسازند (دو پاراشوت استعمال
میشود) و قدرت روشنی را تا
۵۰ میلیون شمع اضافه بسازند .

فشنک‌های سوزنده در قسمت
مهمات حربی یک چیز جدید است
تجر به و استفاده از سیستم طوپچی
نواقص گلزهای فلزی را بمیدان کشید
علی‌الخصوص این نقص به شدت
در تانک‌ها و وسایط ذات الحر که
سرپوش دار ظاهر شده چرا که گلز
های فیر شده قسمت‌های محاروبی

صحنه دیگر از
فعالیت‌های
تمریناتی تانک
در اراضی



دارد دود بلو کونو، ټولپو، بطريو مورتيزه پياده اوتوپچي کيڼد کونو قوماندانان او معاونين ئي بايد خپل مادونان پداسي ډول وروزي چه هغوي په عسکري تخنيکي اوسياسي معلوماتو نوسره مجهز او پوه وي. دهغوي دروزلو دپاره هرڅه موانع اومشکلات چه اراضي که وي له مينځه يوسي اودجگړي د اجرا لپاره باور کونکي وسلې هغوي ته وسپاري. قوماندانان سر بيره پردې چه د مادونا نود علمي سوئي لوړولو دپاره زيار باسي دخپلي ايديو لوجيکي اوتيوریکي علمي سوئي لپاره هم بايد ډير زيارو باسي خپل عسکري اوتخنيکي معلومات زيات کي او علمي مفکوري ته انکشاف ورکي. يوقوماندان پدغه بايد وپوهيږي

يوازي قوماندان په تخنيکي علم مجهز دي بلکه دعلم خپلوما دونانوته هم وروپيښي. په اردو کي ترتيب شوي تدريسي پروگرامونه اساساً دښووني اوروزني بنسټ بلل کيږي. قاعدتاً تدريسي ښوونه اوروزنه پداسي ډول دپلان لاندې نيول کيږي چه مختلف جزوتامونه وکړاي شي هغه گرده تخنيکي مواد، وسائط، داورساحه، تخنيکي صنغونه او نورد ښووني اويارکينگ دسيمې مالز مي غځه په منطقي توگه استفاده وکي. با تجربه قوماندانان ددي په اجاظ چه دهغوي افراد وکولي شي خپلي وسلې اوتجهيزات وپيژني او هم دهغوي غځه په ډير جسارت اومهارت سره استفاده وکي دداسي لارو چارو غځه بايد استفاده وکي چه دهغوي

طريقي اواساسات هغوي ته بايد وواښي بلکه داهم وروپيښي چه لاس لرونکي وسله تر کومي مسافي پوري موثره ده اوپه جگړه کي په مخه ډول دهغي غځه استفاده وشي، همدا راز دښونکو لخوا بايد داسي مشالونه ورته وويل شي چه د مادونا نود لاس لرونکي وسلې په تاثير، محکموالي، دتخريب قدرت کي پوره باوراويوشاښته دهغي وسلې په لرلرسره غرور اوشهامت ورته پيدا شي ترڅو چه پدغه وسيله دا هر يو نفر ئي خپله وسله په ډير مهارت سره دښووني اوروزني په وخت کي زده کي اوپه جگړه کي ئي په برياليتوب سره دهغي غځه استفاده واستعمال کړي. ددي لپاره چه يو نفر افراد دخپلي وسلې داستعمال په خصوص کي دملکي اوتجربي خاوند شي لازمه ده چه هغه

تخنيکي ښوونه او روزنه

ژباړه: جگړن محمد يونس غمکلي

چه د کومي وسلې او مالزمو غځه په کوم محاي کي په غه ډول استفاده واستعمال شي. هغه طريقي چه دساتني پکاراچول، د اورسيستم، دجگړي وسائط، تاسيسات اودالانو دپاره ضروري دي هم هغوي ته وپيښي او فعاليت ئي سوق واداره اوکنترول کړي. که چيري ديوقوماندان په فکر کي داتکي وگرځي چه دنني اتومي او ذروي عصري وسلو په مقابل کي څرنگه تدابير ونيسي، البته داتکي دهغه لپاره بس ندي پخوا لدينه چه په دغه خصوص کي فکر کوي بهتره داده چه دهغي وسلې اساسات زده کي اويو غه معلومات په لاس ولري. دقوتونودتخنيکي مالزمو دانکشاف سره سم داتکي ډير مهم دي چه نه

دلچسپي دخپلو وسلو په خصوص کي زياته کي. قوماندانان د پروگرام دلوروالي اودبصري طريقي دتامين لپاره دمختلفو تدبيرونو، مالزمو اونورو دښووني اوروزني وسائلو غځه استفاده کوي. قوماندان دښووني اوروزني په وخت کي هر يوتن بايد جلا جلا وگوري چه آيا هريوئي خپل درس ته متوجه او مواظب دي که نه؟ آيا د سوال په مقابل کي په منطقي توگه محواب ورکولي شي که نه؟ نود همدې سبب لپاره قوماندان مجبور دي چه دمختلفو وسائلو او مالزمو غځه استفاده اوکارواخلي، ددي لپاره چه په ښوونه اوروزنه کي دلچسپي زياته شي متخصصين نه يوازي تسليحاتي

ښووني اوروزني په وخت کي ډير مشق اوترمين اجرا کړي. قوماندانان تل دخپلو مادونانو غځه داهيله بايد ولري چه دهغوي مادونان دښووني په وخت که خپله لاس لرونکي وسله په قرارې اواراسي سره پيژندلي ده اودجگړي په حال کي په ډيري چټکتيا سره دهغي غځه استفاده کولي شي. يوقوماندان دښووني اوروزني په وخت کي تل دغه ټکي ته بايد متوجه وي چه هغه مالزمو اونوروسائل چه دښووني اوروزني لپاره ضروري دي په ترتيب سره دهغوي مخ ته کښيږي دي اوپه هماغه ترتيب سره ئي ورته وپيښي ترڅو چه هغوي ددومره مهارت خاوندان شي چه دجگړي په وخت کي بيله کوم تاخير غځه په برياليتوب

سره تری استفاده وکی، تجربه داسی
 یشی چه قاعدتاً هغه عسکر چه دوسلی
 او تجهیزاتو په خصوص کی ینه روزل
 شوی وی هغه کولی شی چه باصا پته
 اور اجرا کی اوحسابونه ئی هم په
 پوره اعتماد سره حل کړی او په عین
 حال کی ورکړ شوی وظیفه د جزو تام
 په مینځ کی په بریا لیتوب سره سرته
 ورسوی او د جگړی په وخت کی یوه
 ثابته وخت هم د لاسه ورنکړی او په
 مقابل کی ئی بایدیو هغه وخت مخا نته
 کما ئی هم کړی دغه ټکی ته
 صاحبمنصبان، خوردضا بطان او افراد
 خاصه توجه وکی چه په جگړه کی
 دوخت کما ئی کول د بریا لیتوب نښه
 ده.

غرنگه چه په ننیو عصری اردو
 گانو کی مختلفی وسلی استعمالیر
 نولدی کبله باید داسی د ښوونی
 تخنیکي پروگرامونه ترتیب کی چه
 دهغوی مادونان نه یوازی په خپله
 لاس لرونکی وسله کی مهارت ولری
 بلکه دنورو وسلو په استعمالو کی هم
 اشنائی ولری لیکه چه په جگړه کی
 ضایعات هم شته نو هغه وخت چه دهغوی
 یوملگری له مینځه مخی احتمال لری
 چه دهغه وسله تر نورو ډیره تاثیر
 غورځونکی وی نوله همدی کبله
 دهغی وسلی سره اشنا کیدل هم لازم
 گڼل کیږی.

که چیری روزنکی سر بیره پردی
 چه په خپله وسله کی د مهارت او پوهی
 څښتن

وی د بلی وسلی سره هم یو هغه تماس
 ولری او دهغی په خصوص لیر څه
 معلومات حاصل کړی البته پدغه
 صورت کی به ډیره ښه تجربه حاصله
 کړی. په اردو کی د ښه معلومات
 او مهارت د لاس ته را وړلو لپاره
 بهترینه ښوونځی اراضی ده لیکه چه
 روزنکی هغه څه چه په اراضی که
 یادولی شی په درسخانه کی ئی نشی
 یادولی. نولازمه ده چه د ښوونی
 اوروزنی لپاره تل د اراضی څخه

استفاده وشی چه البته پدغه صورت
 سره صاحبمنصبان، خوردضا بطان او
 نور افراد پدا بریالی کیږی چه
 د ډگر په صحنه کی په درسته توگه
 او اجرا کی، په ښه توگه هغه وساتی
 او پردغه برخه کی ئی تجربه لازیا ته
 شی دوخت ضایعکولونه مخانونه
 وژغوری.

داراضی په تمرینونو کله چه
 هغوی ته داور، ساتنی او لږ د جگړی
 فعالی برخی ښوونه او روزنه په
 دوامدار ډول کیږی او افراد پدا بریالی
 کوی چه په خپل ټیم کی فعاله برخه
 واخلي او د پوره تجربی خاوند
 وگرځی اوروسته داسی یوی مرحلی
 ته ورسیری چه دهغه احساس دسوی
 لوړولو لپاره تشویق کړی.

دوسلو، تجهیزاتو او نوروما لزمو
 ښه ساتنه تخنیکي ښوونی او روزنی
 یوله مهمو عناصرو څخه شمیرل کیږی
 ددی لپاره چه په دغه برخه کی
 اهمال ونشی ښونکی د سخت کنترول
 او مراقبت څخه باید کار واخلي
 چه البته په بل صورت سره لیر اهمال
 ډیری ستړی بدبختی او مصیبتونه
 د جگړی په وخت کی مینځ ته راولی.

په هغه وخت کی چه په ښه
 میتودونو سره درس ورکول کیږی
 د مادونانو څخه د اهیله باید ولرل شی
 چه هغه وسلی چه په لاس ئی لری په
 جگړه کی تری ښه او گټوره استفاده
 وکی او په عین حال کی قوماندانان
 باید وپوهیږی چه دهغوی مادونان
 پدی قاعدی او عادی حالت ته راغلی
 دی چه هغه تعلیمات او هدایتونه
 چه د لاس لرونکی وسلی د ساتنی په
 برخه کی ورکړ شویدی په نورمال
 ډول ئی تعقیبوی او هم په معمولی توگه
 په هغه حال کی چه تمرین دگروپ په
 مینځ کی اجرا کوی خپله وسیله په ډیر
 چټکتیا سره پارچه، پارچه او بیانی
 تړلی شی. قوماندان تل د پاره دا
 باید په نظر کی ولری چه ایا دهغوی
 مادونان د قدرت لری چه په بیږی

سره په جگړه کی خپله وسله له وسایطو
 څخه کښته اویا پورته کړی نولدی
 کبله د تمرین په وخت کی هغوی
 باید کنترول و مراقبت لاندی ونیول
 شی.

یوقوماندان دغه ټکی ته باید
 متوجه وی چه خپل مادونان پدا
 وصف وپیژنی چه دهغه تخنیکي کلتور
 لوړ شویدی او تیار دی چه خپله وسله
 او تجهیزات د هر یوآنی حرکت او
 فعالیت په مقابل کی په موفقانه ډول
 استعمالوی شی.

په هغه وخت کی موږ یوفرد
 تښه انجنیر او رسیدلی سړی
 ویلی شو چه په تخنیکي مواردو کی
 پوره پوه وی او وکولی شی چه مخی
 وخت په خپلو تخنیکي موضوعاتو کی
 ابتکار هم مینځ ته راولی او وکولی شی
 د تخنیکي معاذیرو د پیدا کیدو په حال
 کی وخت له لاسه ورنکړی او دومره
 ماهروی چه د معاذیرو پیدا کیدل،
 بیرته لری کول او جگړی ته دوام
 ورکول دهغه عالی وصف وی.

تخنیکي مسلکی صاحبمنصبان تل
 باید داپه نظر کی ولری چه داگرده
 تجهیزات استعمال لپاره تیار دی
 او گرده پری پوهیږی او ښه ئی
 استعمالولی شی.

د دغو تجهیزاتو او مالزمو ښه
 استعمال او ساتنی لپاره داسی لار
 ښودنی وکی چه دهغوی سره د
 مادونانو مینه پیداشی. تل دغه لار
 باید په هیره نکړی چه د مادون مینه
 دوسلی سره دهغه مینه او احساسات
 دهیواد د ساتنی سره ښی چه البته د
 دمینی د پیدا کیدو په اساس دهغه
 دلچسپی د ښوونی او روزنی، خدمت
 سره او بالاخره دهغه مهارت په جگړه
 کی زیاتوی.

ښونکی د ښوونی اوروزنی د مختلفو
 میتودونو ددی په لحاظ چه افراد
 او خوردضا بطان وپوهیږی چه وسله
 او تجهیزات دهغوی ملی سرمایه ده
 (پاتی په ۹۱ مخ کی)

تاوی و وقایع سوختگی ها در سفر و حضر

ترجمه و تتبع: دوکتور محمد داؤد بار کزائی
تحصیل یافته اکا دمی طبی لیننگراد

سوختگی ها در جنگ جهانی اول تعداد سوختگان خیلی ها کم بوده اما در جنگ دوم جهانی زیاد شده و امروز نسبت داشتن اسلحه تهاجمی تاوی و وقایع افراد سوخته پراپلم اساسی قوت های متقابل را تقاضا می کند، بطور مثال بعد از استعمال اسلحه اتومی در شهر هیروشیما و نگا ساکی در ۱۹۶۵ تعداد سوختگان را به ۱۰۰/۰۰۰ نفر قلمداد نمودند و نظر به نوشته میلر *Miller* ۶۵ فیصد افراد سوخته بودند و نظر بگفته ریس *Reis* و ارتش *Arts* تقریباً نصب افراد تلف شده از اثر سوختگی بوده و تعداد افراد زخمی و سوختگی را به ۶۰-۸۰ فیصد- تحریر داشته اند.

در نتیجه استعمال اسلحه اتومی دو نوع سوختگی و زخمی ها بوجود می آیند:

۱: تأثیر مستقیم اسلحه اتومی (سوختگی ها):- در یک مسافه معینه از نقطه استعمال شده اتوم بدن، تحت تأثیر اشعه الفا، بیتا، گاما، واقع شده و سوختگی بدن را باعث می گردد اگر بدن، کالای سفید پوشیده شده باشد بدن را تا یک اندازه از سوختگی محافظه می کند و عموماً جا های لوچ و عریان بدن زیادتر تحت تأثیر واقع شده و سوختگی ترلید می شود در حالت نزدیکی انسان به نقطه انفلاقیه کالای پوشیده شده بدن شعله ور شده و انسان را به ذغال سیاه مبدل می سازد.

۲ تأثیر مستقیم اسلحه اتومی یعنی

تخریب سنگ ها، خشت تعمیرات و غیره اشیاء ماحولی که حریق را باعث می گردد.

این سوختگی های تولید شده از سوختگی های روزمره که هر کدام ما در حضر دیده ایم فرقی ندارد. علاوه تا یادآور می شویم کسه سوختگی در عصر امروزی توسط ماده آتش را ناپالم (*Napalm*) است نیز بوجود می آید.

میخانیکت حرارت زیاد در جلد بدن تغییرات ذیل را بوجود می آورد:

آلبومین های حجات بدن کوآگولی (*Coagulation*) شده کاپلیار ها (شرائین و ورید های خیلی کوچک) فراح گشته آسموس کاپلیارها بلند رفته و به اثر این یک قسمت پلازم (*Plasme*) خون از کاپلیارها خارج شده و تورم و یا التهاب جلدی را باعث می گردد.

نسبت نفوذ اشعه α ، β ، γ و رنگین در بدن سوختگی ها را به پنج گروپ ذیل تقسیم می کنند:

اول سوختگی های درجه *I*:- عبارت از سوختگی هائی است که علامت ظاهری تورم و سرخی (*Ruber*) پوست بدن دیده می شود.

دوم سوختگی های درجه *II*:- عبارت از سوختگی هائی است که علاوه از التهاب و سرخی پوست بدن آبله که مایع صاف رنگ زرد رنگ در آن باشد هم دیده می شود.

سوم سوختگی های درجه *III* عبارت از سوختگی های است که

تمام و یا یک قسمت اپی درمس *Epidermise* پوست را نکروز (انساج مرده) در بر بگیرد.

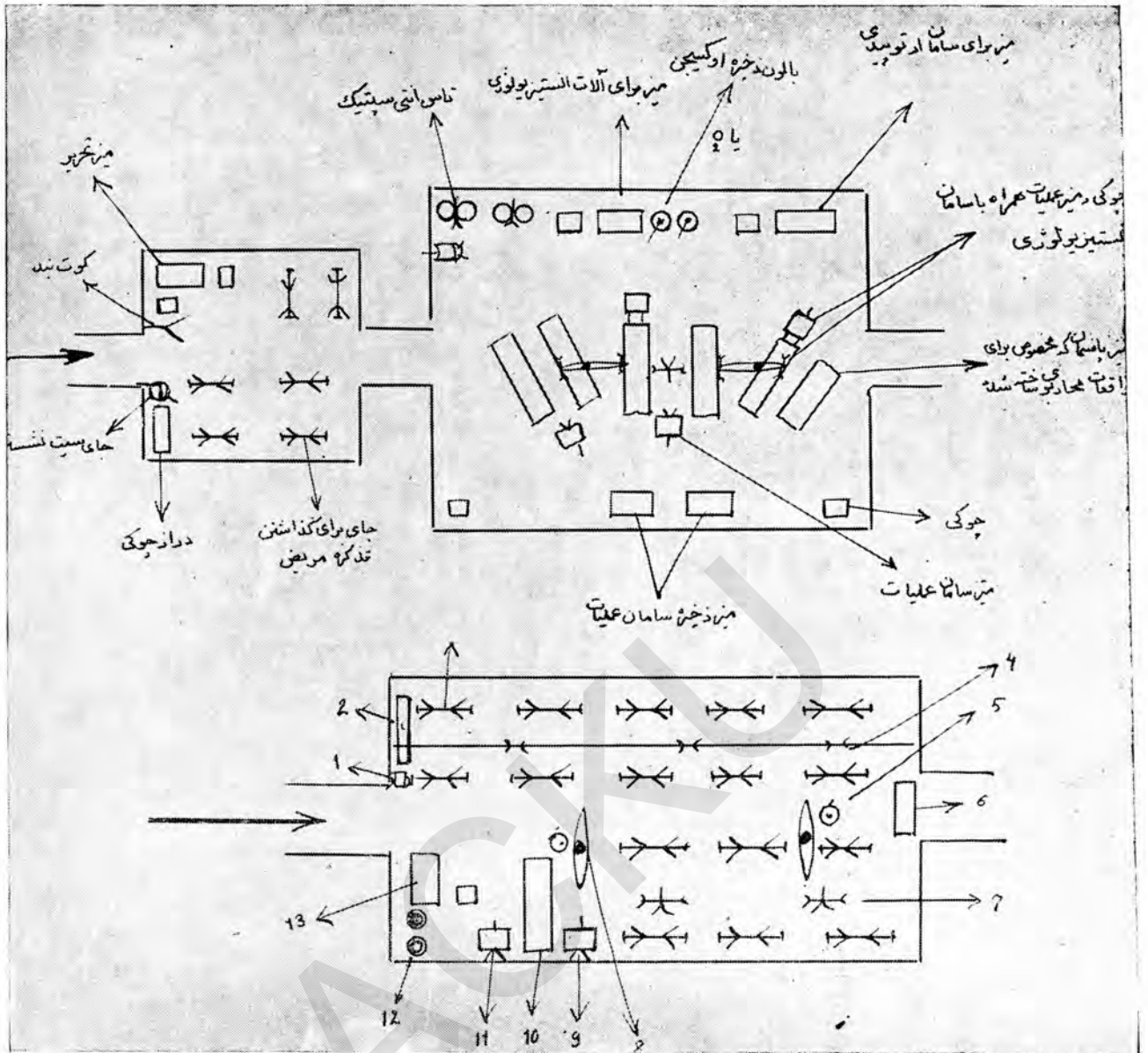
چهارم: سوختگی های درجه *IIIB*: عبارت سوختگی های است که تمام طبقات پوست بدن را یعنی اپی درمس و درمس *Derma* را نکروز در بر گرفته باشد.

پنجم سوختگی های درجه *IV*:- عبارت از سوختگی های است که نه تنها *Epidermise* و *Derma* را نکروز در بر گرفته بلکه طبقات دیگر انساج را از قبیل فاسیه *Fassia* استخوان و گوشت را هم احتوا کند بطور نمونه تا تأثیر اسلحه تهاجمی را که گروپ های مختلفه دیده می شود در شکل ۲ و ۱ دیده می توانید.

سوختگی های گروپ درجه *I* الی

IIIA که تنها اپی درمس پوست بدن را احتوا نموده باشد بنام سوختگی های سطحی یاد می کنند و *IIIB* الی *IV* را نکروز انساج مختلفه را احتوا نموده باشد بنام سوختگی های عمقی یاد می نمایند.

عموم در سوختگی ها دو نوع نکروز و بصورت می شناسند نکروز به ابتدائی در لحظه استعمال اتوم بوجود می آید و نکروز ما بعدی که در ظرف دو الی سه روز بعدی بوجود می آید علائم نکروز ابتدائی که دارائی یک درد شدید بوده اما نکروز ما بعدی درد نسبتاً کمتر را دارا خواهد بود و این از سببی است که عصب حسی از بین رفته است، برای اینکه گروپ بندی سوختگی ها



- ۱- جای شستن دست ۲- چوکی ۳- جای برای گذاشتن تذکرهٔ مریض ۴- سیستم محکم آتین فلاکون
 ۵- بخاری ۶- میز پاک (ستریل) ۷- محکم گیرنده فلاکون ۸- برق و یا چراغ ۹- میز سامان جراحی
 ۱۰- میز عملیات ۱۱- میز انستریولوژی ۱۲- بالون اوسجین ۱۳- میز سامان انستریولوژی

مرحلهٔ دومی انساج گرانولی *Granulation* بوجود آمده و دفت *xefect* انساج را باعث می شود تاریخ شفا *IV* و *IIIB* مربوط به تیپ انتخاب شده تداوی و وضعیت عمومی ماکروارگانیزم *Organism* *Macro* بوده و اگر سوختگی به اثر اشعه β, γ, α و R باشد در آن صورت یک حالت *Pegmentation* و *Depegmentation* پوست بدن را بوجود می آورد. سوختگی که بواسطه مادهٔ آتش را

هائی را نامند که بدون اختلاط در ظرف ۸ الی ۱۴ روز صحت یافته و هیچ اثری باقی نگذارند در حالیکه اختلاط داشته باشد (عامل میکروبی چرک و غیره) البته اضافه از ۱۴ یوم صحت بودن را تقاضا می کند. فرق بین سوختگی *IIIA* و *IIIB* این است که *Regnaretion* پوست بدن زودتر صورت گرفته و کدام اثری باقی نمی گذارد در حالیکه *IV* و *IIIB* در مرحله ابتدائی چرک و نکروز انساج و در

را تشخیص نموده بتوانیم اینکذیلا شرح میدهم! سوختگی درجه *I*: این سوختگی در ظرف چند روز بهبودی حاصل نموده الی در مس سابقه از بین رفته و در عوض آن الی در مس جدید تشکیل می شود و گاهی در جای سوختگی (*Pegmentation*) بوجود آمده و اگر سوختگی توسط اشعه β, γ, α و R بوجود آمده باشد یک *Pegmentation* طولی راهمراهی می کند. سوختگی های درجه *II* سوختگی

(*Napa Im*) پیدا شود سوختگی *IV* و *IIIB* را بوجود آورده و زیاد تر جهاز تنفسی را خساره مندی سازد درین حال در مریض شوک همراه با بیهوش تولید شده و هم امکان تسامات *Co* موجود می باشد .

بهر حال تأثیر $\alpha, \beta, \gamma, \delta$ و *R* علاوه از سوختگی در حال دوز کمتر آن یک مریض را تولید می کند که بنام شده و دوران صحت یا قتن نسبتاً طویل گشته و نکروز جلد را بوجود می آورد درین مریض جریسان *Regenarefion* زخم بطنی گشته و گاهی بکلی قطع می شود و هم جریان *Epitelation* و *granulation* بطنی می شود و اسباب *Granulation* خونریزی پیدا می شود و انساج مرده بسیار آهسته جدا می گردد چون وضعیت عمومی از گسائیم را ضعیف می سازد لهذا باعث تولید امراض انفکسیونی شده و آینده و یا *Prognos* مریضی را به خطر مواجه می سازد .

تعیین نمودن سطح و اندازه سوختگی بدن را در محاربه بدو طریقه ذیل دریاقت میکنند .

a :- سطح کف یک دست ۱-۲ فیصد تمام سطح بدن را تشکیل میکنند که نظربه این اندازه سطح سوختگی تعیین میگردد .

b :- قانون ۹: نظربه این قانون سطح سر و گردن ۹٪ سطح اطراف علیا ۹٪ سطح اطراف سفلی ۱۸٪ سطح پیشروی بدن یعنی سطح شکم و سینه ۱۸٪ و سطح عقب که ستون فقرات در آن قرار دارد ۱۸٪ و نظربه این اندازه و سطح سوختگی را در صحرا تعیین میکنند اگر تعداد اشعه تولید شده زیادتر بوده و بالای بدن اثرات زیادتر بگذارد دران صورت مریضی تشعشعی بروز نموده که در جریانش دوره های ذیل شامل است :

۱- شوک : از جمله اسام شوک های

Traumatismus است و عبارت از یک حالت ارگانیزم است که در جواب محرک در دندانک قوی پیدا میشود و هم در *Pat. genes* شوک *Traumatism* عقلی رول مهم را بازی میکنند ، این شوک در سوختگی های درجه *IV II* که اضافه تر از ۱۰٪ سطح جسم را پوشانده باشد و یا اینکه در سوختگیهای درجه ۱ اضافه تر از ۵۰-۴۰٪ سطح جسم را پوشانده باشد تولید شده و مدت ۲۴-۴۸ ساعت دوام میکنند در جریان این مدت دو مرحله شوک دیده میشود .

a :- دوره ارکتیل *Erectilus* علائم این دوره که دو کتور را به تشخیص دوره ارکتیل و ادار می سازد عبارت خواهد بود از تحریک و هیجان بلند مریض بلند بودن فشار خون ، بلند رفتن نبض و تنفس . و گاهی درین دوره تنها یک حالت خمار دیده شده علائم فوق هیچ یک دیده نشده ازین لحاظ دو کتور تشخیص مکمل را کرده نمیتواند .

نبض و فشار خون مریض سوخته شده دائم نظربه حالت محاربه و وضعیت مریض تعیین شده نمیتواند لهذا درین حالات علائم ثابت و یا ایدار آن عبارت از *Anuria* و *Oliguria* میباشد .

B دوره ترپید *Torpide* :- این دوره سیمپتم اولی اش پائین آمدن فشار خون بوده اگر وقتاً فوقتاً بتداوی بالمقابل شوک اجراً نگردد البته زودتر این دوره شروع میشود و هم به اثر *Traumatismur* یعنی انتقال مریض سوخته شده و یا شستن سوختگی تأثیر سردی هوا و تداوی نامکمل شروع این دوره را سریعتر میسازد و جریان آنرا مشکل تر مینماید . علت تخریب عمومی شرايين و ریدها غمغیه آسموس در کاپیلار بلند رفته و قسمت مایع خون از کاپیلار به انساج رفته و تغلیظ خون را باعث میگردد و این به آسانی در *Test* که تعداد *Hemoglobins Erytrocit*

مینماید معلوم نمود . نسبت همبولز *Hemelis* کروییات سرخ خون یک هیپوکسی دورانی *Hepocci* تولید میشود و میخانیکت انساج که باعث گرفتن *O2* میشود نیز کم میگردد و به اثر این حرارت بدن پایان آمده امکان استفراغات متعدد موجود بوده و گاهی آب وجود را باعث میشود .

Toxemia II توکسمی : علائم آن بلند رفتن حرارت بدن و چرک زخم های سوختگی بوده و توکسمی درین دوره عموماً بواسطه تخریب پروتین ها و ماده های توکسمینی که از سطح سوختگی بدن جذب شده و خاصیت *Antigene* انتی گین را دارا بوده و هم یک متدار توکسین میکروب های مختلفه نیز در بدن بوجود آوردن دوره توکسمی رول دارد .

دوره توکسمی از ۱۲ الی ۴ روز دوام کرده و با علائم تحریکات و هیجان (بی خوابی ، لرزه و برید ، حرکات جسمی) و یا برعکس حالت تر مز *Suppressio* یعنی حالت خواب آورویا سوپروز دیده می شود علاوه تا بی اشتهائی نبض زیاد ، و *Oliguria* به پولی اوری *Polyuria* مبدل شده و در خون *Lecocitos* *Hyper Protenemia* *Anemia* و *Disprotenemia* تولید می گردد .

III دوره *Septico Toxemia* اسپتیکه توکسمی :- در سوختگی های که سطح زیاد و عمق نسبتاً زیادتر را دارا باشد تولید شده و چرک زیاد شده و علائم مانند تب شدید تیپ *Fibrae Remitance* بی خوابی بی اشتهائی دور خون تمام تغییراتی که در دوره توکسمی دیده می شود درین دوره تیز بنظر می رسد .

IV دوره رکسانوا لیست *Reconvalescentia* :- آهسته جریان توکسمینی قطع شده و درجه حرارت بدن پائین آمده اشتها پیدا شده و

وزن بدن بلند رفته و *Anemie* گم می گردد .
اختلالات این *IV* دوره عبارت است از :- *Pneumonia* ، زخم کورلینگ *Curling* دستگاه هضمی و امکان ضایعات خون طوری *Perfusetion* موجود است و در دوره سوم *Kashaccia* که خکسی *Hepatitis* ، *Artrite* و *Nefrite* ، *Peilite* هم موجود است .

پرنسیپ آداوی سوختگی ها
برای آداوی این مریضان کمپلکس اجرا می گردد و از همه اولتر محاصره اعصاب بواسطه *Novocain* که اهمیت فوق العاده دارد اجرا شده *Novocain* آسوس کاپلیا را کم می سازد . سوختگی اطراف سفلی محاصره اعصاب *Paranebral* و در صورت سوختگی سرو گردن ، سینت و اطراف علیا محاصره عصب *Vagur Simpaticus* اجرا می گردد .

در دوره شوک آداوی ادویجات ذیل لازم است : ۵۰۰-۲۵۰ خون ۷۰۰-۵۰۰ پلازم ۱۸۰۰-۵۰۰ سیروم فیزیولوژی ۱۵۰۰-۱۰۰۰ سروم پولی گلوکین ۵۰۰-۳۰۰٪ *Novocain* . تمام این ادویجات در حالت پرفیزیون که در یک دقیقه ۳-۴ قطره داخل در زیر جلد اجرا می شود در حالت *Anuria* و *Aliguria* تعداد قطره ها را در یک دقیقه بلند می برند اگر یک *Hypotonia* موجود باشد ۲۰۰-۱۰۰ میلی گرام هیدروکار تیزون و یا ۶۰-۳۰ میلی گرام *Prednesolone* در یک شبانه روز برای مریض می دهند . اگر امکان پردنیزولون موجود نباشد سیروم های القلی از راه دهن داده می شود .
تمام ادویجات نام برده شده در زیر جلد و یا در عضله بطور پرفیزیون اجرا می گردد ، آنلجریک و ادویجات قلبی در شوک تنها در وریدها زرق می گردد در دوره توکسیمی و سپتیکه

توکسیمی : دوباره زرق خون ، پلازم سروم گلوکوز و سیروم فیزیولوژی اجرا می گردد علاوه ادویه قلبی ، مرفین ، ادویه خواب آور ، و ویتامین ها (*AB B B B C D*)
1 2 6 12
و از آنتی بیوتیک ها *Peneclin* و *Stryptomycin* در دوزهای عادی و اگر *Cochacea* موجود باشد دوز پر و فیزیون *Prednesolon* را از ۵ میلی گرام در شبانه آهسته تا ۲۰-۱۵ میلی گرام در شبانه روز بلند می برند .

پرنسیپ آداوی خصوصی که در سوختگی ها اجرا می گردد .

سطح سوختگی های درجه *II-IV* را توالی ابتدائی می نمایند (موی های اطراف سوختگی را گنده و سطح پوست بدن را بواسطه تامپون تر شده الکل نشاتیر پاک نموده ، پوست نیم سوخته و سوخته را از سطح سوختگی جدا نموده آبله های گندیده را پاره نموده و آبله های صاف را پاره نکرده و جاهای گنده شده سوختگی را بواسطه تامپون تر شده *HO* پاک ساخته

و بعد بواسطه ادویه جات آنتی سپتیک مانند *Revanol* و غیره سطح سوختگی را شسته و آهسته خشک نموده و بعداً بواسطه مارلی پچانده می شود تا از خطر میکروبی در امان باشد . و اگر لازم دیده می شود در آن صورت بواسطه واسلین و یا پاماد آنتی سپتیک چرب شود . اگر امکان شوک موجود باشد حالات فوق اجرا نمی گردد .

اگر سوختگی عمقی *IIIb - IV* باشد پوست سوخته شده بدن که مانند دایره خشک شده شق نموده و آهسته انساج نکرده را جدا می نمائیم *NecroEctomia* ، این کار ما از نکرده عمقی دیگر جلوگیری می کند اگر وضعیت عمومی مریض تقاضا می نمود که انساج نکرده را در حالیکه چرک موجود نباشد نکرده

ایکتومی اجرا نموده و در حال عوض اش ترانسپلانتا ، اولیه اجرا می شود .
گرچه این کار نسبتاً خطرناک بوده بهتر است میتود بدون خون در چند مرحله برای یک مدت طویل تر *NecroEctomi* اجرا نموده و در عوض ترانسپلانتاد *Transplantad* بالای انساج گرانولی عملی می گردد در حال *Granulation* فعال در صورتیکه پوست بدن خود مریض برای پیوند سوختگی ها کفایت نکند در آن حال با الترتیب پیوند *laGtica* و *Autop Gomoplactica* به معرض اجرا گذشته می شود در پیوند سوختگی روی ، گردن لستخوانها و مفصل های بزرگک تنها *Autoplactica* اجرا می گردد .
Homoplactica :- برای پیوند موقتی سوختگی بکار رفته و این سوختگی را به *Autoplactica* آماده می سازد این عملیه را وقتی انجام می دهند که سوختگی مکمل از انساج نکرده پاک شده و *-lation* *Granu* صاف بوجود آمده باشد البته عملیات آن بواسطه دواوی پیهوش کننده مانند *Frotan* و غیره ادویه لازم دیگر اجرا می گردد .
اگر مریض *Anemia* انمیک را دارا باشد عملیات فوق نتیجه مثبت نمی دهد .
سوختگی اطراف علیا و سفلی که ۳۰٪ سوختگی عمقی را حائز باشد بهتر است امپوتات اجرا گردد .
در حال سوختگی جهاز تنفسی بد و طرف بلوک عصب سیمپاتیک را عملی می نمایند و اگر تورم جهاز تنفسی بنظر برسد در آن صورت یک عملیه تر اخیوتمی *Tiachiotomia* اجرا شده توسط یک آلته *Nacus* ناسوس برونش ها را پاک نموده و ترانسفوزیشن محتاطانه اجرا می گردد (دوز آن کم و آهسته داخل نمودن) و این از سببی است که امکان تورم شش ها موجود می باشد .

پرنسیب‌ها و معادلات‌های نخستین
که در سوختگی‌ها در مراکز
صحنی مختلفه صورت می‌گیرد
معاونت‌های نخستین در خط اول
و دوم محاربه :-

خاموش ساختن مواد سوزنده
مانند *Napalm* کالای سوزنده و
غیره که بواسطه یکی از طرق ذیل
صورت پذیر است، پیچ و تاب دادن
بلاپوش‌های عسکری بالای مواد
سوزنده انداختن برف و خاک و یا
اینکه مواد سوزنده را در آب
فروردن اگر کالای سوخته، پوست
بدن سرش شده باشد در آن صورت
کالای مذکور جدا نشده بلکه به
واسطه یک بنداز آتی سپتیک بسته
میشود و بواسطه پیچکاری توپیک
دست داشته افراد زرق نمودن
ادویجات آنلجژیکی .

معاونت‌های نخستین در مراکز
صحنی غونا :- وظایف مهمه این مرکز
عبارت است از وقایه شوك، استعمال
ادویه آنلجژیکی و قایه مریض از
سردی، دادن ادویجات قلبی، اکسیجن
اگر واقعات خطرناك تر است در آن
حال زرق نمودن پولی گلیکون
بلکات اعصاب توسط *Novocain* و
توسط بنداز واسلین چرب شده بسته
نمودن جاهای سوختگی و اگر در
سیستم تنفسی یک نفس تنگی پیشرفته
و یا *Acpheccia* اسفکسی موجود
باشند اجرا نمودن عملیات کوچک
Trachistomia علاوه‌آوردن ادویجات
بیوتیک‌های واکسن ضد تانوس
و انا توکسین ضد تانوس یکی از
وظائف اصلی این مرکز می‌باشد .
و ضمناً در نوبت اول سیستم انتقال
بیک مرکز بالاتر مریضانی انتقال
می‌یابند که در حالت شوك باشند .
در مرکز صحنی فرقه و یا قول
اردو :- تداوی کمپلکس شوك برای
تمام مریضان که علائم شوك را
حائز اند در صورت معطلی در سیستم
انتقال این تداوی بمقا بل مریضان
اجرامی گردد که سطح سوخته
اضافه از ۱۰-۱۵ فیصد باشد وظائف

دیگر این مرکز :- معاینه سطح سوختگی
که توسط بنداز ابتد ادریک مرکز
پایان تر اجرا شده باشد زرق
انتی بیوتیک‌ها تکراراً درین مرکز
صورت می‌گیرد، ادویه آنلجژیکی و
قلب و اگر استفراغ نکرده باشد
دادن چای گرم به مریض .

چون سیستم انتقال درین مرکز
طبقه بندی مریضان صورت می‌گیرد
لذا مواد ذیل مدنظر گرفته میشود .
۱ :- سوختگی‌های عمقی اطراف
علیا و سفلی و استخوانهای بزرگ
که سطح سوختگی ۵-۶ فیصد اضافه
نموده و سوختگی‌های ساده به شفاخانه
های عقب‌جبهه که برای مخصوص برای
این مریضان هموار گردیده رهنمائی
می‌شوند .

۲ :- سوختگی‌هایی که سیپتم
سوختگی را حائز است سوختگی‌هایی
که عملیات پلاستیکی را تقاضا کنند
سوختگی‌های خشم و سیستم تنفسی به
شفاخانه‌های عقب‌جبهه که مخصوص
برای سوختگی‌است رهنمائی میشوند .
۳ :- تمام سوختگی‌های دیگریکه
در نظر می‌خورند در حالات ضروری به
شفاخانه جراحی عمومی عقب‌جبهه
انتقال می‌یابند ،

۴ :- مریضانیکه سوختگی سطحی
داشته و فیصدی سوختگی خیلی اندک
باشد و آنها خدمت خود را خود
کرده بتوانند دوره تداوی اضافه
ازده روز را خواهان نباشد امکان
دارد به عقب‌جبهه انتقال داده نشده
و در گروپ صحنه خود این مرکز
توقف نمایند .

شفاخانه‌های عقب‌جبهه :-
نقطه آخرین مرکز صحنی محسوب
شده تداوی تمام سوختگی‌های سخت
و مختلط و مریضانکه بعد از تداوی
محارب محسوب می‌شوند در یس
مرکز صورت پذیر است .
اگر امکان داشته باشد سوختگی
های که سطح آن از ۱۲-۱۵ فیصد
تجاوز نکرده و بعد از تداوی طولی-
المدت محارب محسوب نشوند نیز
درین مرکز رهنمائی می‌شوند .

خاطره :- معاونت‌های نخستین مرکز
صحنی فرقه و یا قول اردو در محاربه .
معاونت‌های جراحی مرکز صحنی فرقه
و یا قول اردو عبارت از اجرا نمودن
عملیات‌های جراحی و غیر جراحی
یعنی حفاظه و پیش‌بینی نمودن وقایع
هم و خطرناك و مقاله به‌آنطور
مجر و حین که در ساحه جنگ به اثر
توه میخانیک، حرارتی، و ترکیبی
دشمن بوجود می‌آید می‌باشد، و هم
آماده ساختن وسائل بهتر جهت تسریع صحت
جزواتم‌های زخمی شده و مریضانیکه
در مرکز صحنی فرقه و یا قول اردو
جمع شده اند .

البته اجرا نمودن این وظایف
اساسی مرکز صحنی فرقه تکنیکات طبی
«اتخاذ موضع مساعد جهت هموار
نمودن خیمه عملیات، پانسمان و شوك»
طوریکه در شکل‌های ذیل دیده
می‌شود طلبگار است

وظائف مرکز صحنی فرقه را در
محاربه به سه گروپ ذیل تقسیم
نموده اند :

۱ :- عبارت وظائف است که
انجام آن در عین حال حتمی و ضروری
است اگر این معاونت‌های نخستین
اجرا نگردند زندگی افراد زخمی منجر
بمرگ خواهد شد .

۲ :- وظائفی است که انجام
آن در نوبت اول بمعرض اجرا گذاشته
می‌شود و این‌ها عبارت از عملیاتی
است که وقوع واقعات خطرناك را
از بین می‌برد .

۳ :- وظائفی است که انجام آن
در نوبت دوم بمعرض اجرا گذاشته
می‌شود و عبارت از اجرا نمودن
عملیات است که با تطبیق سیستماتیک
انتی بیوتیک‌ها حتمی است که واقعه
خطرناك را بارت می‌آورد .

برای اینکه سه گروپ فوق‌را
خوبتر فهمیده بتوانیم اینک وظائف
هر گروپ ذیلاً تشریح می‌شود :

a: در گروپ اول معاونت‌های
نخستین مرکز صحنی فرقه در محاربه
طور ذیل خلاصه می‌شود .

۱: - اجراء کردن عملیات بمقصد توقف انتهائی خون از اعضای داخلی بدن شراین و ورید های قسمت خارجی بدن .

۲: - تداوی کمپلکس شوک و توکسیکوز زخمی ها و مقابله با ضایع نمودن فوری خون بدن .

۳: - عملیات و جلو گیری از انفکسیونهای انا ئروبی .

Anaerbian Infection

۴: - عملیات بمقصد دوختن پنوموتوراکس باز و تورا کتومی *Tura Ra tomia* در حال موجود بودن پنوموتوراکس کلاپن دار .

۵: - عملیات قطع نمودن امعاء در حال رسیدن آسیب سخت و باز زخمی بودن امعاء و اجراء نمودن عملیات های لازمه در صورت صدمه به مثانه .

در حال اجراء نکردن ۵ مواد فوق در مرکز صحنی فرقه البته واقعات مرگ را بار خواهد آورد .

۱: - در گروپ دوم معاونت های نخستین مرکز صحنی فرقه که به نوبت اول بمعرض اجراء گذاشته می شود ذیلاً خلاصه می گردد .

۱: - اجراء نمودن عملیات در حالیکه رگهای بزرگ زخمی باشد اگر مقدار خونریزی کم هم باشد اما یک ایشمی قوی اطراف علیا و سفلی را دارا باشد در صورت نکردن استخوانها و عضلات اطراف علیا و سفلی اجراء نمودن امپوتات (قطع نمودن) و یا زخمی بودن رگهای مگسترالی

۲: - اجراء نمودن عملیات (ساختن یک فستول مصنوعی بالای میمفر در صورتیکه اورتر *Ureter* صدمه دیده باشد و اگر مقعد و یا *Rectum* صدمه دیده باشد در آن صورت ساختن مقعد مصنوعی *Anus Pronaturalis* بالای امعاء *Colon Signioideum* سگما اجراء می گردد .

۳: - اصلاحات اولیه جراحی زخم که سرایت اسلحه تهاجمی نموده

باشد و هم زخمیکه زیاد کثیف بوده و مقدار زیاد عضلات را خراب نموده باشد اجراء می گردد .

معطل نمودن این قسم عملیات همیشه خطر ناک است و معطلی آن در صورتی جائز است که حالات محاربه به حد نهائی معطلی آنرا تقاضا کند .

C: در گروپ سوم معاونت های نخستین مرکز صحنی فرقه که به نوبت دوم در معرض اجراء گذاشته میشود ذیلاً یاد آوری می شود :

۱: اصلاحات اولیه زخمی که تنها عضلات و پوست بدن را در بر گرفته باشد .

۲: - اصلاحات اولیه (پاک نمودن) سوختگی های کثیف قسمت های مختلفه بدن .

در حالات عادی که داخل شدن مجروحین بمركز صحنی فرقه کمتر باشد معاونت های نخستین به حجم مکمل اجراء می گردد و ضمناً علاوه می گردد که مجروحین عصب و دندان و بعضی واقعات جراحی که سامان مخصوص را طلبگار باشد از قانون فوق مستثنی است .

در محاربات عصر امروزی در صورت تراکم مجروحین حجم معاونت های نخستین مرکز صحنی فرقه را کم ساخته و تنها عملیاتی در معرض اجراء گذاشته می شود که تا انتقال زخمی به شفاخانه های عقب جبهه امکان واقعات مرگ آوار را دارا باشد .

۵: - معاونت های نخستین که در شفاخانه های عقب جبهه اجراء می گردد این هم همان طور معاونت های نخستین است که در مرکز صحنی فرقه اجراء می شود اما بیک پیما نه وسیع و اجراء کننده عملیات ها مختلفه دو کتورانی است که تخصص و یا فوق تخصص را حاصل نموده باشند در شفاخانه های عقب جبهه معاونت های نخستین سرویس های مختلفه ای طبی ذیل شامل است (جراحی، اعصاب، دندان، چشم، گوش گلو و بینی،

یورولوژی ارتوپدی و تراوماتولوژی و نسائی) وهم علاوه ازین سرویس ها که در عقب جبهه فعال است سرویس های مخصوص سوختگی ها و مصیبت رسیدگان که در سینه و شکم جرح داشته باشند و مریضا نیکه نسبتاً اختلاط نداشته و به کمترین فرصت صحت یا بند در شفاخانه مخصوصیکه برای این نوع در عقب جبهه موجود است رهنمائی میشوند . در شفاخانه های عقب جبهه تداوی و وقایه به حجم مکمل اجراء میشود در محاربه امروزی معاونت های نخستین به اشکال مختلفه صورت میگیرد مثلاً در حال تراکم یکعده مجروحین در شفاخانه های عقب جبهه در حالیکه بستر خالی موجود نباشد در آن صورت حجم معاونت های نخستین بطور مکمل اجراء شده نمی تواند در نوبت اول بمریضان سرویس های مختلفه زیل معاونت های نخستین اجراء میگرد مجروحین سروگردن وستون فقرات یورو لوژی مجروحین استخوان شکستگی، بازو *Humerus* و زخمی دیسک *Disk* مفصل ها .

شفاخانه های عقب جبهه یک ساحه وسیع را در بر گرفته و معاونت های نخستین بواسطه سرویس های مختلفه شفاخانه های مذکور فعال میگرد در صورت امکان اسلحه دسته جمعی دشمن پرنسیب یک وقت را بکار میبرند این پرنسیب تداوی زخمی ها را بدرجه ها در مسائل ذیل و فعال می سازد .

a: - اجراء نمودن معاونت های نخستین در صورتیکه شفاخانه جراحی صحرائی هموار شده باشد و یا مرکز صحنی غند و فرقه که در حال فعال هموار باشد .

b: - اجراء نمودن معاونت های نخستین یکوقت در حال هموار بودن مراکز صحنی فرقه ها و شفاخانه های عقب جبهه به اثر انتقال مجروحین از مراکز ما بعد اجراء نمودن معاونت های نخستین یکوقت بعضی خالیگاهها را در سیستم انتقال پرمیکنند .

فت بال و خط سیر آن در طول تاریخ

ترجمه و نگارش :-

نری بریدمن صابر احمد (صیوری)
عضو پلان بنوونخی تخنیک

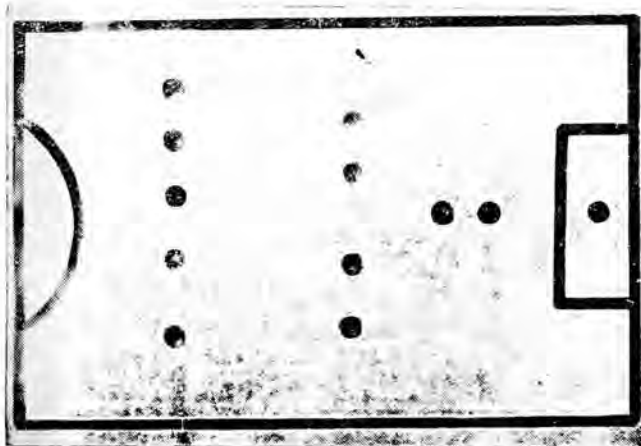
بعد از مدتی جوانان یونان به فت بال علاقه نشان داده توپ را به اشکال مختلف ساخته به همراه پاشوت می کردند یعنی در بین آنها فت بال کدام قواعد اساسی از خود نداشت که آنرا اساس قرار داده بازی نمایند که این نوع فوتبال بدون قواعد و بدون اساس را بنام (Carpanoks) کارپانوکس یاد می کردند. این بازی (Carpanoks) در تمام سالک مختلفه بنام های مختلف و اشکال مختلف صورت می گرفت اما در قرن ۱۵ این بازی نسبت نداشتن اساسات سپورتی از بین رفته و فراموش گردید. بعد از آن یک بازی دیگری بنام (Jewil casiu) حیول کاسیو در یونان رواج پیدا کرد که تا قرن ۱۶ دوام نمود. نورماندی ها از این روش استفاده نموده توپ را

تاریخچه :- فت بال بازی است که با پا صورت می گیرد (پا) و بال (توپ) معنی دارد که از یک کلمه انگلیسی گرفته شده است در فرانسه، اسپانیا و شوروی هنوز کلمه فت بال مروج است اما آلمانها آنرا بنام (فوزبال) مجارها بنام (لب دورکش) و مردم پولیند بنام (پیل کانوژنا) ایتالیوی ها بنام (کال چیو) و مردم یوگوسلاویا بنام (نوگومت) یاد می کنند. از اینکه فت بال در کجا و چطور به میدان آمده دست تا هنوز معلوم نیستند.

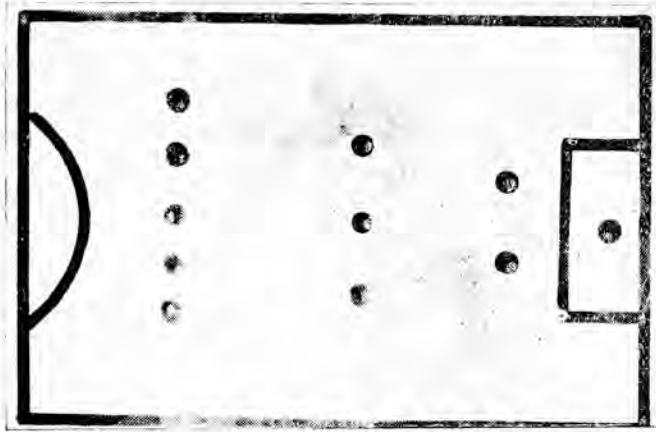
بازی با پا ویا فت بال در تمام ملل شرق قدیم مروج بود هم چنین ۲۰۰۰ سال قبل نیز معلوم بوده که چینی ها نیز به آن آشنائی داشت.

شاهنشاه چینی از تماشای بازی فوتبال خیلی لذت می برد و همه وقته مسابقات را برگزار می ساخت بعد از اینکه مسابقه فوتبال در حضور وی انجام می یافت تیمی را که غالب گردیده بود توسط تحایف قیمتی و گران بهانوازش میداد اما برخلاف برای تیمی که مسابقه را باخته بود هر یک از آنها را توسط شکنجه های مختلف دچار می گردانید اگر چه تیم غالب توسط تحایف شاهنشاه ظاهراً مسرور می گردیدند ولی در باطن از جزای که برای تیم مغلوب نثار می نمود متأثر گردیده و پیش بین می شدند که شاید ما هم روزی در مقابل تیمی به زانو در آمده به چنین روزی روبرو گردیم.

همین جزا های سنگین بود که مشوقین فوتبال روز بروز کم گردیده و از دوام مشق و تمرین و اجرای مسابقات خود دارای نمودند تا اینکه سپورت درسوزمین چینی ها نسبت همین جزاها محوه گردیده و فراموش گردید.



شکل اول :- سیستمی است بنام ۵ نفری روی یک خط در سال (۱۹۳۰) بنام سیستم (۵-۳-۱-۱)



شکل دوم :- سیستم ۵ نفری روی خط با کمی تغییر
بنام سیستم (۵-۳-۱)

محدود نبود تیم های زیادی تشکیل گردیده و مجبور بودند که توپ را در بازارها بدوانند .

بعد از آنکه توپ را از پوست حیوانات ساختند در بیستمین سال قرن ۱۹ خواستند که بازی را یک شکل اساسی بدهند اما مشکلاتی بوجود آمد که نتوانستند بازی را با شروع کنند زیرا جمعیتی می گفت که توپ باید با پا شوت شود و جمعیتی می گفت که توپ باید با دست بازی شود نظر به اختلافات فوق این مسئله تا مدت زیادی حل نگردید و فت بال فراموش همه گردید .

در سال ۱۸۴۴ در مکتب عالی (Herone) ویو نورستی کمبریج انگلیسها برای حاضر ساختن اصول و قواعد این بازی که آیا با پا و یا با دست بازی شود دورهم جمع شدند تا قواعد و اصول اساسی آنرا بمیان بیاورند . تا اینکه اصول و روش جدید فت بال را به میدان کشیدند اما متأسفانه این قواعد بدون استفاده باقی ماند .

در سال ۱۸۶۲ در کمبریج قواعد جدیدی به میدان آمد و سرانجام در ۲۶ اکتوبر ۱۸۶۳ در شهر لندن (کاپیتان های مکتب های عالی دورهم جمع شدند تا قواعد و روش جدید فت بال را بمیدان بیاورند اما باز هم یکی می گفت با پا بازی شود و جمعیتی می گفت با دست بازی شود فقط در همان مجلس ۲۸ نفر از طرفداران سرسخت فت بال دورهم جمع شدند و یک تعلیماتنامه که عبارت از ۱۵ مواد بود ساختند تا اینکه قواعد متذکره در سال ۱۸۶۳ در جراید و مجلات انگلستان بچاپ رسید از طرف همه مردم به ممنوعیت قبول گردید .

به این شکل فت بال معاصر به میدان آمد بعد از آن کلمه فت بال هیند بال از هم جدا گردیده هر دو بازی (فت بال و هیند بال) شکل اساسی را بخود گرفت یعنی فت بال بازی با پا و هیند بال بازی با دست مسمی گردید . اساس و ترتیب دهنده فت بال معاصر همین مردمان

از تکه به اشکال مختلف ساخته در کوچه ها و بازارها آنرا توسط پا شوت میکردند . این بازی تا مدت ها در بین مردم نورماندی رونق خوبی داشت و از آن استقبال خوبی بعمل می آوردند .

بعد از مدتی انگلیس ها به این بازی توجه نموده و علاقه بخصوص از خود نشان دادند و آنرا بازی با پا و یا فوتبال نامیدند که در جشن های بزرگ مردم انگلیس مسابقات را بحضور اشخاص بزرگ و رجال های سلطنتی خویش برگزار می کردند مگر مسابقه را بدون قواعد سپورتنی بطوا ذیل اجرا می کردند .

البته انگلیس ها این بازی را با کمی تغییر در سرزمین خویش رواج دادند که با فت بال معاصر و امروزی فرق داشت .

اعضای هر تیم را ۵۰۰ نفر تشکیل میداد یعنی در مسابقه ۱۰۰۰ نفر اشترک می نمودند توپ ساخته شده آنها که از تکه بود آنرا در وسط شهر قرار می دادند و با اولین ضربه توپ بازی را شروع می کردند گول های هر دو تیم در اخیر شهر بوده البته طول گول مذکور به اندازه ۴۰ متر بوده و گول کبیر در آن وجود نداشت افراد تیم مجبور بودند که توپ را از داخل شهر و کوچه ها گذاشته آنرا در اخیر شهر برده و از گول که اندازه آن فوقاً ذکر گردیده بگذرانند البته این کار خیلی مشکل بوده و از نادرتهای بود که شخص و یا تیمی به این کار موفق گردد . از جمله اعضای این تیم در مسابقه ۲۰۰ و یا ۳۰۰ نفر شان زخمی گردیده و یا از بین می رفتند یکی از اشخاص برجسته انگلستان در باره این بازی چنین نظریه داده است .

(بازی نیست جنگ است کشتار است محاربه است) ادوارد دوم شاه انگلستان در سال ۱۳۱۳ این بازی را قطع نمود و امر داد تا در داخل شهر از این بازی خودداری گردد اما بعضی اشخاص در مقابل این گفتار عکس العمل نشان داد و خواستکار دوام بازی بودند اما باز هم ادوارد دوم این چنین اشخاص را گرفتار نموده به زندان انداخت .

در سال ۱۳۴۹ ادوارد سوم بر تخت سلطنت نشسته و امر نمود تا این چنین بازی دوام نیاید .

در سال ۱۳۸۹ ریچارد دوم برای بازی کنان اینچنین فت بال جزای دیگری تعیین کرد و آن این بود (هر کسی که با توپ فت بال دیده شود به دار آویخته خواهد شد این قانون تا سال ۱۶۰۳ دوام نمود .

بعد از آنکه کارل دوم به سلطنت نشست در سال ۱۶۶۰ بازی فت بال رونق جدیدی بخود گرفت و در سال ۱۶۸۱ بازی فت بال با قواعد مخصوص اجرا گردید .

تا شروع قرن ۱۹ تعداد قبایلهای انگلستان

انگلیس بودند که به این بازی شکل و رونق دادند و بیک شکل بهتری آنرا برای مردمان ورزش دوست جهانیان تقدیم نمودند.

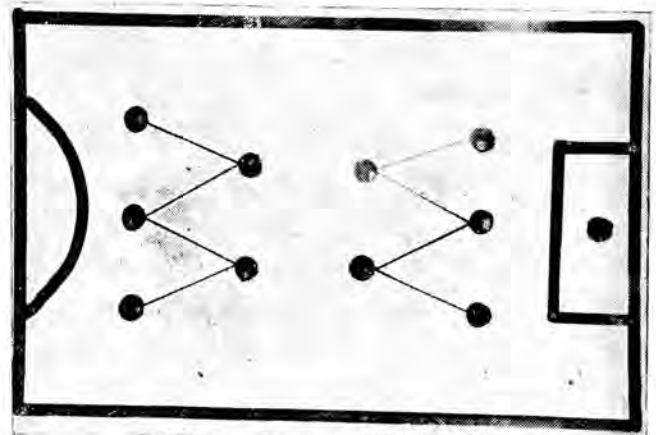
و به اساس و پیروی از این اسلوب مالک دیگر نیز روشن جدیدی را در فوتبال بکار برده کپ های متعددی در مالک تأسیس و تشکیل نمودند.

بعد از آن در سال ۱۸۶۴ برای اولین مرتبه در شهر شفیلد اولین کلوپ فوتبال تأسیس گردید و در سال ۱۸۶۵ کلوپ بنام (Loutis Conti) لوتس کانتی بمیدان آمد که تا حال نیز این کلوپ وجود دارد.

در ۲۳ اکتوبر ۱۸۶۸ جمعیت فوتبالیت ها بمیدان آمد و در ۲۰ جولای در مطبعه روزنامه (Sportman) سپورت مین لندن نمایندگان هفت کپ سیورسی کپ مسابقات را تعیین کردند.

در سال ۱۸۷۲ اولین بازی قبال در شهر گلاسکو بین تیم های انگلیس و سکا تلیند برگزار گردید که بازی صفریه صفر مساویانه خاتمه یافت مردم زیادی برای این مسابقه گرد هم جمع گردیده بودند و اولین مسابقه فوتبال به شیوه جدید بود که در انگلستان برگزار گردید در سال (۱۹۰۰) این بازی را در مسابقات بین المللی المپیک جادادند از جادادن بازی فوتبال در مسابقات بین المللی المپیک در هر گوشه و کنار جهان مردم قدردانی نموده و استقبال خوبی از این اقدام بعمل آورند تا اینکه روز بروز تعداد مشوقین این بازی زیاد گردیده کلوپ های متعددی در هر گوشه و کنار افتتاح گردیده و مشق تمرین سیورسی در این رشته خیلی از حد زیاد گردید و مشق و تمرین سیورس این رشته خیلی زیاد گردید تا اینکه:

در سال (۱۹۰۱) نسبت علاقه شدید به فوتبال بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر تماشاچی در مسابقه فوتبال بین تیم های (توتنهام چپورس) و شفیلد یونایتد) حصبه گرفتند که



شکل سوم :- سیستم ۳-۲-۲-۱ و یا سیستم (W) که آنرا انگلیس ها ۳۶ سال قبل اختراع کردند.

در جریان مسابقه تماشاچیان با کف زدن های مستم تیم های دلخواه خویش را تشویق میکردند و نتیجه این مسابقه و پرهیجان دو مقابل صفر به نفع تیم جوانان شفیلد خاتمه پذیرفت.

در سال ۱۹۲۳: در اپریل افتتاح استادیم اویم بلی صورت گرفت و بعد از افتتاح استادیم مذکور دو تیم (بونتون و یرس (Bontone on d aris) و (united Westhome) ولیت هام یونایتد رو برو شدند از که بازی ۲ مقابل ۱ به نفع تیم بونتون خاتمه یافت.

در ۲۲ ماه جون سال ۱۹۲۷ بود که اولین راپو تاژ رادیوئی از استادیم لندن داده شد و بالاخره در سال ۱۹۳۰ مسابقات جهانی باروش جدید بین مالک مختلفه جهت بدست آوردن جام هفت کیلویی ژول ریمه با قواعد اساسی شروع گردید و مالک ذیل در مسابقات کپ را نصیب گردیده اند. (تیمی کپ ژول ریمه را زمانی از خود می سازد که برای سه مرتبه در دوره های پی هم و یا مختلف قهرمانی را نصیب شده باشند) در سال ۱۹۳۰: تیم فوتبال یوراگویی جام جهانی را نصیب گردید.

در سال ۱۹۳۴: تیم فوتبال ایتالیا جام جهانی را نصیب گردید

در سال ۱۹۳۸: تیم فوتبال ایتالیا برای دومین بار جام جهانی را نصیب گردید.

در سال ۱۹۵۰ تیم فوتبال یوراگویی برای دومین بار جام جهانی را نصیب گردید.

در سال ۱۹۵۴ تیم فوتبال آلمان غرب جام جهانی را نصیب گردید.

در سال ۱۹۵۸ فوتبال برازیل جام جهانی را نصیب گردید

در سال ۱۹۶۲ تیم فوتبال برازیل جام جهانی را بار دوم نصیب گردید.

در سال ۱۹۶۸ تیم فوتبال انگلستان جام جهانی را نصیب گردید.

و بالاخره در سال ۱۹۷۰ در مسابقات بین المللی مکزیکو تیم برازیل توانست رقبای سر سخت خویش را چون (آلمان، ایتالیا انگلستان) شکست داده و برای همیشه جام ژول ریمه را از خود سازد.

سیستم های فوتبال در طول تاریخ :-

فوقاً یادآور گردیدیم که فوتبال ۲۰۰ سال قبل در چین رواج پیدا کرد البته بازی مذکور بدون کدام قواعد و اساسات اجرا میگردد تا اینکه انگلیس ها اساس اصلی آنرا گذاشتند و به آن شکل و صورت بهتری ارائه نمودند.

همین طوریکه فوتبال به اشکال مختلف در بین مالک

رقیب حمله می کنند و زودتر بجای خود می آیند. حرکت فتنالیست ه به این شکل خط دفاعی تیم را هم در حمله و هم در دفاع زیاد تر می کنند.

تکتیک بازی ایتالوی ها

تکتیک بازی فت بال ایتالوی ها دو مقصد اساسی دارد
۱- فاروردها را از وظایف دفاعی آزاد ساخته که آنها با تمام قدرت شان امکان منفرد بودن ایشان را نشان میدهد.

۲- نفرهای دفاع را زیاد می کنند که در بعضی حالات چند نفر از آنها بتوانند بکمک فاروردها بروند.

در تکتیک این بازی از جهت فوق العاده قوی ساختن خط دفاع فوروردها را که برای هر یک آن بطرف گول رقیب عبور کردن مشکل می باشد و اساس انکشاف آنرا مثل همیشه مبارزه فاروردها بیکه ها تشکیل می کند.

اصول بازی فت بال و طبقه بندی آن :

بعد از مسابقات ششم جهانی نماینده سپورتی اسپانوی (Warella) فتنال جهانی را طبقه بندی نموده و آن را به ۵ گروه ساخته است.

۱- امریکای جنوبی به رهبری تیم منتخب برازیل

۲- روسی

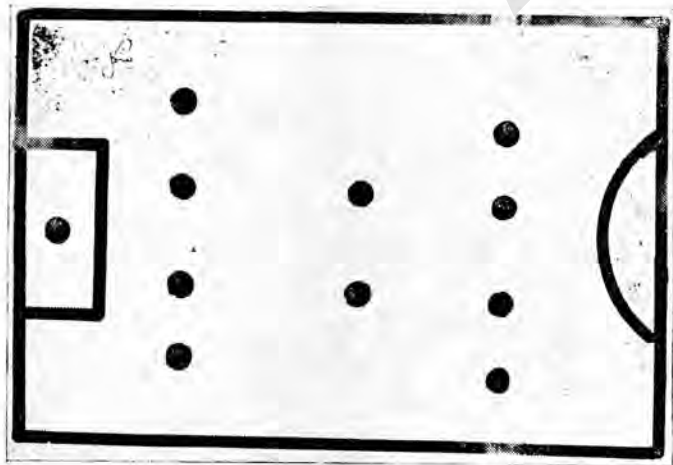
۳- اروپای مرکزی نماینده آن تیم آلمان غربی میباشد

۴- برتانوی: تیم های انگلستان، سکا تلیند، و آیرلیند شامل این گروه میباشد.

۵- لاتینی: نمایندگان آن تیم های ایتالیا و اسپانیا میباشد.

این طبقه بندی البته دارای شرایط زیادی میباشد اما در اساس آن چند علائم مخصوص چند تیم است که یک گروه تیم هارا از گروه دیگر تمیز میدهد.

در فتنال امریکای جنوبی کوشش میکردند که تیم هارا از ستاره هاتشکیل کنند که این روش بعضاً مؤثر



شکل چارم :- سیستم ۱-۴-۲-۴ که آنرا برازیل در سال ۱۹۵۸ به میان آوردند

صورت گرفت سیستم بازی آن نیز در ممالک مختلف به اشکال مختلف اجرا گردید که ذیلاً ارقام میگردد.

برای اولین مرتبه سیستم بازی فت بال در سال ۱۹۳۰ به شکل (۵-۳-۱-۱) صورت گرفت بعداً بازی مذکور کمی تغییر یافته و بشکل (۵-۳-۲-۱) درآمد این بازی تا سال ۱۹۵۸ دوام پیدا کرد. بعد از آن انگلیس ها بازی فت بال را به سیستم دیگری در آورد که بنام (W) و یا (V۲) یاد می شد یعنی شکل بازی مذکور (۳-۲-۲-۱-۳) بود.

در مسابقات جام جهانی سویدن، برازیل سیستم دیگری را با خود آورد که توجه تمام ممالک اروپائی را بخود جلب نمود و در همین سیستم مذکور تیم برازیل توانست که بالای تیم ها غالب گردیده جام جهانی را در بین ممالک مختلفه نصیب خود سازد. این بازی ۴-۲-۴ تا مدت زیاد بین تیم های ممالک مختلفه رواج داشت و از این سیستم برازیلی ها استفاده می کردند تا اینکه این بازی هم فراموش همه گردید.

بعد از آن در کیف سیستم دیگری به میدان آمد که آنرا شوروی ها بنام سیستم (۲-۴-۴-۱) یاد می کردند.

در فت بال معاصر سیستم بازی های فت بال به اشکال مختلف صورت گرفته اما قسمت زیاد ممالک که طرفدار فت بال هستند از سیستم ۴-۲-۴ برازیلی ها استفاده می دارند در زمان سابق آنقدر برای تکتیک و تکنیک فتنال اهمیت نداده فت بال را بدون اساس و تکتیک برای سرگرمی اجرا میکردند که از آن هیچ انکشافی بعمل نمی آمد. اما فت بال معاصر چنین نبوده بلکه در جستجوی تکتیک های جدید و روش های اساسی فت بال هستند تا بهترین تکتیک و تکنیک بازی فت بال را بر مردم و طرفداران فت بال تقدیم بدارند.

تکتیک بازی فت بال معاصر :-

تکتیک بازی فتنال بیشتر فعالیت دسته جمعی و منفرد مطابق غایه و مقصد اصلی میباشد.

در تکتیک فت بال معاصر توجه زیاد بخرچ میدهند تا پلیر ها از طریق دروس نظری رسانیده شود مقصد از این دروس آنست که فتنالیست در جریان مسابقه بتواند بدون گفتن و رهنمائی نفر دیگر خوبترین فن تکتیکی را انتخاب کند و عملیات مورد نظر خویش را عاقلانه تر دوام بدهد در تیم های امروزه دنیا تکتیک فت بال انگلیسها خیلی پیشرفت نموده که اساس فت بال آنها را پاس های ساده و دقیق تشکیل می دهند. در بازی آنها پاس های کوتا و موازی دراز بجناح دیگر بایکدیگر به سادگی آمیخته میگردد. خط دفاعی آنها بشکل زیگزاگ بوده که فتنالیست ها امکان محافظه یک دیگر را دارند.

تکتیک بازی برازیل :

در تکتیک بازی برازیل بیکه های جناحی بطرف گول

چرا بعضی افراد بی خواب میشوند، برای رهایی از بی خوابی و بد خوابی چه باید کرد؟

بردن در يك ساعت معین است. مهم نیست که خوابیدن درجه ساعتی باشد مهم اینست که تقریباً در ساعت معین باشد، نه اینکه یکشب ساعت ۱۰ و شب دیگر ساعت ۱۲ در چنین صورتی ممکن است بی خوابی پیش آید.

بعضی مردم بد خواب شبها کلافه میشوند کتاب و مجله میخوانند و مدتی راه میروند در صورتیکه بهتر است برای بخواب رفتن اگر ممکن است يك شاور آب شیرگرم گرفت و گاهی برکنار کردن لحاف و کمپل از رو بطور موقت تا زمانیکه انسان احساس سرما کند تا حدی مؤثر است. گاهی نفس عمیق کشیدن موجب آرامش سلولهای عصبی میشود و انسان بخواب راحت میرود.

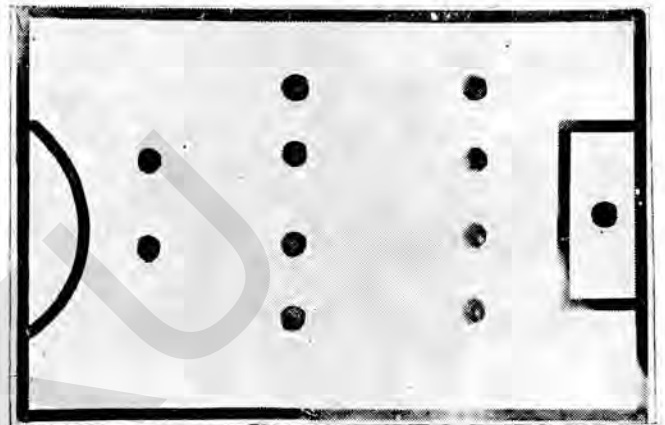
گاهی هوای اتاق کثیف است و با باز کردن کلسکین ها بی خوابی از بین میرود.

برای رفع بی خوابی باید توجه داشت قبل از خواب اعضا بدن تحریک نشود و هرگز وارد جروبحت و موضوع های جدی و ناراحت کننده نشوید. گاهی در بعضی افراد شرکت در پارتنی ها و شب زنده داری ها سبب بی خوابی میشود. جالب اینست که موزیک ملایم خواب خوش میآورد. سعی کنید قبل از رفتن به رختخواب چراغ را خاموش کنید مطالعه قبل از خواب بشرطی که خیلی زیاد نباشد و داستان و یا مطلبی که خوانده میشود مهیج نباشد اشکال ندارد و کمک به خوابیدن میکند.

در بعضی افراد که فشار خونشان پائین است صبح زود خوردن يك پیاله چای بالیمو و يك قاشق عسل بسیار مؤثر خواهد بود.

در صورت ادامه یافتن بی خوابی باید از داکتر کمک گرفت چه بدون تجویز داکتر مصرف هرگونه قرص خواب زیان آور بوده و گاهی باعث خطراتی میشود. در خاتمه یکسکته را هم باید در نظر داشت کم غذا خوردن در شب و فاصله دادن بین غذای شب و خواب، در رفع بی خوابی مؤثر است کسانی که دچار بی خوابی هستند باید از خوردن مواد محرک مثل قهوه، چای پر رنگ و ادویه در شب خودداری کنند.

عده ای از مردم دچار بی خوابی و بد خوابی میشوند و واقعاً تمام شب را بیدار میمانند و از يك پهاو به پهاوی دیگر میغلطند این افراد واقعا از بی خوابی رنج میبرند و حالا این سوال پیش می آید که چرا چنین اشخاصی نمیتواند بخوابند؟ باید توجه داشت که اساس يك خواب راحت و سالم حفظ توازن سیستم اعصاب است. بهترین راه برای استقبال از يك خواب خوش و راحت، بخواب رفتن یا به بستر پناه



شکل پنجم: سیستم بازی کیف ویا سیستم ۲-۴-۴-۱

بوده و بعضاً غیر مؤثر و امکان نتایج خوب را نداشت وقتی که بازی منفرد با بازی دسته جمعی آمیخته گردید تیم برازیل که مرتبه قهرمان جهان شناخته شد و برای ۱۰ سال در فترت بال معاصر نمونه خوبی بارآمد.

در اسلوب فوتبال روسیه شوروی بازی دسته جمعی و کوشش فعالیت ها برای رسیدن به مقصد عمومی موجود است برنسوب فوتبال شوروی ها را در مسابقات جهانی لندن دفاع و تعرض همه گانه تشکیل می داد که از طرف تمام تیم های دنیا استقبال گردید.

در اسلوب وروش بازی بریتانوی ها دسته جمعی بازی کردن است و هر یک از فوتبالیست ها خواه در دفاع باشد و یا در حمله فعالیت زیاد از خود نشان میدهد.

اسلوب لاتیتی از جهات زیاد به اسلوب بازی تیم های امریکای جنوبی شباهت دارد.

در این سال های اخیر تیم ها دفاع راقوی ترمی سازند هر اسلوب بازی در عرض سال ها به میدان می آید و نتیجه استقامت های عمومی که در فترت بال مروج میباشد مربوط به سورت مین ها که آنرا اجرا می کند است.

از اینرو فوتبال خود بخود کیفیت های فزیکمی را بوجود می آورد و تکمیل می کند.

ختم

یوګندا د جمهوریت پیژندنه



یوګندا د منځني افريقايي هيوادونو او جمهوريتونو څخه يو جمهوريت دی چې اصلي اوسيدونکي يې ټول تور پوستکي دي او د بومي محلي دين پيروان دي د اسلامي او مسيحي دين مبلغين چه د پخوانيو پېړيو څخه دي هيواد ته تللي دي ډير لږ شمير يې د اسلام او مسيحت په دين مشرف کړي دي نور ټول د بومي او محلي دين پيروان دي .

مساحت او موقعيت يې :- يوګندا د جمهوريت د لوی والی له لحاظه تقریباً ۹۸ زره مربع میله ځمکه یې نیولی ده او دغه جمهوریت د استوا پر خط باندې د کنیا، سوډان، او تانگانیکا روندی، وروندا او کانګوی لیو پول د ویل په منځ کې پروت دی او شاوخوا کې ټولې وچې ځمکې یې نیولی دي .

طبعی ساختمان يې :- د یوګندا جمهوریت د طبیعي ساختمان له لحاظه ستر و غر و او ژور و منطوقو او وسیع اراضیو او غه ناغه باطلاتو نو او جھیلونو نیولی دی د لمر پریو تو خواته یې د (رون-زوری) لوړی څو کی پرته دی چه لوړوالی یې ۱۶ زرو فوټه رسیری او د لمر ختلو خواته یې دایکان لوړی څو کی واقع دی چه لوړوالی یې ۱۵ زرو فوټه رسیری او د تانگانیکا مشهور غدیر چه په ټوله نړی کې دوهم غدیر شمیرل کیږی د سپین نیل چه په یوګندا او تانگانیکا کې بهیږی له دغه غدیر څخه سرچینه آخلی . که څه هم د یوګندا جمهوریت د استوا پر خط باندې واقع شوی دی . خودمخکی د سطحی د لوړوالی له کبله یې اقلیم معتدل دی .

د یوګندا دین ، ژبه او نفوس :- (کلتور یې) د یوګندا نفوس شمیر نیم ملیونه دی ټول د افريقا د نژاد څخه دي او سپين پوستي په یوګندا کې د دولت مخصوص پلان له مخې ژوندون کولای شی . او هغه اسیایان او اروپایان چه د تجارت او دیني تبلیغاً تو لپاره دغه مملکت ته راغلي و . شمیر یې لږ دی او جمهوررئیس عیدامین دغو میاشتورا هسی د هغو د ایستلو په لټه کې دی چه ټول هغه اسیایان او اروپایان چه په دغه هیواد کې پیژند کوی د خپلی خاوري څخه و باسی لکه چه نوموړی جمهوررئیس پدغه کار کې پیږیالی هم شو . لږی هغه یهودیان چه تر مخه یې د دغه هیواد په مختلفو ساحو کې کار کاوه او جنرال عیدامین ته په ډاګه داخر ګنده شوه چه دغه ټول یهودیان جاسوسی کوی او د

جنرال عیدامین د هیواد د خراب تیا په لټه کې دی نو یې ژر تر ژره ، دغه یهودیان د خپل مملکت څخه وایستل او د یهودیانو موجودیت یې په خپل هیواد کې لازم ونه گڼل وروسته له هغه یې بیا د اسیا یا نو او اروپایانو د ایستلو په لټه کې شو . او هغه افريقایان چه په یوګندا کې ژوند کوی د ۱۳ مختلفو ګروپو او قبیلو څخه دي . رسمی ژبه یې انګلیسی ده او په ۶ نورو محلي ژبو هم خبری کوی .

او ډیر وګړي یې د محلي دين پيروان دي او هغه خلق چه د مسيحي دين پيرو دي ټول شمير يې يونيم ملیون ته رسیری . د یوګندا مشهور ښارونه :- کاسپالایو لوی او مشهور ښار دی چه د یوګندا پایتخت او د تجارت مرکز هم ورته ویل کیږی او د دغه ښار نول شمیر و ۷۰ زره تنو ته رسیری دانیتی ښار چه د یوګندا د ښار څخه ۲۰ میله فاصله لری ټول شمیر یې ۱۸ زرو تنو ته رسیری او د جنجا ښار چه د نیل درود او ویکتوریا د جهیل پر څنډو پروت دی ټول نفوس یې ۲۷ زرو تنو ته رسیری او د نفوس له لحاظه د یوګندا دوهم ښار ګنیل کیږی .

حکومت :- یوګندا د ۱۸۹۰ کال را پدی خوا د برطانیې تر اداري لاندی وه او دغو کلورا پدی خوا پارلما نی او داخلی استقلال ورته ورکړه شو او په ۱۹۶۰ م کال کې یې اساسی قانون جوړ کړ او اوسیدونکو ته یې په پارلمان کې د داخلیدو حق ورکړه شو او په دولتی امور و ویا کل شول او په ۱۹۶۱ کال کې یې لږی انتخابات شروع شول چه بری د دیموکراتیک حزب په برخه شو نو کابینه یې جوړه کړه . اوس یوګندا یو مستقل او آزاد دیموکراتیک جمهوریت دی جمهوررئیس جنرال عیدامین خپل د مملکت په سمسورتیا کې ډیره بیړه کوی . او ټول هغه اورپایان او اسیایان چه په دغه مملکت کې یې تر مخه ژوند کاوه د خپل مملکت څخه یې لیری کړل که څه هم د برطانیې مملکت پر دغه مملکت باندی څو څو واره دیونو و مجلس ته شکایت وکړ منگری عیدامین دغه خبره ونه منله او وی ویل چه زه نه غواړم چه دغه اروپایان او اسیایان چه زما د مملکت په ګټه نه تمامیری او د دوی ژوند زما د مملکت لپاره ګډوډی پیدا ی کوی .

اود هغه د دولت مربوط هغه اسیان چه په یوگندا کی اوسیدل دهند حکومت هم دیوگندا د هیواد غځه د هندی اسیان نو د پاته کیدو لپاره د جنرال عیدامین غځه و غوښتل چه د دوی د ژوندانه په مورد کی نوی کتنه و کړی په پای کی دیوگندا حکومت دهند و حکومت ته د اډ ورکړ چه په هغه صورت کی و دوی ته د پاته کیدو اجازه ورکوی چه د دوی دیوگندا و حکومت ته و فاداری او خپل ټول ژوند و او شتمنی او اړتیا و په وخت کی دیوگندا لپاره ونه سیموی دا ټول کار ونه جنرال عیدی امین دخپل مملکت د پاره کوی

اود خارجی خلقو غځه ئی خوندي و ساتی چه بیا دغه خارجی عناصر چه د مملکت لپاره خپر تیاوی او گلووی پیوی ویا پیدا کوی یری ئی په برخه نسی .
نوله دی کبله جنرال عیدی امین دخپل هیواد د وکړو د هوسائی لپاره دغه راز پالیسی منځ ته راوړی دی دیوگندا اقتصادی اوضاع :-

دیوگندا د هیواد ټول اقتصاد پر کرنه او مالداری باندی ولاړ دی اودغه کار د افریقیا نو په لاس کی دی پنبه او قهوه دیوگندا مهم صادرات تشکیلوی اوس هم دغه هیواد غځه استخراج کیری او نور خارجی مملکتو ته صادر یری .

د برق قوه هم په دغه هیواد کی پیره تولید یری چه مهم بند چه د برق قوه ورغځه تولید وی درون فالز بند دی او گا وندی هیواد و ته لکه کینیا او تانگو ته لړ دول کیری .

دیوگندا د جمهوریت معارف :- که غه هم نزاری توپیر دیوگندا په معارف کی نشته بیا هم ډیر اروپایانی هلکان د کینیا په ښوونځیو کی درس وائی او اسیائی هلکان غه ئی په خپله او غه ئی د معارف د وزارت له خوار وزل کیری باید و وایو چه د افریقیا نو ټول هلکان د دینی موسسو له خوا اداره کیری او په ۱۹۳۶ کال کی په کامپالا کی یو پوهنځی جوړ سو چه اوس د لندن د یو هنجیو غځه شمیرل کیری ټول دکا متولت د مملکتو شاگردان په کښی درس وائی اوس عیدامین د دغه پوهنځی ته بل شکل ور کړی دی چه باید دیوگندا ټول هغه فارغ التحصیلان چه په خپل مملکت کښی روزل کیری په دغه پوهنځی کی باید شامل شی اوداسی نور ثانوی مکتوبه هم په کښی ډیر شوی دی چه هلکان اونجونی لوست په کښی کوی .
اودا کابر تعلیمات د ټولو په پراختیا له خوا اجرا کیری .

دیوگندا معاصر تاریخ :- په ۱۸۶۲ کال کی دوه تنه انگلیسی سیاحان د لمړی ځل لپاره د جنوب دخو اغځه دغه مملکت ته راغلل او په ۱۸۷۰ کال کی ستانلی لمړی اروپائی وه چه د وکتوریا غدیر په شا وخوا کی ئی

ساحت و کړ او دیوگندا د پادشا سره ئی د مسیحی مبلغینو لپاره لاره خلاصه کړه پس له دی مسیحی مبلغین اود تجارتی کمپنیو نمایندگان د شرقی افریقی له خوا و دغه مملکت ته راغلل اود برطانی مملکت په ۱۹۸۵ م کال کی دیوگندا د مملکت ټوله خاوره خپل اداری او حمایه لاندی راوړه تر ۱۹۶۱ کال پوری د دغه مملکت ټول واک د برطانیی د مملکت په لاس کی وه او په ۱۹۶۱ م کال کی عمومی لمړی انتخابات وسول چه په پاکی د دیمو کراتیک حزب په اکثریت ټول سره بریالی شو او کابینه ئی جوړه کړه وروسته له دغه تاریخ غځه دیوگندا د مملکت اداره دخپلو افریقیا نو په لاس کی شو چه اوس و ټوله نړی ته دغه خبره غرگنده ده .

نوموئی جمهور رئیس دخپل هیواد دینه والی او ترقی په لار کی ډیر زیار باسی اونور د افریقی هیواد نه تشویقوی چه خپل هیواد ونه دخارجی اولمسوونکو خلقو غځه پاک کړی .

دنورو افکار

هغه چاته لوی او واره څه فرق نه لری چی هر څه ئی پیدا کړی او د ټولو خالق دی .
هر چیری چی هغه شته هر څه شته او هیڅ څای نسته چی هغه پکښی نسته .

زه له دومره کوچنیو سره چی هیڅ نه یم هر څه یم .
زه له هغی خاوری پیدایم چی د قیصر لاس ، د افلاطون ماغزه ، د مسیح زړه او د شکسپیر نبوغ ئی په ذراتو کی گډه دی .
(امرسن)

زه پدی عقیده یم چی دبشر تکامل په ډیر ځنډ انجام مومی د دنیا سیر ډیر بطی دی ، دبشر نبوغ به تقلید کی دی او د ابتکار خوند ئی نشته لکه چی په فزیک کی د ثقل قانون موجود دی ، چی زموږ تعلق د محکی له زری کدی سره ساتی په روان شناسی کی هم دغه قانون وجود لری اوزموږ د لچسپې له زاړه جهان سره تیننگوی .

کوبیتی داهم ویلی دی چی خلک لا د اصلی گناه دانمی برخی په اختراع نه دی بریالی شوی . (اناتول فرانس)

بالای مواضع مدافعه ضد هوایی برای عبور کردن

از سی-تم مدافعه ضد هوایی و وارد ساختن ضربه بالای مواضع

باید هر مرتبه یک تکنیک جدید عملیات محاربه‌ی طرح و تهیه گردد

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که طیارات اسرائیلی در ویتنام شمالی و طیارات اسرائیلی در شرق میانه قبل از وارد کردن ضربه اصلی بالای مواضع دشمن بصورت بسیار دقیق اکتشافات هوایی هدف را اجرا می‌نمایند. مسائل اساسی کشفیات مربوط بانست که بطور بسیار دقیق وضعیت موضع را نظر باشیای محلی تعیین کرده و سیستم مدافعه ضد هوایی موضع را واضح بسازند (درینجا باید نظام محاربه‌ی مهمات و دستگاه‌های رادیو الکترونیکی و محاربه‌ی مدافعه ضد هوایی را تعیین کنند).

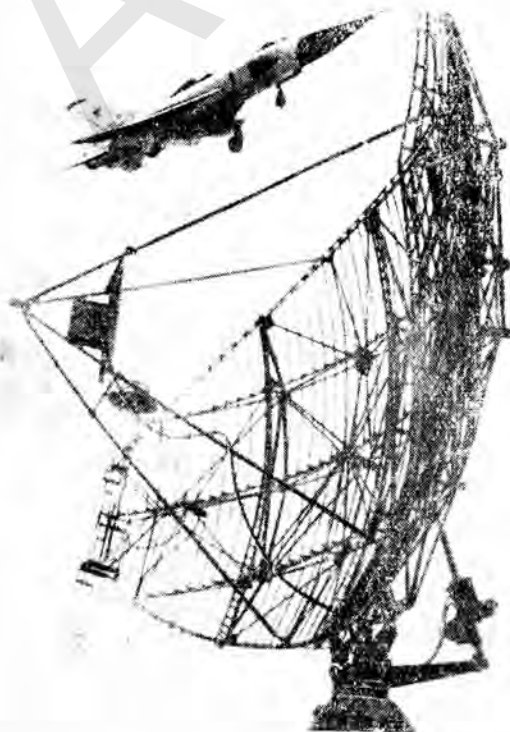
در ویتنام شمالی برای اجرای اکتشافات هوایی مواضع نظر به معلومات مطبوعات خارجی از طیارات اکتشافی RA-5C, RF-8, RF-101 و طیارات SR-71, RB-66, U-2 اکتشافی بی پیلوت BQM-34A و 147C و 147F استفاده بعمل می‌آید قوای نظامی اسرائیل برای کشفیات مواضع داخل قلمر و جمهوریت عربی مصر از طیارات میراژ، و تور، سوپر میستر استفاده می‌نمایند. طیارات مذکور برای اجرای کشفیات مواضع معینه در ارتفاعات بسیار پست از ۳۰ الی ۱۰۰ متر پرواز می‌نمایند. در ماه‌های اخیر قوای ندانی نظامی

اضلاع متحده امریکا طوریکه در مطبوعات امریکائی نیز ذکر گردیده است در ویتنام برای اجرای عملیات اکتشافی از طیارات بی پیلوت اکتشافی که در ارتفاعات پست و بلند پرواز می‌نمایند استفاده می‌نمایند.

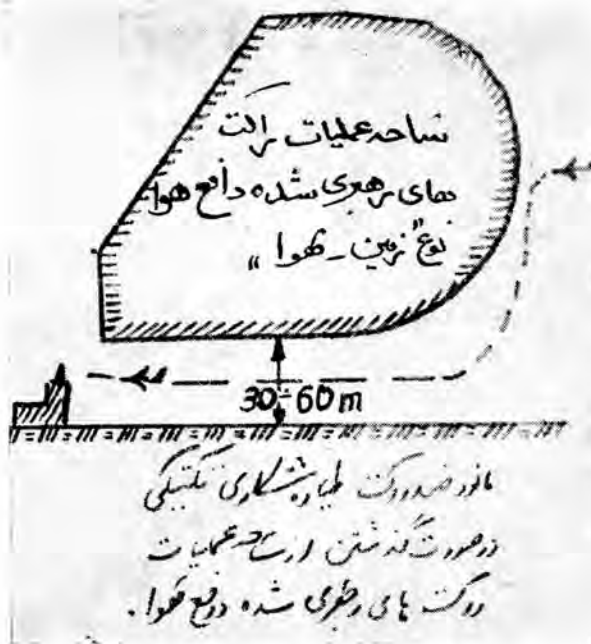
طیارات بی پیلوت کشف نسبت به طیارات پیلوت دار اکتشافی دارای یک عده برتری‌های ذیل میباشند: سطح منعکس مؤثر کم، ارزش کمتر استعمال و استفاده آنها باعث ضایع

شدن عمله طیاره نمی‌گردند. طیاره اکتشافی بی پیلوت در یک مرتبه پرواز خود می‌تواند از یک موضع که دارای عرض ۲۵ کیلومتر و درازی تا ۶۰ کیلومتر باشد عکس برداری نماید. برای تهیه عکس ها و دی شفیری آنها وقت بسیار کم مصرف می‌شود.

معلوماتی که بواسطه اکتشافات هوایی بدست می‌آید نظر به عقیده قوماندهای متحده امریکا برای



نمونه دستگاه‌های
عصری رادار که طیارات
را از مسافتات بعید
و نزدیک دید می‌توانند



وارد کردن ضربه بالای نظام های محاربه ای کامپلکس راکت های دافع هوا، مناطق جابجا شدن دستگا های Radar و میدا نهی هوایی و پایگاههای نظامی طیارا ت شکاری استفاده می شوند قوماندانان نظامی اضلاع متحده امریکا و پکت نظامی اتلانتیک شمالی (Nato) درارزش دهی اسکانا ت عبور کردن از مدافعه ضد هوایی قوی مواضع نظربه داشتن معلوما ت اکتشافی مکمل راجع به محلات و مواضع های مدافعه شونده از همه اولتر مر بو طبه موجودیت مهمات اکتشافی کامپلکس های راکت های رهبری شده دافع هوا، توپچی دافع هوا و طیارا ت شکاری گیرنده می دانند. آنها بالعموم باین مفکوره اند که طیاره شکاری گیرنده از همه اولتر با طیارا ت حمله کننده دشمن در مسافات بعید از محل مدافعه شونده داخل جنگ می شوند، از راکت های رهبری شونده دافع هوا در سرحدات نزدیک تدافعی استفاده بعمل آمده و توپچی دافع هوا بصورت مستقیم در مدافع مواضع حصه می گیرد.

پیش بینی میشود که مدافعه هوایی عصری مواضع قادر به منحرف ساختن مؤثر پرواز های طیارا ت تحت سرعت صوت و حتی فوق سرعت صوت میباشد (سرعت صوت بطور متوسط در حدود ۳۳۳ متر فی ثانیه انتخاب گردیده است) و درین شرایط گفته می توانیم که در صورت موجودیت مدافعه ضد هوایی قوی مواضع فقط یک قسمت طیارا ت وارد کننده ضربه خوا هند توانست به هدف و مرام خویش نایل شوند. این موضوع را یکی از قوماندانان قوای نظامی هوایی اضلاع متحده امریکا جنرال مویر در مجله «اردانانس» ذکر کرده است. نظر به تحلیل اخبار ذکر شده مطبوعات خارجی که مربوط بفعالیت محاربه ای قوای هوایی امریکا در ویتنام و قوای هوایی اسرائیل در شرق میانه میباشد

راجع باین موضوع چنین نوشته است «در زمان موجوده نظر به عصری شدن و مکمل گردیدن راکت های رهبری شونده دافع هوا طیارا ت بمبارد مان کننده در زمان گذشتن از ساحه قوای مدافعه ضد هوایی دشمن در ارتفاعات بلند حتی به سرعت دوچند سرعت صوت ($M=2$) دارای چانسهای بسیار کم میباشد. و همین موضوع بوده است که باعث تعبیر نظریات آنها به نفع عبور طیارا ت از قوای مدافعه ضد هوایی قوی در ارتفاعات پست گردیده است».

با وجود آنهم با زیاد شدن موثریت قوای مدافعه ضد هوایی در ارتفاعات پست آنها نظر به نظریات قوماندانی قوای هوایی نظامی اضلاع متحده امریکا و ممالک عضو پیمان Nato کما می السابق برای تخریب کردن سیستم قوای مدافعه ضد هوایی در یک ساحه بسیار زیادی از طیارا ت استفاده مینمایند.

فوقیت عملیات طیارا ت در ارتفاعات پست عبارت از پسان تر کشف کردن اهداف هوایی و در نتیجه آن بسطور ناگهانی زمانی را که قوای مدافعه ضد هوایی

گفته میتوانیم که در شرایط درگرفتن با استعمال مواد مخربه عادی گذشتن از قوای مدافعه ضد هوایی دشمن دارای خصوصیات مشخصه ذیل میباشد:

— استفاده از طیارا ت حمله کننده در ارتفاعات پست - استعمال قوای هوایی برای تحت فشار گرفتن قوای مدافعه ضد هوایی دشمن.

— استعمال و استفاده از ما نورهای ضد راکت و ضد طیارا ت شکاری - تعیین و جدا کردن گروپ تا مینات هوایی.

— استعمال ترتیبات ضد عملیات رادیوئی.

پیلوت های قوای هوایی اضلاع متحده امریکا و دیگر ممالک عضو پیمان Nato بصورت بسیار سریع پرواز را در ارتفاعات پست یاد میگیرند از همه اولتر این موضوع با آن وضعیت های مربوط میباشد که عملیات طیارا ت نظامی در ارتفاعات پست از طرف قوماندانی قوای هوایی نظامی اضلاع متحده امریکا و ممالک عضو ناتو از جمله موثرترین شرایط برای گذشتن از مدافعه ضد هوایی قوی قبول گردیده است.

یک جنرال امریکائی مککلو مکی

جمهوریت دیموکراتی ویتنام برای آنها وارد ساخته میشود با استفاده از ارتفاع پست میتوان از تخریب راکت های رهبری شده دافع هوا نجات یافت مگر در پهلوئی آن ضایعات خویش را از طرف توپچی دافع هوای دشمن زیاد می سازیم « این جملات را جنرال مویر نوشته است .

عملیات طمارات قوی هوائی اضلاع متحده امریکا در ویتنام شمالی فقط در ارتفاعات پست برای قوماندانی اضلاع متحده امریکا موافقت ها - انتظاری را در زمان گذشتن از قوا مداخله ضد هوائی قوی باز نیاورده است بدین لحاظ در روز های اخیر طمارات قوئی نظامی و طمارات بحری اضلاع متحده امریکا شروع به وارد ساختن ضربه بالای مواضعیکه دارای مدافعه ضد هوائی قوی میباشند همزمان از ارتفاعات پست و وسطی با اجرای یک عده اقدامات فریب دهنده و تحت فشار گرفتن قوای مدافعه ضد هوائی نموده اند . البته این گفتار معنی آن را نمی دهد که قوماندانان نظامی اضلاع متحده امریکا از استعمال (بقیه در صفحه ۹۲)

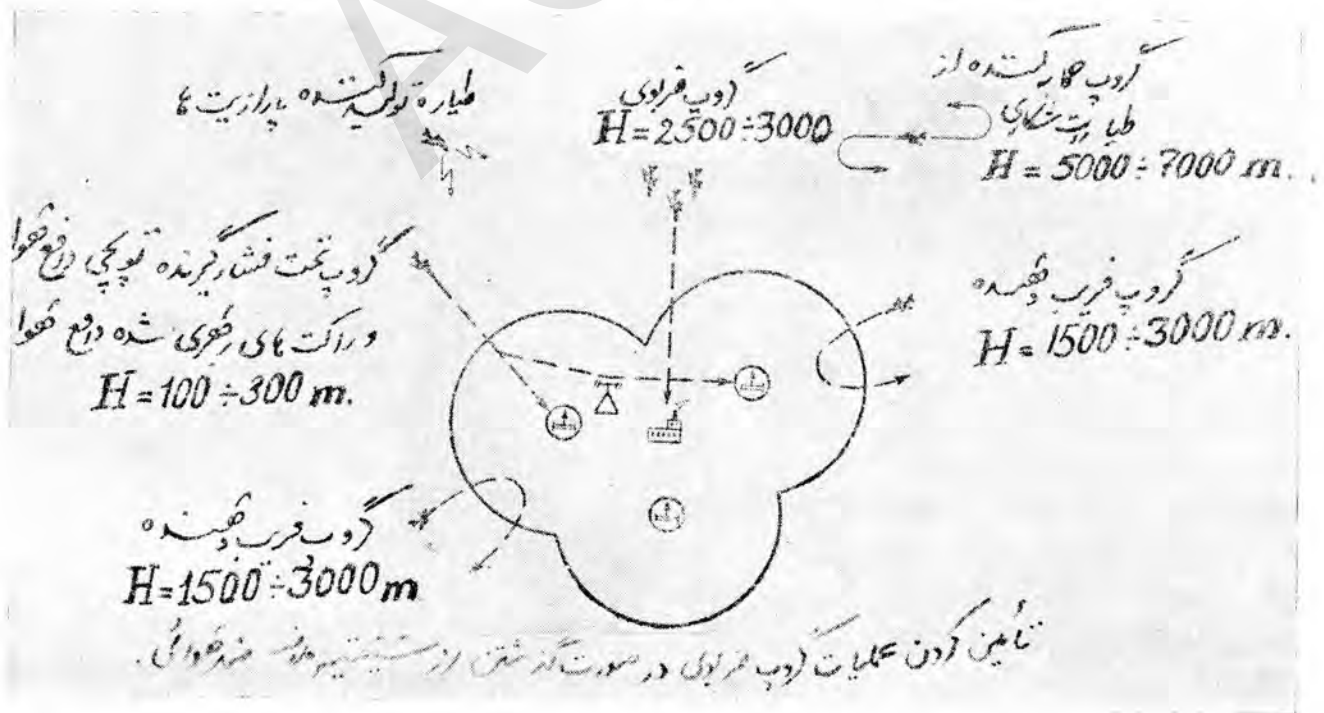
۲۰۰ الی ۳۰۰ متر در حدود ۲۵ الی ۵۰ می باشد . پرواز طمارات به سمت هدف در ارتفاعات ۵۰ متر و پیاپی نتر ازین ارتفاع باعث مؤثریت اصغری راکت های رهبری شونده دافع هوای دشمن در بالای طمارات هوائی می گردد .

در پهلوئی این هم احتمال و خطر اصابت طیار در ابامواضع زمینی زیاد تر میسازد با در نظر گرفتن این موادات گفته می توانیم که ارتفاع اصلی پرواز طمارات در حدود ۵۰ الی ۹۰ متر بوده و احتمال خارج گردیدن طیاره درین شرایط کمتر از ۰/۷۵ خواهد بود رابطه و تناسب احتمالی تخریب اهداف هوائی ذریعه مهمات و ترتیبات قوای مدافعه ضد هوائی و احتمال اصابت طیاره بازمین نظر با ارتفاع پرواز در رسم نشان داده شده است .

تجارب عملیات محاربوی قوای هوائی اضلاع متحده امریکا در جنوب شرق آسیا نشان میدهد که در هر ارتفاعیکه طمارات امریکائی پرواز و شروع به عملیات نمایند با وجود آنها ضایعات بسیار زیادی را از طرف راکت های رهبری شونده دافع هوا توپچی دافع هوا و طمارات شکاری

برای استفاده مؤثر و بوت و زمان نش از ترتیبات و مهمات اکتیف بمقصد تخریب طمارات دشمن درین ارتفاعات استفاده می نمایند بسیار کم می شود وزیر قوای نظامی عوائی اضلاع متحده امریکا سیمنس چنین گفته است : پرواز در ارتفاعات پست عبارت از جمله مساعدترین شرایط می باشد به نسبت اینکه دستگاه های رادار (Radar) دشمن کشف طمارات حمله کننده رادار زمان لازمی مهیا ساخته نمی تواند . وهم چنان سرعت زیاد پرواز طمارات زمان وارد کردن تاثیر ترتیبات اکتیف قوای مدافعه ضد هوائی را در بالای آن کم میسازد . مناسب ترین ارتفاع پرواز برای گذشتن موقفانه از سیستم قوای مدافعه هوائی طوریکه در مطبوعات خارجی ممالک عضو پیمان اتلانتیک شمالی ذکر گردیده است عبارت از ارتفاع ۱۵ متر از سطح بحر ، ۶۶ متر از سطح هموار زمین ۱۲۰۰ متر از سطح تله زار و محلات کوهی میباشد .

نظر به حسابات متخصصین امریکائی احتمال بیرون کردن طیاره نظر با ارتفاع پرواز آن تقریباً در ارتفاع



حجج عاشق

مراچو قبله نگر دد به عیدگه رویت
 ز عیدگه ، کنم آهنگ شعبه کویت
 تو عید خلقی و قربانت آنکه مردم را
 کشد به غمزه خونریز چشم جادویت
 اگر چه نیست درین عید رسم مه دیدن
 بمیرود ز ضمیرم خیال ابرویت
 گذشتم از هوس کعبه و طواف حرم
 همین بس است مرا حج که بگذرم سویت
 ز تاب عشق قوتنا سوختم بحمدالله
 که سایه بر سرم انداخت سرود لجویت
 به ضبط مملکت دلبری گشادی دست
 دعای خسته دلان بادحر زبازویت
 برون خرام و مترس از گزند کز هر سو
 هزار بنده چو جامی بود دعا گویت

لرغونی ادب : رحمان با با :

تازه جفا واره بی فاده

که ز مایینه په تاده خطا نه ده
 که بی تاده ناروا ده روانه ده
 خوک چه بی داستاله مخه بل ته گوری
 آینه نی ناصفا ده صفا نه ده
 هر عاشق چه په خپل یار پسی ژړا کا
 داژرا واره خندا ده ژړانه ده
 د دنیا په تماشا چه خوک نازیری
 خو هم نن نی تماشا ده سبانه ده
 که ته سل نخله زما سره جفا کری
 ستا جفا واره وفاده جفا نه ده
 هغه تیر شوچه می مینه په غلا غلا کری
 اوس په دروست جهان رسواده په غلا نه ده
 معشوقه که دخپل سر په بها مومی
 ما (رحمان) وته ور یاده بهانه ده

مگر زړه

مگریز ز پیش خصم و مر دانه بایست
 باشی تو اگر یکی و دشمن صد و بیست
 این نکته بدان که مرگ بهتر ز فرار
 در دهر بنام نیک می باید زیست



د نرگس
 مرگ

د نرگس په مرگ دباغ په گلونو ماتم گد
 شو او د وبالی نه نی دهیلی په ترخ کنبی وغوښتل
 چی غو غا غکی او به دوی ته هم دژړا دپاره
 ورکړی .

ویالی اسویلی ویوست: «د نرگس سره می دومره
 مینه وه که چیری تولی اوبه می روښکی شی او
 هغه هم د نرگس په مرگ ویندم بیا هم لیری
 دی .»

گلانو ورته وویل چی رښتیا وای ، خنکه
 کیدای شی چه نرگس به په دومره ښکلا سره
 خوک گران او خوښ و نلری .

ویالی پوښتنه وکړه
 مگر نرگس ښکلی ؤ ؟
 گلانو ورته وویل :

غه وخت چی نرگس کړوپ شوی ؤ نو خپله
 ښکلا او ښایست ننداره به نی ستا په رنواو
 یو کښی لیده ، نو یوازی باید تله هر چا په
 دی ښه و پوهیږی چه نرگس ښکلی ؤ .
 ویالی بیا زیاته کړه :

نرگس را باندي محکه گران ؤ چی به دی
 را کړوپ شو او ماته به نی کتل نو په دی تو گه
 به می و کولای شو چی خپله ښکلا دهغه په سترگو
 کښی ووینم .

د نورو افکارو غځنه :

ادب او محبت

پام نی نه ؤ ، ددی په لحای چی په ډیر ادب
 راته (تاسو) ووائی . په ډیره مینه نی راته
 وویل : (ته)

په دغه وخت کی دخوشحالی او خوشبختی
 خیال زما مضطرب او پریشانه روح ونمانه
 او عاشقا نه مچدی نخی واخستله زه اوس دهغی
 په مخ کی ولاړیم او یوه شیبه سترگی نسیم نخی
 اړولی په خوله وایم ای ښکلی پیغلی (تاسو)
 خومره په ادب یاست .

مگر په زړه کی وایم ، ته په ما باندي
 خومره گرانه نی . (پوشکین)

اگر غالب شدیم ؟ !!

هیئت وزیران جمهوری کوچک «اوتانا» جلسه تشکیل داده و درباره وضع خراب اقتصاد کشور خود بحث میکردند. یکی از وزیران از جا برخاست و گفت:

امریکا پس از جنگ دوم به تمام کشور هائی که مغلوب گردیده اند مانند آلمان، ایتالیا، جاپان و فرانسه کمکهای زیادی کرده..

بنظر من خوب است ما هم با اعلان جنگ بدهیم بعد از جنگ حتماً وضع ما خوب خواهد شد.

در این موقع یکی از وزیران حرف او را قطع کرده و با ناراحتی شدید گفت:

- من به این موضوع مخالفم.

- چرا؟ حتماً دلیلی دارد.

- بله... اگر ما در جنگ غالب شدیم آنوقت چطور کنیم؟

اراده ما

تمام افراد انسان دارای غرایز خوب و بد هستند که همه را از اجداد و نیاکان خویش وارث برده اند اگر غرایز بد را تقویت کنیم زندگی ما رو به بدی خواهد رفت، اما اراده ما که از یک هوش و نبوغ سرشار چشمه میگیرد در همه جا و در همه وقت ما را راهنمایی میکند و به چهار راهی برمیخورد که نمیدانیم کدام راه را انتخاب کنیم. بظرف چپ یا راست، شمال یا جنوب؟

همین مسئله یکی از قسمتهای مرموز سرنوشت ماست و این اسرار وقتی برفع ما حل میشود که در انتخاب و روش از هوش و عقل خویش استمداد جوئیم.

«موریس مترلنگ»

مینه د ادبیات و له نظره

مینه لکه اور غوندى ده او که نه وی نو کورسور او تیاره وی او که بی غایه ولویری نورکور، بلخی او ژوند به توله وسوزوی. (محمد حجازی)

دانسان سرنوشت فقط مینه تعیین کولی شی، (مسیون)

هغه مینه به له تولو غخه خوړه وی چه په واده سره پایي و موسی. (ویکتور هوگو)

هغه مینه چه دناز کوستر گو په رنو او بنکو پر یمنخل شی نوله تولو غخه به نا که او پکی وی. (ویلیام شکسپیر)

خوک چه مینه ته په یو حد سره قایل کیوی هغه د مینه په معنی ندی پوهیدلی (پوشکین)

جوانی بر سر کوچ است

جوانی بر سر کوچ است دریاب این جوانی را که شهری بازکی بیند غریب کاروانی را خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده که اندر خاک میجویند ایام جوانی را به هرزه میدهی بر باد عمر نازنین کزوی بحاصل میتوان کردن حیات جاودانی را بجان نخریده بی جانرا از ان قدرش نمیدانی که هند و قدر نشناسد متاع را یگانی را اگر تو شادمان باشی چه معزولی رسد غم را وگر خود را کشتی از غم چه نقصان شادمانی را نظامی گردلی داری نوای عاشقی برکش سماع ارغونوی را شراب ارغوانی را (حکیم نظامی)

بخت و طالع

گفته اند هیچکس نیست که در سراسر زندگی يك بار بخت بدیدار او نشتابد، ولی چون او را در خانه خود نیابد از در داخل می شود و از پنجره پرواز می کند. (مونتسکیو)

«بخت در هر خانه را يك بار در زندگی صاحب آن خانه می کوبد» ولی در بسیار موارد هست که هنگام کوبیده شدن در، صاحب خانه در خانه همسایه است و بانك کوبیدن در را نمی شنود. (مارک تواین)

هر کس سازنده بخت خویش است. (تتلر)

ما برستی نمیدانیم که بخت نيك کدام است و بخت بد کدام. (ژان ژاک روسو)

بخت بد هرگز مردی را لگد کوب نمی کند که بخت نيك نتوانسته است او را بفریبید. (بن جانسون)

اوضاع و احوال مساعد بانيك بختی حیات ما، عموماً معلوم میشود که در آخر کار محصول عمل خود ما است. (گولدسمیت)

بخت بلند فضایل و رذایل ما هر دو را بصورت چیزهائی در میآورد که در روشنائی قرار گرفته اند و همگان میتوانند آنها را ببینند. (لاروشفو کولد)

بخت، برای آنکه قدرت خود را بما بنمایاند، چون می بیند که نمی تواند ابلهان را فرزانه کند آنان را دولت مند میسازد. (مونتینی)

برای تحمل طالع نيك و طالع بد فضائل بزرگ لازم است. (لاروشفو کوک)

هیچ چیز پیشتر از دولت معتدل دوام نمی کند و هیچ چیز زودتر از دولت گسترده از میان نمیرود، فقر بشر و تمدن بزرگ و ناگهانی پشت پا می زند. (لارویر)

په بخانې ادينه او د عمل ثبات

آقا محمد « بيغرض »

د ژوند شرایط دا ایجا بوی چه ټول کارونه او حرکتونو ته په یو خاص نظر وکتل شی او ددی اهمیت په بنادا ضرورت مینځ ته راځی چه هر کارولو کچنی وی یا لوی باید په ټینگه اساساتو ولاړوی او په سطحی نظر ورته ونه کتل شی . ټینگ عزم او سنجیدلی اراده، مشوره او پاخه افکار د هر عمل له لومړیو شرایطو څخه گڼل کیږی . د نړی نامتو شخصیتونه هیڅکله اتکائی ژوندئی نه دی غوره کړی بلکه دهغه عزم او ثبات له مخی چه هر کله ددوی آرزو او امید تشکیلاوه و کولای شول هم معنوی او هم مادی گټی او افتخارات تر لاسه کړی .

د کارونو عدم ښه انسجام یوهم دوخت بېخایه ضایع کول دی- داشپی او ورځی پخپل طبیعی سیر بوخت دی او که څوک د کوم کار مصدر گرځی او بخان مکلف بولی چه ددی طبیعی سیر په جریان کی لکه یوغیر ذیروح شی واقع نشی دی حتماً دهری ثانی، دقیق، ورځی او شپی څخه حدا کثر گټه اخلی او دوخت د بېخایه تیر و څخه مخنیوی کوی او

دایوخر گند حقیقت دی چه هر څومره په یوه ټولنه کښی فعال او زحمت کښ غړی مخ په زیاتیدوشی په هغه انداز اتکائی او بیکاره عناصر مخ په کمیدوشی او د لسو کلو کارونه دیوه کال په ظرفیت ترسره کیږی چه دایو مثال و مگر حقیقت هم غوره کولای شی. د فعالو غړو او د ثبات د خاوندانو په ډیر شت سره نور ډیر کرغږن او ناخواله کارونه له مینځه ځی مثلاً: دروغ ویل، چل او ساخته کاری او تظاهر او ورپسی ورپسی ناوړه استفادی او داسی نور. ځکه د کار او زحمت له لیاری هغه دویار ډک ژوند میسر کیږی چه ټول اړخونه ئی پاک او مطهروی او بیاری ته ځای نه پاتی کیږی چه سړی دروغ ووائی او د ساخته کاری او تزویر له لیاری د نورو په گټه وچلمیری او د نورو د ژوند په سیوری شپی او سباتیری کړی .

په بخان ډاډه او د عمل ثبات سبب کیږی چه سړی بی له کوم تردد او اگر مگر له آفت څخه خپل وظایف په ډیر جرأت مخکښی بوزی او بخان آموخته کړی چه ژوند د کار په سیوری - ژوند د سیرانی او غیرت په سیوری ژوند د نورو ته د خدمت په سیوری او ژوند وطن ته د ښه نوم گټلو په سیوری ډیر دا افتخار وړ ژوند بلل کیږی او هغه کسان چه ماسواددی ژوند کول غواړی ژوندی نه دی بلکه د مړیو په قطار حسابیږی .

په بخان ډاډه او د عمل ثبات هله میسر کیږی چه انسان هر کار ته په سطحی نظر و نه گوری بلکه هر کار او مشغولوی باید په ټولو شرایطو سره ئی دانسجام او اکمال سرحد ته ورسول شی او په نیمائی لارئی پری نښودل شی یعنی د کار او مسلک نیمگړتیا ډیر د مذمت وړدی او د بیکاره خلکو نمایندگی کوی ځکه هیڅ کار او مسلک کوم سختی نلری چه عزم، اراده او د عمل ثبات ورسره مل وی .

د عمر فاروق (رض)

له وینا و څخه

- ۱- هر کار او عمل یوه ټینگه لری خود نیک عمل ښی کښه دا ده چه تعجیل پیری و کړی .
- ۲- دیوه شخص لپاره لازم دی چه په خپل کور کښی د یوه طفل په شان وی . یعنی لطف او بی الایشی ولری او کوم وخت چه محتاج الیه واقع شی نوجوادشی او سپما و نکړی .
- ۳- کارونه ډیر دی خو انسان باید داسی کار مخکښی و نیسی چه له باره بی وتلی شی .
- ۴- هغه شخص ډیر نیکبخت دی چه چاته طامع نه دی او د خواهښانو تابع نه وی او خپل غضب د کنترول لاندی راوستی شی .
- ۵- ستی هغه دی چه مملقی نه وی .
- ۶- له رښتیا و پرته په دروغو کښی خیر نشته .
- ۷- درواغجن جا جردی او څوک چه فاجروی هغه هلاک شو .
- ۸- څوک چه د خیر او شر سنجش ونه لری خامخا په شر کښی واقع کیږی .
- ۹- روپی پتی نه پاته کیږی اخر خپل بخان بیکاره کوی .
- ۱۰- بدترین د سامورینو هغه شخص دی چه په لاس لاندی وکړ و ظلم کوی .

اساسات فزیکي ساختمان سلاح ذروی

په نسیب ساختمان چارچ های ذروی و ترمو ذروی. کدام شرایط برای عکس العمل

همسوی لازمی میباشد؟

ترجمه و نگارش لمپی برید من

محمد اکبر انجیر قوای راکت

مگر دراز و توپ های طبیعی بطور مثال در عناصر کرپتون Ba و Kr بطور اعظمی به ترتیب دارای ۸۲،۵۰ نیوترون میباشند که مجموع این عدد به ۱۳۲ نیوترون می رسد. در هسته کرپتون Kr و باریوم Ba که در اثر تقسیم شدن یورانیم U بوجود آمده اند ۱۱ نیوترون اضافه گی موجود است. پارچه های تقسیم شده دارای خواص رادیواکتیوی میباشند. آنها ذرات بیثبات (β) را از خود خارج می نمایند و به همین سبب است که یک قسمت نیوترون ها در هسته ها به پروتون ها تبدیل می شوند. قدرت هسته یورانیم U در خارج ساختن چندین نیوترون در زمان تقسیم شدن آن مربوط به اساسیت که بنام عکس العمل زنجیری هستوی یاد می گردد. مفهوم این عکس العمل زنجیری هستوی را چه قسم شرح داده می توانیم؟

برای فهمیدن موضوع و آسانی کار قبول می کنیم که از پارچه یورانیم U در وقت تقسیم کردن یک هسته آن دو نیوترون آزاد (دومی) بوجود می آید. آنها با دو هسته تصادم کرده و باعث تقسیم شدن شان گردیده و دو نیوترون در می فعال به چهار نیوترون آزاد تبدیل گردیده و آنها هم به نوبه خود سبب تقسیم شدن چهار هسته دیگر می شوند و در ختم این فعالیت فعال هشت نیوترون دومی بوجود می آید البته این

خوانندگان محترم در شماره گذشته تحت عنوان «اساسات فزیکي ساختمان سلاح ذروی» مطالبی چند راجع به ساختمان اتم و هسته آن و عکس العمل که در سلاح ذروی استفاده می گردد مطالعه کرده اید. اینک این موضوع را جهت معلومات شما خوانندگان محترم ادامه میدهم.

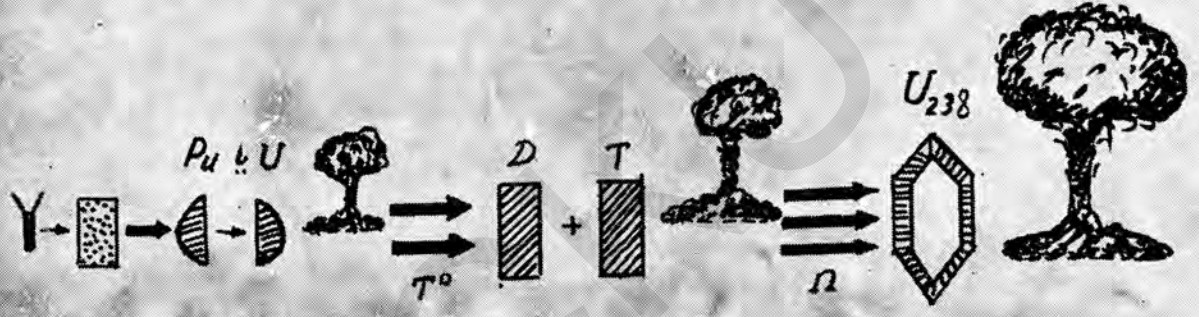
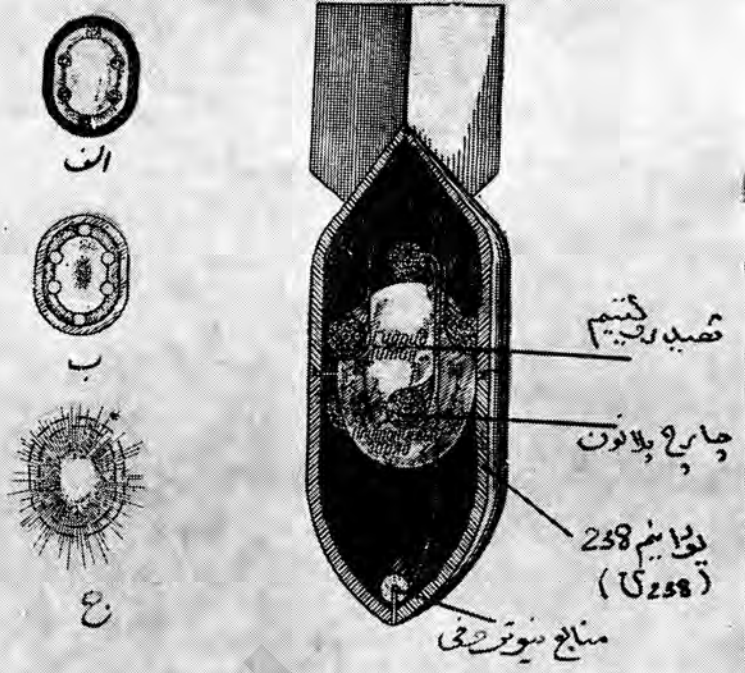
په نسیب ساختمان چارچ ذروی: در صورت بمباران کردن هسته اتم یورانیم U و یا پلوتون Pu بواسطه نیوترون ها، آنها به هسته های عناصر قدری ضعیف تر تقسیمات میشوند. درین اثنا یک مقدار زیاد انرژی هستوی بوجود می آید. نیوترونیکه به هسته یورانیم U می افتد آن را تحریک کرده و درجه ثبات آن را کمتر می سازد. هسته با عموم به دو (بعضی اوقات به سه) هسته عناصر کیمیاوی که در وسط جدول مندلیف قرار دارند جدا می شوند. درین وقت ۲ و یا ۳ نیوترون خارج می شوند. بطور مثال از یورانیم یک جفت هسته های Zr (نمبر اتمی ۴۰) و Te (نمبر اتمی ۵۲) Sr (نمبر اتمی ۳۸) و Xe (نمبر اتمی ۵۴) Kr کرپتون (نمبر اتمی ۳۶) و Ba باریوم (نمبر اتمی ۵۶) و امثال این ها بوجود می آیند و با عموم این هسته ها دارای کتله های مختلف می باشند. هسته های جدید زیر بار زیاد نیوترون ها قرار می گیرند در هسته یورانیم $U235$ ۱۴۳ نیوترون موجود است.

مشه پرفیسی چارج تو موذروی
 که پرتس "تقسیم - ترکیب تقسیم"
 ت خسته شه بهت.

الف: فاز اول: چارج پلوتون Pu پلوتون
 خانه

ب: فاز دوم: عکس العمل تو موذروی پرتیم نام
 عمره یا پروژن H صورت می گیرد.

ج: فاز سوم: ییزوزدهانی سیاه ترکیب تقسیم شدن
 هسته پلوتیم 238 می گردند.



پرواز کرده و يك قسمت دیگر نیوترونها بوسیله هسته یورانیوم گرفته میشوند. نظر به اندازه نیوترون های ضایع شده عکس العمل زنجیری با سرعت های مختلف انجام می پذیرد.

اگر از جمله سه نیوترونیکه در نتیجه تقسیم شدن هسته یورانیوم بوجود می آیند فقط يك نیوترون سبب تقسیم شدن هسته ما بعد گردد پس در اینصورت عکس العمل زنجیری با سرعت ثابت انجام خواهد گرفت. اگر تعداد تقسیمات جدید کمتر و یا زیادتر از يك باشند پس در صورت اول (کمتر از يك) عکس العمل زنجیری سقوط کرده و در صورت دومی با تمام سرعت زیاد شده جریان ادامه پیدا کرده و در زمان انفلاق خاتمه پیدا می کند.

برای سریع ساختن عکس العمل زنجیری لازم است که بطور متوسط زیاد تر از يك نیوترون (از نیوترونهای آزاد شده در اثر تقسیم شدن هسته) سبب تقسیم شدن ما بعد هسته گردد.

عدد وسطی تقسیمات جدید که باعث بوجود آمدن نیوترونهای يك هسته تقسیم شده می شوند بنام ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی یاد می کنند. عکس العمل

موضوع به عین ترتیب ادامه پیدا می کند (برای دانستن این موضوع برسم مراجعه کنید) بدینصورت تعداد هسته های تقسیم شده و تعداد نیوترون های آزاد شده با سرعت بسیار زیادی به شکل سیل اما بدون کدام تاثير خارجی زید می شوند.

این قسم جریان را با عموم به نام جریان زنجیری تقسیم هسته یاد می کنند. ناگفته نماند که تمام این جریانات در ظرف میلیونم حصه يك ثانیه صورت می گیرد. و گفته می توانیم که بطور آنی انرژی آزاد میشود یعنی انفلاق اتومی صورت می گیرد.

در زمان انفلاق مقدار بسیار زیاد انرژی آزاد میشود بطور مثال در تقسیم کردن هسته اتومی يك کیلوگرام یورانیوم 235 (U_{235}) انرژی آزاد میشود که مساوی به انرژی انفلاق دادن 20 هزار تن ترویل میباشد.

شما سوال خواهید کرد که کدام شرایط برای عکس العمل زنجیری هستوی ضروری میباشد؟ تجارب نشان داده است که نه تماماً نیوترون های آزاد شده سبب تقسیم شدن هسته ما بعد می گردند. يك قسمت آنها ($Neutron$) از سرحد پارچه یورانیوم U

زنجیری هستوی که دارای خواص انفلاقی باشد فقط در صورتی ممکن می‌باشد که ضریب پیشرفت عکس العمل زیاد تر از یک باشد. هر قدر که این ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی نسبت به یک زیاد باشد بهمان اندازه عکس العمل هستوی در چارچ سریع تر صورت می‌گیرد.

طوری‌که بشما واضح است یورانیم طبیعی U بصورت عمومی از دو ایزوتوپ (*Isotopos*) یورانیم $U235$ (صفر اعشاریه هفت فیصد) و یورانیم $U238$ (۹۹/۳ فیصد) تشکیل گردیده است.

هسته یورانیم 235 به نیوترونهایی تقسیم می‌شوند که دارای انرژی مختلف (زیاد و کم) می‌باشند. مگر هسته اتوم یورانیم 238 فقط به نیوترونهایی جدا می‌شوند که انرژی آنها نسبت به اندازه حدی قدری زیادتر می‌باشند انرژی این نیوترونها مساوی به یک اعشاریه یک میگا الکترون ولت ($1,1MeV$) است. اگر انرژی نیوترون کمتر از $1/1$ میگا الکترون ولت باشد آن بواسطه هسته یورانیم 238 گرفته شده و باعث تقسیم شدن آن نمی‌گردد. ازین گفتار باین نتیجه می‌رسیم که از ایزوتوپ یورانیم 238 که بمقدار وافر در طبیعت موجود است در سلاح‌ها برای تفسیمات عکس العمل زنجیری هستوی استفاده کرده نمی‌توانیم. برای این مقصد فقط یورانیم 235 و هم چنان یورانیم 233 که از طریق مصنوعی بدست می‌آید و پلوتون Pu مناسب می‌باشند.

یورانیم 233 از Th و پلوتون Pu از یورانیم 238 بوسیله اشعه دادن نیوترونهای آنها در ریاکتورهای ذروی بدست می‌آورند. اینک شما این سوال را خواهید کرد که مقدار ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی به چه مربوط است؟

مقدار ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی به یک عدده فکتورها مربوط می‌باشد. که مهمترین آنها عبارت از تیپ و مقدار ماده تقسیم شونده، شکل چارچ ماده قشری که این چارچ در آن محبوس می‌باشد و هم چنان موجودیت غش در ماده چارچی می‌باشند.

کمترین مقدار ماده تقسیم شونده که امکان خود بخود نگهداشتن عکس العمل زنجیری هستوی را مهیا می‌سازد بنام کتله بحرانی یاد می‌شود.

در صورتیکه کتله زیاد شد عکس العمل خواص انفلاقی را بخود می‌گیرد. کتله بحرانی وقتی دارای کوچکترین مقدار می‌باشد که پارچه ماده تقسیم شونده شکل گروهی را دارا باشد. حسابات نشان داده است که برای یورانیم 235 درین شرایط کتله بحرانی به چندین دهه‌ها کیلوگرام و برای پلوتون Pu و یورانیم 233 نظر به معلومات مطبوعات خارجی به $6/5$ کیلوگرام می‌رسد.

تاثير بسیار مهمی را در بالای ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی، تعداد کتله بحرانی قشر مخصوص (منعکس دهنده نیوترونها) اطراف چارچ ماده تقسیم شونده وارد می‌نماید. این قشر نیوترونها یکبار از ماده تقسیم شونده در ساحه عکس العمل هستوی پرواز میکنند واپس رجعت میدهد منعکس دهنده در ساحه عکس العمل ذروی یک قسمت نیوترونها را که از ماده تقسیم شونده پرواز می‌کند منعکس ساخته و در نتیجه ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی را زیاد ساخته. تعداد کتله بحرانی ماده تقسیم شونده را کم می‌سازد. موجودیت غش در ماده تقسیم شونده همچنان در اندازه ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی تاثير وارد می‌نماید. با زیاد شدن غش ضریب پیشرفت عکس العمل زنجیری هستوی کم گردیده و اندازه کتله بحرانی زیاد می‌گردد.

اگر مواد مخلوط دیگر (غش) بسیار زیاد باشد، آنها یک اندازه زیاد نیوترونهای آزاد شده را که در اثر تقسیم هسته‌های ثقیل بوجود می‌آیند جذب کرده و عکس العمل هستوی انفلاقی را غیر ممکن می‌سازد.

ناگفته نماند که مقدار کتله بحرانی همچنان مربوط به کثافت ماده تقسیم شونده می‌باشد.

عکس العمل زنجیری همچنان بواسطه اشیاء تقسیم شونده نیز بطی می‌شوند، بسیاری ازین مواد دارای خواص جذب کردن نیوترونها می‌باشند. در هر مهمات ذروی بصورت حتمی یک اندازه ماده تقسیم شونده محومی شود (در عکس العمل زنجیری حصه نمی‌گیرند) و از اینجا باین نتیجه می‌رسیم که مهمات و اسلحه ذروی که دارای کالیبر کوچک می‌باشند نسبت به اسلحه ذروی که دارای کالیبر بزرگ می‌باشند غیر اقتصادی تر است. به همین سبب که مقدار ماده تقسیم شونده برای مهمات ساختن انفلاق ذروی نسبت به کتله بحرانی باید زیادتر باشد. برای اینکه درجه استفاده از ماده تقسیم شونده را عالی‌تر ساخته بتوانیم لازم است که از نسبت کتله بحرانی و کثافت آن استفاده کرد. این راه شرطی بدست آورده می‌توانیم که در ابتداء مرحله عکس العمل تقسیمات هسته از ضیق ساختن شدید استفاده کنیم.

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که در صورت انفلاق دادن قشر مداری از ماده منفلقه عادی که در داخل آن چارچ هستوی جا بجای شده است فشاری با اندازه 10 بپاقت شش اتموسفیر بوجود می‌آید و کثافت یورانیم تقریباً 4 مرتبه زیادتر میشود و گفته شده است که فقط به همین صورت می‌توان تعداد ماده که در تقسیم شدن عکس العمل زنجیری حصه می‌گیرند تا 20 فیصد و یا زیادتر در مقابل 2 الی 5 فیصد زیاد ساخت.

مقدار کتله بحرانی برای ماده چارچ شده همچنان به قدرت تقسیم شدن نیوترونهاییکه دارای انرژی مختلف میباشد مربوط میباشد. ذکر گردیده است که در یورانیوم ^{233}Pu و ^{235}Pu این اندازه نسبت به یورانیوم ^{235}Pu قدری زیادتر میباشد بدین لحاظ کتله بحرانی چارچ شده یورانیوم ^{233}Pu و پلوتون ^{239}Pu نسبت به یورانیوم ^{235}Pu کمتر میباشد. انفلاق اتومی از طریق آوردن چارچ از حالت غیر بحرانی بحالت بحرانی و بطور دقیق تراگر بگوئیم بحالت فوق بحرانی عملی می گردد.

یکی از واریانت های شمه ساختمانی چارچ اتومی را می توان طبق نمونه ذیل قبول کرد: تا زمان انفلاق کردن چارچ می تواند به دو یا زیادتر حصه ها جدا باشد. مقدار هر یکی از حصه نسبت به مقدار بحرانی کمتر است بدین لحاظ انفلاق کردن قبل از وقت هر یکی از این قسمت را بطور جداگانه رد می نمائیم. برای اینکه انفلاق را عملی بسازیم تمام قسمت های چارچ را به یک چارچ مکمل وصل می نمائیم نزدیک شدن حصه ها پاید به بسیار زودی صورت بگیرد تا اینکه بواسطه انرژی جدا شده در ابتداء عکس العمل هستوی قسمت های که بسیار حساس می باشند متفلق نشوند در زمان نزدیک کردن کتله چارچ هستوی عکس العمل انجینیری در زمان تصادم کردن آنها شروع نم گردد

بلکه وقتیکه آنها به مسافات زیادتر دارند شروع می شود در صورت نزدیک ساختن بطی کتله به نسبت گرم شدن شان آنها خراب گردیده و به هر طرف پراکنده می شوند بدین لحاظ زمان نزدیک شدن را بواسطه دادن سرعت زیاد به کتله های وصل شونده بسیار کم می سازند.

برای اینکه درجه استفاده را از مواد تقسیم شونده در انفلاق اتومی زیاد بسازیم اطراف آن را بواسطه منعکس دهنده های نیوترونی احاطه کرده و آن را در قشریکه از ماده که دارای کثافت زیاد باشد جا بجا می کنیم شمه پرنسپیی ساختمان چارچ ذروی در رسم نشان داده شده است. درین جا چارچ یورانیوم و یا ^{235}Pu بچندین حصه جدا گردیده است. در صورت انفلاق دادن ماده منفلقه عادی تمام حصه ها بمرکز تقرب کرده و چارچی را با کتله فوق بحرانی که با انعکاس دهنده احاطه شده است تشکیل میدهند. هم چنان ملتود های دیگر بوجود آوردن کتله بحرانی از طریق ضیق ساختن مدارای خفیف یورانیوم نیز موجود است.

برای تاثیر بدون وقفه چارچ اتومی و سریع ساختن عکس العمل زنجیری هستوی و زیاد ساختن ضریب استفاده از مواد سوخت ذروی در بمب ها بالعموم منبع مصنوعی نیوترونها را استعمال می نمایند. منابع نیوترونها در

زمان وصل شدن ذرات فعال گردیده و با شدت زیاد آنها را تحت شعاع خویش قرار میدهند.

انرژی انفلاق چارچ ذروی می تواند مختلف باشد نظر به مطبوعات خارجی معادل ترویتل آنها در حدود از ده ها تن تا ۵۰۰ هزار تن می رسد طوریکه ذکر گردیده است حد اصغری بواسطه ضریب استفاده از مواد تقسیم شونده تعیین می گردد.

در چارچ هائیکه دارای ترویتل معادل کم میباشد اندازه آن نیز کم است. حداظمی مربوط به آنست که بطور لایتنماهی نمی توانیم وزن قسمت های جداگانه چارچ را زیاد بسازیم به نسبت اینکه کتله آنها باید از اندازه بحرانی کمتر باشد.



شمه پرنسپیی ساختمان بمب اتمی
 ۱: یورانیوم (^{235}U) و پلوتون (^{239}Pu)
 ۲: مواد منفلقه عادی
 ۳: انعکاس دهنده نیوترونها

اگر بطریق زیاد ساختن مقدار قسمت های چارچ ذروی برویم. درینصورت مشکلات زیادی در وصل کردن قسمت های جداگانه به یک قسمت مکمل بوجود می آید.

پرنسیب ساختمان چارچ های ترموزروی! سلاح ذروی که دارای کالیبر کلاتر می باشند از طریق عکس العمل ترموزروی ساخته میشود به اساس این سلاح تشکیل کردن هسته اتوم هیلیم (He) از هسته از وتوپ های هایدروجن (H) قرار گرفته است.

در زمان موجوده سنتیز (ترکیب) ($Synthesis$) عکس العمل های ممکنه مشهور است. نظر به معلومات مطبوعات خارجی انتخاب هر یکی از میتود های موجوده درجه حرارت لازمه را برای اجرای عکس العمل ادامه جریان خروج انرژی تکیکی و حالت اگر یکات های چارچی قبل از عکس العمل و فکتورهای دیگر را مد نظر می گیرند.

نظر به عقیده متخصصین نظامی خارجی در چارچ های ترموزروی برای سنتیز هسته هیلیم He بهتر خواهد بود که از هسته ثقیل هاییدروجن (دی تری) و هسته فوق ثقیل هاییدروجن (تری تی T) استفاده شود عکس العمل در ترکیب دی تری همراه تری تی (T) در عین درجه حرارت و کثافت بصورت بسیار سریع انجام می پذیرد. درین صورت تقریباً پنج مرتبه زیاده تر انرژی نسبت به عکس العمل که تنها در یک دی تری بوجود می آید جدا می شود. غیر از این ها در ترکیب دی تری (D) و تری تی (T) نیوترون های آزاد که دارای انرژی عالی می باشند جدا می شوند. البته ازین نیوترون برای زیاد ساختن قوه انفلاقیه چارچ ترموزروی استفاده کرده می توانیم.

شرایط اساسی را برای تشکیل و بوجود آوردن هسته هیلیم He از هسته های دی تری (D) و تری تی (T) را ذیلاً مطالعه می کنیم:

اگر هسته دی تری D و تری تی بمسافه که مساوی با اندازه هسته اتومهای خود آن باشند نزدیک بسازیم فوراً آنها در ساحه عمل قوه های هستوی قوی افتیده و ذرات را در یک سیستم ثابت (هسته اتوم هیلیم) وصل می سازد.

انرژی هستوی که درین زمان آزاد می شود به شکل انرژی کینتیکی که از هسته هیلیم و نیوترونها بوجود می آیند جدا می شوند.

برای نزدیک ساختن هسته مصرف کردن انرژی زیاد لازمی است تا اینکه بتوانند قوه الکتریکی رفع کننده مدارهای الکترونیکی را دور کرده و بعد از آن قوت زیاد در قوه الکتروستاتیکی دفع کننده خود هسته ها را دور کرد. با وجود آنهم بمجردیکه هسته اتومها با همدیگر نزدیک می شوند قوه هستوی کار زیاد را

انجام میدهد. وقتیکه عکس العمل در هسته های ماده ها وصل کننده دی تری و تری تی شروع شد بعد از آن شاید آنها ثابت بمانند و یا اینکه بواسطه انرژی اضافی که از اثر ترکیب و تحلیل هسته های بعدی آزاد می شوند می توان آن را سریع ساخت. در صورتیکه سرعت تبدیل شدن هسته این قسم عکس العمل زیاد گردد مثل اینکه این موضوع در تقسیم کردن هسته های ثقیل صورت می گیرد خواص منفلقه را بخود می گیرد.

حالا شما سوال خواهی کرد که انرژی برای دور کردن قوه الکتروستاتیکی را از کجا اخذ کرده میتوانیم؟ این قوه را از طریق بسیار زیاد گرم کردن از وتوپ های هاییدروجن تا ده میلیون درجه سانتی گراد بدست آورده می توانیم. درین قسم گرم کردن اتومهای آنها مدار الکترونیکی خویش را در اولین تصادم با دیگر اتومها از دست میدهند.

سرعت حرکت حرارتی ذرات با اندازه می رسد که هسته هاییدروجن می تواند نزدیک شود و با همدیگر وصل شوند. عکس العمل ذروی از گرم کردن بسیار زیاد مواد بنام ترموزروی یاد می شود. آنها در صورت درجه حرارت و فشار بسیار عالی صورت می گیرند.

سرعت عکس العمل ترموزری با درجه حرارت بسیار حساس میباشد بطور مثال: عکس العمل ترکیب شدن تری تی همراه دی تری (D) نظر به مقایسه با تمام عکس العمل های دیگر ترموزروی یک سرعت بسیار زیادی را حتی وقتیکه درجه حرارت به یک میلیون درجه سانتی گراد برسد حاصل می نماید.

با وجود آنهم اگر درجه حرارت را از یک تا دو میلیون درجه سانتی گراد زیاد بسازیم، پس درین زمان سرعت عکس العمل چندین هزار مرتبه زیاد میشود.

اگر درجه حرارت به ۲ میلیون درجه سانتی گراد برسد. سرعت جدا شدن انرژی تقریباً در حدود ۱۰ بپاقت ۱۰ کالوری فی ثانیه (Kar/sec) در یک گرم اجزای ترکیبی می رسد. هسته هاییدروجن دارای کمترین چارچ ها می باشد در حالیکه بعضی عناصر دیگر دارای چارچ زیاد میباشد و هر قدر که چارچ بزرگتر باشد به همان اندازه برای برطرف کردن قوه الکتروستاتیکی دفع کننده انرژی زیادتری لازمی است. برای بوجود آوردن هسته ها از دیگر عناصر خفیف هنوز درجه حرارت و فشار بسیار عالی ضروریست.

پس به همین علت ها است که هاییدروجن (H) مناسب ترین ماده برای عکس العمل ترموزروی میباشد.

برای جریان پیدا کردن عکس العمل ترموزروی از وتوپ های ($Isostopos$) هاییدروجن تا درجه حرارت چندین میلیون درجه سانتی گراد باید گرم شود. این قسم درجه حرارت عالی در اثر انفلاق چارچ پورانیم (U)

ویا پلاتون (Pu) بوجود می آید. بدین لحاظ چارچ اتوم عادی (انفجراتومی) (دیتوناتور) ($Detonateur$) یک قسمت چارچ ترمودرووی را تشکیل داده و بیحیث منابع درجه حرارت بسیار عالی خدمت میکنند برای یک قسمت چارچ ترمودرووی از دی ترید لیتیم استفاده میشود. دی ترید لیتیم - یک ماده خفیف جامد میباشد. بعضی قسمت های دیگر ترمودرووی را هم چنان ترکیباتی از هایدروجن های فوق ثقیل (تری تی) همراه لیتیم (Li) تشکیل داده می توانند.

ترکیب شدن (تعامل کردن) ازوتوپ های هایدروجن همراه لیتیم (Li) بنام هیدرید لیتیم یاد میشود. طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است لیتیم که در تشکیل چارچ داخل است نظر به تاثیر نیوترونها که در نتیجه انفلاق دیتوناتور اتومی آزاد می شوند یک قسمت آنها به تری تی (T) مبدل گردیده و در عکس العمل بادی تری حصه می گیرند. هم چنان ذکر شده است که برای ابداء عکس العمل ترمودرووی مخلوط چارچ ترمودرووی خودش یک مقدار کم تری تی را در خود نگه میدارد. بعد از شروع عکس العمل، سنتیز نیوترونهای که برای بدست آوردن (T) از لیتیم (Li) لازمی است در اثر اتصال هسته های دی تری و تری تی (T) به هسته هیلیم (He) بوجود می آیند.

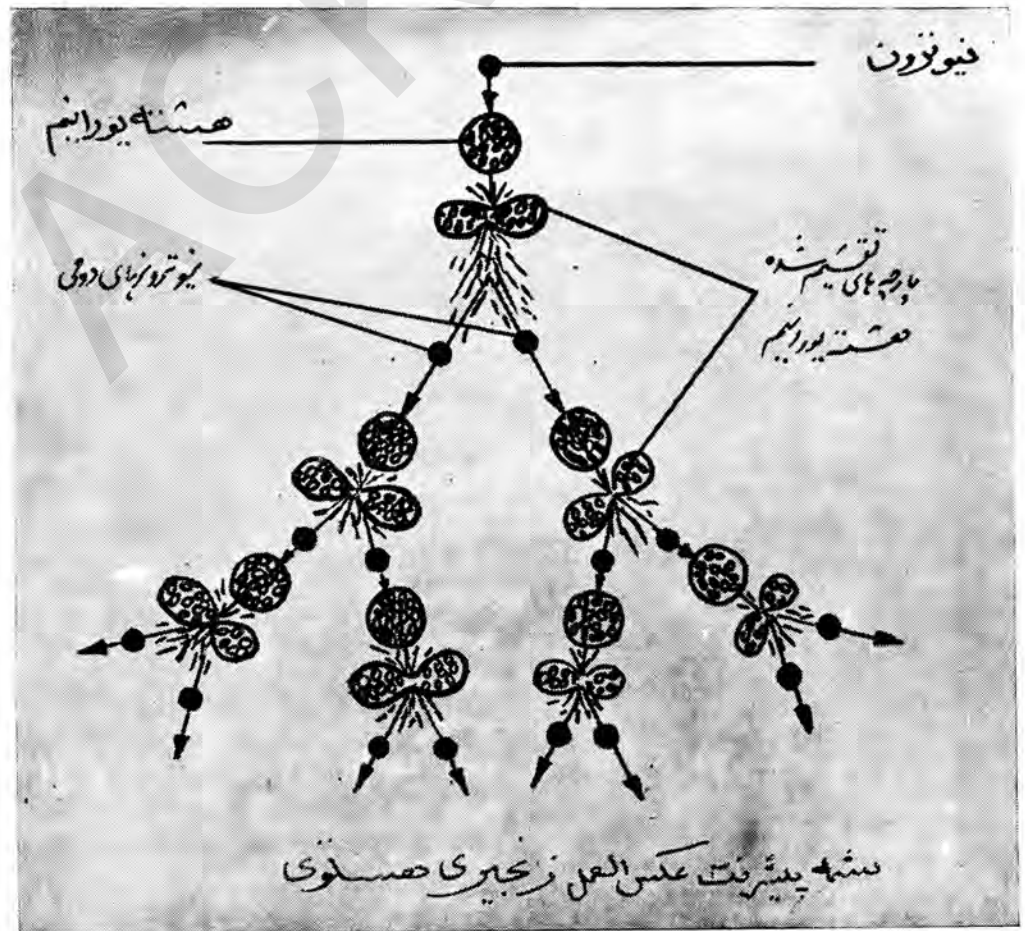
وقتیکه عکس العمل ترمودرووی شروع گردید می توان آن را بکمک حرارتی که در خود عکس العمل جدامی شوند آن را نگه داشت و یا اینکه سریع تر ساخت.

در تشکیل کردن هسته هیلیم He از هسته های D و T نیوترون به بسیار سرعت آزاد میشوند. بدین لحاظ از ساحه عکس العمل ترمودرووی یک مقدار زیاد نیوترونهای سریع با انرژی تقریباً 14Mev خارج انداخته میشوند. نظر به معلومات مطبوعات خارجی از این نیوترونهای می توان برای زیاد ساختن قدرت انفلاقیه استفاده کرد. به شرطیکه در تشکیل چارچ ترمودرووی یک قشری را از یورانیم طبیعی (یورانیم - ۲۳۸) داخل کرد.

شمه ممکنه این قسم چارچ در شکل نشان داده شده است. چارچ در شمه دارای اساس ذیل است: تقسیم کردن ترکیب کردن تقسیم کردن. (یعنی دارای سه فاز است) این نوع چارچ را در مطبوعات و ادبیات خارجی بنام سه فازه یا دمی کنند.

درین چارچ سه فازی در ابتدا دیتوناتور اتومی انفلاق می کند (عکس العمل تقسیمی) بعد از آن عکس العمل ترمودرووی در هیدرید لیتیم با جدا شدن مقدار زیاد نیوترونهای سریع شروع می گردد (عکس العمل ترکیبی). این نیوترونها باعث پارچه و تجزیه شدن هسته های یورانیم طبیعی ($U238$) که بیحیث مدار ساخته شده است می گردند (عکس العمل تقسیمی)

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که ۹۰ فیصد انرژی در زمان انفلاق شاید از پارچه شدن یورانیم طبیعی بدست بیاید. فوقیت دیگر این شمه هم چنان مربوط به ارزان قیمت بودن یورانیم ۲۳۸ نسبت به دی تری و تری تی میباشد. ازین یورانیم طبیعی برای ساختن مدار استفاده می نمایند. این مدار ساخته اجازه میدهد که قدرت سلاح حرابی را از چندین ده هزار تن تا چندین میلیون تن زیاد



ساخت . گفته شده است که ارتفاع و قطر چارچ با اندازه یک متر بوده و ضخامت قشر (مدار) یورانیم تا ۵ سانتی متر باشد وزن یورانیم تقریباً به ۳ تن می رسد . اگر در انفلاق این قسم چارچ فقط ۱۵ فیصد یورانیم ۲۳۸ که تقریباً مساوی به ۵۰۰ کیلو گرام میشود حصه بگیرد ، پس ترویتیل معادل آن به ۱۰ ملیون تن خواهد رسید .

برای بدست آوردن انرژی معادل به انفلاق ۲۰ ملیون تن ترویتیل تجزیه کردن ۱۰۰۰ کیلو گرام یورانیم ۲۳۸ لازمی خواهد بود .

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که برای ساختن مقدار ضروری نیوترونها با انرژی بزرگ ۲۰ کیلو گرام مخلوط لیتیری لیتیم ($3Li^6H^2$) لازمی است در زمان انفلاق آن انرژی معادل به انفلاق ۲ ملیون تن ترویتیل آزاد می گردد گفته شده است که استعمال مدار یورانیمی اجازه داده است که چارچ های ترموز روی ساخته شود که با ترویتیل معادل ۲۰ الی ۵۰ ملیون تن برسد .

دراثر آزمایش این نوع چارچ های ترموزروی یک مقدار زیاد مواد رادیواکتیوی اتموسفیر را مسموم کرده و می تواند به یک مسافه بسیار دوری از محل انفلاق زمین بیفتد این موضوع از جمله خطرناکترین پرابلم برای انسانها در عصر موجوده و آینده خواهد بود .

برای اینکه مسمومیت رادیواکتیوی را در زمان انفلاق ترموزروی زیاد ساخته بتواند متخصصین نظمی خارجی پیشنهاد می کنند که در شرایط جداگانه مدار چارچ ترموزروی را از ماده بسازند که در تحت تاثیر نیوترونها به رادیواکتیف مبدل شوند . این مواد قادر خواهند بود

تامتد بسیار زیادی هوا و تمام مناطقی و محلاتیکه در آن انفلاق رخ داد . و راه های حرکت مواد رادیواکتیوی را مسموم سازند . جمعیت های صلح دوست جهان از آینده و سرگذشت نسل های بعد به نسبت مسموم بودن اتموسفیر از مواد رادیواکتیوی ناآرام میباشند .

برای اینکه دقت جمعیت های صلح دوست جهان را به مناسبت منع ساختن سلاح ذروی و قطع مکمل آزمایش های آن منحرف بسازند حکومت اضلاع متحده امریکا مفکوره ساختن بمب های ایدروجنی « پاک » را در میان گذاشت روزنامه امریکائی « واشنگتن پست » اندتا میز هیوالد » شرح داده است که چارچ « پاک » عبارت از چارچ بیست که با وجود آنکه قوه مخربه آن کم نمی گردد میتواند با بعضی شرایطی انفلاق کند که $190Sr$ (که در انفلاق بمب های ایدروجنی عادی اتموسفیر زمین را مسموم می سازد) انتشار نخواهد داد .

بعضی از مبصرین خارجی راجع به این اعلامیه مطبوعات امریکا تبصره کرده و می پرسند : تا چه اندازه مفکوره ساختن چارچ های ایدروژنی پاک با مفهوم مکمل خود حقیقت دارد ؟ جواب در مقابل این سوال فقط یکی است چارچ « پاک » اساساً موجود نخواهد شد به نسبت اینکه انفلاق ذروی بدون ظاهراً کردن نیوترونها ممکن نیست و گرفتن نیوترونها بواسطه هواوزمین (آب) کثافت رادیواکتیوی رامی سازند . کم ساختن خواص رادیواکتیوی مواد منفلقه را تا یک اندازه می توان بواسطه استعمال نکردن مدار یورانیم ۲۳۸ و کم ساختن دیتوناتور اتمومی عملی ساخت . پایان

آخرین غنچه

ازسید شاه (امیری)

از بادشامگان سیلی خورده و هنوز سرخی و کبودی آن سیلی در رخسار وی پدیدار است فردا نسیم سحرگاهی او را سیلی دگر خواهد زد و کبودی چهره او را به زردی بدل خواهد کرد باد خزان سرگرم غارت زیبایی های جهان است .

اوه که کلمه خزان چه لفظ وحشت آور و نومیدی افزایست به یقین همه با آن دشمن اند .

اما . . . برای کسانیکه از زندگی سیر شده و بکمین مرگ نشسته اند این فصل که هنگام تاراج گلستان و روز بازپسین گلپهای رعناست چندان اندوه دربر ندارد .

ولی جوانان چگونه میتوانند با این کلمه افسرده خاطر نشوند ؟

در طبیعت همه چیز زیباست هر چه هست شهکار کوچکیست که هر یک در مقامی و در دیده ای نمایش مخصوصی دارد هیچ يك از مصنوعات طبیعت بهدر نمی رود .

هر چه این استاد زبردست بسازد ستایشگری دارد .

هنگامیکه سیده صبح دمیدن میگیرد دو آسمان بارد گرانجامه زیبای سفید زربفت را در بر میکند خورشید آرام آرام از پشت کوه سر بلند کرده و تارهای زرین خویش را در پیراهن حریر سفید آسمان که اندک اندک کبود رنگ می شد انداخت .

آری اینک آفتاب دیگر از بخشودن گرمی بخیل شده است دیگر پرتوان گیاهان را در آغوش نگرفته و غنچه ها را چون کود کانی که در مهلناز خفته باشند پرستاری نمیکند آن غنچه دیررس که بر شاخسار برهنه هنوز باخشم طبیعت دلیری میکند دوش

کسانیکه گلپهای شاداب و مرغان

سرود سرای را دوست میدارند .

کسانیکه هر وقت گل بر چهره ایشان مینگرد لبخند میزند یا هر گاه بلبلی در مصاحبت ایشانست ناله خود را دلنواز تر می کنند .

کسانیکه هنوز در پله نخستین

سرای زندگی سرگرم دل آرایبی اند چگونه میتوانند بچشم خویش ببینند که گل زرد رنگ گریبان در دیده از ایشان وداع میکند و مرغ سحر گاه نغمه شادی خود را بلحن غم انگیزی بدل کرده است ؟

بلی دیگر از آن گلپهای خونین

کفن بهاری اثری نیست . قلب سکوت و خاموشی را باد خزان درختان را از برگ وزمین را از زیور برهنه میکند ؟ و بجای آن توده ای از خاشاک و برگ های سیلی خورده خزانی دوباره

میریزد .

جهان غرب و شرق میانه

بخواهد که بحریه نمبر ششم خود را در نقطه ای از مدیترانه شرقی جهت تجدید و جلوگیری از يك حرکت نظامی قوای دیگر به مقابل اسرائیل و یا اردن قرار بدهد از جزو تمام های بحری بریتانوی، ایتالائی یا فرانسوی که داخل قوای بحری ناتو در مدیترانه می باشند انتظار همکاری داشته نمی تواند مگر در صورتیکه حکومت کشور های بریتانیه، ایتالیا و فرانسه از اهداف سیاسی عملیات مذکور حمایت نکنند و یا به عبارته دیگر در خصوص اهداف سیاسی عملیات با ایالات متحده امریکا کاملاً موافق نباشند. زیرا قوای بحری کشور های اروپائی شامل پیمان ناتو در مدیترانه به مقصد اجرای مکلفیت هائیکه در پیمان مذکور دارند جایجا شده اند در حالیکه بحریه نمبر ششم ایالات متحده امریکا علاوه بر وظایف اجرای مکلفیت های پیمان ناتو به مقصد تامین دلچسپی های امریکا در آن حوزه قرار داده شده است. روی این اساس باید فکتور های نظامی کشور های غربی را بسوی يك هم آهنگی نزدیکتر پالیسی سوق دهد و یا به عبارته دیگر صرف فکتور های نظامی می تواند در عملیات مشترک قوای بحری ناتو واقع مدیترانه يك هم آهنگی پالیسی را در خصوص اجرای عملیات بین آنها بوجود آورد.

عین ملاحظات در حوزه بحرهند نیز تطبیق میگردد هر چند در آنجا فکتور های ستراتیژیکی فرق میکند مگر سوال اصلی درین مورد باز هم يك سوال توازن قوای باشد که در آن موجودیت يك قوای اصغری کشور های غربی جهت بوجود آوردن يك و زنه مقابل در برابر اتحاد شوروی لازم می باشد. اگر کانال سویز مجدداً باز شود میتوان پیش بینی کرد که موجودیت اتحاد شوروی در آن حوزه توسعه خواهد یافت و این موضوع از نظر کشور های غربی ایجاب میکند که قوای خود را در آن منطقه زیاد تر تقویه نمایند.

درین مورد نیز يك توأمیت و اتحاد قوای کشور های غربی، بشمول استرلیا بهتر از حالتی است که در آن وظایف توازن توسط یکی از قدرت های غربی بدوش گرفته شود. دلچسپی های دول اروپای غربی

در شرایط فعلی این مفکوره که بحریه های ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی هر دو باید از مدیترانه عقب کشیده شوند يك مفکوره خیالی می باشد. آنچه اهمیت دارد اینست که اکتور های دیگری که دارای قوای بحری و يك مسئولیت برای امنیتی که زیاد تر متناسب با دلچسپی های واقعی سیاسی و اقتصادی ایشان در آن حوزه می باشد روی صحنه ظاهر گردند. یعنی علاوه بر قدرت های بزرگ جهان که در شرایط فعلی عقب کشیدن قوای آنها از مدیترانه مشکل دیده می شود چنان قدرت هائی داخل این حوزه گردند که واقعاً امنیت حوزه مدیترانه با خواسته های سیاسی و اقتصادی ایشان تناسب و مطابقت داشته باشد. زیرا مفهوم امنیت آن حوزه از نظر قدرت های بزرگ و تا ثیرات آن با مفهوم امنیت حوزه مذکور از نظر قدرت های منطقه فرق میکند. قدرت های بزرگ با فاصله ای که از حوزه موصوف دارند مستقیماً زیر تاثیر خطرانی واقع نمی گردند که در اثر اختلال امنیت در مدیترانه بوجود می آید مگر قدرت های منطقه در مرحله نخستین از خطرات اختلال امنیت در آنجا متاثر می گردند روی این ملاحظه مفهوم امنیت در مدیترانه در نظر قدرت های منطقه چیزی و در نظر قدرت های بزرگ خارج آن چیز دیگری می باشد. پس آنهائیکه بیشتر از همه به امنیت و آرامش حوزه مذکور نیاز واقعی دارند و این موضوع از خواسته های اساسی سیاسی و اقتصادی آنها می باشد عبارت از کشور های منطقه می باشند یعنی ممالک اروپائی و کشورهای ساحلی مدیترانه.

البته موجودیت قوای اروپائی در مدیترانه ایجاب خواهد کرد که تفا همتی در خصوص مقاصد و پالیسی بین قدرت های اروپائی دارنده قوادر حوزه مذکور و ایالات متحده امریکا بعیان آید. اروپائی ها از نقش و وظایف دوگانه بحریه نمبر ششم امریکا که در بحیره مدیترانه جهت اجرای مکلفیت پیمان ناتو و در عین زمان محافظه دلچسپی های ایالات متحده امریکا در شرق میانه که با پیمان ناتو و یا اروپا ارتباط کم و یا هیچ ندارد قرار داده شده است، مطلع می باشند. بطور مثال اگر ایالات متحده امریکا

در آن حوزه از نظر دلچسپی های نفتی آنها روشن می باشد با وجودیکه این مفکوره منطقی از میان رفته که تنها قدرت نظامی اكمال نفت را از آن منطقه تضمین کرده می تواند. دلچسپی های جاپان نیز در آن حوزه واضح می باشد اگر چه هنوز موقع موجودیت قوای نظامی جاپان در حوزه مذکور نرسیده است. یعنی در حالیکه دول اروپای غربی و جاپان در آن منطقه دلچسپی های اقتصادی و تجارتی دارند بنا بر آن آنها مجبور خواهند بود در محافظه وضع موجوده و حفظ آرامش و امنیت در آنجا دست از تلاش بردارند. این موضوع میتواند بحیث يك عامل آنها را از حیث بوجود آوردن توازن قوا در آن منطقه در جنبه متحدی قرار دهد. مقصد بوجود آمدن چنین توازن مورد نظر از نگاه قوا ایشست که زمینه برای تجارت مسالمت آمیز و انکشاف سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه بدون آنکه تحت فشار نظامی و یا مداخله نظامی از طرف یکی از قدرت های خارجی قرار داده شوند فراهم گردد.

بیک زعم وسیعتر اهمیت و قدامت فکتور سیاسی ناشی از بررسی و مطالعه حقایقی است که نشان میدهد که اتحاد شوروی موقعیت موجوده نظامی خود را در مدیترانه چگونه حاصل داشته است. زیرا شوروی در حالیکه از مدتها پیش آرزومند بکار انداختن قوای بحری خود در بحیره مدیترانه بود در نتیجه بمیان آمدن اوضاع جدید در شرق میانه و نفوذ شوروی در آنجا امکانات و تسهیلاتی را در آن حوزه بدست آورد که زمینه را برای داخل شدن بحریه شوروی در مدیترانه مساعد ساخت. این موضوع در نتیجه فعالیت های سیاسی شوروی جامعه عمل پوشید و ازین رهگذر فکتور سیاسی برای بدست آوردن موقف بهتر نظامی در مدیترانه و یا حوزه بحر هند یک فکتور نخستین می باشد. زیرا طوریکه واضح است اتحاد شوروی موجودیت نظامی خود را در مدیترانه با افزایش کشتی های خود به آن حوزه بدست نیاورد بلکه تاسیس یک نوع همکاری نظامی با بعضی کشورهای آن منطقه که برای قوای شوروی تسهیلات بندری (بحری) و میدان های هوایی را فراهم آورد به اینکار موفق شد روابط اتحاد شوروی با جمهوری عربی مصر که شامل پایگاه های غیر رسمی بحری و یک تعداد میدان های هوایی که کاملاً در اختیار پرسونل شوروی بوده و قابلیت های نظامی آنها را در آن حوزه به اندازه زیادی افزایش داده است، توسط دپلوماسی، کو مکهای نظامی و اقتصادی و بالاخره يك معاهده رسمی بمیان آمده است.

به عین ترتیب در شرق سویز بمقصد بدست آوردن و تامین پایگاه ها و یا عقب کشیدن قدرت نظامی احتمال و امکان استفاده از موقف های سیاسی که ذریعه پالیسی حاصل میشود نسبت به محافظه قوای نظامی در آنجا بیشتر است. روی همین اساس رژیم یمن جنوبی به علتی پایگاه بندری عدن را برای

استفاده شوروی باز میکند که پالیسی اتحاد شوروی بصورت عمومی آن رژیم را در مقابل آنها نیکه برای یمن جنوبی بحیث دشمن تلقی میشوند حمایت کرده است.

معاهده جدید اتحاد شوروی با هند اساس يك همکاری نظامی را که بی شباهت با همکاری های نظامی بین شوروی و جمهوری عربی مصر نمیشد فراهم آورده میتواند. به همین ترتیب سیلون نیز هنگامیکه اسلحه شوروی را به مقصد مقابله با دشمنان داخلی بدست آورد از همکاری نظامی با مسکو استقبال خواهد نمود. علاوه بر آن اتحاد شوروی ممکن است. بوسیله حمایت از بعضی دولت های افریقای شرقی مانند سومالی در منازعات منطقه ای آن به حصول يك پایگاه در آنجا موفق شود. قدرت نظامی کشورهای غرب ازینگونه انکشافات اوضاع در گذشته جلوگیری نکرده اند و در آینده نیز به آسانی مانع آن شده نمیتوانند. مگر بالمقابل قدرت شوروی به آسانی در چنان کشورهای این منطقه اظهار موجودیت کرده نمیتواند که دیپلوماسی غرب در آن ها موفق بوده است و بنا برین بحث بار دیگر به این نقطه میرسد که امنیت دلچسپی های دول مترقی غربی بصورت عمومی صرف مربوط به اندازه قوای آنها است که آنها در همان نقطه دارند و یا برای حرکت به آنجا آماده میباشند. این موضوع بیشتر از همه به روش دولت های منطقه و پالیسی های دول غربی که بر این روشها موثر است مربوط میباشد. پس يك موجودیت اصغری فزیکتی غرب درین حوزه ها لازم است تا نشان دهد که در مورد اوضاع منطقه که دلچسپی های غرب را تهدید میکند دول غربی نه بی قدرت اند و نه بی تفاوت. مگر گذشته از تدابیر نظامی که برای تامین توازن قوا در مقابل قدرت شوروی و جلوگیری از بوجود آمدن بحران های حاد در آن مناطق لازم میباشد، مساعی اصلی باید کاملاً رنگ سیاسی داشته باشد. یعنی اصل فعالیت برای تامین و محافظه دلچسپی های غرب در چوکات فعالیت های سیاسی تنظیم گردد.

دروس واضح و روشن سالهای اخیر عبارت ازینست که اروپای غربی از طریق انکشاف دادن پالیسی های مشترک مربوط بخود در تامین دلچسپی های خود زیادتر موثر شده میتواند و همچنان اروپای غربی از طریق جستجوی یک نقش مستقل و موثرترین راه عملی کوردیناسیون با ایالات متحده امریکا در مواردی که اسامات صحیح برای آن پیدا شده میتواند بطور بهتر مقاصد عمومی را که در آن با ایالات متحده امریکا شریک است حمایت کرده میتواند. یعنی اروپای غربی باید برای تامین دلچسپی هائیکه مخصوصاً به خودش مربوط است باید پالیسی های مشترکی را از خود بسازد بدون آنکه زیر تاثیر پالیسی های قدرت های خارج اروپا قرار گیرد و علاوه بر آن به مقصد تامین دلچسپی هائیکه ایالات متحده امریکا نیز در آن سهم دارد از یکطرف یک نقش مستقل و از جانب دیگر یک راه

کوردینا سیون صحیح‌ترین را با واشنگتن جستجو نماید. تنها درینصورت اروپا غربی میتواند از یکطرف مقاصد اصلی خود را تأمین نماید و از جانب دیگر در راه تا مین آن از قدرت ایالات متحده آمریکا و تا اثر آن برخوردار باشد. پس تا کیمد و فشار پالیسی اروپائی باید بالای اروپا باشد و به این طریق شاید پالیسی‌های فرانسه تا اندازه‌ای تنیدی نشنا لستیکی خود را ترک داده و با پالیسی‌های همکاران اروپائی خود مجدداً در مقام سازش و آشتی برآید.

درین موضوع جامع‌ترین نظریه از طرف ادوارد هیت صدر اعظم انگلستان حین خطاب به سا معین‌المانی قبل از آنکه وی صدر اعظم بریتانیه شود و پیش از آنکه کشورش تصمیم به شامل شدن در اتحادیه اقتصادی اروپا بگیرد بعمل آمده است که ازینقرار است:

«یگانه موضوع مهم‌ترین که تا اثر بزرگی بر افکار عامه وارد میکند عبارت ازین خواهد بود که اروپا در مورد یک پرابلم مهم یک صدا باشد و یک نوع نظریه مشترک را ارائه دهد. در شرق میان ما همه دارای عین دلچسپی‌های ما باشیم ما نمی‌خواهیم که اسرائیل مغلوب شود و در عین زمان همه به روابط حسنه با کشورهای عربی جهت تأمین نفت که برای حیات صنعتی ما اهمیت حیاتی دارد متکی هستیم. ما حاکمیت شوروی را در مدیترانه آرزو نداریم و همچنان مخالف فساد بین‌قدرت‌های بزرگ می‌باشیم. هر گاه در مذاکرات چهار قدرت بزرگ روی موضوع شرقی میان بریتانیه و فرانسه با پشتیبانی یک اروپای متحد سخن بزنند چیزی زیادی میتوان بدست آورد. پس بازار مشترک باید مهمتر و بزرگتر از آن باشد که روی موضوعات مسکه و ذغال به جر و بحث بپردازد.»

تحلیل پرابلم عرب و اسرائیل نیز نشان میدهد که اروپای غربی نقشی را پائینتر از اهمیت دلچسپی‌های خود در آن منطقه بازی کرده است. البته علاقه عمده‌ترین اروپای غربی اینست که در شرق میان ما هیچ جگی بوقوع نهد پیوند دو مجادلات تا اندازه‌ای فیصله و یا ترس ساخته شود تا کمترین تا اثر منفی را بالای دلچسپی‌ها و جریان نفت به بازارهای اروپا تولید نماید برای بوجود آوردن این حالت افکار و نظریات مختلفی موجود است بعضی‌ها عقیده دارند که صرف دو قدرت بزرگ جهان (شوروی و آمریکا) در حالیکه هر کدام بالای متحد خود تا اثر وارد آورد یک طریق حل را درین مورد بعین آورده نمیتوانند عده‌ای درین خصوص ایالات متحده آمریکا را یگانه قدرتی میدانند که میتواند بر اسرائیل فشار آورده و آنرا مجبور به قبول فیصله بسازد و برخی دیگر عقیده دارند که باید هر دو طرف عرب و اسرائیل تنها گذاشته شوند تا بین خود شرایط فیصله را وضع و تطبیق نمایند.

هیچ کدام ازین طرزهای حرکت امکان‌ناست زیاد

موقعیت را عرضه نمیکند بنابراین آن کشورهای اروپائی غربی باید فکر کنند که آنها خود برای مقابله با یک مدت طولانی که در آن برای حل معضله عرب و اسرائیل هیچ پیشرفتی بعمل نمی‌آید چه کرده می‌توانند. کشورهای اروپای غربی اکنون در شرق میان ما کم تا اثر می‌باشند زیرا آنها در آنجا چیزی زیادی برای گفتن ندارند در حالیکه از نگاه تاریخی، جغرافیائی و دلچسپی‌های اساسی آنها به حوزه مذکور بسیار نزدیک می‌باشند.

یکی از علل عدم موثریت کشورهای اروپای غربی در شرق میان ما عبارت از عدم اتحاد آنها می‌باشد. بریتانیا تمایل به این داشته است تا اقدامات ایالات متحده آمریکا را تقویه و پشتیبانی کند در حالیکه فرانسه در جستجوی یک نقش منحصر بخود بود و ایتالیا و آلمان خود را عقب کشیدند.

اگر آنها باهم متحد می‌بودند بصورت مشترک می‌توانستند برای عربها و اسرائیل یک قدرت دیگری را تشکیل دهند که کشورهای عربی و اسرائیل با آن سخن زده می‌توانستند و در حال بحران به آن رجوع کرده می‌توانستند مفکوره مذاکرات چهار قدرت بزرگ (شوروی، آمریکا، بریتانیا و فرانسه) که مورد حمایت جنرال دوگول بود در ساحه عمل برای بریتانیه و فرانسه کدام تا اثری نگذاشته بود زیرا کشورهای مذکور نه بالای دو قدرت بزرگ دیگر (شوروی و آمریکا) و نه بالای دول عربی و اسرائیل کدام تا اثر بزرگی وارد کرده توانستند.

موجودیت آنها (بریتانیه و فرانسه)، با دیگران، بحیث (اروپا) با تعقیب تصمیمات مطابق خواسته‌های اعضای اتحادیه اقتصادی اروپا به مقصد طرح یک پالیسی که متناسب با دلچسپی‌های مشترک همه باشد کاملاً یک چیز دیگری است. اروپای غربی بحیث یک کل با قدرتی که پیدا میکند و فرصت‌هایی که عرضه کرده می‌تواند برای هر دو طرف از یک قدرت اقتصادی دارای اهمیت بزرگ نمایندگی مینماید و همچنان بحیث یک عنصر نرم ساختن شدت‌ها بین پالیسی‌های اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا فعالیت کرده می‌تواند.

اسرائیل که مصروف تلاش برای شدیدتر ساختن پالیسی ایالات متحده آمریکا در برابر شوروی نسبت به وضع فعلی می‌باشد شاید خواهان نکته‌اخیر الذکر نباشد یعنی نقش میانجی‌گری اروپای متحد را در بین شوروی و آمریکا برای نرم ساختن پالیسی‌های ایشان نپسندد. مگر با پیشرفت مجادلات شاید اسرائیل از طریق همکاران اروپای آمریکا امیدواری و بیعتی را برای امنیت نسبت به اتکای کلی بر سرحدات جغرافیائی و توریید دائمی اسلحه‌امریکائی برای محافظه غیر محقق سرحدات مذکور پیدا نماید. آیا ایالات متحده آمریکا به این کار مخالفت خواهد کرد؟ تا کنون آمریکا از مساعی فرانسه برای پیدا کردن طرق حل مصالحه

وی استقبال نکرده است زیرا این راه های حل چیزی از دلچسپی های هر دو طرف (شوروی و آمریکا) میکاهد و یک راه وسطی را به میدان می کشد. مگر یک پالیسی متحد اروپائی بعوض یک پالیسی فرانسه تنها بعوض کومک کردن با شوروی در راه ضعیف ساختن روابط شوروی با کشورهای عربی موثر شده می تواند.

حقیقت اوضاع عبارت از نیست که در شرق میانه تا زمانی امکان بوجود آمدن مصالحه و یا فیصله موجود نیست که اسرائیل برای نرم ساختن پالیسی های شدید خود آماده شود. پس شاید تا ثیر و نفوذ مشترک کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی که تمام آنها از یکطرف آرزو مند داشتن روابط ثورمال و پرثمر با دولت های عربی می باشند و از جانب دیگر اساساً از حق زندگی اسرائیل در آرامش و امنیت حمایت کرده ولی نمی خواهند که پالیسی ها و تکنیک های فعلی اسرائیل را پشتیبانی نمایند، امکانات بوجود آمدن یک فیصله را در خصوص شرق میانه تحقق داده بتوانند.

این موضوع که زعماء و حکومتات کشورهای عربی مجبور خواهند بود تا مصالحه ای در بین موقف های شدید خود برقرار سازند نیز واضح است. جامعه جهانی در آینده طویل المدت به کشورهای کوچک شرق میانه موقف داده نمی تواند تا برای همیشه دنیا را در آستانه جنگ نگاه کنند و بدین علت نه اسرائیل و نه کشورهای عربی به آسانی نتایج بی تفاوتی مؤکد و یا استقبال خود را در مقابل جامعه متحدی که کشورهای انکشاف یافته غربی از آن نمایندگی می کنند پیش بینی کرده نمی توانند.

یک نظر عمیقتر در خصوص این امکانات از رابطه ای که این همه مسایل سیاسی و امنیتی با سوال دائمی نفت دارد بدست آمده می تواند. ازین طریق تحلیل اوضاع بطور قویتر و مستدل تر به این نتیجه منتهی میگردد که کشورهای انکشاف یافته، خصوصاً مالک اروپای غربی باید با جدیت و قوت هر چه تمامتر روابط مستحکم و دائمی با کشورهای تولید کننده نفت برقرار سازند. این روابط باید مناسبات وسیعی را دربر گرفته شامل توسعه صادرات از طرف کشورهای انکشاف یافته، سرمایه گذاری ها، معاونت های تکنیکی، همکاری در ساحه های انکشافی و همچنان تجدید و توسعه روابط کلتوری (که هنوز هم علیرغم مجادلات سیاسی چندین ساله در آنجا وجود دارد) باشد. به مقصد تاسیس ترکیبی از چنین روابط و مناسبات باید دلچسپی های مشترک بوجود آورده شوند تا هم مورد علاقه مالک غربی و هم مورد دلچسپی کشورهای منطقه قرار گیرد زیرا این موضوع دوام مناسبات مذکور را علیرغم تغییر یافتن رژیم ها تامین کرده تا ثیرات عدم استقرار سیاسی شرق میانه را بالای روابط مذکور به

حد اصغری پائین می آورد زیرا هر رژیمی که در آنجا بوجود می آید به این حقیقت مدرک می باشد که در نتیجه مختل ساختن روابط و مناسبات مذکور صدمه ای هم به دلچسپی های خودش وارد می آید.

این مفکوره که پروژه های بزرگ انکشاف اقتصادی منطقی باعث بوجود آمدن راه های حل مجادلات سیاسی در شرق میانه قرار می گیرد طرفداران زیادی خصوصاً در ایالات متحده آمریکا دارد مگر یک تعداد دروسی در مورد پلان دریک جانستن که مبنی بر تقسیم آب دریای اردن، مفکوره داگ همرشیولا که مبنی بر دریافت یک راه حل برای برابلم مهاجرین فلسطینی بوسیله انکشاف وسیع اقتصادی در شرق میانه و پلان آیزنهاور، شتراوس که مبنی بر بکار انداختن فابریکه های بزرگ از بین بردن نمک جهت آباد ساختن صحرا ها در اسرائیل و کشورهای عربی اطراف آن و در نتیجه بوجود آوردن صلح بجای مجادلات در شرق میانه می باشد، بدست آمده است.

پروژه های مشخص تر و کوچکتری که منافع متقابل اقتصادی را بطور قطعی تامین می کند، مانند پایپ لاین بیش بینی شده نفت که از بالای خاک جمهوریت عربی مصر بین سویز و الکسندریه تمدید شده و از طرف اروپائیان تمویل میگردد و برای اكمال نفت اروپا از آن کار گرفته می شود، یک راه معقولتری را برای تاسیس یک شبکه مطلوب همکاری دو جانبه مجسم می سازد.

برای ایالات متحده آمریکا و جاپان بنا بر هر دلیل بهتر است که بوجود آمدن چنین شبکه پایپ لاین را تقویه کرده و در آن اشترک ورزند. همچنان برای کشورهای مذکور بنا بر هر دلیل خوب است که با کشورهای اروپای غربی در راه طرح یک پالیسی طویل المدت اثرزای که اتکای کامل آنها را بر نفت شرق میانه و شمال افریقا تقلیل میدهد همکاری نمایند.

بصورت انفرادی تمام کشورهای انکشاف یافته پلان های طویل المدت خود را با تاکید بیشتر روی موضوعات امنیت ملی و عدم اتکای حتمی به منابع خارجی طرح کرده اند. این مسئله بزرگترین مشکل را در راه همکاری های چند جانبه بوجود آورده است زیرا با تحت تطبیق گرفتن این پلان های انفرادی از طرف کشورهای مختلف تلاشهای جداگانه و جدا از هم بوجود آمده و راه های پلان گذاری و موافقت های بین المللی را تا حدی سد کرده است و باعث بوجود آمدن رقابت های بین کشورهای واقع شده است در حالیکه پلان هائیکه در حال رقابت با یکدیگر باشند هیچکدام مقاصد خود را بطور مطلوب بسر رسانیده نمی تواند.

رئیس جمهور نسکن در مورد ضرورت یک پالیسی طویل المدت ایالات متحده آمریکا به شمول ذغال، نفت، گاز

و همچنان انرژی ذروی، آفتاب، جیوترمل، امواج و سایر انواع انرژی اظهرتی بعمل آورده است. مامورین امریکائی نیز بر علاوه پلان های ملی صفحات دیگری را از نظر پلان ها در چوکات همکاری ممالک امریکای شمالی و یا نیم کره غربی تصور کرده اند، و اتحادیه اقتصادی اروپا اقلأ در خصوص يك پالیسی مشترك برای اروپای غربی مطالعه کرده است. تمام این مساعی باید با محافظه مناسبت های منطقی آنها با یکدیگر نه تنها از رهگذر اینکه احتیاجات آینده را تا مین کرده بتواند بلکه در عین زمان به مقصد مقابله با وضعیت های مشکلی که ناشی از اتکای حتمی بر شرق میانه غیر مستقر و غیر قابل پیش بینی می باشد ادامه داده شوند.

اساساً در میان غایه فوق الذکر و یک پالیسی همکاری وسیع با کشورهای شرق میانه تفاوتی وجود ندارد و در حقیقت غایه مذکور صرف یک وسیله ساده احتیاطی می باشد در مورد پالیسی های فعال و هم آهنگ شده انرژی این امکان موجود است که اتکای مهم غرب و جاپان بر نفت شرق میانه یک حالت موقتی میباشد که ممکن است ده الی پانزده سال دوام کند تا آنکه انرژی اتومی (که در حوالی سال ۱۹۸۰ الی پانزده فیصد احتیاجات کشورهای صنعتی را تا مین خواهد کرد) و سایر منابع قدرت و انرژی جای آنرا گرفته بتواند و بنا بر آن تمام آنچه که باید غرب انجام دهد عبارت از سازگاری با کشورهای تولید کننده نفت تا آن زمان می باشد.

مگر تلقی کردن پالیسی وسیع همکاری بین کشورهای انکشاف یافته و ممالک شرق میانه و شمال آفریقا بحیث یک وسیله موقتی خاص بخاطر نفت معنی ایندا میدهد که اهمیت و امکانات شرق میانه بسیار دست کم گرفته شده است. زیرا این منطقه میتواند در راه نرم ساختن پرابلم های اقتصادی منطقه و بوجود آوردن اوضاعی که در آن اتحاد شوروی وارد صحنه شده و منافع زیادی بدست آورد، کومک کرده می تواند.

آیا جوانب منفی آن چیست؟ و آیا در صورتیکه کشورهای غربی پالیسی های خود را هم آهنگ نسازند چه چیزی واقع می شود؟ در آن صورت احتمال دارد که ایالات متحده امریکا با داشتن یک وظیفه خطیر و اداره ناشدنی نظامی که مجبور به اجرای مانور در میان اسرائیلی ها، عربها و شوروی ها بدون داشتن چانس های زیاد موفقیت و راه عقب آمدن می باشد نتها گذاشته شود و این سوال را مطرح سازد که چرا او بخاطر حفظ دلچسپی های دیگران تلاش میکند در حالیکه دیگران در مقابل کدام کومکی بوی نمیکند.

کشور های اروپای غربی در حالیکه هر کدام اساساً به دلچسپی های مخصوص خود توجه دارند ما میل به این خواهند بود که پالیسی های ایالات متحده امریکا که در نظر آنها بیشتر متکی بر پیشبرد حرب سرد و علاقه شدید به اسرائیل بوده و کمتر به دلچسپی های مشترک غرب توجه میکند، خود را جدا سازند، مگر آنها نیز برای تعویض آن توسط یک پالیسی بهتر قدرت نخواهد داشت زیرا شاید آنها در صدد برقراری مناسبات مخصوص بخود ایشان با کشورهای غربی بر ایندولی آنها درین راه صرف با فدا کردن دلچسپی های اسرائیلی و ایالات متحده امریکا موفق شده خواهند توانست.

در موضوعات نفت احتمال بوجود آمدن شکستگی و جدائی بین کمپنی های نفتی امریکائی، کمپنی های جاپان و کمپنی های اروپائی و بین واشنگتن و متحدین آن بمیان خواهد آمد در چنین حالت برای حکومت کشورهای شرق میانه و اتحاد شوروی فرصت های مساعدی برای استفاده از این جدائی های غرب بوجود خواهد آمد.

درسی که باید از چنین پیشگویی های منفی به میدان کشیده شود به حد کافی روشن به نظر می آید. مگر انکشافاتی که از ماه آگست سال ۱۹۷۱ به اینطرف در خصوص روابط بین کشورهای انکشاف یافته صنعتی بوجود آمده است نادراً باعث تمرکز مساعی غرض تطبیق این درس در شرق میانه شده است.

علایم و شواهد حساسیت های شدید، سوء نیت متقابل و نشنا لیزم احیا شونده در همه جا دیده می شود. وقتی کشیدگی ها و مخالفت ها در مورد مسایل پول و قیم، تجارت و روابط با چین بمیان می آید حدس هر کس همین است که ذکر یافت یعنی حساسیت های شدید، سوء نیت و نشنا لیزم را میتوان در همه جا احساس نمود.

موضوع همکاری بزرگتر و وسیعتر و عمل مشترك بین کشورهای پیشرفته امریکای شمالی، اروپای غربی و جاپان اکثرآ در چوکات عمومی ارائه شده است. دلایل تقویه کننده این همکاری بسیار زیاد است.

و در عدم موجودیت چنین همکاری تصور یک نظم مطلوب در جهان از نظر غرب بسیار مشکل میباشد. در تحلیل پرابلم های شرق میانه استدلال زیاد تر از حالت خصوصی به حالت عمومی پیش میرود. یک جستجو برای پالیسی هائیکه بطور متقابل یکدیگر را حمایت و پشتیبانی کنند در مناطق خارج مناسبات مستقیمی که دول انکشاف یافته صنعتی بین خود دارند میتواند ذهنیت مقاصد و غایه های مشترك را که همه خواهان آنها بوجود آورده.

جیو پولیتیکز



تا تئیرات و نفوذ آن خارج از جرمی:-
 ماورای جهان جرمی زبان ها
Dogma و انجماد **Geo-Politics**
 از طرف یک کشور شرقی دور-جا پان
 که روحیه نظمی این کشور از
 چوکات معین و مشخص ملی به پیمان
 بین المللی و جها نکشائی در آمده بود
 خصوصاً بعد از تطبیق پروگرام غربی
 ساختن این کشور که از سال ۱۸۶۸
 به بعد آغاز می یابد. با همان مدت
 و شدت مورد قبول قرار گرفت فلها
 اهداف **Geo-Politics** از دیده
 جا پانها عین همان چیزی بود که
 جرمها درباره آن می اندیشیدند.
 اگر با الفرض کشور های جرمی
 و جا پان در امر پیروزی و جها نکشائی
 پلان های جداگانه طرح ریزی و در
 زمینه از تعلل و اصرار کار می گرفتند
 بدون چون و چرا تصادم در بین این
 دو قدرت ها یک امر حتمی و لازمی
 بود- علاوه بر آن جدیت و کارنامه
 های فعالانه و قبلی **Haushefer**
 برای جا پان در امر پذیرش مفکوره
 ها و نظریات اش خیلی مفید و جالب
 تمام شد.

و در بین سالیان ۱۹۱۳ و ۱۹۳۸
 نامبرده شش جلد کتاب صرف راجع
 به مسایل جا پان برشته تحریر
 در آورد- تحریر اینگونه کتابها
 علاوه بر آثار و نشریاتی بود که به
 پیمان و وسیع با تبصره های طویل در
 مورد شرق در هر یک از نشریه
Zeit Schrift برشته تحریر
 در آمده بود و برخی از آثار نامبرده
 بزبان جا پانی نیز ترجمه گردید و در

امر تعمیم آن با استقبال گرم و پر
 حرارت دسته و گروه نیر و مندشاگردان
 جا پانی و مردم مواجه شد.
 حال بر می گردیم به ایتالیای
 فاشیست که طبق طرح های ویژه ای
 به توسعه حدود ارضی به نحوی از
 انجا با بکار انداختن و تطبیق مفاهیم
Geo-Politics خصوصاً طبق
 ادعای این کشور در زمینه حاکمیت
 مطلق کشور در دریای مدیترانه که
 ماهیت ایتالیوی بود **Mare Nostro**
 که ترجمه انگلیسی آن **Our Sea**
 و فارسی آن «بحیره ما» معنی دارد
 بر آمد. و **Geo-Politician** های
 جرمی عجله درین زمینه مبنی بر
 کیفیت موضوع و ضعف ایتالیا، بمشابه
 یک قدرت بزرگ بدان اشاره نه
 نمودند. همچنین در ضمن حقیقت ایکه
 در قدم های عامل توسعه جوئی از
 طرف جرمی برداشته شد این مسئله
 نهفته است که **Geo-Politics**
 هرگز درین موضوع نتوانست افکار
 بخش وسیع مردم ایتالیا را بدست آورد.
 حال بر می گردیم به کشور
 فرانسه- در فرانسه آثار و نوشته های
Rat Zel نفوذ بیشتر و فراوانی
 بر متعلمین و دانش آموزان ممتاز
 جغرافیای بشری نظیر **Blache** -
C.Vall Oux. P Vidal dela
 و **J. Brunhes** بخشید که این دسته
 از دانش آموزان ممتاز بسا از ایده
 ها و نظریات **Ratzel** را در سیستم
 و متد جغرافیای اجتماعی به هم
 آمیخته بودند اما از تعقیب و پیروی
Geo-Politics توأم با مفاهیم

انحراف یافته و خطرناکی که متکی
 به جبر محیطی **Determinism** -
Environmental بود سر باز زدند.
 تئوری شرقی و دموکراسی های
 توده ای **M.L.** بصورت کلی با شناخت
 و هر نوع نفوذ و تأثیر در حیات جمعیت
 ها و کشورها توسط شرایط محیط
 طبیعی به مخالفت جدی برخاسته است
 پس اصطلاح **Detmiinsm** - -
Geographi Cal «تأثیر و نفوذ
 محیط جغرافیائی را نادیده گرفته و
 حتی هیچ سان تکیه گاهی برای آن
 درین نوع سیستمها وجود ندارد.
 البته در زمینه جای تعجب نخواهد بود
 که از یک جغرافیه دان روس نظیر
J.W. Semionov در زمینه نام
 برد چه نامبرده در ضمن انتقاداتیکه
 بالحن تند آمیخته بود **Geo-Politics**
 کشورهای فاشیست را که از حدود
 آلمان آن روز نیز تجاوز می کرد
 توأم با مفاهیم و آموزش **Geo-Politics**
 این دسته و هواخواهان را به باد
 انتقاد شدیداً قرار داد و چنین خاطر
 نشان ساخت که این دسته از
 ایدئولوژیست ها نمی توانند جز
 نمایندگان و وابسته گان توسعه جو
 جا طلب **Usa** و امپریالیسم بریتانیا
 و استعمارگران چیز دیگری باشند و
 در عمل نیز هر نویسنده شهیر و کار
 شناس که درین کشورها در
 مورد جغرافیای سیاسی چیزی برشته
 تحریر در آورده اند ازین نوع مدت
 های آموزشی به شدت انتقاد کرده
 اند.

دانشمندان **USA** ایالات متحده

و بریتانیا در بدو امر *Geo-Politics* را بدون تحلیل منحصیث یک متد آموزشی غیر قابل مطالعه و غیر علمی و اتمود کردند و از بر نامه های آموزشی خود بر انداختند و از آنجا یک *Geo-Politician* های جرمنی برای مدت بیست سال درین امر زحمت کشیدند تا اینکه نبرد برای اولین بار *Geo-politics* و *Haushofer* را به صورت کلی به انظار انگلیسی زبان ها ظاهر ساخت و با آغاز سال ۱۹۴۰ مقالات متعدد و تبصره های فراوان و بی شمار در ستون های متعدد نشراتی این موضوع را به میدان کشید و بر روی این منظور سال ۱۹۴۲ آنقدر کتب فراوان در زمینه پنج کتابی که صرف از مبدأ تحلیل و مشخصات *Geo-Politics* جرمنی بحث میکرد برشته تحریر در آمده و تحت رهنمائی و قیادت مشعل افروز بنگلاس چ سیبا یکمن *Nicholas-J Spykman* در زمینه *in World politics - Americas Strategy* ستراتیجی امریکا در سیاست جهانی که برشته تحریر در آورده است نموداری از یک علایم مشخص تطبیق مفاهیم *Geo-Politics* در امریکا است در اثنا یک *Geo-politics* مورد ارزیابی قرار گرفت و با مفاهیم تطبیق آن مورد بررسی قرار گرفت جریانات تند و شدید اللحن تبصره ها بزبان انگلیسی در زمینه روبرو به کاهش گرائید اما موضوع هر چه بیشتر به شکل زنده درآمد و طوریکه کیفیت آن با وجود آمدن و تبارز اصطلاح آن بصورت متواتر و بلاوقفه در نشریات بدون کدام توضیح و معاذیر ادامه پیدا کرد

ظهور آنی و شهرت خاص این اصطلاح و پذیرش عاجل آن بواسطه تمام بخش انگلیسی زبان ها تبارز دهنده آن منحصیث یک مفهوم مفید در جهت افاده یک نظریه که بیشتر و بمراتب جامع تر و وسیع تر از جنبش

جرمنها بوده است نام آن را پیش از پیش در بین اذهان عامه شایع ساخت .

تأثیرات دایمی *Geo-Politics* هیچ پهلوی *Geo-Politics* بصورت کلی نه می تواند به مقیاس وسیع مورد پذیرش جهان واقع شود اما در امر قبول آن باید چندین منکوره های آن را که به شکل اعتدال آمیز و و شکل اصلاح شده آن است مقبول محافل علمی جهان واقع شده و طرح های سودمند و مفید که نقشه های *Geo-Politician* ها میان و بیان گران است در هر جا و هر وقت که این نقشه ها به طبع برسد مورد استفاده مقامات مسئول قرار میگیرند از آن جمله سادگیهای آن دقت و اهمیت فراوان که به این نقشه ها قایل اند همان خطوط عریض و پردازهای تیره آن میباشد .

پرو چیکشن استقامت و یاسامت حرکت توسط تیرها به شکل تمثیل تصویری میباشد .

نقشه های *Geo-Politician* ها منحصیث تبارز دهنده فکر جهانی و این کره خاکی «عرض اندام نموده طوریکه در زمینه بانی و مؤسس آن *Haushofer* را آغاز این موضوع را منحصیث ضرورت مبرم و اولیه در جهت قیادت جهانی جرمنها این برنامه را طرح ریزی کرده بود .

مسایل و جریانات قرن بیستم منکوره جهانی را منحصیث یک اساس در دانش جهان که لازم هر فرد است می شناسد گرچه بکار بستن این اصطلاح با مفهوم «*Geo-Politics*» که به آن اعتبار بخشیده است خیلی مغایرت دارد .

«*Geo-Politics*» از نگاه «*Methology*» متدولوژی عبارت است از تطبیق سیمتاتیکی این علم و تشریح این کره خاکی که در اثر موجودیت حکومتها - تبارز کرده است ، میباشد . به این موضوع از طرف مؤسسه «*Geo-Politics*» «*Haushofer*» در میونخ روشنی

انداخته است .

شعبات و اینجسی های مشابه که مناسبت حال زمان جنگ بود خصوصاً از طرف کشورها یکبار با جرمنی دست و گریبان بودند صرف در جهت رسیدن و پیدا کردن یک راه نجات و اثرات نامطلوبی که بزد در امر فقدان اطلاعات موثوق، متوجه این کشورها گردانیده بود درین کشورها رویکار آمد .

در دوران صلح نیز بیشتر از دوران جنگ کشورها میتوانند از طریق آموزش این شد که چسان می توان منابع عایداتی را در کشور توزیع کرد و از آن برخوردار شد و گروهی جغرافیائی که در زمینه از طرف اینجسی ها و شعبات حکومتی سر دست گرفته شده مطلوبیت عام و تمام دایمی داشته است .

«*Geo-Politics*» صرف منحصیث یک طرح ما زاد در بزدن بکار رفت . این موضوع افق جریان حرب را در دوزخ توسعه بخشید علاوه کردن و ضمیمه ساختن ستراتیژی سیاسی به ستراتیژی نظامی و توسعه بوجود آوردن شرایط قبلی صحنه های بزدر امر مرد مبارزه برای هر یک از محیط طبیعی جدا گانه که منحصیث یک صحنه جنگ قرار می گرفت .

در ظاهر امر سهم اراضی که طرف هر یک از کشورها اداره کنترول می شود یک موضوعی است که دخالت جلاقیه را به جوی از انجا بمنزله حکومت لازمی، می بندارد و «*Kjellen*» در امر شناسائی این موضوع که در ضمن تشریح و توضیح موقف قدرت دولتهای نیرو مند هشتگانه در آسیا نه جنگ سال ۱۹۱۴ است بدان اشاره میکند «*Die Grossmacte der - Haushofer* و *Gegen Wart*» به موضوع در ضمن سه جلد کتب که در آستانه جنگ میگرد بچاپ رسید باضمایم اشاره میکند و برای حل این منظور به ما خانه ها مراجعه شود .

اگر بهره و در آمد اراضی این کره خاک و منابع طبیعی آن بین کشورها در جریان وقوع جنگ مورد درزیابی قرار گردد هر يك از این کشورها يك تجسم واقعی اساس مادی نیروهای خود و حس بدبینی فوق العاده شدید و نیرومند طرف مقابل را در خود خواهند پروراند .

«Geo-Politics» منحیت همکار و معاون در امر برنامه ایذی سیاست خارجی حکومت محسوب می آورد و پلان گذاری در مسائل «G.P» جرمنی خیلی ها جالب توجه و قابل تبصره بود . چه طبق این امر هر دو کشورها - جرمنی و جاپان فیصله نامه ها و تصمیماتی را در امر آغاز بزد های جهانگشایی با تخمینات «Geo-Political» یا پوتانسیل قدرت نسبی کشورهای محور و دشمنان خود سر بر اه انداختند . مگر با وجود آن پلان گذاری این کشورها تکی بر تخمین قدرت از نگاه تعصب مبنی بر بزرگ جلوه دادن نیروی خودی و ناجیز شمردن نیروی طرف مقابل بود و در جریان بزد این دسته در جهت از بین بردن و ازها در آوردن دشمنان و رقبای انتخابی خود که آن ها یا با منابع کاملاً مساوی یا دشمن یا ما فوق دشمن در جهت خاتمه بخشیدن به این بزد که به پیمانۀ کوچکی بود ، آمادگی گرفتند این گروه چنین می اندیشیدند که طریق زندگی نظامی از طرف هر دو کشورها تعقیب شده است .

بصورت تصویری و خیالی - طبق عقیده آن - عوض اینکه این دسته تکامل اینگونه وقایع و جریانات را منحیت يك نتیجه که بنا بر اخذ تصامیم و فیصله نامه های منوالی در امر نبرد فکر کنند نقش محیط طبی را در اینگونه مسایل فوق العاده اساسی تر دانند و پیروزی آنها در امر نبرد دنا و قتی ادامه پیدا کرد نیروهای سر موز مخالف آنها سرگرم تنظیم و ترتیب نیرو در امر شکست

نیروهای محور بر آمدند برای «Geo-Politics» پلان گذاری هدف عمده و اساسی آنها را حتی بمقیاس جهانی تشکیل میدهد و هوا خواهان این ایدیولوژی در فکر آن اند که باید يك کشور فور مول بندی پالیسی ملی را صرف بعد از ارزیابی و سنجش مناسب محیط طبیعی را منحیت شرایط اجتناب ناپذیر موقت قدرت های خود فکر کنند .

و همچنین يك سلسله تضادهای از نگاه پذیرش این مفکوره ها بین «Geo-Politician» های جرمنی و متبانی هوا خواهان آن وجود دارد ، (راست ، چپ و جناح معتدل) و درین موضع گیری ها موقف مصئون را برای خود برگزیده اند .

برخی از آن ها خصوصاً کسانیکه در رشته جغرافیا هیچ سان معلوماتی ندارند و یا به حد آن آشنا نبودند به سوی فلسفۀ «Metaphysics» گرایش نمودند حتی هنوز تعداد بیشتری از آنها نقش محیط طبیعی را عامل بس مهم و نقش تعیین کننده میدانند .

چون ازین دیده ها الهام گرفته اند اساس پلانگذاری خود ها را به خط مواجه ساخته و بر نامه های خود را بسوی هدف نا مطلوبی رهنمونی میکنند که این مسئله بذرت خود هم برری «Geo Politician» های جرمنی و هم جاپان عواقب نا مطلوب و ناگواری به بار آورد و بسا از اساسات و پایه های «Geo-Politics» هر چه بیشتر و به سرعت رویه و زحوشی میروند به این موضوع من حیث يك شمه و چونات در جهت ساختمان يك تعمیر و بیستان دروغین روحی و روانی بکار می رفته است .

جمله بندی های دیوانه وار جز يك طرح جنون آمیز و گمراه ساختن مردم در امر قبولی آن منحیت «علم» که بیشتر نا معقول جلوه میکند چیز دیگری پیش نموده است .

سمت گیری استثنائی بسوی لبردهای جهانگشائی صرف برای کشورهای قابل اهمیت و با ارزش است که در صد آغاز اینسان نبردها اند تیوریهای غیر قابل دفاعی نظیر فرضیه مبنی بر اینکه کشور منحیت اورگا نیمه بوده و بر روی این سر ام دارای حقوق طبیعی و فطری در امر تحقیق «Leben Sraum» میباشد که در جهت تدارک نبرد کمک فراوانی نمود اما به وضاحت این مسئله را بعیان نکنند که تا کدام اندازه درین امر مؤفق شده است .

اسم «Geo Politics» آنقدر حس بدبینی و تنفر عمیق مردم را برانگیخته است که بسا از مردم در فکر آن اند که نسبت نا موزون بودن این کلمه نیايد آن را در زمره اصطلاحات علمی محسوب نمود و این یگانۀ اسم یا مسمی ای است در جهت رسیدن بیک سمت نا مطلوب که ساینس کاذب آلمان وقت را بما واضح میسازد و همچنین در زمینه تشویق بعمل آمده است که «Geo-Politic» در جهت حصول و نیل به این مردم «جنبش» باید محفوظ باشد ، مگر با وجود آن از آثار و کتب متعددی که در زمینه به طبع و به نشر سپرده شده است عنوان و سر لوحۀ مناسب برای این کلمه به یاد نظر گرفتن مفاهیم و پرابلم های يك کشور بیشتر به جغرافیای سیاسی مطابقت میکند اصطلاح «Political Geography» و یا جغرافیای سیاسی «Applied» علمی ، که بیشتر در امر مطالعات ارزش ها و بکار بستن جغرافیا بصورت عمومی در ساحه حیات سیاسی بدون در نظر گرفتن تمايلات ملی در نظر گرفته شده است .

هر مفهوم جداگانه و قابل استعمال دیگری اگر برای این موضوع وجود داشته باشد مانمیتوان از آگاهی و معلومات جغرافیا به مقیاس جهانی و ارزش های آن در مسایل حکومت چشم پوشی نمود .

د فلسطین بی کوره ولس

اوومه برخه

یهودی شرمخان ئی راولمسول
زمونږ تور سری شکنجه کړی، گیلې
ورته غیری کړی. بی عفته ئی کړی
ماشومان ئی ووژل او د فلسطین بی
گناه بچوپه وینوئې لښتی روان کړل:
استعماری چور کونکو طاقتونو
دهیڅ ملک او هیڅ ولس سره شرافت
نهدی کړی، هیچاته ئی حیانه ده
پریښی، ټول تری زمونږ په غیر
خوابدی، زړه چاودلی او مانیجن
دی، هیڅ سترگور انسان داستعمار
نوم په شرافت نه یادوی. خو
ددی سره سره هم دغی ناولی او
کثیف استعماری په هر ملک کښی
ریشی ښخی کړی دی او په آسانی سره
دملک نهوغی او محکوم ملتونه هم
سره ددی چه په کلکو مبارزوئې پیل
کړی دی، په سرشندنه اړنه دی
خویا هم، دتور او جانی استعمار
په نابود کولو بریالی شوی ته دی
علت ئی دادی چه په محکومو او
او وروسته پاتی هیواد ونو کښی
استعمار داسی دوستان او گوداکیان
لری چه په خپله په محکوم ولس
کښی ژوند کوی، دژوندانه دهر
ډول خوړو وڅخه گټور او دهر ډول
عزت و شان خاوندان دی. دغه
گوداکیان په هر چال او ښرنګ سره
چه کیږی په محکومو او مستعمره
هیوادونو کی بی اتفاق، لمانځانی
پیدا کوی، او اجازه نه ورکوی
چه داستعمار په ضد صفونه جوړ

کړی شی. ترڅو پوری چه نوموړی
محکوم کامونه دغه ډول اجیران
ونه پیژنی او خونې ئی ورته خرابی
نکړی ترهغی به دیو نیک تحول او
بدلون په لور گام وچت نکړی شی،
داسی بدلون چه په صحیح توګه د
انسانی طبیعی هد فونو او ورغنی
واقعیتونو د موندلو دپاره لاره اواره
کړی. د محکو موقا مونو دپاره
دسولی پس منظر ډیر لیری ښکاری،
که څه چه استعماری طاقتونه په خپل
زعیم برابره یو ډول سولنه
پر دوی تحمیل کړی وی او داسی
تبلیغ او پروپاګند کوی ته به وی چه
اساسی سوله او دیمکراسی هماغه ده
حال داچه استعماری طاقتونه هیڅکله
خپلی گټی نه هیروی او په کوم سر
کښی چه ددوی گټی پرتی وی دمحکو مو
خلکو دپاره په کښی دگټی تصور کول
یو غلطه فکر دی، که چیرې
بشری نسل ددغه سولی سره
چه داستعمار گرانو له خوا پری
تحمیل کیږی علاقه نه لری نو په
کار دی چه یوی اوږدی مبارزی
او قوی پیکاردپاره لمانځم تو کړی
ځکه کومه سوله چه داستعماری
طاقتونو له خوا د نړی د شریفو
انسانانو په غیاب کښی دهغی بندوبس
کیږی واقعی اورښینی سوله نده او
هیڅکله به دنورو وگړو دطبعیت سره
موافقه نهوی. د واقعی سولی بنیاد
باید په خپله دخلکو له خوا

کیښودل شی نه دپاسه. په دغه ډول
سوله کښی چه په خپله دخلکو له خوا
منځ ته راغی دخلکو آزادی، شخصیت
او فضیلت تامین کیدلای شی. همدغه
ډول سوله او آزادی کولی شی چه
دزورگیرانو او تیری کونکو قوتونو
دبشریت په ضد ټولی ناوړه توطئی
او دسیسی شنلوی کړی. او همدغه
سوله ده چه دنړی دخلکو د آزاد
قضاوت تحلیل او ټولنیز شعور دوی
دپاره شرایط برا بروی. دغه ډول
سوله او آزادی موقع نه ورکوی
چه دملیونو انسانانو ژوند او عشتی
ددروغو، چال او ښرنګ په سبب
نیست او نابو دشی او یا په ملیونو
نور انسانان ددغی دردناکی طریقې
دشوم او ناپاک تبلیغ لاندی راشی،
زموږ عربی ولس باید حقیقی او
رښینی سوله ددروغجنی او ناپایښته
سولی او آزادی سره یو ډبل څخه
بیله کړی ځکه ددی زمانی هره
سیاسی او ټولنیزه پېښه او پدیدې وبلې
سره نه شلیدونکی اړیکی لری،
د مثال په توګه که څو کس
ووانی چه د عربو او اسرائیلو تر منځ
دغه پیدا شوی خونړی شخړه په خپله
دهمدی دوو ډلو د فکر زیرنده او
دڅو کلو نو را په دی خوا شروع
شوی ده نو دا به هم غټه سهو او غلطی
وی او هم په دعامة فکر ونو دغولولو
دپاره یو زهرجن پروپاګندوی هر هغه
څوک چه یوازی دغه ډول فکر

کوی هغوی اصلاً دعلمی ذهنیت او فکری چال چلند سره بلدتیا نه لری اونه ئی په لاره تیر شوی دی دغه ډول کسان باید وپوهیږی چه منځنی ختیز یونه سر کیدونکی اورغورغونکی (آتشفشانې) دی چه دهری ذری او بحر کی غځه ئی د مرگ او ژوبلی بوی دماغ ته رسیری. او یا په بل صورت به دغه منطقه کښی د آزادی اوسولی دونی بیخ ته دچا ودیدونکو درو ډیری جوړه ده او دنړی نور اصیل انسانان ورته په یو عالم خفان او اندیینه تماشا کوی چه آیا اسپر یا لستی فوتونه یا د هغوی اجیر او مز دور قدرت یعنی اسرائیل به غه وخت هغی ته اوراچوی او که دغه کار ته اقدام وکړی نو بی له شکه به دتولو نړیوالو ژوند دسترخظر سره مخامخ شی د اسرائیلو او دهغوی دملا تر کوو نکو د کړنلارو غځه داسی غر گندیږی چه هغوی ددغی چا ودیدونکو موادو دالوز ولود پاره هیخ ډول مانع او خنډونه وینی او دانسانانو په هیخ ډول قتل او قتال ئی زړه هم نه یخیری خو دا غرب چه ددوی دهر ډول ناوړه عمل په مقابل کښی عقب نشینی یعنی پر شاغو او خپلی لحمکی ورته خالی کوو تر غوزمونږ مقاومت دجهان دبرنادی موجب نشی یاخو داچه مونږ د مقاومت لیاقت نلرو په هر صورت یوه ورځ به حتماً نړی دجهانی استعمار گرانو او دهغوی د اجیرانو په لاس دید مرغی کندی ته غوزارشی، او ژوند به یوه توتیه دغم نه په پک کا بوس بدل کړی .

د فلسطین مسله دجنگی فاجعی غځه زیاته بوی ژړونکی تو طئی ته ورته ده ، داسی تو طئه چه دناولی استعمار له گیاهی او هستی غځه سر چینه آخلی چه کله په لری ختیز کله په افریقا آسیا او کله په لاتینیا امریکی کښی دبشریت په ضد جوړیږی او دملیونو بی گناه انسانانو دوینو په توتیدلو سره بشپړ کیږی .

دغه نبی اسرائیل چه نن زموږ پر ضد دغربویه ضد حتی دتولی سوله خوښونکی نړی په ضد را پورته شوی دی بی هیخ اوبی ریستی قوم و چه د نړی په هر گوډاوهره گوښه کښی ئی په انفرادی توگه شی ورغی تیرولی خو غرنکه چه دوی دنور ملتونو سره دنطابق اویورنگی اخلاق پیدانکړی شول، دیهو دو نه غیر دبل هیخ ډول انسان سره گوزاره نشوه کولی نوغکه دخلکو خواتری بده شوله او په هر هیواد کښی ددوی په ضد تحریکات شروع شول، دوی غوښتل چه په هرچا حکومت وکړی خود هیچا حکومت ئی په محان نه قبلا وه په هر ملک کښی دیهو دیانو ر ږول او کړول شروع شول خصوصاً دغه کار به تزاری روسیه اویا په مرکزی اولویدیزه اروپا کښی دډیرونه ډیرو اسرائیلی انسانانو دډیر شکنجی او میرلنی موجبات راغونډ کړل .

د فلسطین د مسئلې په برخه کښی یو روسی اسرائیلی چه لیئوپنسکر *Leon Pinskey* نومیده داسی ویلی دی: ددی مسئلې اساس په دی واثعیت ولاړ دی چه یهودیان په هر بل ملت کښی چه ژوند کوی هلته داسی عناصر جوړوی چه هیڅکله په نور ملت کښی نشی حل کیدلی، او هم هیخ ډول یورنگوالی دنوموړی ملت سره نشی پیدا کولی او کله چه اسرائیل دغه ډول نه بدلیدونکی حالت لری. نو هیخ ملت نه حاضریری په اسانی سره اسرائیل د خپل ملت غړی و بولی همشه ورته د دشمن اویگاننه په سترگه گوری، له دی محای غځه دیهودیانو اړیکی د نورو خلکو او دنړی دمختلفو اسلونو سره که په نظر کی ونیول شی، د فلسطین د مسئلې دمنځ ته راتلوعلت په داگه کیدلی شی

په بل محای کښی همدغه ذکر شوی پوه داسی لیکلی دی :- مونږ نشو کولی د نورو ولسونو سره پوره توافق و کړو، یورنگوالی

پیدا کړو. نوغکه دغه ډول یورنگوالی دنور ملتونو په منځ کښی هم نشته هغه محیط اوغه شرایط چه دهنی په لړ لوسره دنړی دمختلفو او گاونډیو ملکونو تر منځ موافقه اویورنگوالی راوړی چه دیوی بشری لوی کورنی بنا جوړ کړی لا تر اوسه پوری لری بریښی، او ترخو چه دغه راز شرطونه په وجود را نشی بنائی چه د ملتونو غوښتنی اوارزو گانگی همدا ډول نیمگړی پاتی شی ډیروخت په کار دی چه سوله اود ولسو نو تر منځ ددهنی او فکری تواقونه منځ ته راشی چه دهنی په وسیله د ملونو تر منځ د بین المللی قرانیو پر اساس نیکی اړیکی، نیک تقاهم، اود حقوقو د برابرې دجهانی اصل په نظر کښی نیولو سره د ملو وړ گډاو دوستانه ژوند پیل وکړی. خو ستاسفانه چه دغه دلحنو هیوادونوله خود اسرائیلو سره نه دی شوی .

په دی اساس وئیلی شم چه د یهودیا تر تاریخ د یهو دو مسئله پیدا کړی او دیهود مسئلې په فلسطین کښی د یهو دیافو د میشته کولو مسئله زیږولی اومنځ ته راوړی ده .

صهیو نیستی جنبش په مرکزی اروپا کښی د صهیونتی اسرائیلی محرکینو له حواله لیئونسکر، گینس برگ، اوماتیا شتر قوی او مخ په وړاندی لار، او د اسرائیلی کوچیانو شمیرنی د فلسطین پر لور زیات کړ. په ۱۸۸۱م کال کښی خوسوه یهودیان فلسطین ته راغلل، پدغه وخت کښی زموږ د فلسطین حکومت د ترکانوله خوا اداره کیده . د یهودیانو مهاجرت د ترکی حکومت په اندیشه کښی واچوه . نوغکه د ترکی حکومتی مشرانو ددوی په راتگ فلسطین ته بندیزونه لیرول. لیکن کله چه بارون دوچیلد یهودی لوی بهای د ترکی حکومتی مقامونو سره خبری وکړی غو قطعی غمکه ئی په فلسطین کښی یهودیانو ته ورکړه اویهو دیان په

کښی میشته شول .

په ۱۸۹۷ کال کښی یوه اطریشی یهودچه هرزل نومیده د سویس په (بال) نومی ښار کښی یوه غونډه جوړه کړه چه پدغه غونډه کښی ئی په فلسطین کښی دیوه یهودی دولت اساس کیښود . له دی غونډی وروسته هرزل په خپله ورځپاڼه کښی ولیکل :- د بال په کنگره کښی مونږ د یهودی دولت اساس کیښود . که دنوموړی دولت په باره کښی اوس څه ورايم ښایي چه ډیر خلک را باندي وځاندي ، خو پنځوس کاله وروسته به دهغی حقیقت او واقعیت په خپلو مترگو وگوری نو ځکه زه په ډاگه ویلی شم چه دیهود و دولت اوس جوړ شوی دی ، ځکه د هر دولت جوړېدل دهغه دولت د ملت دارادی پوری اړه لری .

ډیر وخت لائیر شوی نه و چه هرزل ارزو و تحقیق موندلوته نژدی شوه . په دی توگه چه هرزل د عثمانی پادشاه څخه پردوی باندي د فلسطین د پلورلو غوښتنه وکړه که څه چه عثمانی پادشاه په ظاهر کښی دهغه غوښتنه وکړه خو په پټه کښی ئی د اسرائیلو په مهاجرت باندي فلسطین ته سترگی پټی کړی . د لومړی جهانی جنگ څخه لږ دمخه پنځوس زره اسرائیلیان فلسطین ته راغلی و .

د جنگ په اوږ دو کښی صیهو نیستی مؤسسات نور هم زیات شول په ۱۹۱۶ کال کښی د برطانیی حکومت د صیهو نیستی نهضت سره خپله همکاری اعلان کړه . ځکه په فلسطین کښی دیهودیانو د دولت جوړېدل ئی ډیر زیات په خپله گټه و گانه نو ځکه ئی د زړه له کومی د همکاری وعده ورکړه لدی ورځی وروسته دیهودی دولت د جوړولو خیال د انگلیسانو او اسرائیلو په گډه مرسته تحقق وموند

ځکه په دغه وخت کښی فلسطین هم مستقیماً د انگلیسانو اداری لاندی و انگریزانو د اسرائیلو د راتگ دپاره هر ډول شرایط برابر کړل هغه و چه نژدی دوهم جهانی جنگ ته دیهودی مهاجرانوشمیر ۶۰۰ زره تنوته ورسید . دنا زیانو قیام او یهودی ضد حرکتونو دیهودیانو مهاجرت اندازه لازياته کړه . په دغه وخت کښی زمونږ د عربو شمیر په فلسطین یو ملیون دوه سوه زره تنه و .

په ۱۹۳۵م کال کښی د نوامبر په شپږمه نیټه لردبا سفید د انگلیستان د مستعمرو وزیر د تاجیز په مجله کښی داسی ولیکل :

میخ هغه ډول قانون به چه فلسطین ته دیهودیانو دتلو او یهودی دولت جوړولو مخه ونیسی وضع نکړی شی د ۱۹۳۶م کال پوری زمونږ عربی ورو ورو خصوصاً فلسطینیانو کوم جدی اقدام دیهود په ضد نه وکړی او کوکړی ئی هم دهغه په داخل کښی د اجیر وپه نامه فلسطینیانو له خوا ښاغلی محمدلی و په هر ځای او هر گو ډ کښی به چه د فلسطین مجاهدینو کوم نیک تصمیم ونوه . سمدلاسه به د وطن خرغونکو او بیگانه پالونکو له خوا دهغی دشنه کیدلو ترتیب ونیول شو . نو ځکه زمونږ وروڼه په هغه څه چه باید سل په سلو کښی ئی یری موندلی وی نا کام پاتی شولو . چه دغه دی تاسو په خپلو سترگو ولیدل چه نن او پرون زمونږ په فلسطینی ورونو او دهغوی په ثورسرو او ماشومانو څه تیر شول . ددی ټولو فجايعو گناه د سترو استعماری طاقتونو په غاړه او هم دهغو عربو په غاړه پرته ده چه هغوی په ظاهر کښی عرب و اما په باطن کښی ئی ټول کارونه د دشمنانو په اشاره کول دغه دلته می هم تاسوته د تاریخ یو څو حقیقتونه بیان کړل ، هیله ده

چه اوس به مو د فلسطین دستلی اصلی علت موندلی وی .

تردی ځای پوری مونږ د عمر کا کا خبری و اوریدلی چه . ټول ورته لاس تر ځنی ناست و اود ځینو خبرو په وخت کښی په مویي اختیاره ورته ژړل . زمونږ بعضی کلیوال ویده شوی و په خوب کښی به ئی دخپل کور کلی او یا مړه شوو خپلوانو په خاطر چغی پورته کړی . چا به د درد او زخم په خاطر فریاد کاوه په هر صورت د عمر کا کا دخبر و دخلاصید و وروسته ټولو د خوب کولو په نامه سترگی پټی کړی .

شپه سبا ته نژدی شوی وه چه زه می پلار له خوبه راپورته کړم ، ټول کلیوال له خوبه را پاغیدلی و . لیلی وړه ماشومه چه په دغه کلی کښی زما پلار له ورانی شوی کوتی څخه را ایستلی ده پلار او مورنی مړه شوی و . له خوبه مورا پاغوله یوه شیبه غلی وه هغی خیال کاوه گوندی خپل کور کښی له مور او پلار سره ده . خو کله چه ئی دی خوا هغی خواته وکتل بیانی دماشام په غیر دمورا و پلار پسی چغی شروع کړی . په چغو چغو کښی به ئی داسی ویلی : مامی خپلی مور او پلارته بوزی . زه خپلی مورته لحم . زه هیشکله دلته نه پاتی کیږم دغه ډول جملی به ئی تکرار ولی . هغه لاتر اوسه پوری خبره نه ده چه مور او پلار ئی له هغی څخه دتل دپاره جلا شوی دی . په هر صورت هغه زما مور د خانه سره ونیوله اوتسلی ئی ورکوله . په حرکت مو پیل وکړ . ورو ورو روان شولو . په دی حرکت مونږ نور هم ستومانه او غمگینه شولو . ځکه هر قدم چه مونږ له خپل ټاټوبی څخه لیری کیدلو په هماغه اندازه مو دغم او خفگان اندازه زیاتیدله . هو ! هر څوک چه خپل پلرنی کورونه خوشی کړی د ډاک ډبنتی ژوند سره یو ځای شی ،

خوشالی تری کوچ کوی . زمونږ
 غځه خوشالی رخت تپلی ؤ . هره
 شیمه دنوی غم سره مخامخ کېدلو .
 مونږ نژدی ما سپڅین د اردن
 درود ختیز اړخ ته پوری وتلو
 په لومړی شپه مونږ دیوبل تازه غم
 او درد سره ملگری شولو . هغه داؤ
 چه زما پنځه کلنه خور لړم وچچله ،
 نپوهېرم چه دا څه بلا ظالم لړم ؤ .
 لړم زما پلار مړ کړ خو هغه خپل کار
 کړی ؤ . ټوله شپه زما دکمکی خور
 له خولی غځه لاری بهېدلې . هیڅ
 دارودرمل مونه درلودل چه دی
 پاک ماشوم ته مو ورکړی وی .
 حتی مالگه هم نه وه چه مونږ پری
 توده توده تپلی وه . بحینود زړو وینځو
 چه کومه ټوټکه یاده وه هغه ئی پری
 وکړه ، خوددی حال دینه کېدونه
 ؤ . یا داچه زمونږ نصیبه خرابه وه
 هیڅ شی پروری ماشومی ښه تاثیر نه
 کاوه ټوله شپه مو شوگیر او په
 وینه تیر کړ دژړا اوویر غځه مو
 سترگی وچی نشولی ، نژدی سهار زما
 گلالی خور خپله پاکه روح حق ته
 و سپارله نو مونږ ئی دغم په دنیا
 گی کښی کړ او نو او غمونو
 ته خوشی کړو . زمونږ کورنی او
 کلیوال د مسافرۍ او بی کورۍ په
 په دی مرگ ډیر خواشیننه شول ، تول
 دغم نه سرگومه پراته ؤ دژړا توان
 هم له خلکو غځه کم شوی ؤ . ځکه
 دا غومه ورځ وه چه مونږ ژړل ،
 نور له هرڅه غځه پریوتی ؤ . لمر
 خاته مالی مود هماغی دبتی په زړه
 کی ټکلی ماشومه ډو په کړه . هلته
 نور قبرونه هم نه ؤ ، زما مور به په
 خپل ډیر کښی دخپلی لور مړینه
 او قبر چه هیڅ نور مړی ئی نژدی
 اطرافو کښی موجود نه ؤ یادوله غرمه
 غرمه موله هغه هغای غځه حرکت
 شروع کړ . تر غو ما بنام مالی
 آبادی ته چه هله د اردنی عربو کلی
 اوبانهای پرتی وی ورسیدلو . د اردنی
 مقاماتوله خوا امر ورکړل شوی ؤ

چه مهاجرین دننه کلوته پری تښودل
 شی ، مونږ دکلی غځه دوه دری
 کیلومتره لری په یوراگر کی کښی
 واپول ، خیمی مونه درلودی ، بستری ،
 بړمستی او نور هیڅ شی مونه لرل
 سخت باد او شمال هم الوت ، سترگی
 موداوشگو غځه ډکی شوی دی په نژدی
 خواوو شاکی مو هیڅ خرابه غوندی
 دیوال هم مونده نه کړی سوچه کم
 ترکمه مود باد غځه پنا موندلی
 وی ، ماشوما نو هغی او ژړا گانی
 کولی ، غه مو کړی وی کلوته اردنی
 پولیسونه پریښودلو ، خواکه مو هم
 نه دردمودله او یوښاکه هم . دغه
 شی ورچی چه مونږ د اردن په لویدیز
 اړخ کښی تیری کړی دی دهیریدلو
 شی نه وی ، هره بلا راباندی نازله
 شوه ، صحرائی خزندولکه مار ، لړم ،
 غونهل او داسی نورو ډیرونه ډیر
 تلفات را واپول ، داسی کورنی نه
 وه چه په هغی کښی به یویا دوه
 ماشومان ددغه ډول مضره خزندو
 په واسطه مړه شوی نه وی . بلی
 خزندو هم داسرائیلی چپاولگرانو په
 غیر زمونږ برخه وکړه .
 دخوراکي موادوپه برخه کښی موی
 مخکښی وویل چه هیڅ شی زمونږ سره
 سر نه ؤ ، هرچر بانگ به زمونږ
 یعنی نارینه د اردنی پولیسو غځه په
 پټه کښی کلوته تیریدل او هلته به
 ئی غه خیر او خیرات غوښته . مونږ
 نژدی دوه جمعی په همدی توگه په
 فوت لایموت اویا په موت لایقوت
 (مه خوره مړینه) بانندی تیر ولی .
 یوه ورځ چه زمونږ دکلی بوزلمی
 ډیر وختی لهخوبه پاغمدل او کلوته
 تیر شوی ؤ . غه خیر ئی هم دلجان
 سره پیدا کړی اویا دیوه خوشالی
 سره ئی غوشتل چه بیرته خپلو خپلوانو
 ته راشی ، د اردنی پولیسو له خوا
 نیول شوی ؤ دده سپین سری مور په
 دی انتظار کښی وه چه گوندی لوی
 به ئی کومه مړی ډوډی ورته راوړی
 لیکن هغه ؤ چه یوبل کلیوال راغی

او هغی ته ئی دهغی دغوی د بندی
 کیدلو خبر راوړ او ورځ می هم هیڅ
 نه هیریری چه دغی سپین سری غومره
 وښکی توئی کړی او غومره ئی اردنی
 پولیسو ته خبری اواز او کړ . ځکه
 دا وړی وه او دلوی د درد له هر شی
 غځه زیات ون . د سپین سری لوی یوه
 جمعه بندی ؤ . کله چه د بند غځه
 را خلاص شو او کورته راغی نو
 د مور ئی دژوندانه وروستی شیبی
 وی ، بلی هغه دغم او لوړی قربانی
 شوی وه .
 دغوی سره ئی دخبرو کولو توان
 نه درلود . لوی چه هر غومره هغی
 ته ادی ادی وکړل . خو هغی خبری
 نکولی اود نیم ساعت په موده کښی
 مړه شوه . لوی ئی پری ورپریوته او
 په چغو چغو کښی ئی ورته داسی
 خطاب وکړ . گرانی موری ، او
 خوړی موری ! تازما په زړه دغم
 ستر داغ کېنود ځکه یو خوته د
 لوړی نه مړه شوی اوبل په سفر او
 یوه دنیا آرمان کښی .
 په همدی توگه زما پلار هم زمونږ
 دپاره خیرات راوړ . په دوو لومړیو
 جو مو کښی اردنی کلیوالو د زړه
 سوی او مهربانی له مخی ډیر ډیر
 خیراتونه ورکول زمونږه د ژوند
 گوزاره پری لږه لږه کیدله ، خو
 کله چه د اردن حکومت هغوی
 ته امر ورکړ چه هیڅو فلسطینی
 مهاجرینو ته خیر او خیرات نشی
 ورکولی . نوز مونږ وضعیت ورځ په
 ورځ خرابیده . مونږ له هغی لهای
 غځه و کوچیدلو یوه ورځ مزل مو
 وکړ .
 ځکه هلته د مهاجرینو تعداد
 زیات ؤ . مونږ په بل لهای کښی
 میشته شولو ، هلته هم اردنی مقاماتو
 دخیرات دنه ورکولو امر ورکړی
 ؤ . مونږ په دی خبره له حده زیات
 خواشیننه او غمگینه ؤ ځکه اسرائیلو
 مړه ، مال او جایدا در اغځه واخست ،
 راوی شپلو ، او اردنی حکومت
 راباندی خیر او خیرات بند کړ .

زموڼيز مشرانو خيال کاوه چه گوندي داردن حکومت به زموڼيز فلسطينيا نوته خيمي ورکړي د خوراكي موادو خيال به سووساتي خو هغه لاغه کوي چه په خپله ئي هيڅ انساني سرسته ونکړه، د کليوالو ورونو مرستي ئي را باندي هم بندي کړي .

په هغه وخت کښي موني نه پوهيدلو چي ولي اردني حکومت دغه ډول ناوړه چال چلند زموڼيز په مقابل کښي چه له هره حيشه نه جلا کيدونکي عربي ورونه ؤ. رواوگانه اومونري ئي دلورې دناولي مرگونو سره مخامخ کړو. وروسته وروسته پوهيدلو چه استعمار زموڼيز به حق کښي هرډول ناروا او غير انساني سلوک امرخپلواجيرانوته ورکړي ؤ. مترقي او پرمخ تللي شوونه او روزنه ددي حقيقت ښکارندوي ده چه نړي دکامل اوبل رنگوالي په حال کښي ده اوددي تحولانو غور قوه د جهان عيني قوا نينو په بنا د خيزونو او طبيعي پيښودنني مبارزي جوړوي. دټولنو او جمعيتو نووده ديوي پيښي په حيث دکامل دقانون په اساس ولاړ ده. چه دهغي غځ، په گټه اخستلو سره ولسونه کولي شي د خپلو وړزادي پيښونکو مجادلو په رڼا کښي دخپلي لاري غځه څنډ او بنديزونه ايسته کړي اودخپلي سپيڅلي ارزوگاني په بشپړه توگه لاس ته راوړي له دي کبله دټولنو دوراندي تک او تکامل تاريخ د محکمو ولسونو د مجادلو او مبارزو غځه عبارت دي چه د زورگيرانو او استعماري ډلو ياد هغو داجيرانو په مقابل کښي ئي کوي.

داخر گنده اوجوته خبره ده چه تاريخ مخ په وړاندي مخي او د

استعمارگرو ډلو هرډول ناوړه کړنه (فعاليت) دجهاني امپريالسم په سرسته نشي کولي ددغه مبارزو غچانده سيلاب غځه مخ نيوي وکړي. استعمارگرانو اود هغو مرتجع عناصر ولس فلسطين دولس دزپولو او ورکولو دپاره په داخل کښي د فلسطينانو په خپل منځ کښي يوبل دوهلو دلاري اود هغوي دتيت اوپرک کولو دلاري خپل مرامونه سرته رسولي دي په دي ترتيب چه د فلسطين دهرډول نهضت په منځ کښي ئي خپلو زرخريدو او حلقه په غوړوغلما نونه لځاي ورکړي اود هغي ناولو او کثيفو مرثيا نو په واسطه ئي زموڼيز فلسطيني نهضتونه دسي لاري نه کړي لاري ته ستانه کړي دي او کله کله ئي په بيخي ډول له منځه وړي دي، او يا ئي فلسطيني عرب د اردني عربو په واسطه سرکوب کړي دي. نو همددا وجه وه چه اردني مقاماتو خپلو کليوالوته کلک امرصا درکړي ؤ چه زموڼيز مهاجرينو ته وجه اوسره ډوډي هم ورکړي .

په غلورمه جومه کښي سره ددي چه موني غايونه هم بدل کړي ؤ، خو چه پوره خواږه نه رسيدل نو زما ه کلن ورور دلورې او کافي خوړو نه خوړلو له امله پريوت، د حرکت اوگرخيدلو نه ؤوت، هر وخت کښي چه زما ورور په کلک ضعف کښي پروت ؤ يو پوليس راغي او زموڼيز کليوالوته ئي د حرکت امرور کړ. ناچاره مويه حرکت پيل وکړ. زما مريض او کوما شوي ورور زما پلار په شا کړي ؤ د حرکت انرژي هيچا کښي نه وه. خود پووليس د قمچيني زور هم چا سره نه ؤ. دپوليس د جگړي او قمچيني نه راته سفر اسان

بريښيده، نژدي ماښام داردن د يو بل کلي اړخ کښي دلاري په سر پريونو، په دي وخت کښي زما مور زما دپلار غځه وغوښتل چه وحيد (زما ه کلن ورور) خودپاتي په شان نه دي خوليلي (هغه وړو کي ماشومه چه پلار دورانې کوتي دتيرانو لاندي نه را ايستلي وه) هم گنگسه غوندي ده پتائي چه داهم وړي وي، نژدي کلي ته ورشه کوم بشر دوست سپري به لږ خير درکړي، پلارسي وليدل چه دتيمه ليلي دلورې له امله گنگسه ده سمدلاسه نژدي کلي ته ورغي، هلته ئي لږ غه وچه ډوډي پيدا کړي وه په محفاسنه محفاسنه ئي جان را ورساوه . اما ل داسي وخت ؤ چه وحيد هم لږ غه سترگي وغړولي پلار له ډيري خوشالي زما مورته غږ وکړ چه زرکوه وحيد جان ته هم يوسپري ډوډي ورکه گوندي وبه ئي خوري، ليکن داتش خيال ؤ «وحيد» ددي دپاره سترگي نه وي غړولي چه د خيرات ډوډي وخوري، بلکه هغه د خوړ پلار او خوړي مور غځه د اجازي اخستلو په خاطر سترگي غړولي وي. او دتل دپاره زموڼيز غځه سترگي پټي کړي او پاک، روح ئي د نه خوړلو له امله حق ته وسپارله. ښکلي وحيد نامراد سرگ سپر کړ او زموڼيز په زړه کښي ئي داغ کښيښود پلارسي پري ورپريوت چغي کړي وحيد! اي وحيد! مونړدي غم ته يوازي کړو، مورسي هم چه په دي وخت کښي دليبي په خوله ډوډي سپري ورکوله په منډه راغله دو حيد له زير زبيځلي مخ غځه ئي زما پلار يوخوا ته کړ او خپله پري ورپريوته په وير اوستاينو باندي ئي شروع وکړه .

« پاتي په بله شماره کښي

تاریخچه مختصر طیارات میگ



حالا به معرفی طیارات میگ از ابتدای ۲۵ سال از ایجاد این طیارات پرداخته می شود

در اکتوبر سال ۱۹۳۹ جمعیت انجینران ساختمانی بسر کرد گی اریتوم ایوا نوویچ میکویان پره یکت یک طیاره شکاری را پیش نهاد نمودند همان بود که طیاره ساخته شد و مارک آن را I-۲۰۰ (۱-میگ) نام گذاری کردند. ۱- میگ دارای سرعت $V = ۶۵۰ \frac{\text{کیلومتر}}{\text{ساعت}}$ می باشد که این سرعت نسبت به سرعت طیارات دیگر آن وقت در حدود ۳۰٪ زیادتر بود.

در طیاره ۱- میگ انجن AM-35A نصب گردیده که قدرت آن به قوه اسپ $N = ۱۳۵۰$ می باشد و قوی ترین انجن هوائی در وقت خود محسوب می گردید. والی ارتفاع متر $H = ۷۰۰۰$ قدرت خود را کاملاً حفظ نموده می توانست. طیاره ۱- میگ کاملاً شکل مناسب ایرودینامیکی داشت قوه مؤثره بال آن در حدود $\frac{Kg}{Ms}$ ۱۸۰ الی ۱۹۰ بوده و رادیاتورهای آب و آئیل آن شکل تونلی داشت لکن پیلوت آن توسط سرپوش، پوش می گردید. ساختمان های فوق الذکر سرعت اعظمی طیاره را بخوبی تا مین نموده می توانست.

اولین طیاره میگ به تاریخ ۲۴ ماه می ۱۹۴۰ پرواز داده شد، که پارامترهای آن قرار آتی تثبیت گردید:

۱- سرعت ... $V = ۶۴۸ \frac{\text{کیلومتر}}{\text{ساعت}}$

۲- ارتفاع ... متر $H = ۶۹۰۰$

و در عین سال به خدمت قوای هوائی اتحاد شوروی شامل می گردد.

بعداً آن جمعیت انجینران رشته طیاره سازی را بدو استقامت پیش بردند:

۱- طیاره های شکاری با انجن های پستوندار.

۲- طیاره های شکاری با انجن های جت.

در بین سال ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ توسط همین دسته انجینران طیاره ات دیگر شکاری که شکل مناسب تر نسبت به ۱- میگ داشت بوجود آمدند و در آنها انجن های

AM-39 : AM-82 : ACH-35A نصب گردید.

و علاوه بر این یک یک میل ماشیندار و دو دو دانه توپ های که قطر میل شان ۲۰ میلی متر بود نیز مجهز بودند اما ابعادی هندسی طیارات مذکور تقریباً ثابت ماند. مارک طیاره تجربه وی که دارای انجن AM-39 بود I-۲۳۱ می باشد که قدرت انجن آن قوه اسپ $N = ۱۷۰۰$ بوده و در سال ۱۹۴۳ تحت پرواز تجربه وی قرار گرفت که در ارتفاع متر $H = ۷۱۰۰$ ، سرعت $V = ۷۰۷ \frac{\text{کیلومتر}}{\text{ساعت}}$ را حاصل کرد.

در بهار سال ۱۹۴۴ طیاره شکاری (A4) I-۲۲۴ بوجود آمد. درین طیاره انجن AM-39FB نصب گردیده بود که انجن مذکور دارای رژیم فرساز (تقویتی) بوده طیاره توانست تا به ارتفاع $H = ۴۱۰۰$ ارتفاع بگیرد. طیاره I-۲۲۴ دارای کابین گرمیتیکی (آن اطاق پیلوتان را گفته می شود که کاملاً سر بسته بوده و فشار معینه رادر کابین برای محافظه صحت پیلوتان و دیگر عملیه پرواز در صورت زیاد شدن ارتفاع پرواز و تا تغییراتی ارتفاع محافظه میدارد بود که بعداً ازین کابین هادر همه طیارات شکاری استفاده می شود در اوایل سال ۱۹۴۵ در یکی از انواع دیگر این طیارات (SA) I-۲۲S که دارای انجن پستوندار بود در ارتفاع $H = ۱۰۰۰۰ \text{ متر}$ سرعت $V = ۷۲۶ \frac{\text{کیلومتر}}{\text{ساعت}}$ برقرار گردید.

در مساه می ۱۹۴۴ یک طیاره شکاری بمارک (H) S I-۲۵۰ تحت ساختمان گرفته شد. دستگاه قوهئی (انجن) آن شکل مختلط از جت و پستوندار را داشت که مارک آن (VRDK) بوده و در عقب آن کابین پیلوت قرار داشت جریانات گاز آن توسط سپلوی که در قسمت عقبی طیاره می باشد خارج می گردید. قسمت پستوندار انجن بمارک R-۱۰۷ VK یک قسمت قدرت خود را توسط محور مخصوص به ترتیبات کاسپرسوری قسمت جت انجن نقل می دهد بنزین بحیث مواد سوخت انجن استعمال می گردید.

در ارتفاع متر $H = ۷۰۰۰$ قدرت کشش انجن به قوه اسپ $R(N) = ۲۸۰۰$ رسیده و سرعت حاصله کیلو متر ساعت $V = ۸۲۰$ بود.

در اسکلیت بندی ایرودینامیکی طیاره I-250 تجهیزات کم کننده حادثه ناگوار انقباضیت هوا در سرعت های $V = 800$ الی 830 کیلو متر ساعت مد نظر گرفته شده بود. بال طیاره پروفیل های مخصوص داشت، قطر پروانه خورد انتخاب شده بود بمقتصد اینکه ضریب تاثیر مفیده پروانه (Y) هنگامیکه سرعت دورانی آن نزدیک به سرعت صوت می شد در سرعت های اعظمی پروانه طیاره کم نگردد.

طیاره I-250 در ماه مارچ ۱۹۴۵ برای اولین دفعه بهوا می رود و در ماه مئی در ارتفاع متر $H = 7800$ سرعت جدیدی $V = 825$ کیلو متر ساعت را در بین طیارات شکاری شوروی برقرار می سازد. بمیان آمدن طیاره (SH) I-250 مرحله جدیدی در ساختمان بال های تیر مانند طیارات محسوب می گردد.

در فبروری همین سال ساختمان طیاره (F) I-300 تحت کار گرفته می شود. این طیاره دارای دو انجن تور بوجت بوده و سرعت پرواز آن به $v = 900$ کیلو متر ساعت برقرار گردید و طیاره را Mig-9 نام گذاری کردند. هر دو انجن پهلوی هم بداخل بدنه قرار داشته و اخذه هوایی آنها یکی بود. در ماه اپریل ۱۹۴۶ طیاره برای اولین دفعه از طرف پیلوت امتحان کننده (آن پیلوتانی را گفته می شود که سویه علمی تخنیکی و پروازی شان بدرجه اعلی بوده و از تجربه کافی پرواز برخوردار می باشند. و طیارات جدید را پرواز میدهند) گرین چیک پرواز داده شد.

در این پرواز که در ارتفاع متر $H = 4500$ صورت گرفت ریکارد جدید سرعت $v = 911$ کیلو متر ساعت برقرار گردید.

در سال ۱۹۴۶ طیارات تعلیمی Mig-9 ساخته شد که دارای دو کبین پیلوت می باشد. در کبین های این طیاره چوکی های کته پولت (چوکی نجات) نصب گردیده بود که بعداً نصب این چوکی ها در تمام طیارات حربی شکل حتمی را بخود گرفت.

در ماه مارچ ۱۹۴۷ ساختمان یک طیاره شکاری جت تحت غور و بررسی قرار می گیرد. این طیاره جت شکاری عبارت از طیاره Mig 15 می باشد که با انجن جت RD-45F مجهز بوده و قوه کشش اعظمی آن در حدود کیلو گرام $R = 2270$ می باشد.

طیاره میگ ۱۵ دارای فورم متناسب ایرودینامیکی، بال تیرمانند، کبین گرمیتهکی و چوکی کت پولت می باشد.

در قسمت تحتانی هر دو نیمه بال تانک های آویزانی مواد سوخت و یا بمبها نصب می گردد.

در اواخر دسامبر ۱۹۴۷ طیاره میگ ۱۵ برای اولین دفعه پرواز داده میشود.

در سال ۱۹۴۹ در طیاره میگ ۱۵ بعضی تغییراتی بوجود می آید. در طیاره عوض انجن اولی دو انجن قوی تری بمارک I-VK در آن نصب می گردد که قوه کشش آن کیلو گرام R-2700 می باشد.

و در همین وقت هاطیاره تعلیمی میگ بمارک I5uti میگ نیز ساخته می شود.

در چند سال اول طیاره میگ ۱۵ عصری ترین طیاره شکاری در جهان محسوب می گردید. برای تأیید قول خود معلومات های تخنیکی و پروازی طیارات میگ ۱۵ یکی از طیارات شکاری امریکائی را که همچنین در سال ۱۹۴۷ ساخته شده است و یکی از بهترین طیارات آنوقت محسوب می گردید مورد معاینه قرار میدهیم.

طیاره	Mig-15	F-68A
انجن	RD-45F	1-47A
قوه کشش انجن (بحساب Kgr)	2270	2270
وزن طیاره (-u-)	4806	6220

قوه موثره در بال (بحساب $\frac{Kgr}{M^2}$)

233	234
-----	-----

عود M پرواز $(M = \frac{u}{a})$

0.78	0.92
------	------

-u- سرعت پرواز
-a- سرعت صوت

سرعت اعظمی (بحساب KM)

1030	1050
------	------

ارتفاع اعظمی پرکتیکی پرواز (بحساب M)

12200	15200
-------	-------

بعد نورمال پرواز (بحساب Km)

1600	1305
------	------

اسلحه توپچی طیاره (قطر میل)

6×127	$\frac{1 \times 27}{2 \times 23}$
----------------	-----------------------------------

کیفیت عالی ما نور حربی طیاره ۱۵ میگ در سالهای ۱۹۵۰ الی ۱۹۵۳ توسط پیلوتان کوریای شمالی در هنگام محاربات کوریا بمقابل امریکا به اثبات رسیده که خود پیلوتان امریکائی نیز ما نور عالی این طیارات را تأیید نمودند. چنانچه در ژورنال Iuteravia نمبر ۲۳۷۶ گذارش یافته بود که:

طیاره ۱۵- میگ نسبت به هر طیاره امریکائی از نظر سرعت، ما نور و قدرت اسلحه برتری دارد. نویسنده در مضمون خود خاطر نشان می سازد که:

طیاره ۱۵- میگ نسبت به طیاره سایبر سیک بوده و از همین خاطر سرعت صعودی آن زیاد تر می باشد و بخصوص در ارتفاعات از $H = 9000$ این برتری ۱۵- میگ نسبت به سایبر دو الی می گردد.

با آنهم برای تأیید قول خود معلومات تکنیکی و پروازی
 طیاره ۱۷- میگ را با طیاره (A-۴- میستر) که در قوای
 هوایی فرانسه و بعضی ممالک Nato و اسرائیل موجود
 بودند مورد مقایسه قرار میدهم

طیاره ۰	Mig-17	A-4	میستر
انجن	VK-IF	Vivdon	
توکشش انجن (Kgr)	2700	3500	
وزن طیاره (Kgr)	5200	7400	
فاصله بین دو انجام بال (M)	9/6	11/1	
زاویه تیرمانندی بال (درجه)	45	38	
مساحت بال (M ²)	22/6	32/0	
سرعت اعظمی طیاره (Km)	1114	1090	
سرعت اعظمی در ارتفاع	1022 (Km)	475	
$H = 12 Km$			
سرعت عمودی در ارتفاعات پست (M/sec)	50	38	
دوام پرواز (دقیقه)	110	70	

اسلحه توپچی طیاره (قطر میل به mm) 1×37 / 2×23
 2×30
 در فوق ملاحظه گردید که در طول ده سال از
 ۱۹۴۰ الی ۱۹۵۰ سرعت پرواز طیارات شکاری از
 ۶۵۰ کیلو متر ساعت به ۱۱۱۴ کیلو متر ساعت بلند رفت
 خصوصاً و تیکه طیارات جت شکاری بمیان آمدند رشد
 سرعت شکل آنی را به خود گرفت. در ابتدای سال های
 ۱۹۵۰ در رشد طیارات شکاری کمی تاخیر بعمل می آید
 اما بعد آن که در بین سال های ۱۹۵۳ الی ۱۹۵۵ پیشرفت
 علم و تکنیک در رشته هوا با زنی شکل بی سابقه رایج خود می گیرد

در همان وقت رئیس ارکان قوای هوایی امریکا
 اعلان میدارد که چون تعداد طیارات ۱۵- میگ در
 کوریا خیلی زیاد شد ازین لحاظ برتری واضح متحدین
 ما را به و خطر مواجه می سازد.

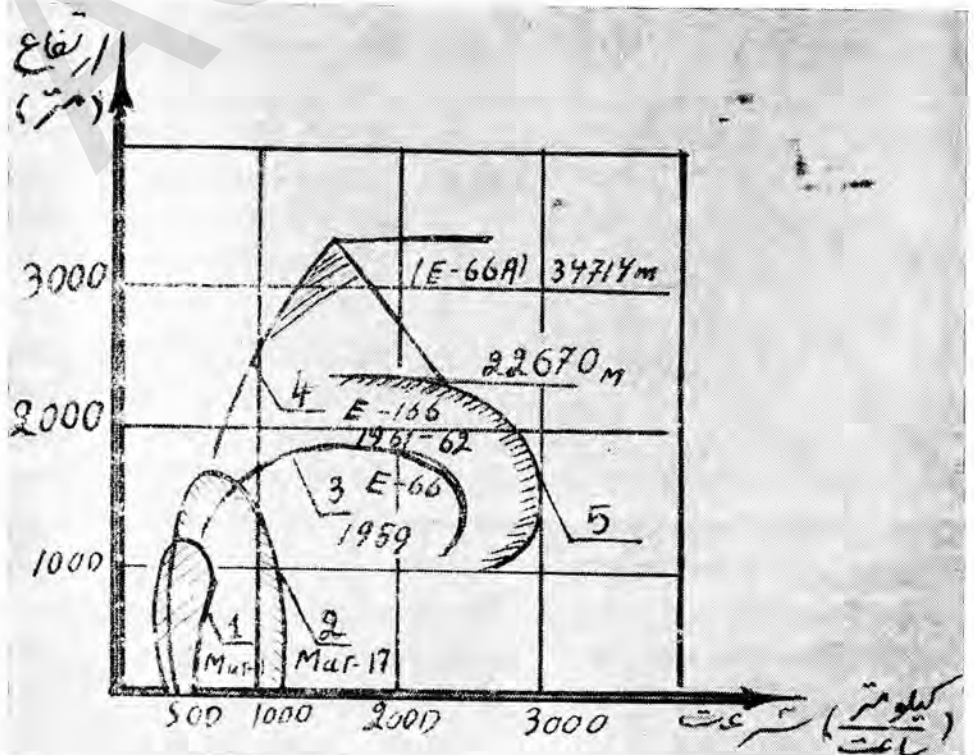
درین وقت امریکا یک گروپ مختصیمن و رزیده
 مسلکی فابریکه «لاکهد» را جهت مطالعه نجارب حربی
 طیاره ۱۵- میگ و F-86A به کوریا اعزام میدارد.
 در پیشتر ذکر گردید که در طیاره ۱۵- میگ انجن
 VK-1 که یک انجن قوی تری می باشد نصب می گردد. بلی
 این کار در سال ۱۹۴۹ صورت گرفته و در زاویه تیرمانندی
 بال آن نیز با اندازه ۱۵ افزایش بعمل می آید و با این ترتیب
 نام طیاره بدست آمده را ۱۷- میگ می گذارند. طیاره
 ۱۷- میگ در فروری سال ۱۹۵۰ پرواز داده شود. در یکی
 از پرواز های افقی برای اولین دفعه توسط طیاره ۱۷- میگ
 سرعت معادل حלות بدست آورده می شود.

کیفیت های حربی طیاره شکاری ۱۷- میگ در حرب های
 بعدی واضحاً آشکار گردید. مثلاً در محاربات بین مصر
 و ممالک انگلستان، فرانسه و اسرائیل که در خزان سال
 ۱۹۵۶ بوقوع پیوست.

رئیس جمهور مصر جمال عبدالناصر گفت:

طیارات شکاری ۱۷- میگ مایک بالای ناگهانی بود
 که بالای دشمن های ما فرود آورده شد و در زد و خورد
 های هوایی نشان دادند که این طیارات نسبت به طیارات
 شکاری فرانسوی (۴- میتر) که از طرف دشمن در مقابل
 ما استعمال می گردد برتری علنی دارند.

- تشریح گراف:
- ۱- سرعت و ارتفاع طیاره میگ ۱- که در سال ۱۹۴۵ بدست آمده است.
 - ۲- سرعت و ارتفاع طیاره میگ ۱۷ که در سال ۱۹۵۰ حاصل گردید.
 - ۳- سرعت و ارتفاع طیاره شکاری E-66 که در بین سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بدست آمده است.
 - ۴- سرعت و ارتفاع طیاره E-66 که به سقف دنیا میکی M 34714 ارتفاع گرفت.
 - ۵- سرعت و ارتفاع طیاره E-166 که در بین سال های ۱۹۶۱ و ۶۲ حاصل گردیده است.



گراف سرعت و ارتفاع بعضی طیارات شکاری

نه تنها در سرعت پرواز بلکه تمام پارامترهای تخنیک هوایی برحسب دلخواه پیشرفت می نمایند.

خصوصاً در ساختمان طیارات شکاری پیشرفت قابل ملاحظه دیده می شود. توجه بیشتری به ایرودینامیک ساختمان انجن های جت، اسلحه هوایی و تجهیزات مختلفه دیگر معطوف کرده می شود.

توجه به پیشرفت تخنیک هوایی باعث دو نتیجه ذیل گردید:

- ۱- سرعت طیارات شکاری بصورت سرسام آوری بالا می رود یعنی در حدود از ۳۰۰۰ کیلوساعت الی $V=2500$
- ۲- اسلحه توپچی طیاره جای خود را به راکت های رهبری شده وا می گذارد.

در بین سال های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۴ توسط جمعیت انجیران بسر کرده گسی اریتمو ایوانوویچ طیاره ۱۹- میگ اولین طیاره با سرعت ما فوق صوت ساخته شد. طیاره ۱۹- میگ دارای بال تیر مانند و دو عدد انجن تور بوجت قوی معه کامره فرساز می باشد. سیستم اداری طومی طیاره باسته یلیزاتور کل متحرك ساخته شده است. که این موضوع امکانات مانور های طیاره را در صورت های ما فوق صوت فوق العاده بهتر ساخته است و همچنین تخنیک قابلیت پروازی طیاره به اساس اداره فوق و تأمینات تشابهی اداره طیاره اطمینانی تر گردید.

در کبین طیاره ۱۹- میگ برای اولین مرتبه سیستم تنظیم نمودن درجه حرارت بصورت اتوماتیکی استعمال گردیده است. سیستم رادیونویگیشن و اسلحه طیاره، پرواز و اجرای وظیفه محوله را در مشكلترین شرایط مترو لوژیکی و شب و روز برای طیاره ممکن می سازد.

بوجود آمدن طیاره E-66 غوغای جدیدی در تخنیک هوا بازی شوروی بر پا کرد. این طیاره که قسمت پلان مرکزی آن از فلزیک تکه ئی ساخته شده است دارای بال مثلث شکل بوده و یک انجن بسیار قوی تور بوجت دارد.

به تاریخ ۳۱ اکتوبر ۱۹۵۹ پیلوت امتحان کننده و قهرمان اتحاد شوروی ماسلوف توسط طیاره E-66 ریکارد مطلق جهانی را از نقطه نظر سرعت قایم ساخت. این پرواز که در یک باز ۱۵ الی ۲۵ کیلومتری بصورت رفت و آمد مطابق یک خط مستقیم صورت گرفت، سرعت نمای طیاره سرعت $U = 2388$ کیلو متر ساعت را نشان داد و جریان پرواز توسط تجهیزات اویپتکی زمینی ولوازمات رادیو تخنیک بصورت دقیقانه کنترل میگردد پیلوت ماسلوف وظیفه داشت تا در جریان پرواز خط السیر منظمی را تعقیب نموده و در وقت بازگشت دورها را نه بمقصد بوجود آوردن زیادت بار اجرا بدارد.

امریکائی ها پروگرام بالذلی را به تاریخ ۱۶ مه می ۱۹۵۸ توسط پیلوت ابروین در طیاره F-10YA اجرا

نموده بودند و سرعت حاصله از $SY=2259$ کیلومتر ساعت عبارت بود.

بقول منابع شوروی طیاره شکاری ۱۰۴-F در اثر تجارب که توسط هیئت منتخبه امریکائی در کوریا از پرواز و تخنیک طیارات میگ بدست شان رسیده ساخته شد.

بتاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۰ یکی از پیلوتان قهرمان و امتحان کننده دیگر شوروی کوکیناکی در همین طیاره E-66 مطابق یک خط السیر منظم و غیر مستقیم شکل بسته بالای محیط ۰۰ کیلومتری ریکارد جدید جهانی سرعت را در پرواز های منهنی شکل قایم ساخت و توانست که درین پرواز سرعت $U=2148,66$ کیلومتر را بدست آورد. این رقم سرعت نسبت به رقم سرعتی که ماسلوف بدست آورده بود کمتر مینماید اما نا گفته نباید گذاشت که این پرواز یک پرواز مستقیم نبوده بلکه مطابق یک محیط دایره اجرا گردیده است. و چندی بعد کوکیناکی توانست در پرواز های مستقیم توسط طیاره E-66 سرعت $U=2500$ کیلومتر ساعت را برقرار سازد. و بتاريخ ۲۸ اپریل ۱۹۶۱ ماسلوف توانست طیاره E-66 را به ارتفاع متر $H=34714$ بلند ببرد.

پیلوت امریکائی جوردان بتاريخ ۱۴ دسامبر ۱۹۵۹ طیاره ۱۰۴-F را به ارتفاع متر $H=13513$ پرواز داد.

در اواخر سالهای ۱۹۵۰ طیاره دیگری به نام E-166 ساخته شد. این طیاره همکذا دارای بال مثلث شکل بوده و بایک انجن پر قدرت جت مجهز می باشد.

در بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ پیلوتان امتحان کننده ماسلوف، فیا دوتوف و استاپنکو توسط طیاره E-166 در باز ۱۵ الی ۲۵ کیلومتری محیطی ریکارد های جدید سرعت های جهانی را قایم ساختند.

در پروازی که بتاريخ ۷ جولای ۱۹۶۲ ماسلوف در طیاره E-166 اجرا نمود سرعت اعظمی طیاره به $U_{max} = 3000$ کیلومتر ساعت رسانیده شد.

طیاره E-166 همیشه با طیاره امریکائی فانتوم (F-4H) مورد مقایسه قرار گرفت که در هر صورت هم از نقطه نظر سرعت و هم از نقطه نظر ارتفاع طیاره E-166 بر طیاره فانتوم (F-4H) سبقت مینمود. موضوع سرعت و ارتفاع یک تعداد طیارات شکاری بتعقیب طیارات فوق الذکر یک تعداد طیارات دیگری از خاندان میگ از قبیل میگ ۲۱؛ میگ ۲۳؛ و غیره بوجود آمد که یکی نسبت به دیگر آن مجهز تر با عصری ترین وسایط ایرونیکیشن، سلاح مدرن مطابق به مقتضیات عرصه زمان مجهز می باشند.

بلو کاد (محا صره)

تر جمه - بشیر کبیر

ورو شیلوف ورتی را که از طریق ژوکوف تسلیم شده بود یک مدت نسبتاً طولانی بالای آن نظر دوخت. این پوزه را ای پانزده کلمه و با رنگ آبی نوشته شده بود و حل کردن شفر آن خلاف معمول وقت زیادی را در بر گرفت، محتویات امر چنین بود.

«ماورسرقوما ندانی محاذ را به ژوکوف سپرده و خود بلا معطلی جانب ماسکو پرواز کنید - ای ستالین» بعد مارشال ورو شیلوف بدون آنکه بسوی ژداتف که پهلوی او نشسته بود نگاه کند فرمان فوق را به او پیش کرد و سراسیمه در حالیکه سوال مزید را جائز نمیدانست به آهستگی حضار مجلس را یک بیک از نظر گذشتانده و گفت :

«رفقا، این یک به اطلاع شما میرسانم که ستر جنرال ژوکوف قوماندان جدید محاذ لینن گراد نزد ما مواصلت نموده است»

ورو شیلوف برای ادای مطلب متذکره ناگزیر با تمام قدرت کوشید تا کلمات را با نرمش و متانت و بدون کدام احساس مشخص محض بصورت معلومات بیان نماید. معهذا در لهجه اولرزشی پدید آمد که حاکی از یکنوع نارضائیتی معلوم میشد اما بلافاصله صولت و هیبت دیرینه را باز یافته امر داد. یک چوکی برای سر قومانندان جدید!

در همین فرصت دروازه اتاق کار ورو شیلوف ناگهان کشوده شد و ژوکوف با گامهای سنگین که غرغر موزه های او انعکاس میکرد داخل تالار مجلس شد و دو نفر ژنرال لیکه با خود از ماسکو آورده بود در کنار دروازه بحال احترام ایستادند و آنگاه یک خاموشی مریبار حکمفرما گردید.

در داخل تالار عقب یک میز طولانی اعضای مشاورتی جبهه واشخا صیکه برای جلسه احضار شده بودند از قبیل بعضی افسران عالی رتبه قرارگاه و سران اداره سیاسی و منشی های حربی و روسا و مدیران برجسته موسسات مهم لینن گراد جریان را با تعجب تعقیب میکردند. در آن موقع روی میز پوشیده از نقشه ها و یادداشت ها و دوسیه های شاملین مجلس بود

همینکه بعد از چند لحظه خاموشی ورو شیلوف مهر سکوت را شکسته و گفت عوض او قوماندان جدید مقرر شده است باز هم آرامش اتاق بصورت دوامدار ادامه یافت.

شاملین مجلس از جهتی آرام و سبوت بودند که آنها نمیتوانستند ماجرا را چگونه تلقی و تخمین نمایند و در قبال آن چه وضعی اختیارکننده و بعضاً یک نگاه دزدانه بسوی ژداتف می افکندند که وی چه طرز عملی از خود نشان میدهد؟ اما ژداتف مانند بت برنجی بیحرکت تنها نقطه مقابل خود را میدید.

امر قاطع ورو شیلوف مبنی بر «یک چوکی بر سر توما ندان». اندکی به کرختی مجلس خاتمه داد و یکی از افسران قرارگاه از جا جهیده و بسرعت از کنار دیوار یک چوکی خالی را در محلی برای ژوکوف گذاشت.

ورو شیلوف از چوکی خود برخاسته و با کمی خشونت آنرا عقب زده به ژوکوف گفت.

«گورگی کشتانتینویچ لطفاً بجای خود بنشینید»

ورو شیلوف با این تقاضا خواست کنایتاً به ژوکوف بفهماند تا به حیث رئیس مجلس در پهلوی او اخذ موقع نماید ولی ژوکوف بدون آنکه به رموز او متوجه شود به دو نفر جنرال همراکاب خود که کنار دروازه قیام داشتند خطاب نموده گفت

«جنرال فدوتینسکی و جنرال خوزین با من یکجا آمده اند. رفقا جنرالها شما نیز چوکی های خود را اشغال کنید»

بعد از معرفی دو جنرال مذکور ژوکوف بجای خود نشست و بملایمت حضار را از نظر گذشتانده با لحن خشک گفت.

«امروز در مجلس نظامی برای مناقشه کدام موضوع مطرح بحث است؟»

و اسنیزوف که عقب ژداتف نشسته بود کمی به جلو خم شده و جواب داد.

« همین الان در موضوع تدابیر مین گذاری جهت انفجار و از بین بردن موسسات مهم سلاح و ذخایر نظامی شهر صحبت میگردیم »

مسلم است که ژوکوف جواب سوال خود را از ورو شیلوف میخواست معیناً طرف و اسنیزوف رو گشائنده یا پیشانی تشریحی پرسید .

« هدف از انفجار و امحا ...؟ »
درین موقع ژداتف پیشقدم شده و ناخود آگاهشانه هارا بالا انداخته پاسخ داد

« رفیق گئورگی کنستانتینوویچ از باعث غیر عادی بودن اوضاع و بطوریکه میدانید دشمن بدروازه های شهر رسیده و ما باید موضوع از بین بردن تمام ذخایر و عوامل کارآمد را پیشین با شیم ! »

ژوکوف با کلمات شمرده گفت « اندره الکسند رویچ ژداتف اینک همین دم که این فقره را پیشنهاد میدارم موضوع فوق را از فهرست آجندہ خط زده بکلی محو کنید . فعلاً مجلس نظامی سنجل شده من متوقع اولتریه اوضاع و موقف اصلی مجاربه با کمال صحت آشنا شوم »

ژوکوف بعد افزود « آیا رفیق ژداتف مخالف این مقهوره نخواهد بود که تشریفات و تعارفات ساده امور دور تسلیم سرقوماندانی اجرا شود؟ » ژداتف با اشاره سر مطلب ژوکوف را تصدیق نمود و چیزی نگفت و ژوکوف چنین ادامه داد « من میخواهم که تنها اعضای دایمی مجلس مشاوره و رئیس مجاربه و ارتباط نزدیم باقی بماند و سایر رفقا توقف نموده بالای وظایف خود بروند رئیس تجویزات و مسلمات بحمل کار خود حاضر باشد و عندالموقع او را خواهیم دید و به تکالیف او رسیدگی میکنم ... »

بعد از آنکه همه اعضای فرعی مجلس خارج شدند و دروازه بسته شد ژوکوف رو بجانب رئیس ارکان جبهه نموده گفت .

« لطفاً پلان حرکات و خریدیه مکمل کشف را حاضر کنید »

با سر ژوکوف دگروال گرو دسکی از جابهجیه و مقابل حضار یکنوع دست پاچگی نمایان از خود نشان داد درین هفته های اخیر این سومین رئیس ارکان بود که از باعث نارسائی و وارخطائی مقام خود را از دست دادند .

گرو دسکی با شتاب نقشه های روی میز را پس و پیش نموده و خریدیه های مطلوب را مقابل ژوکوف هموار کرد .

ژنرال ژوکوف خود را خم نموده بمطالعه وضعیت عمومی پرداخت و علایم تیرهای درشت را که برنگ آبی استقامت تعرض پریروزآلمانها را در منطقه کولینو نشان میداد تحت نظر قرار داد و علایم دیگر که اندکی قبل از جلسه اخیر رسم شده بود چنین واضح می ساخت که دشمن بجنوب غرب شهر خط مقاومت سیلوی کراسنوی را شکافته و در منطقه (دوریزک) و در ناحیه مسکو ته (ولودارسکی) مجاربه جاریست و دشمن در حومه قریب ترین لینن گراد رسیده است .

پس از لحظاتی چند سرانجام ژوکوف از بالای خریدیه سر برداشته و شاندهای خود را بالا انداخته به ورو شیلوف که در کنار او بحال مضیق نشسته بود گفت « کلیمنت حفریموویچ (اسم فامیلی ورو شیلوف) اما برای تشریفات زاید وقت کافی نداریم اعضای دایمی مجلس همه جمع آمده اند بما موقع بدهید تا بکار شروع نمائیم »

سپس ژوکوف قلم پینسل را از سیز برداشته و با رسم الحظ چاپی نما در کنار خریدیه نوشت « امور سرقوماندانی محاذر اتسلیم شدم »

در نهایت جمله ساعت و تاریخ را قید کرد و امضاً نموده خریدیه را بطرف ورو شیلوف تپله کرد .

وروشیلوف با نظر اندازی کوتاه بمطلب پی برده بدون تبصره و تأخیر اوهم پینسلی را گرفته با شتاب هر چه تمامتر در زیر جمله ژوکوف نوشت « امور مربوط به سرقوماندان جدید محاذر تسلیم داده شده است - ورو شیلوف » در ختم دور تسلیم ژوکوف به ژداتف خطاب نموده گفت .

هرگاه اعضای مجلس موافقه نمایند فعلاً بجلسه خاتمه داده می شود .

ژوکوف پس از مکث مختصر ساعت خود را دیده افزود « تام ساعت ۲۳ باز صحبت دنبال خواهد شد »

دگروال گرو دسکی رئیس ارکان جبهه همینکه هدایت ژوکوف را شنید مضطرب شده گفت « رفیق سرقوماندان! موقف مادر حال حاضر خیلی نازک و خطیر است و قرار معلوماً تیکه همیندم رسیده دشمن میکوشد تا خلیج ها و جبه زارهای جنوب سرحد فنلند را بدست آورده و آیا درست ترینست اگر درین موقع تمام قوماندانان بالای وظایف خود حاضر بوده او امر لازمہ دریافت کنند؟ »

ژوکوف مطالب او را بریده گفت « بمجرد احساس ضرورت همه را اجرا خواهم کرد فعلاً موضوع گشت و گذار بالای اردو و واحدها معطل قرار داده شود »

ژوکوف بعد چنوب افسران متوجه شده پرسید :

«رئیس مخا بره وارتباط کیست؟»
یک جنرال چهارشانه و تنومند
با موهای خاکستری کوتاه تبارسی
جواب داد:

«امر شما چیست؟ من جنرال
کوالیوف حاضر بخدمتم»

ژوکوف «مانترال مخا بره
کجاست؟»

کوالیوف «رفیق سر قوما ندان!
در زیر زمینی»

ژوکوف «هما نجا سرا رهنمائی
کنید» و بعد از دروازه خارج شد.

قوما ندانان جدید

در نبردهای خونین جنگ بزرگ
میهنی قوماندانان جدید بر جستگی
خود را نشان دادند و تبدلاتیکه صورت
گرفت بصورت کیف مایشا و لاعلی
التعین بعمل نیامد بلکه این قوماندانان
که بعد تر در جریان جنگ شهرت
آفاقی یافتند از همان روزهای اول
هفته ها و ماه ها در بدایت جنگ
اسمائی شان در حلقه های نزدیک
سر قوما ندانی اعلی و ستر در ستیز
بگوش میرسید و بالنسبه مقامات عالی و
با آنها آشنائی داشتند

برکناری افسران کهنه پیچ و
قدیمی و رویک را آمدن نسل جوان و
پیشتاز در آغاز بملایمت صورت گرفت
در صفحات اول جنگ قوما ندا نیکه
سوا بق دیرین در جنگ های داخلی
شروع انقلاب اکتوبر داشته زمام
اداره تشون سرخ را بدست گرفتند
اما در جریان جنگ جهانگیر دوم
واضح شد این ذوانیکه یک وقت در
جهان شهرت داشته دیگر نمیتوانند
اداره یک جنگ طولانی را تحمل
نمایند و از میان شعله های نیروهای
سهمگین چهره های قهرمانان نوین
درخشید و همین افسران که بعد
قوماندان و مارشالهای آینده اردو
شدند در شروع جنگ در رأس غند

ها و فرقه ها و قول اردو ها قرار
داشتند و همین دسته عقب نشینی های
قطعات خود را بچشم سر دیده و برای
استفاده از ساحه و مکان وسیع بمقصد
یا فتن زمان مساعد انتظار میکشیدند
تا مهارت و لیاقت خود را بر ملا نمایند
و به تحت قوماندانی همین افسران
بود که سر بازان اتحاد جماهیر -
شوروی بسا حلقه های را گلوگیر
محاصره را شکستاده و طرز مقاومت را
در برابر قوای زره دار آموختند و
نیز سر بازان بمروور روزها و ماهها
فهمیدند که چگونه مقابل پیاده هوائی
دشمن در عقب جبهه داخل عملیات
شده همه را تار و مار و مناطق اشغال
شده از وجود استلاگران بسا ک
بدارند

قوماندانان مذکور اغلب جوان
و یامیان سال بوده و برخی از آنان
در جنگ اول و مبارزات داخلی عملا
اشترک داشته و بعد به صفت یک
قوماندان بزرگ و مغز متفکر
ستراتژی و مطلع از خصوصیات تاکتیک
در میدانهای متعدد جنگ دوم به
کمال پختگی رسیدند و آن جنگی بود
که تاریخ دنیا نظیر آنرا ندیده درست
آنها را ندانی بودند که استعداد
و توانائی خود را در چوکات وسیع
بالعمل تبارز داده از نگاه شجاعت
و کفایت عقلی اثبات نمودند که همه
فرزندان صدیق حزب و وطن خود
میباشند.

در قطار زعمای بزرگ نظامی گئورگی
کنتا نیتن و پیچ ژوکوف از همه مقدمتر
درخشید وی در جنگ اول بحیث یک
نفر سوازی ساده سهم داشت بعد در
جنگهای داخلی اشترک کرد که در
نبردهای منطقه (خالچین - گول)
فعالیت در خشان نشان داد و از همان
فرصت مورد توجه ستالین واقع شد و
ستالین او را اولین نماینده قوماندانان

نسل جدید نامیدند کی قبل از جنگ
دوم بحیث لوی درستیز موظف شد و با
آنکه پساتر در حق اوستالین بی سهری
نشان داد و ژوکوف را در یک جبهه
به حیث قوما ندان احتیاط تبدیل کرد
معدالک همینکه در ستمبر ۱۹۴۱
اوضاع محاذ لینن گراد خیلی بحرانی
گردید ستالین متوسل به ژوکوف شد
و برایش امر داد تا اداره سر قوما ندانی
لینن گراد را بکف بگیرد.

در اینجا سوالی مطرح است که آیا
ستالین به این پندار رسیده بود که
تصمیم او سببی بر مقرری ژوکوف
ناوقت صورت گرفته و به این تصمیم
مهم تعلل بخرج داده است؟ و آیا
ستالین متیقن بود در صورت تیکه دشمن
تا حواشی شهر لینن گراد رسیده ژوکوف
با قوای تحت امر خود میتواند آنها
را متوقف سازد؟

بهر حال ستالین با وجود همه
نا بسا ما آنها بالای ژوکوف اعتماد
کرد و امر داد تا بلافاصله بلینن گراد
پرواز نموده تعرض دشمن را مهار
نماید و گفت اوضاع لینن گراد نهایت
خطیر درک شما آنها را متوقف
سازید و یا هما نجا با دیگران مرگ
را استقبال کنید طریق سوم موجود
نیست.

* * *

در دهلیز عریض و طویل قصر
سولنی رئیس مخا بره محاذ پیشا پیش
ژوکوف و ورو شیلوف حرکت میکرد
و آنها را راهنمائی مینمود ضابطانیکه
همان سمت عبور و مرور میکردند
به شتاب کنار دیوار قرار گرفته راه
میکشودند و خبره خبره متوجه اوضاع
بودند.

ژوکوف با قدمهای سنگین که
نمایشگر کرکتر این سوار کار قدیمی
میباشد خا سوش و بی اعتنا

براست وچپ خود حتی رسم تعظیم ها را جواب نمیداد و ورو شیلوف مانند کسیکه خود را کش کند تنها صدای کسری های اوشنیده می شود ژوکوف را تعقیب مینمود و همکاران مارشال ورو شیلوف هیچگاه او را به این وضع ناهنجار ندیده بودند.

درینموقع به مخیله مارشال پیرچه میگذشت؟ شاید میدانست که برای آخرین بار از دهلیز استفاده می کند؟

شاید کلمات تمسخر آمیز و بیرحمانه ستالین که بار بار او را مورد ملامت قرار داده بود در پیشانی او چکش می زد؟

ممکن صحنه های شور و شیرین زندگی از دیدگاهش عبور مینمود؟ احتمال دارد به اشتباهات درد آلودی می اندیشید که دشمن را موقع داد تا حدود لینن گراد بیش بیاید؟

و امکان دارد ورو شیلوف خود را ملامت مینمود که چرا در آغاز از ستالین تقاضا نکرد که اجرای این وظیفه سنگین از عهده او ساخته نیست و کار را از اول بدیگری می سپرد.

و ورو شیلوف در تمام زندگی عادت داشت که فعالیت دیگران را از روی حجم و مساهت کار قضاوت نماید بلکه همیشه نتیجه آخر را می سنجید و حال نیز برای اینکه خود را تبرئه نماید شاید فکر میکرد که سرقوماندانان محاذ وسطی (تیموشنکو) و محاذ جنوب (بودینی) نیز به همچو خطاها و ناکامی ها مواجه شده اند و نتوانستند جلو تعرض دشمن را بگیرند و البته برای یک فرماندهان بزرگ غیب است که

به همچو دست آویزها متوسل شده و از آن مرجبات تسلاهی خود را فراهم آورده

بعدتر ژوکوف و ورو شیلوف از یک زینه باریک و کم نور به زیرزمینی رسیدند و کوالیوف در آهنبنی را کشوده خودش کناره شد تا قوماندانان بزرگ اولتر داخل مرکز مخا بره شوند.

نخست ژوکوف داخل شد و به افراد مخا بره که همه در اطراف اتاق مشغول وظیفه بودند یک نگاه سطحی انداخت و از کوالیوف (رئیس مخا برات) رسید.

«من با سرقوماندانی اعلی چطور میتوانیم ارتباط حاصل کنم؟»

کوالیوف جواب داد «رفیق سر قوماندان... در آن گوشه» و بعد بسرعت طرف آخرین قسمت اتاق روان شد.

یک نفر برید من که عقب دستگاه تیلی را تیر نشسته بود از جا جهیده و بحال تیارسی را پور وظیفه خود را بیان کرد.

ژوکوف بحال غرش جمله او را بریده گفت «با قرارگاه عمومی و سرقوماندانی اعلی ارتباط دارید؟»

برید من بالکنت زبان جواب داد «بلی... رفیق... رفیق... جنرال» و آنگاه به فورم یخن ژوکوف توجه شد زیرا او را نمی شناخت.

ژوکوف بصورت آمرانه گفت «با قرارگاه عمومی ارتباط مرا قایل کنید» برید من که از نظر تیز ژوکوف بکلی پیدا ر شده بود در جای خود نشست و دستگاه را سویچ زد.

ژوکوف گفت «اطلاع بدهید... ژوکوف بالای دستگاه حاضر است و از رفیق ستالین لطفاً خواهشمند

است ارتباط بگیرند» ژوکوف مطالب فوق را خون سرد وبدون هیجان بیان نمود اما تمام پرسونلی که در مرکز مخا بره حاضر بودند کله های خود را چرخ داده مبهوتانه بسوی او متوجه شدند.

برید من همینکه دکمه تستاتور را فشار داد یک نوار کاغذی از دستگاه خارج شد و ژوکوف نوار را گرفته چیتن خواند.

«واسیلوفسکی در دستگاه سر قوماندانی اعلی حاضر بخدمت است روز شما خوش... درین فرصت رفیق ستالین بکلی گرفتار است، راپور شما چیست؟»

ژوکوف به پرسونل تیلی را بتر گفت اطلاع بده که

«امور سرقوماندانی را تسلیم شدم (خط فاصل) به سرقوماندان اعلی راپور بدهید که من خواهم کوشیدم تا از سلف خود فعالانه تریقای وظیفه نمایم (خط فاصل) - امضاء ژوکوف، و کدام خبر دیگری ندارم» (یاد داشت - خط فاصل مراد از اشاره تلگرافی است که جمله هارا جدا میکند و باید خبر دهند آنرا بگوید چنانچه ژوکوف نیز احوال را رعایت نمود - مترجم)

ژوکوف بعد از مخا بره یک نظر پر معنی بسوی ورو شیلوف افکند و منظورش این بود تا مطمئن شود که او نیز چیزی گفتنی ندارد و یا نه؟ و ورو شیلوف بحال مذذب بدستگاه نزدیک شد و با چشمان بیفرغ طرف انگشتان برید من تیلی را بتر دید و بعد با کمال ناامیدی شاگرد نموده بدون آنکه بکسی توجه کند طرف در خروجی شتافت (باقی دارد)

کلام و تشوشات آن

بقیه از گذشته

ارتباطات ساختمانی و وظیفوی مراکز کلام

روی هم رفته نزد اکثریت افراد چار مرکز زبان که در نصف کره دماغی توقع یافته اند موجود است. (شکل اول) که دوی آن ها مراکز گیرنده یا آخذوی و دوی دیگر مراکز اجرائیه می باشد. یکی از مراکز گیرنده عبارت از ناحیه است که برای حافظه سمعی تمثال با نقش کلمات رول داشته و در خلفی ترین قسمت شیارهای اولین و دومی صدغی (نواحی ۴۱ و ۴۲) که جوار ناحیه گیرنده سمعی در شیار *Heschle* واقع است توضع دارد. مرکز گیرنده دومی در حافظه بصری تمثال های کلمات رول داشته که تمام شیار *Angulare* را (ناحیه ۳۹) در فصوص سفلی جداری که مجاور ناحیه مربوطه بصری است اشغال نموده است. ناحیه که بین مراکز سمعی و بصری کلمات (ناحیه ۳۷) موقعیت داشته و متشکل است بر خلفی ترین قسمت فصوص جداری و شیار *Supramarginal* یقیناً در تشکل لسان نیز رول بازی مینماید.

از جمله مراکز اجرائیه کلام یکی در انجام خلفی شیار سوم جبیه (معمولاً به ناحیه *Broca* یا ناحیه ۴۴ عطف شده است) توضع داشته که برای کلام حرکی و وظیفه اجرا مینماید دومین مرکز اجرائیه کلام که در انتهای شیار دوم جبیه یعنی بالاتر از ناحیه *Broca* توضع دارد در نوشتن

کلام رول میداشته باشد. این نواحی حسی و حرکی توسط بندل های قوس الیاف عصبی که از مضیق فصوص صدغی عبور مینماید بهم مربوط ساخته شده اند چنین اتصال البته باعث تقاطع کپسول خارجی نوات غدسی خواهد گردید. هم چنان این نواحی مرکزی با *Thalamus* و نواحی مربوط نصف کره های دماغی اصغر یا مخیخ از طریق *Corpus Callosum* و *Fissure* قدیمی ارتباط پیدا داشته باشند بهر صورت مقهوره های مختلف راجع به ارتباطات این نواحی قشری موجود بوده و فیصله به این شده است که این ها را باید بنام مراکز کلام یاد نمود زیرا این ها از ساختمان های عصبی محدود شده که دارای وظایف ثابت باشند و از توقع تمام شان نمایندگی نمی کنند استند. حقیقتاً معلومات کامل بسیار کم راجع به اناتومی و فیزیولوژی این نواحی در دست می باشد. یک متخصص لایق اناتومی اعصاب هرگز نمی تواند که نواحی قشری کلام را از دیگر قسمت های قشری دماغ حتی در زیر میکروسکوپ فرق کند. تنبهات برقی قسمت های قشری مربوط به کلام در اثباتی که مریض هوشیار بوده و حرف میزند (باز نمودن قحف تحت انسثری موضعی) تنها سبب توقف کلام می شود.

معلومات راجع به توقع وظایف کلام همیشه منحصر به مطالعات بشری بوده که قبلاً شخص در اثر امراض

توقیعی دماغ وفات نموده باشد قرار معلومات توانا و چهره طوری معلوم می شود که تمام مکانزم زبان به یک تعداد قسمت های که هر قسمت مغلق به گروپ مخصوص نورو ن های عصبی که میرسد فا بل تقسیم نخواهد بود در عوض باید کلام منحیث یک عملیه حسی حرکی تقریباً توقع شده در ناحیه *Opercular* یا *Perisylvien* نصف کره دماغی چپ رعایت شود و مغلق های زیاد بطور کامل تهیه شده کلام احتمالاً مربوط به تمام دماغ می باشد.

(قشر دماغ عبارت از نسج سنجایی می باشد که قسمت محیطی دماغ را اشغال کرده از نقطه نظر حجروی متشکل از یک تعداد حجرات می باشد که به یک سطحی قرار گرفته و طبقات متعدد را تشکیل مینماید. قشر دماغ بدو قسمت تقسیم شده *Archipallium* و *Neopallium* قسمت مرکزی دماغ را اشغال نموده در حیوانات این قسمت نشوونمای زیاد داشته و مربوط حس شامه می باشد. برخلاف *Neopallium* در انسان ها زیاد نشوونمائی است *Neopallium* قسمت محیطی دماغ را تشکیل کرده و از *Archipallium* در وجه انسی توسط *Sulcus Cinguli* و *Subpareitalis Sulcus* و *Sulcus Parahypocampalis* جدا شده در حقیقت *Neopallium* عبارت از فصوص *Limbic* می باشد *Archipallium* از نقطه نظر حجروی از ۶ طبقه تشکیل گردیده برخلاف *Neopallium* از ۱۰ طبقه حجرات که روی هم قرار گرفته اند ساخته شده است در *Neopallium* بعضی قسمت های خصوصی وجود دارد که از نقطه نظر حجروی مخصوص بوده و دارای یک وظیفه مخصوص نیز می باشد که این نواحی مخصوص ینام مناطق *Brodman* یاد می گردند روی هم رفته قشر دماغ به چار

(قص جبهی، فص جداری، فص قفوی و فص مدغی) قابل تقسیم بوده و مولف Brodmann این فص های تمام قشر دماغ را به ۴۷ منطقه تقسیم نموده که مهم ترین آن هارا درین جا مطالعه می فرماید: شکل ۲

دروجه وحشی دماغ در منطقه *Gyrns. Postcentralis* سه منطقه را تثبیت نموده که بنام مناطق ۳، ۲، ۱ برودن یاد می شود منطقه ۱ در مرکز منطقه ۳ در قدام، و منطقه ۲ در خلف قرار دارد. این مناطق ۱-۲ و ۳ بختم اعصاب حسی شعوری *Exterioceptive* (جلد) و *Propioceptive* (عضله)، استخوان و مفصل توافقی مینماید.

منطقه ۴ کم به *Gy. Precentral* توافقی مینماید یک منطقه کاملاً حرکی ارادی بوده از حجرات اهرامی تشکیل گردیده لذا هزمه که از آن منشاء می گیرد دینام هزمه اهرامی یاد شده تخریب این ناحیه سبب یک فلج نرم در عضلات می گردد.

منطقه ۵ در خلف *Centralis* - منطقه *Gy. Post* واقع بوده یک منطقه حرکی نیم ارادی می باشد تخریب این ناحیه سبب یک فلج تشنجی شده و تخریب آن سبب مرض *Chorec* یا (داء الرقص) و مرض *Parkinson* می گردد.

منطقه ۶ که در قدام *Precentralis* واقع است نیز یک منطقه حرکات اشتراکی نیم ارادی بوده تخریب آن سبب فلج تشنجی شده و تخریب آن سبب مرض *Parkinson* و *SupChorec* می شود.

مناطق ۸، ۹ و ۱۰ که در *Gy. Frontal* واقع اند سرانگیز حرکی حشوی می باشند بعضی اعصاب خود کار یا *Autnometic* ازین مناطق شروع گردیده اند بصورت عمومی قص جبهی مرکز تحلیل افکار میباشد منطقه ۱۷ که بدو طرف *Carinus* - *Sulcus* واقع است مرکز قشری دید است.

منطقه ۱۸ که در وجه وحشی قدام تر از منطقه ۱۷ واقع است منطقه تخلیل تصاویر است.

منطقه ۳۸ که در قسمت قدامترین فص مدغی واقع است مرکز ذایقه بوده عصب *VII Bis* و عصب بلعومی اسانی درین منطقه خیم می گردد.

منطقه ۳۹ که به قسمت خلفی *Sulcus. Lateralis* یعنی سه *Gy. Supramarginalis* توافقی مینماید یک مرکز حسن تماثل است.

منطقه ۴۴ که به *Gy. Frontal. Inp.* واقع است مرکز نوشتن است.

پایا تر از منطقه ۴۴ در فص جبهی در قسمت *Pars Triangularis* بطرف چپ *Gy. Frontal. Inp.* مرکز تکلم قرار دارد. (شکل ۳)

طرف جبهی بخش ها پائین *Gy. Erecentral* در تلفیف جبهی سوم یک ناحیه ویا مرکز حرکی موجود است که از آن جاتمام فعالیت های عضلی که برای ساختن کلمات ضرور است تنظیم می شود. این ناحیه بنام مرکز *Broca* نیز یاد می شود در اشخاص راسته دست این مرکز در نیم کره چپ قرار دارد زخم های این ناحیه عرض را پدید می آورد که بنام *Aphasie* حرکی یاد می شود (بیمار نمی تواند حرف زند، هر چند که فلج عضلات حنجره، بلعوم و دهن هم موجود نیست ولی آنچه برای او گفته می شود می فهمد و نوشته های یک صفحه را نیز میتواند بخواند).

در *Gy. Temporalis Sup.* و *Gy. An ularis* علاوه بر اینکه مرکز شنوائی است دو ناحیه دیگر یکی منطقه ۴۲ که قدامتر از آن قرار دارد و برای فهمیدن کلمات ادا شده ضروری است این ناحیه بنام مرکز *Wernick* یاد می شود. این مرکز تیر در اشخاص راسته دست در نصف کره دماغی چپ قرار دارد (مرکز کبری کلام) - زخم های این ناحیه موجب *Aphasie* حسی یا کبری کلمه

می شود - بیمار میتواند بشنو (اما فهمیده نمی تواند) - مثل آن است که به یک زبان بیگانه خارجی گوش بدهد - ساختمان کلمات امکان پذیر است اما بیمار نمی تواند اندیشه خود را دران بگنجانند و تنها قابلیت ان را دارد که کلمات را تکرار کند و یا کلمات بدون ارتباط را بیرون دهد - (شکل ۴) دیگری ناحیه ۱۴ بوده که در خلف مرکز شنوائی قرار داشته و مرکز کوری کلام است و تشوشی که بار می آورد عبارت از *Alexia* است یعنی بیمار نمی تواند بخواند، هر چند کور هم نمی باشد - تشوش مشابه دیگر عبارت از *Agcaphia* است درین جای بیمار نمی تواند بنویسد هر چند که بازو، دانش و دستانش هم فلج نه باشد با لآخره در وجه انسی مناطق ۲۳، ۲۵، ۲۸ و ۳۴ که در *Archipalliu* واقع است مرکز حس شامه است - (شکل ۵)

اشکال خالص *Aphasia* حسی و حرکی (عدم تکلم) نادر است *Aphasia* کثیراً بی کفایتی طرق حسی و حرکی با هم می آمیزد و اینکه حقیقاً در ساختن کلمات و اظهار اندیشه یا تکلم دو مرکز قشری که جای آن ها دقیقاً معین است اشتراک میکنند شک موجود است - آزمایش های روشن سریری میسرساند که مکانزم قشری تکلم بسیار گسترده تر و پیچیده تر از آن است که در پیش یاد شد.

خلاصه: از نظر تر از وظیفوی معنی یک کلمه نوشته شده یا گفته شده عبارت است از نتیجه اشتراک بصیرت داده شده و حسیات سمعی با دیگر اشکال حسیات در زمان گذشته و معنی چنین حالات مستند به اشتراک مجمع الکواکب است که بروی تجارب بنیان گذاری شده می باشد ترازهای اساسی وظیفوی و ساختن این چنین معانی از قرار معلوم به نوروون های عصبی پیوندهای دارد - تنبها

بصری در قشر دماغ در ناحیه درز *Calcarine* قفس قضوی میرسد - تنبهاات سمعی در قسمت خلفی شیارهای غیر منظم صدغی سفلی وصل می شود تنبهاات حشوی از عضلات مفصل ساز و اعضای علوی در نصف سفلی ناحیه خلف مرکزی انجام می یابد - بنابراین پیوند تشریحی و ساختمانی نورو ن های عصبی با معانی افعال مربوطه بصورت مشترك به این نواحی قشری دماغ وصل می گردند - که این هم مربوط به حرکات ماده ایض و الیاف اشتراکی ماده سنجایی قشر دماغی می باشد - از قرار معلوم ۹۰٪ اشخاص راسته دست بوده که در نزد آن ها نصف کره دماغی چپ رول برجسته را در کلام شخص بازی می نماید و نصف کره دماغی راست عین وظیفه را برای قسمت باقیمانده دارد - راهها و طریق اشتراکی مهم که در فوق تشریح گردید در نصف کره دماغی چپ در اشخاص راسته دست توضیح دارد ولی تنبهاات حسی مربوط به اخذ کلام که در نواحی سمعی و بصری قشر دماغی نصف کره راست میرسد پیوند با نصف کره دماغی چپ از طریق *Corpus Callosum* میداشتم باشد - اینکه آیا نصف کره دماغی راست رول خود را در کدام قسمت از کلام بازی مینماید تا هنوز نا معلوم و مشکوک است - گر چه این نکته که نصف کره دماغی راست برای تفویض کفایت وظایف نصف کره چپ فشار وارد مینماید و نیز مسئول بعضی اعراض در نزد مریضان مصاب به *Aphasia* است قابل اعتماد و باور کردن می باشد - نصف خلفی نصف کره دماغی چپ محل پیوند چنین نورو ن های عصبی که بطور کامل معانی را تهیه نموده و مسئول تنبهاات سمعی و بصری است می باشد بدین معنی که قوه ادراکی کلام شنیده شده و نوشته شده را بدوش دارد -

تسلط دماغ - ارتباط آن با کلام - و استعمال زیاد یکی از دست ها

تفوق و برتری وظایف یکی از نصف کره های دماغی برای وظایف کلام آنقدر بسیار مهم و قطعی می باشد که باید با تمام جزئیات آن مورد توجه و دقت قرار بگیرد .

روی هم رفته سه دلیل برای توضیح حاکمیت و تسلط نصف کره دماغی چپ در وظایف کلام موجود است: ۱- ضیاع کلام در صورت وقوع امراض در قسمت های معین نصف کره دماغی چپ و محافظه شدن کلام در آفات نصف کره دماغی طرف راست .

۲- بسهولت استعمال نمودن دست راست ، پای راست چشم راست در اکثریت موارد .

۳- توقف فوری کلام بعد از قبای *(Amthal) Amobarbital* یا ادویه دیگر در یکی از شرائین ثباتی داخلی .

ماده دوم و سوم بحیث گواه تسلط دماغی صرف در اشخاص زنده و باصحت قابل قبول می باشد . بصورت عموم تقریباً ۹۰ - ۹۵٪ جمعیت دنیا راسته دست بوده و باقیمانده آنها چپه دست هستند - یک شخص زمانی راسته دست گفته می شود که کارهای پیچیده ، بفرنج و اعماع تخصص را با مهارت کامل با دست راست اجرا نماید . بین اجرات در بعضی اشخاص نسبت به دیگران برتری دارد . اکثر افراد به بصورت کامل راسته دست و نه کاملاً چپه دست بوده اما یکی از دستانش را برای کارهای پیچیده توافق میدهد - مولف *Orton* این ها را مشابه وسط بین الیبینی عطف میکند .

کسب روشن راسته بودن و چپه بودن مربوط به دلچسپی شخص می باشد اکثر نوزادان و اطفال کوچک در اعمال ابتدائی شان ذوالیمینین هستند - نوشتن شاید در ابتدا با هر دو دست انجام شده بتواند و

آئینه نوشتن درین مراحل اولیه حیات اکثریت دارد . بین سنین ۲ و ۶ یکی از دست ها و پاها به منظور انداختن یا به لگد زدن توپ ، ازه کردن یک تخته ، قطع کردن نان و غیره انتخاب می شود . البته در زمان توسط حیات طفولیت هیچ شکلی در تسلط و حاکمیت یک طرفه دماغی باقی نمی ماند - دلایل که باعث انتخاب و تمایل یک دست بقسم حاکم در مورد امورات حیاتی می شود هنوز هم قابل مناقشه است با آنهم شواهد معتبری راجع به فکتورهای ارثی موجود است ولی مود این راثت نا معلوم می باشد - آموختن نیز یک مکتور بس مهم برای اطفال لیکه در سنین اولی به خاطر کسب دانستن از چپ بر است (در زبان ما از راست به چپ) دست و پا میزند بوده زیرا این خود یک مسابقه تعادل یا مانع شدن چپ دستی در جهان به نسبت انتخاب دست می باشد - اکثر اشخاص راسته دست مناظر را با چشم راست می بینند بدین معنی که برتری چشم راست ، تفوق دست راست را ایفاح میدرد و از روی حقیقت این حالت دلالت به تسلط چشم راست نسبت به چشم چپ نمی نماید - نکته اصلی قابل الذکر اینست که انتخاب دست برای کار و فعالیت همزمان با زبان با انکشاف مینماید و اینکه اکثر آ گفته می شود که توضیح کلام و انتخاب یا برتری دادن یک چشم دست ، پای تماماً نظا هرات یک منته و تمايلات ارثی می باشد تا هنوز ثابت نگردیده است - کدام اختلاف ساختمانی و انا تو یک قابل ملاحظه بین تسلط دماغ و نصف کره دماغی موجود نبوده و جز اینکه قرن ففوی بطین جنبی چپ عادتاً بزرگتر نسبت به راست بوده و میزابه *Lunatus* چپ برجستگی بیشتر دارد - هم چنان فرق در *E.E.G* در نصف کره دماغی راست و چپ ثابت نگردیده است

لار ښوول شوی کولی و پېژنی



لمخکنی هدفونه دجبهې دخط په نسبت کولای شو چه د هغوی د موقعیت د عمق او داوړ په لازمی اوږدی مسافې باندی وویشو دیوه گروپ هدفونو د ماتې او تخریب د پاره اعظمی مسافه تر پنځه سوه کیلومتره زیاتېږی نور هدفونه امکان لری چه تر زرها و کیلومتره په لیری مسافه کی پراته وی .

داوړ د لازمی اوږدی مسافې د مد نظر په نیولو سره دیوه مطلوب هدف د تخریب د پاره باید په نظر کی ولرو چه د لار ښوول شوی کولی ترانسپورت د الوتکی په واسطه کیدی شی په دی ترتیب د کولی توغونه د همدی الوتکی په واسطه اجرا کیری په دی حالت کی داوړ د مسافې لاندی باید پوه شو چه د لته په خپله د کولی په واسطه مستقیمه طی کونکی مسافه ده او په هغو هدفونو باندی چه ضعیفه هوایی مدافعه ولری باید دی چه هغه کولی استعمال شی چه دزیاتی مسافې د قطع کولو د پاره نه وی سنجول شوی اگر چه امکان لری چه د اهداف د مدافعی په لوی عمق کی پروت وی .

ددی ویلو په مطابق معمول ده چه کولی په دی ترتیب بیلې کاندی :

— د تاکتیکی هدفو د پاره چه داوړ د اوږدوالی مسافه نی دیوخوا کیلومتره وڅخه ترخوسو کیلومتره پوری ده .

— دستراتیژیکي هدفو د پاره چه ددوی په واسطه کولای شو په زرها و کیلومتره لیری اوړوچلو .

بېری او تراو بو لاندی کشتی باید د تاکتیکی کولی هدف و بولو لکه چه دغه معمولاً خو محنده هدفونه دی او دگولی د آلوتنی په موده کی چه دیوی لیری مسافې یعنی د زرو نو کیلومتره وڅخه توغول شوی وی دا رنگه هدف کولای شی په لس هاو کیلومتره مسافه ووهی .

تاکتیکی کولی کیدای شی چه د مخکنیو توغونکو دستگاؤ له خوا و توغول شی لکه لمخکنی لار ښوول شوی کولی او د الوتکی څخه لکه الوتکی لار ښوول شوی کولی الوتکی لار ښوول شوو کولیونه چه د مخکنیو او بحری هدفونو د تخریب وظیفه لری الوتکی لار ښوول شوی بمونه او الوتکی لار ښوول شوی الوتکه کولی منصوب دی . لار ښوول شوی الوتکی بمونه کیدای شی چه په هغو

ددی د پاره چه په لیرو مسافو کی د محوه کوونکو تخریبوونکو مضره او منفلقه موادو په واسطه خپل هدف له منځه یوسو نو مجبورویو چه د دغو موادو رسونه و مطلوب به مسافې ته لوسړنی مهمه او ارزښتی مسئله وگڼو د دغو مواد د نقل د پاره ډیر دقیقې آلی او ماشینونه په کار دی ترڅو چه هغوی په خپل وخت او زمان سره زړه غوښتو نکې لځای ته ورسولای شی . ددوی د جملی څخه نن لار ښوول شوی کولی خورا ډیر ارزښته رول لوبوی او د همدی کبله د لار ښوول شوو کولیو د تپ او نوعیت پېژندنه او د هغوی د جنگی خواصو په باره کی یو څه معلومات ورکونه د دلچسپې څخه خالی او بی گټی نه بولیو .

دلار ښوول شوو کولیو تمیونه :

لار ښوول شوی کولی د عادی نه اداره کوونکو کولیو په نسبت په گړدو حالاتو کی د هدف د ډیری دقیقې او صحیح ویشتنی لوی جنگی او تخریبی تاثیر لری د اسباب دی چه حتی د ساحه وی هدفونو لکه هوایی ډکرونه داوړ گاډی داو سپنی پتلی، د تخنیکي لوازماتو او قواو د تمرکز او غونډی لځای او داسی نورو د شکست او مغلوبیت د پاره دا کولی استعمال لیری تر کرد و د مخه پدی کی دی ته ترجیح باید ورکړه شی چه د ساده اداری لرونکی هغه کولی استعمال شی چه داوړ د تاثیر مسافه نی اوږده اوزیاته وی پدی شرط چه داوړ د تینک والی امکان نی موجود وی .

لازم دی هیرنکړو چه لار ښوول شوی کولی د جوړونی په وخت کی ډیر زیات انسانی زحمت ، ماشینی وخت او داسی نور زیات مصارف غواړی لکه چه دا ډیر دقیق کار اولوی قیمتی جنس دی په غیرلدی دیوی ډیری ساده لار ښوول شوی کولی یراېرول د توغونی د پاره په یقینی ډول سره د عادی کولیو (توغندیو، نقبو نو، بمونو) په نسبت ډیری مغلق او پیچیده جنجالی کار دی، او دا ډیر زیات کار او تمریناتو په کولو سره لوی تجربی او مهارت ته اړتیا لری او همدارنگه هغه عمله چه ددوی د محافظت او استعمال مسئولیت لری باید د لوړ تخنیکي سواد او شعور څخه بهر مندوی لار ښوول شوی کولی کیدای شی چه په ډیرو مختلفو هدفونو باند استعمال شی. دغه هدفونه امکان لری چه لمخکنی ، هوایی، پراو بو او تراو بو لاندینی وی .

هدفونو باندي استعمال شي چه هوائي مدافعه ئي دا اجازه ورکړای شي چه بم وړونکي الوتکه وهدف ته نژدی ورشي او حتی پرهدف باندي دپاسه تيره شي .

مطلب دادی چه دلارینوول شوی بم خط الاسیر په خپله دعادی نه اداره کوونکي بم خط وسیره نژدی ورته والی لری او دلارینوول شوی بم غورغو نه پرهدف باندي دافقی مسافې دلروالی په اندازه غورخول کيږي چه دا فاصله دالوتکي غخه دم غورخولود معینې اندازی غخه زیاتوالی ونه لری په کومه کی چه بم خپل هدل ته نشی رسیدلای . په هغو حالاتوکی چه دهدف هوائي مدافعه مشکلات پيښوی اویا امکان لری چه بیخي دم وړونکي الوتکي ورنژدی کیدنه هغی معینې مسافې ته چه بم خپل هدف ته ځان ورورسولای شي صورت ونه پسي ممکن دنا کتیکي الوتکي لارښوول شوو کولیدو دوهم ټیپ چه الوتکي لارښوول شوی الوتکه - کولیدی استعمال شي .

دالوتکي لارښوول شوی بم په خلاف الوتکه ، کولیدی کیدای شي چه دم وړونکي الوتکي غخه د ۳۰۰۰ کيلومتر و زیاتې لیرې مسافې غخه وتوغول شي .

اکثر آد الوتکي لارښوول شوی الوتکه ، کولیدی د خطی السراهمیت په دی کی دی چه دا افقی روانه بوی او بالاخره کله چه هدف ته ورنژدی شي نوډیر زیو دم عمودی پری باندي رالویري . په بعضو حالاتوکی الوتکي لارښوول شوی الوتکي ، کولیدی ته کیدای شي چه دافقی خط السیر غخه زرنه ، بلکه په کراره کراره د عمودی کولو پلان ورکړ شي .

باید وویل شي چه تاکتیکي الوتکه ، کولیدی کیدای شي چه دحمکنی توغونکي دستگاه غخه وتوغول شي . د تاکتیکي الوتکه ، کولیدی دکنسترو کشن په برخه کی دا امکانات تر نظر لاندي نیول شوی دی چه غنکه دحمکنی دستگاه غخه توغول کيږي همدارنگه دم وړونکي الوتکي غخه وتوغول شي ، بلکه الوتکي الوتکه ، کولیدی داسی بولی چه دا تاکتیکي زیاته الاستیکي سلاح ده ، برگر دودمخه ددی کبله چه په مطلوبه هدف باندي عملاً دهری خوا غخه ددی کولیدو توغونه د امکان ورده ، په هغو وختوکی لکه حمکنی الوتکه ، کولیدی غوندي چه دهدف وخوانه حرکت کوی نومعمولاً ددینمن د ساحی له خوا ور وانه وی .

په غیر لدی الوتکي الوتکه ، کولیدی کیدای شي چه دداسی اهدافو دتخریب دپاره استعمال شي چه ددینمن دقواو شاته ډیر لیرې په داسی مسافه کی پروت وی چه په خپله دالوتکي ، کولیدی دځان ځانی الوتنی داعظمی مسافې غخه زبینه زیاته وی .

حقیقت دی چه حمکنی الوتکه ، کولیدی ډیر یو اوحی تر اوبولاندینو کشتیو غخه توغول کیدای شي . پدی

حالت کی هغوی هم کولای شي چه ددینمن دقواو و تر شا په اوږده مسافه کی هدف تخریب کړي ، مگر داهدافو دائره محدودیږي ، لیکه چه دلته خبری لمانته دهغو اهدافو په باره کی کیدای شي چه ساحلی ساحه کی پراته وی .

الوتکه ، کولیدی چه دحمکنیو دستگاو ، ډیر یو اویا د اوبولاندینو کشتیو غخه توغول کيږي دحمکنیو تاکتیکي کولیدو یواځنی ټیپ نه بلل کيږي ددی گروپ کولیدو هم نماینده عبارت دلارینوول شوی بالستیکي توغندیو غخه دی . توغندی اساساً دالوتکي ، کولیدی سره توپیر لری . که چیرته الوتکه ، کولیدی دوزرو دلرلو په واسطه چه په سر کی دالوتنی په وخت کی اوچته کوونکي قوه اود کولیدی دوزن منظم پیدا کوی پس توغندی د توغونی په لیرې سره کی دانجن دلرلو پواسطه لوی سرعت پیدا کوی او وروسته د توپچی د کولیدی غوندي د عطالت د قانون پر اساس روانه وی . پدی اساس دبالستیکي توغندی خت السیرد الوتکي ، کولیدی د خط السیر سره ډیر زیات توپیر لری دا حالت دتوغندی پوه بله بیله ونکی نښه هم پیدا کوی چه هغه دحرکت لوی سرعت دی .

تاکتیکي لارښوول شوو کولیدو ته چه دحمکنیو هدفونو دتخریب دپاره موظف دی همدارنگه لارښوول شوی کولیدی هم منصوبی دی چه دجنګ په صحنه کی دکم ابعادو او په مهمه توګه دمانوری اهدافو دتخریب دپاره استعمالیږي ، دغو کولیدو په دوهمه لیرې کی جګړه کی استعمال بیاموند چه په عادی صورت سره دټانکر په ضد لارښوول شوی کولیدی نو میږي .

دټانکر ضد لارښوول شوو کولیدوسره په ډیر موفقیقت دټانکر ضد عادی توپچی او داسی نور رقابت کوی . کله چه دغوزرو کيلومترو دلیری والی په مسافه کی داورچلولو مسئله مینځ ته راځی نونه لارښوول شوی کولیدی نشی کولای چه غه ناغه داو رصحت نامین کړی په دی اساس دستراتیژیکي کیفیت په حال کی کیدای شي چه ځانته لارښوول شوی کولیدی استعمال شي .

ستراتیژیکي لارښوول شوی کولیدی کیدای شي چه په دوه ټیپه وجود ولری :

ستراتیژیکي الوتکه ، کولیدی او ستراتیژیکي بالستیکي توغندی .

په واقعیت کی ستراتیژیکي الوتکه ، کولیدی دنا کتیکي غخه لیر بیلتون لری ، مگر دوزن او ابعادوله رویه د هغی غخه ډیر زیات والی لری .

ددغه قوت له برکته الوتکه - کولیدی داوردتاثیر په غوزرو کيلومترو اوږدو فاصلو کی کیدای شي چه په فوق العاده بڼه توګه دحمکنیو توغونکو دستگاوه غخه وتوغولای شي .

ستراتیژیکي بالستیکي توغندی د تاکتیکي غخه اساسی

بیلتون لری . خبره په دی کی ده چه دغو زرو کیلو متر د اور دوالی مسافه دهغو اوسینو مواد و د سون پواسطه چه د نننیو توغندیو په انجنونو کی استعمالیږی نشو کولای چه دعادی یو پوریزه توغندی پواسطه نی ووهو . لدی کبله دستراتژیکی هدف دپاره قیاعدتاً غوپوریزه توغندی استعمالیږی . دارنگه توغندی غو یو پرېل پسی کار کوونکی انجنونه لری چه هر یوئی وروسته دهغی چه دسون مواد ئی خلاص شی د توغندی څخه جلا اوغور محول کیږی .

تراوسه پوری دهغوی کولیو په پاره کی بحث روان وچه دمحکینو او یا بحری هدفونو له مینه وړلو دپاره کمارل شوی وی . همدا رنگه لار ښوول شوی هغه کولی چه په خپله دالوتکو د ویشو دپاره کار لینی اخستل کیږی ډیر زیات اهمیت لری .

هوایی هدف ممکن چه دمحکی او یا دالوتکی څخه و ویشل شی . په دی اعتبار دا په هوایی لار ښوول شو کولیو او په هرا کی جگړه مارو لار ښوول شو کولیو بیلیږی . د اوسینو لار ښوول شو کولیو تیپونه په دوه اساسی گرو پونو ویشل کیږی .

اول گروپ ته هغه کولی منسوب دی چه د محکینو او بحری هدفونو د ویشلو وظیفه ور په غاړه ده دوهم گروپ ته هغه کولی دی چه دهوایی هدفونو د تخریباتو سره سرو کار لری .

د کولیو اول گروپ په خپل وار په هغو کولیو ویشل کیږی چه د تاکتیکی او ستراتیژیکی هدفونو په وخت کی استعمالیږی . د تاکتیکی هدف د استعمال کولیو ته دالاندی کولی منسوب دی .

لار ښوول شوی الوتکی بمونه ، لار ښوول شوی الوتکه کولی (محکنی ، بحری ، هوایی) لار ښوول شوی بالستیکی توغندی ، لار ښوول شوی کولی چه د جنگ په صحنه کی استعمالیږی (د تانک ضد) .

د ستراتیژیکی اهدا فو په صداستعمالونکی کولی دادی : ستراتیژیکی الوتکی- کولی اوستراتژیکی بالستیکی توغندی د کولیو دوهم گروپ په هوا کی جگړه مارو لار ښوول شو کولیو او د هواسا تونکو لار ښوول شو کولیو محینی عبارت دی .

د لار ښوول شو کولیو صنف بندی په بل شکل هم د امکان وړ ده . مثلاً د امریکا په متحده اضلاعو کی دغه صنف بندی صرف د تاکتیکی پرنسب په اساس ولاړه ده او کردی لار ښوول شوی کولی په خلور و اساسی گروپونو ویشل کیږی :

« محکه - محکه » ، « محکه - هوا » ، « هوا - محکه » او « هوا - هوا » .

کله کولی دا داره کوونکی سیستم د استعمالی ټپ او داسی نورو په اساس په هوایی او محکینو باندی ویشی

په دی سبب لوره راوړل شوی صنف بندی تشریح موجود و لار ښوول شو کولیو د تیپونو سیستم بندی کوی اوعمومی تقبل نه لری .

لار ښوول شوی الوتکی بمونه :

الوتکی لار ښوول شوی بمونه د هغو کم ابعادو محکینو او بحری هدفونو د تخریبولو وظیفه په غاړه لری چه هوایی مدافعه ئی ضعیفه وی . دارنگه هدفونه کیدای شی چه د جنگ په صحنه کی وی او یا ددینمن د خاوری په لیری او زړو کی پراته وی .

د الوتکی لار ښوول شو بمونه دارنگه وظیفه د هغوی د تاکتیکی او تخنیکي خواصو په اساس معلومیږی .

مونډراو تاسوته غورگنده ده چی که چیر ته وغواړو

چه لار ښوول شوی کولی هدف ته برابره کړو نو باید چه اداره کوونکی قوه و لرو او داسی قوی د جوړونی د پاره دوه لاری لرو چه یوه ئی دانجن د کشش قوی سمت د ته تغیر ورکول اوبله ئی دایرو دینامیکی قوو بدلون دی .

مگر څرنکه چه الوتکی لار ښوول شوی بمونه انجن نه لری نو دلته محانته دهغو اداره کوونکو قوو په ناره کی خبری کیدای شی چه ایرودینامیکی طبیعت لری اوبه وزرو باندی پیدا کیږی .

هر الوتکی لار ښوول شوی بم وزرونه لری ، مگر په کردو حالانو کی دهغوی وزرونه ډیم دعمومی اندازو او وزن په نسبت چندان لوی نه وی . په دی اساس د اداره کوونکی قوی کمیت هم دومره زیات نه دی .

ددی علت په معلول دلورو ویل شوو چه د الوتکی لار ښوول شوی بم خطوسیر په خپل ذات کی دعادی نه اداره کوونکی بم دخطوسیر سره ورته والی لری تائید کولای شو .

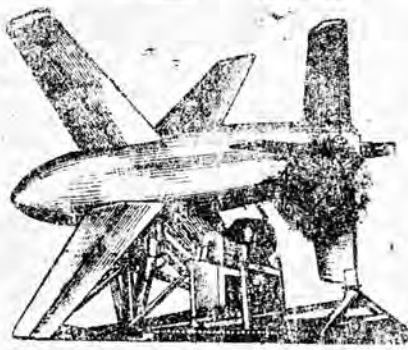
الوتکی لار ښوول شوی بم نشی کولای چه افقی الوتنه وکړی او یا دا چه ارتفاع ونیوی شی . بم راغور لږیږی اودوزرو لږ نه ، دستگاون او رگان او اداره کوونکی سیستم محض په بعضو حدودو کی دهغی دعادی غور لږونی خطوسیر ته سمون ورکوی او بس .

لار ښوول شوی بم ته ، وزرونه ، د توازن اوستگاون اورگان لری .

په تنه کی ئی جنگی برخه او داخلی اداره کوونکی ترتیبات محای په غای شوی دی دلار ښوول شوی بم د جنگی برخه ټیب دهغه د جنگی وظیفی څخه معلومیږی .

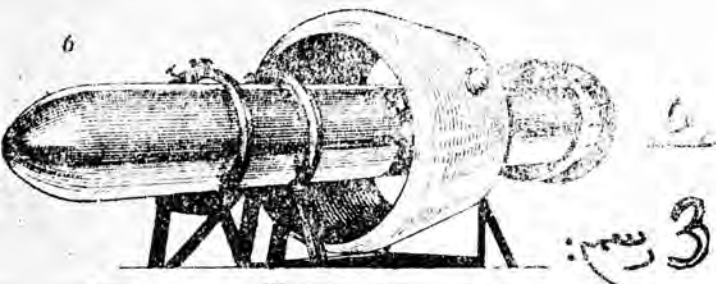
جنگی برخه امکان لری چه انفجاری ، زره ماتونکی (ثاقب) او یا دا چه اور لرونکی وی

ددی دباره چه دداخلی تنی معلقت په الوتکه پوری
اطمنیانی شی او هم دارنگه دلارینوول شوو الوتکی بمونو
ابعاد کم کړای شی نو حلقوی یا تونلی شکله وزرونه
استعمالوی لکه: (دریم b رسم)



12
a

a



3
بسم:

دشکلونو تشریح دلارینوول شوو الوتکی بمونو
ایرو دینامیکی شمی .
X-a شکله وزر لرونکی بم «POK-O» امریکا
b-حلقوی یا تونلی شکله وزر لرونکی بم «POK-OO»
امریکا

په همدی ترتیب دغوونکو وزرونو استعمالول هم
امکان لری .

داداره کونکو ارگانو په حیث کیدای شی چه غنګه
عادی انحراف کوونکی رولونه (سنگاون) استعمالیږی
همد غسی دستګاون هغه ارگان چه دساختمان له نقطه نظر
مخصوص شکل ولری استعمال شی. په الوتکی لاریوول شوو
بمونو کی دانتر غپترونو (دهوا د جریان غو غونکو)
استعمالولو پیره پراختیا پیدا کړی ده .

انتر غپتر (هواغوونکی): دایوه وړکوتی فلزی
پاته (ورقه) ده چه دوزرو دمقطع غخه راوچی او هوا
قطع کوی، پدی صورت کی په دغه پاته باندی هوا نئی
جریانات پیر فشار راوړی اودافشار دوزر پر دغه خوا
باندی هم زور لگوی . دوزر پر بله خواناندی فشار کموی
او هوایی جریانات بی له انقطاع روانوی که چیرته هوا
غوغوونکی پانه پردغه بله خوا اووچی دوزرو دپورته
کسوونکی قوی علامه تغیر پیدا کوی .

دهوا غوغوونکو پانو عملیه او اشکال په دغو لاندینیو
رسمونو کسی لیدای شی :

د موجوده ولاریوول شوو بمونو جنګی برخی په هغو
موادو سمبالدی چه انفجاری او زره ماتو و نکی خواص
لری . مگر دا خبره دمخصوصو لاریوول شوو بمونو مینځ
ته راوړنه چه اور لرونکی خصوصیات ولری نه منفی کوی.
داداره کوننی سیستم په دوه ټپیه کیدای شی : لیری
اداره او په خپله دکولی هدف ته رسونه ددی مطابق
همدارنگه دلیری اداری الوتکی لاریوول شوی او په خپله
دکولی هدف ته رسوننی الوتکی لاریوول شوی بمونه
سره بیلوی .

د چاودوننی (سرکلولی) په حیث تر جیحا میخا نیکی
اولکتریکی هغه چاودوننی استعمالیږی چه تماسی او
لکیدونکی حساسیت ولری .

ددو ټپیو اداره کوونکو سیستمونو وجود امکان لری:
لیری اداره او په خپله نښه نیونه . ددی مطابق په خپله
نښه نیوونکی اولیری اداره کوونکی الوتکی بمونه سره
بیلوی .

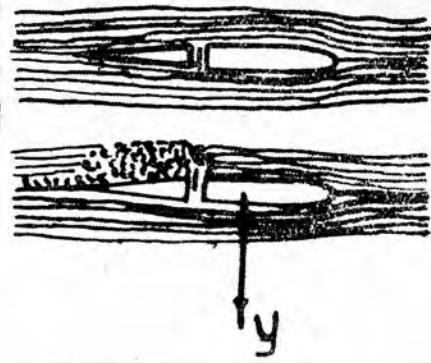
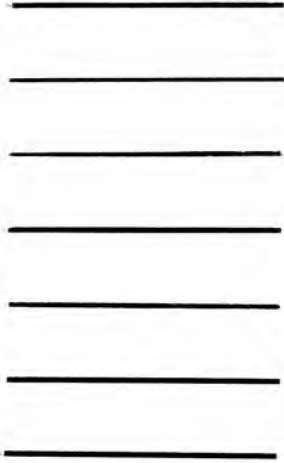
روا ضحده مخه ده چه دا هدا فو دایره په کومو باندی چه
په خپله نښه نیوونکی بمونه استعمالیږی په پیره اندازو
تینګیږی لکه چه هر هدف نښه تبا نښه لری. په غیر لیدی
لاریوول شوی بم په هغه نښه نیوونکی سیستم باندی
سمبالدی چه لکه دمثال په توګه دراداری تبا نښه داستعمالولو
په واسطه کار کوی نشی کولای چه دراداری تبا نښه
دنشت والی په صورت کی حتما و هغه هدف ته
برابره شی چه واضحا فوق العاده ښکاره حرارتی
تبا نښه لری .

لیری اداره کیدونکی بم کیدای شی چه هر هغه هدف
ته برابر شی چه داو پتیکی اویاراداری نشا نگاه په واسطه
ولیدای شی. پدی ترتیب دتخنیکی امکانا توله نقطه نظره
دلیری لاریوول شوو او عادی غیر لاریوول شوو بمونو
تر مینځ چندان فرق نشته . مگر ایری لاریوول شوی بمونه
د بم وړونکی الوتکی مانور ربطوی، کله چه بم د الوتکی
غخه راو غور لږی نو نښی ته سمون ئی وروسته تر
غور لږیدو چالانیری، چه قاعدتا د الوتکی الوتنه باید د
پوه پروگرام لاندی وی. دغه حالت د بم وړونکی الوتکی
دمحوه کولو احتمال زیاتوی .

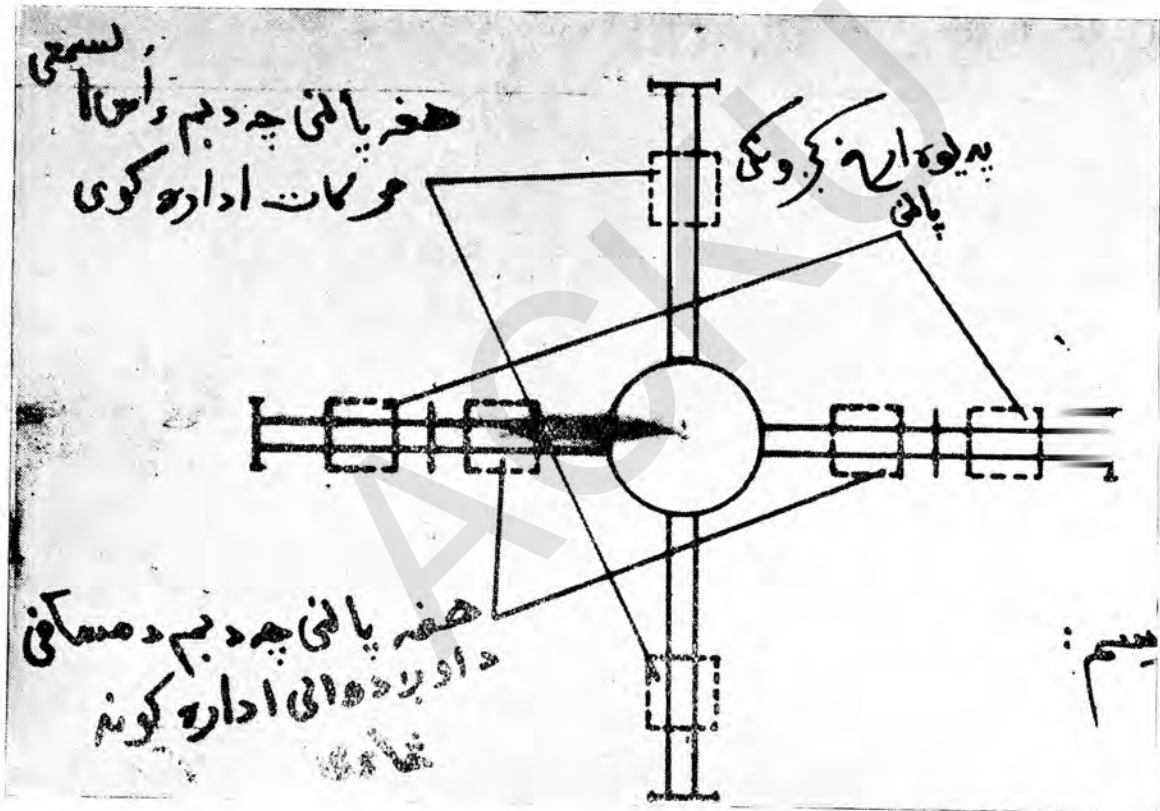
د الوتکی عمل په خپله نښی ته سموونکو بمونو د
غور لږولو په حالت کی په هینځ شی د عادی نه اداره شوو
بمونو دغور لږولو د عملیه سره توپیر نه لری، اوله دی نقطه
نظره نښی ته په خپله سم شوی بمونه دلیری لری هغه
په نسبت ښکاره برتری لری .

دلاریوول شوی بم وزرونه د الوتکو د معمولی
وزرونو سره توپیر لری .

په دوی کی په عمده صورت صلیب شکله اویا X رتبه
وزرونه استعمالیږی لکه دریم a رسم



درسم:



درسمونو تشریح:

د لارښوول شوو الوتکې بېمونه بېه مثالونه

a: د هوا غوڅوونکو پانې د کار پر نسب

لاندینی «ازون»، «رازون» او «ترزون» بېمونه

b: د لارښوول شوی بېم په وزرونو کې د هوا غوڅوونکو

کیدای شی:

پانې بېمونه کونې.

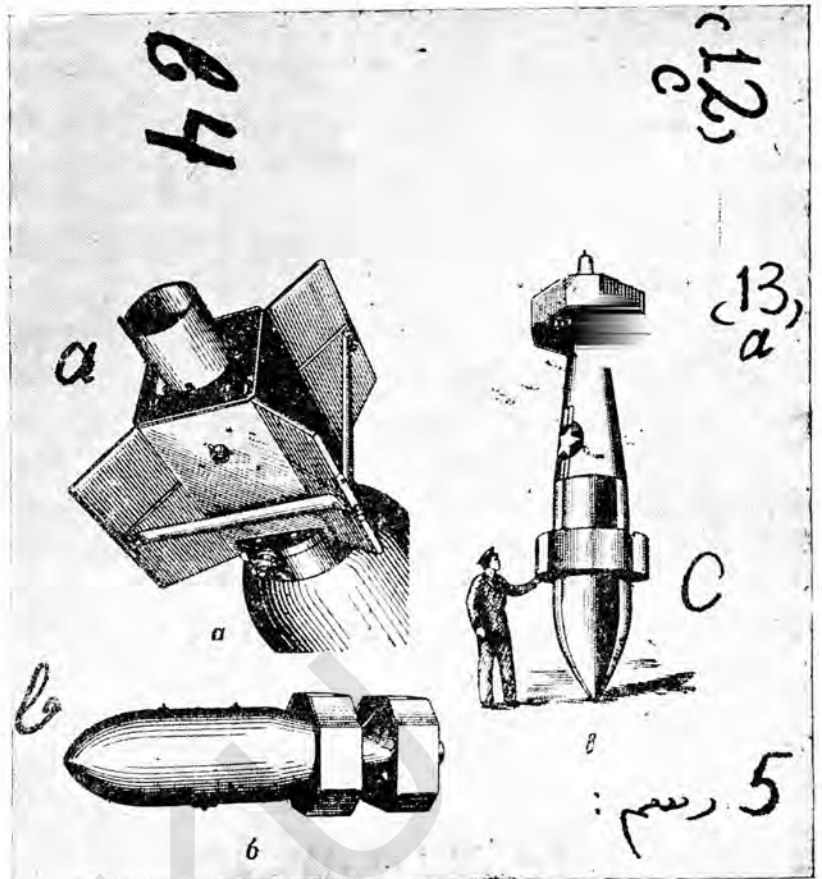
تخنیککی شوونه او روزنه

(۳۵۵ منځ پاتی کی)

استفاده کوی اوزیار باشی چه دهغوی مادونان دخپلی وسلی سره مینه پیدا کی او دهغی احترام وکړی. قوماندانان تل د دی لپاره چه مادونان په تخنیککی پرابلم کی ابتکار منځ ته راوړی شی نو د تجربی په لحاظ د هغوی منځ کی هغه افراد چه دینه استعداد خاوندان وی او تل تقدیر کړی دنشویق لپاره ئی نور هم زیار وباسی تر خود ما هر و افراد و په جمله کی وشمیرل شی حتی وکړاشی چه ابتکار هم مینځ ته راوړی دجگړی په موده د دواړو خواو د وسلو تاثیر تمبیت کړای شی.

قوماندانان ددی منظور لپاره چه په دغه برخه کی خپل هدف ته لمانځه ورسوی تل دپاره باید مشق او تمرین ته ارزښت ورکړی مادونانو لپاره نسبت نظری ته عملی تعلیم ته ډیر وخت وټا کی دادهم پاته نه وی چه یو قوماندان دا ووائی چه زما دونان دخپلو وسلو په استعمال لولو کی پوره رسیدلی دی هغه وخت پدغه برخه کی باور کولی شی چه دهغه مادونان د جز و تام په مینځ کی خپله وسله د تعلیماتوسره سمه استعمال کړای شی.

ددی پرابلم د ښه حل دپاره یواځنی کسان چه هغوی کولی شی په دغه برخه کی ښه فعالیت وکی هغه له مادونو قوماندانانو څخه عبارت دي.



د پنځم a, b او د رسمونو ځای:

تشریح: لیری لار ښوول شوی الوتکی بمونه.

a-رازون بم

q-دازون بم

d-ترزون بم

دغو بمونو ته قوماندان د هغی الوتکی څخه د راپیو سگنال پواسطه ورکول کپړی کومی چه دغه بمونه غورځولی وی، دا بمونه دنړی د دوهمی جگړی په عملیاتو او د کوریا په جنگونو کی ډیر زیات استعمال شول.

لاریوول شوی «ترزون» بم د «POK-O» او «POK-OO» بمونو دوراندی پرمختگو د نتیجیو په اساس منځ ته راغلی دی.

دغه بم په لیری اداره کوونکی سیستم سېمال دی او راپیوئی اداره کوونکی لینونه هم لری. جنگی برخه ئی انفجاری او محترقه ده. اداره ئی د دغه کپړی ایز وزرد راپوئی او اپوئی پواسطه صورت مومی.

د بم بشپړ دروندالی شپرتنه او اوږد والی ئی اته نیم متره دی

عملیات قوای هوایی بالای مواضع مدافعه ضد هوایی

(بقیه صفحه ۵۱)

قوای هوایی در ارتفاعات پست خصوصاً بالای موضعی که دارای قوای مدافعه ضد هوایی قوی میباشند متصرف شده اند. متخصصین نظامی اضلاع متحده امریکا رابطه احتمال تخریب طیاره را بوسیله راکت های رهبری شده دافع هوا به سرعت و ارتفاع پرواز تعیین کرده اند. وبالعموم طوریکه در مطبوعات عسکری اضلاع متحده امریکا نوشته شده است این احتمال در حدود ۱۵، ۲۰ الی ۲۰، ۴۰ می رسد. (به شرطیکه اگر طیاره سیستم مدافعه ضد هوایی را در ارتفاع پست یا سرعت زیاد تراز سرعت صوت کیلومتر عبور کرده بتواند)

با استفاده از طیارات قوای هوایی در ارتفاعات پست برای گذشتن از سیستم مدافعه ضد هوایی قوماندانان نظامی اضلاع متحده امریکا در وقتنام از طیارات برای تحت آتش گرفتن قبلی مواضع راکت های رهبری شده دافع هوا و تخریب طیارات شکاری قوای هوایی در میدان های هوایی شان استفاده می نمایند. بالعموم موضع راکت های رهبری شده دافع هوا بواسطه گروپ سپها کننده گذشتن طیارات شکاری تکتیکی و طیاراتی که از عرصه کشتی به سمت موضع پرواز می کنند تحت آتش گرفته میشود.

برای گذشتن از مدافعه ضد هوایی قوی دشمن نظر به عقیده قوماندانان قوای هوایی نظامی اضلاع متحده امریکا و هیئت نظامی *Nato* لازم است که از مانورهای ضد راکت و ضد طیارات شکاری استفاده بعمل آورد. این قسم مانورها را نظر به معلومات مطبوعات خارجی طیارات تکتیکی و طیاراتی که در طیاره بر های اضلاع متحده امریکا

موجود بوده است در زمان اجرای عملیات نظامی در ویتنام شمالی اجرامی نمایند. برای گذشتن از منطقه تخریب راکت های رهبری شونده دافع هوا مؤثرترین همه طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است عبارت از مانور ضد راکت طیاره با اجرای پیکر تار ارتفاع پست و بعد از آن پرواز آن به سمت هدف به عین ارتفاع پست میباشند. این نوع مانور در رسم نشان داده شده است هم چنان احتمال آن موجود است که مانور گروپی هم استعمال گردد یعنی و تیکه می خواهیم هدف زمینی را تحت آتش بگیریم طیاره اولی مانور پیکر را اجرا کرده طیاره دومی به ۹۰ درجه گردش کرده، طیاره سومی مانور کبریر و طیاره چهارم بازوایه گردش ۱۸۰ درجه از هدف دور می شوند.

در جریان استفاده از طیارات قوای هوایی نظامی امریکا در ویتنام برای گذشتن از مدافعه ضد هوایی هم چنان مانورهای فریب دهنده نیز استعمال می گردید. مفهوم این قسم مانور ها ازین قرار است که چندین گروپ طیارات تکتیکی و یا طیارات طیاره بر های امریکائی به ساحه انداخت توپچی دافع هوا داخل گردیده و آتش آنها را بطرف خود متوجه می سازند. در عین زمان طیارات گروپ ضربه نئی کوشش می کنند که از سمت مقابل به هدف نزدیک شده و ضربه را بالای آن وارد نمایند.

در اجرای مانور های مؤثر ضد راکت دستگاها و ترتیبات مخصوص رادیو الکترونی که در بین طیاره نصب گردیده است کمک می نمایند. این ترتیبات برای پیلوت اجازه میدهد که

شروع تحت شعاع قرار گرفتن طیاره را ذریعه اشارات دستگاه های را دار زمینی دشمن تعیین کرده و هم چنان زمان پرتاب و کوردینات راکت های رهبری شونده دافع هوا را تعیین می نماید. مانور ضد راکت بالعموم با ساختن پارازیت های اکتیف تعقیب می شود.

مانور ضد طیارات شکاری را در صورت عبور از سیستم مدافعه ضد هوایی بواسطه تغیر کورس، ارتفاع و سرعت پرواز طیاره انجام داده می توانند. نظر به معلومات مطبوعات خارجی قوماندانان قوای هوایی امریکا در ویتنام برای عبور از سیستم مدافعه ضد هوایی قوی از گروپ مخصوص تامینات هوایی استفاده می نمایند.

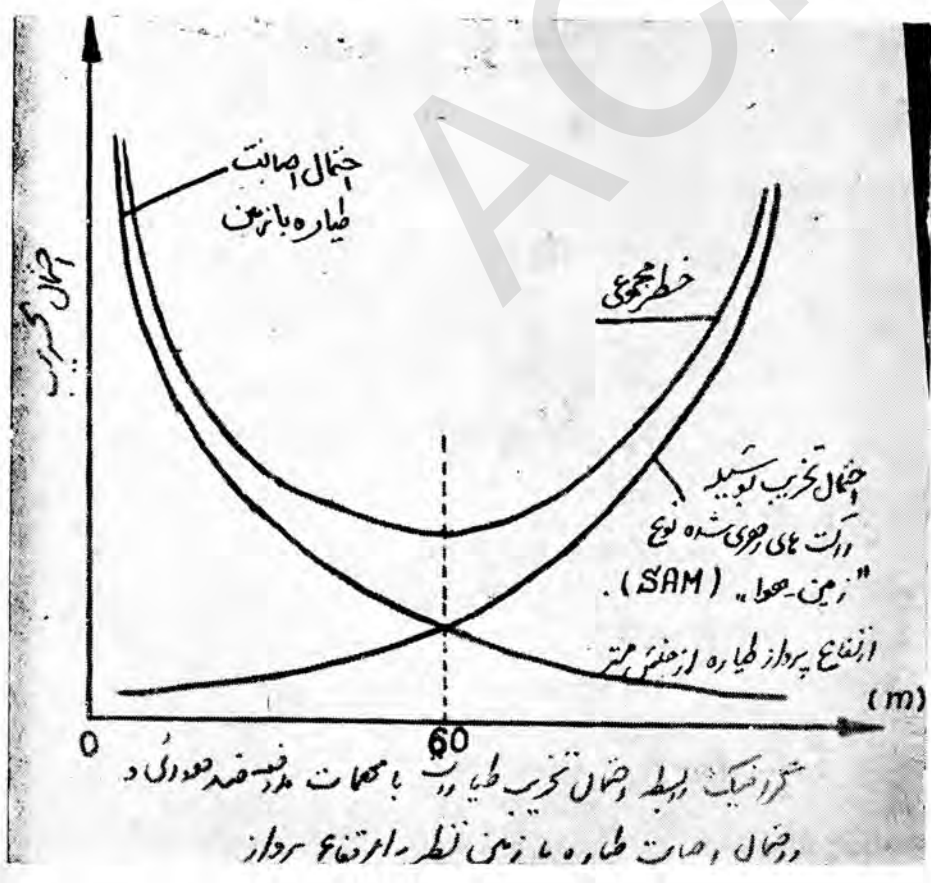
در مجله *Fling Review* (فلاینگ ریویو) ذکر گردیده است که سیستم مدافعه ضد هوایی قوی جمهوری دیموکراتی ویتنام قوماندانان هوایی امریکارا مجبور ساخته است که گروپ تحت فشار گرفتن راکت های دافع هوا و گروپ حمایه کننده از حمله طیارات شکاری قوای هوایی دشمن را تشکیل بدهد تشکیل و ساختن این قسم گروپ های تأمیناتی یک تعداد طیارات اضافی را بکار دارد البته طیارات مذکور در وارد کردن ضربه بالای اهداف و مواضع حصه نگرفته و فقط عملیات محاربه بوی یک و یا چندین گروپ ضربوی را تأمین و آماده می سازند. در زمان نزدیک شدن به موضع گروپ تحت فشار گیرنده موضع راکت های رهبری شونده دافع هوا توپچی دافع هوا می تواند در پیشرو و یا در جناح گروپ ضربوی پرواز کنند. طیارات شکاری که برای حمایه

جداسی شوند نظر به عقیده قوماندانی قوای هوایی نظامی اضلاع متحده امریکا و پلت نظامی اتلانتیک شمالی (Nato) باید در زمان عملیات طیارات گروپ ضربوی در بین میدانهای هوایی که طیارات شکاری دشمن در آن جا بجا می باشند و موضعی که بالای آن ضربه وارد می شود طیارات شکاری مانور را اجرا کنند وظیفه اصلی گروپ تأمینات هوایی عبارت از آنست که طیارات شکاری دشمن را کوبیده و نگذارد که طیارات گروپ ضربوی تحت حمله آنها قرار بگیرند. شمه عملیات گروپ طیارات ضربوی در شکل نشان داده شده است وقت زیاد خویش را قوماندانی قوای هوایی نظامی اضلاع متحده امریکا و پکت نظامی ناتو در صورت گذشتن از سیستم مدافعه هوایی قوی را تشکیل و ترتیب کردن عملیات ضد رادیویی فعال عطف کرده اند.

نظر به اساسات تحقیقاتی و عملیات و جاربوی آزمایشی در ویتنام متخصصین نظامی امریکا باین مفکوره اند که استعمال مهمات ضد عملیات رادیویی در صورت گذاشتن از سیستم مدافعه ضد هوایی قوی ضایع شدن طیارات را چندین مرتبه کمتر می سازند دستگاه های اساسی عملیات ضد رادیویی طیارات تکتیک قوای هوایی اضلاع متحده امریکا که در ویتنام اجرای وظیفه می نمایند عبارت از مرسله های پارازیت های اکتیف از قبیل ANIALQ71, ANIALQ51, ANIALQ27, QRC160 میباشند. از همه زیادتر در یک ساحه فراخی پارازیت های بی نظم اکتیف استعمال می شوند. پارازیت های مذکور بوسیله طیارات مخصوص، تولید کننده پارازیت ها ارقبیل EB-66B و EC-121K و هم چنان در طیارات گروپ ضربوی ساخته می شوند. طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است یکی از واریانت های

استعمال دستگاه های عملیات ضد رادیویی عبارت از ساختن طیارات تولید کننده پارازیت های اکتیف در مسافتات تا ۲۰ کیلو متر از سرحدات منطقه تخریب راکت های رهبری شده دافع هوا میباشند. درین زمان است که طیارات گروپ ضربوی کوشش می کنند که به موضع تعیین شده خود را رسانده و ضربه خویش را وارد نمایند. برای حمایه گروپ ضربوی در زمان گذشتن از سیستم مدافعه ضد هوایی در جمهوری ویتنام شمالی هم چنان از پارازیت پاسیف (غیر فعال) نیز استفاده بعمل می آید. پارازیت های پاسیف بوسیله انداختن منعکس دهنده های دیولی ضد رادار (به شکل فیته های فلزی و یا رشمه های شیشه ئی) ساخته میشود. برای تحت فشار گرفتن سیستم مدافعه ضد هوایی در ویتنام طیارات قوای هوایی امریکا از راکت های ضد رادار «شرایک» و ستاندردت «ARM» استفاده می کردند نظر به

عقیده متخصصین اضلاع متحده امریکا راکت های ضد رادار در آینده بسیار قریبی ساحه استعمال فراخی را برای از بین بردن دستگاه های Radar زمینی پیدا خواهد کرد. در جنگ راکت ذروی که اگر در بین ممالک عضو پکت و اساو پکت نظامی ناتو درگیر در یک ساحه وسیعی از ضربه کتلوی بالای مهمترین و پرازش ترین مواضع نظامی و اقتصادی استفاده خواهد گردید. نقل دهنده اصلی این قسم مهمات حربی به هدف معینه طوریکه سیاستمداران نظامی حکومت اضلاع متحده امریکا و پکت نظامی Nato فکر می کنند عبارت از طیارات و راکت های هسته ایست که بمقاصد مختلفه تعیین شده اند. نظر به عقیده قوماندانی نظامی اضلاع متحده امریکا و پکت نظامی اتلانتیک شمالی اولین ضربه ذروی در بالای دشمن بطور ناگهانی و باسحقین با استفاده از طیارات نظامی و راکت ها صورت میگیرد تا اینکه در شروع



حرب مسائل اساسی فوراً حل و فصل گردد .

پلانیهای تعرضی يك عده ممالک جهان استفاده اعظمی را از مهمات تعرض هوایی و کیمیاوی برای تخریب مواضع مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی مهمات و سلاحهای حواب دهند ه ضربه ویرای خراب ساختن ادار ه ملی و قوای نظامی پیشنهاد می نمایند طیارات تکتیکی از طرف قوماندانی قوای نظامی هوایی اضلاع متحد امریکا و پکت نظامی *Nato* به حیث مهماتی که برای وارد کردن ضربه بالای مواضعیکه در میدانهای عملیات محاربهوی قرار دارند پیشنهاد گردیده است . آنها مسائل ذیل را حل کرده می توانند :

- بدست آوردن و حاصل کردن فوقیت ذروی و فوقیت در هوا ؛ - حمايه مستقیم قوای زمینی در میدانهای عملیات محاربهوی ذریعه طیارات ؛ - جدا کردن مناطقی عملیات محاربهوی قوای زمینی ، - اجرای اکتشافات هوایی .

موضع اصلی وارد کردن ضربه مناطق خواهند بود که قواء در انجا تمرکز کرده باشند و هم چنان مواضع کنار ساحل و بحیره ها مهمات و مواضع مدافعه ضد هوایی . مواضعیکه دارای معلومات اکتشافاتی خوب نیستند ، اهداف کم اندازه و در آن جمله اهداف متحرک نیز شامل میباشند . طیارات کشتی طیاره بر نظر به عقیده قوماندانی اضلاع متحده امریکا تا در محل اجرای مسائل ذیل میباشند :

حمايه مستقیم قوای زمینی و نشان دیسانت ها .

وارد کردن ضربه به مراکز مهم اقتصادی نظامی خصوصاً در کنار سواحل ، اجرای اکتشافات هوایی و بحری .

نظر به مسائل فوق الذکر گفته می توانیم مواضع های اساسی که تحت

ضربه طیارات کشتی طیاره بر قرار می گیرند عبارت از مواضع پرتاب راکت ها ، میدانهای هوایی ، مناطق تمرکز بودن قواییکه در بحر قرار دارند و یا اینکه در پایگا های نظامی ابحار جا بجاشده اند و مواضع اقتصادی نظامی خواهند بود .

طیارات ستراتیژیکی نظر به عقیده قوماندانان نظامی اضلاع متحده امریکا عبارت از سلاحی می باشد که بصورت اصلی برای وارد ساختن ضربه ذروی بالای مواضع ستراتیژیکی که در عمق کشور قرار داشته باشند تعیین گردیده اند . نظر به عقیده مذکور طیارات بمباردمان ستراتیژیکی می توانند ضربه را بالای دستگاه های پرتاب راکت های ستراتیژیکی متحرک و غیر متحرک (ثابت) و مواضع بسیار مهم نظامی و اقتصادی ، میدانهای هوایی ، دیپوهای سلاحها و مهمات ذروی ، محلات قومانده ، مراکز مواصلاتی و سیستم های مدافعه ضد هوایی وارد نمایند .

در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است که برای گذشتن طیارات از مدافعه ضد هوایی قوی در شرایط جنگ راکت ذروی هم چنان لازم است که فقط در ارتفاعات پست عمل کنند . و بطور فعال بتوانند از دستگاه های ضد عملیات رادیوئی استفاده کرده و سیستم مدافعه ضد هوایی را تحت فشار گرفته و هم چنان سلاحهای جدید تعرضی هوایی را استعمال کنند .

طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است در شرایط جنگ راکت ذروی در ارتفاعات پست نه فقط طیارات شکاری تکتیکی و طیاراتیکه از غرشه کشتی پرواز می نمایند داخل ساحه عملیات می شوند بلکه طیارات بمباردمان ستراتیژیکی نیز درین عملیات حصه می گیرید . پروگرام وسیع عصری ساختن طیاره بمباردمان ستراتیژیکی *B-52*

برای این مقصد صورت گرفته است که این طیاره بمباردمان ستراتیژیکی و تمام سیستم های الکترونی آن برای گذشتن ممکنه از طریق منطقه مدافعه ضد هوایی در ارتفاعات پست آماده شود .

طیاره بمباردمان ستراتیژیکی *B-1* که فعلاً تحت ساختمان قرار دارد هم چنان برای عبور کردن در ارتفاع پست با سرعت بسیار زیاد از سیستم مدافعه ضد هوایی و وارد کردن ضربات راکتی ذروی بالای محلات و مواضعیکه در عمق خاک دشمن قرار دارند تعیین گردیده است .

در سالهای اخیر نظر به معلومات مطبوعات امریکائی در اضلاع متحده امریکا دقت زیادی برای ساختن راکت های رهبری شده *Sram* « *AGM 69A* » (با قسمت محاربهوی ذروی که بطور مجموعی از سال ۱۹۷۱ باینطرف ساخته میشوند) از نوع هوا بزمین *ASM* *Air-to-Surface missile* که قادر ب وارد کردن ضربه بالای مواضع مهم و مهمات مدافعه ضد هوایی میباشد جلب کرده اند . در پهلوی این راکت ها راکت های رهبری شونده ضد عملیات رادیوئی « *AGM-86A SCAD* » نوع « هوا - زمین » (*ASM*) (می تواند که چارج ذروی با خود حمل و نقل نماید) طرح و ساخته می شوند .

در مطبوعات خارجی چندین مرتبه ذکر گردیده است که برای منعکس ساختن پروازهای طیارات بمباردمان ستراتیژیکی که باراکت های رهبری شونده *SRAM* و *SCAD* مسلح باشند دشمن احتمالی مجبور خواهند بود که يك جالی مدافعه مقدماتی موضع مدافعه ضد هوایی را از ضربات راکت های متذکره در ارتفاعات پست بسازد . راکت های *SRAM* ، *SCAD* هم چنان می توانند از بمباردمانهای ستراتیژیکی بالای

مواضع بسیار مهم و مهمات مدافعه ضد هوایی نه فقط از ارتفاعات پست بلکه از ارتفاعات وسطی و بلند نیز پرتاب شوند.

قوماندانی قوای هوایی نظامی اضلاع متحده امریکا دقت زیاد خویش را در تهیه و عصری ساختن دستگاه‌های ضد رادیویی طیارات برای گذشتن از مدافعه ضد هوایی قوی معطوف کرده اند.

مجله - Aerospace -
International راجع با امکانات استفاده بمباران ستراتیژیکی B-1 از مهمات و دستگاه‌های ضد عملیات رادیویی چنین نگاشته است زمانیکه پیلوت تعیین کند که دستگاه‌های Radar دشمن طیاره بمباران ستراتیژیکی B-1 را کشف کرده است فوراً سرعت پرواز طیاره را تا فوق سرعت صوت زیاد می‌سازد تا اینکه زمان بودن (اقامت) طیاره را در منطقه تأثیر مدافعه ضد هوایی کم بسازد. در عین زمان عمده طیاره انعکاس دهنده‌های دیپولی ضد رادار را بیرون انداخته و پرتاب راکت ضد عملیات رادیویی SCAD را انجام



نمونه از راکت‌های عصری اتحاد شوروی

میدهد تا اینکه بتواند از تخریب راکت‌های رهبری شده دافع هوای دشمن خود در انجات بدهد. بدینصورت طیاره بمباران ستراتیژیکی B-1 فقط هنوز طرح و تهیه گردیده و دستگاه‌ها و مهمات ضد عملیات رادیویی تا الحال برای طیاره مذکور ساخته نشده است. تحلیل و تفسیر مطبوعات خارجی اجازه میدهد که ما چنین نتیجه بگیریم که در جنگ راکت ذروی پنتاگون و قوماندانی پکت نظامی اتلانتیک شمالی Nato در زمان وارد کردن اولین ضرب کتلوی از راکت‌های بالستیکی و طیارات استفاده خواهند کرد. ضربه کتلوی ذریعه راکت‌ها و طیارات در یک زمان بسیار کوچکی با استفاده از یک مقدار بسیار زیاد مهمات ذروی در پلان گرفته شده است و در نتیجه این حملات آنها می‌توانند مهمات ضربه جوابیه را تخریب کرده. گروه بندی تواما اقتصاد ملی کشور و اداره قواء دشمن را در هم و پاشان سازند. این قسم ضربات چندین مرتبه عملی شده می‌تواند. در زمان بین جنگ اول و دوم جهانی ضربات کتلوی فقط بواسطه عملیات قطاری طیارات ممکن بوده است ضربات هوایی بالای مواضع‌های گروه‌های کوچک، طیارات منفرد وارد ساخته میشود. ازین طریق نه فقط برای تخریب مواضع‌های اساسی بلکه برای اینکه مانع برپا ستاده کردن سیستم مدافعه ضد هوایی خراب شده دشمن شود استفاده می‌شود.

در اخیر لازم است که این راهم یاد آور شویم که قوماندانی نظامی

اضلاع متحده امریکا و دیگر ممالک عضو پیمان نظامی ناتو بلند رفتن امکانات مهمات عصری مدافعه ضد هوایی را در نظر می‌گیرند با اساس تجارب عملیات نظامی در ویتنام و شرق میانه دائماً آنها طرق تکتیکی جدید را برای گذشتن موفقانه از سیستم مدافعه ضد هوایی و وارد کردن ضربه بالای مواضع جبهات اولی و عمق مدافعه جستجو می‌نمایند اساس پلان گذاری عملیات محاروبی طیارات قوماندانی قواء هوایی اضلاع متحده امریکا و پکت نظامی ناتو را بدست آوردن معلومات اکتشافی مکمل بوقت و زمانش راجع به مواضع و مهمات مدافعه ضد هوایی تشکیل میدهد. با اساس این پلان‌ها باید هر مرتبه یک تکتیک جدید عملیات محاروبی برای گذشتن از سیستم مدافعه ضد هوایی و وارد ساختن ضربه بالای مواضع تهیه و طرح گردد.

در صورت عملی کردن مفکوره‌های تکتیکی ضربات هوایی بالای مواضعیکه دارای سیستم مدافعه ضد هوایی قوی میباشند باید از استعمال کتلوی گروه‌های بسیار زیاد طیارات از سمت‌های مختلف و در ارتفاعات مختلف همزمان با تحت فشار گرفتن مهمات و دستگاه‌های مدافعه ضد هوایی ذریعه راکت‌های رهبری شده نوع «هوا-زمین» (ASM) بمب‌ها به مقاصد مختلف و هم‌چنان تولید پارازیت‌های پاسیف و اکتیف برای دستگاه‌های رادار کامپلکس راکت‌های رهبری شده دافع هوای دشمن استفاده بعمل آید «پایان»

عالی افکار



که چیری لیاقت لری شهرت تاسی سیوری همیشه
در سره وی.
(ارد آویبوری)
که هر ورخ ته تغییر ور کبری په نتیجه کینی په خپل مقصد
ته و نه ریزی.
(بالانتس)
هیخ کوم شریف هدف نشته چه په نیگی ارادی انسان
ورونه ریزی.
(راداکر شان)

دسیمه ئیز امنیت په تامین کی

دعسکری قواو تدافعی ارزشتونه

ژباړه
گل زړه «زدوران»
د ح ، پ تورن

۱- مخالفه قوه او عناصر له مخه وړل او یا په دام کی اچول .

۲- نوروا ناپیوالو قواو د پاره د سرستی او ملاتړ شرایط برابرول .

۳- په یوه سیمه کی د قواو د سیمه په مقصد ، نالی قوت په کار اچول تر څو د قطعی نتیجی قواو د پاره ، په کومه یوه بله سیمه کی ، د استعمال زمینه برابره شی .

۴- تدافعی حرکات په سیاله توگه په پلان کی راوستل او تراجرا لاندی نیول د امنیت د را ټینګولو د حرکاتو یواهم جز دی . د ذکر شویو مدافعوی حرکاتو په اجرا کولو کی ، ډیر ټینګار ، د تدافعی اورونو په پلان کی راوستل او د بند یزونو پر استعمال باندی اچول کیږی . او هم په دی شان د حرکاتو سیمی ، د قطعاتو په مسؤلیت کی ورکولی کیږی ، او سیمی د مسؤلیت لاندی درا وستو په هکله ، د قواو بولندوی باید خاصه پاملرنه ولری .

۵- د امنیت د تأمینولو په تدافعی صفحه کی ، د امنیت قدمی باید د خپلو مسؤلیت سیمو په لرو برو بر خوکی ، د گزمنی او څار قطارونو (قطارهای کشف) حرکات په زیاته پیماننه اجرا کړی ، او په همدی مقصد د مدافعی له قواو څخه یوه لویه برخه قوت باید د امنیت په مقصد وټاکلی شی .

۶- د غنډ د شاتپ (احتیاط) قواو او د تدافعی قدمو د قواو تر کیب د سیمی د فرا خوالی او د مدافعه کیدونکی اراضی د څرنګوالی له مخی توپیر پیدا کوی . د مدافعی نسبتاً فراخی سیمی دا ایجابوی چه د مدافعی د قدمود عناصر په منځ کی زیات منځ ولری د مدافعی قدمه ، دا ایجاباتو په صورت کی کیدای شی چه په ډیرو وړو قطعاتو او ډلو ویشلی شی ، تر څو د مسؤلیت د سیمی په لرو برو بر خوکی تیت شوی موسسی مدافعه کړی او وټی ساتی ، په دغه وضعیت کی ، د شاتپ قدمونه ، د مقابل حرکت د قواو په شان وظیفی ورسپارلی کیږی ، تر څو هغه ډیر تاسیسات کومه چه د مدافعی قدمی ته ورسپارلی شوی وی

د امنیت د تأمینولو په حرکاتو کی ، د مدافعوی حرکات له هغو حرکاتو څخه عبارت دی ، چه د دازه ئیزو قواو د برید په مقابل کی ، دیوی سیمی د ساتلو ، او دغی په لاس کی د درلودلو په مقصد ، تراجر لاندی نیولی کیږی تر څو د همدی حرکاتو په نتیجه کی ، ملی امنیتی قواو او حکومتی اداری وکولی شی ، چه د اخلی امنیت ټینګ کړی ، او خپل انکشافی پروگرامونه پرمخ بوزی .

د نوموړیو حرکاتو په اجرا کولو کی ، دسیمه ئیزو وغیر منظم او ملیشائی قواو روزنی ته اړتیا حس کیږی ، تر څو د نوموړیو سیمو اداری مقاماتو ته د امونع په لاس ورشی ، چه دوی پخپله دخپلی سیمی د امنیت وظیفی په غاړه واخلي . په مدافعوی حرکاتو کی ناپیوالی قوا ، د مخالف جنبش قواو د برید په مقابل کی د تدافعی حرکاتو د اجرا کولو په لړ کی ، د مخالف جنبش د ملاتړ مجبورونه له فعالیت څخه لوی ، او د ټولنه یو د امنیت د تأمینولو په مقصد په حرکاتو لاس پوری کوی .

د مخالف جنبش د قواو د حرکاتو څخه د مخ نیوی په مقصد ، ناپیوالی قوا ، د برید په حرکاتو لاس پوری کوی ، مگر ددی د پاره چه په یوه سیمه کی ، د اولس ، مرکز ونه تکتیکی ټولنمی ، لوژستیکی تاسیسات ، هواتی اډی او میدانونه ، د ارتباط کرینی ، دولتی ودانی ، د مخالفو فعالیتونو له خطر ونو څخه خوندی پاتی شی ، باید دا دلاندی مواد عملی شی :

۱- د امنیت د تأمینولو په حرکاتو کی ، تدافعی حرکات په دی مقصد اجرا کیږی چه ددی لاندی ذکر شویو وظیفو څخه دیوی ، او یا ډیر ووظیفو د اجرا کولو امکانات منځ ته راشی .

۲- د مخالف جنبش د قواو د برید حرکات په شاتمبول .
۳- د مخالف جنبش د قواو د برید قابلیت کمزوری کول .
۴- یوی محفوظی سیمی ته د مخالف جنبش د عناصرو له ننوتلو څخه مخ نوی کول .

۵- د مخالفو عناصر وپرمخ د کورنی ملاتړ مخه نیول .
۶- د مخالفو عناصر وپرمخ د باندنی ملاتړ مخه نیول .

مدافعه کړی .

۵ - د اورملاتې د سیالی مدافعی او د سیمې د مختلف ډول مدافعو د پاره کوم چه وړاندی پری باندى بحث وشو ، دا ایجابوی چه حتی د ملاتړ اور قطعات د منظمو حرکاتو په نسبت لانور هم په وړو وړو اقسامو ویشلی شی مخکى له مخکى څخه د مخالفو عناصرو د اقامت په احتمالی محلو نوکى ، او د پیر مختگک په لارو باندى ، د غیر مستقیم او رتطبیب قول ، د مدافعی په اجرا کولو کى مرسته کوی هغه وخت چه د مستقیم اور ملاتړ وسلې، د مدافعی د خو کیو په شاو خواکى واقعوی سمدلاسه باید زرسوونکى سرگلولى استعمال شی ، د دوی اور په ددینمن په مستورو حیونو، او د تقریب، په لارو پیر موثروى . دا بالخصوص هغه وخت پیر اهمیت لری ، کله چه د اړه ئیزه قوه د غیر مستقیم اور د وسلو اصغری مسا فو ته را نړدی شی، او د نوروغو کیو څخه د ملاتړ امکانات موجود نه وی، مخکى له مخکى څخه باید دا ترتیب نیولى شوی وی چه د اندیوالو قواو سیمه ئیز تکتیکی حرکات د سیمه ئیزی مدافعی ملاتړ وکړلى شی .

۶- باید د اندیوالو قواو له خوا په اعظمى توگه زیار وایستلى شی چه د مشوریت ملاتړ له لاری د سیمه ئیز حکومت موجود پرسونل کړی ، وئى روزی او استعمال ئى کړی ترڅو و د غورنو او مدافعه کولو په چارو کى، د اندیوالو قواو سره د مرستې د اجرا کولو وړو گرځی .
د اندیوالو قواو د اولی اموراتو قطعات باید دې ته چمتو وی چه دولس اومنابعو د کنترولولو دپاره د منظمو اجنسیو په کار اچولو په لړ کى د قواو دیولندوی سره مرسته وکړی .

۷ - د پرسونلو امنیت تأمینول پخپله د بولندوی وظیفه ده ، اوداد ده مسئولیت گڼلى کیره ټول عسکری پرسونل، په مربوطه سیمه کى د اړه ئیزو قواو د موجودیت، او یاد احتمالی موجودیت په خصوص کى باید کاملاً تنویر شی، داوڅاوقطارونو د اجرا کولو په شمول د امنیت ټول تدابیر په کارلو پیرى، ترڅو د د اړی د قواو د بربید تاثیر کم کړلى شی .
د اندیوالو قواو تر کنترول لاندی سیمو کى ، د قطعاتو امنیت کم نیولى کیرى ، مگر بیا هم هر یولندوی دخپلى قدمي ونیو دى امنیت له نیولو څخه ئشیدیداً مسئولیت لری، او تراخړه باید د امنیت د ساتلو یولړی د سپلین وساتى .

ټول پرسونل باید د مدافعی په هغه تکتیک کى وروزل شی کوم چه د اړه ئیزو قواو د بربید په مقابل کى ترینه کار اخستل کیرى .

روزل شوی سپی دڅو کیدار انواو گز موسره استعمالیدای شی، د سیمه ئیزو گارگرانو په هکله له کلکو امنیتى تدابیرو څخه کار اخستلى کیرى . او دننه په مؤسسو او تاسیساتو کى د سبوتاژ څخه دمخ نیوی په غرض، د نوموړیو کارگرانو

پیشنندگلوى ددوی تجریدوالی او ددوی ټول حرکات تر نظارت لاندی نیول داتول د سبوتاژ په مقابل کى یو ډول تدافعی تدابیر شمیرل کیرى، د امنیت اوتحفظو ټول تدابیر باید د دوام پراساساتو بناوی او په دوامداره توگه وساتلى شی .

په تاسیساتو کى دننه او دباندی چاپیر سیمې په زیاته اندازه سره د استخباراتو تر څارنى لاندی راوستل .
- د مدافعی له مورچو څخه په باندىو سیمو کى په زیاته اندازه سره داوڅاوقطارونو حرکات تراجر لاندی نیول .

- د شاتر د سیالو قواو چمتووالی ، ترڅو د اړه ئیزو چپاوبرید سره مقابلو وکړلى شی .
- د کور دیناسیون د اجرا کولو په مقصد باید ارتباط تأمین کړلى شی .

- د تاسیساتو او د اولس د مرکزونو په مدافعه کولو کى د غذائى سوادو د ذخیر و وسلو، چپخا نواو نور هغه تجهیزاتو کوم چه د گوریلا نوا په نزد د ارزښت وړ گڼل کیرى ، په امنیت کى ساتلو ته ئى باید خاصه پاملرنه وشى .
د قاتلوغو کیو موډول، طبیعى او یا جوړ شوی بندیزونه د الارم اشارى، دروښنائى استعمال د الکترونیک څارونکى وسایطو په کار اچول او له تجدید شوی سیمى څخه کار اخستل باید د کموفلاژ او تیرایستونکو په حرکاتو کى شامل وی .

د اورډر گروونه پمچویرى، اوصحرائى تحکیمات منځ ته راوړل کیرى . د سیمه ئیزی مدافعی د سیستم سره ضمیمه او یواحى داو څاوقطارونو حرکات کوم چه په پیر زور او قوت سره اجراشى، په مختلفو وختو کى او په مختلفو لارو باندى اجرا لاندی نیولى کیرى او په هغو مسا فو کى په حرکاتو لاس پورى کوی، کومى چه له هغه لحاظه څخه په خپلو تاسیساتو بساندى، د اړه ئیزو قواو د اور تائیر کم کړى .

د تاسیساتو د مدافعه کولو وسیلې باید زر زربدلى شی .
ترڅو د گوریلا نوا له خوا د مدافعی د تر کیم، او د مدافعه کونکو دخوې او خصصیت په خصوص کى د معلوماتو د لاس ته راوستو مخ نیولى وشى .
- دیوه تاسیس، کلی، اود امنیت د قوی دپاره د امنیت تدابیر برتیرى .

د مدافعی د ثابتو مورچو، د سکینو قطعاتو قرارگاه واو د توپچى له یوی نړدی قطعى سره باید یو د اتبار وړ ارتباط منځ ته راشى .

د شاتر قوی سکنى جزو تام، باید له خپل شاتر قوی سره یواحى د مقابل بربید د اجرا کولو دپاره چمتووی ، ترڅو د کلی او یا یوه تاسیس په مدافعه کولو کى مرسته وکړى .
۱۰- کلی او یا تاسیسات، د چارچار پیر مدافعی دپاره

بر تیزی، او به هغه سیمه کې د توپچی له قطعی څخه باید د اور ملاتړ لاس ته راوستی شي .

د باصقین څخه دمخ نیوی په غرض، صحیح څو کیدارانو او غوره گزمو څخه کار اخستلی کیږي .

د پرمخ تګ پټی او تره شوی لاری، د نقبونو او یا د اتومات وسلو د اور په واسطه سره پوشلی کیږي . د پرمخ تګ لارو د پوشلو او مدافعه کونکو نه د ایقراض او خبر په مقصد د صحرائی رڼا لرونکو نقبونو څخه استفاده کیږي .

هغه سیمې کومې چې نږدی مسافې د اور په مقصد چه گور یلایان ترینه استفاده وکړي .

هغه محایونه ټول پیچو پیری او نقبونو نه باید په کی کینول شي .

د افرادو د پاره د دغو د پخوا څخه نیولی تر جگړه تیزو څو کیو پوری، د وتلو فالتو او پټی د اړی جوړ پیری، که

چیری له ما نیو څخه د ژغورنې په مقصد استفاده وشي، په ډیر پام سره باید نو موری مانې انتخاب دی، او دیوالونه ئی

باید د سپکو وسلو د اور له تا ئیر څخه دمخ نیوی په غرض مضبوط کړلی شي . که چیری یو تاسیس او یا کلی، د مدافعی په مقصد

له یوی مورچی څخه اضافه مورچی ولری، په هغه صورت کی ډیر تا کید باید د تړل شویو خندقونو په استعمال باندی

واچولی شي . په کافی اندازه هره، او تر څنډه کیدونکی (دوامدار) د اکمالاتو او غذائی موادو ذخیره په تیت شویو

او خوارو وارو ذخیره خانو کی ساتلی کیږي .

د ارتباط د تجهیزاتو د امنیت د پاره، باید کلک او صحیح تدابیر تر اجرا لاندی ونیول شي .

د جگړی د پاره دایماً استعداد درلودل، په اوزنه او د ایقراض په وقتاً فوقتاً مانور و پوری اړه لری .

۱۱- د سیمه نیز حکومت د مدافعی قواو له پرسونلو څخه، غیر بل هیجاته اجازه نه ور کوله کیږي چه د مورچو

سیمو ته ور ننوزی . یوازی هغه وخت مستثنی گنای کیږي .

کله چه هلته د زورواشخاصو موجودیت ته ضرورت پېښ شي او یا هغه خلک و کوم چه د مورچو په شاوخوا کی

اوسیدری، دوی باید کاملاً و پیژندل شي . او که ایجاب کړی، دوی باید له هغی سیمی څخه و ایستل شي .

د د اړه تیزو قواو دراتګ څخه دخبرولو په مقصد، ملگری ملکی اولس اور هلی حیوانات د مرستی وړ و بلل کیږي .

۱۲- دانه یو الو قواو په مورچو کی د محای پر محای کیدو او یا د امنیت د قواو عادی امور اتو په هکله د د اړه تیزو

قواو له خوا معلوماتو د لاس ته راوستو څخه دمخ نیوی په غرض، د کلیو او تاسیساتو مدافعی پدانونه باید دایماً

د بدلون په حال کی وی .

او د اهلته اجرا کیدای شي چه د ادلاندی موضوعاتو ته بدلون ور کړلی شي :
- د گزمو او څو کیدارانو لاری .
- د ثابتو پوستو او غوږ ایستونکو پوستو محایونه

د څو کیدارانو د څو کی (پیره داری) د بدلولو تقسیم- اوقات (محال ویش)

د شیبی نوم (یا د پیژند گلو ی کوم بله اشاره) - د باریزو وسلو ځای . (جای سلاح اوقات)

۱۳- د د اړه تیزو قواو د شیبی د برید سره د مقابلی په غرض او د شیبی له خواد کلیو او موسسو د مدافعه کولو په مقصد

د روښنائی ټولی وسلی لکه، روښنائی غورزونکی بمونه ځمکنی او یا هوائی روشنائی، د تو پچی او غریبن روښنائی غورزونکی

گولی، د پلټنور وښنائی اور نوی ټولی هغه روشنائی چه د استعمال وړوی باید په کار و لویږي .

۸- ټول عسکری او ملک مهم تاسیسات او ولسی مرکزونه، د د اړی د سبوتاژ او برغلونو په مقابل کی مدافعه

کیږي . د نوموړیو سیمو او نورو مهمو نقطو، د مدافعی په اجرا کولو کی د جگړه تیزو ټوننجیو او د ثابتی مدافعی د پوستو

استعمال هم شامل دی .

- د تاسیساتو او ولسی مرکزو د مدافعه کول، د متقابل ملاتړ پر بنسټو نو بنوای . لوی تاسیسات، کلی او یوږی

باندی، په متقابل ډول دیوه و بل په مدافعه کی سره مرسته کوی، تر هغه پوری چه نور ملاتړ او یا پیا وړی

کوونکی قواوی را ورسیری .

د تو پچی د ملاتړ اور د منزل په حدود کی د کلیو او ناسیساتو په مقابل مدافعه کی برخه اخلی .

- د هغو کلیو د مدافعه کول، کوم چه د عسکری قواو له خوا ونیولی شي . د سیمه تیزو میثائی قواو د پولیسو او

یا د غیر منظمو قواو له خوا د لومړنی وظیفی په حیث تر اجرا لاندی نیولی کیږي . د کلیو د مدافعه کول په هغه

اساساتو بنا دی، کوم چه د موسسو په مدافعه کولو کی ترینه استفاده کیږي . یوازی په دومره تو پیر چه د کلیو

په مدافعه کولو کی، د اولس او منابعو د کنترولولو، په تدابیر و باندی تا کید اچولی کیږي .

او د کلیو د مدافعه کولو د پاره د پلانونو په حاضرولو کی خاصه پاملرنه باید په کار و اچولی شي .

- فاضلی پولی، د کور دینا سیون نقطی، او د حرکاتو د پاره د سیمی بڼه داراضی دیوه شه موقعیت په اساس از

ټاکلی کیږي بلکه د اد کلیو او هستو گنجیو په موقعیت پوری اړه لری .

- د شیبی او ورغی له مخی د حرکاتو د اجرا کولو د پاره باید د امنیت تدابیر او دوامداره او څارنه تأمین شي .

- هر کله چه د اړه تیزی قوا، معمولاً د نږدی اقامت محایو څخه په برید پیل کوی نو ځکه باید د تدافعی اور په

پلانونو کی، دلنډو مسافو اور په کور دینا سیون باندی باید تا کید و اچول شي، تر څو د برید حرکات په شا و تمبوی .

(پاتی په ۰۰۱ مخ کی)

سن انتقالی

از

جوانی به پیری

نوشته:

پروفیسور پتر و فسکی از اتحاد جماہیر شوروی
مترجم: محمد اسمعیل «اختیاری»

در دوران حیات انسانها حدود معین وجود دارد که بصورت کامل چنین حدود را بنام سن انتقالی یاد کرده میتوانیم. حین فرا رسیدن همین وقت در وجود انسان جریانات پیچیده و مهم فیزیولوژیکی بوقوع میرسد. در قسمت تناسب اینکه جریانات مذکور به چه ترتیب پیش میروند نه تنها وضع جسمی بلکه خصوصیات عصبی و روانی انسان نیز تغییر می یابد. اینگونه تغییر ساختمانها در دوره اكمال سیستم تناسلی یعنی در ایام انتقال از کودکی به سن نزدیک به جوانی و بعداً به جوانی و بالاخره در پیری بوقوع میرسد آخرین مرحله این انتقال از جوانی به پیری است که وجود انسان رو به ناتوانی نبوده و همه آنرا به دوران پیری موسوم میکند.

در همه سرحدات مذکور ایجاد شرایط مساعد خارجی و داخلی که اسباب جریانات نورمال و اكمال دوره تجدید ساختمان را فراهم آورد خیلی ها اهمیت دارد. در جمله اینگونه عوامل آنچه را که تجربه نشان میدهد نقش مهم مربوط به تغذیه میباشد. من از جمله همه سرحدات فوق الذکر تنها روی یکی

از آنها که عبارت از سرحد بین جوانی و پیری است روشنی می اندازم. مسلم است که این سرحد به حیث یکی از دوران ملو از خیلی ها پیچیدگی و مسئولیت میباشد فقط در همین ایام است که جریانات مهم بوقوع میرسد و وضع فیزیکی و روانی انسان در دوران نیمه دوم آن بستگی دارد. باید متذکر شد که انتقال از سن جوانی به پیری ممکن است که در اشخاص مختلف در اوقات مختلف بوقوع برسد که این موضوع به خصوصیات ارثی و فردی وجود نیز بستگی دارد. اما در اکثر حوادث این جریان در سنین ۴۰-۵۰ سالگی برای انسان پدید می آید. در این ایام در موضوع مبادله مواد هاضمه تغییرات رخ میدهد. به جای حل کردن شدید و سریع نشایسته ها که به خصوصیات ایام جوانی بستگی دارد حل مواد روغنی بطور زیادتر صورت میگردد. سیستم ایندوکرین نیز که عبارت از هیپوفیز و غده های تناسلی است تجدید ساختمان میکند این تجدید ساختمان نیز سبب ایجاد شدن و باقی ماندن روغن زیاد در وجود میگردد و وزن بدن شدیداً افزایش پیدا می نمایند. برای اینکه وزن انسان تقلیل داده شود لازم است که رژیم تغذیه وی با اندازه فشار زیاد جسمی تحت اجرا قرار داده شود.

من کدام لایحه عددی مقدار مورد ضرورت مواد خوراکی را تذکر نمیدهم زیرا که همه نوع توصیه ها درین زمینه خیلی ها نسبی و فردی کامل میباشد. هم چنان راجع به «هیپو کیزی» یعنی طرز زندگی کم حرکتی که در آن صورت فشار جسمی بالای وجود انسان خیلی کم میشود نیز تماس نمی گیرم. روی این موضوعات صحبت های زیاد صورت گرفته و نوشته های متعدد به چاپ رسیده است تنها با تذکر بعضی مسائل اکتفا می کنم.

در رشته به آنچه که بنام تریپاد منفی گفته شده و نقش مهم را در تبارز و وزن اضافی و ظهور تغییرات شرائین قلبی دارد اهمیت خاصی قایل میشوند. در تری یاد منفی مذکور همانا «خوردن غذا به اندازه کم و تعداد زیاد پذیرفتن غذا در جریان روز و خواب کردن دوام دار بعد از خوردن طعام شب بشمار میرود.

در حالاتیکه عملاتی روز دومرتبه در اوقات صبح و شام غذا تناول می نمایند و فاصله بین پذیرفتن و غذا به مدت هفت تا هشت ساعت و حتی بیشتر دوام میکنند نه تنها سیستم هاضمه تخریب میگردد بلکه مبادله روغنی بدن نیز برهم میخورد که در نتیجه وزن بدن رو به افزایش می نهد ازین جهت در صورت خوردن غذا بعد از فاصله هر ۴-۵ ساعت طوریکه قاعده است وزن بدن افزایش نمی نماید. بعد از خوردن غذا بزودی نباید بخواب رفت زیرا که اجرای این عمل نیز سبب افزایش وزن میگردد. از همه بهتر آن است که انسان بعد از صرف کردن غذا

دسمیه نیز امنیت په تامین کی

(۹۸۵ مخ پاتی)

۱۴- اندیوالو قواوته دسکری قطعاتو په سیمه کی د ارتباطی کرښو دساتلو وظیفی ورپه غاړه کیری، دوی د ارتباطی کرښو ساتل، د دوامدار او غاړه، داو غاړه قطار په اجرا کولو د امنیت دثابتو پوستو، د سیستم منځ ته راتگ په واسطه سره ساتلی شی، د ثابتو پوستو په واسطه سره، د ارتباط د کرښو په اوږدو کی مهم او د اهمیت وړ نقاط لکه، پلونه تر مینلونه، تونلونه، دسړکونو او یا اورگاډیو او تونل ساتی دثابتو امنیتي پوستو، سائیز اولویوالی او دهغی سیمی دخلکو داوسیدونکو په تمایل پوری اړه لری، په لرو پرتو سیمو کی، امنیتي پوستی هر و مرو د هغی امنیتي پوستو په نسبت باید پیاوړی وی کومی چه د ملاتړ قواوپه نږدی شاوخواکی پرتی وی.

د امنیتي پوستو دتشکیلو او مرتبولو په وخت کی د حتی الامکان د قطعاتو د سیمنو کولو دپاره پاملرنه وشی.

۱۵- د اراضی دمساعت په صورت کی، د مدافعی دحرکاتو دپاره، دزغور و او هوایی او غاړونکو قطعاتو استعمال باید وغږول شی. دتکتیکی وضعیت دایجا باتوله مخی دنوموړیو قطعاتو په وظیفو کی باید دتکتیکی چونیو او تونلنیو مدافعه کول، د کلیو او تاسیساتو ساتل دسرحد کنترولول او وشاتړ قواو حرکات شامل وی.

د امنیت دراتینگو په تدافعی صفحه کی، زغور و او هوایی او غاړونکی جزو تامونه د گوریلا یا نو د برید و حرکاتو په مقابل نی د حرکاتو په اجرا کولو گمارل کیری.

په نوموړیو حرکاتو کی ډیر ټینگار دپلانونو په جوړولو په بیړه سره حرکت، چپا و اود شوک تر تاثیر لاندی را په وستلو اچولی کیری.

مقدار ها لسترین درخون میگردد. اما همه انواع قند «بروغن تبدیل نمیشود». قندی که در میوه جات زمینی و درختی موجود است مجرای خون را بزودی رها کرده و سبب افزایش قند دوام دارد درخون نمیگردد.

درین او اخر برای اشخاص زیادی در عوض قند کسلیست را توصیه میدارند. مواد مذکور خاصیت منفی قندی را نداشته از مجرای خون بزودی دور گردیده و فعالیت معده را تقویت می بخشد. استعمال مقدار پنجاه گرام ازین مواد برای یک نفر در شبانه روز تعیین شده است. علاوه برقندها لازم است که استعمال مواد دارای نشاسته را نیز محدود سازید. این مواد درخوراک های

بکارات سبک وزن فیزیکی مشغول شود و یا اینکه به تفریح برود.

توصیه میشود که در موقعیکه طعام شب را صرف می نمائید باید تا سه ساعت بعد از آن به خواب نروید قبل از خواب کردن نوشیدن گیلای از آب میوه جات سبب ویامالنه و امثال آن خیلی مفید دیده میشود.

مقدار تغذیه بعد از دوران ۵ سالگی باید بطور لازم محدود ساخته شود. این کار معنی میدهد که هر نوع غذا را میتوان تناول کرد اما به مصرف یک مقدار لازم باید اکتفا کرد زیرا که تا هر چند نوع مواد غذائی وسیع تر و متنوع تر میباشد نوعیت غذا نیز به همین تناسب ارزش مندتر میگردد. در حالیکه مقدار متنوعی را از خوراک حذف میدارند تغذیه کم ارزش شده و تحلیل داخلی مواد دیگری میگردد که ضرورت حیاتی دارد. پرهیزها (که گرسنگی نیز در آن جمله شامل است) به حیث میتود تداوی به حساب میرود که تعیین نوع آنرا تنها دکتور میتواند و بس بهر حال توصیه ما این است که یک اندازه محدود کردن مواد های جداگانه ضروری بشمار میرود. درنوبه اول این محدودیت مربوط به نمک میباشد مطلب این است که اضافه شدن مواد کلورات دوسدیم در تبدیل آب و نمک اثرنا مساعدی داشته و علاوه بر آن به دستگاه های تنظیم کننده فشار خون اثرات نامساعدی دارد معلوماتی بدست رس ما قرار دارد که اضافه بودن کلورات دوسدیم نیز سبب انکشاف تصلب شرائین میگردد. هم چنان کلوروناتریم سبب خارج ساختن پتاسیم میگردد که نه تنها مفید است بلکه در دوران سن انتقالی ضروری بشمار میرود.

افزودی نمک در غذا سبب تشنگی زیاد شده و نوشیدن مقدار زیاد آب نه تنها کار قلب را مشکل میسازد بلکه باعث تشکیل روغن در وجود میگردد. از همین جهت نباید خوراک خیلی تند و شور را صرف کرد. اما قدری سبزیجات پخته شده از قبیل لبلبو، زردک، کچالو، پیاز و نخود و با لخاصه سبزی های تازه (یا درنگ، بادنجان رومی) به حیث خوراک مفید بشمار میروند.

برای اینکه وزن بدن زیاد نگردد لازم است که از مربا، کیک، کله و امثال آن کمتر استعمال شود. تماماً قند ها به آسانی با آب حل شده و بزودی هضم میگردد. استعمال زیاد قند در بالای کار غده های معده اثرات نامطلوب دارد. قند به آسانی بروغن تبدیل میشود. علاوه بر آن در جمله افزایش قند تشکیل روغن در وجود از اثر قابلیت تقویتی همه مواد خوراکی دیگر برای تبدیل شدن بروغن تبدیل میشود علاوه بر آن در جمله افزایش قند تشکیل روغن در وجود از اثر قابلیت تقویتی همه مواد خوراکی دیگر برای تبدیل شدن بروغن از دیاد می باید معلومات حاصل شده است که استعمال زیاد قند سبب افزایش

کار جالب دانشمندان چینی

معالجه آپانديسيت بدون عمل جراحي

اخيرا دو نفر از دانشمندان جمهوريت مردم چین در پيكنك موفق شدند آپانديسيت و عفونت های صفاق را که در تمام جهان فقط با عمل جراحي معالجه می شود، بدون جراحي معالجه کنند. این دو طبیب ادعای می کنند که با کمک همکارانشان در بیمارستان شفاخانه پوهنتون پيكنك بیش از ۸۰۰ نفر بیمار آپانديسیتی را بدون عمل جراحي معالجه کرده اند و همگی نیز بهبود یافته اند، امید زیاد می رود این طریقه معالجه در سایر جهان عمومیت پیدا کند و مریضان مبتلا به آپانديسیت بدون عمل جراحي درمان شوند.

چگونه دست قطع شده نجاری،

به بازوی وی پیوند زده شد...

در کنفرانس اخیر جراحان آکادمی سانفرانسیسکو دکتر «هویس» استاد جراحي پوهنهی طب پوهنتون «هاروارد» شرح حال بیماری را داد که دست قطع شده وی وسیله او و همکارانش به بازو پیوند شده بود. جریان به این ترتیب بود که، جوانی ۲۷ ساله بنام «راسل» در کارگاه نجاری خود وسیله اهر برقی دستش از مچ قطع می گردد. مصدوم با کمال خونسردی ماشین را متوقف و دست را برمی دارد و سپس از اطرافیان تقاضای کمک می کند. مسئول کارگاه از دیدن این منظره بیپوش می شود ولی مصدوم با خونسردی تقاضای می کند که بازوی او را ببندند تا کمتر خونریزی کند... خلاصه، این دست بریده در اسرع وقت و با شخص مصدوم به شفاخانه «ماساچوست» انتقال مییابد و مصدوم بوسیله دکتر هویس و یارانیش در مدت ۲ ساعت و نیم تحت عمل قرار می گیرد و دست بریده شده به ساعد پیوند می گردد.

اکنون بناغلی «راسل» پس از گذشتن ۴ سال از پیوند عضو از دست رفته را مجدداً باز یافته و در تمام کارها چه سبک و چه سنگین بطور عادی از آن استفاده می کند دکتر هویس توصیه می کند که عمل پیوند دست و حتی با امکان دارد، بشرطی که شخص مصدوم خونسردی خود را حفظ کند و عضو بریده شده در اولین فرصت در یخ قرار گیرد و به شفاخانه آورده شود.

از جملات فوق الذکر واضح گردید که باید و لزوماً هر نوع خوراک مورد استعمال قرار گیرد. (این موضوع به اشخاص نسبتاً سالم تعلق دارد). باید کوشش شود که مقدار خوراک یومی از مواد مختلف تشکیل گردد و وظیفه اساسی این است که بسیار زیاد نخورید، یعنی باید در روز چند مرتبه هر بار به مقدار کم غذا تناول نمود «انجام»

آردی سورت عالی، برنج، کچالو موجود میباشد. اما در کچالو مقدار آن زیاد نیست. بادر نظر گرفتن اینکه کچالو برای وجود یک تعداد نمک و حجره های اکتیف رادر وجود زیاد میسازد حذف نمودن آن از خوراک لزوم ندارد.

نشأسته با مقدار زیاد حجره ها در نان های که از سورت آرد ادنی ساخته میشود وجود دارد که محدودیت کامل آن لازم نیست ازین مواد در سبزیجات تازه نیز وجود دارد.

باید استعمال روغن را محدود ساخت که روغن نباتی نیز در آن جمله شامل است. در حال حاضر بطور عملی اساساً معلوم گردیده که بکار بردن روغن نباتی تنها به عوض کمبودی مسکه و روغن های حیوانی لزوم ندارد. مقدار ۲۵-۳۰ گرم روغن نباتی در یک شبانه روز برای یک نفر به حیث لایحه مناسبی بشمار می رود. در محدود کردن معتدل غذا کدام اساسی برای حذف کردن چنین روغن های قیمت به از امثال مسکه وغیره وجود ندارد زیرا که استعمال مقدار ۲۰-۲۵ گرم ازین روغن ها در شبانه روز بطور کامل مجاز میباشد.

طوریکه معلوم است در وجود انسان توازن مقدار اسید و الکلین حفظ میگردد. برای اینکه توازن مذکور برهم نخورد نباید از خوراک های که دارای مواد رادیکال ترش هستند بمقدار زیاد استعمال گردد. مثلاً مواد اسامی مانند گوشت، ماهی، تخم، پنیر و کلچه و کیک به حیث حامل و دارای چنین رادیکال ترش میباشد. طوریکه مسلم است این موضوع معنی آنرا ندارد که خوردن مواد فوق الذکر مجاز ندارد بلکه در مصارف خود تعادل در بین آنها و مواد حاوی الکلین که عبارت از سبزیجات، میوه جات درختی و زمینی، شیر و مواد ترش شیری میباشد برقرار گردد.

در نورمال ساختن تبدیل مواد هاضمه - مواد لیپو تروپ که به اندازه زیادی در ماست وجود دارد، هولین که در زردی تخم مرغ موجود است، اینوزیت که در بالای مبادله هال سترین کمک نموده و هم چنان تاثیرات خوبی در بالای سیستم عصبی دارد سهم میگیرند. در عین زمان اینوزیت در کار تنظیم نمودن فعالیت های موتوری معده و امعاء سهم دارد. مالته، نخود سبز، خربوزه، گوشت، ماهی، تخم مرغ و کچالو به حیث منابع اینوزیت بشمار میروند.

ویتامین های P و C دارای فعالیت محکم کننده مفصل ها بشمار میروند. اسید اسکوربین نیز مبادله ها لسترتین را تنظیم میکند.

در حالاتیکه این ویتامین ها را در زمان واحد استعمال میدارند آنها فعالیت همدیگر را بطور متقابل تقویت میدارد من از منابع طبیعی ویتامین C (که عبارت از میوه جات درختی و زمینی و سبزیجات) میباشد تذکر میدهم. در مواد مذکور ویتامین سی یا ویتامین P همراهی دارد.

تراټومی چاودنی وروسته د وسلو او جنگی وسایطو د پاکولو ترتیب



د مړتابو سترگو ته ضرر ورسوی .
دټا نکونو او ذات الحر که توپونو تطهیر دهغوی د مړتابو
په واسطه اجرا کیږی . دټا نکونو او ذات الحر که توپونو
په سطحی تطهیر کی باید ترټولو دمخه لمړی برخی پاکي
شی چه دهغوی سره ډیر تماس کیږی وروسته بیا دهغوی
داخلي برخی لکه محاروبی قسمت، اداری قسمت، دستگیرونه
او داسی نور پاک کړی شی . د الوتکو په سطحی تطهیر کی
باید اول هغه خارجی برخی پاکي شی چه دهغوی د تماس
کولو څخه دجلو گیری امکان نه وی لکه کبین ته
د داخلیدو لار، دکبین سر . که چیری دکنترول په نتیجه
کی دا غرگنده شوه چه دکبین داخلی برخی هم رادیو
اکتیفی مواد لری باید هغه هم په دقت سره پاک شی .
مکمل تطهیر البته هغه وخت اجرا کیږی چه داتومی
ککړی منطقی څخه قطعات خارج شوی وی . داهم باید
ووايو چه مکمل تطهیر په مخصوصه منطقه کی دیوه ټا کلی
پروگرام سره د فنی اشخا صو تر نظارت لاندی اجرا کیږی
په مکمل تطهیر کی وسلی او جنگی وسایطو په اوبو منخل
کیږی دمنخلو دپاره دمخصوصو برسونو، نخي ټوټو
واټر پمپونو، مخصوصو موټرونو چه دآب پاشی ترتیبات
لری کار اخیستل کیږی، برسیره پراو بودامکان په صورت
کی دبنزینو، خاور وتیلو څخه استفاده کیږی .
مخ کی له دی چه په تطهیر شروع وشي باید دجنگی
وسایطو څخه جبهه خانه، سامان او آلات وغیره ویستل شی
برسیره پردی باید دټا نکونو قلی او الوتکو دکبین قنرونه
او بملوله وتړل شی ، ترڅو چه داوبو دنفوذ څخه دوسایطو
داخل ته مخ نیوی شوی وی . پس له هغه دمنخلو فعالیت
دوسایطو دپاس نیو برخی څخه شروع او په ترتیب کینته
راشی ترڅو چه داوبو دجریان له امله په خپل وار کینتنی
قسمتونه هم و منخل شی . دټا نکونو او الوتکو داخلی برخی
دمخصوصو برقی جاروگانو په واسطه پاک کیږی . تر تطهیر

په پخوانی مضمون کی مودی ټکی ته اشاره کړی
وه چه دذره وی وسلو په ضد تطهیر په دو ډوله ویشل
کیږی :
قسمی (سطحی) تطهیر او مکمل تطهیر . دوسلو او جنگی
وسایطو داتوم په ضد سطحی تطهیر کت مټ ډیرسونلو
دسطحی تطهیر په قسم یا په اټومی ککړه منطقه کی او یا
دککړی منطقی څخه له خارجیدو وروسته اجرا کیږی
او داجرا طرزئی داسی دی چه نخي پاکي ټوټی چه
داتومی تاثیراتو څخه ساتلی شوی وی په پاکو اوبو کی
لندی کړی (مقصد دپاکو اوبو څخه دادی چه اټومی
ککړی والی ونلری) وسلی او جنگی واسطی په هغه باندی
صفا کړی که اوبه موجودی نه وی په داسی حال کی
باید دخاورو تیلو یا بنزینو او نورو محلولاتونه استفاده
وکړی . که چیری نوموړی مایعات موجود نه وونودری
غلورنخله دی په وچوټوټو صفا شی .
دپاکولو ترتیب باید داسی وی چه دلحا نگرېو وسلو
(لکه توپک یا ماشیندار) دموترونو، ټانکونو او الوتکو
هغه برخو ته ډیره توجه وشي چه دهغوی سره ډیرتماس
موجودی لکه دوسلی قبضه دوسایطو سیتونه، دستگیرونه
او داسی نور . که چیری محاروبی وضعیت امکان راکوی
په داسی حال کی باید سپکی وسلی (توپک، ماشینداره
تفتنگچه، ماشیندار) توپونه او هاوانونه چه رادیواکتیفی
مواد لری بیه پاک کړی شی ترڅو چه رادیواکتیفی مواد
ورڅخه ډیر ته شی په دی ترتیب به په زیاته اندازه
درادیواکتیفی موادو خطر له منځه ولاړ شی . دتوپونو
اوهاوانو نوسطحی تطهیر دهغوی په موضع گانو کی غای په
لحای اجرا کیږی ، دتطهیر په وخت کی اپتیکی آلاتو ته لکه
نشا نگاه، دوربینونه، تله متره دایره نشان او داسی نوروته
باید جدی پاملرنه وشي ځکه چه دنوموړو شیانو په رادیو
اکتیفی موادو ککړتیا سره داحتمال موجودیدای شی چه

وروسته که د دوزو متریکی کنترول په نتیجه کی داغرگنده شوه چه تر اوسه پوری هم د رادیو اکتیفی موادو تاثير موجود دی، تطهیر تکرار شی ترڅو چه نوموړی تاثير یا بالکل ورک او یا اصغری اندازی ته چه د تحمل وړوی ورسیری .

دالبسی او تجهیزاتو تطهیر:- دالبسی، تجهیزاتو او دکیما ضد انفرادی واسطی (ماسک گاز) په سطحی تطهیر کی هر نفر خپل متعلقه شیان پاڼوی او قاعدتاً هغه وخت نوموړی تطهیر اجرا کیږی چه دوسلو او جنگی وسایطو سطحی تطهیر پای ته رسیدلی وی که چیری نوموړی تطهیر د ککړی منطقی څخه د ناندی اجرا کیدو و باید لمړی رادیو اکتیفی گر دونه دالبسی څخه وځنډل شی او دامکان په صورت کی ددی تطهیر دپاره داو بو څخه هم کار اخیستل کیږی . د ژمی په موسم کی دالبسی او تجهیزاتو تطهیر دپاره دپاکی واورى څخه چه رادیو اکتیفی مواد نلری هم استفاد ه کیدای شی لکه چیری دالبسی او تجهیزاتو د پاسه محافظه وی بالاپوش (لکه چه په تیر و مضا مینو کی دهغی په باره کی بحث شوی دی) اغوستل شوی وی په داسی حال کی باید صرف هغه برخى چه د بالاپوش څخه خارج وی وځنډل شی یا ومنځل شی .

دالبسی او تجهیزاتو مکمل تطهیر په مخصوصو محایو کی د فنی اشخاصو له خوا اجرا کیږی وروسته بیا دوز متریکی کنترول اجرا کیږی پس هغه افرادو ته بیرته ورکول کیږی . که چیری د دوز متریکی کنترول په نتیجه کی داغرگنده شوه چه تراوسه پوری هم البسه او تجهیزات په لوړه سوپه رادیو اکتیفی مواد لری باید نو موړی البسه او تجهیزات عوض شی .

دخوراکی موادو او اوبو تصفیه :- هر ډول خوراکی مواد او حیوانی خواړه چه تراندازی زیات رادیو اکتیفی مواد لری باید تصفیه شی یعنی رادیو اکتیفی مواد ورڅخه بیرته شی . دخوراکی شیانو هغه ذخیری چه په رادیو اکتیفی موادو ککړی شوی وی او په عاجل ډول د هغی څخه د استفادی ضرورت نه احساس کیږی بهتره ده چه هغه له منځه یووړل شی (امحاشی) . تر انومی چاودنی وروسته ټول خوراکی مواد او حیوانی خواړه تر دوزو متریکی کنترول لاندی نیول کیږی ترڅو چه درادیسواکتیفی موادو سوپه په ټولو خوراکی شیانو کی معلومه شی اود تصفی دپاره ئی یوه طریقه وټاکل شی . باید داهم ووايو چه د خوراکی شیانو د نوعیت له کبله (غوینه ډوډی بوره، مالگه، چای او داسی نور) اود هغی د بار جامی نوعیت چه ایا نوموړی شیان په صندوق کی، بوجیو کی اویا د کنسرو په ډول دی د اسوال را پیدا کوی چه د کوم ډول تطهیر څخه استفاده و شی چه البته دا انتخاب اسان کار ندی ځکه چه پورتنی ذکر شوی خوراکی شیان هر یو ځانته علیحده علیحده خواص لری . برسیره پردی داهم باید په نظر کی ولرو چه د تصفی دپاره کوم تخنیکى وسایل او امکانات زموږ په لاس کی موجوددی . خوراکی مواد او حیوانی خواړه چه په بوجیو کی وی هغه په نورو پاڼو بوجیو کی اچول کیږی . هغه خوراکی شیان چه د کنسرو په حال (گرمتیکی پار جاسه لری) وی دهغی پا کول په لنډ وټو کرانو او برس اجرا کیږی . هغه خوراکی مواد او حیوانی خواړه چه د رادیو اکتیفی موادو څخه پاک او تصفیه شوی وی باید علیحده وساتل شی او نښانی شی . ترڅو چه شدید ضرورت نه وی باید مصرف نکړای شی اویا تر ټولو وروسته مصرف شی هر وخت چه د مصرف



دانگلیسی توپونو یوه نمونه په بیدیا کښی

کيهان عبارت از محيط خصوصيست

تاريخ انكشاف لين را ديونى



از ابتدا لين هاى ارتباط راديوئى كه داراى طول ۲۵۰ متر بود الى زمان استفاده كردن از عصرى ترين اعمار مصنوعى زمين كه قادر اند ارتباط راديوئى را بين يكديگر و يا محليكه در روى زمين واقع باشند تا مين نمايد هنوز كمى بيش از ۷۰ سال مى گذرد .

روز ۲۳ اپريل ۱۹۶۵ روز بكار انداختن قمر مصنوعى ارتباطى شوروى بنام مولينا - ۱ در مدار بيضوى بلند تر باطراف زمين ميباشد . پرتاب اين قمر و انكشاف بعدى آن در مورد استفاده از لين هاى ارتباطى راديوئى به مقصد پخش كردن اخبار بصورت راديو تيلفونى ، تلگرافى و تلويزيونى در مسافات نهايت طويل از هر يك محليكه در روى زمين واقع باشد عبارت بوده است .

لين هاى اولى ارتباطى راديوئى اخبار را بطور كود با حروف مورش ب معاونت اشارات تلگرافى ارسال مى كرد . انكشاف بعدى راديو تخنيك زمينه را بمقصد تا مين ارتباط تيلفونى توسط راديو مساعد ساخت و بعد از پخش كردن مخابره راديوئى ارسال تصاوير ثبت (فوتو تلگرافى) و سيار (تلويزيونى) اجرا شد .

انكشاف مزيد تخنيك راديو شرايط را هموار ساخت تا هم چنان مسائل مثل كشتى رانى ، راديوئى ، رادارى و راديو تيلى ميخانيكى كه قبل از آن توسط ديگر وسايل مجاز

نبوده اجرا شده است .

اعمار و پرتاب قمر مصنوعى زمينى ساخت اتحاد شوروى كه تاريخ ۴ اكتوبر ۱۹۵۷ انجام گرفت بحيث قدم اول در راه تسخير فضا ئى بين سيارات و اجراى پرواز هاى كيهانى محسوب مى شود عالم اتحاد شوروى سالكو فسكى در شروع قرن ۲۰ بيان كرده بود كه اعمار اعمار مصنوعى در اساس تسخير فضا ئى كيهانى و اجراى پرواز ها بدور ترين سيارات در منظومه شمسى بحيث پرابلم اساسى بميدان خواهد آمد مگر انكشاف بى مثل و بى سابقه راديو الكترونيك زمينه اداره فعاليت تجهيزات ته كشتى هاى فضا ئى را ميسر ساخت كه در اثر پرواز كيهان نوردان باطراف زمين و بديگر سيارات تا مين ارتباط كه هم چنان به اساس موفقيت بيشتر راديو الكترونيك عصرى مربوط دانسته ميشود ضرورت حس ميشود .

بنوبه خود موفقيت در ساحه تخنيك راکت ها اجازه ميبهد كه اعمار مصنوعى ريلى كنده (دستگاه هاى آخذ و مرسله راديوئى) را بعمار زمين انتقال داده و مى توان از آنها بمقصد تا مين و تا مين دور ترين مخابره راديوئى در شرايط زمينى استفاده كرد .

مفكوره ريلى كردن تصاوير تلويزيونى بكمك دستگاه پرواز كنده براى اولين مرتبه در سال ۱۹۳۷

يك عالم اتحاد شوروى شما كوف پيشهاد كرد . هم چنان عالم مذكور در سال ۱۹۵۰ در باره امكان استفاده از اعمار مصنوعى زمين بمقصد ازدياد كردن مسافه مخابره و حدود دياپزون امواج ماوراى كوتاه نظرياتى داده است .

پرتاب قمر مصنوعى زمين ساخت اتحاد شوروى براى اولين مرتبه در جهان راه را براى استعمال پركتيكى اعمار مصنوعى بمقصد تا مين مخابره در بين چند ين دستگاه ها ئيكه در زمين قرار دارند باز كرد . تا مين كردن مخابره ذريعه اعمار مصنوعى زمين و دو طريق ممكن است بكمك ريلى كنده هاى اکتيف و ريلى كنده هاى پايه در طريقه اول تا مين ارتباط توسط دستگاه هاى راديوئى كه داراى مرسله و اخذه بوده . و در فضا قرار دارند صورت مى گيرد .

اشاره اتيكه از زمين ارسال ميشود بوسيله آخذ راديوئى اين دستگاه اخذ گرديده و تقويه ميشود بعد از ان از طريق مرسله راديوئى بزمين (به دستگاه مطلوبه) ارسال مى گردد . تا مين ارتباط بكمك ريلى كنده پايه موجوديت دستگاه هاى آخذ و مرسله را در فضا ايجاد نكرده و صرف موجوديت جسمى كه انعكاس امواج راديوئى را تا مين كرده بتواند كفايت مى كند كه در اين صورت در زمين موجوديت دستگاه هاى مرسله بسيار قوی و آخذه هاى كه داراى حساسيت

بسیار زیاد نسبت به ریلی کننده اکتیف باشد ایجاب می نماید . سیستم های مخازنه توسط سفینه های فضائی با انتقال اشارات طور پاسیف مورد استفاده قرار نگرفته اند . زیرا مشکلات زیادی در حصبه احداث بو تانسیل تغذبوی سیستم های مذکور و غیره بوقوع پیوسته است . نظر به تحقیقاتیکه از طرف دانشمندان اتحاد شوروی و سایر کشورهای جهان بعمل آورده شده است معلوم گردیده است که لین های ارتباط رادیوئی پارسفینه های فضائی ریلی کننده ها مقام شایسته خویش را در سیستم های مخازنه الکتریکی اشغال کرده است و بدین صورت تا اندازه ای از بکار بردن دیاپزون فریکانس های که تعداد زیاد دستگا های رادیوئی بدان فعالیت می کند کاسته شده است . در عصر علوم تخنیک پیشرفته کتونی انکشاف ارتباط لین های رادیوئی در تمام ساحه ها یک چیز جدید بحساب رفته و ضمناً حجم

انتشاراتیکیکه می بایست بوسیله آنها پخش کرده شود نیز روبهزاید است و برای اینکه موافق بمقصد و ضرورت خواهشات متزاید مقتضی در کانالهای مخازنه رادیوئی با استفاده از دیاپزون وسیع امواج رادیوئی اجرا شود ایجاب می نماید تا دیاپزون ماورای امواج کوتا در عصر حاضر باندازه زیاد در لین های مخازنه رادیو ریلی مورد استعمال قرار بگیرند . مگر نظر به خصوصیات استعمال امواج ماورای کوتا در شرایط عادی ارتباط رادیوئی ثبت و با اطمینان در حدود دید مستقیم رادیوئی بین اتن ها تجدید کرده میشود .

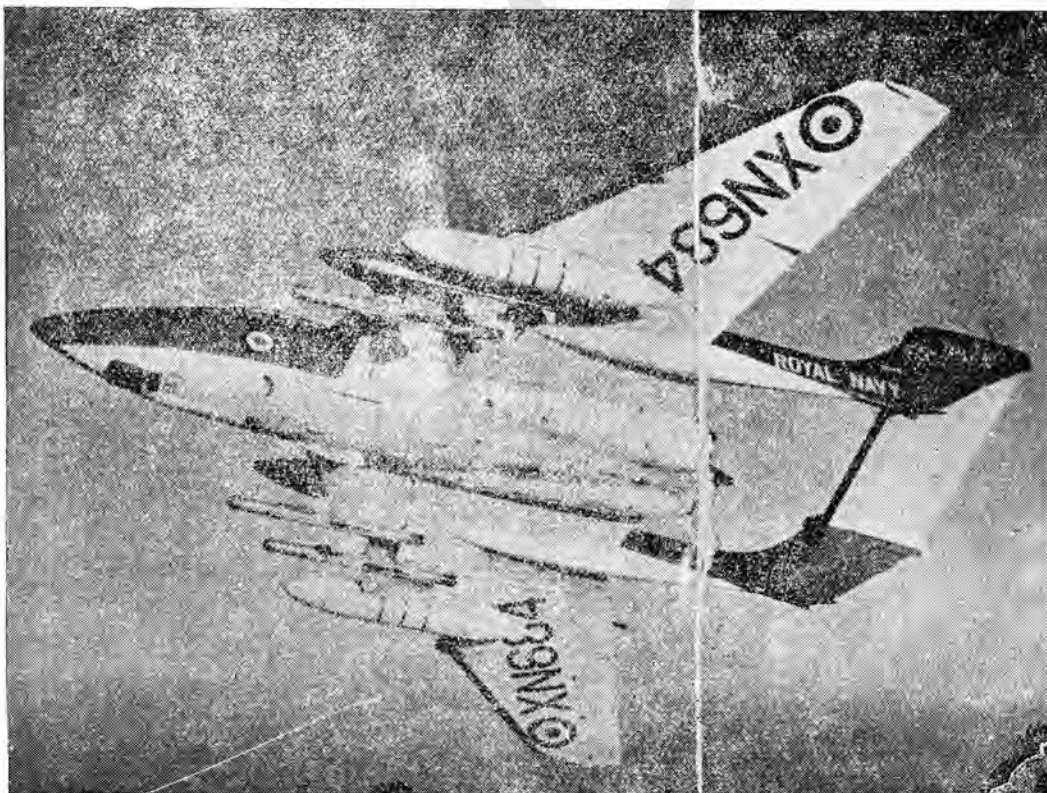
تجارب بکار انداختن امواج ماورای کوتا در لین های ارتباط رادیوئی نشان میدهد که مسافه مخازنه رادیوئی در ارتفاع آنتن از ۳۰ الی ۷۰ متر مسافه مخازنه ۳۰-۷۰ کیلومتر تجدید میشود .

برای احاطه کردن مسافات بسیار طویل در ارتباط مخازنه رادیو ریلی

لازم می افتد که از یک تعداد زیاد دستگا های فاصلوی ریلی کننده استفاده بعمل آید . درین صورت بهراندازه که از تعداد زیاد دستگا های ریلی کننده استفاده شود بهمان اندازه پارازیت زیاد گردیده ، اخبار ارسال شده خراب فهمیده شده و قیمت سیستم مذکور زیادتر گردیده و اطمینان فعالیت آن پایان می افتد . استعمال اقمار مصنوعی زمین بجهت دستگا های ریلی کننده و عطلی که در فضا واقع می باشند از استعمال ریلی کننده های زیاد بمقصد احاطه کردن مسافات بعید با امواج رادیوئی کاسته و تماماً فواقص فوق الذکر را بر طرف مسازد .

همچنان لین ارتباط رادیوئی با استفاده از قمر مصنوعی ارتباطی مولینا اجازه می دهد و با استعمال یک ریلی کننده در بین مسکو و ولادی وستوک که از همدیگر در فاصله بسیار دوری قرار دارند مخازنه با اطمینان رتامین کرد .

پایان



نمونه از طیارات عصری
قوای هوائی اروپائی

لندی

پښتو دهلې ادب لړۍد خزانده

په دوام

مرتب اوټولونکي : محمد مصطفي «ميرزي»

بنده به وي چه

پوه شو

دغه کسانو دغه شيان کشف او اختراع کړيدي :

آنده امير - فرا نسوي رياضي پوه او فزيسين دي چه د (۱۷۷۵) څخه ئي تر (۱۸۳۶) کالو پوري ئي ژوند کړي او د الکترو دينامو او برق جريان کشف کوونکي دي .

دني پايڼ - هغه فرانسوي فزيک پوه دي چه د لوسرې محل لپاره ئي د بچار قوه کشف کړه او د بخار ديگ بي جوړ کړه .

نوموړي له (۱۸۱۴) څخه تر (۱۸۴۷) کسال پوري ژوند کړيدي .

ها نري بکرل - دارد يولمړي محل دپاره د اورانيوم د وړانگي په خاصيت پوه شوه اوله (۱۸۵۲) څخه ئي تر (۱۸۹۸) کاله پوري ژوند کړيدي .

لويي پاستور - هغه فرانسوي کيميا پوه دي چه په مکروب پيژندنه کي ئي خورالوي برلاس درلود او دخپل دغه کار سره ئي د طب نړي بدله کړي .

په (۶۰) کلني کي ئي دليونې سبي واکسين کشف کړل او بشريت ته ئي لوي خدمت تر سره کړ او په (۱۸۹۲) کال کښي د هغه د خدمتو په خاطر يو ستر جشن جوړ شونو موري له (۱۸۲۲) څخه تر (۱۸۹۵) کال پوري ژوند کړي دي .

ټاکور

په تور اوريل به دي زه قبر يا کومه يوبڼه زلمي دي بل ئي کړي جها دونه دخپل جان سره جوړه سنگر ته ځمه سپينه خولگي به لکه غوري پسي وړمه بيا مي پښتون د تيرامه بوله مينه بيا به دي دنجوني دمزار سلام کوينه زه به دسروشونډو شربت در کړم مينه پښتون بي غور دي ننگي نه قبلوينه ننگ دپښتون دي آشنانه منعده کومه کوردي بجاي نه شته بل وطن ته ځه مينه مالر هښه دي نه چه کور ساور کومه دسپيلني به شان دي اور کښي وسولځمه کله دښځو به ټيکري در پسر کړمه چه غليمانو باندي وکړي غورځنگونه غزاله لار شه بري شرط را وړه مينه

ل

چه دآزاد وطن به مينه کښي به مرو نه چه دهمزو لوله پيغوره خلاصه شومه په کور او کلي دښمنان را وخاتنه ځوانان پسر و تور وورځي نجوني کښينه پريښکاني در کړي خوله پښيمانه يومه

م

د چنار څانگوئي لونگک نيولي دينه يارمي دتور وپه ميدان کښي لوبيدنه خيالي ځلمو په تور و مات کړل سنگرونه جانان له جنگه ډير بند يان راوستي دينه مرچل ته سم در سره ځمه مينه مادي په سر ډير ايښود لي دي شرطونه دوطن جنگ دي په دښمن و کړه تاختونه

که نه شهيد شولي جانانده که جهان مري اکبر دي نه مري که څوک خپه که خپه نه وي که ددښمن مخ ته ئي مخ کړ که ددښمن نه په غټ راغلم که دوطن په ننگ شهيد شوي که دي غيلم ته ماتي ور کړه که زه ميره وم بخان به جار کړم که شينکي خال مي مير اتيري که له ميداننه په شا راغلي که مي په توره مغزي پري شي که مي دښمن ته جنگ کښي شا کړه که نامرد دي جنگ کښي وکړه که وارد دي ياره دغه وارد دي که ياري زما غواړي هلاکه

لاليه دغه زمونږ فرض دي لاليه سر په وطن کښي ده لاليه ملا تره غيرت کړه له تورو څنگه مه کړه لاليه له سپيني توري نه دي لرېلو د

مادوطن تر خاورو جار کړي ما سپيلني ورته لوگي کړي ما سپيلني ورته لوگي کړي مبارکي را کړي عالمه مرچل ته بي له مانه مه ځه مرچل ته ژر خيره جانانه ملا تره جنگ ته روانيره

استفاده از خاصیت های معجزه آسای شعاع لزر در شقوق مختلف صنعت، الکترونیک و رادیو



متعلق به آن) بحث خود را دوام داده و در اخیر صورت بدست آمدن آنرا تفصیل بدیم .

میدانیم که در اطراف هسته اتم يك تعداد الكترون (مطابق به نمره اتمی عناصر و جدول مندلیف) موجود بوده و این الكترون ها بالای مدار های معین در گردش هستند. تمام الكترون ها دارای يك اندازه انرژی ذخیره شده را در خود صاحب میباشند ولی مقدار این انرژی در مدار های متعدد باهم مساوی نبوده بلکه متفاوت است بدین معنی که الكترون های که در مدار های نزدیک به هسته اتم موقعیت دارند دارای انرژی کمتر و آنکه دورتر اند صاحب انرژی زیاد تر میباشند . این فرق انرژی را در تشریحات بعدی خود بنام فرق سوئیخ بلند و فرق سوئیخ پائین ذکر می نمائیم .

تمام الكترون های دور هسته کوشش دارند تا هرچه نزدیک تر به دور هسته (مدار نزدیک ترین) قرار گیرند ولی مانع این کار دو چیز میباشد یا اینکه مدار های نزدیک به هسته از تعداد معین الكترون ها پر میباشد و محلی برای باقیمانده ها نیست و یا خود عوامل خارجی بالای اتم تاثیر نموده الكترون ها را به مدار دور تر قرار میدهد . عوامل مذکور عبارت از تطبیق حرارت، تطبیق امواج الكترو مقناطیسی، تطبیق شدت ساحه مقناطیسی و تطبیق شعاع از خارج به اتم و یا مولیکول و یا خود ایون جسم میباشد که ما عوامل فوق را تحت سه مثال آتی واضح می سازیم راجع به عوامل خارجی کمی روشنی می اندازیم مثال اول یعنی اگر ما يك جسم را تحت درجه صفر مطلق قرار بدیم تمام الكترون های مدار اتم خود ها را به فرق سوئیخ انرژی کمترین (نزدیک به هسته) جمع می نمایند ولی اگر ما به جسم مذکور حرارت میدیم اتم های جسم تخریک شده به حرکت شروع و در خط السیر خود دپه اتم، مولیکول و الكترون های اتم مجاور خود دبر خورد می نمایند در

از کشف شعاع لزر مدت چند سال پیش نمیگذرد ولی نظر به خواص عجیب و غریب که این شعاع دارد ز آن به مقیاس بسیار وسیع در ساحه های صنعتی به مقصد نقل انرژی، ذوب نمودن معدنیات، تاسیس ارتباط با اقمار مصنوعی و کرات آسمانی به مانند مهتاب، مریخ و غیره و همین قسم هزاران چیز دیگر استفاده می شود.

برای اینکه به حقایق اصلی و خاصیت های عجیب این شعاع معلوماتی خدمت خوانندگان محترم تقدیم نموده بتوانم موضوع را تحت عناوین ذیل تشریح می نمایم .

الف: شعاع لزر چیست، منبع اصلی آن کدام است و چطور بدست می آید؟

کلمه لزر عبارت از چهار حرف اول جمله انگلیسی است که تعریف این شعاع در متن جمله مذکور نهفته است *Light amplification by Stimulated Emission of Radiation* چهار حرف اول جمله فوق می شود *Laser* و معنی جمله (تشدید نمودن شعاع بواسطه تحریک کردن انتشار شعاع مذکور) .

یعنی اصل شعاع بوسیله های مخصوص انعکاس کردن تشدید شده و انرژی آن به میلیون ها درجه اضافه می شود که در تحت عنوان مخصوص آن مفصلاً تخریر خواهد شد .

منبع اصلی شعاع لزر همانا مثل دیگر شعاعات (ایکس الف، بیتا و گاما) عبارت از تعاملات فیزیکی اتم و ذرات متعلق به آن یعنی الكترون است که امواج الكترو مقناطیسی وانه به قسم امواج فریکانسهای رادیوئی بلکه به قسم شعاع غیر عادی دارای فریکانس بسیار ثابت از خود خارج می نماید .

از اینکه این شعاع چطور بدست می آید لازم می افتد تا قبل از همه راجع به خصوصیات منبع تولید آن (اتم و ذرات

شعاع ظاهر شده مذکور در ذات خود عبارت از امواج الکترومقناطیس میباشد. که تعیین فریکانس آن با فورمول ذیل محاسبه شده میتواند.

$$\Delta W = W_2 - W_1 = hf$$

$h =$ حرارت ثابت $6,92 \cdot 10^{-34}$ ژول بر ثانیه

$W_2 =$ انرژی فرق سویه بلند

$W_1 =$ « « پائین

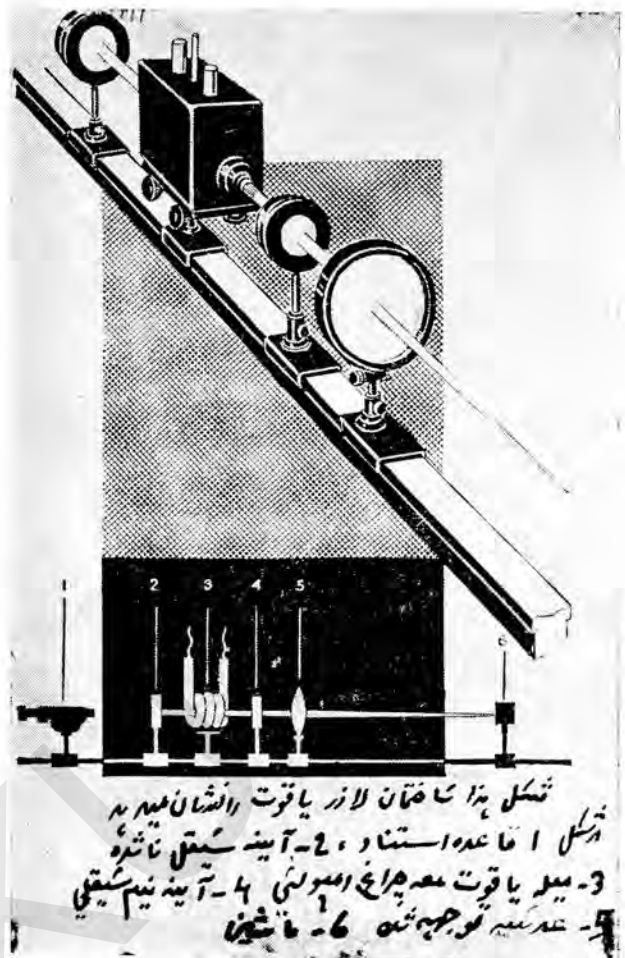
$\Delta W =$ تحول این دو انرژی

$f =$ فریکانس حاصله که طول موج شان قرار تجربه در اکثر مولیکولهای اجسام از جنس سا نتی متری ظاهر شده است. یک مثال دیگر راجع به عوامل خارجی که سبب تحریک اتم و الکترون اجسام میگردد.

فرضاً تحت یک ساحه مقناطیس الکتريکی اتم یا الکترون یک جسم را قرار دادیم از اثر تاثیر احه عیناً عوامل مانند تشریحات فوق بعیدان می آید ولی نکته قابل دقت در این جا این است که امواج الکترومقناطیسی که در اثر رها نمودن انرژی از الکترون های مدار دورتر بعیدان می آید قوه ساحه مقناطیس اولی را تشدید می کند و این عملیه تا زمان دوام می نماید تا حالت اشباع بعیدان بیاید.

مثال دوم هرگاه ما یک جسمی را تحت ساحه مقناطیس الکتريکی قرار بدیم که تعداد الکترون فرق سویه بالا و فرق سویه پائین شان عینی بوده درین صورت در اثر تاثیر متقابل ساحه عملیه جذب انرژی (از طرف مدار نزدیک) و عملیه رها نمودن انرژی (از طرف مدار دورتر) به یک قسم جریان نموده و گویا عملیه تشدید صورت نمگیرد لهذا برای تشدید نمودن شعاع و ساحه مقناطیس لازم است جسمی را دریا بیم که در تعداد الکترون فرق سویه بالا و پائین اتم های آن فرق زیاد موجود باشد تا در نتیجه تعامل فیزیکی فسق عملیه تشدید صورت بگیرد شور و ویسا و امر یکسانها در سنه ۱۹۵۴ باموقیقت این عملیه را یالای ماده امونیاک اجرا کردند مثال سوم اصول تطبیق شعاع خارجی به هسته بعضی اجسام و حصول شعاع بقسم امواج الکترو مقناطیس از جسم مذکور.

چطوریکه در مثال دوم تحریر شد که برای حصول امواج الکترو مقناطیس لازم است جسمی مطلوب دارای فرق سویه مختلف باشد لهذا در اثر تحقیقات علمای ممالک جهان دریا فتند که ساختمان بلوری یا قوت که اکساید آن با یکمقدار ماده کروم یکجا شده باشد از یک طرف دارای تعداد الکترونها کافیه بوده و از طرف دیگر در تعداد الکترون (فرق سویه بلند و فرق سویه پائین) مدار دور و نزدیک آن فرق زیاد موجود است و میتوان از آن بعیث منبع اصلی شعاع حاصله (شعاع لزر) استفاده کرد. طرز ساختمان منبع شعاع لزر از یاقوت . در جسم یاقوت اتم های آن بحال تجر یک شده موجود



اثر آن یک مقدار انرژی اتم اولی به اتم دومی نقل نموده و آنرا تحریک مینماید اتم تحریک شده با زهم آرزو دارد تا به حالت نورمال اولی خود بر گردد لهذا آنهم انرژی حاصله خود را به اتم یا الکترون دیگری واگذار می شود. فرض کنیم یکی از الکترون ها (خواه در فرق سویه بلند باشد و خواه در فرق سویه پائین) یک مقدار انرژی را به خود گرفت درین حالت تغییرات آتی به مشا هده میرسد. ۱- هرگاه الکترون در مدار نزدیک ترین قرار داشته باشد انرژی اخذ شده را در خود قبول نموده و باین حساب در مقدار انرژی اولی آن اضافه گی رخ میدهد لهذا سعی می کند تا از مدار خود جهمده و بصورت خیز زدن به مدار دورتر (فرق سویه بلند) قرار بگیرد اتم و یا الکترون که تحت این قسم حالت قرار میگردد گفته می شود که اتم (الکترون) تحریک شده است. ۲- هرگاه الکترون در مدار دورتر از هسته (فرق سویه بلند) قرار داشته باشد با شد با گرفتن انرژی اتم مجاور در مقدار انرژی اولی آن اضافه گی پیدا شده و سعی می نماید که بصورت خیز به مدار نزدیک ترین هسته (فرق سویه پائین) قرار بگیرد. الکترون با اجرای این کار مقدار انرژی اضافی خود را از خود خارج نموده و به شکل شعاع ظاهر می شود که بنام فوتون یاد می شود

میباشد ولی این مقدار کافی نبوده بلکه لزوم تشدید دارد برای این کار از یک چراغ مخصوص شعاعی گاز آدار که بقسم امپولس های بسیار با یک با وقفه های کوتاه روشن و خاموش میشود استفاده میگردد .

قرارشکل يك ميله یا قوت به اندازه یک پنسل عادی گرفته شده تحت شعاع چراغ قرار داده میشود. در زمان روشن شدن چراغ شعاع حاصله از آن بالای الکترون مدار آخرین (فرق سوپه بلند) تاثیر نموده آنرا وادار بخیزدن به مدار نزدیکتر میکند الکترون مذکور در زمان خیززدن انرژی اضافی خود را بقسم شعاع فوتون از خود خارج مینماید. این شعاع به نوبه خود به اتم مجاور یا قوت تاثیر نموده و دوباره خود فوتون دیگری را از اتم مذکور خارج مینماید. با این ترتیب عملیه خارج شدن شعاع در اثر تحریک اتم ها بقسم زنجیری ادامه پیدا میکند تا اینکه به آخر میلۀ یا قوت میرسد .

در اینجا نکته قابل دقت این است که هر اندازه میلۀ یا قوت طویل باشد بهمان اندازه شدت شعاع حاصله اضافه می باشد ولی میلۀ مذکور از یک پنسل عادی طویل تر نیست لهذا برای تشدید شعاع از آینه های انعکاس دهنده که بدون ک میلۀ جاه داده شده استفاده کرده میشود .
و هم اینکه سطح یا قوت مذکور از یک پرده نازک نقره که خاصیت جلادار شدن را .

برای شعاع میدهد پوشانیده میشود . شعاع اولی به آینه برخورد نموده انعکاس میکند و آنهم در خط السیر خود به اتم های دیگر برخورد نموده شعاع اضافی را الی اخیر بمیدان می آورد تا اینکه از خروج آله بمقصدیکه لازم است گرفته میشود .

تا اینجا مراجع بحصول شعاع لازر بیان کردیم حالا راجع به خواص این شعاع مینویسم .

ب : خصوصیت های مهم شعاع لازر .

۱- در ذات خود عبارت از امواج الکترومقنطیس است .

۲- بصورت امواج رادیویی نه بلکه بقسم حزمه شعاع (فوتون) ظاهر میشود .

۳- طول موج آن از جنس ماوراء بنفش یعنی (10^{-7})

مکرون الی چند ملی متر) میباشد (سایکل 10^{14} - 6) .

۴- بمثل شعاع عادی توسط پروژکتور بیک استقامت معین و مشخص توجه کرده میشود ،

۵- توسط عدسیه ها شعاع مذکور بیک محراق جمع ساخته شده میتواند که در آن نقطه انرژی دارای میلیون ها درجه حرارت را بوجود می آورد و هیچ ماده نیست که تاب مقاومت را بمقابل آن داشته باشد .

۶- ساحه انتشار شعاع نهایت درجه کم است مثلاً اگر عدسیه به قطر ۳۰ سانتی متر داشته باشیم شعاع لازمه را چنان استقامت داده می تواند که در مسافه

۵۰ کیلو متر قطر انتشار آن ۳ متر و در مهتاب ساحه تقریبی ۲ کیلو متر را دربر میگیرد .

۷- فریکانس شعاع مذکور بصورت مطلق تکسری ثابت یعنی سینو سوئیدال است .

۸- رنگ شعاع مطابق به شدت خیززدن آن ازمداری بهمداری از سرخ تا ریک شروع شده و به سفید ختم می شود .

۹- منبع اصلی آن بسیار بسیط بوده و قیمت ساختن آن کم است .

۱۰- مصرف طاقت آن بسیار کم است مثلاً در مسافه

زمین و مریخ یعنی ۱۰۰ میلیون کیلو متر طاقت نشر شعاع لازر فقط ۱۰ وات لازم است امروز علما موفق شده اند

که شعاع لازر را از گازات مختلف (نیون ، کربتون ، آرگون و مخلوط آرگون و آکسیجن بدست آورند) هم لازر های نیم ناقلی موجود است که مستقیماً انرژی برقی را

به انرژی شعاعی تبدیل می نماید در حالیکه جسامت آنهم از چندم حصه یک ملی متر تجاوز نمیکند

از چندم حصه یک ملی متر تجاوز نمیکند

ج- محل استعمال شعاع لازر

۱- در ساحه الکترونیک : اضافه تر از همه در رادیو و

ارتباط های سیمدار و تلویزیون استفاده می شود وقتی ما قبضه عیار فریکانسی یک رادیو را دور میدهیم میبینیم

که یک استیشن استیشن پهلونی خود را تعجیز میکند و سا نمیتوانیم استیشن مطلوب خود را از بین دیگران مجزا کنیم برای حل موضوع مثالی را طرح میکنم .

حدود باند فریکانس دراز ۲۷۰ کیلو سیکل یعنی (۲۰-۱۵۰ کیلو سیکل) میباشد در حالیکه و برای فعالیت نورمال

یک استیشن لازم است یک شریک (ساحه) ۱۰ تا ۱۵ کیلو سیکل خالیگاه موجود باشد پس به این حساب در موج طویل الی اعظمی

۲۰ استیشن رادریک وقت اجازه داده می توانیم نه اضافه تر از آن زیر باعث تداخل می شود و در باند موج متوسط این ساحه

ضایقه تر از امیگا سیکل را اشغال میکند $270Kc-1,5Mc$ که درین باند میتوان اضافه از ۱۰۰ استیشن را در یک وقت

جاه داد .

باند موج کوتاه ساحه $27Mc$ را دربر گرفته (۳۰-۳ میگا سیکل) که درین باند می توان تنها چهار عدد

استیشن تلویزیون را اجازه نشر داد .

حالا اگر به عوض این فریکانسها از فریکانسهای شعاعی امواج لازر استفاده شود می توان در یک وقت

بصورت پرنسب میلیون پروگرام تلویزیون و ملیار داستیشن رادیو را نشر نمود .

۲- لازر امروز یک واسطه بسیار مناسب را دارا میباشد رادار لازریکه از رادیو های نیم ناقل ساخته شده بزرگی

آن با اندازه نیم سگرت بوده و میتوان توسط آن بدون هیچ شبیه مسافات بین دو نقطه را معلوم کرد

رادارهای مسافه سنج لازری نسبت به رادارهای جراحدار بسیار بهتر تر است زیرا جسامت آن خوردوزن

آن کم و طاقت آن بسیار جزئی می باشد و این صفات بهتر بودن آنرا ثابت میکنند .

امروز از رادارهای لازری برای ارتبساط اقمار مصنوعی، سنجش مسافت بین نقاط مختلف مهتاب و زمین استفاده میشود .

۳- در ساحه رادیو تکنیک امروز پرزجات که بزرگی آن به اندازه مکرون می باشد ترتیب شعله های چنین پارچه های خورد به کمک کاوه های لیم کاری لازری با هم متحد و بسته کاری میشود که امکان چنین آلات میکرونی و وظایف ارتباط با اقمار مصنوعی را آسان ساخته هم چنین مقاومت های میکرونی، چراغهای میکرونی و دیگر پرزجات رادیو توسط شعاع لازری به آسانی و فقط آنرا پخت میگردند یعنی توسط حرارت آن از حالتی خام بصورت پخته ساخته میشود و روی آن بواسطه مجرد پوشا نیده میشود

۴- سخت ترین معدنیات و سنگ های معدنی از قبیل الماس، یاقوت، کرامیک، فولاد و غیره به بسیار آسانی توسط شعاع لازری به طور مطلوب برش شده و سوراخهایی میکروسکوپی در آنها بوجود آورده میتواند که این عملیه توسط دیگر آلات غیر امکان است .

۵- لازری در ساحه کیمیا، بیولوژی و طب نیز مورد استفاده قرار گرفته است .
مثلاً در ساحه طب عملیات بسیار نازک و پیچیده بمثل شبکیه چشم که تارهای آن از یک سوزن عادی بزرگ نیست بدون ضایعات خون و درد انجام میگردد .

۶- به کمک جنراتورهای لازری (اوسیلاتور) کوانتیوم امور فلم برداری، طبع و روشن نمودن عکس های میکرونی تحت اجرا قرار گرفته است .
علما معتقد هستند که در یک سانتی متر مکعب کریستال معلومات را که در یک میلیارد صفحه تحریر شده و ضخامت کتاب مذکور اضافه از ۵۰ کیلو متر باشد به کمک



شعاع لازری گنجا نید .
این بود خالص از آنچه راجع به خصوصیت خارق العاده شعاع لازری خدمت خوانندگان گرام تقدیم نمودم ولی این کافی نبوده و در آینده بسیار قریب می توان ملیون ها پروگرام تلویزیون را به کمک این شعاع در چهار طرف کره خاکی برای رفاء و آرامش روحی انواع بشر بکار انداخت و هم چنین هزاران هزار استفاده دیگری را ازان متصور بود .

ما قبلاً تحریر نمودیم که به توسط شعاع لازری می توان در یک وقت بصورت پرنسیپ ملیون پروگرام تلویزیون و ملیارد پروگرام رادیو نشر نمود برای اینکه در زمینه یک معلومات اثبات شده و قانع بخاطر داشته باشیم مثال آتی را از نظر میگذرانیم .

فرض کنیم بدو طرف ساحل یک دریا یک پلی بسته شده است که معلومات یک طرف با دیگر طرف توسط لول دادن توپ های هم شکل بالای پلی مبادله میگردد . هر گاه سرعت حرکت توپ ها نظر به زمان ثابت باشد (فریکانس) و ما بالای هر یک توپ یک حرف الفبا را تحریر کنیم درینصورت مقدار حروف (که از ترکیب آن جمله بدست می آید) که در زمان معین از یک طرف ساحل طرف دیگر آن میرود مبعوضاً متناسب است به تعداد توپ که ظاهر می شود (فریکانس) به عین ترتیب در شعاع لازری با ساس دو خصوصیت (فریکانس آن بسیار زیاد بوده و ضمناً تکرران ثابت یعنی سینوسوئید) مهم آن عیناً به مانند مثال توپ معلومات بسیار زیاد را در یک وقت نشر می توانیم .

ولی شرط اساسی در اجرای این کار مربوط به این است که اولاً بتوانیم معلومات خود را بالای فریکانس لازری مادیولیت نمائیم فرض کنیم معلومات اول به فریکانس f_1 از دوم به f_2 الی اخیر و ثانیاً اینکه در قدمه آخذه ترتیباتی داشته باشیم که بتواند هر یک فریکانس را از دیگری جدا کند (فلتزهای فریکانسی)

مشکل امروزی گویا همان دو چیز یعنی از یک طرف از زیاد قدمه ها مودولاتور که در یک وقت تعداد معنایی معلومات را به یک فریکانس معین بالای فریکانس اصلی لازری مادیولیت کند موجود شده نه توانسته و از طرف دیگر دوره های جداگانه فلتز (برای هر یک معلومات یک یا چند فلتز فریکانسی) فریکانسی را مونتاز نمودن کار آسانی نیست بهمین علت ما بصورت پرنسیپ تعداد معلومات خود را بیان کردیم . ولی نا امید نباید بود از اینکه علما قادر نخواهند شد تا این مشکل را رفع کنند آنروز در آینده قریب خواهد آمد تا ما از شعاع لازری بحیث یک وسیله ارتباط و مخا بره با قدرت و اوصاف اعظمی آن استفاده کنیم . هر گاه زمینه طبع مضمون آینده میسر شد راجع به اوسیلاتورهای مگنیترون و کوانت منبع تولید فریکانس های عالی تشریحات مفصل خواهیم داشت .

راپورتر: ظریف صدیقی
عکاس غلام یحیی شورانگیز

بازدید از حوزه های توزیع ولایت بدخشان

راپورتر و عکاس مدیریت نشریات ستردرستیز موقع یافتند تا جریان توزیع مواد امدادی حکومت را در مراکز توزیع هفت گانه ولایت بدخشان از نزدیک مشاهده نمایند.

بتاریخ ۵۱/۹/۱۱ خبرنگار ما بسوی ولایت بدخشان حرکت نمود و بعد از طی سه روز مسافه و عبور از ولایات پروان، کندز و تخارباولین مرکز توزیع مواد امدادی یعنی ولسوالی کشم مواصلت کرد. راه بین تالقان و کشم

وریش سفید قریه، درجه مشخص تثبیت میگردد پس اشخاص مستحق به مرکز صبحی رفته ابتدا واکسیناسیون و معاینه میشدند و بعد از اخذ ادویه لازم که بیشتر شامل ۱۸۰ عدد تابلت پولی ویتامین و ویتامین سی بود و برای شش ماه در نظر گرفته میشد به پوسته اخذ سایر مواد امدادی از قبیل گندم، روغن و کمپل میرفتند درین پوسته آس حوزه توزیع شخصاً اوراق را واریسی کرده و در حالیکه یک نفر از رضا کاران با وی همراه می بود امر میداد تا مواد تثبیت شده به مستحق اعطا شود.

مامور ارتباط اردو درین ساحه دو هم بریدمن محمد حسین از فرقه ۲۰ نهرین مربوط قطعه ۲۴ بود که بحیث امر پوسته مخا بره اجرای وظیفه میکرد، عبدالحمید بریدگی و دو نفر افراد نیز با وی همراه بودند باینکه دستگاه بیسیم فعال بود و راپورهای خود را همه روزه ترتیب مینمود اما امر حوزه توزیع بیشتر از تلفون استفاده میکرد.

آنچه که قابل تذکر است همانا موجودیت حسن همکاری بین ولسوال و آمریت توزیع مرکز کشم بود که در جمع نمودن و تشخیص مستحق با آمریت توزیع از طرف مامورین مربوط ولسوالی صورت میگرفت بناغلی خاکساری ولسوال این منطقه که جدیداً باین وظیفه مقرر شده بود از اهالی جرم ولایت بدخشان بود امر مرکز صبحی ولسوالی دکتور محمد آصف احمدی نیز در

تا اندازه خوبست اما در قسمتی ازین راه که از بین ریگزار و بستر رود خانه میگردد هنگام بارندگی وسیلاب غیر قابل عبور و مرور میشود.

بهر حال برای حمل و نقل و انتقال مواد توسط وسایط ثقیل بمشکل میتوان ازین راه استفاده نمود، در ولسوالی کشم اولین چیزی که قابل تذکر بود همانا موجودیت و تاسیس آتاکم پترول بود که در اثر پیشنهاد کمیته عملیات امداد توسط انحصار مواد نفتی جدیداً بکار انداخته شده بود. دومین چیز مورد تذکر موجودیت گدام ذخیره عصری بود که مواد قابل توزیع عملیات امداد نیز از داخل همین گدام به مستحقین توزیع میگردد. کشم یکی از ولسوالی های پرنفوس ولایت بدخشان بشمار میرود که بقول بناغلی خاکسار ولسوال آن منطقه یکی از مناطق معمور آن ولایت محسوب میگردد و عده از شعراء و فضیلا ولایت بدخشان منسوب به همین منطقه می باشند.

هنگام مشاهده ما بتاریخ سه شنبه ۵۱/۹/۱۴ دگروال متقاعد محمد هاشم امر حوزه توزیع کشم اظهار داشت که در ولسوالی کشم همه روزه مواد امدادی از قبیل گندم، شیر، کمپل، روغن، سی اس ام و ادویه به مستحقین توزیع میگردد قراریکه خبر نگار ما میافزاید نظم و ترتیب در کشم قابل یاد آوری بود، مراجعین ابتدا تشخیص هویت میشدند و در ورقه های چاپی تعداد عایله و اطفال آنان برویت تذکره، وضع شخص و تصدیق ملک، معلم



قوماندان یونت تورن غلام محمد بود که بحیث آمر
گروپ اول مفرزه قوای کار ایفای وظیفه میکرد و یک تعداد
افراد از قوای کار برد انجا فرستاده شده بودند تا تحت
اداره تورن موصوف خدمت نمایند .

موترا به ساعت ۳۰-۱۴ روز مذکور بعد از طی سه و نیم
ساعت مسافه به قوچی رسید. حوزه توزیع قوچی یکی از
پرجنجال ترین، مزدحم ترین و درعین حال مشکل ترین
مراکز توزیع بشمار میرفت مواد امدادی درین مرکز
در بین يك مسجد ذخیره شده و از همانجا توزیع میگردد ،
مادگروال متقاعد عبدالعجید رادر حالی ملاقات کردیم
که در داخل يك خیمه کوچک کار میکرد و ازدحام عجیبی
در اطرافش مشاهده میشد .

درینجا پناغلی تمیم ابوی از وزارت پلان و یک تعداد
پرسونل دیگر همکاری داشتند که عبارت بودند از پناغلی
محمد کبیر جکتورن متقاعد، محمد عاظم خورد ضابط صحیه
و یک تعداد دیگر دستگاه بی سیم قوچی فعال بود و غلام مصطفی
بریدگی از قطعه ۵۲ باد و نفر افراد ایفای وظیفه مینمود
باوصف آن امر توزیع ترجیح میداد تا با انداختن چنگسک
بالای لین تلفون از تلفن گوشکی استفاده کند .

درینجا دونفر از رضاء کاران موجود بودند در اثر
ازدحام نظم و ترتیب از هم گسیخته بود و جکتورن عبدالرحمن
آمر قطعه پانتونی و پل های شناور که در کنار مرکز توزیع

توزیع ادویه با تیم صحیح و طبی کمیته همکاری داشت . روی
همرفته مردم مرکز کشم وضع زندگی خوبی داشتند اما
اهالی قریه های دور دست که برای گرفتن مواد امدادی
بعد از طی دو یاسه شبانه روز با پای پیاده با اینجا میامدند
وضع مفلوک و پریشان داشتند و انسان بخوبی اثر گرسنگی
و فقر را در سیم و لباس آنان مشاهده میکرد .

ساعت ۱۱-۰۰ روز ۱۴/۹/۵۱ از کشم بسوی قوچی حرکت
نمودیم راه بین کشم و قوچی که از دره های پر پیچ و خم
و راه های هولناک میگذرد سخت زیبا و رنگین است با آنکه
موسم سرما بود اما اثر و جاهت و زیبایی خاصی درین دره ها
بمشاهده میرسید، دریای که از کشم میگذرد بسوی شمال
شرق ما را همراهی میکرد و در قسمت آلتن چیلر بدریای
کو کچه میریخت . کشم درجه حرارت معتدل داشت حرارت
روز آن در حدود مثبت ده درجه سانتی گرید و از شب تا
(۵-) درجه سانتی گرید تخمین زده میشد . در مرکز کشم
يك مکتب و يك کلوب با تعمیر های سفید و اساسی قابل تذکر
بود اما در کلوب آن تعداد کافی بستر وجود نداشت و ما
ازین جهت شب را نتوانستیم با آرامی بخوابیم .

در آلتن چیلر (یعنی زرگران و یازر کشان که باریک شونی
دریای کو کچه طلاء بدست میآوردند) که در وسط راه
قوچی و کشم قرار دارد بيك یونت مربوط قوای کار
بر خوردیم که مصروف ریگ اندازی و ترمیم سرك بودند

با قطعه خود قرار داشت تا اندازه در برقراری نظم مؤفق شده بود؛ هوا سخت گرفته بود با آنهم توزیع بشدت جریان داشت قراریکه آمر توزیع قوچی گفت تا آن تاریخ مقدار (۱۷۳۰۵) کیلوگندم در داخل ۳۸۲۹ عدد خریطه و مقدار (۵۴۰) گیلو آرد در (۱۲) عدد خریطه با (۱۵۴۴) پیم روغن نباتی و ۵۴۶۰ عدد کمپل و (۶۲۱) جوره پا پوش به (۲۳۳۳) نفر مستحقین توزیع شده بود و توزیع باقیمانده مواد امداد نیز بشدت ادامه داشت.

تیم صحتی نیز به وا کسینا سیون و توزیع ادویه و قایه وی و تداوی ادامه

میدادند، مردمیکه در آنجا مواد امدادی

اخذ میکردند همه شان سخت فقیر و مصیبت زده به نظر میرسیدند، اکثرشان از قریه های بسیار دور مثل یفتل ها شهر بزرگ و راغ پای پیاده بعد از طی مسافت سه تا ۷ شبانه روز بعضاً توسط مرکبها بدانجا می آمدند.

در پهلوی مرکز توزیع قوچی قطعه یونت پل سازی قول اردوی مرکزی موقعیت داشت که با جدیت خاص مصروف وظیفه بود. جگتورن عبدالرحمن تا لقانی قوماندان یونت پل سازی گفت که فعالیت عملی این یونت بتاریخ ۳ قوس



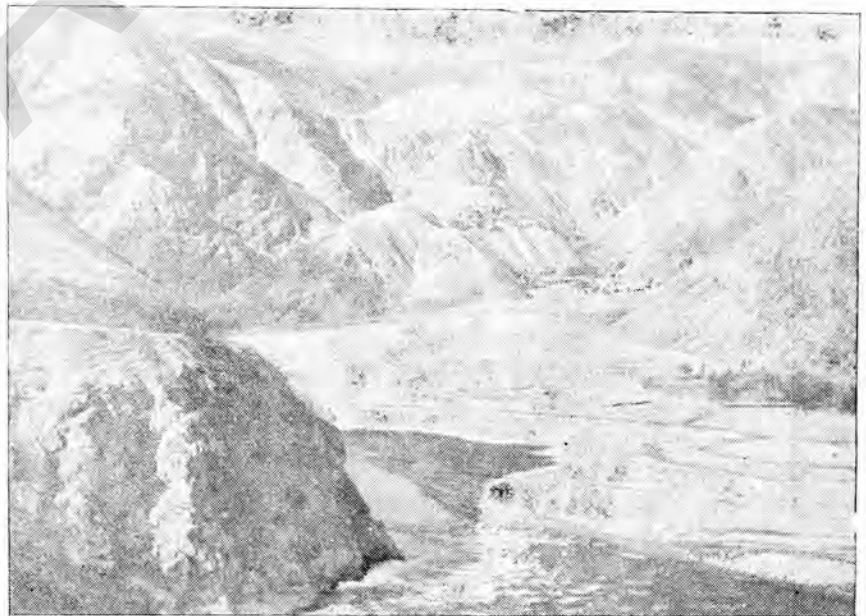
منظره از شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان

شروع شد، که طی دو روز توانستیم دو عدد پل شناور را بالای دریای کو کچه در قوچی و قره کمر تأسیس نمائیم. بتاریخ ۵/۹/۵ یعنی دو روز بعد از شروع فعالیت جا له های پل های شناور برای ایفای وظیفه حاضر شد، پل شناور قوچی قابلیت حمل ده تن بار و پل قره کمر شش تن بار عبور داده میتوانست که تا تاریخ ۱۴ قوس (۱۵۰۰) کیلوگندم و در حدود ده هزار نفر را انتقال داده بود.

لمری برید من صالح محمد بحیث قوماندان پل شناور

قوچی، لمری برید من گلاب الدین بصفت قوماندان پل شناور قره کمر، لمری برید من دکتور حبیب الرحمن شنواری قوماندان مرکز صحتی و لمری برید من محمد انور بحیث آمر اعاشه در قطعه مذکور ایفای وظیفه میکردند.

بریدگی عبد القدوس معاون قوماندان پل شناور قوچی بریدگی محمد دین معاون قوماندان پل شناور قره کمر، بریدگی محمد عمر خوزد ضابط بیسیم قطعه که دستگا همای مذکور بین قوچی و قره کمر ارتباط را تأسیس میکردند و بریدگی محمد قاسم از نقلیه اردو با قطعه مذکور همکاری میکردند.



منظره از دره زیبای قره کمر که راه صعب‌المرور فیض آباد و کشم از آنجا میگذرد

مردم از تأسیس پل شناور با شور و هلهله استقبال مینمودند و چون طی سالها با جاله دونفری که توسط پارو و عجبور داده میشد از دریای کوچه گذشته بودند از دیدن چنین پل های شناور که در یکدفعه تا حدود صد نفر را با بار انتقال میداد سخت به تعجب افتاده بودند و بعضاً بی اختیار کیبل های پل را می بوسیدند. در آنطرف دریا هزاران نفر با مرکب های خود منتظر عبور بودند و برای رفع سرما در هر گوشه و کنار آتشی ها افروخته بودند، هوا تاریک و سرد بود اما انسان در کنار این همه



پل شناور عسکری در قره کمر حین اجرای فعالیت

جوش و خروش و مشا هده چهره های بشاشی که مواد مادی خود را عبور میدادند همه چیز را از یاد می برد، زنان، کودکان و پیر مردان که تا کنون چنین پل شناوری را ندیده بودند در عبور از دریا از دحام عجیبی را بوجود می آوردند بود که افراد قطعه در تنظیم و مراعات نوبت سخت فعالیت میکردند.

بطوریکه قوماندان قطعه اظهار داشت، در قوچی عرض دریا (۶۰) متر، عمق آب ده متر و سرعت جریان آب دو متر فی ثانیه و در قره کمر عرض دریا ۷۰ متر، سرعت جریان

آب یکنیم متر فی ثانیه و عمق آب (۱۲) متر تثبیت شده بود که با تأسیس پل های شناور عسکری قریه های شهر بزرگ، دهن دره، برلاس، یفتل ها، پشه دره، مغزدار، ناردره و راغ با مرکز توزیع قوچی وصل میشدند.

مردم این قریه ها از مصیبت زده ترین مردم بدخشان بودند و قریه های مذکور بعلت بعد مسافه وعدم موجودیت راه، طی دو سال گذشته به تلفات سنگین جانی و مالی دچار شده بودند، دو روز بعد از عبور ما از اینجا، دگر جنرال محمد نذیر کبیر سراج رئیس اداری و اجرائیه کمیته عملیات امداد در حالیکه چگرن محمد طاهر هجوم آمر معلومات و اطلاعات مرکزی کمیته با ایشان

همراه بودیم و پوهندوی دکتور ولی شیرزوی آمر عملیات مرکزی بدخشان با پای پیاده در حالیکه بناغلی لودین آمر اطلاعات و کلتور فیض آباد نیز ایشان را همراهی مینمود از نزدیک وضع مردم قریه های مذکور را مشاهده کردند طی این بازدید فیصله شد که قریه های یفتل بالا و یفتل پائین و یک قسمت راغ نیز از مرکز توزیع فیض آباد استفاده نمایند.

موتر ما ساعت ۱۷-۰۰ شام روز ۱۴ قوس از قوچی به سوی فیض آباد حرکت نمود، کوتل معروف و خطرناک



منظره از پل شناور عسکری در قوچی



موتور تانکر عسکری که در قره کمر از ارتفاع تقریباً شصت متر بدریای کوکچه در اثر خرابی راه سقوط نموده بود

قره کمر در مسیر راه ما قرار داشت. در قره کمر یکموترتانکر عسکری از ارتفاع تقریباً شصت متر بدریای کوکچه سقوط کرده بود که در یور و کلینر آن بفضل خداوند (ج) قبل از سقوط موتربدریا افتاده بودند و جریان آب یکدومتر آنها را جلو برده و مانع مرگ آنان گردیده بود انسان وقتی منظره هولناک سقوط و وضع خطرناک راه را مشاهده میکرد بجوانانیکه باسربازی همه روزه صد هاتن موادامدادی را انتقال میدادند، بی اختیار تحسین میفرستاد.

ما ساعت ۳۰-۲۰ شب به فیض آباد مواصلت کردیم اما دکتور ولی احمد شیرزوی آمر عملیات ساحه وی بدخشان که منتظر ما بود بما هدایت داد تا فردا ساعت شش بجبه صبح با هیأت افغان فلم که از کابل همزمان روان شده بودیم بسوی بهارک و اشکاشم حرکت نمائیم شب را در کلوب کوکچه که در کنار دریای کوکچه قرار داشت و صدای شرشر آب تا صبح سامعه ما را نوازش میداد گذشتان دیدیم.

صبح وقت ساعت ۱۰-۶ روز ۱۵ قوس بطرف بهارک و اشکاشم حرکت نمودیم. چای صبح را در پنج کیلومتری بهارک ساعت ۸-۰۰ در کلبه میرومن پروین هنرمند معروف که باصرار ما را مهمان ساخت صرف نمودیم، میرومن پروین با ما در خود درین قسمت هزارها جریب زمین تحت زراعت دارد که اخیر قسمت زیاد آنرا بالای شکرکت سپین زر قندوز فروخته است.

ب ساعت ۱۵-۹ بدون توقف در بهارک از آنجا عبور کردیم، راه بین بهارک و اشکاشم یکی از دشوارترین راه های آنولایت بشمار میرود، درین راه صعب العبور

و کوهستانی باستثنای وسایط اردو و پیکپ های که فقط یکتین بار را حمل کرده میتوانستند دیگر وسایط رفت و آمد کرده نمیتوانند، مشکلات راه از هر لحاظ قابل یاد آوری است؛ موترهاى ما که چپ ها اعزامی اردو و وزارت صحیه بود به سختی ب حرکت خود ادامه میداد، در وسط راه قریب زیباک در رباط چلتن بیکدسته از افراد عسکری برخورداریم که مصروف ترمیم راه بودند.

تورن سلطان محمد از قوماندانی قوایکار در رأس مفرزه قرار داشت بود. ساعت ۴۵-۱۲ در وسط رود خانه به نقطه تقاطع راه زیباک- اشکاشم رسیدیم، درینجا با مردم زیباک برخورداریم که موادامدادی خود را از اشکاشم



منظره دیگر از سقوط تانکر در قره کمر. ناگفته نماند که تانکر توسطه کیپل جراز دریا کشیده شده بوده



تظار عسکری در راه صعب‌المرور واخان. سردی شدید هوا و نامساعد بودن راه فقط با فداکاریها جوانان اردوی شاهانه نادیده گرفته میشد

و میخوابند و ناگفته نماند که اشکاشم و سایر این مناطق هوای بسیار سرد و کشنده دارد، در همان چند روز در اشکاشم یکدستگاه هواشناسی نصب شده بود که درجه های حرارت شب ها را تا (۱۵-) درجه سانتی گرید و درجه اعظمی حرارت روز را تا (۵-) و (۲-) نشان میداد.

مردم این مناطق بزبان دری-تاجیکی تکلم مینمایند اما تعداد کلمات روزمره بدون نام اشیاء از دو صد کلمه تجاوز نمی نماید، نام های این مردم ساده و از بیست نام تجاوز نمیکنند مثلاً یک نفر را بنام حسن ولد ناصر را می شناسیم که غیر از همین دو نام در خانواده دیگر نامی را نمیشناسد و پدر در پدر وی فقط همین دو نام را داشته اند، زنهای نیز بیشتر دو نام دارند، بیگم و زهرا، من در آنجا کسی را دیدم که مادرش خواهرهایش، خانم و دو دخترش همه بیگم نام داشتند.

مردم این منطقه پول را هنوز خوب نمی شناسند و آن ضرورت ندارد، بیشتر تبادل جنس به جنس صورت میگیرد برای همینست که معامله داران تریاک در بدل چند منقل تریاک تمام دارائی شان که شاید چند سیر گندم باشد بدست میآورند.

مجادله علیه تریاک درین او اخر نظر با مر بناغلی آئین والی بدخشان بشدت دوام دارد و فعالیت ولسوالان درین قسمت تمرکز یافته است.

مردم اشکاشم و واخان و مناطق همجوار آن بشمول شغنان از نگاه اداره مذهبی و اجتماعی تحت نفوذ سه نفر از روحانیون آنجا هستند که بنام (شاه صاحب زیباک) شاد صاحب قاضی دهوشا صاحب پنجه (درواخان) نامیده

اخذ نموده بودند، ناگفته نماند وسایط اردو که از مرکز توزیع بهارک مواد امدادی را به اشکاشم انتقال میدادند در بازگشت نظر به هدایت امر توزیع اشکاشم مستحقین زیباک و قریه های مسیر راه را که مواد امدادی خود را اخذ مینمودند بطور رایگان نقل میدادند. راه در قسمت (بازگیر) یخک داشت و این بیشتر باعث خطر ناکی راه میشد.

ساعت ۱۴-۰۰ روز ۱۵ قوس به اشکاشم رسیدیم و بلافاصله به بازدید خود از مرکز توزیع که در آن توزیع مواد امدادی بشدت جریان داشت پرداختیم.

پیش از آنکه چگونگی توزیع مواد امدادی را تذکر بدیم لازم است راجع به مردم زیباک، اشکاشم، شغنان و واخان مطالبی بنویسیم. مردم این مناطق که جمعاً تا حدود سی هزار نفر میرسند از هر لحاظ قابل ملاحظه و مشاهده استند.

بطوریکه در اشکاشم و خندود مرکز واخان ملاحظه کردیم این مردم در وضع زندگی خاصی بسر میبرند، بناغلی احمد حسن امر توزیع مرکز اشکاشم ما را با خود یکی از خانه ها یا بهتر بگوئیم کلبه های مردم مرکز ولسوالی اشکاشم برد، رین خانه ها که همه بیک سبک معماری ابتدائی تعمیر شده اند چیزی جز یک کلبه مشا هده نمیشود. مردم اصلا فرش

ندارند و چراغ روشن نمیکند، چهار بجه عصر در تاریکی میخوابند و صبح وقت بیدار میشوند. عقاید و مذهب بخصوصی ندارند و عموماً کوتاه استند، زنهای زیباک و لی مرض اعتیاد به تریاک سخت آنها را گرفتار ساخته است. در یک کلبه که دروازه آن بر وی هر کس باز است تا دو فامیل نیز بسر میبرند، در داخل کلبه گلی یک (تنور) سو قیعت دارد که آتش آن بادود غلیظ داریم روشن است، در پهلوی این تنور تخت های گلی وجود دارد که بنام دکان بالا، دکان پایین، دکان راست و دکان چپ یاد میشود درین دکانها (؟) اهل فامیل میخوابند، تنها ظرف خانواده تغاره گلی است که بجهت سرپوش تنور نیز از آن استفاده میشود، درین تغاره آب انداخته میشود و در بین آن مشنگ و یا خورا که دیگر جوش میخورد در کنار تنور آخور گاوی دیده میشود که در آن گاوی و یا غوا گاو و یا گوسفند یا شتر که تنها مواشی این مناطق محسوب میشود ند میخورند



مرکز توزیع بهارک کسه
اکمالات اشکاشم و واخان از
یک طرف و جرم از طرف دیگر
توسط کاروانهای عسکری و قسماً
توسط پیکپها صورت میگیرد.

در اینجا بودیم از شدت سردی خوابیده نتوانستیم، روز دیگر
علی الصباح بسوی واخان حرکت کردیم. در قاضی ده
دیدار روحانی معروف به (شا قاضی ده) رفتیم، شا صاحب
قاضی ده جوانی است در حدود سن (۲۰) ولی بسیار با وقار
و متین با آنکه حتی فیض آباد را ندیده سواد دارد. اخبار می
خواند و برادری گوش میدهد.

وی از ما گرمی استقبال کرد و چای صبح را در حضور
وی و عدده از پیروانش صرف کردیم، شا قاضی ده بهم
سوالات ما پاسخ میداد، ولی طی یکساعتی که با وی بودیم
هیچگونه سوالی از ما نکرد و به تشریحات ما درباره توزیع
مواد امدادی و پلان مشمر عملیات امداد علاقه نشان نداد
صرف همینقدر فهمیدیم که به پیروان خود اجازه داده تا
غرض اخذ امداد بمرکز توزیع مراجعه نمایند. مردم
اشکاشم و همجواری آن سخت پابند معتقدات گذشته خود اند
به همین سبب که بعزت اعتیاد اکثر آ تعداد اولاد در خانواده ها
از دو یا سه نفر تجاوز نمیکند.

راه بین اشکاشم و خندود مرکز ولسوالی واخان نهایت
صعب العبور است، کاروانهای عسکری به دشواری عبور
میکردند چنانچه در منطقه ارگون به قطار امدادی
برخورده که در سرمای فوق العاده شدید بمشکل از
روی یخها عبور میکرد فرماندان قطار جگتورن حاجی
محمد ابراهیم از نقلیه اردو بود، در اینجا از شدت سرما
آتش افروختیم. در خندود دگروال متقاعد عبدالحمید
بصفت آمر توزیع ایفای وظیفه مینمود. خندود یکی از سرد
ترین مناطق کشور بحساب می آید و بقول بیاغلی نورگل
خیر زاد ولسوال واخان درجه برودت در شب از (۲۰-) درجه
سانتی گرید هم پایین تر میباشد، مردم پا میر تا قسمت
پنجه از پیروان روحانی (شاه صاحب پنجه) بحساب می آیند

میشوند این روحانیون که نفوذ فوق العاده و همه جانبه
بالای مردم دارند تمام امور احتیاجات مردم بان مراجعه
میشود و فیصله آنها قطعی است.
تنها وسیله ارتباط بین مردم و حکومت اربابان و ملکان
استند.

اشکاشم، شغنان و واخان نقاط سرحدی بحساب میروند، در
چند متری اشکاشم افغانی اشکاشم جمهوری تاجکستان
شوری قرار دارد.

مرکز توزیع اشکاشم یکی از مرتب ترین و منظم ترین
حوزه های بود که مورد مشاهده ما قرار گرفت در اینجا
ترتیب پوسته ها منظم و به فوتوی اعلیحضرت معظم هما یونی
پادشاه رعیت نواز ما آراسته بود. ذواتیکه درین مرکز
سهم داشتند عبارت بودند از بیاغلی احمد حسن بحیث آمر،
خواجه انعام الدین بصفت معاون، لمری برید من هدایت الله
عنایت عضو و بریدگی سید حبیب از قطعه ۵۲ بحیث آمر
پوسته مخایره، همچنین دو کتور عبد البصیر الیاس بصفت
آمر تیم صحنی و دکتور محمد اسماعیل داکتر دندان بصفت
عضو ایفای وظیفه میکردند.

قرار را پور آمریت مرکز توزیع اشکاشم به تعداد چهار
هزار و پنجم و نود چهار نفر تا تاریخ ۱۶/۹/۵۱ از امداد
استفاده کرده اند که در آن جمله مقدار (۲۲۷۶۰۰) کیلوگرام
گندم، ۱۳۸۶ عدد کمپل و ۱۵۱۹ قطی روغن نباتی و ۲۴۱
کیلوگرام سی اس اس شامل بود و اعطای پا پوش هم سراز تاریخ
۱۷ قوس آغاز گردید.

اشکاشم جزء مناطق سرد محسوب میشود با اینکه آمر
توزیع و بیاغلی عبدالمعروف جرمی ولسوال اشکاشم حق
مهمان نوازی رایجی آوردند ولی همه مادر دوشبی که

اما از (پنجه) تا آخرین نقطه پا میر خورد مردم از طایفه قرغز میباشند که تحت نفوذ یک شخصیت معروف بنام (حاجی رحمان قل پا میری) قرار دارند، درینجا بعلمت ارتفاع زیاد وقت هوا تکلیف های بمشا هده میرسد، مردم پامیر دارای عقاید و افکار روش میباشند، موآشی آنان غزگاو، اسپ های نیز پاوگ و های کوتاه قد میباشند، از حوزه توزیع خندود در حدود ۱۹ قریه که جمعاً ۵۸۹۶ نفر میشوند استفاده برده اند که آخرین قریه آن بروغبل در پامیر خورد می باشد. عده از مردم بزبان واخی صحبت میکنند اما تاجیکی - دری را همه میدانند.

در حوزه توزیع نظم و ترتیب قابل توجه بود واکسیناسیون و توزیع ادویه نیز ادامه داشت قرار راپور هیأت توزیع نیز تا تاریخ ۱۵ قوس مقدار ۱۶۰۱۰۶۴۰ کیلوگرام گندم برای ۲۳۱۷ نفر و همچنین برای ۹۰ نفر سی اس ام، روغن نباتی برای ۵۷۶ نفر و کمپل برای ۶۷۰ نفر توزیع شده و متباقی نیز ادامه دارد.

بعد از بازدید حوزه توزیع (خندود) از واخان مراجعت کردیم و روز دیگر از حوزه توزیع جرم دیداری بعمل آوردیم، مردم جرم از پیشتر فته ترین مردم آن مناطق بشمار میروند اما مناطق دور دست جرم سخت فقیر و آسیب رسیده بودند. حاجی محمد کریم آمر حوزه توزیع ضمن ارائه معلومات گفت که از تاریخ ۵۱/۹/۶ تا تاریخ ۱۷ قوس مقدار ۱۷۴۳۲۰ کیلوگرام گندم، ۶۵ خریطه سی اس ام و ۱۹۳۷ قطی روغن نباتی و ۴۵ جوره پا پوش برای ۱۹۳۷ نفر توزیع شده و توزیع هنوز ادامه داشت، ادویه و واکسیناسیون نیز توسط تیم صحتی ادامه می یافت. هوای جرم معتدل به نظر میرسد، راه بین جرم و بهارک تر میم شده و قابل عبور و مرور بود بعد از گذشتادن یکشب در جرم از حوزه توزیع بهارک دیدن کردیم، توزیع مواد امدادی در بهارک خاتمه

یا فته بود ولی بهارک بحیث مرکز ذخیره تمام اکمالات جرم، اشکاشم و خندود را بسرعت ممکنه اجرا میکرد. رینجا یک تیم پنج نفری رضاء کاران ایفای وظیفه میکردند بناغلی محمد میرزا منشی زاده یکمرد جدی و فعال بود که در توزیع و اکمالات مراکز امداد سعی جدیت بخرج میداد. بقول بناغلی منشی زاده از تاریخ ۲۰ عقرب مقدار (۱۱۷۹۳۰) کیلوگرام گندم توسط ۳۵۹۸ عراده موتر نقلیه عسکری و پیکپ و ترا نسپورت ملکی از کابل به آنجا انتقال داده شده که تا تاریخ ۱۸ قوس توسط ۳۲۴ عراده موتر عسکری و پیکپ مقدار ۴۱۹۰۰۱ کیلوگرام گندم به مرکز توزیع اشکاشم، توسط ۱۴۷ عراده موتر عسکری و پیکپ مقدار ۱۶۸۸۵۵ کیلوگرام گندم به مرکز توزیع جرم و توسط ۱۲۷ عراده موتر عسکری و پیکپ مقدار ۴۳۰۷۴ کیلوگرام مواد امدادی به واخان انتقال داده شده است.

قرار اظهارات بناغلی منشی زاده از تاریخ ۱۷ الی تاریخ ۱۳ قوس موادی که برای آسیب رسیدگان توزیع شده قرار ذیل است.

گندم مقابل کار ۱۶۷۲۰۰ کیلوگرام، رایگان ۱۸۳۱۶ کیلوگرام، روغن در مقابل کار ۵۳۴ قطی، رایگان ۱۰۹۶ قطی، سی اس ام رایگان ۶۱ خریطه و مقابل کار ۳۸۹ خریطه.

همچنین در قسمت اکمالات از مرکز بهارک برای اشکاشم ۱۰۱۵ کارتن روغن نباتی و ۱۲۰ خریطه سی اس ام، برای مرکز جرم ۷۳۲ کارتن روغن نباتی و ۱۷۴ خریطه سی اس ام برای واخان ۶۸ کارتن روغن و ۱۵۰ خریطه سی اس ام ارسال شده است، پا پوش برای اشکاشم ۲۵ صندوق، برای جرم ۵ صندوق و برای واخان ۲۵ صندوق فرستاده شده بود که در هر صندوق یکصند و بیست جوره پا پوش موجود بود.



جگتورن عبدالرحمان قوماندان
 قطعۀ پلمهای شنا و ربا صاحب منصبان
 قطعۀ



یکتن از اهالی مستحق پامیر راجع
بمواد بکے اخذ نموده با
راپورتر ما صحبت مینماید .

واجرائیه پلان کمیته عملیات امداد از قوچی به مرکز
فیض آباد مربوط گردیده که تا تاریخ ۲۰ قوس برای
هفت هزار نفر مواد امدادی توزیع شده است .
قراریکه جگرن محمد طاهر هجوم آمر معلومات مرکز
کمیته اظهار داشت تاختم توزیع در بدخشان درحوزه -
های هفتگانه مراکز توزیع بقرار ذیل مواد امدادی بمردم
کمک گردیده است .

۱- در مراکز توزیع اشکاشم: مقدار (۵۶۹۶۹۵)
کیلوگرام گندم برای (۸۳۱۰) نفر اعطا شده که از آنجمله
(۲۷۷۷) نفر در مقابل کار و (۵۲۳۸) نفر گندم رایگان
بدست آورده اند . در عین حال برای اشخاص مذکور
(۱۲۶۸۶) عدد خلطه صحنی ، (۴۴۱) خلطه سی اس ام .
۳۳۴۸ قطی روغن نباتی (مواد پروتین دار) ۱۶۶۵ جوره
پاپوش و (۲۶۱۵) تخته کمپل توزیع وداده شده است .

۲- در مراکز توزیع کشم: مقدار (۳۰۱۱۸۵) کیلو
گرام گندم برای (۴۲۰۷) نفر داده شده که از آنجمله
(۸۷۲) نفر در مقابل کار و (۳۳۳۵) نفر گندم رایگان
حاصل کرده اند . همچنین ۶۶۹۳ خلطه صحنی ، ۱۵۹
خلطه سی اس ام ، ۳۶۹۶ قطی روغن نباتی و ۱۴۴۰ تخته
کمپل برای همین مردم رسانیده شده است .

۳- در مرکز توزیع بهارک: مقدار (۱۳۰۶۶۰) کیلو
گرام گندم برای ۲۵۸۱ نفر مستحق که در آنجمله (۹۱۴)
نفر در مقابل کار و ۱۶۶۷ نفر رایگان نیز شامل اند توزیع
گردیده است . هکذا ۴۰۹۵ خلطه صحنی ، ۸۵ خلطه
سی اس ام و ۲۰۶۵ قطی روغن نباتی نیز برای مردم
آن منطقه داده شده است .

۴- در مرکز توزیع جرم: مقدار ۲۶۹۰۵۵ کیلوگرام
گندم برای ۳۰۸۲ نفر توزیع شده که از آنجمله برای
۱۴۲۷ نفر مقابل کار و ۱۶۵۵ نفر رایگان گندم اعطا گردیده

دستگاه بی سیم بهارک فعال بود او بریدگی عبدالودود
از ریاست مخابره بحیث قوماندان دستگاه ایفای وظیفه میکرد .
در بهارک فعالیت ک-اروان های نقلیه عسکری نیز
متمم مرکز بود . جگتورن حاجی محمد ابراهیم قوماندان
یکی از قطار ها گفت که پنجاه عراده موتر گاز بین بهارک
واخان واشکاشم فعلا نیست دارد کسه قطار اول
تحت اداره جگتورن حاجی محمد ابراهیم - شامل
پانزده عراده در قطار دوم تحت اداره تورن حاجی عبدالظاهر
پانزده عراده ، در قطار سوم تحت اداره لمری بریدمن حاجی
محمد اختر ده عراده و در تحت اداره لمری بریدمن رفیع الله
ده عراده موتر مصروف فعالیت بود .

بسیست عراده دیگر بین فیض آباد ، قوچی و کشم در دو
کاروان فعالیت میکرد که کاروان اول تحت اداره
لمری بریدمن حاجی محمد و کاروان دوم تحت اداره
لمری بریدمن محمد اکرم ایفای وظیفه مینمود .

بعد از ختم بازدید بهارک به فیض آباد مراجعت کردیم ،
در فیض آباد دگر جنرال محمد نذیر کبیر سراج مارا پذیرفته
وراجع به بازدید خود از مناطق یفتل و راغ که از مصیبت -
زده ترین مردم ولایت بدخشان بشما رمیرفتند و راه آن
سخت غیر قابل عبور است به تفصیل شرح دادند .

روز دیگر از مرکز حوزه توزیع فیض آباد دیدن کردیم
دگروال دکتور محمد حمیدر صالح بحیث آمر ارتباط
عسکری درین حوزه ایفای وظیفه میکرد . بناغلی عبدالولی
آمر توزیع مرکز فیض آباد گفت که در مرکز حوزه
فیض آباد برای چهارده هزار نفر که در دو صد قریه
سکونت دارند و شامل قریه های یک قسمت راغ ، یفتل بالا
یفتل پائین و ارگو میباشد . گندم ، آرد ، روغن سی اس ام
کمپل ، بالاپوش و ادویه توزیع شده است . قریه های راغ
ویفتل ها بعد از باز دید دگر جنرال سراج رئیس اداری

منظره از کاروان موتر های
عسکری در بین راه دشوار گذر
خندود و اشکا شم



جوره پا پوش، ۱۴۳۲۰، تخته کمپل و ۷۳۷ ثوب با لا پوش. با این ترتیب مردم آسیب رسیده ولایت بدخشان برای شش ماه موقتاً از امداد حکومت بهیخواه خود مستفید گردیده اند و این در اثر پلان گذاری صحیح و فعالیت مثبت اعضای فعال کمیته عملیات امداد بود که صادقانه در تطبیق و با جرا گذاردن پلان خدمت نموده اند.

قراریکه در شماره های گذشته نوشتیم برای ولایات آسیب دیده مرکزی به تعداد یکصد هزار نفر مستحق در نظر گرفته شده اما در اثر صوابدید کمیته عملیات امداد که از نتیجه ملاحظات و مشاهدات هیأت های اعزامی بعمل آمده بود برای یکتعداد دیگر مستحقین نیز مواد امدادی توزیع شده که طبق آخرین معلومات بدست آمده به تعداد یکصد و شصت و هفت هزار و هفتصد و شصت و هفت نفر یعنی (۶۷۷۶۷) نفر علاوه بر مستحقین قبل از امداد حکومت استفاده کرده اند. مجموع موادی که برای ولایات مرکزی توزیع شده عبارت از ۱۲۲۰۷ تن گندم، ۷۹۷۰۱ تخته کمپل و ۳۰۰۷۲ جوره پا پوش می باشد. همچنین مواد پروتینی، شیر، ادویه و سی اس ام نیز بمقدار لازمه توزیع شده است.

در جمله مواد مذکور علاوه بر سیزده مرکز توزیع قبلی تا تاریخ ختم توزیع برای گلران ۲۰۵۰ تن گندم و ۶۲۰۷ تخته کمپل و ۲۴۰۴ جوره پا پوش و ۱۷۰۱۵۰ عدد خطله صحنی امداد شده که مجموع مستحقین ۲۸۹۴۰ نفر بوده اند نیز شامل است.

همچنین برای کشک ۶۸۳ تن گندم، ۲۹۹۵ تخته کمپل، ۷۵۴۹ عدد خطله و ۹۹۱ جوره پا پوش برای ۹۷۸۹ نفر توزیع گردیده است، برای ۶۵۲۸ نفر مستحق رباط سنگی ۶۰ تن گندم، ۲۱۷۹ عدد کمپل، ۲۹ جوره پا پوش و ۵۰۱۷ عدد خطله صحنی تا تاریخ ۱۶/۱۰/۵۱ داده شده است.

است، در عین حال ۵۹۷۹ عدد خطله صحنی، ۱۴۰ خطله سی اس ام، ۳۰۸۲ قطی روغن نباتی و ۶۷۰ جوره پا پوش نیز توزیع شده است.

۵- در مرکز توزیع خندود (واخان): مندار (۵۸۳۷۰) کیلوگرام گندم برای (۵۹۳۰) نفر داده شده که (۲۰۳۳) نفر در مقابل کار و ۳۸۹۷ نفر رایگان گندم دریافت داشته اند. همچنین (۱۰۷۱۶) عدد خطله صحنی، ۲۵۱ خطله سی اس ام، ۳۷۸۷ قطی روغن نباتی، ۲۴۱۹ جوره پا پوش و ۲۳۰۶ تخته کمپل در مرکز توزیع مذکور تقسیم گردیده است.

۶- در مرکز توزیع قوچی (۱۳۴۷۶۵۵) کیلوگرام گندم برای (۲۰۴۵۸) نفر توزیع شده که از آن جمله (۶۳۴) مقابل کار و (۱۹۸۲۴) رایگان گندم بدست آورده اند. هکذا (۲۹۷۸۲) عدد خطله صحنی، ۱۹۷۲ خطله سی اس ام، ۱۵۵۸۸ قطی روغن نباتی، (۷۸۰۰) جوره پا پوش ۳۶۸۸۰ تخته کمپل و (۱۷۰) ثوب با لا پوش برای مردم رسانیده شده است.

۷- در مرکز توزیع فیض آباد: مقدار (۱۲۵۵۰۶۶) کیلوگرام گندم برای ۱۷۲۳۲ نفر داده شده که (۱۰۴۸۱) نفر در مقابل کار و (۶۷۵۱) نفر رایگان گندم بدست آورده اند. همینطور به تعداد ۲۷۶۹۰ دانه خطله صحنی، ۱۳۱۴ خطله سی اس ام، ۱۵۱۰۵ قطی روغن نباتی ۸۳۷۹ جوره پا پوش، ۴۲۷۱ تخته کمپل و ۵۶۷ ثوب با لا پوش نیز توزیع گردیده است، علاوه تا بمقدار کافی ادویه نیز در همه مناطق مذکور توزیع شده و مردم واکسیناسیون و تداوی شده اند.

مجموع موادیکه در مناطق آسیب رسیده بدخشان برای شصت و یک هزار و شش صد و نود نفر مستحق توزیع گردیده عبارتست از (۶۸۶/۳۳۱/۴) کیلوگرام گندم، ۹۷۶۴۱ عدد خطله صحنی ۴۳۶۲، خطله سی اس ام، ۶۶۷۱، قطی روغن نباتی، ۲۰۹۳۳

بعد از سال ۱۹۴۸ سالیکه فلسطین بدست صهیونیست ها افتاد همانگونه که اوضاع اجتماعی فلسطین تغییر کرد اوضاع ادبی آن سامان نیز دگرگون شد.

شعر ملی سرشار از شعور ملی تحت تاثیر گرایش های ادبی عربی و خارجی بتدریج قواعد سنتی تکنیک را کنار گذاشت و از سوی دیگر ادبیات نهضت مقاومت در داخل فلسطین اشغال شده با اختلافات اساسی عقیدتی روبرو شد. مردم شکست خورده و بی پناهی که در طول چند سال پس از ۱۹۴۸ به شعر عاشقانه روی آورده بودند، با آغاز دهه ۱۹۶۰ بابتی پروایی و شجاعت و امیدواری به کسب قدرت واقعی به مقاومت پرداختند.

شعر نهضت مقاومت نه تنها گواه تغییر در محتوی و بینش شاعرانه، بلکه نشان دهنده تغییر در قالب و تکنیک نیز هست، عشق به وطن و عامل رهایی بخش، هجوم دشمن و مآثرانش مخالفت و مبارزه طلبی نکات اساسی شعر فلسطین را تشکیل داد. ترجمه شعری را که اینک می خوانید از «سمع القاسم» یکی از سرسپردگان نهضت مقاومت است:

گزارش يك شكست

اگر مجبور باشم که نام را از دست بدهم، اگر مجبور باشم که پیراهن و بالاپوشم را بفروشم، اگر مجبور باشم که سنگی شکنی پیشه کنم، یا بارکشی،

یا چارو کشی،

اگر مجبور باشم که انبار هایت را تمیز کنم،

یا در خاک روبرو با بدنبال غذا بگردم،

یا از گرسنگی بمیرم و به زمین فرو بروم،

ای دشمن!

من سازش نخواهم کرد.

و تا آخرین نفس خواهم جنگید.

برو آخرین تکه جوانانم را در سر زمینم بزد از سیاهچالها بپنداز،

میراثم را غارت کن و کتابهایم را بسوزان!

سگهایت را در ظرف های من غذا بده،

برو و دام وحشت را

بر باسهای دهکده ام بگستران!

ای دشمن!

من سازش نخواهم کرد تا آخرین نفس خواهم جنگید.

اگر هر فروغی را در چشمانم خا موش کنی،

اگر همه بوسه ها بر لبها بپخش کنی؛

اگر فضای میهنم را با دشنامهای تلخ، انباشته کنی،

یا غم مرا در سینه ام خفه کنی

سکه مرا برستان بکوبی؛

تسم را از چهره کودک نام ز ریشه کن سازی،

اگر هزار دیوار یکشی،

و چشمان مرا به پستی و حقارت میخکوب کنی،

ای دشمن

من سازش نخواهم کرد و تا آخرین نفس خواهم جنگید

ای دشمن!

علامت ها را بر بندر ما برافراشته اند،

الهیة یا تصادف؟

یکی از اشبهای ژوئیة، آن شب آرام و عطر آمیز که حشرات بدور نور چراغ میگردند، ند، ناگهان پروانه ای روی پرگه کساغدی که مطالبی بر آن مینوشتم افتاد من بشوشتن خود ادامه میدادم و مثل این بود که هیچ اتفاقی نیفتاده ولی حشره خود را بر حاشیه کاغذ میکشید و کم کم حواس مرا بخود معطوف میکرد.

صفحه به آخر رسید و من دچار تردید بودم که آیا او را دور کنم، یا بگذارم بهر طرف که میخواهد خود را بکشد؟ نه بصمیم گر قسم با کمک ذره بین این جواهر زیبای بر ارزش زنده را مورد بررسی قرار دهم از خود می پرسیدم موجودی به این کوچکی و ظرافت چگونه میتواند از بوته این همه آزمایش پیروز بیرون آید؟ آن حشره عجیب بعد از چند دگرگونی منظم به این شکل پروانه زیبای دوست داشتنی تغییر یافتن و از موهبت چشم، یا شاخکها و بالها بر خوردار شدن واقع شایسته بسی تامل و تفکر است.

مخصوصاً با لهای زیبای این پروانه خوش رنگ مرا تحت تأثیر قرار داد. آن رنگهای بدیع با شکلهای هندسی بسیار منظم از کجا سر چشمه گرفته اند؟ بر روی این بدن ظریف، رنگهایی را می بینم که دست هیچ نقاش جیره دستی را یاری رقم زدن نقشهایی بدین زیبایی و بدیعی نیست.

در مقابل این نقش بدیع بخود میگویم:

نسبت دادن این همه زیبایی به تصادف جزاز کوردلی نخواهد بود و این برای من غیر ممکن است. در این دل شب از صمیم قلب در مقابل این نقش آفرین توانا زبان به ستایش و تقدیس میگشایم و میگویم:

«ای خدای بزرگ، ای آفریننده آسمان

و زمین و همه موجودات فقط ترا تقدیس میکنم»

اگر آدمی در برابر یک پروانه اینطور بشکفتی و تحسین میافتد، آیا در مقابل راز زندگی یک بشر نباید سر تعظیم و تکریم فرود آورد؟ این بدن ظریف با نسبتهایی آنقدر دقیق مثلاً انگشتانی که بزرگتر نشان از چوب کبریت ضخیم تر نیست و بعدها بدان صورت های جالب و متناسب در می آیند، آیا از صنع صانعیت توانا حکایت نمیکند وقتی مادری بشستمشوی کودک خردسال خود مشغول میشود، بی اختیار ناگهان از مشاهده اعضاء و جوارح او شغف و شادی زاید الوصفی سراپای وجودش را فرامیگیرد و مقتون این خلقت عجیب میگردد.

کمی بعد وقتی میلیاردها سلول مغز این نوزاد بیدار میشود و بکار می افتد، درك کردن و سخن گفتن را فرامیگیرد، وقتی عشق و محبت در قلبش ریشه میزند و خود را به سینه شما می چسباند و طبیعی ترین حالات عاطفی را از خود بروز میدهد، این کیفیت را به چه چیز میتوان تعبیر کرد؟

به تصادف؟ به يك رشته تصادف؟

یا به اراده خدای دانای توانا؟

آیا در مقابل این همه شکوه و عظمت، اعتقاد به وجود خدای بزرگ و توانا، مشکلات ما را آسانتر نمیکند؟

(انتخاب از پارس)

بنیان گذاران قوای مدافعه ملی

(بقیه صفحه ۲۴)

تمام میکرد سلطان جان گفت نخواستیم در امور دینی ام رخنه وارد سازد -

با این مکالمات آرزوی ماندن دشمن واضح تر گشت انگاه با آژانسهای مخفی وزیر نظر گرفتن احوال و اعمال دشمن آرزوی شوم دشمن که عبارت از ترور سران ملی و گمراه ساختن ساده لوحان که در هر جمعیت پیدا میشود و انجام کار بوسیله آنها روز بروز اشکارا میگشت. آخرین احوالی که در بچوپه روز های قبل از کنفرانس رسید این بود که میکناتن میخواست در روز کنفرانس اکبرخان سلطان جان - امین الله خان و محمد شاه خان را گروهان بگیرد و در صورت عدم موفقیت آنها را شخصا با افراد محافظ و افسران مشمول کنفرانس به قتل برساند و بدین صورت مردم را بی سر و در بین اقوام تفرقه انداخته تار سیدن بهار وقت لازمه را کمائی کند -

دشمن قبل از عقد مناقشات سران خواست تا تمام اردوی آن به بالا حصار انتقال یابد - زیرا رسانیدن آذوقه در شیرپور و بالا حصار مشکل بود - انگلیسها اكمال اردو دیگر مواد خوراکی انسانی و حیوانی خود را از قلعه حشمت خان موجوده و شبوه کی می نمود ، آوردن این مواد در تحت حمایه عساکر داخل گار نیزون بالا حصار آسان بود - (گر چه سران ملی با اخذ آذوقه مورد ضرورت گار نیزون های دشمن تا معلوم شدن نتیجه کنفرانس موافقت کرده بودند مگر باز هم جلوگیری از احساسات افراطیون مشکل بود از آنجهت رسانیدن مواد خوراکی از بالا حصار تا شیرپور توأم با تلفات میبود - سران ملی این کار را لازم ندانسته و به کنفرانس گذاشتند .)

سران ملی در اخیر به این نتیجه رسیدند که هر قدر وقت بگذارد امکان کشته شدن اشخاص نافذ و با لوسيله ظهور هرج و مرج بیش تر میگردد - مردم افغانستان هم ازین بیش میخواستند کار را یک سره کنند در حالیکه در نیت دشمن خورده ترین شک و تردیدی باقی نمانده بود روز کنفرانس را تعیین و برای اجرای نقشه خود طریقین احضارات لازمه را اتخاذ نمودند .

پروتوکول کنفرانس به این ترتیب بود از طرف شش نفر بعیث مشمولین کنفرانس انتخاب و به روز موعود در جوار پل محمودخان محل کنفرانس تعیین شد - انگلیسها نسبت تحرك عظیم مردم خواستند برای حفظ جان سران خود در کنفرانس طالب گردیدند تا با افراد خود از ظهور هر نوع پیش آمد جلوگیری کرده بتواند که با قبول

نمایندگان مخفی ما و گرفتار شدن آژانس های مخفی آنها بر ملا شده میرفت دو موضوع مهم کشف گردید .
۱ - رهبران نو آمده را بفریبید .

۲ - عمل ترور سران و بزرگان اقوام را به انجام برساند .

قراریکه از يك مکتوب آخرین میکناتن به یسکی از فریب خوردگان نوشته بود بر ملا گردید برای سراسر اکبرخان ده هزار ساله نقره و برای دیگران پنج تا دو هزار کلدان و عده داده بود - برای تعیین حقیقت این امر سران ملی تصمیم گرفتند تا قبل از کنفرانس سلطان جان (پسر عم و شوهر خواهر اکبر خان) را فرستاده حدود گفتگو را تعیین و تثبیت نمودند -

این گفتگو با تعارفات شروع گردید و میکناتن در ماندن قوای اشغالی اصرار و سلطان جان ترك بلا قید و شرط دشمن را خاطر نشان مینمود - این کنفرانس بدون نتیجه خاتمه یافت و ادامه آن با کنفرانس اخیر در صورت موجودیت اکبر خان موکول گذاشته شد - در وقت بر آمدن میکناتن با سلطان جان بر خاست و دست آنها را گرمی فشرد و گفت :

« بودن ما در افغانستان فوائد بیشماری برای شما در بردارد - مثلاً افراد ما به مواد غذائی احتیاج دارند و این را از مردم شما میخرند و ازین ناحیه پول هنگفتی بدست مردمان شما می افتد - و در صورت به خطر افتادن افغانستان اردوی ما از شما مدافعه میکند - و . . . »
در اینجا سلطان جان حرف میکناتن را قطع و گفت - مردم افغانستان پیش تر از پول به آزادی و حفظ نوامیس ملی و دینتی خود اشد ضرورت دارند - در باره مدافعه خاک باید نخست شما خاک ما را ترك کنید و اگر دشمن دیگری بمیدان آمد بما سلاح طرف ضرورت ما را بدید ما بشما اطمینان میدهم که نه تنها از افغانستان و با لوسيله از شما هم مدافعه شده میباشد -

سخنان سلطان جان که مطابق مشوره جرگه ملی بود بر لارد میکناتن سخت بر خورد و میخواست با و عدو و عید آنها بفریب سلطان جان به میکناتن مجال گفتار نداده و به بهانه رفتن به نزد اکبر خان و عیادت از آن از بالا حصار خارج شد .

سلطان جان نزد اکبر خان وارد شد و ماجرا را باز گفت - اکبر خان گفت چرا نگذاشتی تا وعده های خود را

سران ملی نعم گفته شد. پیشنهاد دیگر انبهادور نگهداشتن غازی ها از محل کنفرانس- اینهم قبول گردید- برای حفظ جان مکناتن حمل سلاح بوسیله سه نفر از کسانی که در کنفرانس شرکت خواهند کرد طلب شد و قبول گردید این همه، حضرات نیز نیت شوم دشمن را نشان میدهد البته سران ملی هم بحساب دشمن رسیده و در برابر عملی که دشمن آرزو داشت ترتیباتی گرفته بودند

ترتیبات دشمن:
تا اندازه ممکن افغانها را به ادامه اشغال قوای خود رام ساختن- تا آمدن قوای تقویه که قبل از زمستان زمانا و مکانا ممکن نبود ما را اغفال نمودن در صورتیکه ما اصرار ورزیم بایک اشاره اکبر خان، سلطان جان و محمد شاه خان را کشتن و دیگران را اسیر و گروگان گرفتن و در صورت مقاومت قبل از رسیدن غازی ها قتل کردن.

برای این مقصد:

- ۱- گارنیزون ها بحال آماده باش درآمدند
 - ۲- شانزده سوار جرارد چند متری محل کنفرانس منجبت محافظین میکناتن موجود بودن.
 - ۳- دوصد متر دور ازین ها یک ریجمنت انگلیسی برای حمایت شانزده سوار بمقابل غازی ها.
 - ۴- تمام قوای بالا حصار برای حمله سریع حاضر و آماده بودن.
- ترتیبات افغان ها -

- ۱- بکمال بی پروائی سلطان جان - اکبر خان - امین الله خان و محمد شاه خان با بکرخیل و دونفر دیگر با سلاح به کنفرانس اشتراک میکردند- بدون اجازه دادن بدشمن میکناتن را به شهر منجبت گروگان آوردن.
- ۲- غازی ها در محلات دور شاهد و ناظر حوادث بوده در صورت ممانعت از طرف عساکر دشمن به حمله شروع نمودن.

با گروگان گرفتن میکناتن خروج قوای اشغالی را ممکن ساختن و بدین وسیله از خون ریزی در بین طرفین جلوگیری کردن.

روز موعود زمانی که محافظین نظریه پلان فوق محلات خود را اشغال کردند میکناتن با میکنز- لارنس و سه افسر دیگر به استقامت پل محمود خان در حالیکه اکبر خان با دیگران انتظار میکشیدند نزدیک شده میرفت وزیر اکبر خان با مکناتن بعد از تعارفات بمحل گفت و شنید رفتند چون اکبر خان از مقصد میکناتن با خبر بود رطوبت زمین را بیانه گرفته از شانزده سوار دورتر پتوی خود را بزمین انداخته از طرفین سه نفر به زمین نشستند و سه نفر دیگر در بالای سر آنها ایستادند سه نفر و محافظین میکناتن با تفنگچه های خود در حالیکه حاضر به آتش بودند ناظر خوردترین حرکت وزیر اکبر خان و

سلطان جان بودند. درین وقت محمد شاه خان برخاسته گفت شما بودید که چشم به خالک ماد و ختید واز مسکاتیب و تشبثات آن یاد آور شد. درین وقت که مذاکرات ادامه داشت شانزده تن ب حرکت افتاد وزیر اکبر خان برخاست و میکناتن را بغل زد و جنگ تن به تن شروع شد. سلطان جان بر اسب خود سوار و بر شانزده سوار حمله برد بعد از زد و خورد سیزده نفر آن به قتل رسید و ریجمنت محافظ قبل از رسیدن به میکناتن به هجوم برق اسای غازی ها برخورد و جنگ مغلوبه شروع گردید و قتیکه سلطان جان از سر سواران فارغ گشت به سروقت اکبر خان که با میکناتن در گیر بود رسید اکبر خان و سلطان جان میکناتن را به طرف شهر میبردند که قوای بلا حصار و شیرپور داخل محاربه شده بودند لهذا با مقاومت میکناتن جز از بین بردن آن راهی نمانده بود. جنگ تاظهر ادامه داشت و به تعداد غازی ها افزوده شده میرفت تا اینکه قوای دشمن دوباره حصار گشت.

خبر قتل میکناتن به قهر و غضب دشمن افزوده میرفت و به امر الفستون قوای بلا حصار و شیرپور با حرکات جسورانه بی مثل برای احاطه قوای افغانی از دو جناح میکوشید که با جسارت و اراده متین غازی ها در تحت اداره سران ملی دفع و طرد گردیده این خروج های اجباری چندین بار بدون اخذ کدام نتیجه تا عصر بلند ادامه داشت تا اینکه دشمن به گارنیزون های خود برگشتند.

این زد و خورد جسورانه شجیعا نه طرفین ضایعات زیادی برای طرفین بار آورد شب دشمن در گارنیزون ها و نقاط استناد این دو گارنیزون یعنی شیرپور موجوده و بلا حصار بمداقع گذشتند و با حلول شب او از محاربه روبه تنزیل گذاشت.

این شب برای هیئت سفرئی دشمن خیلی غم آورده هشت زابود جنرال الفستون که مخالف بارویه دو رویه مکناتن بود این روز شوم را غیر مترقبه نمی دانست سر از امشب حکومت تما ما بدست جنرال الفستون آمد مگر بعضی از سیاست مداران طرفدار فکر میکناتن علاقمند ادامه جنگ و جنرال الفستون به اجرای مذاکره غیر مستقیم برای باز یافتن خروج قوای عسکری از کابل بود.

این دفعه اوضاع تماما به نفع افغانها رو آورده بود باز هم چنانچه در تاریخ ثبت شده افغانها طرفدار قوای عسکری دشمن بدون سلاح و تحت حمایت افغانها بودند افغانها میگفتند که سلاح خود را بگذارید و قبل از افتادن بر فز از افغانستان برائید و ما را بحال خودمان بگذارید. این گاه هم جنرال الفستون نتوانست خود را از تاثیر طرفداران میکناتن بر هاند ولی با خروج مسلح رضایت داشتند افغانها خروج بدون سلاح ایشان را گراتی میکردند مگر خروج با سلاح ایشان را بدوش خودشان میگذاشتند.

کوتاه سخن که برف قبل از وقت به باریدن گرفت جنرال الفنتون خواهش کرد تا اجازه داده شود که تمام قواء در گارنیزون بالا حصار آورده شوند و این انتقالات در مقابل هجوم غازی ها تحت حمایت سلطان جان قرار گرفت تمام قواء به بالا حصار آورده شدند و بعد از مذاکرات مستقیم انگلیسها به خروج با سلاح قرار دادند و تنها از محمد اکبر خان حمایتها و اطفال شان را به عهده گرفت.

به عقیده من اشغال افغانستان با شرایط همان عصر ناممکن بود و بهتر بود اگر الفنتون قبل از افتادن برف خروج اجراء و از راه کوناه ترین خود را به جلال آباد میرساند درین صورت شانس بیشتری داشت البته گذاشتن سلاح از نگاه ما عسکرها حکم تسلیم را دارد و این تسلیم برای آینده امپراطورئی شان ناقابل قبول است زیرا یک عسکر وقتی تسلیم میشود که چپخانه اش تمام شده و مقاومت بدون فایده و ناممکن باشد اگر الفنتون قبل از افتادن برف سنگین میبرآمد نظر به حساب من نصف قوایش از دستش میرفت اما با گارنیزون جلال آباد ملحق و تارسیدن قوای تقویه از پشاور نصف قوای خود را نجات داده میتوانست از گارنیزون جلال کاری ساخته نبود زیرا خروج آن بمقابل غازی ها که در اراضی حاکم و به اصول جنگ اینها آموخته شده بودند عوض رسیدن بداد الفنتون خود شان امحا میگردیدند و وسائل آنزمان برای هم آهنگ ساختن حرکات این دو قواء ناممکن بود.

ماندن الفنتون در بالا حصار نه تنها امکان خلاص شدن مهمات شان مورد بحث بود بلکه مسئله اعاشه ناممکن و مردن از گرسنه گی و بیماری آنها را مجبور به خروج اجباری مینمود خروج کردند اما از نگاه فاکتور زمان و وقت بود عارضه های اراضی با سردی از کابل تا جگدک به نفع افغانها بود باید این اراضی در هوای خوب و از ارتفاعات گذشته میشود خانم ها و اولاد های خود را باید به حمایت اکبر خان به کابل میگذاشتند توپ های خود را باید تخریب مینمودند و بدین صورت هم سبکبار و هم میتوانستند از اراضی حاکم استفاده کنند.

حال آنکه اینها در مقابل غازی های امان نا پذیر از دره عمیق و محکوم خورد کابل گذشتند افغانها بعد از آنکه قوای سفرئی دشمن در وسط دره رسید از دو طرف به تعرضات ادامه و قسم کلی دشمن را در همین چاه سوق الجیشی از بین بردند که از آن بقایای اردوی دشمن نا امیدانه مگر بسیار شجاعانه در راه حفظ شرف سلاح خود میجنگیدند که قابل تذکار است من شخصاً نه تنها درین جنگ بلکه در تمام جنگها حتی در حرب اول و دوم خوانده شواهد تاریخی دیسپلین عسکریت و قدرت محاروبی آنها در ساحه های تاکتیک و افکار شایسته فکر مدبر استراتیژی آنها میباشم اما درین جنگ با دشمن سرسخت و رهبران جنگ از موده و توانا روبرو بودند

خوب هر چه بود گذشت ما همیشه به ایثار و از خود گذشتگی اباء و اجداد و فداکار خود افتخار میکنیم و کرده ایم اما اصل مهم نتیجه گرفتن اعمال آنها برای ما مهم تر از ایثار آنها است زیرا تاریخ دنیا به آنها شاد باش گفته و خدای توانا ایثار ایشان را با جام شهادت مکافات داده است البته تاریخ حرب های ملی برای هر مملکت بهمان اندازه که افتخار آمیز است از آن بیشتر درس دهنده میباشد.

بالخاصه محاصره در بالا حصار بدون امکان اکمال نان و آب مسئله لوژستیک بس بزرگی احمیدان میاورد دشمن برای برای نجات خود یک امید داشت رسیدن قوای جنرال سیل از پشاور - این قوه نجات بدو دلیل ناممکن بود.

۱- قوای جنرال سیل باید از پشاور حرکت و با قوای که در جلال آباد بودند پیوست میشد و بعد از آن طرف کابل رهسپار میگرددید - این تجمع با واسط و شرایط زمان و وقت زیادی را دربر میگیرد و در عین زمان از طرف مجاهدین به تعرضات شدید جناحی مواجه بود اگر مقاومت مردم کامل و ولایت ننگرها و مردم عرض راه را با آن علاوه کنیم نه تنها در طولانی شدن زمان رسیدن این قوا بلکه زمستان و اراضی جگدک و خورد کابل این نیل بمقصد قوای نجات دهنده را بمعرض خطر امحا گذاشت و در آن صورت نه تنها دو قوه قابل اعتماد از بین میرفت بلکه قوه دیگری که بتواند پرستیژ بریتانیا را در هند برقرار سازد در دسترس نبود و برای اینکار باید قوای زمینی که برای استقرار امنیت در هند بود از نقاط مختلف جمع و یا قوای تازه سفریه انگلستان تقویه میگرددید که این امر هم به ماهها احتیاج داشت از آن رورسیدن تقویه قابل اعتماد قبل از گذر زمان ناممکن بود.

۲- تارسیدن این قوا در حالیکه مواد اکمال روبه تمامی داشت در بالا حصار مقاومت کردن ناممکن بود زیرا اوردوی دشمن به اکمال مواد غذایی برای انسان و بلاخص حیوانات ضرورت حیاتی داشت گرچه تشبثاتی از راه جنوب قلعه با خروج های اجباری از دهات نزدیک آوردن غله را پلان گذاری کرده بودند مگر به تعرضات شدید غازیها مواجه و بعد از دادن ستافات زیاد از گاو غدودی هم نمی رسیده تا اینکه تمام این ساحه از طرف مجاهدین محاصره گردید - تارسیدن قوه نجات محاصره بالا حصار قبرستانی بیش برای اردوی دشمن نبود - من بعینت یک عسکر شجاعت دلیری دیسپلین - تعلیم و تربیه اردوی دشمن را با معنویات آنها اعتراف مینمایم اما این قوه سفرئی شاه اثر بدست ادم از خود راضی و مغرور به حالتی در آورده شد که از دوراه باید یکی را انتخاب مینمود

۱- به گرسنگی و ژنرال زمستان تسلیم شدن و مردن -
- با تکرار شرع مذاکرات غیر مستقیم راه خروج (بقیه در صفحه ۱۴۳)

این نوری که درین روزها در محیط ما زیاد دیده می شود لازم دیدم در باره مرض به خوانندگان مجله معلومات چندی به عرض برسانم:

انفلوآنزا یک نا جوری حادث است که در اثر نوعی ویروس فیلتران بوجود می آید. ویروس های مولد انفلوآنزا را به انواع A-B-C تقسیم می کنند. ویروس های که از اشخاص مبتلا به انفلوآنزا جدا می کنند میتوان انسان و حیوان را مصاب بمرض کرد. اندازه انتی کورهای ضد ویروس انفلوآنزا در سیرم خون مبتلایان، به مرض مذکور بلند است.

گاهگاهی ممکنست در جریان مرض انتانات سریع و کشنده ریوی به ظهور برسد. واقعه یا عارضه در زمان پاندمی (Pandemie) ۱۹۱۸ و پاندمی سال ۱۹۵۷ زیاد مشاهده شد در بعضی از موارد انتان ریوی مطلق بوسیله ویروس انفلوآنزا بوجود می آید ولی در بعضی از موارد انتان باکتریال نیز بر پنومونی ویروسی اضافه میشوند.

این مرض ممکنست جنبه سپورا دیک (Sporoique) و یا اپیدیمیک (Epidimic) داشته باشد اپیدیمی ها هر ۴-۱ سال یک مرتبه پیدا شده و به سرعت پیش رقت می کنند زیرا دوران خفاء مرض کوتاه است (۱-۳ روز). انفلوآنزاهم چنین ممکنست بصورت اپیدیمیک بروز کند.

متجاوز از ۱۰ میلیون نفر از اثر این نا جوری به هلاک رسیدند پاندمی ۱۹۵۷-۱۹۵۸ از سبب عدم مصونیت مردم دنیا در مقابل نوع A ویروس انفلوآنزا بود.

اعراض: - مرض به طور ناگهانی با علایمی چون لرزه خنک خوردگی و تب شروع میشود.

علائم عمومی عبارت اند از دردهای منتشر زیادتر در کمرها سردرد ضعیف و بی اشتها می باشد مریض ها معمولاً احساس ترس میکنند علائم تنفسی شدت متوسط داشته و عبارت اند از درد گلو - سرفه های بدون خلط و در بعضی اوقات ذکام. همچنان قسمت خنک و ناحیه خلفی دهان و همچنان قسمت خلف - حلق ممکن است سرخ رنگ به نظر بخورد.

ولی تا زمانیکه انتانات باکتریال مداخله نکرده باشد ممکن ترشح بوجود نیاید.

در اشکال خفیف نا جوری درجه حرارت بدن تا ۱۰۱ الی ۱۰۲

جگتورن دوکتور حفیظ الله (نادری)
داکتر داخله روغتون اردو

ENFLUENZA

«La Gripp»

انفلوآنزا

درجه فارتنهیت به لارفته تا ۲-۳ روز دوام میکند.

در اشکال شدید نا جوری یا مرض درجه حرارت تا ۱۰۳-۱۰۴ درجه فارتنهیت می رسد تا ۴-۵ روز ادامه پیدا کنند.

پس از قطع تب علائم مرض به سرعت بر طرف می شود ولی بعضی اوقات ممکن است علایمی چون ضعف - عرق کردن و خستگی تا چند روز و گاهی تا چند هفته ادامه پیدا کند.

اگر پس از گذشتن روز پنجم باز هم تب - سرفه و سایر اعراض تنفسی باقی بماند باید بفکسر

پنومونی باکتریال تالی باشیم. با وجود آمدن پنومونی علائم فزیکمی چون رال های کریپیتان و سو کریپیتان به ظهور میرسد جای رال های مذکور معمولاً در قسمت خلفی قاعده هر دوریه است که بتدیج سرفه زیاد شده و بلغم بوجود می آید. علاوتاً درین پنومونی یک لوکوسیتوز مترافق با گرا تو لو سیت های جوان دیده می شود. خصوصاً در وقت پاندمی های شکل برق آسا و کشنده پنومونی با اعراض چون تب و نفس تنگی و سیاتوز - همو پتیزی و از یمای ریه بوجود می آید که در مدت کوتاه مثلاً ۸ ساعت منجر بمرگ مریض می گردد اعراض دیگری انفلوآنزا عبارت اند از بر و نشیت - اسیتوزیت - او تیت گوش متوسط و ضخامه عقلاط لمفاوی.

تشخیص: برای تأیید تشخیص انفلوآنزا میتوان در مرحله اول مایع که مریض غر غره کند و بیرون انداخته است ویروس را جدا کرد. علاتاً این مرض در دوران ابتدائی خود با بسیار اعراض انتانی شبیه است.

و همچنان بسیاری از امراض انتانی در دوران ابتدائی خود مشابه انفلوآنزا است مهم ترین این امراض عبارت اند از پنومونی ویروسی - مونو توکثوز انتانی - هیپاتیت انتانی مریض ریکتزیائی و پریموانکسیون تو بر کلوز.

وقایه: - امروز که واکسن های ضد انفلونزا پیدا شده و باید واکسن از ویروس تهیه شود که در محیط باعث بوجود آمدن مرض گردیده و خوش بختانه واکسن - های تهیه شده امروز این خاصیت را دارد.

مصونیت که از واکناسیون
بوجود می آید تقریباً یک سال طول
می کشد!

لذا باید همه ساله افراد
مخصوصاً در وقت که خطر انفلوانزا
باشد یا یسد را کسینه شود.
واکناسیون خصوصاً در مورد
اشخاص پیر-زمان حامله، مبتلایان
به مرض قلبی و ریوی و یاد یگر
امراض مزمن باید انجام شود
در ایام می سال ۵۸-۱۹۵۷
بسیاری از مریض های که به روما
تیسم قلبی مصاب بودند در اثر پتومونی
که از انفلوانزا بوجود آمده
در گذشتند.

برای مصون ساختن افراد از
دودوز واکنس پولی والان به
به فاصله دو ماه تجویز مینماید که
تا دو هفته بعد از واکناسیون
مصونیت پیدامی شود. مقدار
واکنس در اشخاص بالغ یک سانتی
متر مکعب و در مورد اطفال ۲/۱
سانتی متر مکعب است که در تحت
جلد زرق می شود. متعاقب زرق
واکنس ممکن عکس العمل موضعی
و یا عمومی به ظهور برسد برای
از بین بردن یا خفیف نمودن این
عکس العمل باید واکنس را بطور
منقسم بفواصل ۲-۱ روز تجویز
نمود عکس العمل شدید و ناگهانی
که منجر به مرگ شدند خیلی نادر
می باشد از طرف دیگر در وقت
زرق واکنس باید از مریض سوال
کرد که آیا در برابر تخم مرغ
حساسیت دارد و یا نه؟ بر علاوه
در وقت زرق واکنس همیشه باید
محلول ابی نفرین در دسترس باشد.

تداوی: در تداوی انفلوانزا
به طور مختصر چند نکته زیر در نظر
باشد.

میدانیم که هیچ دوا ی که
بالای ویروس این مریضی موثر
باشد در دسترس نیست. و از طرف
دیگر پس از ظهور مریضی از

واکنس انفلوانزا کاری ساخته
نیست. در طول مرض باید مریضان
بستری باشد و این استراحت باید
۲۴-۴۸ ساعت پس از قطع تب
دوا باید دوام داده شود.

غذای مریض باید سبک بوده
مقدار مایع که مصرف می کند
باید زیاد باشد (۳-۳/۵ لیتر در
شبانه روز) مایع گرم شیر ترجیح
داده می شود. در صورت لزوم از
دوای ماین نیز استفاده کرد.

دوای ضد تب دار
(مثل اسید استیل سالیسیک بمقدار
۰/۶ گرم به تنهایی و یا همراه
یا کدئین بمقدار ۱۵-۳۰ میلی گرم
هر ۴ ساعت یکبار) مفید واقع
خواهد شد.

باید به خاطر داشته باشیم که
این دواها در دیگر امراض مثل
انفلوانزا درجه حرارت را پائین
می آورند تجویز دواهای ضد تب
به محض قطع تب باید متوقف گردد
و با لاقبل مقدار آن کم شود. اگر
درجه حرارت دوباره بالا رفت
از نظر طبیعت مخفی نماند.

در شکل خفیف مریضی تداوی
علامت تنفسی چندان لزومی ندارد
مگر بد نیست به تداوی مختصر

اقدام کنیم. برای رفع بندش
بینی ممکن است ۲-۱ قطره محلول
فینل اقدرین در کلرور سودیم هر سه
ساعت یکبار بداخل بینی چکانده
شود برای تسکین گلودردی
میتوان از غرغره محلول نمکی
ایترو تونی-ک گرم استفاده نمود
استنشاق بخار آب علاوه بر تسکین
علامت تنفسی از خشک شدن ترشحات
راهای تنفسی نیز ممانعت بعمل
می آورد. شربت های کدئین دار
نیز معمولاً مفید هستند.

تشخیص پومونی با کتریال
اغلب مشکل است در مواردی که
نسبت به پتومونی با کتریال مشکوک
باشیم باید ازدادن دواهای ضد
با کتری (خصوصاً دواهای موثر
بالای انواع ستا فیلو کوك) خود
داری نکنیم زیرا هر قدر دوا زودتر
داده شود اثر آن زیاد خواهد بود.

بعد از رفع حمله ناچوری مریض
باید بتدریج فعالیت روزمره خود را
از سر بگیرد مریض وقتی میتواند
فعالیت کامل وعادی داشته باشد
که ضعف، گیجی و ناتوانی به صورت
کلی از بین برود اگر مریض
زودتر از معمول شروع به فعالیت
کند ممکن است مریضی عود نماید.

مرگیه: ای دژوند وروستی و فادار ارشه اوز ما سره

پتی خبری و کپره...

ورغی ورغی تیری شوی چی زه ستا په انتظار کی ناست یم

ستا په خاطر زه دژوند مصیبتونه او خوشی کالم.

خه چی زه یم، خه چی زما آرزوده او هر خه چی تراومه

لرم حتی زما د عشق پت راز او داتوله تا ته گوری، ستا

دسترگو یو کاته په زما توله ژوند دهمیشه دپاره ستا کپی

گلونه وپودل شوه امبل دناوی دپاره تیاره دی تراوده

وروسته به ناوی خیل کور پریردی او دخپل خپتن سره

په یوازی دتوری شیپ دتنهائی په گوښه کی یوهای شی.

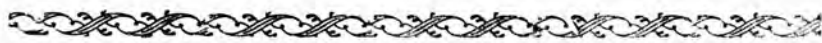
(تاکور)

تأمین صلح

تورن شمس‌الدین ظریف صدیقی

جهانی، مسالہ فروش

سلاح‌های مخرب و تقلیل قوا

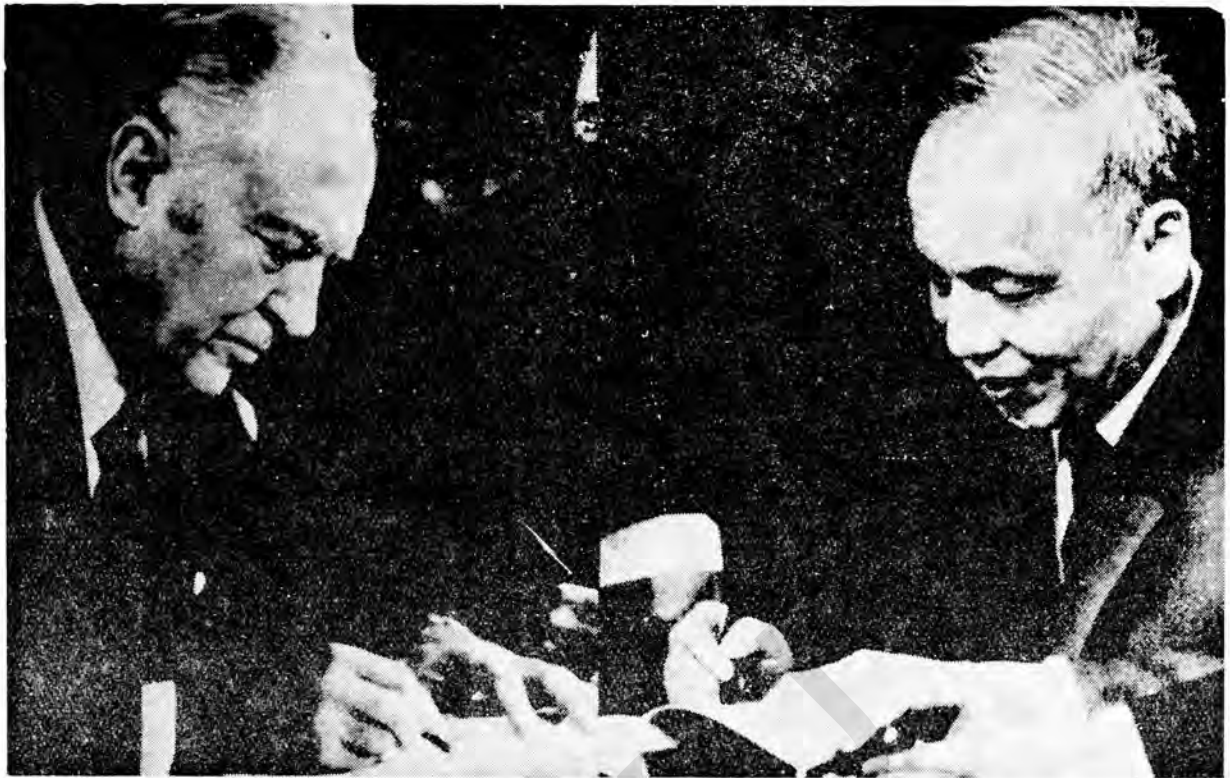


امروز کمتر کسی است که در آرزوی صلح و تأمین آرامش بسربرد، احصائیه تلفات و هشتتاک طی حربهای جهانی اول و دوم بهتر از هر چیزی شورا متوجه تباہی‌ها و تلفات سنگین که از نتیجه محاربات خونین حاصل شده است میسازد، دانشمندان، علماء و سردانیکه برای زندگی بهتر هر روز چیز جدیدی اختراع میکنند و مسائل نوی را مطرح مینمایند همه برین عقیده اند که صلح بهتر از جنگ است و نسل انسان وقتی میتواند از مزایای مدنیت‌ها، پیشرفت‌ها و تکامل بهره برداری کند که صلح را داشته باشد. اما در پشت پرده سیاست و منافع اقتصادی برایش همه میخندد و با همه دم زدن از صلح و انسان دوستی، اسلحه میسازد، اسلحه میفروشد و حادثه رامپافریند، حادثه‌های که بالاخره به سلاح‌های کشنده، به برخورد‌های مسلحانه و استعمال گوله ضرورت می‌افتد. بزرگترین کانون این حوادث در شرق میانه، در افریقای نوبرخواسته و در کشورهای هند چین مشاهده میشود. محاربه خونین ویتنام اعصاب همه پشردوستان را نا آرام گردانیده و ذهنیت دنیای ما را علیه آن آماده ساخته است. فشار افکار عمومی بالاخره سیاست امریکا را وادار به بقبول مذکره و آماده ساختن زمینه مصالحه گردانید ولی آیا برآستی صلح دوامدار برهند چسین مستقر خواهد شد؟ آیا برآستی ملت و یقیناً نفسی پراحت خواهد کشید؟ این را دیگر خدا میداند و آنها نیکه پلانهای جدید را برای فروش و استعمال اسلحه خود طرح مینماید.

باید قبول کنیم که صدای صلح طلبان امروز در همه گوشه و کنار جهان ماطنبن اندازاست، نیروی صلح دوستان هر روز قوی شده میرود، انسانهای طرفدار صلح و آرامش هر روز افزایش میآیند و معتقدات برادری و انسانی جمعیت‌های متخاصم را بسوی صلح میکشانند ولی آیا همه اینها قدرت جلوگیری از فروش اسلحه و پلانهای بهم اندازی را دارند؟ آیا فریاد صلح طلبی در ملل متحد خواهد توانست روزی مفکوره خلع سلاح را بساحه تطبیق رهبری نماید؟

بهتر است درین روزهای سال ۱۹۷۳ که لحظه بلحظه ما را امید مینماید به جراید و مجلاتیکه راپورهای مسلح ساختن کشورهای رو به ترقی و تولیدات فابریکه‌های اسلحه امریکا و اتحاد شوروی و کشورهای دیگر را به نشر میسپارند نظری بیاندازیم و به بنیم نتیجه این کار بکجا میکشد و عاقبت بکدام طرف منتهی میشود.

بطوریکه جراید و مجلات راپور میدهند درین لحظات که دنیا بخاطر امضا شدن پیمان صلح و متارکه در ویتنام روزهای خوشی را در قبال دارد، انگلستان و فرانسه با تمام قوا میکوشند بازارهای جدیدی را برای فروش اسلحه خود پیدا کنند چون در اثر فشارهای سیاست جهانی دول کوچک در مناطق مختلف بخاطر حفظ و ادامه پروگرام‌های پیشرفت و ثبات موجوده خویش باین نتیجه رسیده‌اند که آرامش و امنیت ملی آنها بر اساس تحکیم و تقویت قدرت ملی استوار است و هر دولت و ملت کوچکی نیز مسوولیتی در حد توانائی خود و مناطق اطراف خود دارد زیرا همانطور که دول بزرگ بر اثربت قدرت خود، توانسته‌اند از راه محاسبات و مذاکرات زیرکانه خطر هر گونه محاربه تباہ کننده عمومی را رفع کنند و کشورهای که در مناطق حساس جهان دلمرای ثبات و استحکام کافی و سیاست دفاعی مثبت و قوی هستند، میتوانند بسوی بین‌المللی قدرت خویش را به نفع صلح و آرامش پایدار بکار برند و آمادگی و هوشیاری آنان هیچوقت و هیچکس را بخطر نمی‌اندازد ولی درین میان علاوه از امریکا و اتحاد شوروی که دارای قوای بزرگ و نیرومند چه از جهت داشتن سلاح و وسایط مدرن برای دفاع خود و چه از جهت تولید و فروش اسلحه برای کشورهای روبانکشاف یا کم‌رشد می‌باشند ممالک دیگری هم هستند که اسلحه می‌سازند و زمینه استعمال آنها فراهم میکنند. بطوریکه احصائیه و ارقام جهان نشان میدهند در متن وحاشیه تجارت اسلحه در شرق میانه و قسماً افریقا امروز مملکتی فعال‌تر از فرانسه وجود ندارد، چین فیز سرگرم مذاکره با فرانسه



امضای موافقتنامه صلح بصورت رسمی در پاریس و ختم جنگ های ویتنام .

قرار داد ختم جنگ و برقراری صلح در ویتنام بتاريخ ۲۷ جنوری مطابق ۷ / ۱۱ / ۵۱ در هتل مجستیک پاریس به امضا رسید . امضا کنندگان این موافقتنامه عبارت بودند از ویلیام راجرز وزیر خارجه از ایالات متحده امریکا - نگویی دی ترین وزیر خارجه از ویتنام شمالی، تران وان لام از ویتنام جنوبی و میرمن نگوین تری بین از حکومت ولایتی انقلابی ویتکانگ ها . طی يك ملاقات قبل از ظهر موافقتنامه سه فقرای با ضمایم پروتوکول آن از طرف هر چار پارٹی به امضا رسید و بعداً وزیر خارجه راجرز با وزیر خارجه ترین برای يك امضای دومی در بعد از ظهر آن روز نیز اجتماع نمودند که نتیجه آن اعلان ختم جنگ های ۲۵ ساله ویتنام و عصر مصر و فیت های نظامی امریکا در ویتنام جنوبی بود . در عکس ویلیام راجرز وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و نگوین دی ترین وزیر خارجه ویتنام شمالی حین امضای موافقتنامه صلح ویتنام در محفل بعد از ظهر دیده میشوند .

که یکطرف آن امریکای جنوبی و طرف دیگر استرالیا، فلپاین اندونزی و نوبی زیلند قرار دارند استعمال میکند ، چندی پیش کدیکی از این بیم های خطرناک در بحر الکاهل توسط فرانسه منفجر شد در جواب اعتراضات این ممالک فرانسه اعلان نمود که این انفجار اثری بسالای ممالک دو طرف بحر الکاهل ندارد . استرالیا در مقابل این اظهارات اعلام نمود که اگر بمب هیدروجنی فرانسه اینقدر سالم و بی خطر است چرا آنرا در بحیره مدیترانه منفجر نمیکند ؟ از نقطه نظر بازار بین المللی اسلحه سرزمین وسیع جمهوریت مردم چین با نفوس بیشتر از هفتصد میلیون نفر یک بازار دست نخورده محسوب می شود و در سال ۱۹۶۶ که انقلاب فرهنگی چین باوج خود رسیده بود آژانس های خبر رسانی اروپا اطلاع دادند که در چین مردم بیش از نود میلیون ماشیندار خفیف دارند و تعداد اشخاص که به سلاحهای اتوماتیک دستی و تفنگ مسلح هستند از ده میلیون نفر تجاوز میکند . باید گفت

برای احداث یک فابریکه جت میراژ است ، بعد از فرانسه انگلستان و بلجیم و ایتالیا قرار دارند . کشور های صنعتی بزرگ گیتی از سال ۱۹۷۰ تا حال سالانه دو میلیارد دلار از درک فروش اسلحه ، از ملل جهان سوم در یافت داشته اند و این رقم در ۱۹۷۱ به ۱۲ میلیارد دالر رسید و شواهد نشان میدهد که با این مقدار سه میلیارد دالر دیگر نیز افزایش در سال ۱۹۷۲ و آغاز ۱۹۷۳ بعمل آمد و خواهد آمد . کشور تبعیض طلب افریقایی جنوبی بیرکت معادل طلا و الماس خود خیلی زود از حالت ملل غیر صنعتی جهان سوم خارج شد و یکی از خریداران مهم اسلحه در سطح جهانی است و جالب آنکه اکثر اسلحه خود را از فرانسه که دارای صورت حق بجانب ضد تبعیض نژادی و تکیه بر اصل آزادی برادری و برابری است ، میخرد و بیرکت این پول فرانسه پی در پی بدنبال تأسیس یک ریاکتور اتمی و هیدروجنی کامل می رود و بیم های یک مگاتمی هیدروجنی خود را در بحر الکاهل

این جمعیت عجیب و مسلح، غیر از اردوی جمهوریت مردم چین بودند که پنج میلیون نفر افراد، یک اردوی بزرگ را تشکیل میدادند و انواع سلاح و وسایط عصری زمینی بحری و هوایی را در اختیار داشتند.

ماشیندار معروف (AOK 47) را که موثرترین سلاح پیاده بحساب میرود در محاربات شرق دور مثل ویتنام، لاؤس، کمبودیا، تایلند، اندونیزیا، برما و سری لانکا شهرت زیادی کسب کرده در تمام جهان مشهور است، با اینکه سازنده این ماشیندار چین است و نمونه آن در اکثر ممالک آسیا و افریقا استعمال میشود باز هم بمقایسه بازار بین المللی اسلحه نمیتواند جای سهمی را اخذ نماید. جمهوریت مردم چین امروز انواع و اقسام، توپ، تانک، وسایط زره دار تفنگ و ماشیندار را می سازد ولی محصول فابریکه های اسلحه.

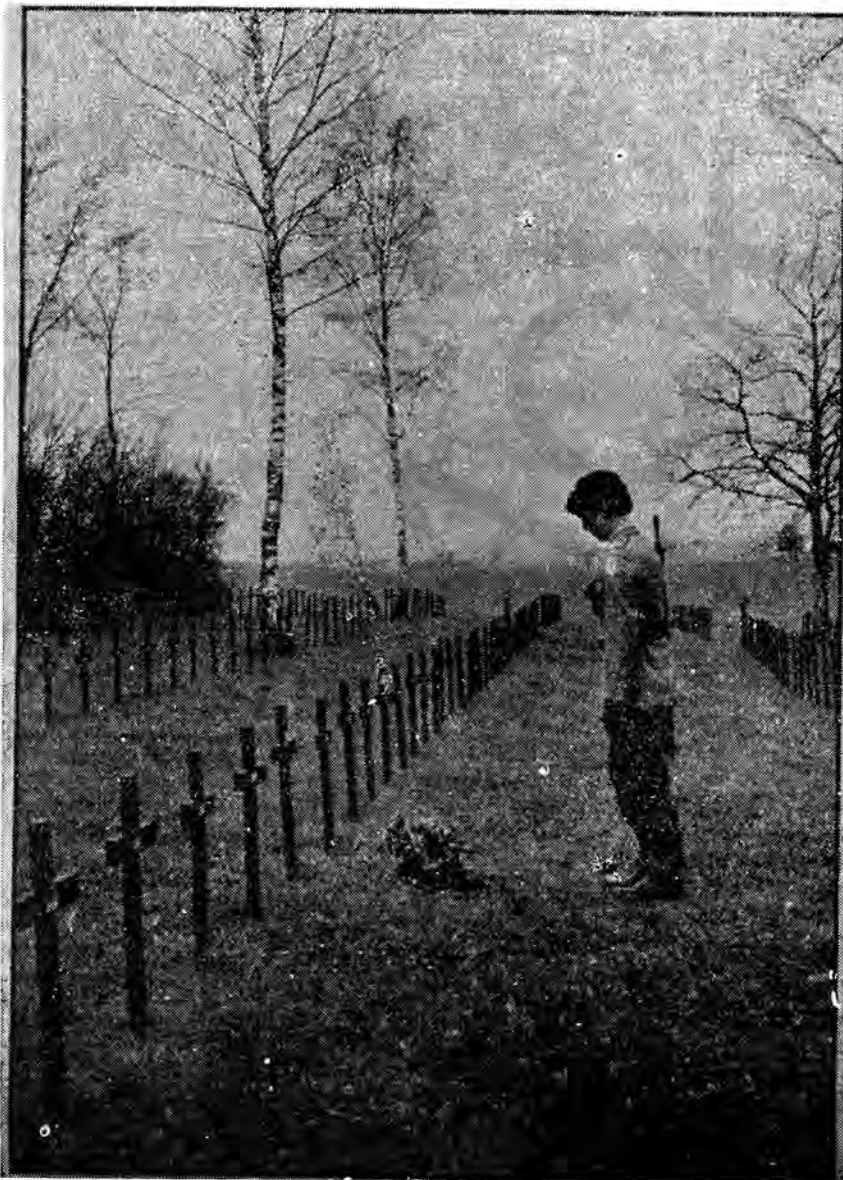
سازی آن به جنسیت اسلحه ممالک مانند آمریکا، اتحاد شوروی و ممالک اروپایی نیست و نمیتواند جای زبان را در بازارهای بین المللی بگیرد.

اما چین درین میان خود را تقویت نمود و دارای نیروی ذروی و اتمی گشت. بطوریکه بمب های هیدروجنی چین و انفجارات ذروی آن، باعث تشویش و اضطراب دول بزرگ جهان گردید و اقداماتی هم در زمینه صورت گرفت مگر باین همه، چین بقول ماوتسه تونگ رهبر بزرگ چین، براه خود میرفت زیرا بگفته او (بمب هیدروجنی ما جمعیت ما است) این قول ماوتسه تونگ نیز به نوبت خود پیشگوئی ناپلئون بناپارت را بخاطر می آورد که یکصد هفتاد سال قبل اخطار داده بود در شرق آسیا غول خطرناکی خفته است که اگر بیدار شود دنیا را خواهد بلعید و امروز چین با درد دست داشتن بمب اتمی ها دید رو جنی دنیا را بو حشت افکنده است.

کشورهای شرق میانه و مبارزان فلسطینی هم در مسلح ساختن قوای خویش با تمام قوا تلاش میکنند چه یهودیان بکمک دول بزرگ قسمتی از خاک ممالک عربی را اشغال نمودند و میلیونها فلسطینی را آواره ساخته و روز بروز با بدست

آوردن اسلحه بیشتر تقویت می شوند.

اسرائیل دشمن بزرگ ممالک عربی از هر لحاظ برای برهم زدن صلح جهان خطرناک است و دول عربی حق دارند برای مبارزه با این دشمن مشترک و خطرناک آمادگی بگیرند. طبیعی است که این موضوع باعث میشود که سلاح عصری تر، قوی تر و خوبتر بدست آورند و به بازارهای فروش اسلحه متوجه گردند یا اینکه اسلحه دست داشته ممالک عربی هنوز تا کتبکی است و اسلحه استراتژیکی باندازه کافی در دسترس آنان قرار ندارد مگر تقویت و سعی این ممالک برای بدست آوردن سلاح بهتر و تجهیزات مدرن تردوام دارد با آنهم ناظران کشورها های بزرگ جهان عقیده دارند که اسلحه فروشی «بی شرع» در شرق میانه عربی به همه شرکت کنندگان حالت دفاعی میدهد نه تنها جمعی،



دسته گلی بر مزار قربان محاربات خونین گذشته که فقط صلح می تواند آرامش را بآنان بازگرداند



نمونه از اسلحه‌ایکه در دست مبارزان فلسطین قرار دارد

چطور ممکن است در یک محاربه بی نتیجه و فجع یک دولت مستقیماً یا غیر مستقیم بدوست و دشمن اسلحه بفروشد و در همان حال انواع ادویه و لوازم طبی نیز بخاطر جلوگیری از مرگ مجروحین و مصیبت زدگان برای هردو طرف متخاصم تهیه کند و پس از حصول قیمت آنها دواها و ما لزمه مزبور را در اختیار جمعیت صلیب احمر بین المللی قرار دهد .

یا بطوریکه گفته شده چند سال پیش مصر اسلحه اتحاد شوروی را به هند نقل میداد و بعداً باعث موفقیت هند در محاربه تجزیه پاکستان گردید .

دلیل این تعالیت عظیم در بازار اسلحه جهان همان درآمد کلان و فوق العاده ملل صنعتی درجه یک و دو از فروش این سلاحهاست . آنعده از دول غربی که گرفتار نوسانات و بحرانهای مالی و عدم ثبات وضع اقتصادی شده بودند و هنوز هم گرفتار عواقب آن هستند و بعداً خواهند بود تنها راه نجات خود را در اسلحه فروشی و تجارت مرگ دیده اند زیرا هیچ تجارتی در حال حاضر فائده مندتر برای آنها از اسلحه فروشی نیست . اما این وضع تا چه وقت دوام خواهد کرد؟ خدا میداند چون هر روز در گوشه ازین جهان تشنج‌ها و بر خورد های مسلحانه بروز میکند .

در میدان بین المللی صلح جهانی ظاهراً نزدیک شده میرود بحران آلمان که روزی از خطر نا کترین بحران های اروپا و حتی غیر قابل حل شناخته میشد دیگر کاملاً با درایت و روشن بینی زعمای آنها از بین رفته است .

ملتهای عربی اینکه برسیدن توافق همه جانبه در باره اسرائیل تلاش میکنند و تا اندازه بوحثت خویش از نگاه مفکوره ها و طرز العمل های دستجمعی قریب گشته اند . در ویتنام نیز بالاخره معاهده متار که و صلح امضا شد و این بزرگترین موفقیت برای عصر ماحسوب میگردد بشرطیکه جوانب ذیدخل این معاهدات را نقض نکنند چون قرار یکه اثرات نسنس های خبر رسانی اطلاع میدهند هنوز چند ساعت از امضای متار که نگذشته بود که طرف های متخاصم ادعا کردند که حملات مسلحانه شروع شده وقتی یکی از صاحب منصبان عالیرتبه امریکایی اخطار داد در صورتیکه جوانب ذیدخل اور بند را مراعات نمایند امکان آن وجود دارد که محاربه دوباره آغاز گردد و حملات طیارات امریکائی سر از نو شروع شود .

با یک بررسی از اوضاع عمومی معلوم میشود که حتی چین و اتحاد شوروی نیز طرفدار آنند که صلح بهتر از جنگ است و وزیر خارجه چین از ویتکانگ ها و ویتنام جنوبی خواسته است که مقررات اور بند را مراعات نمایند و با یترتیب فاجعه و کشتنار وحشتناک ویتنام بعد از تقریباً یکربع قرن در حال خاتمه یافتن است .

با اینکه این موافقت نامه شامل متار که در لاوس و کمبود یا نمیشود ولی امیدواری ختم کشمکش درین دو مملکت نیز دور از واقعیت نیست چون بهر حال تا کمبودها و لاوس آرام نگیرند صدای قیر گلوله ها ، راکت ها و

خوشبختانه در میان همه مسائل که قرن پر آشوب ما را دربر گرفته ، این واقعیت به ثبوت رسیده است که اگر در مناطق بزرگ بحرانی ، عوامل حربی و سیاسی به قدرت متعادل ولی خطرناکی برسند کوشش بخاطر صلح و تثبیت اوضاع ثمر بخش تر میشود و تهرمانان ایجاد شرایط این نوع تثبیت ، دول مقتدر درجه دوم هستند که نقش واقعی شان متوقف ساختن خطر برخوردهای مسلحانه بر قدرت ها و فراهم آوردن زمینه تحولات سیاسی مناطق بحران بجای افزایش تحولات حربی است .

فعالیت انگلستان در فروش اسلحه بمقیاس بین المللی در سالهای اخیر بی سابقه ، متنوع و مداوم بوده است درین اواخر انگلستان حتی سفارش ساختن سلاحهای مورد علاقه خود را که تراز داد های فروش آن با ممالک کوچک خصوصاً ممالک افریقای منعقد شده است به ملل کوچک اروپائی میدهد .

ایتالیا ، سویدن ، بلجیم ، هالیند از همین جمله اند . با کشور فرانسه ، انگلستان در سطح بالاتر و وسیع تر همکاری می کند ، طیارات جاسوسی و اکتشافی معروف جگوار یک نمونه عالی از همین همکاری است ، در بعضی موارد ، انگلستان بعضی محصولات حربی ممالک خورد اروپائی را که موفق به بازاریابی نشده اند و یا امکانات تولید و فروش آنها زیاد نیست میخرد و به کشور های غیر اروپائی میفروشد ، فروش پنج طیاره سویدنی نوع SAB به بیافرای سابق از جمله این کارهای انگلستان بود در حالیکه خود انگلستان با فروش اسلحه خود به نایجریا سرکوبی تجزیه طلبان بیافرا را تسریع میکرد ، از طرف دیگر ، اتحاد شوروی از جمهوریت مصر خواست که شش عدد طیاره مگ ۱۷ و مگ ۱۹ خود را با پیلوت های آنها در اختیار نایجریا بگذارد تا شورش بیافرا از بین برود .

افکار عمومی در سویدن ، ناروی و سویتزرلیند این قبیل چالها و فعالیت ها را بزحمت درک و باور میکند

یم ها شنیده خواهد شد و هندچین آرام نخواهد گرفت. مساله بازگشت اسیران جنگی بین هند و پاکستان هنوز هم برای صلح خطرناک است چون قریب نود هزار نفر اسیر جنگی پاکستان در هند محبوس استند و این خود سالانه در حدود سه میلیون دالر خرج را ایجاد مینماید که بر بودجه نظامی هند تحمیل میگردد.

موجودیت و تقویه قوای اتحاد شوروی و اضلاع متحده امریکا در بحر هند، اقیانوس اطلس و بحیره مدیترانه هم قابل دقت است، امروز تعداد کثیری از قطعات قوای بحری زمینی و هوایی اتحاد شوروی و امریکا در خارج آنکشور بسر میبرند که بطور مثال بیلاس نظامی قوای امریکا موجودیت قوای آنکشور را در خارج که از منابع امریکائی ترجمه شده درینجا به نشر می سپاریم

تعداد قوای آماده خدمت امریکا در خارج آنکشور، برای انجام وظایف نظامی، در هنگام رخصتی های کنونی کمترین نیرو را نسبت به ربع قرن اخیر می سازد. از طرف دیگر، در نظر است تا افراد بیشتر از این پست ها خلاص شده و دوباره بوطن برگردند.

آخرین ارقام منتشره از منابع عسکری، نشان دهنده این واقعیت است که اکنون به تعداد ۶۰۴/۰۰۰ نفر اعم از نیروی زمینی، هوائی، بحری و تحت البحری در خارج آنکشور مصروف ایفای وظیفه اند. رقم مذکور نمایشگر این واقعیت است که در زمان شروع جنگ کوریا از سال ۱۹۵۰، به اینطرف در حدود ۲۰ فیصد کاهش در قوای امریکا بخارج صورت گرفته است.

بصورت عمومی، عقب کشی از ویتنام با مقدار کاهش قوا از پایگاه های امریکا در سراسر جهان، بعد از اینکه مصروفیت امریکا در سال ۱۹۶۸ با تعداد ۱/۳ میلیون نفر، به اوجش رسید، اکنون به ۵۰ فیصد می رسد.

با نهم، زیاده، از یک نفر در برابر چهار نفر، زن و مرد امریکائی که شامل عسکری اند در پایگاه خارج آنکشور و یاروی کشتی های گزیده مشغول ایفای وظیفه بوده و تعداد آنان به ۱/۳ میلیون نفر می رسد.

مهمترین مرکز تجمع قوای نظامی امریکا به خارج در

جنوب شرق آسیا نه، بلکه در اروپا، می باشد. قدرت عسکری ایالات متحده در ویتنام - یکی از مهم ترین مناطق تجمع قوای امریکا در خارج - از ۱۷۱/۰۰۰ به ۲۵/۰۰۰ نفر کاهش یافته است و مطابق پیمان صلح قوای امریکا کاملاً در مدت کمی از ویتنام خارج خواهند شد. قسمت زیاد - مصر و فیت های نظامی امریکا در جنوب کوریا، اوکیتا و او تا یلند نبوده بلکه آلمان غرب می باشد که در آنجا ۷۱۰/۰۰۰ عسکر و افراد نظامی مهم از مردوزن، تمرکز یافته اند.

انتقالات کمی عساکر، در سال ۱۹۷۳ پیش بینی می شود البته تغییر اساس در محدز ساختن نیروها، پس از مذاکرات دو جانبه در بخش تقلیل قوا بین اتحاد شوروی و امریکا که در آینده توقع می رود، بوجود خواهد آمد.

قدرت عسکری امریکا در آسیا و بحیره پاسفیک، بیشتر بستگی به این دارد که موافقه نامه متارکه روی معضله هندوچین به امضا برسد، البته با امضای موافقتنامه، کاهش چشم گیری در قدرت نظامی امریکا با سرزمین بوجود خواهد آمد چنانچه همینطور هم شد.

در اروپا، عدم تقلیل قوا بان سبب بمیان نیامده است که ایالات متحده انتظار موافقت نامه می راند که در نتیجه آن، از تعداد قوای وارسا در اروپای شرقی کاسته شود. پیروزی در این ساحه، هنوز در افاق دور دست امیدوارتو، قرار دارد.

تهاجم عسکری ۳۱ مارچ ۱۹۷۲ ویتنام شمالی بطرف جنوب، باعث آن است تا بظاقت و کندی در امر تقلیل قوای ایالات متحده در ویتنام، بوجود آید.

طی پروگرام دست داشته یکعده قوای پیاپی امریکا از ویتنام خارج گردیده و کشتی های جنگی امریکا همراه با نیروی تحت البحری آنکشور بعد از ترک نمودن سواحل ویتنام همراه با قوای هوائی آنکشور، به صوب تا یلند، روی آوردند هنگامیکه قوای عسکری ویتنام شمالی با حمله تانک های قوی، منطقه غیر نظامی را عبور نمودند، در حدود ۹۵/۰۰۰ عسکر امریکایی در ویتنام جنوبی مشغول ایفای وظیفه بودند. از آن زمان تا کنون، در ظرف نه ماه، قوای امریکا به ۷۰/۵۰۰ نفر تقلیل یافتند.



نمونه از سلاحهای که در دسترس کشورهای غربی و میارزین قرار دارد

منظره از ویرانی خانه های
ویتنامی ها در نصابه ویلی لین



تنها از ویتنام جنوبی در حدود ۱۰۷/۰۰ نفر را از جنوب
شرق آسیا در سال ۱۹۷۲ پابین آور د .

تصمیم ایالات متحده مبنی بر کم ساختن فعالیت های
آن کشور در خارج، همراه با فشار های اقتصادی و سیاسی
باعث تقلیل قوا در سراسر دنیا و از آن جمله آسیا و بحر الکاھل
به ترتیب ذیل گردیده است :

- در کوریای جنوبی ۳۰۰۰ نفر در طول سال ۱۹۷۲ از
جمله ۱۲/۰۰۰ نفر عقب کشیده شده اند . مجموع کاهش
قوای امریکا در کوریای جنوبی پس از بحران کشتی جاسوسی
پیو بلو از ۶۴/۰۰۰ نفر به ۴۰/۰۰۰ نفر رسیده است .

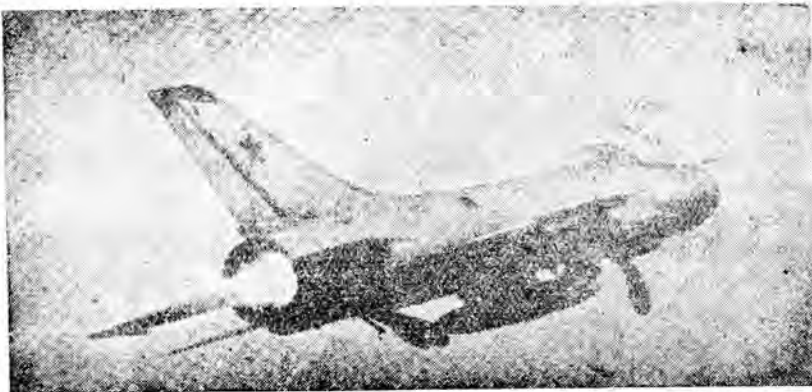
- در جاپان ، فشار سیاسی از جانب توکیو همراه با آرزو
امریکا برای تقلیل مصارف نظامی در آن منطقه باعث آن
شده تا از جمله ۱۷/۰۰۰ عسکر امریکا در آن محل ۸۰۰۰
نفر بیرون کشیده شود در سال گذشته پایگاه های هوایی
اتازوک ، واککانی و هکا تاویک عده پایگاه های کوچک
دیگری بروی امریکا بسته شد .

- اوکیناوا - پایگاه معروف نظامی امریکا در جاپان ،
دوباره مسترد گردید . مردمان اوکیناوا بتاريخ ۱۵ می
شاهد برآمدن ۱۲/۵۰۰ نفر عسکر امریکایی گردیدند .
علاوه بر آن هنگامیکه مسئولیت نظامی و دفاعی جزیره مذکور

تغییرات محلی :

در تایلند، جایکه اکثریت قوای هوایی امریکا برای
حمایه جوب شرق آسیا تمرکز یافته است، قوای پیاده
ایالات متحده بیشتر از ۱۳/۰۰۰ نفر دیگر همراه با ۳۲/۰۰۰
نفر سابق، تمرکز یافتند . در شروع ماه اپریل سال ۱۹۷۲
قوای هوایی و کشتی های طیاره بردار امریکا از پایگاه
نظامی آن کشور . در جاپان و گوام، برای کمک و دفاع
از ویتنام جنوبی عازم آب های تایلند شدند .
در خارج سواحل ویتنام، سه کشتی بزرگ طیاره بردار
امریکا، برای حملات روزانه هوایی برویتنام شمالی و جنوبی
همراه با یک کشتی سابق، تمرکز یافتند . توسط همین کشتی
ها بود که مین گذاری سواحل ویتنام شمالی در خلیج سو نکن،
صورت گرفت .

هم چنان کشتی های طیاره بردار دیگر، همراه با کشتی
های جنگی بعد از حملات بهار ویتکانگها در ویتنام جنوبی،
عازم آب های ویتنام جنوبی گردیدند . به این ترتیب ۱۳/۰۰۰
قوای نظامی امریکا در این منطقه به ۳۹/۰۰۰ نفر در مدت
سه ماه، افزایش یافت .
با وجود این همه انتقالات عقب کشی نیروهای عسکری



نمونه از طیارات سریع السیر که به کشور
های جهان سوم فروخته شده است

دراثر بمباردمان شدید طیارات امریکائی
دریکی از مناطق ویتنام شمالی مادری ملاحظه
میشود که با پنج طفل معصومش بیخانمان
گردیده است



در نیمکره غربی، تغییرات کمی به وجود آمده
برای مثال قوای امریکایی متمرکز در
منطقه کانال پاناما، در سال ۱۹۷۲ از ۱۱۹
هزار نفر به ۱۰ هزار نفر تقلیل یافته است.
قوای نظامی امریکا در خلیج گوآنامودر
کیوبا، به همان حال اولیه از زمان زمانمداری
فیدل کاسترو باقی مانده است:

قوای عسکری امریکا در پورتوریکو در
سال گذشته از ۶۰۰۰ نفر به ۷۰۰۰ نفر افزایش
یافته و بیشترین ازدیاد در ساحه قوای هوایی رخ داده است.

نگاه عمومی: تقلیل قوای بیشتر:

از نگاه عمومی پس از بقدرت رسیدن نکسن در سال
۱۹۶۹ قوای عسکری ایالات متحده در خارج آن کشور بصورت
چشمگیری کاهش و تقلیل یافته و در نظر است تا در ظرف
۵ سال آینده این کاهش در سطح بلندتری قرار گیرد.

آخرین موافقه با ویتنام شمالی برای آزادی اسیران
جنگی امریکا در آن کشور، زمینه تقلیل بیشتر قوای
آن کشور را در آسیا و مشغولیت نظامی آن، آماده میسازد.
قدرت عسکری امریکا در تایلند، که بصورت عمومی
برای جنگ ویتنام اختصاص داده شده بود، با بمیان آمدن
موافقتنامه آتشبس، به صورت چشمگیری تقلیل یافته و
تا حدود ۳۲/۰۰۰ نفر خواهد رسید.

همچنان در نظر است تا تقلیل بیشتر قوای عسکری ایالات
متحده در جاپان و مخصوصاً جزیره اوکیناوا، در سال آینده
بوجود آید.

در نظر است تا کاهش قابل ملاحظه قوای ویتنام
واگر امکان داشته باشد در صورت توافق با مسکو از اروپا
صورت بگیرد البته در حالتی که کاهش و تقلیل قوای
شوروی که اکنون ۳۰۰۰۰ نفر در مالک اروپای شرقی
چون آلمان شرقی، چکوسلواکیا، هنگری و پولند می باشد
بمیان آید.

در عین حال، افزایش قوای بیشتر ایالات متحده در
بحر هند، زمینه کاهش اهمیت پایگاههای استرلیا و جزیره
و امیگوگار سیارا را مساعد ساخته است.

به صورت عمومی، ناظرین عسکری پیشبینی می کنند که
قدرت عسکری ایالات متحده در خارج آن کشور به زودی به
سطح پایین ۵۰۰/۰۰۰ نفر در ظرف چهار سال آینده
خواهد رسید.

به جاپان متعلق گردید ۲۷۰۰ نفر امریکایی «اضافی»
اعلام گردید.

در فیلیپین، قوای نظامی امریکا از ۱۷/۰۰۰ نفر به
۳۰۰۰ نفر کاهش یافته است. در اینجا بار دیگر تقلیل قوا
عدم ایمان مردم به موجودیت امریکا در آن کشور را نشان میدهد.
در گوام، جزیره متعلق به امریکا، برعکس قوای نظامی
امریکا در حدود هزار نفر همراه با بمب افکنهای غول
پیکر ۵۲ اضافه گردید.

همچنان در مناطقی چون استرالیا، دایگو گارسیا و بحرین
در حدود ۱۰۰۰ نفر عسکر امریکا در ساحه دستگاههای
مخابرات، تسهیلات بحری و دیگر وسایط نظامی مشغول
ایفای وظیفه اند.

طرح تقلیل قوا:

در اروپا که بیشتر از نصف قوای خارجی امریکا متمرکز
است در نظر است تا تقلیل قابل ملاحظه قوای امریکا
صورت بگیرد.

در سال گذشته در حدود ۵۰۰۰ عسکر پیاده از آلمان
فراخوانده شده اند. به همین تعداد در سال ۱۹۷۱ نفر نیز
از آن کشور عقب کشیده شده است. همچنین در نظر است تا
بیشتر صاحب منصبان عسکری امریکا از آلمان بیرون
شوند. هنوز هم تعداد ۲۱۰/۰۰۰ نفر عسکر امریکایی در
آلمان بیشترین رقم قوای آن کشور را در خارج میسازد:
به همین ترتیب قدرت نظامی امریکا در بلجیم، هلند
پرتغال، اسپانیه، ایتالیه، یونان و ترکیه دست نخورده
مانده است در بریتانیا در حدود ۲۰۰۰ نفر عسکر امریکا
اضافه شده و تعداد آن به ۲۲۰۰۰ نفر می رسد البته این
افزایش از آن سبب بمیان آمدن که یک عسکر
امریکایی از آلمان غرب بیرون کشیده شدند.

بحریه نمبر ششم امریکا، واقع مدیترانه، در طول ۱۲
ماه گذشته از ۲۰/۰۰۰ نفر به ۲۵۰۰۰ نفر افزایش
یافته و با آن دو کشتی بزرگ طیاره بردار اضافه شده است

درس های از جنگ ویتنام

آیا ایالات متحده از جنگ ویتنام چه آموخت؟ آیا این کشور باردیگر در یکی از ممالک آسیایی در جنگ دیگری درگیر خواهد شد؟ جنرال تایلر، سابق سفیر آمریکا در سایگون، دیپلمات ورزیده و کسی که در طول سی سال جنگ آمریکا در خارج به آن شرکت مستقیم داشت و مشاور خاص روسای جمهور آمریکا چون آیزن هاور، کندی و جانسن بوده یکی از استراتژی سازان معروف جنگ ویتنام و صاحب اثر معروف نظامی بنام «شمشیرها و قلبه گاوها» بود با تجارب عدیده‌ای که دارد در زیر طی گفتگوی مفصل به این سوالها پاسخ می‌دهد.

برای نمونه از ضعف حکومت حرف می‌زنیم ماضعف و ناتوانی خود را در راه بکار بردن تمام قدرت خویش برای بیرون کردن خنجر ویتنام از قلب ملت ما، که در اوایل بسیار کوچک مینمود، نشان دادیم و آنرا آنقدر اجازه نفوذ دادیم که به صورت يك مشکل ملی درآمد. هر موقعیکه حکومت جدید وظیفه را اشغال مینمود نور امید رهایی از این بارسنگین دردلها سیدرخشید ولی این نور درخشش کم دوام نموده ولحظات بعد جای آنرا تاریکی، یاس و ناامیدی فرامی‌گرفت. به این ترتیب تغییر حکومت جز دگرگونی اشخاص در پست های مختلف ثمره دیگری به همراه نداشت.

هر حکومتی که زمام امور اداره را بدست می‌گرفت یک دو سال را صرف کاوشها و بررسی های مینمود که آیا در شرایط موجود جنگ را بپایان برساند و یا اینکه آن را ادامه دهد. این وضع، عدم قابلیت و توانایی حکومت متعذر را تسجیل مینماید،

البته عدم موثریت حرکات متعدد، در وجود کیفیت رهبری ما نیز تجلی یافت. آیا ما توانستیم بهترین اشخاص را در پست های حساس بگماریم؟ با تجارب متعددی که من درین مورد دارم به حراحت می‌توانم بگویم «نی» من فکر میکنم که بیشتر آمریکاییان به این عقیده اند. س - آیا این انتقاد تن متوجه بخش انتخابات است یا انتصابات؟

ج - در این لحظه نقطه نظر من در مورد نقاط کلیدی سیستم حکومت فدرال ما، متمرکز است. در برابر ما این مشکل قرارداد که ما از گزینش اشخاص که باید بر خورد معقول

س : جناب جنرال، آیا جنگ ویتنام با این همه تلفات انسانی و پولی اش ارزش جنگیدن را داشت؟
ج : بسیار مشکل است تا به صورت صریح و روشن به این سوال پاسخ داد. ولی بآنهم این را می‌توان گفت که ممکن در این ابراز عقیده من دیگر همرد یفانم موافق نباشند کاش ما به این اندازه در جبهه زار ویتنام فرو نمی‌شدیم مخصوصاً این فرو رفتن بعد از سقوط «دیم» برای ما بسیار گران تمام شد.

اکنون تا اندازه‌ای باز عم عین حالت بوجود آمده است مشکل عمده‌ای ما اینست که باید سعی ورزیم تا نکسن، همان اشتباه گذشته را تکرار ننمایند. در این راه کاری که میتوان نمود اینست که باید عمال آینده ما بر پایه های منافع ملت آمریکا استوار باشد. ولی نباید در این راه آنقدر اغراق نمایم که برواقعیت های تلخ زمان چشم پیوشیم مگر برای پاسخ دقیق به سوال شما به صورت یقین می‌توان گفت که: جنگ برای ما خیلی گران تمام شده است البته بیشتر این اضرار جبران ناپذیر بخاطر عدم درک و تحلیل واقعی شرایطی بوده که مادر آن عمل نموده ایم از لحاظ کسب تجارب، جنگ ویتنام خیلی پر بها بوده و باید از کوچکترین رویداد آن درس درست بیاموزیم زیرا تکرار این اشتباه برای ملت آمریکا تحمل ناپذیر است.
س : شما در گفته تان از اشتباه وضع تحلیل، حرف زده اید. میتوان پرسید که مقصد اساسی شما چیست ج: البته این ضعف و نادرستی در وجود حکومت، ساختمان ملی یا به عبارت روشن تر به صورت عمومی در وجود جامعه ما تبلور یافته است.

به مشکلات عدیده ملی به صورت مثال همین ویتنام داشته باشند، عاجز هستیم. به عقیده من ما به یک سیستم واقعاً آزموده ترودر الکترا احتیاج داریم که بتواند قابلیت متحرک در مقابل روپروشدن با پرابلم های عظیم رداشته باشد. س- آیا شما انگشت انتقاد بر ضعف جامعه ما می گذارید؟ ج- در درون روابط اجتماعی ما تحولات شگرف بوقوع پیوسته است، ما دیگر آن امریکاییانی نیستیم که در چار چوب تجرید بسر می بردیم ویا اینکه مشکلات داخلی ما را به هم پیوند می داد. اکنون ما به مرحله قدم گذارده ایم که در داخل جامعه دسته های کوچک جان می گیرند. گروه های که تفکر شان در چار چوب منافع همین اقلیت، دور می زند و بس وچه بساً منافع ملی را قربان خواسته های تنگ نظرانه خویش می نمایند. همین پدیده سر چشمه ضعف درونی جامعه ما را ساخته و قدرت توحید متحرک ما را در حالات اضطراری خطر را متوجه جامعه ما می سازد، سلب بینماید. این ضعف را من بچشم سر در حادثه خلیج نوک ها دیدم.

در مسیر این گروه بندی، ما سقوط افتخارات ملی، ریزش اعتماد به خود و حتی موسسات سیاسی خویش از واحد کوچک سیاسی بلدی تا ریاست جمهوری دیده می توانیم. در سابق ما هیچگونه مشکل ملی در برابر موسسات سیاسی خویش نداشتیم.

این ها مطالب است که در مورد باسخگویی به مساله ویتنام در بخش ضعف جامعه ما، در ذهنم خطور می نماید ممکن جنگ علت این سقوط و انقراض نبوده بلکه آن را افشاء نموده است.

س- جناب جنرال، دوباره به اصل موضوع یعنی ویتنام بر می گردیم. آیا شما فکر می کنید که جنگ نادرست در محل نادرست و زمان نادرست صورت گرفته است؟

ج- این سوال آنقدر روشن نیست ویا اینکه مناسبت ندارد آن را می توان به این ترتیب درآورد که: آیا در حالات معین هر کدام از رئیس جمهورهای ما معقول بودن تصمیم شان را در حوادث سالهای ۱۹۴۵، ۱۹۶۱، ۱۹۶۵ و ۱۹۶۸ درک نموده اند آیا ایشان تصمیم درست اتخاذ نمودند یا برعکس؟ و آیا ایشان دلیل قانع کننده برای تصمیم شان داشتند ویا خیر؟

آیا من می توانم تمام حوادث بعدی را در ویتنام با تیارب که داشتم پیش بینی نموده و هنگامیکه رئیس جمهور آیزن ها وور، به درخواست نگوین این دیدم در سال ۱۹۵۴ جواب مثبت داد جلوش را گرفته می گفتم که « موافقت را اعلام نکن؟ ».

از طرف دیگر، در سال ۱۹۶۱ من به رئیس جمهور کنیدی خاطر نشان ساختم که ما همه امکانات را برای از دیاد کمک به رژیم ویتنام جنوبی نموده ایم، مثلاً ما به تعداد مشاورین نظامی افزودیم، طیارات بیشتر جنگی به آنجا فرستادیم واز لحاظ کمک های لوژستیک آنهارا غنی ساختیم.

آیا من می دانستم که طی سالیان بعدی چه بوقوع خواهد پیوست. یا اینکه جنگ چه شکل را بخود میگیرد؟ اگر چنین حدس زده می توانستیم می گفتم که « حالا که به زور کدام کاری از پیش نمی رود، بدون معذرت خواستن از کسی از لجن زار ویتنام خارج شویم ».

در این صورت طرف مقابل آنقدر فرصت نمی یافت که فضای نا سالم تبلیغاتی را بر ضد ما بوجود آورد. از جانب دیگر تلفات انسانی ما به حداقل کاهش می یافت و به این ترتیب بدون دست زدن به ماجراجویی های بیشتر بدون سروصدا خود را از درد سر بزرگ رهایی می دادیم.



اهالی یکی از قریه های ویتنام شمالی ناظر طیاره بمباردمان امریکائی میباشند که توسط توپهای دافع هوای ویتنام شمالی سقوط داده شده است.

البته اینگونه عمل در شرایط آنوقت، بر ما مارک بی-جراتی را بهمراه می آورد. در این قضاوت حتی من هم موافق می بودم. در آن لحظات عمل ما توجیه پذیر بود زیرا ما فکر می کردیم که طرف مقابل از وضع جدی بودن ما بهراس شده و بیشتر اصرار نمی ورزید. ما هرگز مقاومت تا پای سرگ و سرسختانه ویتنام شمالی را حدس نمی زدیم.

س- بانگوش در آینده آیا با تجارب که ابالات متحده از جنگ ویتنام بدست آورده در جنگ دیگری در نقطه ای دیگر آسیا شرکت خواهد کرد؟

ج- یا بد پاسخ سوال را بدینگونه بدهیم:

رئیس جمهور آیزن هاور، تا جایکه من فکر میکنم با وعده خاتمه دادن به جنگ کوریا براریکه ریاست جمهوری برگزیده شد اوپایش رادرجنگ دیگری در نقطه دیگر از آسیا زمانی گذاشت که تمام مردم امریکا فریاد می کردند «کوریا ی دیگری! کوریا ی دیگری!» حتی ممکن خود من هم فریاد می کشیدم بخاطر داشته باشید سال ۱۹۵۳ بود.

ولی در سال دیگر، اولین گام های لرزان ما با امضاء موافقت نامه کمک نظامی به رژیم دیم از طرف آیزن هاور در جبهه زار ویتنام گذاشته شد. ولی من هیچگونه صدای اعتراض نشنیدم کانگرس به نفع کمک های نظامی رای داد. همه مسرور معلوم می شدند از اینکه ما برای استقرار به اصطلاح دموکراسی تیمپ خودمان به رژیم پوشالی چون دیم کمک می فرستیم.

این موضوع را بخاطری تذکر دادم که برای شما بگویم که ساملت سرزنده بودیم ولی اکنون به صورت وحشتناک تغییر یافته ایم ولی هنوز هم این تناقض گویی در مردم ما وجود دارد یعنی همان کسانیکه فریاد می زنند «از ویتنام جنوبی خارج شویم» به طرف قدراری کمک به اسرائیل سروصدای راه می اندازند به این ترتیب هیچ نقطه اتکاء ثابت مادر ذهنیت عامه امریکا بر علیه ویا له یک حادثه معین وجود ندارد که بتوان روی آن حساب کرد.

ولی من به رهبران آینده همینقدر خاطر نشان می کنم که پیش از یک اقدام عملی مخصوصاً نظامی برای انجام یک عملی مخصوصاً اگر به صورت مستقیم با منافع ملی ارتباط ندارد، محتاطانه گام بردارند و در غیر آن ویتنام های دیگری برای فرو بردن جامعه امریکا در سر راه ما قرار دارد. س: آیا مصروفیت به یک جنگ محدود، حق انتخاب رئیس جمهور های آینده است؟

ج: از جنگ ویتنام یک نتیجه کلی را می توان استخراج کرد.

به صورت یقین اگر من مشاور رئیس جمهور باشم و در آن موقع حالتی بمیان بیاید که پای یک درگیری نظامی را بمیان

آورد که در آن منافع ملی مطرح باشد من برایش نظر خواهم داد که پیش از دست زدن به یک اقدام عملی مطالب ذیل را در نظر بگیرد:

اولتر از همه، دلایل این مداخله آندر روشن باشد که طی سه جمله کوتاه قناعت هر فرد کسوجه و بازار را فراهم آورده بتواند.

دوم اینکه آیا از پشتیبانی همه جانبه کانگرس برخوردار است یا خیر؟ البته این پشتیبانی و حمایت موقتی و آبی نموده تا به آخر بتواند دوام کند.

سوم اینکه آیا رئیس جمهور یقین کامل دارد که درگیری آینده، مانند مداخله در ویتنام به مناسبات درونی اجتماعی، لطمه شدید وارد نمی سازد.

و در آخر اینکه: آیا رئیس جمهور می تواند تمام این بارسنگین را بدون جلب عسکری بیشتر و احضار نیروی احتیاط بدوش بکشد.

اگر رئیس جمهور توانست به تمام این سوال ها پاسخ «بلی» بدهد در آن صورت نظر من نیز موافق خواهد بود. ولی به صورت یقین وجود آمدن چنین حالتی جمله ناممکن هاست.

در بسیاری حالات، یک رئیس جمهور باید خطرات بیشتر را پذیرا شود. ولی او باید محتاط باشد و بالاتر از همه او باید روشی را سازمان بدهد که همه افراد ملت بدان یقین داشته و دشمن را نیز غافلگیر سازد. در غیر آن مداخله و لوبه صورت محدود، خطرات جبران ناشدنی را بهمراه دارد.

از جانب دیگر، از دست دادن حق انتخاب این معنی را در بر خواهد داشت که ما بدون بکار بردن جنگ عمومی هستیم، نتوانیم منافع ملی خود را حفظ کنیم. در این صورت منتظر تباهی عالم بشریت باید شد.

س: در شرایط درست معین، به صورت واقعی مادر ویتنام چه انجام داده ایم.

ج: اگر طرح نکسن درست باشی نشان بدهد، ما به اهدافی که در سال ۱۹۵۴ در پیش رو داشتیم تا اندازه می رسیم این اهداف را چنین می توان تذکار داد:

ما قادر شدیم حالتی را حفظ نمایم یا بوجود بیاوریم که در پرتو آن مردم ویتنام جنوبی بتوانند حکومت دلخواه شان را برگزینند نه دولتی که از طرف ویتنام شمالی برایشان تحمیل شود. البته ما برای رسیدن به این هدف کوچک انرژی زیاد از دست دادیم ولی کم از کم جای این دلخوشی است که به هدف خویش رسیدیم.

از طرف دیگر، ما برای مسکو، پیکنگ و هانوی ثابت ساختیم که «جنش آزادبخش ملی» راه ساده برای سرنگون کردن حکومت های ضعیف در این مناطق نیست. آنان ممکن است اثری خود را از جنگ های پارتیزانی به تشکیل احزاب

سیاسی در اینگونه کشورها تغییر بدهند. بدبختانه قرعه فال این میدان آزمون، بنام ویتنام زده شد.

از جانب دیگر اگر ما هم اکنون از ویتنام خارج شویم این درس را به ویتنام شمالی داده ایم که جنگ های آزادیبخش ملی آنقدرها ارزان تمام نمی شود. مخصوصاً این جنگ برای هائوئی خیلی گران تمام شد. رسیدن به این نتیجه برای ما و دوستان ما خیلی ارزشمند است.

بدون در نظر گرفتن خود ویتنام، تا جاییکه من فکر میکنم موجودیت یک اندوئیزیای بدون رژیم کمونستی نتیجه مستقیم این درگیری در ویتنام است.

س: ممکن درین مورد روشنی بیشتر بیندازید؟

ج: در سال ۱۹۶۵ یعنی درست همان زمانیکه ما نخستین گام های خود را در ویتنام می گذاشتیم. برای کمونست ها تمام امکانات تصرف دولت اندو نیزیا آماده بود. ولی با نفوذ قوای امریکا در ویتنام نیروهای ضد کمونستی در اندو نیزیا به این نتیجه رسیدند که پیکنگ هیچگونه کمک عملی برای طرف دارانش در اندو نیزیا نخواهد کرد. روی همین حالات آنان جرات یافتند تا سوکارنو را در اندو ببری خلع نموده و علیه کمونست ها دست به اقدامات وسیع بزنند. در عمل ضد کمونست ها دیدند که پیکنگ هیچگونه اقدامی نمود.

س: بنظر شما اتحاد شوروی ویا چین از جنگ ویتنام بمانند امریکا استفاده نمودند؟

ج: به روشنی می توان گفت که ایندو قدرت، سود چشم گیری از جنگ ویتنام بدست نیاوردند. بر علاوه جنگ برای شان گران تمام شد البته نه به اندازه ما که بیلیون ها دالر خرج برداشت.

س: آیا با ختم ویتنام شما تمایل به سیاست بیطرفی را در آسیا ترجیح میدهید؟

ج: کم از کم در این حالت برای ما کدام تفاوت ندارد. از طرف دیگر، سیاست بیطرفی یک آرزوی است برای ملل کوچک تا بتوانند خود را از درگیری مستقیم و قدرت بزرگ نجات دهند. به صورت مثال اگر من یک فلیپینی می بودم سیاست بیطرفی را رجحان می دادم و گفتم که «بگذارید ما چشمانمان را باز نگهداریم تا به نحوی از انجابه هیچ کشوری وابسته نشویم».

تا جائیکه من فکر می کنم باید ما امریکائیان به سیاست گذشته خود تجدید نظر عمیق بنمائیم. این تجربه است که ما با پرداخت بیلیون ها دالر از یک طرف و قربانیان بشمار انسانی از جانب دیگر بدست آورده ایم. من فکر میکنم ما بیشتر از حد معین مسئولیت جهانی را بار دوش خویش ساخته این میراث سوم جنگ سرد است و باید بان خاتمه داد. البته نظر من این نیست که سیاست تجریدیطلبی و دوری از همه راه هدف خویش قرار دهیم بلکه منظور من اینست که ما

بدون جهت بار سنگین دیگران را بدوش میکشیم. اگر ما میتوانیم به ملت های کوچک ثابت کنیم که دوست خوب برایشان هستیم بهتر از آن است که پایی قرارداد های اصلاً کنیم که مانع اتحاد شان در آینده گردد.

س: بدون پیمان های نظامی، ما قدرت آن را داریم که پایگاه های عسکری را در خارج نگاه داریم بصورت مثال پایگاه هوائی کلارلر در فلیپین تذکر میدهم.

ج: ما می توانیم اینگونه تسهیلات را بدون امضاء نمودن به پای قرارداد های نظامی بدست بیاوریم. از طرف دیگر نحوه این گونه روابط نسبت سال ۱۹۴۷ فرق نموده است.

س: آیا این منطقی در مورد پیمان عسکری جاپان و امریکا نیز توجیه پذیر است؟

ج: بله! من فکر نمیکنم مسئولیت ما برای دفاع جاپان یک قدرت بزرگ جهانی، اکنون نمیتواند بر پایه مناسبات کهن و قدیمی استوار باشد جاپان آن کشور شکست خورده سالهای جنگ جهانی دوم نیست. این کشور بصورت غیر مترقبه برای خویش ایستاده شده است. ما سالهاست برای جاپان نقش چوب های زیر بغل را بازی نموده ایم. و این شیوه برای ما نیکو نیست.

س: نظر شما در مورد دو کتورین نکسن چیست؟ شما در مورد شرایط کمک های نظامی امریکا به دوستان و متحدینش چه نظر دارید؟

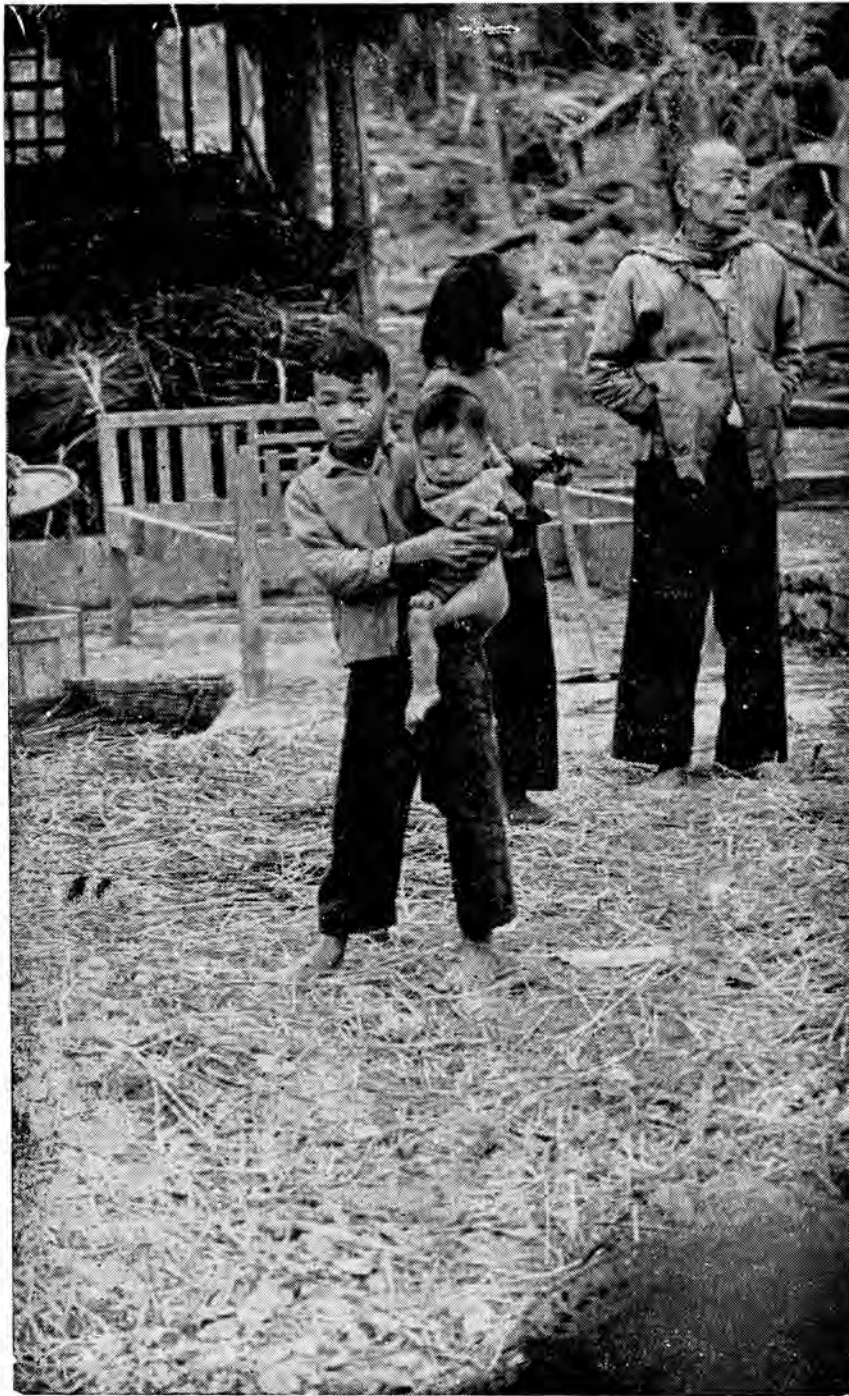
ج: بصورت یقین مادر مواقع ضرورت به دوستان خویش کمک نموده ایم این دوستان خواه به اساس کدام پیمان دوست هستند و یا خیر. ولی این مطلب را همیشه بخاطر داشته باشیم که هرگاه بیک متحد ویا دوست خویش کمک میکنیم و او در مخاطرات بیشتر میگذرد، در آن صورت در این دوراهی قرار خواهیم گرفت. آیا کمک بیشتر مائیم؟ و یا اینکه بگذاریم با تمام تلاش هایش غرق شود؟

هرگاه در برابر ما اینگونه تصمیم مشکل قرار گرفت ما باید این حوادث را در مقطع واقعیات بررسی نمائیم نه اینکه کور کورانه ویا بر اساس یک احساس خشک و خالی خود را تا گلو غرق سازیم.

س: بصورت عمومی، تجارب امریکا در ویتنام از لحاظ قدرت نیروی هوایی چه ارزش را در راه پیش برد دکتورین نکسن دربر دارد؟

ج: این بسته بدان است که ما از قوای هوایی چه توقع و انتظارات داشته باشیم. گرچه خودم درین رشته آگاهی وسیع ندارم ولی اینقدر میتوان گفت که حملات هوایی کنونی پیروزیهای به همراه داشته است.

این حملات سطح اتکاء بخود در ویتنام جنوبی را بالا برد. برای اولین دفعه مردم ویتنام جنوبی این امکان را یافتند که از خطر تجاوزات متعدد شمالی ها مصونیت احساس کنند.



این فوتو صحنه رقت بار زندگی از هم پاشیده یک فامیل را در یکی از
 قصبات ویتنام شمالی نشان میدهد که در اثر بمبارد مان طیارات
 امریکائی خانه شان ویران شده است

لحظه قدرت نمایی نموده و حضور خود را به همه جا بر خ
 دیگران بکشیم .

س - آیا جنگ ویتنام ، نقش قوای نظامی امریکارا
 به مشکل مواجهه ساخته است ؟

ج - ما ناظر این واقعیت تلخ هستیم که احساس ضد
 نظامی در روح تمام مردم امریکا نفوذ نموده است . این

بمبارد مان از ار سال بیشتر قوا
 و تجهیزات نظامی بجنوب کاست . اما
 بصورت یقین بمبارد مان نتوانست
 جنگ را به پایان برساند و اینگونه
 توقع هم نمیتوان داشت .

ولی موثریت این بمبارد مان
 اکنون کاهش یافته است : از تاریخ
 حرب به این نتیجه میتوان رسید که
 گاهی ضربات کوتاه ولی موثر نتیجه
 چشم گیری نسبت به حملات عمومی
 برای بزانو در آوردن دشمن دارد .
 تحت اداره نکسن بود که ما از همه
 اسکاژت نیروی هوایی برای پیشبرد
 اهداف خود استفاده کردیم ولی این
 کار خیلی گران تمام شد .

شما میدانید که قوای هوایی یک
 کمک محض است . زیرا اساس جنگ
 بر نیروی جنگنده زمینی ارتباط دارد .
 اردو به پیش میرود ، عقب میشینند
 و مردم به زندگی عادی خویش تحت
 بمبارد مان ادامه میدهند . آنها ممکن
 بشدت ضریا بند ولی آن را دوباره
 سازمان مینمایند .

س : از اظهار نظر شما چنین بر می آید
 که امریکا مجبور است تا قوای هوایی
 و بحری اش را در آسیا نگه دارد ؟
 ج : در این مورد نمیتوان از امکان
 معین صحبت کرد . بعقیده من در این مورد
 باید از انعطاف پذیری بیشتر نظامی و
 سیاسی در قلب سیاست خارجی صحبت
 کرد . برای ما غیر ممکن است تا از
 پشت میز به همه امکانات آینده جهان
 نظر بیندازیم بصورت یقین نمیدانم
 در پنتا گون چه میگردد ؟ ولی ما
 تمالیات اساسی در آسیا وارو پاریم .
 از خود خواهیم پرسید که : آیا
 برای ما بحیث یک ملت ضرورت است
 تا قدرت نظامی نظمی در خارج بپهلوی

قدرت اقتصادی سیاسی و یا روانی خویش طوری داشته
 باشیم تا حافظ منافع ما باشد ؟ اگر چنین است پس برای ما
 چنین تجهیزات ضرور است .

بصورت عمومی باید خاطر نشان ساخت که ما به قسمتی از
 قوای نظامی در آسیا ضرورت داریم . ولی باید ما از مناطق
 خطر ، دوری اختیار کنیم . اما ضرور نیست که ما برای هر

تاریخ

روش های فلسفه همیشه لباسی پوشیده اند که از خونهای بیگناه رنگین شده است. (دودان)

آیا تاریخ عمومی جز فهرستی از کامیابها و ناکامیها و رذایل و ستیزها و دیوانگی های کسانی که برای رسیدن به قدرت به همچشمی بر خاسته اند چه چیز است؟ (پالی)

چنانکه درمنش و شخصیت آدمی، در هر معامله مخلوطی از خیر و شر وجود دارد؛ کمی مبالغه، اندکی کتمان، کاربردن معقولانه توعصیفها، شک آمیخته به ششکافی و تحقیق در باره مدارک و اسناد از یک طرف و زود باوری خاطر پسند نسبت به هر گزارشی، باروایت از طرف دیگر، میتواند از پرهیزکاری جباری بسازد و از جباری پرهیزکاری (مکولی)

س: آیا شما زمینه کدام صلح تحمیلی را در ویتنام دیده می توانید؟

ج: درین مورد نمی توان مطلب قابل توجه بیان داشت ولی با در نظر داشت حالات مختلف نیروهای متخاصم، می توان به این موضوع عقیده داشت. من آرزو دارم چنین امری بوقوع پیوندد ولی در این مورد من شک دارم.

س: آیا مذاکرات صلح چهار سال قبل و یا اینکه دو سال پیش صورت گرفته نمی توانست؟

ج: نه کاملاً برای رسیدن به آتش بس دو موافقه ضرورت است هم چنانکه برای رسیدن به صلح دو موافق ضرورت است.

کمونست ها علل کمی را در مورد توافق صلح چهار سال قبل در نظر داشتند حالات اکنون فرق نموده است و این دگرگونی ها را می توان چنین دسته بندی کرد:

اول ویتنام جنوبی اکنون در حدود یک میلیون نفر زیر سلاح دارد. گرچه بسیار قوای قوی معلوم نمی شوند ولی از هیچ کرده خوب است.

دوم، رئیس جمهور نکسن تمام قدرت هوایی را در مقابل ویتنام شمالی بکار برد در حالیکه چنین امری در حدود سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ امکان نداشت محاصره بندرها یفونگ و مین گذاری بحری، نقش موثری را در راه جلوگیری از سیلاب ذخایر نظامی به این بندر، بازی نموده است از همه مهمتر اینکه برخورد چین و اتحاد شوروی نسبت به حادثه ویتنام تغییر ماهیتی نموده است. ما به این نتیجه رسیده ایم که ایندو کشور به شدت از جنگ ویتنام خسته شده و فشار بیشتر روی ها نوبی وارد می سازد. تمام این واقعیت ها عاقدم رسیدن به توافق را در چهار سال گذشته موجه می سازد. (پایان)

پدیده را در وجود عسا کر که از جنگ ویتنام برگشته اند دیده می توانیم اکنون دیگر برای آنان استقبال وجود نداشته و حتی کار به ایشان پیدا نمی شود.

این ها همه سقوط اجتماعی را به همراه آورده. این بدبینی حتی در وجود کسانی که زیر یونیفورم قرار دارند رخنه کرده است. ولی سوالی پیدا می شود که بعد از ختم جنگ این همه نظامیان را چه می کنیم؟ آیا یک نفر تمام عمرش را در خدمات در بسته نظامی وقف میکند؟ از جانب دیگر، من احساس می کنم که نیروی درونی در داخل قوای عسکری ما مبنی بر اعتماد و باور نسبت به مملکت وجود دارد.

از طرفی، ما به صنوف عالی و قوی که خطرات آینده را در اردو ایجاد مینمایند خاتمه میدهیم. من در این بخش خیلی بدین نیستم.

س - با نگاهی سطحی به جنگ ویتنام و تجارب بدست آمده، می توان مانند مجار به کوریا به آتش بس، نزدیک شد؟

ج - در مورد آتش بس به صورت یقین نمی توان چیزی گفت. اولتر از همه، موجودیت آتش بس خطراتی را از جانب احزاب متعلقه بوجود می آورد البته این خطرات بیشتر ناشی از اشتباهات بعمل می آید که در آینده صورت خواهد گرفت. در موردین باید موافقت متعدد دو همه جانبه بوجود بیاید.

برای رسیدن به مامول به زمان زیاد ضرورت است. این مدت ممکن است حتی شش ماه طول بکشد. نیروی نظارت بین المللی بتواند امکانات عملی موافقات را پیدا نمایند و تا جائیکه نیروهای متخاصم به موافقت نرسند چطور میتوان نیروی ناظر بین المللی را در ویتنام جنوبی، متمرکز ساخت؟ این موضوع نیز به زمان طولانی ضرورت دارد.

س - اگر ویتنام شمالی برای رسیدن به یک آتش بس موافقت نماید آیا معنی این را دارد که آنها تمام امید شان را در جنوب از دست داده اند؟

ج - بلی - به صورت یقین من نمیتوانم بگویم که ایشان هیچوقت امیدهای شان را در جنوب از دست نداده اند ولی ممکن ایشان به این نتیجه رسیده اند که در شرایط کوتاه مدت نمی توانند به اهداف شان در جنوب برسند به عقیده من تغییر در نزد شمالی ها یک تغییر تاکتیکی است زیرا ایشان یقین دارند که در انتخابات آینده می توانند نقش موثری بازی کنند. آنان در شرایط کنونی به شدت از جنگ خسته شده اند زیرا ایشان از خود کدام صنایع نظامی نداشته و صنایع کوچک شان نیز در اثر بمبارد مان ما به شدت خساره دیده است برای ادامه جنگ چنین بزرگ آنان به حمايه بیشتر ضرورت دارند در حالیکه دو حامی بزرگ آن کشور یعنی اتحاد شوروی و چین در ساحه های دیگر روابط خارجی مصروف بوده و کمتر می توانند توجه مزید تری نسبت به آن کشور داشته باشد.

انکشاف نقب و نقب گزاری

ترجمه و نگارش
غلام رضا جگرن انجینری

در

اتحاد شوروی از نظر غربیها

از منابع امریکائی



معلومات ذیل از منابع مختلف اقتباس شده و مثال واقعی در باره استعمال ماین ها (نقب) و بعضی مفاهیم اساسی در مورد بکاربردن آنها از طرف اردوی اتحاد شوروی میباشد.

اتحاد شوروی کشور است که نقب گزاری را در محاربات مختلف بیش از هر کشور دیگر بکار برده است. ایشان هر آن وقتیکه فرصت و وسائل داشته اند از ماین ها و ماین گزاری مکرراً و به تعداد زیاد استفاده نموده اند. وقتی وضعیت محاربوی توام با کمبود وسائل و ضیق وقت بوده است کوشیده اند با استعمال تعداد قلیل ماین در نقاط مهم نتیجه مطلوب را بدست آورند.

اردوی اتحاد شوروی بدرجه بلند قابلیت آنرا دارد که به هر گونه عملیات ماین گزاری اشتغال ورزد. دو کتورین آنها استعمال ماین ها را از طرف تمام صنوف و سلاح توصیه مینماید. چنانچه واقعاً این دکورین را جامه عمل پوشانده و گذشته از آن برای قرش و برداشتن ماین های مخصوص یونتها و خصوصاً انجینری تشکیل نموده اند.

ذخیره نقب هادر جمله مهمات و توزیع آن به تمام قدمه ها (یونتها)

خورد و بزرگ) نتیجه آنست که استعمال نقب ها نه تنها در عملیات تدافعی بلکه در صفحات مختلف تعرض نیز تاکید میشود.

در پلان محاربوی قدمه های پائین معمولاً موقعیت کشتزار های ماین بجهت جز متمم پلان عمومی آتش پیشقراول تعرض و تعرض مقابل ارائه میشود.

چون بسیاری از نقبهای ساخت اتحاد شوروی نیم آماده میباشد لهذا تولید آنها در فابریکات بسادگی صورت گرفته بعد در ساحه محاربه ذریعه سر بازان یا پرسونل سویل آماده ساخته میشوند. ازین عدم آماده گی نباید چنین استنباط کرد که اردوی اتحاد شوروی درین قسمت مبتدی است یا اینکه ذخائر آنها فاقد انواع انکشاف یا قتمه ماین میباشد.

از جمله متدد های اشتعال که از طرف نظر میان اتحاد شوروی در حرب عمومی دوم بکار رفته بعضی محصول سهارت زیاد و در برخی دیگر خیلی ساده بوده اند. خصوصیت دیگر این است که در اتحاد شوروی انواع زیاد ماین و ترتیبات اشتعال وجود دارد که باید آنچه برای پیشبرد وظیفه مورد نظر موافق میباشد از آنجمله

انتخاب کرد.

مثال آتی نشان میدهد که ماینها چگونه در گذشته از طرف آنها استعمال شده و خطوط اساسی استعمال آینده آنها چسان پیش بینی میشود. درینجا شما خود خواننده عزیز میتوانید شرح ذیل را ارزیابی و از آن نتیجه گیری نمائید.

واضح است که ماین و ماین گزاری بیشتر در مدافعه مورد استعمال داشته و مدافعه دو شکل اساسی دارد - مدافعه موضع و مدافعه سیار (مقاومت اشغال). اورگان نظامی اتحاد شوروی مدافعه موضع را شکل نورمال مدافعه میداند. بعد ایشان مدافعه موضع را چنین دسته بندی مینمایند: مدافعه با جبهه قراخ و مدافعه با جبهه نورمال. مدافعه موضع با جبهه قراخ مرکب است از یک سلسله نقاط مقاومت که به فاصله های نسبتاً بعید از هم قرار داده میباشد. این نقاط از طرف احتیاطیکه نسبت بمدافعه با جبهه نورمال قویتر میباشد حمایت میشوند. مدافعه با جبهه نورمال مرکب از خط مدافعه با خالیگانه های کوچک میباشد. مدافعه با جبهه نورمال نسبت بمدافعه با

جبهه قراخ خیلی نیرومند دانسته میشود. زیرا قومانندان قوای بیشتری از پرسونل سلاح و وسائط در دست داشته میباشد.

تصمیم بر مدافعه موضع بنا بر یکی یا چندی از علل ذیل از طرف قومانندان اتحاد شوروی اتخاذ میشود: وقتی قوای دشمن تفوق داشته باشد درینصورت یک قسمت قوای دست داشته بمنطقه فریب دهنده ای در دیگر جا تعیین میشود. وقتی تعرض قابل مدنظر باشد درینصورت مدافعه موضع برای تولید اوضاع مناسب برای اجرای چنین تعرض اختیار میشود.

مدافعه موضع مدافعه شکست ناپذیر است. چنانکه اراضی تنها بموجب دریافت امر صریح از مقامات عالی میتواند بدشمن ترک شود.

دو کتورین نظامی اتحاد شوروی میرسانند که مدافعه موضع باید بحقی زیاد ترتیب شود و تداوم ببرد تا آنکه مواضع تبدیلی و ترتیبات عمقانی توپچی مورد توجه خاص قرار گیرد در مورد کشف و انتخاب موضع قومانندان اتحاد شوروی موضعی را انتخاب مینماید که مطالب گوناگونی را بر آورده سازد. موضع باید بحیث پایگاه برای اجرای تعرض مقابل خدمت نموده و باین مقصد مساعد باشد موضع باید چنان موقعیت داشته باشد که دشمن نتواند از برخورد بآن اجتناب ورزد و بالاخره موضع باید اوصاف خوب دفاعی داشته باشد از قبیل تشکیلات اراضی به نفع قوای مدافعه مانند دریاها، کوهها و میکا نیزه.

کشف در مدافعه نیز قوی و مانند تعرض مهم پنداشته میشود قومانندان شخصاً باید در باره اراضی

و وضعیت دشمن همواره معلومات داشته باشد. در قسمت نظام تکتیکی قومانندان اتحاد شوروی برای تاسیس مدافعه موضع حوزه ها، ساحات و مناطق دفاعی تعیین مینماید. باردها قول اردوها و فرقه ها حوزه های دفاعی، برای غندها ساحات دفاعی و برای تولیها مناطقی مدافعه تعیین میگردد. تمام حوزه های دفاعی اردو به شکل سیستم جامع و مستحکم دفاعی در آورده میشوند.

هرگاه قوای اتحاد شوروی با دشمن تماس مستقیم نداشته باشد معمولاً بر مبنای صلاحیت قومانندان اردو در قسمت جلوی جبهه منطقه امنیت تاسیس میشود که از خط اصلی مقاومت (۶-۱۰) میل به پیشرو توسعه می یابد. آنچه شامل منطقه امنیت میباشد عبارتند از مواضع پیشرانده شده و مواضع بین که با نقاط مقاومت انفرادی و مواضع انجیرری به شمول مابین مجهز شده میباشد منطقه امنیت ذریعه یونتهای پیشرانده شده مدافعه میشوند که تحت امر قومانندان فرقه اجرای وظیفه میدارند یونتهای پیشرانده شده مطابق پرنسپ های مدافعه سیار (مقاومت اشغال) می جنگند.

پیشقر اولهای محاربه تقریباً یکم میل پیشروی خط اصلی مقاومت تاسیس میشوند. اینها برای تعطیل پیشرفت دشمن و ایجاد دشواری بر مساعی آن جهت کشف و ترصد موضع مدافعه خدمت مینمایند.

پیشقر اول های محاربه مرکب میباشند از نقاط انفرادی مقاومت که ناحمیه متناوبه آتش همبستگی داشته میباشد. ایشان با شبکه موانع به شمول مابین وهمچنان با آتش توپچی و هواوان از موضع مدافعه تقویه و حمايه میشوند.

موضع مدافعه جعلی اکثر اوقات در ناحیه ای تاسیس میشود که بآنجا تعرض شدید دشمن متصور باشد. این موضع تحت زاویه ای با جناح حقیقی بنا می یابد تا ازین جا جناح دشمن متعرض تحت آتش واقع شود. دشمنیکه بر موضع ساختگی حمله ور میشود برای اینکه بعداً موضع اصلی را مورد تعرض قرار دهد مجبور است در جریان محاربه با تحمل تلفات و مشکلات زیاد به تجدید گروپمان قوا بپردازد. موضع مدافعه فرقه موضع قوی دفاعی بوده (۳-۳/۵) میل عمق داشته میباشد. تاسیس این موضع چنان پلان

* کار دایره گانه اوزحمت دبری نتیجه ده. (نیشل)

* کار دنیک مرغی پانگه ده. (سقراط)

* دهرکار اساسی شرط تینگه اراده اوقوی عزم دی.

(شکسپیر)

* په کوم کسار کسبی چه شخصی گته تر نظر لاندی نیول

شوی وی هغه کار شریفانه نه وی. «تولستوی»

* پخواله دی چه په کوم کسار پیل کوولوهری باید پکسبی

بنه فکروشی. (افلاطون)

* که دکار کولو په واسطه مو دربرو او تکلیفونوسره

لخان آشنا کرنو کیدای شی چه دزمانی دپینوسره

(...)

کار

پوه، نو

په نظر کسی



گزارش می‌شود که تعرض را دچار وقفه و دشمن را اجماع نمایند .
 قوای اصلی که بدسترس قوماندان اتحاد شوروی میباشد درین حوزه تمرکز می‌یابد
 موضع دوم مدافعه (۶-۱۰) میل عقب خط اصلی مقاومت و موضع سوم یا موضع عقبی (۶-۱۱) میل عقب موضع دوم بنا می‌یابد . موضع سوم مغایر دیگران از نقاط تدافعی انفرادی مرکب میباشد که در بخش‌های مهم اراضی تمرکز می‌یابند .
 تمام حوزه مدافعه اردو با سیستم مواضع مائل بهم ارتباط داده میشوند . این مواضع امکان آنرا میسر میسازند تا گروه‌های دشمن که جبهه را شقی نموده اند تحت آتش جناحی واقع شوند . درین جا خریطه‌های آتش نیز تاسیس میگردد که هدف آنها اغفال و امجای وسائط ذرهداردشمن میباشد . بر علاوه دوسه خط مائل از مواضع توپچی غنڈ تانک و مواضع مخصوص ضد تانک اثبات وجود مینماید که از طرف بطریقه‌های توپچی در حوزه اردو تاسیس میگرددند .
 توپخانه به شکل گروپ در آورده

میشود (شیمه گروپهای توپخانه در تعرض) اداره و کنترل این گروپها غالباً به قوماندانان زیر دست سپرده میشود . بطریقه‌ای که در تعرض گروپ توپخانه فرقه را بوجود می‌آورند در مدافعه موضع معمولاً جزء گروپ توپخانه غنڈ میشوند .
 در مدافعه موضع سه نوع احتیاط وجود داشته میباشد : احتیاط پیاده احتیاط سیار ضد تانک و احتیاط تانک پیاده کاملاً در اختیار و تحت امر قوماندان ذی‌علاقه میباشد . طور مثال قوماندان فرقه شوروی احتیاطی با اندازه دو کتدک پیاده بدست داشته میباشد .
 احتیاط سیار ضد تانک از قوت متوازنتری مرکب از پیاده دارنده اسلحه ضد تانک توپچی ذات‌الحرکه (توپچی ضد تانک) یونت انجنیری مجهز با ماین و بعضاً توپچی ثقیل بوجود می‌آید . ایشان را غا و محلات محتمله حرکت و استعمال را قبلاً کشف و انتخاب می‌نمایند تا اجرای وظایف با سرعت و موفقیت تضمین گردد این احتیاط موقعیت مرکزی داشته میباشد تا بتواند علیه هر آن قوای ذرهداردشمن که جبهه را با شقی تهدید

مینماید مقابله کند . احتیاط‌های ضد تانک بصورت عمومی بر ای اجرای تعرض مقابل علیه پیاده دشمن که بموضع دخول نموده باشند ، استعمال میشوند . دو کتورین اتحاد شوروی استعمال تانک را علیه حمله تانک مجاز نمیدانند جز در جناح کوردینه شده و تعرض جبهوی که ذریعه توپخانه ضد تانک با توپخانه ذات‌الحرکه صورت میگیرد .
 نظامیان اتحاد شوروی تانک‌ها را گاه‌گاه در چقوری تعبیه نموده بچیت ماشیندار یا توپ دافع تانک مورد استفاده قرار میدهند .
 در شرائط نور مال فرقه شوروی در مدافعه موضع جبهه ای تعرض تقریباً شش میل را اشغال مینماید . ساحه مدافعه کتدک تقریباً یکمیل عرض و سه ربع میل عمق داشته میباشد . تولی پیاده شوروی در حدود (۷۰۰) یارد مربع ساحه را اشغال میکنند . ولی در اینجا باید متذکر شد که این ارقام تماماً تخمینی بوده با نظر داشت شرائط اراضی و ایجاب وضعیت محاربه‌ای بعد از تغییر پذیر میباشد . (پایان)



بنیان گذاران قوای مدافعه ملی

(بقیه صفحه ۱۲۵)

شرایط مندانه را باز کردن زیرا بدون مواد اکمال و انهم غذایی نه حیوان و نه انسان مقاومت کرده میتواند
 اسسال خدای توانا با قبول جهاد اکبر مجاهدین زمستان را زودتر و سردتر فرستاد - این حلول بیوقت شدید و سریع دشمن را مواجهه به قبول گفتگوی غیر مستقیم و ادار ساخت مذاکرات غیر مستقیم شروع شد اما نسبت بدو دلیل طرف سران ملی مورد قبول واقع نشد و منطقی‌ام امکان نداشت

۱ - ظفر بدست آمده را از دست دادن

۲ - دشمن را که خروج مسلحانه خود را ارزو داشت

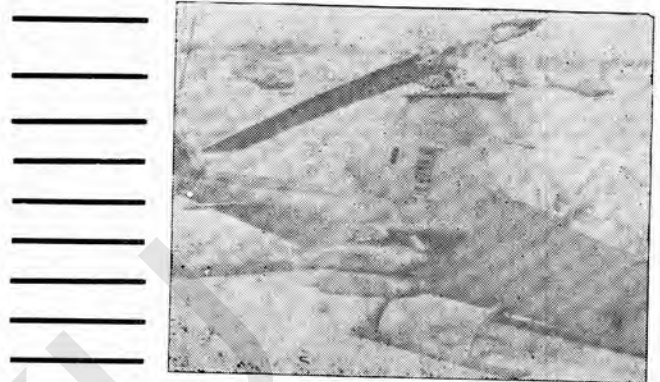
و بالاخره با رسیدن در جلال آباد امکان مقاومت و بالاخره با قوای تقویه کافی و صاحب منصبان مجرب و افراد پراز حس انتقام مجادله را در هواء و شرایط مساعد قبول کردن کار عقل و فن حرب نبود .

مذاکرات به این نتیجه رسید که با یسد اردوی دشمن تمام اسلحه خود را گذاشته به مجاهدین تسلیم گردند و بعد ازان به وقت مساعد به هند رفتن - مگر دشمن برای حفظ پرستیژ مسلکی و وعسکر امپراطوری با خود بردن اسلحه را شرط خروج گذاشتند و این قبل و مقال انقدر طولانی شد که زمستان زنگ خطر اولین را باریزش برف سنگین اعلام نمود - چون خروج اجباری را به مرگ در تنگنای گرسنه‌گی و بیماری ترجیح داده و از سران ملی خواستند تا حمایت خانم‌ها و اطفال را به اکبر غازی بگذارند و بعد ازان از بالا حصار به استقامت جلال‌آباد بربایند .

اطلاعات دفاعی



طیارات جدید ترانسپورت: این تصویر طرح جدید یک کمپنی امریکائی را در مورد اعمال یک نوع طیاره انکشاف یافته متوسط را که در مسافت کوتاه از زمین بلند شده و در مسافت کوتاه به زمین می نشیند، نشان می دهد این پروژه در ماه مارچ ۱۹۷۲ طرح گردید. این طیارات از طرف دو کمپنی در مرحله اول به تعداد دو عدد اعمال خواهد گردید و پس از آنکه مورد آزمایش قرار گرفتند نوعیکه مورد انتخاب واقع شود بجای طیارات ترانسپورت C۱۳ شامل خدمت خواهد شد.



ایالات متحده امریکا :

مرمیات رهبری شده ضدتانک *Tow*: هشت هلیکوپتر نوع *AH1G* هوئی کوبرا مربوط قوای زمینی امریکا با مرمیات رهبری شده جدید ضدتانک موسوم به *Tow* (مرمیات رهبری شده ذریعه سیم که بصورت رصدی اداره شده و از داخل وسایط میلدور فیر می شود) مجهز ساخته شده اند. طرح این اسلحه در سال ۱۹۷۱ صورت گرفت و اکنون اولین نمونه های آن اعمال گردیده است. این سیستم متشکل از چهار مرمی رهبری شده ضدتانک است که بحال جوره بداخل میل های مخصوص انداخت کننده تعبیه شده و در هر جناح هلیکوپتر یکی از این سیستم ها جایجا گردیده است که به اینصورت در یک هلیکوپتر مجموعاً هشت میل انداخت کننده مرمیات مذکور موجود می باشد. این مرمیات رهبری شده اکنون از طرف قوای زمینی ایالات متحده امریکا در مرحله آزمایش قرار دارد.

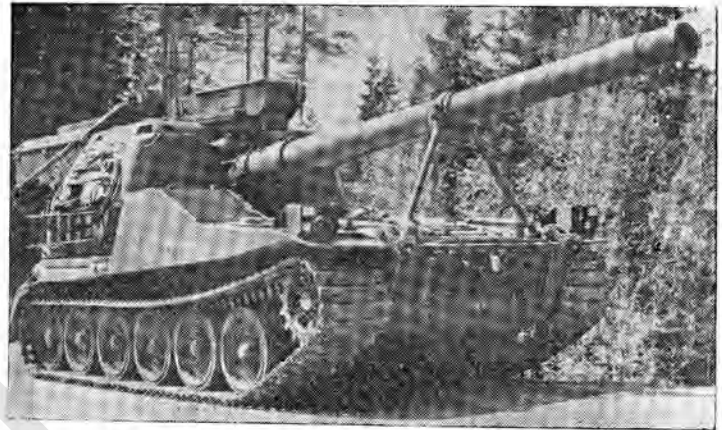


جمهوریت فدرالی آلمان :

راکت انداز آر میرست ۳۰۰: یک اسلحه جدید ضدتانک از طرف یک کمپنی جمهوریت فدرالی آلمان ساخته شده است که به آر میرست ۳۰۰ موسوم می باشد. منزل انداخت این اسلحه که عبارت از یک راکت انداز جدید ضدتانک است ۳۰۰ متر می باشد. راکت این اسلحه تقریباً با یک محرک هموار سیر میکند و به این ترتیب احتمال اصابت انداخت مستقیم آنرا بیشتر می سازد. در منزل انداخت ۳۰۰ متر راکت مذکور طی مدت یکتیم ثانیه در هوا سیر می کند و بداخل زره که ضخامت آن به ۳۰۰ ملی متر برسد نفوذ کرده می تواند. راکت در اثنای پرواز توسط وسایط کشف انفرادی (اشعه مادون سرخ) کشف شده نمی تواند. مهمترین خصوصیت مفید راکت انداز آر میرست ۳۰۰

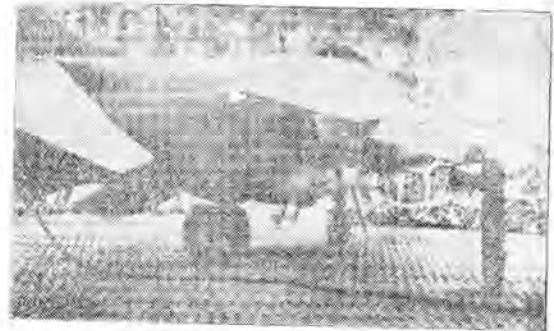


عبارت از نیست که در اثنای انداخت شعله و تضییق عقبی را ایجاد نمیکند و در اثنای انداخت شود نه آواز شدید تولید می نماید و نه دود، خاک و گاز را به عقب باری می آورد در حالیکه راکت اندازهای سابقه در اثنای انداخت باعث ایجاد شعله، دود و تضییق به عقب شده موضع راکت انداز را افشای می سازد. بنا برین راکت انداز آربرست ۳۰ با داشتن خصوصیت عدم ایجاد دود و شعله عقبی در مواضع محدود و بسته نیز استعمال شده می تواند در حالیکه سایر راکت اندازهای ضد تانک پیاده اکثر آ یک ساحه نسبتاً زیاد تر را که عقب سلاح خوب تطهیر شده باشد ایجاب می کند و علاوه بر آن دود و شعله عقبی آنها موضع راکت انداز را به آسانی افشای می سازد.



سویدن

توپ ذات الحر که ۱۵۵ میلیمتری: کندک های توپچی فرقه در قوای زمینی سویدن توسط توپ های جدید ۱۵۵ میلیمتری ذات الحر که نوع (آ) مجهز گردیده اند در هر کندک دو بطریقه آتش این توپها موجود است و در هر بطریقه سه ضرب توپ موجود می باشد منزل این توپ ۲۵۰۰ متر بوده و سرعت انداخت آن پانزده مری فی دقیقه میباشد. وزن محاروبی این توپ ذات الحر ۴۸ تن بوده و سرعت حرکت آن ۱۹ کیلومتر فی ساعت است.



انگلستان

آزمایش طیارات عمود پرواز و عمود نشست هاریر: دو آزمایش صحرائی به مقصد امتحان و تجربه پراپلم های

و ارتباط در شرایط استخدام طیارات عمود پرواز عمود نشست هاریر که یک طیاره شکاری حمله قریب قوتها ی زمینی میباشد از طرف قوای هوایی انگلستان به مرحله اجرا گذاشته شد. مهمترین وصف طیاره مذکور اینست که از مناطق کوچک در خطوط پیشترین جنبه فعالیت کرده می تواند. طیاره هاریر موجوده که در خدمت قوای هوایی انگلستان است آنقدر قدرت ندارد که پرواز عمودی را با حموله مکمل محاروبی اجرا کند و در حالیکه ۲۲۶۸ کیلوگرام مهمات و مواد سوخت را برای فعالیت در یک شعاع پرواز ۷۲۴ کیلومتر بر میدارد به یک خط پرواز به طول ۳۰۰-۴۰۰ متر ضرورت دارد و این خط پرواز یک سرک و یا یک پارچه اراضی هموار شده میتواند. انجن های جدید طیاره هاریر که در اختیار قوای هوایی انگلستان گذاشته می شود سبب خواهد شد که طیاره هاریر امکان پرواز کاملاً عمودی را با حموله مکمل محاروبی پیدا کند.

سیستم انجن عمود پرواز امکان معلق ماندن طیاره هاریر را بوجود می آورد ولی این کار در عین زمان باعث این میشود که خاک و سنگ های کوچک با پرواز طیاره به هوا شده و به انجن طیاره اصابت کند بنا برین مناطقی که برای پرواز این طیاره احضار نشده یا شد مورد استفاده قرار گرفته نمی تواند. اکنون پلات فورم های ذایروی فلزی که به آسانی بهم بسته شده میتواند در عملیات صحرائی بحیث موضع پرواز طیاره هاریر مورد استفاده



قرار داده میشود و از تخته های فولادی سوراخ شده بین موضع پرواز و مناطق ستروا خفا شده پارکینگ برای طیاره مذکور تکمیل می شود.

اولین آزمایش صحرائی طیاره هاریر در ماه دسامبر ۱۹۷۱ در ناروی و دومین آن در ماه مارچ ۱۹۷۲ در اسکاتلند بعمل آمد درین آزمایشها تطهیر اراضی برای طیارات هاریر پراپلم عمده را تشکیل میداد و همچنان پراپلم های لوژستیک نیز اهمیت خاصی داشت و بعضاً ایجاب میکرد که مواد سوخت به موضع پرواز طیاره توسط هلیکوپترها اکمال گردد.

طیاره هاریر در پرواز افقی دارای سرعت ۹۵ ماک و در پیکه های کم ارتفاع دارای سرعت ۱۰۲۵ ماک

یعنی بیشتر از سرعت صوت میباشد. این طیاره در مسافت کمتر از ۴۰ ثانیه به اندازه ۳۰۴۸ متر (۱۰۰۰۰ فوت) ارتفاع گرفته میتواند. قوای هوایی انگلستان تصور میکنند که در صورت وقوع یک حرب در اروپا اکثر پایگاه های بزرگ هوایی تقریباً بطور فوری و در مرحله اول تخریب کرده خواهند شد و بنابراین طیارات هاریر از طریق قیت کردن آنها در مناطق مستور سالم خواهند ماند.

طول بالهای طیاره هاریر ۸ متر و طول طیاره ۱۵ متر می باشد و به این صورت به آسانی پنهان ساخته شده میتواند.

استرالیا :

دو عراده تانک جدید نوع M60A1 امریکائی برای تجربه و آزمایش به آسترلیا رسیده است تا پس از تجربه بعوض تانک های قدیم سنتورین که از سال ۱۹۵۰ در خدمت اردوی آسترلیا میباشد به قوتها داده شود. آزمایش تانک M60A1 امریکائی توام با آزمایش تانک لیوپارد آلمانی صورت می گیرد و هر دو نوع تانک تحت شرایط اقلیم تروپیک در کوینز لیند آسترلیا تجربه و امتحان می شوند.

کولمبیا :

در ماه مارچ ۱۹۷۲ قوای هوایی کولمبیا پلان های خود را برای خریداری اولین دسته سه عددی طیارات فوق سرعت صوت شکاری میراژ به مبلغ ۳۱ میلیون دلار اعلام داشت منابع تذکر میدهند که کولمبیا این طیارات را به مقصد مقابله و هم طراز با قدرت روز افزون هوایی و نیز ویلا که پانزده طیاره میراژ را فرمایش داده است خریداری میکند. کولمبیا از ایالات متحده امریکا نیز ده عدد هلیکوپتر درخواست کرده است قوای زمینی کولمبیا با تفنگ های جدید ساخت آلمان مجهز شده و قوای بحری آن فرمایش اعمال دو تحت البحری آلمانی را داده است.

جمهوریت مردم چین

بتاریخ ۱۸ مارچ ۱۹۷۲ جمهوریت مردم چین چهاردهمین انفلاق اسلحه ذروی خود را بعمل آورد. به استثنای یکی همه این آزمایشات در اتموسفر صورت گرفته است. آزمایش آخرین به قدرت ۲۰ الی ۲۰۰ کیلو تن بوده است. این آزمایش در منطقه آزمایشات ذروی لوپ نور واقع در شمال غرب چین بعمل آمد ناظرین تصور میکنند که این آزمایش یا یک انفلاق برای اسلحه ترمونو کلیر بوده و یا سرگلوله راکت بالستیکی متوسط منزل بوده است.

جمهوریت مردم چین طبق راپورها اخیر اجازه ناسیس یک پایگاه بزرگ بحری را در بندر دارالسلام واقع تانزانیا بدست آورده است. این پایگاه علاوه بر اینکه برای دلچسپی های موجوده اقتصادی و نظامی چین در تانزانیا مفید می باشد تصور می شود که پایگاه مذکور به شبکه آزمایشات آینده راکت های قاره پیمای چین مربوط گردد. متخصصین مربوطه فکر میکنند که منطقه فرود آمدن چین راکت ها در بحر هند نزدیک ساحل شرقی افریقا خواهد بود.

آهن فلز گرانمبھائی که در سلامت

انسان رول مهمی دارد



از دیر زمانی است که بشر پی به وجود آهن برده و بطرق مختلف از آن استفاده کرده است در قدیم معتقد بودند که آهن از آسمان به زمین آمده است یونانیان قدیم منشاء آهن را از ستارگان و در میان آنرا به رب النوع جنک نسبت میدادند.

در زمان قدیم برای تداوی اشخاص کم خون شمشیرگداخته را در آب فرو برده و آب حاصله را به آنان میخوراندند ارتباط این فلز یا عالم طبی از زمان بقراط حکیم شروع میشود (سید نهام) اولین کسی بود که وجود آهن را در بدن به اثبات رسانید. او براده آهن را در شراب می خیساند و به بیماران کم خون می خوراند. بتدریج املاح آهن جزو دواء های کم خونی کشف و به مریشان تجویز شد کم خونی ناشیه از آهن بسیار است و اغلب این کم خونی در دوران بلوغ در زنان باردار و شیرده دیده میشود.

بدنیست بدانید که در بدن یک شخص معمولی بین ۵ تا ۳ تا ۵ گرم آهن وجود دارد. احتیاج روزانه بدن به آهن در حدود یک میلی گرام است که این مقدار با خوردن گوشت - جگر - زردی تخم مرغ - سبزیها و میوه ها وارد بدن می شود.

بدیهی است اختلال ها ضمه و سوء جذب در دستگاه گوارش باعث عدم جذب آهن شده و در نتیجه کم خونی بروز خواهد کرد

جنین در ایام زندگی داخل رحم مقداری آهن از مادر دریافت میکند مسلم است مادرانی که دچار کم خونی هستند کودکانی کم خون و ناتوان خواهند داشت بهمین دلیل توصیه میشود که خانمهای باردار از اغذیه ای که دارای آهن است مخصوصاً گوشت، تخم مرغ، سبزیها، بمقدار لازم استفاده نمایند.

نرسیدن مقدار کافی آهن به بدن سبب کم خونی و کم خونی باعث بروز بیماریهای دیگری خواهد شد.

بهمین دلیل باید آهن را یک فلز گرانبها و مفید برای بدن دانست و با مصرف غذا های مختلف از کمبود آهن در بدن جلوگیری کرد.

م و خوانندگان

جگتورن حمیدالله اوریا خیل !

شما در مورد ادای حج بیت الله از مسوالاتی بعمل آورده اید و خوشبختانه درین اوخر مقاله جامعی در پیرامون حج در مجله پیام حق بطبع رسیده بود که پاسخ جامعی برای شما و دیگر علاقمندان شده میتواندست ما از احساسات پاک شما و اینکه عقیده ثابت و محکمی به شعایر مقدس اسلامی دارید بسیار محفوظ شدیم اساساً در یک جامعه اسلامی بر تمام شئون عملی و نظری مسلمانان، اخلاق اسلامی فی حد نفسه حاکمیت دارد و خصوصاً در کشور ما که دیانت با قدرت کامله خویش بر نفوس و اذهان و مشاعر مردم نافذ و حاکم است اما دین مقدس اسلام با تعصب و لجاج و افراط و تفریط در تمام امور مخالفت دارد، اسلام دین اعتدال و دین میانه روی است، اسلام پیروان خود را یکبار مالایطاق ما مور نساخته است اسلام برادری و برابری را بدون امتیاز و تفریق در جامعه اسلامی محترم و مکرم می شمارد، اسلام اساس امتیاز و برتری را بر پایه نقوی قرار داده است .

ما شما را بمطالعه مضمون (ادای حج اهداف بسیار عالی دارد) دعوت می کنیم و موفقیت تان را از خداوند متعال تمنا می نمایم :

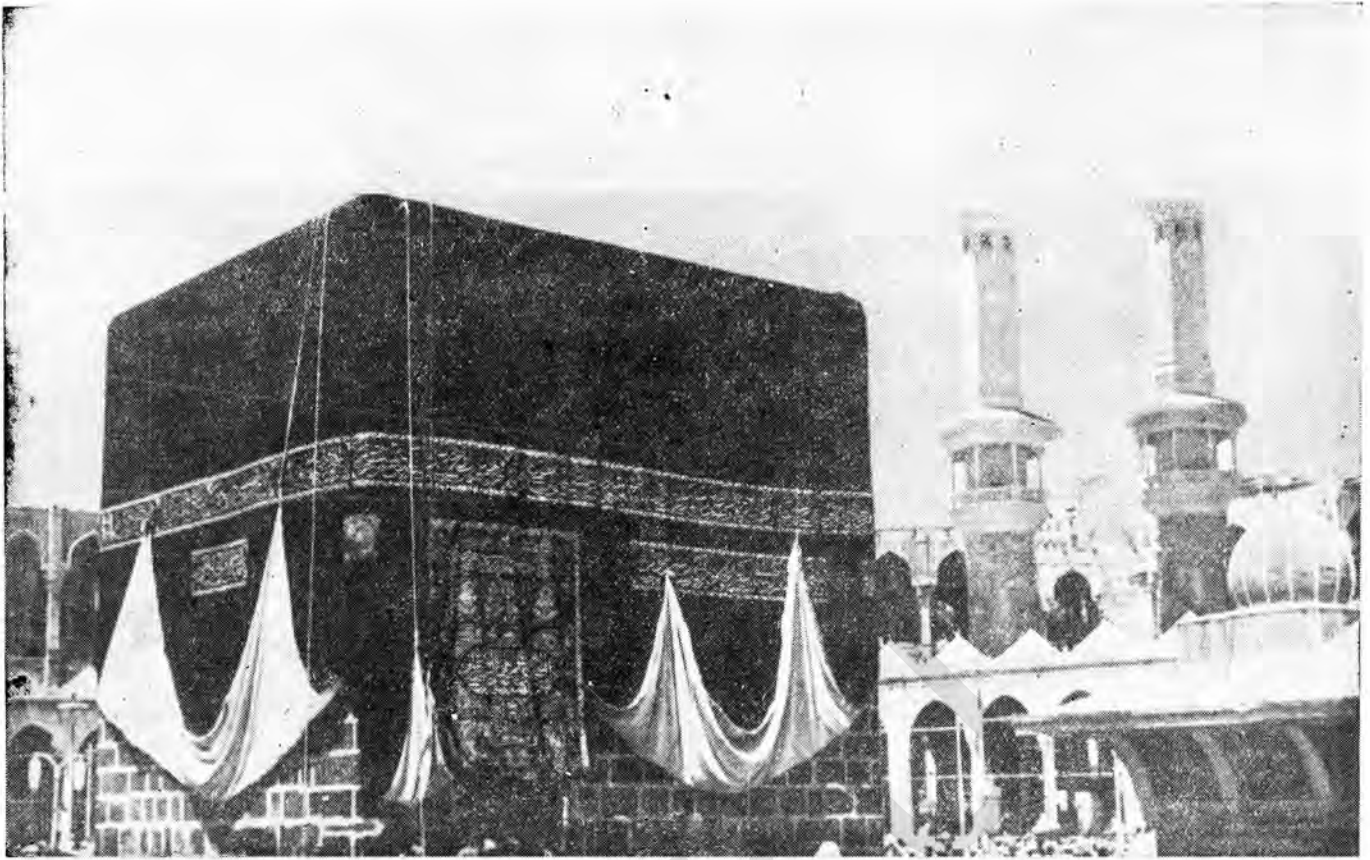
حج یکی از ارکان پنجگانه عبادات و فرایض اساسی اسلام است که در هر یکی از مناسک و واجبات و آداب آن اهداف بزرگ تعبدی و تکامل روحی و تقرب بیارگاه پروردگار یکتا و دانا و توانا نهفته میباشد . هر مسلمانی که به نیت پاک و خاص برای اطاعت احکام خالق یگانه خود و اقتضای اسوه حسنه پیامبر راستین و بزرگوار خویش حضرت سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بسوی خانه خدا و بیت الله الحرام بعزم حج مهاجرت میکند رضای خدا و رسول را

درمی یابد ولی اگر بقصد دیگری از ارزوهای سخیف و نکو هیله مادی درین راه قدم بر میدارد نه تنها از نزاقت و تقوا دور افتاده عملی غیر مفید انجام میدهد بلکه دین را در راه دنیا به ثمن بخرس فروخته و عبادت را نعوذ بالله بازی شمرده است .

اولین حدیث راستین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در کتاب صحیح البخاری شریف این است که (انما الاعمال بالنیات و انما لکل امر مانوی)

یعنی همه کارها بر نیتها استوار است و برای هر کس تنها نیتش بکار آید و در عمل نیت ارزش دارد . گفتیم اهداف حج خیلی ارجمند و عالی است هر شخص مسلمان شباروزی پنج بار بطرف خانه مقدس خدا ایستاده از ظلمات مادیت به فضای وسیع و روحانیت و ذکر پروردگار و فکر در آفرینش آسمانها و زمین می پردازد و با کسب فروغ نشاط نیروی روحی دوباره بساحه زندگانی عادی باز میگردد در حالیکه توان تازه باطنی یا فتنه است . همچنین روزه و زکات مظهر قطع علائق مادی و شهوی و مالی و سوید تقویت و تکامل روحی و شکر نعمت قوای جسمانی و مواهب مالی بوده روابط معنوی انسان را با فرشتگان و با مسلمانان هم نوع و هم دین فقیر و مستاصل برقرار و پایدار میسازد .

بالاتر ازین و مرحله نهائی توحید و حق پرستی و خروج روحی و تقرب بیارگاه حضرت خداوند تعالی در ادای فریضه حج متصور و میسر است بدین معنی که انسان صالح متمتع از نعمت ثروت و مال صالح در راه دیدار خانه محبوب خود و آفریده گار و منعم حقیقی خویش سرازیر و پسا نشناخته بانیت پاک و با قلب پاک و با اشتیاق پالوده از مظاهر سوء شهوت و ریا به طواف خانه خدا می شتابد . قضا



اینجا کعبه شریف است. جایی که در آن همه سالها صدها هزار مسلمان لبیک گویند، برای ادای فریضه حج گردمی آیند. شکوه بیمانند اجتماع مسلمانان جهان عظمت دین اسلام - دینیکه بشریت را درتاریکترین ادوار تاریخ از جهل و بدبختی رها نموده است، را بخاطر جهانیان زنده میسازد و دنیا را به تکریم در مقابل حقانیت اسلام وامیدارد.

خداوند توسط بنده برگزیده و پیامبر مخلص و راستین او حضرت خلیل علیه السلام بنیان گذاری شده است .

قرآن کریم درین معنی می فرماید .
(ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للناس فیه آیات بینات مقام ابراهیم ومن دخله کان آمنا)

یعنی محققا نخستین خانه ایکه برای مردم آباد شده همان خانه ایست که در مکه مایه برکت و هدایت مردم قرار گرفته در آن علامات تا بنا کی چون مقام ابراهیم موجود است و هر کسیکه در آن داخل شود از هرگزندی ایمن باشد و در اخیر این آیت فریضه ادای حج خانه کعبه از جانب خداوند ثابت گردیده که هر آنکه استطاعت و نیروی مالی و جسمی دارد باید این فریضه را در عمر یکبار بجا آورد .

ملت عرب قبل از اسلام هم قرن ها به پیروی سنت جد خود حضرت ابراهیم از هر جانب بسوی کعبه می شتافتند و خدای یگانه راعبادت می کردند شهریان مکه هم شب و روز در حریم کعبه سربه آستان جلال و عظمت پروردگار خود فرو می آوردند . و در آن به ذکر و فکرمی پرداختند تا

ها و بیابانها و شهرها و وادی ها را به طیاره یا موتر طی میکنند صرف مال و زحمت جسمی را که هردو ایثار و فداکاری میخواهد طوعاً متحمل میشود و به زبان و دل میگوید که (ان صلاتی و نسکی و محیایی و مما تی لله رب العالمین)

یعنی نماز من و عبادت و مناسک حج من وزندگی من و مرگ من همه از خدا و برای خدای است خداوندیکه پروردگار جهانیان است

آری حج عبارت از مناسک حج در مواضع مخصوص به نیت تقرب بخداوند صورت میگیرد قبل ازینکه حضرت ابراهیم خلیل الرحمن به تعمیر خانه کعبه از جانب پروردگار علیم حکیم جل جلاله موظف شود همه مردم به زعم و عقیده بسیط خود در تجلیل عظمت معبود بدون اینکه درباره و حیر سیده باشد اعمالی انجام میدادند که مبتنی بر فطرت بشری بود ولی از تاریخ بنای کعبه الله که حضرت ابراهیم مامور شد مردم را برای ادای حج بسوی این خانه بخواند حج شکل عبادت مشروع و اختصاصی را گرفت کعبه اولین خانه ایست در زمین که برای عبادت

اینکه تعالیم توحید و ملت ابراهیمی را متدرجاً از یاد بردند و به شرک و بت پرستی گرویده بتان را در کعبه جادادند و به تصور غلط خویش آن جمادات خودساخته را وسیله تقرب بخدا پنداشتند به حدیکه در داخل کعبه از اصنام امداد می‌جستند و بنام آن‌ها قربانی می‌دادند بالاخره بمرحمت خداوند پیامبر بزرگ اسلام برای رهبری و شرعیت و نجات اقوام عرب از شرک و بت پرستی مبعوث گردیده مردم به آئین پاک‌ودین حنیف ابراهیم مجدداً دعوت شدند عقیده توحید و حق پرستی در فروغ صحبت و تبلیغ و مجاهدات حضرت محمد (ص) بردل‌ها چیره شد.

و هر چند پیامبر خدا در راه دعوت تبلیغ بمشکلات زیادی از عناد و لجاجت مشرکین مکه بر خورد ولی بفضل خدا بالاخره حق بر باطل فیروز شد و حضرت پیامبر خدا با اصحاب بزرگوارش مکه را فتح فرمودند و مسجد الحرام را از آرایش بتان پاک گردانید در سال نهم هجرت پیامبر اکرم و مسلمانان از مکه بمدینه بانزول آیت فوق حج بر تمام امت اسلامی در هر جای جهان که باشد بشرط استطاعت فرض گردید و مناسک حج تعیین شد اینست که همه مسلمانان از هر نقطه جهان شباروزی پنج بار دائره وار بسوی خانه کعبه می‌ایستند و نماز می‌خوانند و باز در سال یکبار جمعیت انبوهی مرکب از صدها هزار سیاه و سفید و عرب و عجم دارای ملیت ها و زبان ها و نژاد های مختلف بدور بیت‌الله الحرام از نزدیک حلقه می‌بندند و جمع میشوند پروانه وار گرداگرد شمع بزرگ خانه خدا مرکز انوار توحید و تقرب به بارگاه مقدس او تعالی است طواف می‌کنند. اشعاع عظمت پروردگار جهان به وضوح می‌تابد و اتحاد فکر و عقیده و نظر و عمل مسلمانان گیتی تجلی می‌نماید آنجاست که صلح و امن و عدالت و مساوات و محبت و نیکوکاری بمفهوم کلمه تحقق یافته از اقطار عالم اجتماع بزرگ مسلمانان بوجود می‌آید بشریت از شرق و غرب و شمالی و جنوب جهان متحداً یا هم می‌پیوندند به منتهای مهربانی و با یک هدف پاک و عالی همدیگر را می‌شناسند و ابراز محبت می‌کنند و برای رستگاری دنیا و آخرت خویش مناسک حج را بطور همگانی بجای می‌آورند.

فریضه حج نه تنها مظهر اجتماع و اتحاد مسلمانان معاصر است بلکه در حقیقت اجتماع تاریخ و ارتباط روحی و باطنی همه مومنانی است که طی چندین هزار سال به این سفر روحانی درین مواضع خاص تعبدی پرداخته و از زمان بنای خانه کعبه و دعوت حضرت خلیل الرحمن (ع) به دیدار خانه کعبه و ادای مناسک آن موفق شده‌اند و با ادای این فریضه حاجیان با تفکر در خاطرات صفحات تاریخ قرون ماضی روحاً درمی‌یابند که ازده ها قرن باین طرف هر سال بندگان مطیع خداوند با قنای سنت سینه و حنیف ابراهیمی و اسوه حسنه محمدی احرام بسته دور

خانه خدا طواف کرده حجر الاسود را بوسیده از آب متبرک و خوشگوار زمزم نوشیده میان صفا و مروه سعی بجا آورده در عرفات و مشعر الحرام بذکر خدا (ج) پرداخته در منار می‌جمرات و قربانی را عملی نموده‌اند و درین اعمال نیکو درین مقامات شریف با پیشینیان پیوستند با تعمیل هر يك از فرائض و آداب حج در نهاد انسان مظاهر تقوا و شرافت و نزاهت و عروج معنوی تحقق می‌یابد.

همینکه مسلمان به نیت پاکیزه به عزم حج خانه و مسکن و اولاد و عایله و اقارب و خویشاوندان و دارائی و املاک خویش را ترک می‌دهد علاقه روحی و تسلیم و توکل او بخداوند آفریدگار دانا و توانا و مهربان وی صدچندان استوار میشود و برای محبت خداوند و تائید فرمان حضرت اورنج سفر و دوری از تمام نعمت های زندگی را قبول میکند.

همینکه انسان بدیاری و نواهی مکه معظمه میرسد و لباس های مختلف عادی را که ممثل شخصیت صوری و تجمل و معیار توانگری و تفاوت طبقاتی است همه از جان کشیده بطرز ساده پارچه نادرخته سفید احرام را بدور خود می‌پیچد در حقیقت با بقایای فرایز شهبانی و امتیازات طبقاتی نیز وداع میکند و روحیه مساوات را در صورت و معنی می‌پذیرد که می‌بیند عموماً کران تا کران حرم شریف و صحرای عرفات را برابری و یک رنگی فرا گرفته صدها هزار فرد بایک عقیده توحید و یک روان پاک و یک اعمال و اذکار مشابه خدای واحد و مهربان خویش را بندگی میکنند با قلوب مملو از محبت و احترام بخدا و برادران هم دین و هم عمل فرمان الهی را بیک میگویند و به اشتیاق دیدار خانه محبوب منزله و متعالی خود که گونه ذاتش را با عقل قاصر انسانی نمیتوان درک نمود همه یکسان گرداگرد کعبه طواف میکنند و با اتکا فضل و رحمت عمیم او تعالی سعادت جاویدانی را آرزو برند.

پس از ادای طواف کعبه سعی میان صفا و مروه که دو کوه مقدس و تاریخی است هم از شعایر حج بشمار رفته بحیث مظهر بندگی و التجا و طلب رحمت الهی انجام می‌یابد.

وقوف در صحرای عرفات که شرط عمده حج تشبیه گردیده مظهر بزرگ مساوات و همنگی و اتحاد عقیده و عمل و نماینده کمال اطاعت و حق شناسی بندگان مومن و مخلص و موحد او تعالی است تلبیه این شعار ملکوتی حج که حاجیان در موقع تماشای جمال کعبه و در آن حریم مقدس در هر نشیب و فراز و هر سایه و آفتاب و هر ملاقات با هم دیگر بصدای بلند و روح نواز بدان مترنم میشود نمایانگر اخلاص قلبی و تسلیم باطنی بندگان فرمانبردار نیکوکار و پرهیزگار الهی است به امر

گریز و درد



انتخاب و آرسالی: غلام جیلانی باد مرغانی لیب هر وی

رفتم مرا ببخش و مگو او وفانداشت
راهی بجز گریز برایم نمانده بود
ای عشق آتشین پر از درد بی امید
در وادی گناه و جنونم کشانده بود

رفتم که داغ یوسه پر حسرت تر ا
باشکهای دیده زلب شستشو دهم
رفتم که نا تمام بماتم درین سرود
رفتم که با نگفته بخود آبرو دهم

رفتم مگو، مگو که چرا رفت، ننگ بود
عشق من و نیاز تو و سوز و ساز ما
از پرده خموشی و ظلمت، چو نور صبح
بیرون فتاده بود بیکباره راز ما

رفتم که گم شوم چو یکی قطره اشک گرم
در لای دامن شیرنگ ز نندگی
رفتم که در سیاهی یک گور بی نشان
فارغ شوم ز کشمکش و جنگ زندگی

من از دو چشم روشن و گریان گریختم
از خنده های وحشی طوفان گریختم
از بستر وصال به آغوش سرده هجر
آزرده از ملامت و جدان گریختم

ای سینه در حرارت سوزان خود بسوز
دیگر سراغ شعله آتش زمین مسگیر
میخواستم که شعله شوم سرکشی کنم
مرغی شدم بکنج قفس بسته و اسیر

رو حی مشوشم که شبی بیخبر ز خویش
در دامن سکوت بتلخی گریستم
نالان ز کرده ها و پیشیمان ز گفته ها
دیدم که لایق توو عشق توو نیستم

(فروغ فرخزاد)

حضرت خداوند که در قرآن کریم به اجرای آن مامور
و مکلف گردیده اند .

لیک الهم لیکن لاشریک لک لیکن ان الحمد و النعمت
لک الملک و لاشریک لک .

امرترا پذیر فنییم خدا یا امر ترا گردن نهادیم ترا شریک
و مانندی نیست فرمان ترا تصدیق و اطاعت کردیم البته
حمد و نعمت و پادشاهی حقیقی و ابدی تر است برای تو
شریک و مثالی نیست .

خوشحال مومنان صالح و بندگان فرمان برداریکه
با نیت پاک و با مال حلال و مشروع و با عزم راسخ و منزه
و بدون رفت و سوق و جدال چنانچه شایسته این فریضه
عالی و قدسی است به ادای حج و زیارت روضه حضرت سرور
کائنات موفق میشوند در آن سر زمین مهد اصلی اشاعه
اسلام و مرکز جهاد در راه اعلی کلمه الله و از گناهان
و اعمال نیکو هیده گذشته توبه میکنند و بعد از حج تا
زنده اند به تکرار معاصی مبادرت نمی ورزند به حیث بندگان
صالح خدا و اعضای مفید مجمع بار دیگر بدیار خویش باز
می گردند در حالیکه حج می کنند بصفت بنده فرمانبردار
خداوند و برادر و خواهر نیک سرشت و خوش رفتار و پر
هیزگار سائر برادران و خواهران همشهر و هموطن که
همه گونه کردار و رفتار و حتی پندارشان ستوده و پالوده
و سودمند و متضمن تاملین سعادت جاویدانی است تکالیف
دینی و اجتماعی خویش را نیکو در یافته به ادای آن
مساقت می ورزند و با تذکر خاطرات تعبدی و فیوض روحی
ادای حج و این سفر بزرگ باطنی شیوه کریمانه و مخلصانه
در پیش می گیرند که مطابق رضای خداوند و آرزو
و انتظار بندگان صالح حضرت الهی است .

شیوه ایکه مسلمانان قرن اول داشتند و اصحاب بزرگوار
پیشوای ماحمد مصطفی (ص) بان متصف بودند شیوه ایکه
مبتنی بر مبادی قدسی اسلام و خلق عظیم محمدی بود و بس .
شیوه و رفتاریکه در خلال ادای مناسک حج به ظهور
می پیوندد و تحقق بخشای .

التعظیم لامر الله و الشفقتة علی خلق الله است .
شیوه ایکه دروغ و ریا و فریبکاری و انحراف را در آن
راهی نیست و همه مظهر اخلاص و تسلیم و توکل بخداوند
دانا و توانا و محبت برادری و همزیستی مهر بانانه با بندگان
او تعالی است کسی را با کسی مزاحمت و عداوت و جدالی
نیست همه بر یک هدف عالی و یک منتهای قدسی بسوی کمال
روحی و تقرب به حضرت خداوند پیش می روند و از رحمت
عام او در توفیق به اعمال نیکو امداد می جویند .
والله الموفق و المعین

امضای موافقت نامه اوربند
بین ایالات متحده آمریکا، ویتنام
شمالی، ویتنام جنوبی و نماینده
موقتی حکومت ویتگانگم در پاریس
پرا بلم شرق میانه، مسافرت سرمنشی

ملل متحده در نیمه فارد و مسافرت ملک حسین پادشاه اردن
به ایالات متحده از جمله واقعات مهم ماه گذشته بود که
در این جا مورد تحلیل و تفسیر قرار میگیرد.

ساعت ۱۲ شب ۸ دلو بزرگ ترین نبرد جهان که سی
سال قبل در ویتنام آغاز گردیده بود خاموش گردید. اما
تلفات، خسارات و ویرانی این نبرد تا ابد تلافی نخواهد
شد. تاریخ جهان کمتر بیاد خواهد داشت که بشر از ابتدای
پیدایش تا بحال چنین نبردی طولانی را دیده باشد جنگ
ویتنام یک سابقه طولانی تاریخی دارد که در ابتدا در این
خطه بین استعمار یونان و فرانسه در سال ۱۹۴۰ شروع
شد یعنی این هر دو قوت میخواستند تا ملت ویتنام را تحت
محاصره خود در آورند اما مردم قهرمان ویتنام در اول
مرحله قوت استعماری جاپان را شکست داده و در سال ۱۹۴۵
آخرین مقاومت فرانسویها را در دهکده دین بین فوازه
پاشیدند تا این زمان جنگ ویتنام شکل یک جنگ منطقه‌وی

و آزادیخواهی داشت اما به مرور
زمان ماهیت و فورهم جنگ ویتنام
از این حالت تبدیل میشود و شکل
یک جنگ آیده یا لوزی را بخود
میگیرد.

در یک ماه

در همین زمان در ویتنام دو گروه سیاسی بوجود آمد
یعنی هر کدام این گروه سیاسی میخواستند تا قدرت و حاکمیت
را در ویتنام بدست گیرند و از طرفی هم بعضی قوت های
استعماری فرانسه که در ویتنام باقیمانده بود آرزو نداشتند
خاک ویتنام را ترک گویند و روز بروز وضع در ویتنام خرابتر
و تیره تر میگشت تا اینکه در سال ۱۹۵۴ کنفرانس بین المللی
ژنیوراجع به حل پرابلم ویتنام تشکیل شد. اعضای کنفرانس
بعد از جروبحث زیاد فیصله کردند تا ویتنام بدو قسمت شمالی
و جنوبی تقسیم شود و آزادی و تمامیت ویتنام شمالی را تحت
رهبری هوچی من برسمیت شناختند و در جنوب به این نتیجه
رسیدند تا یک انتخابات عمومی دایر شود. اما وضع بعد
ازین خرابتر گردید. دو گروه که پیشتر از آن ذکر بعمل
آمد در صدد افتیدند تا بالای یک دیگر غلبه حاصل نمایند
چون در حکومت ویتنام جنوبی به جبهه ویتگانگمها کدام
حق قایل نشدند ویتگانگمها هم در سال ۱۹۵۵ به تشکیل
یک جبهه سیاسی پرداختند و خود را نماینده مردم ویتنام
جنوبی قلمداد کردند.

از طرف دیگر در همین وقت جان فاستر دالس وزیر
خارجة آنوقت ایالات متحده آمریکا مفکوره احاطه کمونیزم

نوشته تورن عبدالمغیث بیدار

را در آسیا وضع نمود زمانیکه حکومت ایالات متحده آمریکا
متوجه این امر یعنی پیشرفت کمونیزم در ویتنام گردید.
پیشتر متوجه ویتنام شد و از همین آوان پای امریکا در جنوب
شرق آسیا کشیده شد در مقابل دو کشور بزرگ سوسیالیستی
اتحاد شوروی و جمهوری مردم چین ویتنام شمالی را که
یک رژیم سوسیالیستی بود برسمیت شناخت و آیزنهاور
رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا نخستین گروه مشورتی
نظامی ایالات متحده آمریکا را برای ترتیب و تنظیم اردوی
ویتنام جنوبی بد آنجا فرستاد.

در سال ۱۹۶۰ که اوج شدت جنگ آید لوزی بین دو
قدرت بزرگ یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی
محسوب میشد بهترین آزمون نگاه برای این دو قدرت بزرگ
ویتنام محسوب شد و عملاً هر دو طرف به طرف ویتنام پیش
از پیش متوجه گردیدند ایالات متحده آمریکا با فرستادن
پرسونل نظامی و مشورتی برای اردوی ویتنام جنوبی
و اتحاد شوروی با فرستادن اسلحه به ویتنام شمالی پرابلم
ویتنام راز حد زیاد و خیم ساختند. در سال ۱۹۶۱ رسماً
قوماندانی نظامی ایالات متحده آمریکا در سیگون تأسیس

و به تعقیب آن دوازده هزار عسکر
زمینی آن کشور در سواحل ویتنام
پیاپی ده شدند بدین ترتیب جنگ های
غیر منظم بین دسته های متخاصم در
ویتنام روز بروز شدت میافت عساکر

ویتنام شمالی ویتگانگمها و عساکر ویتنام جنوبی با
همراهی عساکر امریکائی بالای یک دیگر حملات مسلحانه
مینمودند و در زمان لیندن جانسن جنگ های ویتنام به اوج
خود رسید و در این زمان تعداد عساکر امریکائی در
ویتنام از نیم میلیون نفر بالغ گردید و حملات هوائی و زمینی
نیروهای امریکادر سرزمین ویتنام شمالی روز بروز شدت
گرفت و طیارات عصری بی ۵۲ آمریکا روزانه صدها تن بم
را بالای مناطق مختلف ویتنام شمالی میریخت و در مقابل
عصری ترین را کتهای نوع سام اتحاد شوروی داخل
ویتنام شمالی آورده شد که توسط این را کتهای صدها طیاره
ایالات متحده آمریکا سقوط داده شد.

بدین ترتیب دوره ریاست جمهوری لیندن جانسن هم
نتوانست پرابلم ویتنام را به نفع خویش خاتمه دهد و
انگیزه که نزد جانسن در مورد ویتنام حاصل شده بود

اورا نگذاشت تا خود را باری
دیگر برای احراز کرسی ریاست
جمهوری کاندید کند و از طرفی
هم ذهنیت عامه مردم امریکاراجع
به دوام جنگهای ویتنام منفی بود

اخیر

و طبقه جوان ایالات متحده آمریکا درین مورد حکومت جانسن را خیلی انتقاد میکردند. وقتی ریچارد نکسن بحیث رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا زمام امور را بکف گرفت به ملت آمریکا وعده داد که جنگ های ویتنام را به ترتیبی خاموش خواهد ساخت که به حیثیت ایالات متحده آمریکا لطمه وارد نشود ولی چنانکه دیدیم نامبرده هم نتوانست در دوره اول ریاست جمهوری خویش جنگهای ویتنام را خاموش کند ریچارد نکسن در مورد ارزیابی پرابلم ویتنام بدین نتیجه رسیده بود که باید جنگ های ویتنام از طرح فعلی آن برآمده باید بشکلی تبارز کند که پای آمریکا از آن خارج ساخته شود و طرح ویتنامی ساختن جنگهای ویتنام را بدست گرفت و در عملی کردن آن بسیار سعی نمود اما سودی نه بخشید ولی در مقابل جنگ های ویتنام روز بروز شدت گرفت و حتی در کشورهای دیگر این منطقه مخاصمات زیاد گردید چنانچه در کمبود دیا دامنه جنگهای روز بروز زیاد شد و یکعده عساکر ویتنام جنوبی جهت کمک به عساکر کمبود دیا به آنجا عساکر شدند و قوای ویتنامی نیز به طرف فداری عساکر شهزاده نورودم سها نوک شتافتند. در همین مدت طرف های متخاصم بدین نتیجه رسیدند که پیروزی نهائی در ویتنام توسط قوه و حملات متخاصمانه میسر نیست.

بنابر آن طرف ایالات متحده آمریکا و ویتنام شمالی کنفرانس صلح پاریس را که چندین سال از دایر شدن آن میگذرد فعال ساختند و مذاکرات ثمر بخش و مشمری بین گیسنجر و لید کتو دو شخصیت برجسته ایالات متحده آمریکا و ویتنام شمالی در پاریس شروع شد و مذاکرات این دو تن سالها و ماهها طول کشید اما یک پایان نیک و مفید در بر داشت با قایم شدن یک اوربند در ویتنام یک تراژیدی بزرگ عصر حاضر روبه اختتام است و مهمترین نقطه تشنج در آسیا که سی سال از عمر آن میگذرد از بین میرود و سود سهمی که در راه بهبود روابط قدرتهای بزرگ موجود بود جای خود را به تقاهم و نزدیک شدن روابط میگذارد. بعد ازین قدرتهای بزرگ خواهد کوشیدند تا روابط ذات-البینی خود را بهبود بخشیده و هم خواهد کوشیدند تا پرابلم شرق میانه نیم قاره را که فعلاً صلح جهانی را به خطر افکنده حل و فصل نمایند.

قراریک اطلاع در مصارف جنگی ویتنام از هر دو طرف تقریباً دوصد ملیارد دلار مصرف شده است.

حالا که مشکل ویتنام تا اندازه حل گردیده انتظار عامه جهانیان بطرف شرق میانه متوجه گردید و در جمله مبصرین سیاسی بدین عقیده هستند که اکنون پیش از هر وقت دیگر زمینه حل پرابلم شرق میانه آماده گردیده است و قرار یک خبر شایلی ریچارد نکسن رئیس جمهور ایالات متحده از رسیدن یک دوره بی سابقه صلح در جهان مژده و وعده داده است. اگر چه رئیس جمهور نکسن بصورت

مشخص از صلح در شرق میانه ابراز نظر نکرد اما مبصرین بدین عقیده هستند که حالا پای آمریکا از ویتنام خارج گردیده شاید ایالات متحده سعی کند تا یک صلح پایدار در شرق میانه پدید آید. با حل شدن پرابلم ویتنام اگر چه یک حصه از نراسی های جهان کم گردیده اما در شرق میانه و در نیم قاره پرابلم های حاد متطوقی باقی مانده که با گذشتن هر روز بالای آن امکان یک تصادم شدید بین جانمایی متخاصم دیده میشود.

در همین چند روز گذشته وزرای خارجه و دفاع ممالک عربی جلسه کردند که در این جلسه این وزرا تصمیم گرفتند تا برای رهایی سرزمین های اشغالی خویش از تسلط دولت متجاوز اسرائیل یک پلان مشترک نظامی را بوجود بیاورند تا حال چندین مرتبه نمایندگان عالی کشور های عربی برای توافق نهائی در کویت و قاهره جلسه های متعددی تشکیل داده اند هم چنان وزیرد جنگ جمهوریت عربی مصر برای ممالک عربی اخطار صادر نموده بود که اگر کشورهای عربی برای آزاد ساختن سرزمین های اشغالی اقدام و عمل مشترک انجام ندهند اشغال اسرائیل در سرزمین های عربی برای ابد باقی خواهد بود.

از طرف دیگر مقامات اسرائیلی در این تازه گی ها اعلام نموده اند که اراضی اشغال شده عربی را که در سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل در آمده حفظ خواهند کرد هم چنان انور السادات رئیس جمهور عربی مصر در محضر نمایندگان شورای ملی آن کشور چندی قبل بایک لحن جدی چنین گفت که باید مردم مصر برای یک جنگ دیگر با اسرائیل آماده باشد. در این جا دیده میشود که موقف های دو طرف متخاصم هیچ تغییر نکرده است و کمتر چانس صلح در شرق میانه دیده میشود ولی عین موقف ها در معضله ویتنام در گذشته دیده و هیچ طرف آرزو نداشت تا بطرف مقابل امتیاز بدهد ولی ما دیدیم که پرابلم ویتنام در اثر مساعی دوام دار دو طرف معامله در کنفرانس صلح پاریس حل و فصل شد. هیچ بعید به نظر نمیرسد که در اثر مداخله و فشار دول بزرگ مشکل شرق میانه مانند جنوب شرق آسیا حل و فصل نگردد.

کشور اسرائیل همین اکنون سعی و تلاش میورزد تا با همسایه های عربی خود بطور جداگانه معامله نماید. کشور اسرائیل که از دور ساختن کشور اردن از پالیسی عمومی ممالک عربی امتیازاتی بدست آورد الحمال آرزو دارد تا با کشور مصر بر سر مسأله کانال سویز به موافقه برسد. و از طرف دیگر کشور اسرائیل اطمینان دارد که قبلاً ممالک عربی هیچ حاضر نیستند تا با اسرائیل بجنگند چنانچه یک مقام رسمی اسرائیل اعلام داشته بود که اگر کشور مصر آرزو داشته باشد تا پرابلم شرق میانه بصورت مسالمت آمیز حل و فصل گردد باید از لیبیا خود را دور نگاهدارد. کشور لیبیا بعد از الجزایر اولین

کشور عربی است که طرفدار جدی حملات مسلحانه در شرق میانه می باشد چنانچه موضوع اقدام مسلحانه را زعمای کشور ایبیا در تمام نطق های رسمی و غیر رسمی خویش یاد میکنند

شاغلی ریچارد نکسن رئیس جمهور ایالات متحده که کاندید جایزه نوبل برای سال ۱۹۷۳ گردیده در مدت ریاست جمهوری خویش که برنامه های بزرگی برای برقراری صلح در جهان نموده است که بهترین مثال های آن نزدیک شدن روابط شرق و غرب مسافرت به جمهوری مردم چین و اتحاد شوروی و در نهایت حل پرابلم ویتنام میباشد الحال که تازه شاغلی نکسن به دوره دوم ریاست جمهوری خویش شروع نموده سعی و تلاش خواهد کرد تا معضله شرق میانه را در دوره باقیمانده کار خویش حل و فصل نمایند چه همین مدت باقیمانده امور ریاست جمهوری آخرین برنامه های سیاسی رئیس جمهور را تشکیل خواهد داد و قرار قانون اساسی ایالات متحده برای بار سوم هم خود را برای احراز کرسی ریاست جمهوری کاندید کرده نمیتواند و دیگر احتیاج هم ندارد که یهودان مقیم ایالات متحده برایش رای بدهند بنا بر همین دلایل شاید رئیس جمهور امریکا بالای اسرائیل فشار وارد خواهد کرد تا پلان را جزو مقامات اسرائیل قبول کنند پلان را جزو که چند سال از آن سپری میشود از طرف ممالک عربی قبول شده ولی کشور اسرائیل نا حال آنرا قبول نه نموده است و اگر در آینده باز هم اسرائیل از قبول آن سر باز زند گمان میرود که حکومت فعلی ایالات متحده از کمک های بیشتر به اسرائیل خودداری ورزد. و در نهایت مرحله چنین فکر میشود که شاید شاغلی ریچارد نکسن رئیس جمهور ایالات متحده چنان پلانی برای حل پرابلم شرق میانه وضع کند که حالت موجوده را در شرق میانه تغییر بدهد این تغییر شاید به نحوی صورت گیرد که در آن حقوق قسمی ممالک عربی دوباره احیا شود و هم اسرائیل از آن زیاد متضرر نشود و بقای اسرائیل در منطقه شرق میانه حفظ گردد.

اگر چه از بحران جنگ در نیم قاره قریب مدت یکسال سپری میشود اما تا هنوز پرابلم این منطقه لاینحل باقی مانده و مساعی جانب های ذیدخل که در همین مدت صورت گرفته یکدام نتیجه قناعت بخشی نرسیده است. حکومت بنگله دیش تا حال از طرف پاکستان بر سمیت شناخته نشده و یکصد هزار امیر جنگی پاکستان تا هنوز در هند وستان بسر میبرند و حکومت فعلی پاکستان حالا از داخل و خارج با یک سلسله پرابلمها مواجهه میباید.

نخستین پرابلم فعلی پاکستان بر گردانیدن اسیران جنگی از هند وستان میباشد و حکومت پاکستان سعی و تلاش میکند تا این اسیران جنگی را مطابق میثاق ژینوویه پاکستان برگرداند اما حکومت هند میگوید که برگردانیدن ورها ساختن اسیران پاکستانی تنها و تنها مربوط به

هند نیست باید در رهاساختن این اسیران موافقت حکومت بنگله دیش نیز شامل باشد و این امر در صورتی ممکن شده میتواند که حکومت پاکستان، حکومت بنگله دیش را بر سمیت بشناسد. کورت و الد هایم سرمنشی ملل متحد نیز راجع به مشکلات نیم قاره قمری به پاکستان، بنگله دیش و هندوستان نمود و با سران هر یک از این کشورها راجع به پرابلم نیم قاره مذاکره و مقابله نمود. و قرار یک خبر سرمنشی ملل متحد در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که برای توافق مشکلات نیم قاره رهبران این ممالک نظریات نیک دارند و با کمی تعمق و سعی شاید این مشکلات بزودی رفع گردد.

ذوالفقار علی بوتو رئیس جمهور پاکستان شخصاً خودش این آرزو را دارد تا حکومت بنگله دیش را بر سمیت بشناسد اما عده از مردم پاکستان یا بر سمیت شناختن بنگله دیش موافقت ندارند و هم حکومت پاکستان در موسسه ملل متحد با عضویت بنگله دیش موافقت ندارد چنانچه برای تأیید موفق پاکستان عضویت بنگله دیش را جمهوری مردم چین که یکی از اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد میباشد رد نمود. و جمهوری مردم چین اعلام داشت تا زمانی که مخالفت خود در این زمینه ادامه میدهد که حکومت پاکستان بنگله دیش را بر سمیت بشناسد و موضوعات ذات البیتی در نیم قاره بین زعمای آن کشور حل گردد.

پرابلم دیگر پاکستان نا آرامی های داخل پاکستان میباشد چنانچه در این اواخر رادیو پاکستان اعلام داشت که از سفارت عراق مقیم پاکستان اسلحه قاچاقی کشف شده و بدین مناسبت حکومت پاکستان از سفیر و آتشه نظامی سفارت عراق بصورت رسمی مطالبه نمود که هر چه زودتر خاک پاکستان را ترک گویند و هم سفیر خویش را از کشور عراق به پاکستان بازخواند که در مقابل مقامات عراقی اعلام داشتند که به سفیر پاکستان اجازه داده نخواهد شد که به عراق بیاید فعلاً و باطد و کشور عراق و پاکستان با هم خیلی تیره شده است هم چنان مشکل دیگر پاکستان تسوید قانون اساسی میباشد و حزب مردم آرزو دارد تا هر چه زودتر آنرا از پارلمان بگذرانند اما اعضای حزب مخالف در تسوید آن موافقه ندارند و بعضی تعدیلاتی را در آن خواهانند.

بر طرفی والیان بلوچستان و پشتونستان محکوم! ز طرف مقام ریاست جمهوری مشکلی دیگر است که اوضاع را در این منطقه خیلی متشنج گردانیده و قرار ابلاغیه هائیکه از طرف زعمای احزاب عوام ملی و جمعیت العلمای اسلام درین باره صادر شده این روش ذوالفقار علی بوتو را شدیداً تقبیح نموده و اضافه ساختند که رئیس جمهور بوتو با این عمل خویش خلاف تمنیات مردم این منطقه حرکت کرده و بیخس از پیش اوضاع را در این منطقه متشنج ساخته اند تا حال معلوم نیست که رهبران پاکستان برای حل این مشکلات خویش کد ام راهسی را انتخاب خواهند کرد.



رو نالد - ای - ایوانز
پیلوت سفینه فرماندهی



تور هر یسن - اچ شمیت جیو لوژیست ،
پیلوت سفینه مانهورد چلنجر



یو جین سرنان قوماندان
اپولوی ۱۷

سفینه اپولوی ۱۷ بحیث آخرین سلسله اپولوها مسافرت خود را در کره ماه پایان بخشید

دسمبر ۱۹۶۸ توسط اپولوی ۸۱ صورت گرفت و اولین فرود انسان بر سطح ماه توسط اپولوی ۱۱ در ماه جولای ۱۹۶۹ انجام یافت .

سفر اپولوی ۱۷ بعد از آنکه سفینه چلنجر برای مدت سه روز، سه ساعت و یکدقیقه بر سطح ماه ماند بتاريخ پنجشنبه ۱۹ دسمبر مطابق ۲۸ قوس ۱۳۵۱ خاتمه یافت و طی آن تحقیقات مفید علمی صورت گرفت . در اینجا صحنه از تمرینات فضا نوردان رادر کره ماه که در حالات مشابه در زمین صورت گرفته از نظر شما میگذرانیم .

(بقیه در صفحه ۱۵۹)

یو جین سرنان و هر یسن شمیت سفینه ماه نشین موسوم به چلنجر را در کره ماه فرود آوردند و دو نالد ایوانز در محفظه قوماندانی باقی ماند .

ماموریت اپولوی ۱۷ که ششمین فرود آمدن انسان بالای سطح کره ماه بود ۱۳ روز رادر بر گرفت که این طویل ترین و بطور علمی مفیدترین ماموریت فضائی در سلسله تفحصات مانهوردی توسط انسان بود که در چار سال گذشته صورت گرفته است . اپولوی ۱۷ چهل و پنجمین پرواز کیهانی با انسان در جهان و بیست و هفتمین برای امریکا بود ، اولین پرواز انسانی دوره کره ماه در ماه

اپولوی هفده شب پنجشنبه ۱۶ قوس ۱۳۵۱ مطابق ۷ دسمبر ۱۹۷۲ به نحو خیلی مطلوب و نهایت دراماتیک نسبت بتمام ماموریت های فضائی پرتاب گردید .

پرتاب اپولوی ۱۷ پنج دقیقه و پنجاه و دو ثانیه رادر برگرفت . سرعت سفینه اپولوی هفده بلافاصله از هفده هزار به ۲۴۰۰۰ میل بحری فی ساعت افزایش یافت . با پرتاب اپولوی هفده تمام درامه عصر اپولو خاتمه یافت . پرتاب اپولو را تقریباً پنجاه میلیون نفر در ساحه هشت صد کیلومتری دیده میتوانستند ، میلیونها نفر دیگر این صحنه را از طریق تلویزیون تماشا کردند .

مسافرت به



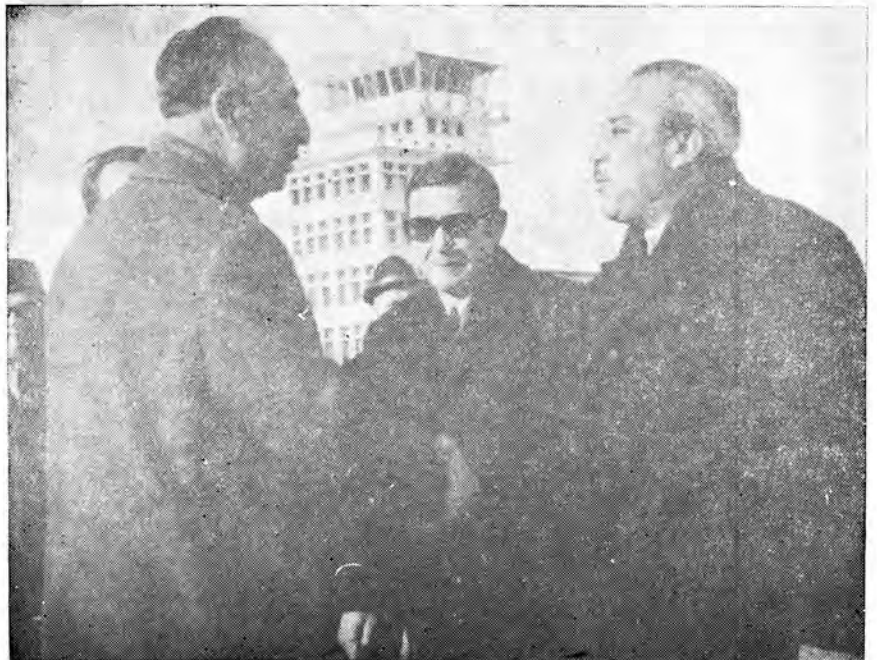
جلالت‌آباد وزیر دفاع ملی حین وداع در میدان
هوایی بین‌المللی کابل

اتحاد

شوروی

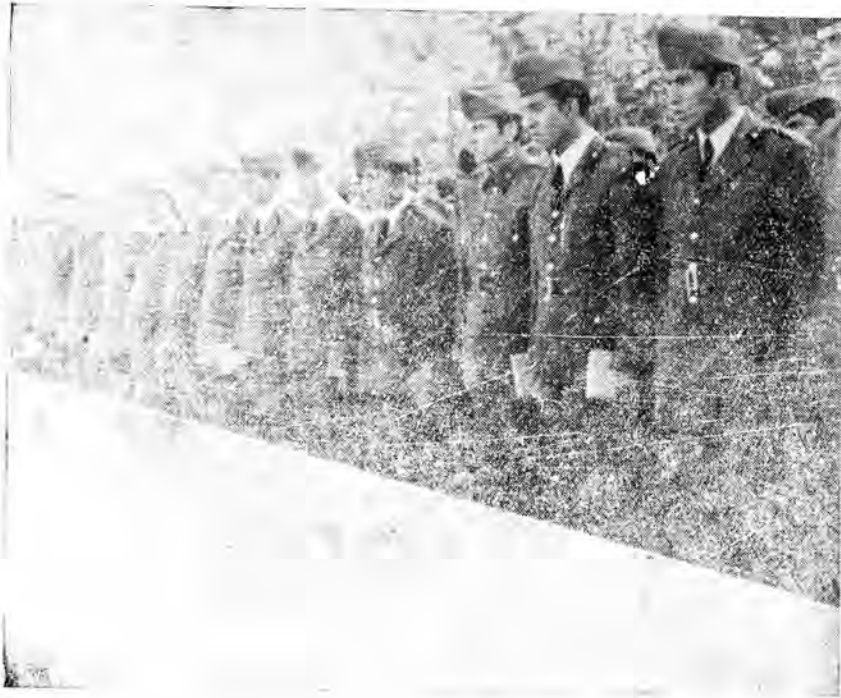
ستر جنرال خان محمد خان وزیر
دفاع ملی ساعت ۹-۰۰ روز دوشنبه
۱۸/۱۰/۱۳۵۱ بد عوت مارشال
آندری گریچکو وزیر دفاع اتحاد
شوروی عازم آنکشور شدند.

دکتور نعمت‌الله پژواک وزیر
داخله، دگر جنرال غلام فاروق لوی
درستیز، عده‌ای از جنرالهای اردوی
شاهانه، سفیر کبیر و آتشه نظامی
سفارت کبرای اتحاد شوروی مقیم
کابل برای وداع در میدان هوایی
بین‌المللی کابل حاضر بودند.



ستر جنرال خان محمد وزیر
دفاع ملی هنگام وداع با دکتور
نعمت‌الله پژواک وزیر داخله

توزیع مدالها جوایز و شهادتنامه های پوهنځی هوایی کورس (ب) و ښوونځی هوایی



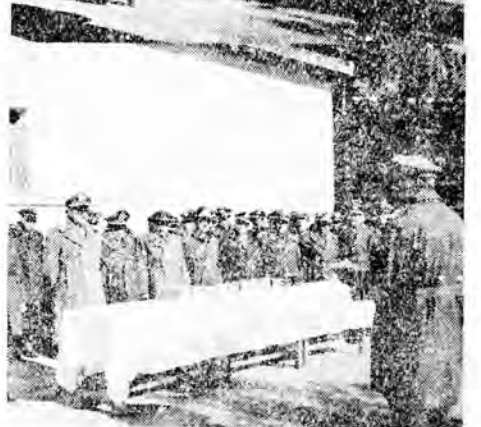
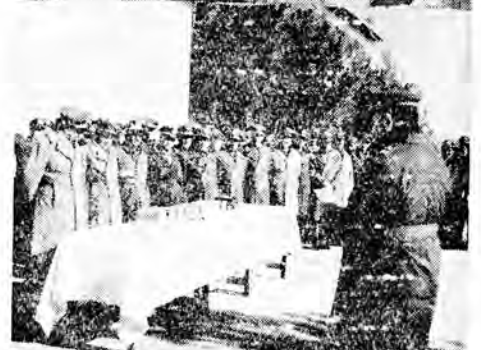
د ګر جنرال لوی درستیز بانان
توصیه کردند تا ساط بق پیمانسی
و عهدی که هم اکنون یا خدا، وطن
و شاه بسته اند همیشه و تا پایان عمر
فداکارانه و قهرمانانه در تعمیم
و ادای آن وظیفه خود را انجام
داده و از پیش بپرند.

د ګر جنرال غلام فاروق از مساعی
و فعالیت قوماندانی عمومی هوایی
قوماندانی پوهنځی و هیأت تدریسی
و اداری یاد آوری نموده و از ایشان
تشکر کردند.

ایشان در اخیر بمانیه خویش
مؤقتیت ها و پیشرفت های مزید اردوی
شاهی افغان را تحت قیادت و رهنمائی
های خردمندانه اعلیحضرت معظم
همایونی سر قوماندان عالی اردو

شهادتنامه ها، مدالها و جوایز
فارغان پوهنځی هوایی، کورس (ب)
و ښوونځی هوایی مرانی ساعت ۳۰-۱۴ چهار
شنبه ۱۳۵۱/۱۱/۱۱ توسط د ګر جنرال
غلام فاروق لوی درستیز، قوماندانی
پوهنځی هوایی با ایشان توزیع و تفویض
گردید.

درین هنگام د ګر جنرال لوی
درستیز خطاب بفارغ التحصیلان این
مؤقتیت را بانها تبریک گفته و از
نقش عمده که در راه دفاع از حاکمیت
ملی و تمامیت ارضی کشور بعهده
شان قرار میگیرد یاد آوری نمود،
خواستگار گردیدند تا برای اكمال
بیشتر معلومات علمی و عملی باز هم
به مطالعه و فعالیت های آموزشی
خویش دوام بدهند.



➔ دگر جنرال لوی درستیز حین
ایراد بیانیه در محضر فارغان



فارغان پوهنځی هوایی و پښوونځی
طوریکه معلومات مساکمی و عمومی
را آموخته اند. و عنقریب در قطعه
مستقلا و عملا تطبیق مینمایند. درس
ایثار و فد اکاری را نیز فرا گرفته
اند در هر نوع شرایط مشکل حیات
حویش را در راه وطن و وظیفه قربانی
نمایند.

قبل از آن ساعت ۱۳-۰۰ مراسم
تجایف اجرا شد و در اخیر محفل
لوی سلامی نیز انجام یافت.

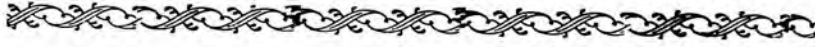
در مراسم مذکور عده از جترالهای
اردوی شاهانه، مشوین قوماندانی
عمومی هوایی و مدافع هوایی، هیأت
های تدریسی و اداری پوهنځی هوایی
و پښوونځی هوایی اشتراک ورزیده
بودند.

تمنا نمودند.

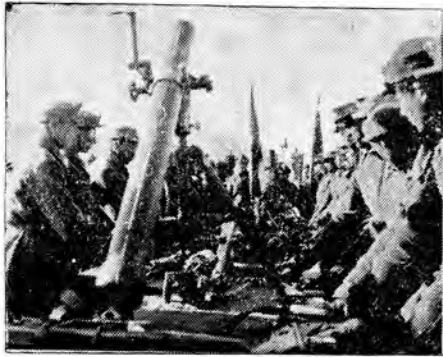
در آغاز مراسم برید جنرال گلپهار
قوماندان عمومی هوایی و مدافع
هوایی ضمن بیانیه خیر مقدم خویش
اظهار نمود که پوهنځی هوایی هر سال
یک تعداد ضابطان و خورد ضابطان
جوان را برای قطعات مدافع هوایی
در بیه میگذارد و منظور خدمت به اردوی
شاهی افغان مرتباً تقدیم مینماید.

برید جنرال محمد الحق قوماندان
پوهنځی نیز طی بیانیه خویش از
تشریف آوری حضار اظهار سپاسگزاری
نموده معلومات مفصل راجع به
چگونگی تدریس کورس (ب)، پوهنځی
هوایی و پښوونځی هوایی ارائه نموده
افزود:

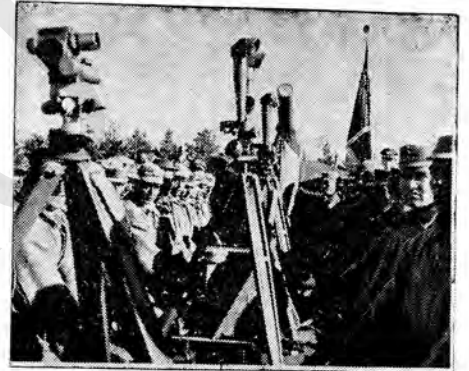
مراسم تحلیف



ساعت ۰۰۰ - ۱۴ روز یکشنبه
 ۱۵/۱۰/۱۰ مراسم تحلیف افراد
 جدید الورد قطعات مختلف فرقه نمبر ۷
 در حالیکه برید جنرال ارکان حرب
 محمد یونس قوماندهان فرقه،
 نمایندگان قول اردوی مرکزی و
 قوماندانان قطعات حضور داشتند
 طی مراسم خاصی اجرا شد، قرار معلوم
 در سایر فرقه ها و قطعات نیز چنین
 مراسمی بعمل آمده است. در اینجا چند
 صحنه از این مراسم به نظر شما
 میرسد.



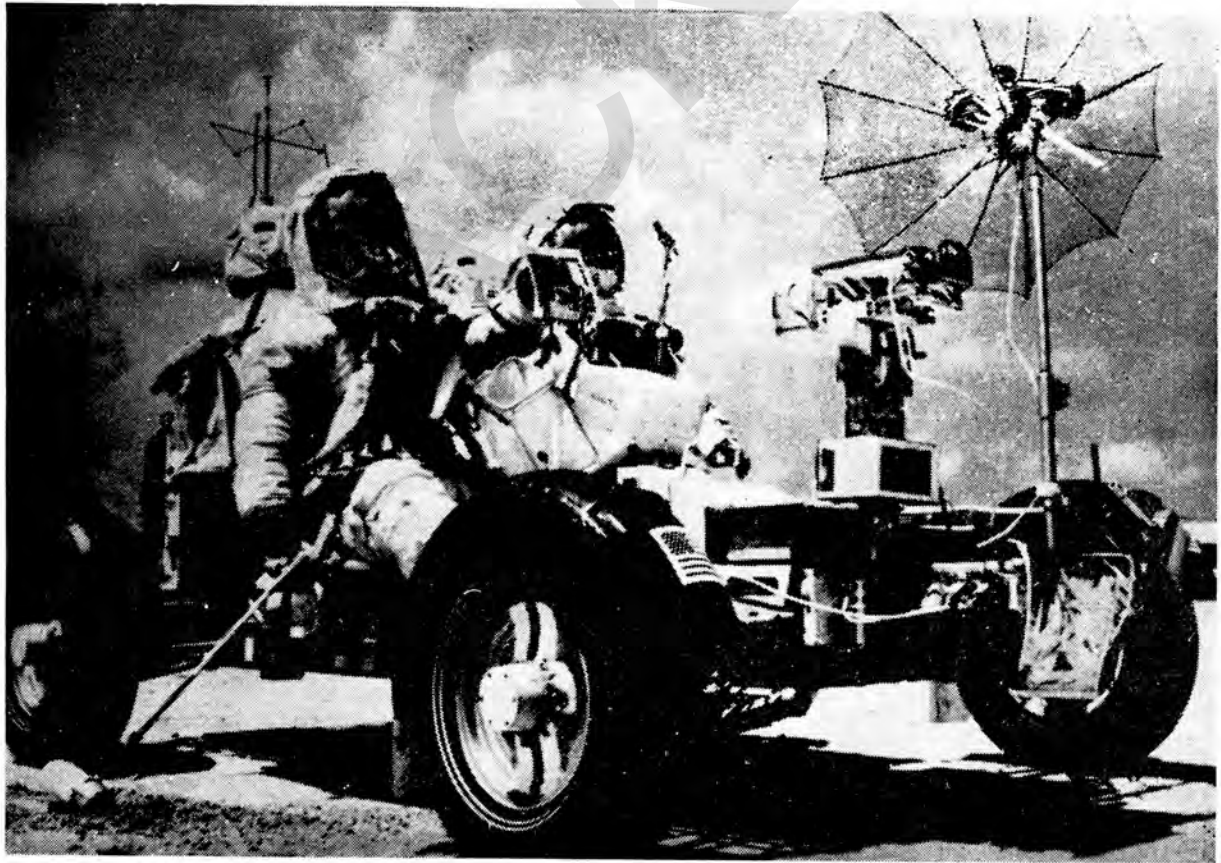
مراسم تحلیف در
 فرقه های ۸ و ۷



قوماندان فرقه ۷ در حال
 ایراد بیانیه



پرتاب در تاریکی . در اولین شب پرتاب سفینه فضائی امریکا - اپولوی ۱۷ از کیپ کنیدی به فضا پرتاب گردید .
شعله های قشنگ راکت سترنوی تا تقریباً ۸۰۰ کیلومتر قابل دید بود .



در حال تمرین ، فضا نوردان اپولوی نهمه هریسن شمت طرف چپ و یوجین سرنون در حال تمرین برداشتن خاله از سطح
کره ماه و همچنان تمرین راندن عراده مخصوص موسوم به (لونا) که قبل از پرتاب اولو در حال تمرین دیده میشوند
در کیپ کنیدی مرکز تحقیقاتی فضائی در فلوریدا (۱۵۹)



مرحوم برید جنرال میرزا خان (وزیر)

مرحوم برید جنرال میرزا وزیر

حالت شان شده بود از طرف وزارت دفاع ملی به امید اعاده صحت شان به هند اعزام شده بود متأسفانه مساعی دو کشوران معالجه نتیجه نداده به تاریخ ۱۳ جلدی ۱۳۵۱ در شفاخانه عسکری هند به عمر ۷۷ ساله گئی پلرود حیات گفت نشان‌هایی که اخذ کرده است:

- ۱- نشان خدمت نکلی.
 - ۲- نشان خدمت.
 - ۳- مدال ورتیا برتزا.
 - ۴- مدال ورتیا نکلی.
 - ۵- نشان استوردرجه چهار.
 - ۶- مدال ورتیا نکلی.
 - ۷- نشان بریال درجه (۲)
 - ۸- نشان بریال درجه اول ستاره کوچک.
 - ۹- مدال رشتین نکلی
 - ۱۰- نشان بریال درجه اول
 - ۱۱- مدال ورتیا مطلا
 - ۱۲- نشان بریال درجه (۳)
- وزارت دفاع از فوت جنرال وزیر که یکی از صاحب‌منصبان جوان لایق و صادق اردوی شاهمی بودند تا اثرات عمیق خود را ابراز داشته و آن را ضایعه برای اردو میدانند از خداوند بزرگ برای مرحومی طلب مغفرت و به باز ماندگان شایسته تبریکات میجویند.

اوردتس. در سنه ۱۳۳۹ در بست فوای فمدهار تبدیل و در سنه ۱۳۴۰ به رتبه نگر می ترفیع و در بست قول اردوی مرکزی داده شد و در سنه ۱۳۴۱ غرض تحصیل عالی ارکانا تجربی به برتبه اعزام و از نادسی تجربی برتبه موفقتی نشاء و در سنه ۱۳۴۳ بعد از ختم تحصیل به وطن عودت و در بست ریاست تعلیم و تربیه مقرر گردیدند.

در سنه ۱۳۴۴ برتبه نگر والی نایل و در سنه ۱۳۴۹ به رتبه رفیعند برید جنرال ارتقا جسته و بحیث کفیل ریاست کشف مقرر شده است.

جنرال موصوف یک شخص نهایت زحمت کش و ساعی بوده و در تمام دوره های وظيفه داری در هر وظيفه تحولات و اسباب مفیدی در امور محوله به میان آورده و ابتکاراتی در کار از خود نشان میداد.

چندین اثر و تعلیمات با ارزش بوجود آورده که همه آنها اکنون در اردو موجود است. اسفاده میباشند. مرحوم میرزا خان وزیر چندین مراتب شرف همکارایی حضور اعلیحضرت عمایونی را بحیث یاور و یار سفرهای رسمی بخارج داشتند. جنرال موصوف درین اواخر نظر به مریضی که عاید

برید جنرال میرزا خان (وزیر) در سنه ۱۳۰۴ در مرغه وزیرستان تولد یافته در سنه ۱۳۱۳ به مکتب احضار به بعداً به مکتب رشادیه شامل و در سنه ۱۳۲۴ از مکتب حریمه برتبه وکیل ضابطی خارج در بست حریمی نیوونمی مر بوطه قوماندانی فوایمرکز مقرر گردیده. در سنه ۱۳۲۴ برتبه دریم بریدستی و به عین سال برتبه دوهم بریدستی ترفیع در سنه ۱۳۲۵ غرض تحصیل به هند اعزام شده در سنه ۱۳۲۷ برتبه لمپی بریدستی نائل و از بست فوایمرکز منفک در بست ریاست اردو تبدیل شده است. در سنه ۱۳۲۸ در بست قول اردوی جنوبی مقرر و در سنه ۱۳۲۹ برتبه ثورنی نایل در سنه ۱۳۳۰ بنا بر ابراز لیاقت غرض تحصیل عالی به برتبه اعزام بعد از عودت بوطن در سنه ۱۳۳۳ برتبه جگتورنی ترفیع نموده در بست قوماندانی فوایمرکز مقرر شده است. که درین دوران خدمت به اخذ چندین مکافات افتخار حاصل نموده اند در سنه ۱۳۳۵ برتبه جگتورنی نائل و در سنه ۱۳۳۶ به کفالت مکتب خورده ضابطان مقرر و در امور اداری تدریسی مکتب تحول قابل ملاحظه به وجود

خلص سوانح مرحوم حبیب الله دگروال متقاعد



مرحوم حبیب الله

جمله هیئت تالیف وترجمه وزارت دفاع ملی مقرر شده و در سال ۱۳۳۵ به حیث مدیر - شعبه سوم و سلتون مؤظف گردیده در سال ۱۳۳۷ بحیث آمر تفتیش آبی شمال مقرر گردیده در سال ۱۳۳۷ به رتبه دگروالی تر فیعاً ارتقا جسته است . حسب اصولنامه تر فیع و تقاعد در سال ۱۳۴۱ به افتخار تقاعد نایل گردیده است . نشان های که در ادوار ما موریت خویش اخذ نموده است :-

- ۱- نشان ورتیا
- ۲- نشان ریشترین نکلی

باتاسف اطلاع گرفته ایم مرحوم حبیب الله دگروال متقاعد - با اثر مریض یکه از چندی عاید حالش بوده به عمر (۶۶) سالگی بتاريخ ۱۳-۱۰-۵۱ داعی اجل رالیک گفته پدرو د حیات نمودند .

وزارت دفاع ملی از فوت مرحومی که یک تن از صاحب منصبان سابقه دار ولایتی و زحمت کش اردو بوده متأثر و متالم گردیده برای مذکور طلب مغفرت و برای باز ماندگانش صبر جمیل میخواهد .

قول اردوی مرکزی داده شده و در سال ۱۳۲۱ برتبه چکونی تر فیع نموده به دیوان حرب - وزارت دفاع ملی وظیفه دارو تعیین بست گردیده بعداً به حیث قوماندان کندک غند توپچی فرقه مشرقی مؤظف گردیده در سال ۱۳۲۶ در بست ریاست حربی وظیفه دار گردیده در سال ۱۳۳۰ برتبه دگرومنی تر فیع نموده بعداً به قوماندانی غند توپچی قوای جنوبی مقرر گردیده در سال ۱۳۳۴ در

مرحومی در سال ۱۳۸۵ - شمسی در قلعه حسن خان شیوه کی تولد یافته بعد از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۸ به قطعه سرسروسی اعلیحضرت شهید سعید شامل و در سال ۱۳۱۲ به تعلیم گاه توپچی شامل و بعد از فراغ تحصیل بحیث تورن بداخل اردو نشئت و در سال ۱۳۱۴ به حربی پوهنتون شامل بعد از فراغت حربی پوهنتون به فرقه توپچی مؤظف گردیده و در سال ۱۳۱۸ در بست قوماندانی

ماشین کشف کننده دروغ اختراع گردیده است

آژانس باختر ضمن یک خبر علمی به تاریخ ۲۹ دلو ۱۳۵۱ خبر داد که دانشمندان انستیتوت ویزمن اخیراً ماشین جدیدی را بنام ماشین کشف کننده دروغ تهیه نموده اند که بدون اطلاع -تهم آله مذکور دروغ وی را ثبت نموده و کمک زیادی با مقامات پولیس میسپاید .

دانشمندان مذکور ادعا نموده اند که آله اختراع شده جدید شان

مذکور بعد از تماس به جسم شخص در باره بر میگردد و به اینصورت اشعه وارده تعمیرات عصبی ای را که در سیستم اعصاب شخص رونما گردیده ثبت مینماید .

بعد از آن تحقیق کننده اشعه برگشت را با یک تعداد نمونه هائیکه در کنار شان قرار دارد مقابله و مقایسه نموده و دروغ را از راست تفریق مینمایند .

تاکنون ۲۵۰ نفر تحت آزمایش این ماشین قرار گرفته و نتایج حاصله مثبت و قناعت بخش است .

مزیت بیشتری نسبت به ماشین های کشف کننده دارد که بنام ماشین پولی گراف یاد میگردد در برابر استفاده از ماشین جدید استعمال کنندگان آن ضرورت به بصیب الکترونها در جسم شخص مورد آزمایش حس نه نموده و از طریق سیستم عصبی نورمال وی دروغش را برملا و ماش میسازند .

طرز استعمال ماشین جدید طوریت که یک مقدار اشعه از ماشین کشف دروغ بطرف شخص تحت تحقیق ارسال گردیده و اشعه

سوانح مرحوم محمد کبیر



دگر وال متقاعد

مرحوم محمد کبیر در سال ۱۲۸۱ شمسی در مراد خانی کابل تولد یافت و پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۱ به کاتبی فرقه اول مقرر و بعداً در ریاست ارکان حربیه (ستر درستیز) موظف شده است.

موصوف در سال ۱۳۰۷ به سر کاتبی مدیریت مامورین وزارت حربیه مقرر و در سال ۱۳۱۱ شامل تعلیمگاه پیاده شده و در سال ۱۳۱۲ ازد و در دوم تعلیمگاه فارغ و بصفت صاحب منصب در فرقه قطغن و بدخشان مقرر گردیده که

مرحوم محمد کبیر دگر وال

با کمال تأسف اطلاع گرفتیم که دگر وال موصوف در اثر مرضی عایده بعمر هفتاد سالگی داعی اجل را لبیک گفته پدر و دحیات نموده است.

وزارت دفاع ملی از فوت دگر وال مرحوم که یکن از صاحب متعبان سابقه دار اردو بوده و در زمان وظیفه داری خویش فعالیت و زحمات قابل قدر نموده سائ و متألیم گردیده از بارگاه ایزدی برای مرحومی طلب مغفرت و برای بازماندگان نش صبر جمیل میخواهد.

۳۵ فرقه مشرقی و بعداً در غنند توپچی فرقه مذکور اجرای وظیفه نموده و سپس بمدریت شخصیم قوماندانی قول اردوی مرکزی موظف شده است.

مرحوم محمد کبیر در سال ۱۳۲۸ بعد از ترفیح به رتبه دگر والی بحیث رئیس دیوان حرب قول اردوی مرکزی مقرر و در سال ۱۳۲۹ بحیث مدیر مکلفیت ولایت قطغن موظف شده و در سال ۱۳۳۱ حسب ایجاب اصولنامه ترفیح و تقاعد عسکری بد افتخار تقاعد تایل گردیده است.

در عین سال بحیث درستیز وال فرقه مذکور مؤظفیت یافته است.

مرحومی در سال ۱۳۱۴ به کندیک اول غنند اول پیاده مقرر شده و در همان سال مجدداً بصفت درستیز وال فرقه عز تقرر حاصل کرده است. وی در سال ۱۳۱۷ بحیث قوماندان کندیک فرقه متذکره و در سال ۱۳۲۰ پس از شمولیت در کورس عالی بوکالت غنند فرقه مشرقی تبدیل شده در سال ۱۳۲۲ به رتبه دگر منی ترفیح کرده است که در سال ۱۳۲۴ به غنند

سوانح مرحوم درگل دگر من اعزازی

بالاخره به یاسن خدمت آن در جمله صاحب منصبان اعزازی پذیرفته شده و با خدیشان صداقت نایل آمده است. با کمال تأسف اطلاع گرفتیم که دگر من موصوف در اثر مرضی عایده بعمر هفتاد و شش سالگی داعی اجل را لبیک گفته پدر و دحیات نمود. وزارت دفاع ملی از فوت دگر من درگل که یکن از صاحب متعبان سابقه دار اردو بود متاثر و متألیم گردیده از بارگاه ایزدی برای مرحومی طلب مغفرت نموده و بیازماندگان نش صبر جمیل میخواهد.

مرحوم درگل در سنه ۱۲۷۵ شمسی در میرز که ولایت بکنیا تولد یافت و در سال ۱۲۹۸ به تحت قیادت اعلیحضرت شهید سعید در عهد استقلال شرکت نموده است که در اثر خدمات شایسته در سال ۱۳۰۸ به رتبه چرنیل ملکی سرافراز گردیده است.

مرحومی در سال ۱۳۰۹ در اثر ابراز لیاقت در محاربات پیوار قطغن و بدخشان و محاربات سمت شمالی در اثر فرمان ۹۱۲؛ تاریخی ۱۳۰۹/۸/۲۸ در کار اردو شامل و به رتبه دگر منی سرافراز گردیده



مرحوم درگل

دملی دفاع وزارت - ستر درستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

مجله اردو (نشریه ماها نه)

سال پنجاه و دوم
جدی و دلو ۱۳۵۱

نمبر سلسل: ۶۱۰ و ۶۱۱
شماره: دهم و یازدهم

شرح اشتراك:

سالانه برای صاحب منصبان و اشخاص ملکی:

= ۱۵۰ - افغانی

قیمت فی شماره:

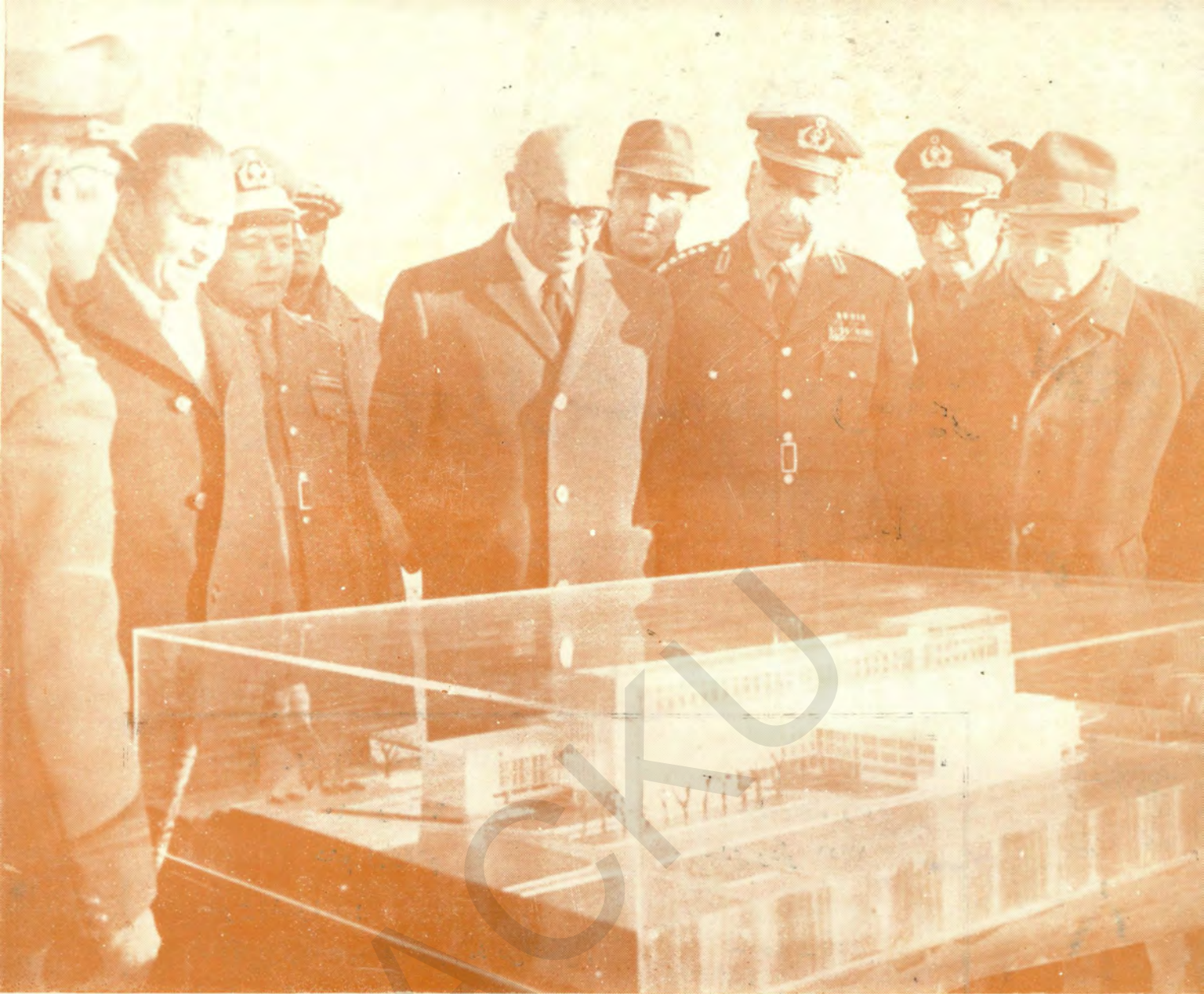
= ۱۲/۵۰ - افغانی

۷۰۹۰۱

نمبر حساب در افغانستان بانک:

آدرس: - مجله اردو - مطبعه دفاع ملی - کابل - افغانستان

نمبر تلفون مدیر مجله: ۲۳۲۰۸



اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی سر قوماندان اعلیٰ اردوی شاہی افغانستان ہنگامیکہ ما کت شفاخانہ مرکزی اردورامشاہدہ میفرمایند .

AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

Address: URDU MUJELLA, Military Press, Kabul,
Afghanistan

Tel: 24574 & 23208

Subscription rate for foriegners & abroad = 15US. dollars

Volume, 52, Serial No , 610 & 611 Number , 10 & 11

Jan. & Feb. 1973